

برنامه برنامه

پرونده ۵۰۰ ناقض حقوق بشر

جلد اول

عدالت برای ایران

چهره‌ی جنایت

پرونده‌ی ۵۰۰ ناقض حقوق بشر

جلد اول

عدالت برای ایران

Justice
For Iran
عدالت برای ایران

چهره‌ی جنایت
پرونده‌ی ۵۰۰ ناقض حقوق بشر، جلد اول
عدالت برای ایران
چاپ اول، فروردین ۱۳۹۸
صفحه‌آرایی: کتاب آیدا، آلمان

ISBN 978-3-981974-71-3

کلیه حقوق ناشی از مالکیت معنوی
این اثر متعلق به عدالت برای ایران است.
نقل قول و استفاده از محتوای این کتاب با ذکر منبع آزاد است.
هرگونه استفاده تجاری از این اثر تنها
با اجازه‌ی کتبی عدالت برای ایران مجاز است.

وبسایت: www.justice4iran.org
پست الکترونیکی: info@jfingo.org

فهرست

۱۰۹	بهرام حسینی مطلق	۵	پیش‌گفتار
۱۱۱	سید علی خامنه‌ای	۱۱	محمدجواد آذری جهرمی
۱۲۱	قربان‌علی دری نجف‌آبادی	۱۴	سید علیرضا آوایی
۱۳۰	علی رازینی	۱۹	محمدحسین احمدی شاهرودی
۱۳۶	داوود رحمانی	۲۴	سعید اسدی
۱۴۵	عبدالرضا رحمانی فضل‌ی	۲۷	حسین اشتری
۱۴۸	حسین رحیمی	۳۰	مرتضی اشراقی
	محسن رضایی (سبزوار رضایی)	۳۴	جاوید امانی
۱۵۰	میرقائد	۳۸	محمد ایمانی یامچی
۱۵۹	علی رضوان‌منش	۴۱	حسن بابایی
۱۶۱	غلام‌علی رضوانی	۴۶	مصطفی برزگر گنجی
۱۶۳	غلامحسین رضانی	۴۹	علی محمد بشارتی جهرمی
۱۶۸	حسن روحانی	۵۵	محمد کاظم بهرامی
۱۷۴	سید ابراهیم رئیسی	۵۷	مصطفی پورمحمدی
۱۸۰	اصغر زارعی	۶۲	یحیی (عباس) پیرعباسی
۱۸۲	محمدعلی زنجیره‌ای	۶۶	مجید تراب‌پور
	محمدحسین زیبایی نژاد	۷۰	مرتضی تمدن
۱۸۵	(حسین نجات)	۷۳	مرتضی تورگ (تورک)
۱۸۸	سید محمود ساداتی	۷۸	اسدالله جعفری
۱۹۱	محمود سالارکیا	۸۲	رضا جعفری
۱۹۵	محمد سرافراز	۸۸	رسول جلیلی
۲۰۰	سهراب سلیمانی	۹۱	یدالله جوانی
۲۰۲	حسین شریعتمداری	۹۴	محمد صالح جوکار
۲۱۰	محمد صادقی	۹۷	علی چهارمحالی
۲۱۵	رضا صرامی		عزیز حاج‌محمدی (نورالله)
۲۱۸	غلامرضا ضیائی	۱۰۰	عزیزمحمدی)
۲۲۰	حسین طائب	۱۰۴	محمد رضا حبیبی
۲۲۸	سید جلال طباطبایی		سید محمد حجازی (سید محمد
۲۳۰	حسین طلا	۱۰۷	حسین زاده حجازی)

۳۴۵	غلامرضا منصوری	۲۳۴	محمود عباس زاده مشکینی
۳۴۷	سید محمدرضا موالی زاده	۲۳۷	کیومرث عزیزی
۳۴۹	محمد موحدی آزاد	۲۳۹	عبدالعلی عسگری
۳۵۳	سید رضا موسوی تبار	۲۴۱	سید محمود علوی
۳۵۷	میرحسین موسوی	۲۴۶	حمیدرضا عمادی
۳۶۳	حسین موید عابدی	۲۵۰	محمدقاسم عین‌الکمالی
۳۶۹	سید علی اصغر میرحجازی	۲۵۲	غلامحسین غیب‌پرور
۳۷۱	حکیم‌علی نجفی	۲۵۱	احمد فاضلیان
۳۷۳	محمدعلی نجفی	۲۵۷	رضا فرج‌اللهی
۳۷۵	غلامعلی نعیم‌آبادی	۲۶۰	علی فرهادی
۳۷۷	سیدمرتضی نوربخش	۲۶۳	سید حسن فیروزآبادی
۳۸۲	حسن نیکبخت	۲۶۷	عباس قاسمی
۳۸۳	حسین‌علی نیری	۲۶۹	تورج کاظمی
۳۸۷	میثم نیلی	۲۷۱	بهرروز کمالیان
۳۹۱	هادی هاشمیان	۲۷۴	ابوطالب کوشا
	سید محمدرضا هاشمی گلپایگانی	۲۷۸	صادق لاریجانی
۳۹۳		۲۸۴	نوراحمد لطیفی
۳۹۷	مسعود ولایتی (معاذاللهی)	۲۸۶	مصطفی محبی
۳۹۹	نمایه اشخاص	۲۸۸	صادق محصولی
		۲۹۲	مصطفی محمدنجار
		۲۹۵	مهدی محمدی
		۲۹۷	سعید مرتضوی
		۳۱۱	سیدصورت مرتضوی باباحیدری
		۳۱۳	حیدر مصلحی
		۳۱۶	مهدی معصوم‌بیگی
		۳۱۸	حمیدرضا مقدم‌فر
		۳۲۲	محمد مقیسه
		۳۳۲	محمد ملک‌شاهی
		۳۳۳	مجتبی ملکی
		۳۳۵	محمدجعفر منتظری

پیش‌گفتار

چهار دهه از استقرار جمهوری اسلامی در ایران می‌گذرد که تثبیت و بقای آن بدون نقض گسترده و سازماندهی شده‌ی حقوق بشر ممکن نبوده است. از بالاترین مقامات جمهوری اسلامی تا هزاران نفر از مقامات زیردست، در فهرست بلندبالایی از اقداماتی دست داشته‌اند که برخی از آنها جنایت علیه بشریت محسوب می‌شوند.

"چهره‌ی جنایت"، یک مجموعه پنج جلدی است که پرونده‌های حقوقی پانصد نفر از این ناقضان حقوق بشر را با هدف در دسترس قرار دادن ابزاری برای پیگیری‌های حقوقی، تشکیل پرونده و شکایت علیه این افراد در حال حاضر و در آینده، گرد هم آورده است. این پرونده‌ها شامل اطلاعات شخصی، فهرست مسئولیت‌ها و برخی از مهم‌ترین موارد نقض حقوق بشر که هر یک از این مقامات در آن دست داشته‌اند، می‌شود. "چهره‌ی جنایت" برای نخستین بار به شکل چاپی در اختیار همه کسانی که برای رفع مصونیت عاملان و آمران نقض حقوق بشر مبارزه می‌کنند، قرار می‌گیرد تا از آن در مبارزه حقوقی و سیاسی خود علیه این سیستم و عوامل آن استفاده کنند.

در جلد اول این مجموعه که پیش روی شماست، پرونده صد ناقض حقوق بشر از جمله سیدعلی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، حسن روحانی، رئیس‌جمهور، سید ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضاییه، صادق آملی لاریجانی، رئیس پیشین قوه قضاییه، میرحسین موسوی، نخست وزیر سابق قرار دارند. ۲۵ تن از این ناقضان حقوق بشر در نهادهای زیر نظر رهبری، ۵۰ تن در مناصب قضایی، ۳۶ نفر در شغل‌های دولتی و یک تن از آنان در زمان نمایندگی مجلس، مرتکب نقض حقوق بشر شده‌اند.^۱

این افراد در فهرست بلندی از موارد نقض حقوق بشر از جمله سرکوب اعتراضات مردمی در دهه ۶۰ و ۷۰، پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ و دی ماه ۱۳۹۶، اعدام‌های دسته جمعی در دهه اول پس از انقلاب و سال ۶۷، قتل و شکنجه زندانیان سیاسی و به خصوص شکنجه جنسی و خشونت‌های مبتنی بر جنسیت، سرکوب مخالفان و دگراندیشان، در جریان قتل‌های سیاسی دهه ۷۰، ترور مخالفان در خارج

^۱ برخی از این ۱۰۰ نفر در مناصب مختلف قضایی، دولتی و یا نهادهای زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی مرتکب نقض حقوق بشر شده‌اند.

از ایران، قتل‌های داخل زندان، کشتار و ناپدیدکردن دانشجویان در جریان انقلاب فرهنگی و اعتراضات دانشجویی دهه ۷۰ و پس از آن، صدور و اجرای احکام سنگسار، قطع اعضای بدن و اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال، نقض گسترده حقوق زنان به خصوص از طریق اجباری کردن حجاب اسلامی، سرکوب اعتراضات گروه‌های اتمیکی در کردستان و سیستان و بلوچستان، نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی از جمله بهائیان، دراویش گنابادی و مسیحیان، نفرت‌پراکنی علیه آنان، بازداشت فعالان مدنی، صنفی، سیاسی و روزنامه نگاران، نقض حریم خصوصی کاربران اینترنت و محدود کردن دسترسی آنان به اطلاعات، و مصادره گسترده اموال مخالفان سیاسی و عقیدتی جمهوری اسلامی دست داشته‌اند. شایان ذکر است که ۲۳ نفر از این صد مسئول ناقض حقوق بشر که در موارد بالا دست داشته‌اند، روحانی هستند.

"چهره‌ی جنایت"، علاوه بر اینکه پرونده‌های حقوقی این افراد را در مورد برخی از موارد نقض حقوق بشر که در آن دست داشته‌اند بررسی کرده، تصویری کلی از گسترده بودن مسأله مصونیت به دست می‌دهد.

این کتاب، مثال نقضی است بر ادعاهای مکرر و همیشگی مسئولان جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه اولاً موارد نقض حقوق افراد محدود است و ثانیاً این موارد محدود نیز به دست برخی از عناصر خودسر اتفاق افتاده است. "چهره‌ی جنایت" اثبات می‌کند که چگونه بالاترین مقامات جمهوری اسلامی همواره در نقض جدی و شدید حقوق بشر مستقیماً یا به واسطه مسئولیت خود بر عاملان و آمران زیر-دست‌شان دست داشته‌اند. این کتاب همچنین نشان می‌دهد که ناقضان حقوق بشر در ایران نه فقط در برابر اعمال خود پاسخگو نشده‌اند، بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنها ترفیع یافته‌اند.

از میان صد ناقض حقوق بشر که پرونده‌های‌شان در این جلد آمده، تنها یک نفر، سعید مرتضوی، دادستان سابق استان تهران، فقط به دلیل نقشش در وقایع کهریزک که به مرگ سه تن از بازداشت شدگان اعتراضات پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ انجامید، محاکمه و به انفضال از خدمت، ۲۰۰ هزار تومان جریمه و دو سال حبس محکوم شد که مشخص نیست تاکنون چه مدت از آن را در مرخصی بوده است. اما ۹۹ نفر باقیمانده نه تنها هیچگاه پاسخگو نشده‌اند، به‌عنوان مثال، سید علیرضا آوایی که به عنوان دادستان انقلاب دزفول و عضو هیات مرگ در سال ۶۷، مسئول اعدام چند ده تن از زندانیان سیاسی و دفن آنان در گورهای

جمعی است، به مقاوم وزارت دادگستری جمهوری اسلامی رسیده است؛ و یا محمد جواد آذری جهرمی وزیر فعلی ارتباطات و فن آوری اطلاعات، پیش از این بازجوی برخی از زندانیان سیاسی بوده است.

با وجود مصونیت مطلق ناقضان حقوق بشر در ایران، از این ۱۰۰ ناقض حقوق بشر، تاکنون ۴۱ نفر به دلیل دست داشتن در نقض جدی حقوق بشر مشمول مجازات‌های بین‌المللی شده‌اند. این مجازات‌ها، شامل ممنوعیت ورود آنها به کشورهای اروپایی یا آمریکا و مسدود شدن دارایی‌های احتمالی آنان در این کشورها می‌شوند. در این فهرست، مقاماتی چون صادق آملی لاریجانی، رییس قوه قضاییه، محمد سرافراز، مدیر سابق صدا و سیمای جمهوری اسلامی و صادق محصولی، وزیر اسبق کشور به چشم می‌خورد.

"چهره‌ی جنایت" همچنین نشان می‌دهد که نقض شدید و گسترده حقوق بشر، محدود به مناطق خاصی از ایران نیست و در پهنه جغرافیایی ایران و تمامی استان‌های آن جریان دارد. این کتاب همچنین به برخی از موارد نقض حقوق بشر که خارج از مرزهای ایران توسط مقامات جمهوری اسلامی و عمدتاً علیه مخالفان خود انجام شده اشاره دارد.

"چهره‌ی جنایت" به دلیل هدف خود که تسهیل تشکیل پرونده‌های حقوقی علیه ناقضان حقوق بشر است، تنها به مقاماتی که در زمان انتشار این کتاب زنده بوده‌اند پرداخته است. همچنین اطلاعات منتشر شده در این کتاب تنها برخی از موارد نقض حقوق بشری را که این صد نفر مسئول آن بوده‌اند در برمی‌گیرد.

تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات درباره ناقضان حقوق بشر، در شرایطی که خود آنان و نهادهای حکومت همواره سعی در انکار وقوع نقض حقوق بشر و انکار داشتن هر نقشی در آن را داشته‌اند، کاری پرچالش و دشوار است. دست یافتن به اطلاعات شخصی مانند سال و محل تولد، میزان تحصیلات و نیز تمامی مشاغل و مسئولیت‌های هر یک از این افراد بسیار سخت و گاهی غیرممکن بوده است. راستی‌آزمایی اطلاعات منتشر شده درباره این ناقضان نیز چالش دیگر این کار بوده است. در بسیاری از موارد اطلاعاتی که از منابع غیرموثق منتشر شده و قابل راستی‌آزمایی نبوده‌اند، حذف شده‌اند. در موارد متعدد، با همراهی شاهدان و قربانیان نقض حقوق بشر توانسته‌ایم اطلاعات یا عکس‌هایی را که از ناقضان به دست آورده‌ایم، راستی‌آزمایی کنیم و از صحت آن مطمئن شویم. در واقع یکی از ویژگی‌های "چهره‌ی جنایت" این است که علاوه بر مطالعه کتابخانه‌ای، از روایت شاهدانی

که متن کامل شهادت آنها برای پیگیری‌های حقوقی بعدی نزد عدالت برای ایران محفوظ است، برای اثبات دست داشتن مقامات مختلف در نقض حقوق بشر استفاده شده است.

با این همه، به خوبی بر این امر واقفیم که در چنین کار سخت و پرچالشی همواره ممکن است اسناد و مدارکی موجود باشند که از چشمان ما دور مانده‌اند و یا اسنادی که بعد از انتشار این کتاب در دسترس قرار خواهند گرفت که در چاپ‌های بعدی به این مجموعه اضافه خواهند شد. بنابراین، خواهش ما از تمامی خوانندگان کتاب این است که اگر اطلاعات و اسناد بیشتری درباره مقاماتی که نامشان در این مجموعه آمده و یا سایر ناقضان حقوق بشر دارند، از طریق ای‌میل عدالت برای ایران با ما در میان بگذارند. پرونده‌های بیش از ۴۰۰ مسئول دیگر ناقض حقوق بشر و یا عاملین جنایت در این چهار دهه، در جلد‌های بعدی "چهره‌ی جنایت" منتشر خواهد شد.

سازمان عدالت برای ایران از ابتدای تأسیس در سال ۱۳۸۹، تمرکز خود را بر مسأله مصونیت عاملان و آمران نقض حقوق بشر گذاشته است. این سازمان تنها مجموعه حقوق بشری ایرانی است که به جز جمع‌آوری اطلاعات و اسناد درباره قربانیان نقض فاحش حقوق بشر، اطلاعات مربوط به عاملین و آمرین، یعنی اشخاص یا نهادهایی که مرتکب این جرائم شده‌اند را هم جمع‌آوری و به طور مرتب به شکل آن‌لاین در "بانک اطلاعات ناقضان حقوق بشر" منتشر کرده است. عدالت برای ایران همچنین در مقاطع مختلف به نهادها و مکانیزم‌های منطقه‌ای یا کشوری مختلف پیشنهاداتی مبنی بر قرار دادن اسامی این اشخاص و نهادها در فهرست مجازات‌های حقوق بشری ارائه داده است و تاکنون ۱۲ فرد^۱ و یک نهاد (مرکز بررسی جرائم سازمان یافته) براساس پیشنهاد عدالت برای ایران در فهرست‌های اروپا و آمریکا قرار گرفته‌اند که مشمول ممنوعیت ورود آنها به این کشورها و توقیف دارایی‌شان می‌شود.

^۱ اسامی این مقامات عبارت است از:

عبدالعلی عسگری، محمد سرافراز، حمیدرضا عمادی، عبدالصمد خرم‌آبادی، مرتضی کیاستی، سید محمدباقر موسوی، سید بهرام رشته‌احمدی، رضا جعفری، سید رضا موسوی‌تبار، اسدالله جعفری و علی اشرف رشیدی اقدم.

همچنین در پرونده شکایت دو تن از مدیران پرس تی‌وی (رسانه انگلیسی زبان جمهوری اسلامی) علیه تصمیم اتحادیه اروپا مبنی بر قرار دادن آنها در فهرست مجازات‌های حقوق بشری، عدالت برای ایران به عنوان "شخص ثالث" اجازه حضور در دادگاه اروپایی را پیدا کرد و اسنادی را به دادگاه ارائه داد که ثابت کرد، پرس تی‌وی در همکاری نزدیک با دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی در ضبط و پخش اعترافات اجباری زندانیان سیاسی مرتکب نقض شدید حقوق بشر شده است. دادگاه اروپا به استناد به دلایل و مدارک یاد شده شکایت محمد سرفراز رئیس وقت صدا و سیمای جمهوری اسلامی و حمیدرضا عمادی از مدیران پرس تی‌وی را رد کرد و نام آنها همچنان در لیست مجازات‌های حقوق بشری باقی ماند.

عدالت برای ایران وامدار تمامی قربانیان و شاهدانی است که با اعتماد، اطلاعات خود درباره ناقضان حقوق بشر را در اختیارش گذاشته‌اند. این مجموعه همچنین بدون کار پرانگیزه همکاران و محققان فعلی و سابق عدالت برای ایران گرد هم نمی‌آمد. سپاس ویژه داریم از: مهدی بختیار، مریم حسین‌خواه، محمد نیری، شیما مهرانی، سارا آذر، گیسونیا و حمید صبی.

شادی صدر و شادی امین
مدیران سازمان عدالت برای ایران



محمدجواد آذری جهرمی

وزیر ارتباطات و فن آوری اطلاعات

متولد سال ۱۳۶۰ در شهر جهرم، در رشته مهندسی برق تحصیل کرده است.^۱

مسئولیت‌ها^۲

- کارشناس فنی وزارت اطلاعات از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸
- مدیرکل امنیت سیستم‌های ارتباطی سازمان تنظیم مقررات ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳
- عضو هیات مدیره غیرموظف شرکت خدمات ارتباطی رایتل ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵
- عضو هیات مدیره شرکت ارتباطات زیرساخت ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵
- معاون وزیر ارتباطات و فن آوری اطلاعات و رئیس هیات مدیره شرکت ارتباطات زیرساخت از ۱۳۹۵ تا کنون
- عضو کمیسیون عالی تنظیم مقررات شورای عالی فضای مجازی
- عضو کمیسیون عالی ارتقای تولید محتوای شورای عالی فضای مجازی
- عضو ناظر کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات رادیویی
- عضو کمیته ارتباطات ستاد بحران کشور
- مجری طرح اجرای وظایف صیانتی، اجتماعی و فرهنگی در خصوص ارتباطات و فن آوری ارتباطات
- مسئول کمیسیون مشترک ICT ایران و عراق
- مسئول کمیسیون مشترک ICT ایران و روسیه

^۱ زندگی‌نامه: محمدجواد آذری جهرمی (۱۳۶۰-)، همشهری آنلاین، ۳۰ مرداد ۱۳۹۶، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2VZ1v3B>

^۲ بیوگرافی محمدجواد آذری جهرمی+ تصاویر، باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۷ مرداد ۱۳۹۶، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2SVBT5N>

- نماینده جمهوری اسلامی ایران در اجلاس APT
- وزیر ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات از ۲۹ مرداد ۱۳۹۶ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. مشارکت در شنود، بازجویی و

تفتیش منزل فعالان سیاسی و روزنامه‌نگاران

براساس تحقیقات برخی از نهادهای حقوق بشری، محمد جواد آذری جهرمی در دوران کار خود در وزارت اطلاعات در زمینه شنود و استراق سمع فعالیت می‌کرده است.^۱ آذری جهرمی با تکذیب این موضوع خود را عضوی از مجموعه فنی وزارت اطلاعات دانسته و گفته که این "یک مجموعه کاملاً مهندسی است."^۲ همچنین بعضی زندانیان سیاسی و روزنامه‌نگاران در شبکه‌های اجتماعی از این که وی در زمان بازداشت بازجوی آنان یا دوستان‌شان بوده و یا در زمان دستگیری و تفتیش منزل حضور داشته خبر داده‌اند.^۳ این موضوع نیز توسط آذری جهرمی تکذیب شده است.^۴

۲. محروم کردن شهروندان از حق

دسترسی آزادانه به اطلاعات و ابزارهای ارتباطی آن‌لاین

محمدجواد آذری جهرمی به عنوان وزیر ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات با فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی «تلگرام» و «اینستاگرام» و ایجاد اختلال در شبکه اینترنت کشور، حین اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۳۹۶، از دسترسی آزادانه شهروندان ایرانی به اطلاعات جلوگیری کرده است.^۵

^۱ سابقه مخدوش آذری جهرمی نامزد وزارت ارتباطات، شهروند، ۱۱۷ آگوست ۲۰۱۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://shahrvand.com/archives/87067>

^۲ آذری جهرمی در وزارت اطلاعات چه می‌کرد؟ توضیحات وزیر پیشنهادی ارتباطات درباره «شنود» در وزارت اطلاعات، آفتاب، ۲۲ مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.aftabir.com/news/article/view/2017/08/13/1748983>

^۳ «بازجو» بودن آذری جهرمی در ابهام، زیتون، ۲۳ مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://zeitoons.com/33480>

^۴ تهدید آذری جهرمی به پیگیری «تهمت بازجویی و تفتیش»، رادیو فردا، ۷ اسفند ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.radiofarda.com/a/iran-azari-jahromi-communication-ministry/28682199>

^۵ In crackdown on protests, Iranian regime targets freedom to inform, Reporters without Borders, 3 January 2018, Available at: →

از ۱۰ دی ۱۳۹۶، هم‌زمان با سومین روز اعتراضات سراسری، دسترسی بسیاری از کاربران ایرانی به اینترنت با اختلالاتی فراگیر مواجه شد و اکثر کاربران برای اتصال به اینترنت ناگزیر به استفاده از وی‌پی‌ان شدند.^۱ هم‌زمان، شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام نیز فیلتر شدند.^۲

تلگرام و اینستاگرام محبوب‌ترین شبکه‌های اجتماعی در ایران هستند که در اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶ نقش مهمی در اطلاع‌رسانی درباره تجمعات و وقایع مرتبط با آن ایفا کردند.

از طرف دیگر کانال تلگرامی «آمد نیوز» که بیش از یک میلیون‌ونیم عضو داشت و اخبار اعتراضات سراسری و ویدئوهای معترضان را منتشر می‌کرد به درخواست آذری جهرمی از مسئولان تلگرام برای بار اول مسدود شد. پاول دوروف، مدیرعامل تلگرام، علت مسدود کردن این کانال را «دعوت به خشونت» عنوان کرد. پس از آن کانال تلگرامی «صدای مردم» به عنوان جایگزین کانال تلگرامی «آمد نیوز» راه‌اندازی شد. به دلیل مسدود شدن این کانال توسط مسئولان تلگرام، مقامات ایران تلگرام را فیلتر کردند.

پاول دوروف، مدیرعامل تلگرام، در این باره چنین توثیت کرد: «بعد از این که درخواست مقام‌های ایران برای بسته شدن کانال صدای مردم و دیگر کانال‌های اعتراضی مسالمت‌آمیز را به صورت علنی رد کردیم، دسترسی اکثر ایرانیان به تلگرام را قطع کردند.»^۳

آذری جهرمی در ۱۳ دی ۱۳۹۶ با «تروریستی» خواندن کانال‌های تلگرامی مخالف جمهوری اسلامی ایران، شرط رفع فیلترینگ از این پیام‌رسان را منوط به آنچه او «حذف موارد تروریستی» خوانده بود دانست.^۴

<https://rsf.org/en/news/crackdown-protests-iranian-regime-targets-freedom-inform>

^۱ اختلال گسترده در دسترسی به اینترنت در سراسر کشور/ تلگرام و اینستاگرام مختل شدند، تایناک، ۱۰ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2TUY214>.

^۲ تلگرام، اینستاگرام محدود شد، خبرگزاری صدا و سیما، ۱۰ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2AOW12C>.

^۳ Pavel Durov, Twitter, Available at: <https://bit.ly/2ClMse>

^۴ شرط ایران برای رفع فیلتر تلگرام: 'حذف موارد تروریستی'، بی‌بی‌سی، ۱۳ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bbc.in/2CreL8f>.



سید علیرضا آوایی

وزیر دادگستری

متولد ۱۳۳۵ در شهر دزفول؛ دارای مدرک فوق لیسانس حقوق خصوصی؛ از ۱۳۵۸ تا کنون در مناصب مختلف قضائی مسئولیت دارد.^۱

مسئولیت‌ها^۲

- دادستان عمومی و انقلاب دزفول از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲
- دادستان عمومی و انقلاب کردستان از ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۵
- دادستان عمومی و انقلاب دزفول از ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷
- دادستان عمومی و انقلاب اهواز از ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۳
- رئیس کل دادگستری استان لرستان از ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷
- رئیس کل دادگستری استان مرکزی از ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱
- رئیس کل دادگستری استان اصفهان از ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴
- رئیس کل دادگستری استان تهران از ۱۳۸۴ تا اردیبهشت ۱۳۹۳
- قاضی دیوان عالی کشور از ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۴
- معاون وزیر کشور و رئیس سازمان ثبت احوال کل کشور از ۱۳۹۴
- رئیس دفتر بازرسی ویژه رئیس جمهور با حفظ سمت قبلی از تیر ۱۳۹۵ تا مرداد ۱۳۹۶

^۱ علیرضا آوایی گزینه روحانی برای وزارت دادگستری دولت دوازدهم/ وزیری با ۳۸ سال سابقه قضائی، خبرآنلاین، ۱۷ مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2Tcs9Ex>

^۲ آوایی از دادستانی دزفول تا وزیر پیشنهادی دادگستری، ایرنا، ۱۷ مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.irna.ir/fa/News/82624797>

- وزیر دادگستری از ۲۶ مرداد ۱۳۹۶ تا کنون^۱

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. مشارکت در محاکمه و اعدام مخالفان سیاسی در دهه ۶۰

سید علیرضا آوایی به عنوان دادستان دزفول در صدور احکام اعدام، زندان و اجرای آن‌ها در مورد مخالفان سیاسی جمهوری اسلامی در سال‌های دهه ۶۰ نقش موثری داشته است.

محمد مطیعی، از زندانیان سیاسی زندان یونسکو دزفول در دهه ۶۰، طی شهادتی نزد عدالت برای ایران، از نقش آوایی در محاکمه زندانیان سیاسی گفته است:

آوایی از سال ۶۰ دادستان بود و توی دادگاه خود من حضور داشت. این [آوایی] در نهایت حدود ۵ دقیقه بیشتر به ما وقت نمی‌داد شاید هم کمتر. این [آوایی] بود با یک دادیار. یک چهارتا سوال کرد و بعد حکم رو خوندد...

۲. عضویت در هیات مرگ و کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷

سید علیرضا آوایی به عنوان دادستان انقلاب دزفول در سال ۱۳۶۷، عضو کمیته‌ای موسوم به «هیات مرگ» بود که پس از چند سوال درباره‌ی عقاید سیاسی و یا مذهبی زندانیان، تصمیم به اعدام یا زنده ماندن آن‌ها می‌گرفت.

در مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷، چندین هزار زندانی سیاسی در ایران با فتوای روح‌الله خمینی و تصمیم مقامات قضائی و اطلاعاتی اعدام شدند. تمامی آن‌ها پیش از این به مجازات زندان محکوم شده بودند و در حال گذراندن دوران محکومیت خود بودند و دوران محکومیت برخی از آنان نیز به پایان رسیده بود. زندانیان سیاسی مخفیانه اعدام شدند و پیکر آنان در گورهای بی‌نام‌ونشان یا جمعی در سراسر ایران دفن شده است.^۲

محمدرضا آشوغ، از معدود جان‌به‌در بردگان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ در زندان یونسکو دزفول، که توسط «هیات مرگ» به اعدام محکوم شده بود، در شهادت خود نزد عدالت برای ایران درباره حضور آوایی در «هیات مرگ» می‌گوید:

^۱ آوایی وزیر دادگستری شد، خبرگزاری مهر، ۲۹ مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FMu6V0>

^۲ برای اطلاعات بیشتر درباره گورهای جمعی، به پلتفرم چندرسانه‌ای "خاک‌رنج" در این نشانی اینترنتی مراجعه کنید: <https://painscapes.com>

روز ۸ مرداد [۱۳۶۷] به ما گفتند یک هیات عفو می‌خواد به زندانیا[ن] عفو بده که در همون روز همه ما رو به صف کردند و بردند به محوطه زندان. تعداد زیاد بود شاید بگم حدوداً بین ۸۰ تا ۱۰۰ نفر بود. چشم‌بسته هم بودیم و اونجا دیگه نه وکیل داشتی نه حق دفاعی و نه هیات منصفه‌ای بود. ما هم همه حکم زندانی داشتیم از قبل. از خود دادستان و همین هیات گرفته بودیم و چندین سال هم گذشته بود از زندان ما... شروع کردند نفر به نفر... ما چشم‌بند رو بلند می‌کردیم. نوبت به من رسید و از من سوال کرد که شما مسلمان هستید؟ منم گفتم بله من مسلمان هستم. پدرم گفته ما مسلمان هستیم. گفت پدرت گفته؟ گفتم بله! من، پدرم گفته تو مسلمانی. خب من مسلمونم. گفت تو اگه مسلمانی الان برای اسلام می‌جنگی؟ گفتم والا نمی‌دونم چیه. گفت برای ایران می‌جنگی؟ گفتم بله برای ایران می‌جنگم اگر مشکلی برای ایران پیش بیاد من برای ایران می‌جنگم بعد گفت حالا اگر کسی به کشور ما حمله کنه تو میری؟ گفتم بله اگر لازم باشه و آزاد باشم می‌جنگم. بعد گفت که نه! اصلاً تو می‌گی من مسلمانم حاضری الان بری رو مین برای اسلام؟ که گفتم این چه سوالیه که شما می‌کنی. مگه من دیوانه‌ام که تا مسلمان شدم باید برم روی مین!

حاکم شرع [حجت‌الاسلام] محمدحسین احمدی [شاه‌رودی] بود نشسته بود. بعد علیرضا آوایی [دادستان وقت] نشسته بود. یه دو تا لیست بود. [از] صورت اسامی افراد. مامور اطلاعات گفت بگذارش تو اون لیست. بعد گفت چشم‌بندت رو بکش پایین و بعد نوبت بچه‌های دیگه [شد]. .. و چند نفر دیگه بودند و در همین حد یک دقیقه‌ای صحبت کردند و اون‌ها حکم اعدام رو صادر کردند.

وکلای بین‌المللی حقوق بشری چون جفری رابرتسون،^۱ همچنین هیات قضات دادگاه مردمی ایران تریبونال^۲ و سازمان عفو بین‌الملل^۳، کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ را مصداق جنایت علیه بشریت دانسته‌اند.

^۱ کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷، جفری رابرتسون، بنیاد برومند، فروردین ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: https://www.iranrights.org/attachments/library/doc_5.pdf

^۲ حکم دادگاه ایران تریبونال، ایران تریبونال، ۱۷ بهمن ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2DaFCH7>.

^۳ کشتار ۶۷؛ استمرار جنایت علیه بشریت توسط حکومت ایران، عفو بین‌الملل، ۴ دسامبر ۲۰۱۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: ←

سازمان ملل نیز قربانیان کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ را مصداق «ناپدیدشدگی قهری» دانسته است.^۱ به رسمیت شناخته شدن قربانیان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ به عنوان ناپدیدشده‌ی قهری، دولت جمهوری اسلامی ایران را بر اساس قوانین بین‌المللی موظف می‌کند که حق خانواده‌های قربانیان را برای دانستن حقیقت درباره سرنوشت و محل دفن عزیزان‌شان ادا کند و مسئولان آن را تحت تعقیب قرار دهد. از نظر حقوق بین‌الملل ناپدیدشدگی قهری نقض مداوم حقوق بشر و یک جرم بین‌المللی است و تا زمانی که فرد ناپدیدشده پیدا یا سرنوشت‌اش به‌طور کامل معلوم نشود، حتی با وجود گذشت چند دهه، مشمول مرور زمان نمی‌شود.

۳. مشارکت در سرکوب اعتراضات پس از انتخابات سال ۱۳۸۸

در وقایع پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸، سید علیرضا آوایی به عنوان رئیس دادگستری استان تهران نقش مهمی در برگزاری «دادگاه‌های نمایشی» به منظور صدور احکام اعدام^۲ و حبس‌های طولانی‌مدت برای معترضان به نتایج انتخابات^۳ داشته است. انتقال تعدادی از معترضان در ۱۸ تیرماه ۸۸ به بازداشتگاه کهزیزک و مرگ دست‌کم سه تن از آنان از حوادث مهم دوران تصدی آوایی بر دادگستری تهران است.

در ۱۸ تیرماه ۱۳۸۸، نیروی انتظامی ایران تعداد زیادی از معترضان را که مقابل دانشگاه تهران تجمع کرده بودند، دستگیر کرد و آنان را با دستور سعید مرتضوی^۴،

<https://www.amnesty.org/download/Documents/MDE1395132018PERSIAN.PDF>

^۱ سازمان ملل قربانیان کشتار ۶۷ را به عنوان ناپدیدشده قهری به رسمیت شناخت، عدالت برای

ایران، ۱۱ آبان ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FEPP03>

^۲ صدور حکم اعدام برای ۳ نفر از متهمان حوادث پس از انتخابات، ۸ آبان ۱۳۸۸، خبرگزاری

فارس، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RLZlpG>

^۳ احکام قطعی تعدادی از بازداشت‌شدگان حوادث اخیر صادر شد بخشی از احکام بدوی مشمول برائت، تخفیف و تبدیل به جرمه شدند، ایسنا، ۱۵ آذر ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2B1flEu>

^۴ پرونده ناقض حقوق بشر: سعید مرتضوی، عدالت برای ایران، ۲۴ آبان ۱۳۹۳، قابل دسترسی در

نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/human-rights-violator-s-profiles/saeed-mortazavi/>

دادستان وقت تهران و معاونان او، حسن زارع دهنوی^۱ و علی‌اکبر حیدری‌فر^۲ به بازداشتگاه کهریزک منتقل کرد که در این میان دست‌کم سه تن از این بازداشت شدگان به اسامی محسن روح‌الامینی، امیر جوادی‌فر و محمد کامرانی در اثر شکنجه‌های اعمال‌شده جان باختند.^۳

در ۱۷ تیر ۱۳۸۹، هم‌زمان با سالگرد فاجعه کهریزک، آوایی به عنوان رئیس دادگستری تهران طی مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان بر «صحیح‌بودن رویه نظام» در رسیدگی به پرونده کهریزک تاکید کرد.^۴

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری

از ۱۸ مهرماه ۱۳۹۰ تا کنون، اتحادیه اروپا سید علیرضا آوایی را به دلیل نقش موثر در نقض حقوق شهروندان ایرانی در لیست مجازات‌های حقوق بشری قرار داده است. بر اساس بیانیه اتحادیه اروپا، سید علیرضا آوایی در مقام ریاست دادگستری تهران مسئول «دستگیری‌های خودسرانه»، «عدم رعایت حقوق بازداشت شدگان» و «افزایش شمار اعدام» بوده است و حقوق بشر را نقض کرده است.^۵

^۱ پرونده ناقض حقوق بشر: حسن زارع دهنوی (حسن حداد)، عدالت برای ایران، ۸ آبان ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/j4iran-activities/hassan-haddad/>

^۲ پرونده ناقض حقوق بشر: علی‌اکبر حیدری‌فر، عدالت برای ایران، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/j4iran-activities/ali-akbar-heydari-far/>

^۳ انتشار جزئیاتی از شکنجه‌ها در بازداشتگاه کهریزک، بی بی سی، ۱ دی ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2010/12/101221_u02_bb_kahrizak

^۴ رئیس کل دادگستری استان تهران: مجتمع قضائی شهید بهشتی به پرونده دانشگاه آزاد رسیدگی می‌کند، کیهان، ۱۷ تیر ۱۳۸۹،

<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2117625>

^۵ اسامی ۲۹ مقام و مسوول ایرانی مورد تحریم اتحادیه اروپا منتشر شد، رادیو فردا، ۲۰ مهر ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://www.radiofarda.com/a/f4_eu_release_names_iranians_sanction/24357433.html



محمدحسین احمدی شاهرودی

عضو مجلس خبرگان رهبری

متولد ۱۳۳۷ در شهر نجف (در کشور عراق) است و تحصیلات حوزوی دارد.^۱

مسئولیت‌ها^۲

- مسئول «مرکزالدراسات» در سازمان تبلیغات اسلامی خرمشهر از ۱۳۵۸ تا خرداد ۱۳۶۰
- بازجوی دادگاه‌های انقلاب استان خوزستان از خرداد ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۱
- حاکم شرع دادگاه‌های شرق استان خوزستان از ۱۳۶۱ تا اواسط سال ۱۳۶۲
- حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب استان کهگیلویه و بویراحمد از ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۵
- حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب استان خوزستان از اواسط سال ۱۳۶۲ تا بهمن سال ۱۳۶۷
- رئیس نهاد رهبری در منطقه ۶ دانشگاه آزاد اسلامی از ۱۳۷۰ تا احتمالاً ۱۳۷۹
- مدیر کل گزینش و استخدام قضات سراسر کشور از ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۸
- عضو مجلس خبرگان رهبری از ۱۳۸۵ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

عضویت در هیات مرگ و کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷

محمدحسین احمدی شاهرودی به عنوان حاکم شرع استان خوزستان در سال

^۱ آیت‌الله محمدحسین احمدی شاهرودی، هورنیوز، ۱ دی ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی:

<https://bit.ly/2DbG0VV>

^۲ همان.

۱۳۶۷، عضو کمیته‌ای موسوم به «هیات مرگ» بود که پس از چند سوال درباره عقاید سیاسی و یا مذهبی زندانیان، تصمیم به اعدام یا زنده ماندن آن‌ها می‌گرفت. در مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷، چندین هزار زندانی سیاسی در ایران با فتوای روح‌الله خمینی و تصمیم مقامات قضائی و اطلاعاتی اعدام شدند. تمامی آن‌ها پیش از این به مجازات زندان محکوم شده بودند و در حال گذراندن دوران محکومیت خود بودند و دوران محکومیت برخی از آنان نیز به پایان رسیده بود. زندانیان سیاسی مخفیانه اعدام شدند و پیکر آنان در گورهای بی‌نام‌ونشان یا جمعی در سراسر ایران دفن شده است.^۱

در مرداد ۱۳۹۶، محمدحسین احمدی شاهرودی در مصاحبه‌ای با خبرگزاری تسنیم ضمن تأیید حضور خود در هیات مرگ و نقش کلیدی در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ می‌گوید: «در همان سال ۶۷ (تاریخ دقیق آن را نمی‌دانم) نیمه‌شب بود که مدیرکل اطلاعات و دادستانی وقت آمدند و به من نامه‌ای را دادند که در آن نامه حکمی^۲ از امام بود مبنی بر برخورد با منافقین. متن نامه این بود آن‌هایی که پافشاری سر موضع دارند، محکوم به اعدام هستند که تشخیص آن به عهده رای اکثریت هیات سه نفره یعنی دادستان، حاکم شرع و مدیرکل اطلاعات است.» محمدحسین احمدی شاهرودی در ۲۳ مرداد ۱۳۶۷، در گرماگرم کشتار زندانیان سیاسی، در نامه‌ای به روح‌الله خمینی با طرح اختلاف نظر میان اعضای هیات مرگ درباره‌ی تشخیص «سرموضع‌بودن» زندانیان، از خمینی می‌خواهد تا «ملاک» و «معیاری» برای این موضوع مشخص کند.^۳ در بخشی از این نامه درباره‌ی برخورد هیات مرگ با زندانیان زندان یونسکو دزفول آمده است: «من باب مثال در دزفول تعدادی از زندانیان به نام‌های طاهر رنجبر، مصطفی بهزادی، احمد آسوخ و محمدرضا آشوغ با این‌که منافقین را محکوم می‌کردند و حاضر به هر نوع مصاحبه و افشاگری

^۱ برای اطلاعات بیشتر درباره گورهای جمعی، به پلتفرم چندرسانه‌ای "خاک‌رنج" در این نشانی

اینترنتی مراجعه کنید: <https://painscapes.com>

^۲ منافقین گفتند آزاد شویم دست به اسلحه می‌بریم/ رد ادعای آیت‌الله منتظری در نوار حاشیه‌ساز/ از حکم ۶۷ امام دفاع می‌کنم، خبرگزاری تسنیم، ۱۷ مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی

اینترنتی: <https://bit.ly/2foZf1B>

^۳ متن نامه حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی خوزستان حجت الاسلام آقای احمدی به حضرت امام خمینی در مورد چگونگی اجرای حکم معظم‌له درباره منافقین، وب‌سایت رسمی آیت‌الله منتظری، ۲۳ مرداد ۱۳۶۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2ssncvr>

در رادیو و تلویزیون و ویدئو و یا اعلام موضع در جمع زندانیان بودند، نماینده اطلاعات از آن‌ها سوال کرد شما که جمهوری اسلامی را بر حق و منافقین را بر باطل می‌دانید حاضرید همین الان به نفع جمهوری اسلامی در جبهه و جنگ و گلوگاه‌ها و غیره شرکت کنید، بعضی اظهار تردید و بعضی نفی کردند، نماینده اطلاعات گفت این‌ها سر موضع هستند چون حاضر نیستند که در راه نظام حق بجنگند.^۱

محمدرضا آشوخ، از معدود جان به‌در بردگان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ در زندان یونسکو دزفول، در شهادتی که متن کامل آن نزد عدالت برای ایران محفوظ است، مواجهه با هیات مرگ را چنین شرح می‌دهد:

روز ۸ مرداد [۱۳۶۷] به ما گفتند یک هیات عفو می‌خواهد به زندانیا [ن] عفو بده که در همون روز همه ما رو به صف کردند و بردند به محوطه زندان. تعداد زیاد بود شاید بگم حدوداً بین ۸۰ تا ۱۰۰ نفر بود. چشم‌بسته هم بودیم و اونجا دیگه نه وکیل داشتی نه حق دفاعی و نه هیات منصفه‌ای بود. ما هم همه حکم زندانی داشتیم از قبل. از خود دادستان و همین هیات گرفته بودیم و چندین سال هم گذشته بود از زندان ما... شروع کردند نفر به نفر... ما چشم‌بند رو بلند می‌کردیم. نوبت به من رسید و از من سوال کرد که شما مسلمان هستید؟ منم گفتم بله من مسلمان هستم. پدرم گفته ما مسلمان هستیم. گفت پدرت گفته؟ گفتم بله! من، پدرم گفته تو مسلمانی. خب من مسلمونم. گفت تو اگه مسلمانی الان برای اسلام می‌جنگی؟ گفتم والا نمی‌دونم چیه. گفت برای ایران می‌جنگی؟ گفتم بله برای ایران می‌جنگم اگر مشکلی برای ایران پیش بیاد من برای ایران می‌جنگم بعد گفت حالا اگر کسی به کشور ما حمله کنه تو میری؟ گفتم بله اگر لازم باشه و آزاد باشم می‌جنگم. بعد گفت که نه! اصلاً تو می‌گی من مسلمانم حاضری الان بری رو مین برای اسلام؟ که گفتم این چه سوالیه که شما می‌کنی. مگه من دیوانه‌ام که تا مسلمان شدم باید برم روی مین!

حاکم شرع [حجت‌الاسلام] محمدحسین احمدی [شاهرودی] بود نشسته بود. بعد علیرضا آوایی [دادستان وقت] نشسته بود. یه دو تا لیست بود. [از] صورت اسامی افراد. مأمور اطلاعات گفت بگذارش تو اون لیست. بعد گفت چشم‌بندت رو بکش پایین و بعد نوبت بچه‌های دیگه [شد]... و چند نفر

^۱ همان.

دیگه بودند و در همین حد یک دقیقه‌ای صحبت کردند و اون‌ها حکم اعدام رو صادر کردند.

ابراهیم علاسوند (دلا)، که در زمان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ در زندان فجر اهواز زندانی بوده است، طی شهادتی نزد عدالت برای ایران درباره حضور محمدحسین احمدی شاهرودی در هیات مرگ در زندان فجر اهواز می‌گوید:

[زندانیان] بند رو می‌بردند توی حیاط، صرامی (رئیس وقت سازمان زندان‌های خوزستان) می‌اومد باهاشون صحبت می‌کرد. یه تعداد اونجا از هر بندی سوا کردند و یه تعدادی رو فرستادند دوباره بند. اون‌ها رو که سوا کردند فرستادند انفرادی. بعد یک سری دوباره این‌ها رو محاکمه کردند. محاکمه‌های یک دقیقه‌ای... حاج آقا احمدی حاکم شرع بود و صرامی با پرونده ریز و درشت همه هم آشنا بود. خیلی آدم خشنی هم بود.

وکلا‌ی بین‌المللی حقوق بشری چون جفری رابرتسون،^۱ همچنین هیات قضات دادگاه مردمی ایران تریبونال^۲ و سازمان عفو بین‌الملل^۳، کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ را مصداق جنایت علیه بشریت دانسته‌اند.

سازمان ملل نیز قربانیان کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ را مصداق «ناپدیدشدگی قهری» دانسته است.^۴ به رسمیت شناخته شدن قربانیان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ به عنوان ناپدیدشده‌ی قهری، دولت جمهوری اسلامی ایران را بر اساس قوانین بین‌المللی موظف می‌کند که حق خانواده‌های قربانیان را برای دانستن حقیقت درباره سرنوشت و محل دفن عزیزان‌شان ادا کند و مسئولان آن را تحت تعقیب قرار دهد. از نظر حقوق بین‌الملل، ناپدیدشدگی قهری نقض مداوم حقوق بشر و یک جرم بین‌المللی است و تا زمانی که فرد

^۱ کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷، جفری رابرتسون، بنیاد برومند، فروردین ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://www.iranrights.org/attachments/library/doc_5.pdf

^۲ حکم دادگاه ایران تریبونال، ایران تریبونال، ۱۷ بهمن ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2DaFCH7>.

^۳ کشتار ۶۷؛ استمرار جنایت علیه بشریت توسط حکومت ایران، عفو بین‌الملل، ۴ دسامبر ۲۰۱۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.amnesty.org/download/Documents/MDE1395132018PERSIAN.PDF>

^۴ سازمان ملل قربانیان کشتار ۶۷ را به عنوان ناپدیدشده قهری به رسمیت شناخت، عدالت برای ایران، ۱۱ آبان ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FEPO03>

ناپدیدشده پیدا یا سرنوشت‌اش به‌طور کامل معلوم نشود، حتی با وجود گذشت چند دهه، مشمول مرور زمان نمی‌شود.



سعید اسدی

دادیار دادسرای دیوان عالی کشور

مسئولیت‌ها

- دادستان عمومی و انقلاب بندرعباس از مهر ۱۳۸۶^۱ تا ۲ اسفند ۱۳۹۶^۲
 - دادیار دادسرای دیوانعالی و مدیر کل نظارت بر امور ضابطین، زندان‌ها و اجرای احکام در دادستانی کل کشور از ۳ اسفند ۱۳۹۶ تا کنون^۳

برخی از موارد نقض حقوق بشر

سعید اسدی به عنوان دادستان عمومی و انقلاب شهرستان بندرعباس عهده‌دار تعقیب قانونی قاتل یا قاتلان عطاالله رضوانی^۴، شهروند بهائی، و اقامه دعوی از جهت جنبه عمومی بود. او به دلیل انجام‌ندادن وظیفه‌اش در نظارت مؤثر بر انجام تحقیقات به منظور شناسایی و مجازات عاملان و آمران قتل عطاالله رضوانی و مصونیت‌دادن به آن‌ها مرتکب نقض حقوق بشر شده است.

^۱ با حکم رییس قوه قضاییه صورت گرفت؛ انتصاب دادستان عمومی و انقلاب بندرعباس، ایسنا،

۱۷ مهر ۱۳۸۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2T7QNPX>

^۲ «بوالفتح ابوالهادی» دادستان بندرعباس شد، خبرگزاری مهر، ۲ اسفند ۱۳۹۶، قابل دسترسی

در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2MkMlBg>

^۳ مدیرکل نظارت بر امور ضابطین، زندان‌ها و اجرای احکام در دادستانی کل کشور منصوب شد، دادستانی کل کشور، ۳ اسفند ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.dadsetani.ir/print_news.php?id=550

^۴ قاتل عطاالله رضوانی کجاست؟ فراخوان عدالت برای ایران برای تماس تلفنی با مسئولان، عدالت برای ایران، ۳۱ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/publication/call-for-action/where-is-the-murder-of-a-rezvani/>

عطاالله رضوانی، عضو سابق هیات خادمین جامعه بهائی بندرعباس، در دوم شهریور ۱۳۹۲ به ضرب گلوله افراد ناشناس کشته شد. او از مدت‌ها پیش از قتل، به صورت مستقیم و غیرمستقیم از سوی نهادهای امنیتی تهدید شده بود و برای رفتن از بندرعباس تحت فشار بود.

عدم رسیدگی به پرونده قتل عطاالله رضوانی و تهدیدها و آزار و اذیت خانواده پس از آن، فرضیه دولتی‌بودن این قتل را بسیار محتمل کرده است. خانواده رضوانی از دانستن جزئیات مربوط به رخدادهای قبل از قتل و چگونگی قتل محروم شده‌اند و مقامات قضائی مسئول، از جمله دادستان بندرعباس، از انجام اقدامات لازم برای روشن‌شدن جزئیات مربوط به چرایی و چگونگی کشته شدن عطاالله رضوانی و مطلع کردن خانواده او از نتایج تحقیقات‌شان خودداری کرده‌اند.

مرور پرونده قتل عطاالله رضوانی از روزهای نخست پس از این رخداد نشان می‌دهد که مقامات قضائی مسئول این پرونده اقدامات لازم و بدیهی برای شناسایی و محاکمه عاملان و آمران این قتل را انجام نداده‌اند. از جمله این موارد می‌توان به عدم تحقیق راجع به فهرست مکالمات تلفن همراه عطاالله رضوانی اشاره کرد. کریم میرزایی، سرایدار خانه دکتر میدانی، آخرین فردی که عطاالله رضوانی را پیش از مرگ دیده بود، گفته بود که آقای رضوانی پیش از ترک خانه با فردی که با تلفن همراهش تماس گرفته بود یک تماس تلفنی طولانی بین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه‌ای داشت. در حالی که گمان می‌رفت ضارب از طریق همین تماس تلفنی قرار ملاقات با آقای رضوانی را هماهنگ کرده باشد خانواده و وکیل پرونده برای نخستین قدم خواهان مشخص‌شدن فهرست تماس‌های تلفن همراه آقای رضوانی شدند. چون تلفن همراه پس از قتل به سرقت رفته بود، پیگیری این مساله فقط از سوی وزارت ارتباطات و با دستور مقامات قضائی ممکن بود ولی با گذشت چند سال هنوز نتایج این بررسی مشخص نشده است.

خاص‌بودن اسلحه استفاده‌شده در این قتل و چک کردن دوربین خیابان‌های محل تردد اتومبیل آقای رضوانی از دیگر مواردی بود که از طریق آن می‌شد اطلاعاتی در رابطه با این قتل به دست آورد اما تحقیقات لازم در رابطه با هیچ‌کدام از این موارد صورت نگرفته و پرونده علی‌رغم نقص تحقیقات مسکوت گذاشته شده است. به‌علاوه خانواده رضوانی از همان ابتدا اعلام کرده بودند که آقای رضوانی به دلایل مذهبی و عقیدتی بارها از سوی مقامات و نهادهای امنیتی بندرعباس تهدید شده

بود و این قتل مشکوک در راستای همان تهدیدها بوده است. ولی مقامات مسئول پرونده با وجود شواهد روشن مبنی بر قتل برنامه‌ریزی‌شده آقای رضوانی و اجرای آن توسط فرد و یا افراد حرفه‌ای، با طرح فرضیه‌های غیرمنطقی و انحرافی از جمله خودکشی یا انگیزه‌های شخصی و مالی انجام تحقیقات را از مسیر اصلی خود منحرف کردند.

طبق قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب موسوم به قانون احیای دادرها مصوب سال ۱۳۸۱، دادرها عهده‌دار کشف جرم، تعقیب متهمان و اقامه دعوی از جهت جنبه عمومی است و ریاست آن به عهده دادستان است. در این پرونده وظیفه دادستان فقط در ارجاع پرونده به بازپرس برای شروع تحقیقات خلاصه نمی‌شد و دادستان وظیفه قانونی داشته است تا بر انجام تحقیقات توسط بازپرس نظارت و از تکمیل تحقیقات اطمینان حاصل کند. مطابق ماده ۵ قانون مزبور در صورتی که دادستان متوجه نقص در تحقیقات بازپرس شود می‌تواند تکمیل آن را بخواهد ولو این که بازپرس تحقیقات خود را کامل بداند. در این صورت بازپرس پرونده می‌بایست تقاضای دادستان را اجرا می‌کرد و مراتب را در صورت مجلس قید می‌کرد. در این پرونده دادستان بندرعباس به وظیفه نظارت خود بر انجام تحقیقات توسط بازپرس عمل نکرده و اجازه داده است پرونده بدون انجام تحقیقات لازم مسکوت گذاشته شود.



حسین اشتری

فرمانده نیروی انتظامی
جمهوری اسلامی

متولد شهر اصفهان است؛ از سال تولد و تحصیلات وی اطلاع دقیقی در دست نیست.

مسئولیت‌ها^۱

- رئیس دانشگاه امام هادی سازمان حفاظت و اطلاعات سپاه پاسداران
- رئیس پلیس اطلاعات و امنیت نیروی انتظامی جمهوری اسلامی تا خرداد ۱۳۹۳
- جانشین فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی از ۷ خرداد ۱۳۹۳ تا ۱۸ اسفند ۱۳۹۳
- فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی از ۱۸ اسفند ۱۳۹۳ تا کنون^۲

برخی از موارد نقض حقوق بشر

نیروی انتظامی طی اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶، افزون بر سلب حق شهروندان ایرانی برای برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز با اتخاذ روش‌های خشونت‌باری چون آتش گشودن بر معترضان غیرمسلح، ضرب و شتم و شلیک گاز اشک‌آور این اعتراضات مردمی را سرکوب کرده است.^۳

^۱ نگاهی به سوابق ششمین فرمانده نیروی انتظامی، جام‌جم آنلاین، ۱۹ اسفند ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2SYcVTB>.

^۲ سردار حسین اشتری جانشین فرمانده نیروی انتظامی شد، خبرگزاری صدا و سیما، ۷ خرداد ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FAvucx>.

^۳ Iran: Investigate Killings of Protesters, Human Rights Watch, 2 January 2018, Available at: <https://www.hrw.org/news/2018/01/02/iran-investigate-killings-protesters>.

حسین اشتری به عنوان فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در برخورد- های خشن و غیرقانونی نیروهای تحت امر خود در جریان اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶ مسئول است.

او همچنین ۱۶ دی‌ماه ۱۳۹۶ طی یک گفت‌وگوی تلویزیونی وعده دستگیری معترضان را که شناسایی شده‌اند در آینده داده است.^۱

۱. کشته‌شدن ۶ نفر در قهدریجان اصفهان

به گزارش خبرگزاری صدا و سیما، جمهوری اسلامی ۶ نفر در ۱۱ دی‌ماه ۱۳۹۶ با شلیک مستقیم نیروی انتظامی در قهدریجان (از توابع اصفهان) کشته شدند.^۲ اصغر هدایت، فرماندار فلاورجان (قهدریجان زیر نظر فرماندار فلاورجان است)، طی مصاحبه‌ای با صدا و سیما، جمهوری اسلامی^۳ مدعی شد نیروی انتظامی معترضان را به دلیل «حمله مسلحانه» به پایگاه بسیج و کلاتتری قهدریجان هدف قرار داده است. این ادعا در حالی مطرح می‌شود که حتی در فیلم پخش‌شده در شبکه خبر نیز شواهدی مبنی بر مسلح‌بودن معترضان وجود ندارد. (در بخش- هایی از فیلم تعدادی از معترضان مواد آتش‌زا را به سمت کلاتتری پرتاب می‌کنند).^۴

۲. کشته‌شدن ۲ نفر در شهر دورود، استان لرستان

خبرگزاری رسمی صدا و سیما، جمهوری اسلامی کشته‌شدن ۲ تن از معترضان را در ۱۰ دی ۱۳۹۶ در شهر دورود گزارش کرد.^۵ حمیدرضا کاظمی، نماینده شهر پل‌دختر در مجلس شورای اسلامی، ۱۰ دی‌ماه ۱۳۹۶ در گفت‌وگویی با تارنمای خبری «اعتمادآنلاین» شلیک نیروی انتظامی به

^۱ پلیس ایران: با کسانی که در ناآرامی‌های اخیر شناسایی شده‌اند برخورد می‌شود، بی بی سی، ۱۷ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bbc.in/2su7AHO>

^۲ خلع سلاح کردن کلاتتری، قصد اغتشاشگران + فیلم، خبرگزاری صدا و سیما، ۱۲ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dckel0>

^۳ همان.

^۴ فروکش و خط بیگانه... شبکه خبر، ۱۲ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2HogOJo>

^۵ رد پای گروه‌های تکفیری و معاند در اغتشاشات دورود+ فیلم، خبرگزاری صدا و سیما، ۱۰ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2oKgsHa>

معترضان و کشته‌شدن دو نفر در دورود را تایید کرده است: «راهی جز برخورد و شلیک پلیس با کسانی که شب گذشته هنجارشکنی کردند و به خیابان‌ها ریخته بودند وجود نداشت.»^۱

^۱ پلیس راهی جز شلیک به هنجارشکنان نداشت/ شما بگویید چطور باید آرامشان می‌کردند؟/ نمی‌توانیم بگوییم چهار تا آدم لابلالی را که به اموال عمومی تعرض می‌کنند آرام کنید، اعتماد آنلاین، ۱۰ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2VXirHZ>



مرتضی اشراقی

عضو کانون وکلای دادگستری مرکز

مرتضی اشراقی متولد شهر گلپایگان در دهه ۳۰ خورشیدی است.^۱

مسئولیت‌ها

- دادستان انقلاب تهران^۲ از (احتمالاً) ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۸
- دادرش شعبه اول دیوان عدالت اداری در سال ۱۳۶۸
- عضو کانون وکلای دادگستری مرکز^۳

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. عضویت در هیات مرگ و کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷

مرتضی اشراقی به عنوان دادستان تهران در سال ۱۳۶۷ عضو کمیته‌ای موسوم به «هیات مرگ» بود که پس از چند سوال درباره عقاید سیاسی و یا مذهبی زندانیان تصمیم به اعدام یا زنده‌ماندن آن‌ها می‌گرفت.

در مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷، چندین هزار زندانی سیاسی در ایران، با فتوای روح‌الله خمینی و تصمیم مقامات قضائی و اطلاعاتی اعدام شدند. تمامی آن‌ها پیش از این به مجازات زندان محکوم شده بودند و در حال گذراندن دوران

^۱ دادخواهی خون‌های به ناحق ریخته شده زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷، تارنمای محسن کدیور، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2UxdQL1>

^۲ مخاطبان هشدارهای منتظری کجا هستند؟، بی بی سی، ۲۰ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2016/08/160810_montazeri_meeting_profile

^۳ مرتضی اشراقی وکیل پایه یک دادگستری عضو کانون وکلای مرکز، کانون وکلای دادگستری مرکز، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2PNESPw>

محکومیت خود بودند و دوران محکومیت برخی از آنان نیز به پایان رسیده بود. زندانیان سیاسی مخفیانه اعدام شدند و پیکر آنان در گورهای بی‌نام‌ونشان یا جمعی در سراسر ایران دفن شده است.^۱

پیش‌تر حسین‌علی منتظری، از مراجع تقلید مخالف با دولت و قائم‌مقام رهبر سابق ایران، در کتاب خاطرات خود^۲ به نقش مرتضی اشراقی در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ اشاره کرده بود.

علاوه بر شهادت‌های متعدد جان‌به‌دربرندگان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، با انتشار فایل صوتی جلسه حسین‌علی منتظری با اعضای هیات مرگ در ۲۴ مرداد ۱۳۶۷، مسئولیت مرتضی اشراقی، مصطفی پورمحمدی (نماینده وقت وزارت اطلاعات)، حسین‌علی نیری (حاکم شرع وقت) و ابراهیم رئیسی (جانشین وقت دادستان) در صدور حکم اعدام برای هزاران زندانی سیاسی در زندان‌های اوین و گوهردشت به شکل انکارناپذیری به اثبات رسید.^۳

در این فایل صوتی، حسین‌علی منتظری در حضور ابراهیم رئیسی (جانشین وقت دادستان)، مصطفی پورمحمدی (نماینده وقت وزارت اطلاعات)، حسین‌علی نیری (حاکم شرع وقت) و مرتضی اشراقی (دادستان وقت) می‌گوید: «بزرگترین جنایتی که در جمهوری اسلامی شده و تاریخ ما را محکوم می‌کند به دست شما انجام شده و شما را در آینده جزو جنایتکاران در تاریخ می‌نویسند.»^۴

مرتضی اشراقی به عنوان دادستان انقلاب تهران طی مصاحبه‌ای در روز ۲۲ تیر ۱۳۶۷ با روزنامه اطلاعات درباره کشتار زندانیان سیاسی گفته است: «در رابطه با جرایم گروهک‌های منحرف از جهت این‌که این افراد محارب و یا باغی هستند، دادرسی انقلاب اسلامی اقدامات تعقیبی و تحقیقی خود را همچنان ادامه می‌دهد

^۱ برای اطلاعات بیشتر درباره گورهای جمعی، به پلتفرم چندرسانه‌ای "خاک‌رنج" در این نشانی اینترنتی مراجعه کنید: <https://painscapes.com>

^۲ آیت‌الله منتظری نقش پورمحمدی در اعدام‌های سال ۶۷ را تأیید کرد، بی بی سی، ۲۵ آذر ۱۳۸۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bbc.in/2ssIxEY>

^۳ انتشار فایل صوتی آیت‌الله منتظری در مورد اعدام‌های سال ۱۳۶۷، بی بی سی، ۲۰ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bbc.in/2SVbNA3>

^۴ انتشار فایل صوتی سخنان آیت‌الله منتظری درباره اعدام‌های ۶۷؛ مرتکب بزرگترین جنایت شده‌اید، صدای آمریکا، ۱۹ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2McrBmb>

و در این رابطه تعداد زیادی حکم صادر شده است.^۱ وکلای بین‌المللی حقوق بشری چون جفری رابرتسون،^۲ همچنین هیات قضات دادگاه مردمی ایران تریبونال^۳ و سازمان عفو بین‌الملل^۴، کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ را مصداق جنایت علیه بشریت دانسته‌اند. سازمان ملل نیز قربانیان کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ را مصداق «ناپدیدشدگی قهری» دانسته است.^۵ به رسمیت شناخته شدن قربانیان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ به عنوان ناپدیدشده‌ی قهری، دولت جمهوری اسلامی ایران را بر اساس قوانین بین‌المللی موظف می‌کند که حق خانواده‌های قربانیان را برای دانستن حقیقت درباره سرنوشت و محل دفن عزیزان‌شان ادا کند و مسئولان آن را تحت تعقیب قرار دهد. از نظر حقوق بین‌الملل، ناپدیدشدگی قهری نقض مداوم حقوق بشر و یک جرم بین‌المللی است و تا زمانی که فرد ناپدید شده پیدا یا سرنوشت‌اش به‌طور کامل معلوم نشود، حتی با وجود گذشت چند دهه، مشمول مرور زمان نمی‌شود.

۲. نقض حقوق اقتصادی حداقل یک شهروند بهائی

مرتضی اشراقی به‌عنوان دادرس شعبه ۱ دیوان عدالت اداری، در آبان ۱۳۶۸ با رد شکایت عزت هائی نجف‌آبادی، کارمند بهائی اداره آموزش و پرورش، قطع حقوق و مزایای بازنشستگی او را به دلیل «بهائی بودن» تأیید کرده است.

^۱ گزیده‌هایی از مصاحبه مطبوعاتی مرتضی اشراقی، دادستان انقلاب اسلامی تهران، در رابطه با اعدام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ در تابستان، بنیاد برومند، ۲۲ تیر ۱۳۶۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2sCa000>

^۲ کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷، جفری رابرتسون، بنیاد برومند، فروردین ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://www.iranrights.org/attachments/library/doc_5.pdf

^۳ حکم دادگاه ایران تریبونال، ایران تریبونال، ۱۷ بهمن ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2DaFCH7>.

^۴ کشتار ۶۷؛ استمرار جنایت علیه بشریت توسط حکومت ایران، عفو بین‌الملل، ۴ دسامبر ۲۰۱۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.amnesty.org/download/Documents/MDE1395132018PERSIAN.PDF>

^۵ سازمان ملل قربانیان کشتار ۶۷ را به عنوان ناپدیدشده قهری به رسمیت شناخت، عدالت برای ایران، ۱۱ آبان ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FEPP03>

در بخشی از حکم صادرشده توسط مرتضی اشراقی آمده است: «نامبرده [عزت هائی نجف‌آبادی] در تاریخ ۶۷/۹/۱۴ در جلسه هیات حاضر و پس از تفهیم اتهام [بیهائی‌بودن] کتباً به اتهام وارده اقرار و اعتراف نموده لذا هیات تجدیدنظر با عنایت به اقرار شاکیه و با توجه به نام اداره اطلاعات به شماره تسجیل (شماره ناخوانا) جرم وی را با بند ۳ ماده ۱۹ قانون تخلفات اداری منطبق دانسته و با استفاده از بند ۳ ماده ۱۰ همان قانون رای بدوی هیات تخلفات را مورد تایید قرار داده است. با توجه به مراتب فوق در تشریفات رسیدگی به استناد به قانون ایرادی در رای صادره وارد نبوده و شاکیه دلیلی که بر مخدوش‌بودن حکم صادره دلالت نماید ارائه نداده است. لذا حکم رد شکایت وی صادر و اعلام می‌گردد این حکم قطعی است و قابل تجدیدنظرخواهی در دیوان عدالت اداری نمی‌باشد.»^۱

^۱ تایید حکم اخراج و قطع حقوق بازنشستگی عزت هائی نجف‌آبادی، خانه اسناد بهائی‌ستیزی، ۳ آبان ۱۳۶۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:



جاوید امانی

معاون قضایی رئیس کل
دادگستری هرمزگان

مسئولیت‌ها

- بازپرس ویژه قتل دادسرای عمومی و انقلاب بندرعباس، حداقل از سال^۱ ۱۳۸۶ احتمالاً تا سال^۲ ۱۳۹۵
- معاون قضایی رئیس کل دادگستری هرمزگان، احتمالاً از اواخر سال ۱۳۹۵ تاکنون^۳

برخی از موارد نقض حقوق بشر

جاوید امانی، بازپرس ویژه قتل دادسرای بندرعباس که مسئولیت پیگیری قضائی پرونده قتل عطاالله رضوانی^۴، شهروند بهائی، را بر عهده داشته است به دلیل انجام ندادن وظیفه‌اش در انجام تحقیقات لازم برای شناسایی و محاکمه عاملان و آمران این قتل و اعطای مصونیت به آنان، مرتکب نقض حقوق بشر شده است.

^۱ بازپرس ویژه‌ی قتل دادسرای بندرعباس خبر داد: باند آدم‌ربایی در بندرعباس به دام افتادند، ایسنا، ۶ اسفند ۱۳۸۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2WIRhe6>

^۲ بازپرس ویژه قتل بندرعباس: دستگیری یک قاتل پس از ۷ سال/ وقوع ۴ فقره قتل در سال جاری، ایسنا، ۱۷ تیر ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2NaPqEy>

^۳ اعطای عفو به ۲۸ نفر از زندانیان هرمزگانی، خبرگزاری میزان، ۱۹ تیر ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Rzueu3>

^۴ قاتل عطاالله رضوانی کجاست؟ فراخوان عدالت برای ایران برای تماس تلفنی با مسئولان، عدالت برای ایران، ۳۱ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/publication/call-for-action/where-is-the-murder-of-a-rezvani/>

عطاالله رضوانی، عضو سابق هیات خادمین جامعه بهائی بندرعباس، در دوم شهریور ۱۳۹۲ به ضرب گلوله فرد یا افراد ناشناس کشته شد. او از مدت‌ها پیش از کشته شدنش به صورت مستقیم و غیرمستقیم از سوی نهادهای امنیتی تهدید شده بود و برای رفتن از بندرعباس تحت فشار بود.

طبق قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب موسوم به قانون احیای دادرها مصوب سال ۱۳۸۱، وظیفه انجام تحقیقات مقدماتی در رابطه با کلیه جرائم بر عهده بازپرس است. با ارجاع پرونده به بازپرس از سوی دادستان، بازپرس عهده‌دار انجام تحقیقات و شناسایی عوامل ارتکاب جرم می‌شود. مطابق قانون مزبور بازپرس می‌تواند با استفاده از اختیارات قانونی خود از نیروهای انتظامی و مقامات رسمی و ادارات دولتی بخواهد راجع به مواردی که به روشن شدن حقایق پرونده و هویت عوامل ارتکاب جرم کمک می‌کند، تحقیق کند و اطلاعات لازم را ارائه کند. بازپرس همچنین می‌تواند به تحقیقات ضابطین دادگستری رسیدگی کند و هرگاه تغییری در اقدامات آنان یا تکمیلی در تحقیقات لازم باشد دستورات لازم را صادر کند.

مقامات قضائی از جمله جاوید امانی، بازپرس ویژه قتل دادرهای بندرعباس، اقدامات لازم برای شناسایی و محاکمه عاملان و آمران این قتل را انجام ندادند و با وجود شواهد روشن مبنی بر قتل برنامه‌ریزی شده عطاالله رضوانی و اجرای آن توسط فرد و یا افراد حرفه‌ای، از پیگیری مؤثر پرونده و مشخص شدن نکات مبهم آن جلوگیری کرده‌اند.

از جمله این موارد می‌توان به عدم تحقیق راجع به فهرست مکالمات تلفن همراه عطاالله رضوانی اشاره کرد. بر اساس گفته‌های کریم میرزایی، آخرین فردی که عطاالله رضوانی را پیش از مرگ دیده بود، او پیش از ترک خانه با فردی که با تلفن همراهش تماس گرفته بود یک تماس تلفنی طولانی بین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه‌ای داشته بود.

در حالی که گمان می‌رفت ضارب از طریق همین تماس تلفنی قرار ملاقات با رضوانی را هماهنگ کرده باشد، خانواده و وکیل پرونده برای نخستین قدم خواهان مشخص شدن فهرست تماس‌های تلفن همراه عطاالله رضوانی شدند. از آنجا که تلفن همراه پس از قتل به سرقت رفته بود، پیگیری این مساله فقط از سوی وزارت ارتباطات و با دستور مقامات قضائی ممکن بود که تا کنون انجام نشده است.

خاص بودن اسلحه استفاده‌شده در این قتل و چک‌کردن دوربین خیابان‌های محل تردد اتومبیل آقای رضوانی از دیگر مواردی بود که از طریق آن می‌شد اطلاعاتی در رابطه با این قتل به دست آورد اما تا کنون نتایج تحقیقات در رابطه با هیچ‌کدام از این موارد به خانواده اعلام نشده است.

جاوید امانی، بازپرس پرونده، همچنین با طرح فرضیه‌های غیرمنطقی همچون خودکشی و قتل به دلیل انگیزه‌های شخصی و سرقت مسیر تحقیقات را منحرف کرده است و چند بار سعی بر بستن این پرونده داشته است. این در حالی است که هیچ اسلحه‌ای در محل قتل پیدا نشده است و گزارش ماموران بازرسی صحنه جرم فرضیه خودکشی را تایید نمی‌کند.

پس از رد فرضیه خودکشی و قتل به دلیل انگیزه‌های شخصی و مالی، در تاریخ ۲۲ مهر ۱۳۹۳ در حالی که ۱۳ ماه از قتل آقای رضوانی گذشته بود، خانواده و وکیل پرونده او به شعبه دوم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب بندرعباس احضار شدند و امانی، بازپرس پرونده، به آن‌ها گفت که تا کنون هیچ سرنخی از جریان قتل عطاالله رضوانی پیدا نشده است و این پرونده راه به جایی نخواهد برد. او همچنین از خانواده رضوانی خواست که با دریافت دیه از بیت‌المال، پرونده را مختومه اعلام کنند. بازپرس جاوید امانی، بازپرس ویژه قتل دادسرای بندرعباس، در برابر اصرار خانواده رضوانی برای پیگیری پرونده و نپذیرفتن مختومه‌اعلام کردن پرونده به آن‌ها گفت که این پرونده فقط در صورتی پیگیری خواهد شد که شما قاتل را معرفی و از او شکایت کنید. فردای آن روز، چهارشنبه ۲۳ مهرماه، نامه‌ای از شعبه دوم دادسرای بندرعباس به منزل خانواده رضوانی ارسال شد که در آن از کوروش رضوانی (پسر عطاالله رضوانی و شاکی پرونده) خواسته شده بود که ظرف مدت یک هفته، چنانچه دلیلی بر وقوع قتل توسط فرد یا افرادی را دارد به شعبه مذکور ارائه دهد.^۱

با وجود این‌که خانواده رضوانی بارها به دفتر بازپرس پرونده، امانی، مراجعه کردند و خواستار پیگیری بیشتر این پرونده شده‌اند، تا کنون به هیچ‌کدام از درخواست‌های آن‌ها ترتیب اثر داده نشده است.

^۱ فشار بر خانواده عطاالله رضوانی برای قبول مختومه اعلام کردن پرونده، هرانا، ۲۵ آبان ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.hra-news.org/2014/hranews/b-155/>

جاوید امانی به‌عنوان مسئول اصلی انجام تحقیقات و تعقیب قانونی عاملان ارتکاب جرم در این پرونده، فرضیه اصلی قتل به دلیل عقاید مذهبی را کنار گذاشته است و در نهایت با منحرف کردن تحقیقات و جلوگیری از انجام تحقیقات لازم، مسئولیت شناسایی قاتل یا قاتلان را بر عهده خانواده مقتول گذاشته است و مانع اجرای عدالت شده است.



محمد ایمانی یامچی

قاضی شعبه ششم تجدیدنظر استان
آذربایجان شرقی

در حوزه علمیه درس خوانده است و از
اوایل انقلاب وارد دادگستری شده است.

مسئولیت‌ها

- حاکم شرع در استان آذربایجان غربی در سال‌های اولیه پس از انقلاب ۱۳۵۷^۱
- قاضی شعبه ششم تجدیدنظر استان آذربایجان شرقی

برخی از موارد نقض حقوق بشر

محمد ایمانی یامچی به عنوان قاضی دادگاه تجدیدنظر با ندیده‌گرفتن استقلال قضاوت، آرای صادرشده علیه فعالان مدنی، اجتماعی و هویت‌طلب و همچنین وکلای دادگستری را عیناً تأیید کرده است. او به‌خصوص در پرونده‌های امنیتی هیچ تغییری در حکم صادرشده در دادگاه بدوی نمی‌دهد، به گونه‌ای که موسی برزین خلیفه‌لو، وکیل پایه یک دادگستری که سابقه وکالت فعالان مدنی و اجتماعی آذربایجان را دارد، در مصاحبه با عدالت برای ایران گفته است: «ایمانی در پرونده‌های امنیتی اجازه صحبت نمی‌داد و می‌گفت ما این پرونده‌ها را در پله تأیید می‌کنیم. یعنی پرونده امنیتی جلدش باز نمی‌شود و [حکم بدوی‌اش] تأیید می‌شود.»^۲

سکینه محمدی آشتیانی، زنی که به جرم «رابطه جنسی خارج از ازدواج» به سنگسار محکوم شده بود، جاوید هوتن‌کیان و موسی برزین خلیفه‌لو، وکلای دادگستری و افسانه توقیر، فعال دانشجویی، از جمله کسانی هستند که قاضی ایمانی یامچی دادگاه تجدیدنظر آن‌ها را بر عهده داشت و حکم دادگاه بدوی را بدون تغییر و در نظر گرفتن تخلفات انجام‌شده در مرحله بدوی، عیناً تأیید کرد.

^۱ مصاحبه عدالت برای ایران با موسی برزین خلیفه‌لو، وکیل پایه یک دادگستری.

^۲ همان.

به گفته موسی برزین خلیفه‌لو، «محمد ایمانی برخورد بسیار نامناسب و زشتی با متهمان سیاسی و وکلای آن‌ها دارد و حتی از توهین آشکار به آن‌ها هیچ ابایی ندارد.»

۱. پرونده سکینه محمدی آشتیانی

حکم بدوی سکینه محمدی آشتیانی، زنی که به جرم «رابطه جنسی خارج از ازدواج» به سنگسار محکوم شده بود، از سوی قاضی ایمانی یامچی در شعبه شش دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان شرقی تأیید شد. این در حالی است که در مرحله تجدید نظر نه فقط به پیچیدگی‌های حقوقی این پرونده که در مرحله‌ی بدوی نادیده گرفته شده بود رسیدگی نشد، درخواست‌های جامعه بین‌المللی^۱ و فرزند سکینه محمدی آشتیانی و وکلای او مبنی بر بازبینی در روند رسیدگی پرونده هم بی‌پاسخ ماند. محمد ایمانی یامچی بدون در نظر گرفتن ایرادات حقوقی مطروحه از سوی وکیل او حکم غیرانسانی سنگسار سکینه محمدی آشتیانی را تأیید کرد.

۲. پرونده جاوید هوتن‌کیان و موسی برزین خلیفه‌لو^۲

محمد ایمانی یامچی در پرونده‌هایی که علیه وکلایی که وکالت فعالان سیاسی و مدنی را به عهده می‌گرفتند تشکیل شده بود، عیناً احکام بدوی را تأیید کرده است. این وکلا صرفاً به دلیل انجام حرفه خود و دفاع از موکلان‌شان و مصاحبه با رسانه‌ها برای اطلاع‌رسانی درباره موکلان‌شان، که اغلب از فعالان مدنی، اجتماعی و سیاسی بودند، از سوی نهادهای امنیتی تهدید شدند، پروانه‌شان ابطال شده است یا علیه‌شان پرونده‌های قضائی تشکیل شده است. احکام صادر شده علیه آن‌ها اغلب با نفوذ نهادهای امنیتی بوده است. جاوید هوتن‌کیان^۳ و موسی برزین خلیفه‌لو^۴ دو وکیلی هستند که حکم بدوی آن‌ها عیناً در دادگاه تجدیدنظر از سوی قاضی ایمانی یامچی تأیید شد.

^۱ Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, Philip Alston, Human Rights Council, A/HRC/4/20/Add.1, Available at: http://extrajudicial.executions.org/application/media/A_HRC_4_20_Add_1.pdf

^۲ 'We are ordered to crush you': Expanding Reprssion of Dissent inn Iran, Amnesty International, 2012, P. 30, Available at: <https://www.amnesty.org/download/Documents/24000/mde130022012en.pdf>.

^۳ وکیل سکینه محمدی آشتیانی در زندان به فراموشی سپرده شده است، عدالت برای ایران، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/reports/javid-houtan-kian-2/>

^۴ گزارش و تحلیلی از پرونده دستگیرشدگان دوم شهریورماه سال ۱۳۹۰، ایران گلوبال، ۲۴ آذر ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://iranglobal.info/node/13201>

جاوید هوتن‌کیان همراه با سجاد قادرزاده (پسر سکینه محمدی آشتیانی) و دو خبرنگار آلمانی در تاریخ ۱۰ اکتبر ۲۰۱۰ (۶ آبان ۱۳۸۹) در دفترش در تبریز، در حین یک مصاحبه مطبوعاتی، دستگیر شد. او در دوران بازداشت به شدت شکنجه شد. طبق گفته هوتن‌کیان، بیضه‌ها و پاهای او را با آتش سیگار می‌سوزانده‌اند، بدن او را خیس می‌کردند و او را ساعت‌ها در هوای سرد نگه می‌داشتند و دندان‌هایش را هم شکسته‌اند.^۱

جاوید هوتن‌کیان ابتدا به یازده سال حبس، ابطال پروانه وکالت و ده سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد. پس از آن و در دادگاه تجدید نظر، فقط محکومیت حبس او به شش سال تقلیل یافت ولی مجازات‌های دیگر عیناً تأیید شد.^۲

۳. پرونده افسانه توقیر

افسانه توقیر، دانشجوی رشته کشاورزی دانشگاه تبریز و عضو شورای مرکزی کانون آذربایجان‌شناسی این دانشگاه، اول خرداد ۱۳۹۱ در تبریز بازداشت شد و ۲۳ روز در بازداشت بود. شعبه یکم دادگاه انقلاب تبریز به ریاست قاضی رحیم حلمبر او را به یک سال حبس تعلیقی محکوم کرد.^۳ حکم صادره پس از تجدید نظرخواهی نامبرده در شعبه ششم دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان شرقی بررسی شد و حکم بدوی عیناً تأیید شد. افسانه توقیر صرفاً به دلیل فعالیت‌های اجتماعی و دانشجویی‌اش به یک سال حبس محکوم شد.^۴

^۱ وکیل سکینه محمدی آشتیانی در زندان به فراموشی سپرده شده است، عدالت برای ایران، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/reports/javid-houtan-kian-2/>

^۲ جاوید هوتن‌کیان؛ همچنان محروم از وکالت و تحت درمان، خبرگزاری هرانا، ۱۷ اکتبر ۲۰۱۵،

قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.hra-news.org/2015/hranews/a-2610/>

^۳ رئیس شبکه پرس تی‌وی و پلیس سایبری ایران در فهرست تحریم‌های اتحادیه اروپا، بی‌بی‌سی،

۲۲ اسفند ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2013/03/130312_157_eu_iran_sanction_human_rights.shtml

^۴ حکم حبس افسانه توقیر تأیید شد، رادیو کوچه، ۱ بهمن ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی

اینترنتی: <https://radiokoocheh.com/article/196041>



حسن بابایی

مدیر کل طرح و برنامه معاونت
راهبردی قوه قضائیه

حسن بابایی دکترای حقوق بین‌الملل
دارد.^۱

مسئولیت‌ها

- قاضی تحقیق دادگاه انقلاب سنندج در اوایل دهه ۸۰^۲
- قاضی شعبه یک دادگاه عمومی و انقلاب سنندج دست‌کم از سال ۱۳۸۷
- معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان کردستان از ۱۶ اسفند ۱۳۸۹ تا کنون^۳
- عضو ثابت شورای معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه^۴
- مشاور فرهنگی رئیس کل دادگستری استان کردستان
- مستشار دادگاه تجدیدنظر تهران
- مدیر کل طرح و برنامه معاونت راهبردی قوه قضائیه از یکم دی‌ماه ۱۳۹۷ تا کنون^۵

^۱ آشنایی با دکتر حسن بابایی، جبهه تدبیر و توسعه ایران اسلامی، ۴ اسفند ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2MqxAx4>

^۲ خاطره‌ای از جناب آقای دکتر حسن بابایی از قضات محترم تجدیدنظر تهران، گروه وکلای پارس، ۲۷ تیر ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://parslawyersgroup.ir/iframe.php?id=237&name=legal>

^۳ انتصاب معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان کردستان، شورای حل اختلاف استان کردستان، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2TgwIOF>

^۴ آشنایی با دکتر حسن بابایی، جبهه تدبیر و توسعه ایران اسلامی، ۴ اسفند ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2MqxAx4>

^۵ مدیرکل طرح و برنامه راهبردی قوه قضائیه منصوب شد، خبرگزاری موج، ۱۰ بهمن ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2MFIgYG>

برخی از موارد نقض حقوق بشر

محاکمه فعالان سیاسی و مدنی کردستان و محکومیت آن‌ها به احکام سنگین حبس، تبعید و اعدام از جمله برخی از موارد نقض حقوق بشر توسط حسن بابایی به عنوان قاضی شعبه یک دادگاه عمومی و انقلاب سنندج است. بر اساس شهادت زندانیان سیاسی، بابایی در بسیاری از دادگاه‌ها از حضور وکلای متهمان در جلسات محاکمه ممانعت می‌کرد و احکام سنگین حبس اغلب طی جلسات کوتاه و پس از چند سوال مختصر صادر شده است. بسیاری از افرادی که از سوی حسن بابایی محاکمه شده‌اند طی فرایند بازپرسی زیر شکنجه بودند و مجبور به اعتراف علیه خود شده‌اند. بی‌توجهی قاضی دادگاه به این مسئله و صدور رای بر اساس این اعترافات از دیگر موارد نقض حقوق زندانیان از سوی اوست. بر اساس همین موارد حسن بابایی به سبب نقض حقوق بشر فعالان مدنی و سیاسی مسئول است.

۱. صدور احکام اعدام و حبس برای فعالان مدنی و سیاسی

صدور حکم اعدام برای فعالان سیاسی از جمله انور حسین پناهی و حبیب‌الله لطیفی، صدور حکم ۳۰ سال زندان و تبعید به زندان شهر کاشمر در استان خراسان رضوی برای شاکر باقی به اتهام محاربه و عضویت در حزب پژاک، محکومیت فعلانی چون حبیب‌الله لطیفی، احسان فتاحیان، لطف‌الله لطیف‌پور، یاسر گلی، امیر احمدی، صفیه صادقی و فعالان فرهنگی و محیط زیست کردستان نمونه‌هایی از نقض حقوق بشر توسط حسن بابایی هستند.

۱.۱. پرونده حبیب‌الله لطیفی

حسن بابایی در ۱۰ تیرماه ۱۳۸۷ طی یک دادگاه چنددقیقه‌ای حبیب‌الله لطیفی^۱، عضو انجمن‌های «ژیانه وه»، «شاهو» و سازمان محیط زیستی «جمعیت کردستان سبز»، را به اتهام عضویت در پژاک محارب دانست و او را به اعدام محکوم کرد.^۲ بر اساس گفته خواهر این زندانی سیاسی از او زیر شکنجه اقرار گرفته شد و او در

^۱ عفو بین‌الملل: حبیب‌الله لطیفی را اعدام نکنید، بی بی سی، ۵ دی ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2010/12/101225_u02_amnesty_latifi

^۲ گزارشی از آخرین وضعیت حبیب‌الله لطیفی، در یازدهمین سال حبس، هرانا، ۴ مرداد ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.hra-news.org/2018/hranews/a-16312/>

دادگاه تمامی اعترافاتش را رد کرد. با این حال دادگاه این مسأله را نپذیرفت و علاوه بر رسیدگی نکردن به شکنجه این زندانی سیاسی اعترافات اجباری او را مبنای صدور حکم اعدام قرار داد.^۱

۱.۲. پرونده احسان فتاحیان

احسان فتاحیان، عضو حزب کومه‌له کردستان که ۲۰ آبان ۱۳۸۸ به دار آویخته شد، یکی از زندانیانی بود که قضاوت پرونده‌اش را حسن بابایی بر عهده داشت. احسان فتاحیان طی مدت زمان بازداشت در بازداشتگاه اداره اطلاعات سنندج، برای اخذ اعترافات تلویزیونی، به شدت تحت فشار بود و به او گفته شده بود که «اگر این کار را نکنی اعدامت می‌کنیم»^۲ او در نامه‌ای که قبل از اعدامش نوشت گفته بود که پس از بازداشت به مدت سه ماه کتک خورده و «شکنجه طاقت‌فرسا» را تحمل کرده است.^۳

حسن بابایی این زندانی سیاسی را به اتهام «محاربه از طریق اقدام مسلحانه علیه امنیت ملی کشور» به ۱۰ سال حبس تعزیری توأم با تبعید در شهر رامهرمز واقع در استان خوزستان محکوم کرد. اما این حکم در دادگاه تجدیدنظر به اعدام تبدیل شد.^۴ حسن بابایی به دلیل نقض حقوق بشر، اجبار به اعتراف از طریق شکنجه و صدور حکم محاربه برای احسان فتاحیان مسئول است.

۱.۳. پرونده لطف‌الله لطف‌الله پور

لطف‌الله لطف‌الله پور که در سال ۱۳۸۷ همراه با احسان فتاحیان به اتهام همکاری با کومه‌له دستگیر، و طی سه ماه بازداشت در سنندج شکنجه شد، در نهایت از سوی حسن بابایی به ۱۶ سال زندان محکوم شد. او در مصاحبه‌ای با سازمان اسناد حقوق بشر ایران گفته است که کل دادگاه او ۱۰ تا ۱۵ دقیقه طول کشید، بدون

^۱ خواهر حبیب‌الله لطیفی: برادرم تروریست نیست، مردم باور نکنند، هرانا، ۳ دی ۱۳۸۹، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.hra-news.org/2010/hranews/1-4852/>

^۲ آیا احسان فتاحیان اعدام می‌شود؟، روزآنلاین، ۱۹ آبان ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://www.roozonline.com/persian/news/newsitem/article/-dff7ce779.html>

^۳ رنجامه احسان فتاحیان، زندانی سیاسی در آستانه اعدام، دویچه‌وله، ۱۹ آبان ۱۳۸۸، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2R9u6zN>

^۴ احسان فتاحیان اعدام شد، بی بی سی، ۲۰ آبان ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2009/11/091111_he_fattahian_executed

وکیل در دادگاه حاضر شد و قاضی دادگاه فقط سه سوال از او پرسید که اجازه پاسخگویی به آن‌ها و دفاع را نیز به متهم نداد.^۱

۱.۴. پرونده یاسر گلی

یاسر گلی، از فعالان دانشجویی سنندج، از دیگر زندانیان سیاسی بوده است که حسن بابایی به‌عنوان قاضی پرونده از حضور وکیلش در دادگاه ممانعت کرده است.^۲

۱.۵. پرونده صفیه صادقی

حسن بابایی همچنین صفیه صادقی را، که سال ۱۳۸۹ بازداشت شده بود، در یک جلسه چنددقیقه‌ای به اتهام محاربه از طریق عضویت در پژاک به ۱۵ سال زندان محکوم کرد. صفیه صادقی طی پروسه محاکمه از حق داشتن وکیل تعیینی محروم بود و در دوران بازداشت شکنجه شده بود.^۳

۱.۶. پرونده امیر احمدی

امیر احمدی، از اعضای سازمان کومه‌له، نیز گفته است که حسن بابایی اجازه حضور وکیل آن‌ها در جلسه دادگاه را نداده است و پس از سوال و جواب‌های کوتاهی آن‌ها را به احکام سنگین محکوم کرده است.^۴

۲. محاکمه فعالان فرهنگی و محیط زیست کردستان

صدور احکام سنگین و ناعادلانه برای فعالان فرهنگی و محیط زیست در کردستان و تحت فشار قراردادادن آن‌ها برای اعتراف اجباری برخی دیگر از موارد نقض حقوق بشر از سوی حسن بابایی است. او سه تن از اعضا این گروه را، که آبان ۱۳۹۰

^۱ شهادتنامه لطف‌الله لطف‌الله‌پور، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، ۱۷ خرداد ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2WcThoQ>

^۲ شهادتنامه یاسر گلی، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، ۹ خرداد ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2R5pJpm>

^۳ صدور حکم ۱۵ سال زندان برای یک زن زندانی سیاسی کرد، کمپین حقوق بشر ایران، ۳۰ خرداد ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://persian.iranhumanrights.org/1391/03/safieh_sadeghi/

^۴ شهادتنامه امیر احمدی، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، ۱۸ مرداد ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2B0u73C>

بازداشت شده بودند، به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق ارتباط با احزاب مخالف جمهوری اسلامی به حبس تعزیری محکوم کرد. حسن بابایی طی این حکم، وریا خسروی را به چهار سال زندان، اکبر گویلی را به دو سال زندان و کامران رحیمی را به سه سال زندان محکوم کرد.^۱

کانال خبری انگلیسی‌زبان پرس تی‌وی،^۲ متعلق به جمهوری اسلامی، چند ماه پس از بازداشت این سه زندانی سیاسی با پخش اعترافات آنان اعلام کرد که این افراد به جرم حمل بمب و بمب‌گذاری بازداشت شده‌اند. این در حالی است که خبر شکنجه و تحت فشار قرارداشتن این افراد برای اخذ اعترافات اجباری منتشر شده بود.^۳

^۱ محکومیت سه فعال فرهنگی و محیط زیست به ۹ سال زندان تعزیری، هرانا، ۳۱ تیر ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.hra-news.org/2012/hranews/1-11796/>

^۲ کات! پخش پرس تی‌وی باید متوقف شود، عدالت برای ایران، ۳ اردیبهشت ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://justice4iran.org/persian/reports/english-cut-take-press-tv-off-the-air/>

^۳ شکسته شدن کتف و پای دو تن از فعالان محیط زیست گرد در اطلاعات، کردپا، ۱۴ دی ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.kurdpa.net/farsi/idame/1947>



مصطفی برزگر گنجی

سرپرست اداره کل نظارت بر امور
زندان و اجرای احکام

مسئولیت‌ها

- دادستان عمومی و انقلاب قم از سال ۱۳۸۶ تا ۱۴ دی ۱۳۹۵^۱
- دادیار دادسرای دیوان عالی کشور از دی‌ماه ۱۳۹۵ تا کنون^۲
- سرپرست اداره کل نظارت بر امور زندان و اجرای احکام از دی‌ماه ۱۳۹۵ تا کنون^۳

برخی از موارد نقض حقوق بشر

مصطفی برزگر گنجی به‌عنوان دادستان عمومی و انقلاب قم در بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه و اجرای احکام اعدام و قصاص زندانیان مسئول است. او در افزایش اجرای مجازات‌های مرگ مشارکت داشته و به خصوص از ابتدای سال ۹۰ کاربرد زور و خشونت را در شهر قم افزایش داده است.

اجرای احکام اعدام و اعدام در ملاءعام

مصطفی برزگر گنجی در ۱ دی‌ماه ۱۳۸۷ از اعدام ۵ نفر از جمله یک مدعی امامت

^۱ مراسم تودیع و معارفه دادستان قم برگزار شد، خبرگزاری مهر، ۱۴ دی ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Mt5sJP>

^۲ ن.ک. زیرنویس ۱

^۳ بازدید هیأت بازرسی دادستانی کل کشور از زندان آباء، اداره کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان فارس، ۱۹ بهمن ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Hp00sv>

خبر داد^۱. به گفته او دو نفر از اعدام‌شدگان به اتهام قاچاق مواد مخدر، دو نفر به اتهام تجاوز و یک نفر به اتهام «ادعای امامت» مفسد فی‌الارض شناخته شدند و در زندان مرکزی قم حلق‌آویز شدند. شخصی که به اتهام امامت اعدام شد علیرضا پیغان، ۴۱ ساله، بود که روزنامه ایران، ارگان رسمی دولت جمهوری اسلامی، اتهام او را «خرافه‌پرستی» عنوان کرد و گزارش داده بود که او مؤلف یک کتاب ۶۰۰ صفحه‌ای و متهم به گردآوری ۲۱ مرد و ۲۹ زن در حال ترویج خرافه‌پرستی در پایتخت مذهبی جمهوری اسلامی بود.

در شهریورماه سال ۱۳۸۶ نیز خبرگزاری مهر خبر داده بود که فردی به نام محمد حسین‌زاده ابوجسی مشهور به «درویش» به اتهام «ادعای امام زمان» بودن در ملاءعام در قم اعدام شده است.^۲ مصطفی برزگر گنجی اعلام کرده بود که پنج نفر دیگر نیز در قم به عنوان «مدعیان امام زمان» تحت بازداشت به سر می‌برند. همچنین او در ۱۲ دی‌ماه ۱۳۸۹ از اعدام هشت متهم مرتبط با مواد مخدر در زندان مرکزی قم خبر داد و گفت هر کدام از این افراد، دو بار تقاضای عفو کرده بودند که هر دو بار نیز تقاضای آن‌ها به تأیید نرسید. گنجی همچنین به اصلاح قانون تشدید مبارزه با مواد مخدر اشاره کرد و افزود: «مجازات حمل و نقل و خرید و فروش بالای ۳۰ گرم شیشه نیز همانند دیگر مواد روانگردان، چون کراک و هرویین، اعدام در نظر گرفته شده است.»^۳

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در ۱۸ مهر ۱۳۹۰ (۱۰ اکتبر ۲۰۱۱)، ۲۹ مقام ایرانی از جمله مصطفی برزگر گنجی را به دلیل نقشی که در نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی داشته‌اند از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه داری‌های این مقامات نیز در اروپا توقیف می‌شود.^۴

^۱ یک مدعی امامت در شهر قم اعدام شد، رادیو فردا، ۱ دی ۱۳۸۷، قابل دسترسی در نشانی

اینترنتی: <https://bit.ly/2AYPNND>

^۲ یک رمال در قم اعدام شد، خبرگزاری مهر، ۲۰ شهریور ۱۳۸۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2DrmQeT>

^۳ اعدام هشت قاچاقچی با سابقه مواد مخدر در زندان مرکزی قم، ایران، ۱۱ دی ۱۳۸۹، قابل دسترسی

در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2DoHwDz>

^۴ فهرست دوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۲۱

اسفند ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dim9Et>

بر اساس مصوبه اتحادیه اروپا مصطفی برزگر گنجی مسئول بازداشت‌های خودسرانه و شکنجه چندین نفر از بازداشت‌شدگان قمی است. او در افزایش استفاده از مجازات مرگ مشارکت داشته است و از ابتدای سال ۱۳۹۰ کاربرد زور و خشونت را افزایش داده است.



علی محمد بشارتی جهرمی

مشاور سیاسی رئیس مجمع
تشخیص مصلحت نظام

متولد ۱۳۲۳ شهر جهرم؛ مدرک
دکترای روابط بین‌الملل دارد.

مسئولیت‌ها

- عضو ستاد استقبال از روح‌الله خمینی و از اولین بازجویان مخالفان جمهوری اسلامی^۱
- عضو اولین شورای فرماندهی و از بنیان‌گذاران سپاه پاسداران در سال ۱۳۵۷^۲
- مسئول اطلاعات و تحقیقات سپاه^۳ (احتمالاً) در سال ۱۳۵۸
- نماینده دوره اول مجلس شورای اسلامی از ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۳^۴
- قائم‌مقام وزیر امور خارجه از ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۲
- وزیر کشور جمهوری اسلامی از ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶
- مشاور امنیتی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰^۵

^۱ علی محمد بشارتی، وزیر کشور هاشمی: به سرعت داریم به مردم پشت می‌کنیم، انتخاب، ۹ بهمن ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2S0VeFG>

^۲ مهاجرانی آس و پاسی بود که مرتب چک می‌کشید/ رفسنجانی جلوی کارگزاری‌ها ایستاد، خبرگزاری فارس، ۲۱ تیر ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2T5tBs8>

^۳ به مناسبت دوم اردیبهشت سالگرد تأسیس سپاه پاسداران - بازوی مکتبی، همشهری، ۳ اردیبهشت ۱۳۸۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://images.hamshahronline.ir/hamnews/1384/840203/world/siasatw.htm>

^۴ علی محمد بشارتی جهرمی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: http://rc.majlis.ir/fa/parliament_member/show/762319

^۵ روایت همراه با اشک و آه بشارتی از فتنه ۸۸ "جرم موسوی و کروبی بالاتر از قتل است"، خبرگزاری تسنیم، ۲۲ دی ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2AYJtG>

- مشاور سیاسی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام از ۱۳۸۰ تا کنون^۱

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. مشارکت در جنایتهای «گروه قنات» در جهرم

در نخستین ماه‌های پس از انقلاب گروهی به رهبری علی‌محمد بشارتی جهرمی که از مؤسسان سپاه پاسداران انقلاب بود و حسین آیت‌اللهی، امام جمعه این شهر، گروهی را شکل دادند که بعدترها مخالفان سیاسی را می‌ربود و پس از شکنجه در غسالخانه قبرستان بهشت رضوان در مجاورت امامزاده شازده ابوالفضل، مثله می‌کرد و به قتل می‌رساند و پیکرشان را در چاه‌های قنات‌های زمین‌های کشاورزی جهرم می‌انداخت. این قنات‌ها مدت‌ها بود به دلیل عدم لایروبی خشک شده بود.^۲ گفته می‌شود علاوه بر چندین هوادار سازمان‌های سیاسی مخالف و بهاییان، یک زن تن‌فروش و یک فرد همجنس‌گرا نیز از قربانیان این گروه بودند که بین مردم به گروه قنات معرفی شد بودند. با وجود کشف چند جنازه در قنات‌ها توسط برخی از خانواده‌ها که باعث توقف کار این گروه شد، هنوز به احتمال زیاد بقایای پیکرهای زیاد دیگری در قنات‌های این منطقه وجود دارند.^۳

یکی از قربانیان این گروه یک کارگر جنسی به نام گُلو بود. خانواده‌اش در کوهی نزدیکی جهرم زندگی می‌کردند. آنقدر فقیر بودند که خانه‌ای نداشتند. گروه قنات به دلیل «گناهانش»، به صورت گُلو اسید پاشیدند و کورش کردند. گُلو پسری داشت معروف به ممدگُلو. ممدگُلو دم در خانه می‌نشست و یک تومان و دو تومان از مردان مشتری پول می‌گرفت. بعد کورشدن مادر، به گروه قنات پیوست و یکی از بهترین‌هایشان شد در تکه‌تکه‌بردن اعضای بدن مخالفان سیاسی و سوراخ کردن جمجمه‌هایشان با مته. یک بار دست کرده بود توی جیبش و به چیز لزجی برخورد کرده بود؛

^۱ روایت همراه با اشک و آه بشارتی از فتنه ۸۸ / "جرم موسوی و کروبی بالاتر از قتل است"، خبرگزاری تسنیم، ۲۲ دی ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2AYJtG>

^۲ با بزرگ‌شدن شهر جهرم در سال‌های اخیر و گسترش ساخت و ساز در آن، منطقه‌ای که زمین‌های کشاورزی و قنات‌های جهرم در آن بود در میان شهرک فاطمیه و فرهنگ‌شهر قرار گرفته است.

^۳ جهرم: چیزی نگویید که گروه قنات می‌آید، خاک رنج، ۱۸ اسفند ۱۳۹۶، قابل دسترسی در

چشم یک قربانی بود که چند روز پیش در آورده و یادش رفته بود که توی جیبش گذاشته است.^۱

میترا لاگر از فعالان سیاسی سابق شهر جهرم، در شهادت خود به مرکز اسناد حقوق بشر ایران درباره این گروه می‌گوید: «زمانی که من در زندان بودم [اوایل تابستان ۱۳۶۰] پسرخاله‌ام حمید توسط گروه قنات کشته شده بود. آن‌ها ابتدا با چاقو او را زدند و در خیابان ره‌ایش کردند تا بمیرد. بعد مردم به او کمک کردند و او را به بیمارستان رساندند. این گروه قنات آن قدر وحشتناک بودند که حتی کسانی که به مجروح کمک می‌کردند را نیز با چاقو می‌زدند. بعد از درمان پسرخاله‌ام، حمید، بهبود می‌یابد و می‌تواند در روز بعد از بیمارستان مرخص شود، اما این گروه دوباره به بیمارستان حمله می‌کند. آن‌ها مسلح بوده و به هر یک از اتاق‌های بیمارستان یورش می‌آورند و بیماران آن را مضراب کرده و حتی یکی از آن‌ها را با اسلحه می‌کشند. وقتی آن‌ها وارد اتاق پسرخاله‌ام می‌شوند سُرْم را که به دست پسرخاله‌ام وصل بود از دستش در می‌آورند و در چشمش فرو می‌کنند. سپس او را با تختش از بیمارستان خارج می‌کنند. وقتی دکترها به این کار آن‌ها اعتراض می‌کنند آن‌ها می‌گویند، "شما حق حرف‌زدن ندارید. ما حزب‌الله، ارتش خدا هستیم. سه روز بعد نیروهای ژندارمری توانستند جسد حمید را از قنات‌های خارج از شهر پیدا کنند... جای شکنجه بر تمام بدن او هویدا بود. اعضای بدن او مثله و تمام بدنش با سیگار سوزانده شده بود. یک چشمش را در آورده بودند و تمام پشتش چاقو چاقو شده بود."^۲

صولت شیخ‌نیا، یکی از شاهدان عینی که خود از اهالی جهرم است، در شهادت خود نزد عدالت برای ایران در همین رابطه گفته است:

... بشارتی نام مشهور دیگری از عوامل جنایت‌های آن سال‌ها است. دختر خواهرش با ما زندان بود. فامیلش یادم نیست. خودش از دایه‌اش می‌گفت. همان موقع یکی از بچه‌های جهرم را تکه تکه کرده بودند، به نام حمید غفوری که جنازه‌اش را به خانواده‌اش تحویل می‌دهند. جنازه را تکه تکه‌اش کرده

^۱ گلو، فاحشه شهر جهرم، اگر دادخواهی برآرد خروش، شادی صدر، ۲۷ مه ۲۰۱۵، قابل دسترسی

در نشانی اینترنتی: <https://daadkhahi.wordpress.com/2015/05/27/golou/>

^۲ شهادتنامه: میترا لاگر، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، ۲۱ بهمن ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی

اینترنتی: <https://bit.ly/2CGEe5Q>

بودند و ازشان می‌خواهند که در باغچه خانه‌شان چالش کنند. در جریان کشته‌شدن او، بچه خواهر بشارتی گفت که دایی من دست داشت و یکی از عوامل کشتن حمید غفوری بود. می‌گفت که بچه‌ها را توی قنات می‌انداخته...^۱

ابراهیم رحمانیان نیز که اهل جهرم است و از فعالان سیاسی چپ این شهر در آن زمان بود نزد عدالت برای ایران چنین شهادت می‌دهد:

... آن‌ها را می‌بردند شکنجه می‌کردند. کنار قنات‌ها یک امام‌زاده بود. در قبرستان جایی هست که مرده می‌شورند. آن‌ها را آن‌جا می‌بردند و شکنجه می‌کردند و می‌زدند. بعد سر قنات می‌بردند و تیراندازی می‌کردند. بعد آن‌ها می‌افتادند در قنات. این‌که آن‌ها چه زمانی می‌مردند را کسی نمی‌دانست. مثلاً امشب یکی را می‌زدند، دو شب دیگه یکی دیگر، سه شب دیگر یکی از بچه‌های دیگر را می‌آوردند. مثلاً از بچه‌های مجاهدین و از بچه‌های فدائی اقلیت، آدم‌های عادی، آدم‌های همجنس‌گرا، خیلی افراد، فرق نمی‌کرد. هر کس را این‌ها در دستشان بود که می‌دانستند در این اوضاع باید آن‌ها را از بقیه جدا کنند، این‌ها را می‌آوردند در این قنات می‌انداختند.

به دلیل وجود گروه قنات همه مردم شهر در رعب و وحشت بودند و تا چیزی می‌شد می‌گفتند چیزی نگویید که گروه قنات می‌آید.

یکی از بچه‌های مجاهدین به نام «منوچهر هنری»^۲ را گرفته و اول به آن مرده‌شورخانه برده بودند، آن‌جا او را بسته بودند، بعد با دریل سوراخ سوراخ کردند و بعد آوردند او را در قنات انداختند.^۳

... پدر منوچهر هنری رفت تهران و این‌طرف و آن‌طرف رفت. یکی از قوم و خویش‌هایش از حقوق‌دان‌های شورای نگهبان بود. او را پیدا کرد و خلاصه توانستند هیئتی را به جهرم بفرستند. آن‌ها هم به جهرم آمدند. از آن موقع جلوی این گروه قنات را گرفتند. جنازه منوچهر را هم از قنات بیرون آوردند و دفن کردند. ولی خیلی از جنازه‌ها معلوم نشد چه شد. ما نمی‌دانیم چه شدند فقط می‌دانیم هیچ جنازه‌ای را دست خانواده‌اش نمی‌دادند.^۴

^۱ شهادت صولت شیخ‌نیا، عدالت برای ایران، ۲۰۱۳

^۲ منوچهر هنری در زمان قتل، ۱۷ ساله و دانش‌آموز بوده است.

^۳ شهادت ابراهیم رحمانیان، عدالت برای ایران، ۲۰۱۷

^۴ همان.

روزنامه "انقلاب اسلامی در هجرت" که به مدیر مسئولی ابوالحسن بنی صدر در پاریس منتشر می شود در شماره ۲ اردیبهشت ۱۳۶۲ می نویسد که جسد ۶۰ زندانی سیاسی در قنات های جهرم کشف شده است. در این مطلب آمده که موسوی اردبیلی در خطبه های نماز جمعه اشاره ای به پرونده جهرم و تخلفاتی که در این شهر انجام شده کرده است.^۱

یکی دیگر از شاهدان می گوید که غیر از این شیوه های ترور عریان، اشکال دیگر سرکوب هم بود؛ تصفیه ها و اخراج ها: «یک کمیته تشکیل شده بود در سال ۱۳۵۹، از علی محمد بشارتی، ابراهیم جمالی، آتشی، نصرالله میمنه، حاج مهربان و رئیس وقت سپاه پاسداران به نام «کمیته تصفیه شهر جهرم» که در اطلاعیه هاشان اسامی تصفیه شدگان را اعلام می کردند و آن را به در و دیوار شهر می زدند. بدون این که دلیل این اخراج ها را روشن کنند. اگر هم کسی مسئله را دنبال می کرد، پاسخ می شنید: "خودت بگو چه کار کرده ای که باعث اخراجت شده." بیشترین تصفیه در آموزش و پرورش بود. در شغل های دیگر هم بود.»^۲

۲. عضویت در «هیات بررسی شایعه شکنجه» مجلس شورای اسلامی

در ماه های آغازین سال ۱۳۶۰، به دلیل مراجعات و ارسال نامه های مکرر خانواده های زندانیان سیاسی زندان های جمهوری اسلامی به نمایندگان مجلس و طرح موضوع بدرفتاری و شکنجه زندانیان، هیاتی از سوی رهبر جمهوری اسلامی، روح الله خمینی، برای بازدید و بررسی این موضوع به زندان های تهران ارسال شد. علی محمد بشارتی که در آن زمان نماینده جهرم در مجلس شورای اسلامی بود به عنوان نماینده قوه مقننه در این هیات انتخاب شد. در نتیجه بررسی این هیات آمده بود: «نظام حاکم بر بازجویی و بازپرسی دادگاه ها و زندان های ما به هیچ وجه مبتنی بر شکنجه نیست و اگر موارد معدودی نیز دیده شده به طور استثنایی و از سوی افراد غیرمسئول بوده است و اتهام وارده به روش بازجویی و بازپرسی از طرف یکی از مقامات کشور به هیچ وجه صحیح نمی باشد.»^۳

^۱ انتشار خبر کشف ۶۰ جسد زندانیان سیاسی در قنات جهرم در اردیبهشت ۱۳۶۲، سایت انقلاب اسلامی، ۷ اردیبهشت ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.enghelabe-eslami.com/tamas/21-didgaha/tarikhi/8499-60-1362.html>

^۲ مصاحبه با سه تن از شاهدان جنایات «قنات»، بیداران، خرداد ۱۳۸۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.bidaran.net/spip.php?article146>

^۳ بشارتی نماینده مجلس، در بررسی امور زندان ها شد، روزنامه اطلاعات، ۲۴ آذر ۱۳۹۵، صفحه ۳

حال آن‌که شهادت شاهدان جان‌به‌دربرده از آن سال‌ها و خانواده آن‌ها و خاطرات و روایت‌های منتشرشده کاملاً مغایر ادعای این هیات است. بخش ایران سازمان عفو بین‌الملل در گزارشی با نام «شکنجه در دهه هشتاد» درباره شکنجه‌های رایج سال‌های اولیه پس از انقلاب می‌نویسد: «... شایع‌ترین شیوه‌های شکنجه که برای عفو بین‌الملل تشریح شده است، شامل شلاق‌زدن با کابل بر تمام قسمت‌های بدن زندانی در حالی که او از ناحیه مچ دست آویزان است و یا کف پا در حالی که به تخت بسته شده است. شیوه‌های دیگر شامل سوزاندن با سیگار و اتو، شوک الکتریکی، بازکردن جریان آب با فشار به طرف زندانی و اعدام‌های ساختگی گزارش شده است...»^۱

۳. تصویب آیین‌نامه «تعیین مصادیق البسه و آرایش‌های غیر مجاز»
 آیین‌نامه تعیین مصادیق البسه و آرایش‌های غیر مجاز در زمان تصدی علی‌محمد بشارتی در وزارت کشور و در شهریورماه ۱۳۷۵ در وزارت کشور به تصویب رسید.^۲ بسیاری از مواد این آیین‌نامه از مصادیق بارز تبعیض و تحدید آزادی‌های فردی و اجتماعی شهروندان به‌ویژه زنان به شمار می‌آید. برای مثال در بخشی از این آیین‌نامه ذیل «مصادیق غیر مجاز در واردات، تولید، توزیع و فروش انواع البسه آمده است: «... لباس‌هایی که آلات موسیقی مانند گیتار، ویولون، شیپور و چنگ و امثالهم روی آن‌ها چاپ، گلدوزی، تکه‌دوزی، بافته، نصب و یا الصاق شده باشد. لباس‌هایی که روی آن‌ها تصاویر فکاهی و پوچ و بی‌معنا مانند کفش سوراخ‌شده که انگشت شصت از آن بیرون آمده باشد، تصاویر آدم‌های معتاد، چاپ، گلدوزی، تکه‌دوزی، نصب و یا الصاق شده باشد. لباس‌هایی که روی آن‌ها عبارات عاشقانه و مبتذل مانند مرا ببوس، دوستت دارم و الفاظ و کلمات مشابه چاپ، گلدوزی، تکه‌دوزی، بافته، نصب و یا الصاق شده باشد...»^۳

^۱ TORTURE IN THE EIGHTIES, Amnesty international, 1 January 1984, <https://www.amnesty.org/download/Documents/200000/act400011984eng.pdf>

^۲ آیین‌نامه تعیین مصادیق البسه و آرایش‌های غیرمجاز، شهریور ۱۳۷۵، قابل دسترسی در نشانی

اینترنتی: <https://bit.ly/2SaI9cP>

^۳ همان.



محمد کاظم بهرامی

رئیس دیوان عدالت اداری کشور

مسئولیت‌ها^۱

- رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح کشور از ۱۳۸۳ تا ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۵
- رئیس دیوان عدالت اداری کشور از ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۵ تا کنون^۲

برخی از موارد نقض حقوق بشر

مشارکت در سرکوب اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸
محمد کاظم بهرامی به‌عنوان رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح کشور در سرکوب اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ که در تجمعات آرام شرکت داشته‌اند مسئول است.

سه روز پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ تظاهرات مسالمت‌آمیز شهروندان در اعتراض به نتیجه انتخابات با خشونت و خونریزی و بازداشت‌های گسترده به پایان رسید. در این راهپیمایی تعداد بازداشت‌شدگان ۳۰۰ نفر تخمین زده شد که تعدادی زیادی از آنان به دلیل «شرکت در راهپیمایی غیر قانونی» دادگاهی و مجبور به تحمل حبس شدند.

در ۲۹ خردادماه ۱۳۸۸ معترضان با حضور در نماز جمعه و خیابان‌های اطراف دانشگاه راهپیمایی کردند که با خشونت از سوی نیروهای انتظامی و امنیتی

^۱ دادستان نظامی تهران رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح شد، خبرگزاری تسنیم، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2AXJzOd>

^۲ افزایش ۳۵ درصدی پرونده‌های مختومه دیوان عدالت در سال ۹۶، خبرگزاری مهر، ۱۴ فروردین ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2R5yijN>

روبه‌رو شد. در ۳۰ خرداد نیز هزاران معترض در خیابان‌های تهران دست به تظاهرات زدند. پلیس ضد شورش و نیروهای امنیتی خیابان‌های انقلاب، کریمخان زند، میدان فردوسی، بلوار کشاورز و خیابان آزادی را به شدت تحت کنترل داشتند. تظاهرات‌کنندگان از سوی پلیس و نیروی بسیج ضرب و شتم شدید شدند. رسانه‌های داخلی و خارجی خبر از مجروحانی دادند که بر اثر تیراندازی به بیمارستان‌های اطراف این خیابان‌ها منتقل شدند. همچنین بنا به نوشته سایت‌های خبری، کارکنان بیمارستان‌ها خبر مرگ دست‌کم ۱۹ نفر را تأیید کردند ولی برخی گزارش‌های تأیید نشده رقم کشته‌شدگان را ۱۵۰ تن اعلام کردند.

در ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ ندا آقاسلطان کشته شد و تعداد زیادی روزنامه‌نگار بازداشت شدند. در ۳۱ خرداد تظاهرات‌کنندگان به صورت پراکنده تجمع کردند که همگی با خشونت شدید نیروهای بسیج و پلیس ضد شورش همراه بود. این سرکوب‌ها به حدی بود که اتحادیه اروپا سفرای ایران در تمام کشورهای عضو این اتحادیه را احضار کرد. در ۱۸ تیرماه هم‌زمان با سالگرد ۱۸ تیر ۱۳۷۸ راهپیمایی‌های گسترده‌ای صورت گرفت که همگی با خشونت پاسخ گرفت. در مردادماه ۱۳۸۸ نیز اعتراض‌ها بازداشت گروه زیادی از معترضان را در پی داشت. در ۱۶ آذر ۱۳۸۸ تظاهراتی اعتراضی در روز دانشجو برگزار شد. در جریان این تظاهرات بیش از ۲۰۰ نفر بازداشت شدند.^۱

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در ۱۸ مهر ۱۳۹۰ (۱۰ اکتبر ۲۰۱۱) ۲۹ مقام ایرانی از جمله محمد کاظم بهرامی را به دلیل نقشی که در نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی داشته‌اند از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه دارایی‌های این مقامات نیز در اروپا توقیف خواهد شد. بر اساس بیانیه اتحادیه اروپا محمدکاظم بهرامی، رئیس دادگاه نیروهای مسلح ایران، در سرکوب معترضان به انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ که در تجمعات آرام شرکت داشتند نقش داشته است.^۲

^۱ دو سال نافرمانی مدنی حاصل یک انتخابات، صدای آمریکا، ۲۴ خرداد ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://ir.voanews.com/a/roya-maleki-2011-06-14-123832729/152595.html>

^۲ فهرست دوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۲۱ اسفند ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dim9Et>



مصطفی پورمحمدی

مشاور رئیس قوه قضائیه

متولد ۱۳۳۸ در شهر قم؛ تحصیلات
حوزوی دارد.

مسئولیت‌ها^۱

- دادستان دادگاه‌های انقلاب در استان‌های خوزستان، هرمزگان و خراسان از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۵
- دادستان نظامی دادگاه‌های انقلاب در غرب کشور از ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۶
- مشاور وزیر اطلاعات از ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۹
- جانشین وزیر اطلاعات از ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۰
- مسئول امور خارجی وزارت اطلاعات از ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۸
- مدرس علوم سیاسی در دانشگاه امام صادق از ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴
- رئیس امور سیاسی، اجتماعی رهبر جمهوری اسلامی از ۱۳۸۱ تا کنون
- رئیس سازمان بازرسی کشور از مرداد ۱۳۸۴ تا اردیبهشت ۱۳۸۷
- وزیر دادگستری جمهوری اسلامی ایران از مرداد ۱۳۹۲ تا مرداد ۱۳۹۶
- مشاور رئیس قوه قضائیه از ۳۱ مرداد ۱۳۹۶ تا کنون^۲

^۱ وزارت «پورمحمدی» در دادگستری ادامه می‌یابد یا او مسئولیت دیگری می‌پذیرد؟+جدول عملکرد، تابناک، ۲۵ تیر ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2R00Ivv>

^۲ پورمحمدی مشاور رئیس قوه قضائیه شد، خبرگزاری مهر، ۳۱ مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FPcabo>

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. مشارکت در اعدام‌های گسترده زنان جوان در مشهد

در شهریورماه سال ۱۳۶۰ مصطفی پورمحمدی از بندرعباس به مشهد منتقل، و دادستان کل استان خراسان شد.

در هفته اول دی‌ماه ۱۳۶۰، چندین زن جوان در زندان وکیل‌آباد مشهد اعدام شدند. بلافاصله پس از این اعدام‌ها برخی از خانواده‌های دختران اعدامی به نزدیکان - شان گفتند که پیش از اعدام به دختران آن‌ها تجاوز شده است.^۱ شواهدی که عدالت برای ایران از نزدیکان سه تن از دختران اعدام‌شده، سیما مطلبی و دو خواهر ماندانا و میترا مجاوریان به دست آورده است نشان می‌دهد که آن‌ها در دادگاه‌های چنددقیقه‌ای و بدون داشتن وکیل محاکمه و به اعدام محکوم شده بودند. یکی از ماموران (پاسداران) زندان چند روز پس از اعلام خبر اعدام ماندانا و میترا مجاوریان به منزل خانواده آن‌ها مراجعه می‌کند و با دادن گل و شیرینی اعلام می‌کند که برداران پاسدار پیش از اعدام با دختران آن‌ها ازدواج کرده‌اند. سیما مطلبی نیز بر روی پای خود نوشته بود که به من تجاوز شده است.

بر اساس شهادت دو تن از زندانیان سیاسی که یکی از آن‌ها در شهریور سال ۱۳۶۰ و دیگری در دی‌ماه ۱۳۶۰ محاکمه شده‌اند، در تمام دوران شهریور تا اواخر دی علی رازینی، حاکم شرع بود و کلیه احکام اعدام زنان جوان به دست او صادر شده است و مصطفی پورمحمدی به‌عنوان دادستان انقلاب استان مسئول صدور کیفرخواست علیه این زندانیان و بعدتر، اجرای اعدام‌ها بوده است.^۲

۲. عضویت در هیات مرگ و کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷

مصطفی پورمحمدی به عنوان نماینده وزارت اطلاعات در سال ۱۳۶۷ عضو کمیته‌ای موسوم به «هیات مرگ» بود که پس از چند سوال درباره عقاید سیاسی یا مذهبی زندانیان تصمیم به اعدام یا زنده‌ماندن آن‌ها می‌گرفت.

^۱ مستند لحظه‌های آخر، مستندی درباره تجاوز به دختران باکره پیش از اعدام، عدالت برای ایران، ۴ تیر ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.youtube.com/watch?v=zAAHiMVVYuw>

^۲ جنایت بی‌عقوبت؛ گزارش اول - شکنجه جنسی زندانیان زن در دهه ۶۰، عدالت برای ایران، ۱۹ آذر ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/publication/call-for-action/cwp-1/>

در مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷، چندین هزار زندانی سیاسی در ایران، با فتوای روح‌الله خمینی و تصمیم مقامات قضائی و اطلاعاتی اعدام شدند. تمامی آن‌ها پیش از این به مجازات زندان محکوم شده و در حال گذراندن دوران محکومیت خود بودند و دوران محکومیت برخی از آنان نیز به پایان رسیده بود. زندانیان سیاسی مخفیانه اعدام شدند و پیکر آنان در گورهای بی‌نام‌ونشان یا جمعی در سراسر ایران دفن شده است.^۱

علاوه بر شهادت‌های متعدد جان‌به‌دربرندگان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، با انتشار فایل صوتی جلسه حسین‌علی منتظری با اعضای هیات مرگ^۲ در ۲۴ مرداد ۱۳۶۷، حضور مصطفی پورمحمدی، ابراهیم رئیسی (جانشین وقت دادستان، حسین‌علی نیری (حاکم شرع وقت) و مرتضی اشراقی (دادستان وقت) در هیات مرگ به صورت انکارناپذیری برجسته شد.

در این فایل صوتی، حسین‌علی منتظری در حضور ابراهیم رئیسی (جانشین وقت دادستان، مصطفی پورمحمدی (نماینده وقت وزارت اطلاعات)، حسین‌علی نیری (حاکم شرع وقت) و مرتضی اشراقی (دادستان وقت) می‌گوید: «بزرگترین جنایتی که در جمهوری اسلامی شده و تاریخ ما را محکوم می‌کند به دست شما انجام شده و شما را در آینده جزو جنایتکاران در تاریخ می‌نویسند».^۳

پیش‌تر نیز حسین‌علی منتظری، از مراجع تقلید مخالف با دولت و تنها قائم‌مقام روح‌الله خمینی، در کتاب خاطرات خود به نقش مصطفی پورمحمدی در قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ اشاره کرده بود.^۴

با وجود این‌که مصطفی پورمحمدی حضور خود در هیات مرگ را همواره انکار کرده بود^۵، در شهریور ۱۳۹۵ طی سخنانی در جلسه شورای اداری استان لرستان

^۱ برای اطلاعات بیشتر درباره گورهای جمعی، به پلتفرم چندرسانه‌ای "خاک‌رنج" در این نشانی اینترنتی مراجعه کنید: <https://painscapes.com>

^۲ انتشار فایل صوتی آیت‌الله منتظری در مورد اعدام‌های سال ۱۳۶۷، بی بی سی، ۲۰ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bbc.in/2SVbNA3>

^۳ انتشار فایل صوتی سخنان آیت‌الله منتظری درباره اعدام‌های ۶۷؛ مرتکب بزرگترین جنایت شده‌اید، صدای آمریکا، ۱۹ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2McrBMB>

^۴ آیت‌الله منتظری نقش پورمحمدی در اعدام‌های سال ۶۷ تأیید کرد، بی بی سی، ۲۵ آذر ۱۳۸۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bbc.in/2ssIxEY>

^۵ دخالتم در اعدام‌های دهه ۶۰ دروغ است / در وزارت اطلاعات یک روز پست امنیتی نداشتم / کاندیداتوری هاشمی و خاتمی کنترل چرخه قدرت و ثروت را برهم می‌زند، انتخاب، ←

با پذیرش نقش خود در کشتار زندانیان سیاسی گفت: «ما افتخار می‌کنیم که دستور خدا در رابطه با منافقین [مجاهدین خلق] را اجرا کردیم و در مقابل دشمنان خدا و ملت با قدرت ایستادیم و مقابله کردیم.»^۱

وکلا‌ی بین‌المللی حقوق بشری چون جفری رابرتسون،^۲ همچنین هیات قضات دادگاه مردمی ایران تریبونال^۳ و سازمان عفو بین‌الملل^۴، کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ را مصداق جنایت علیه بشریت دانسته‌اند.

سازمان ملل نیز قربانیان کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ را مصداق «ناپدیدشدگی قهری» دانسته است.^۵ به رسمیت شناخته‌شدن قربانیان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ به عنوان ناپدیدشده قهری، دولت جمهوری اسلامی ایران را بر اساس قوانین بین‌المللی موظف می‌کند که حق خانواده‌های قربانیان برای دانستن حقیقت درباره سرنوشت و محل دفن عزیزان‌شان را ادا کند و مسئولان آن را تحت تعقیب قرار دهد. از نظر حقوق بین‌الملل، ناپدیدشدگی قهری نقض مداوم حقوق بشر و یک جرم بین‌المللی است و تا زمانی که فرد ناپدیدشده پیدا یا سرنوشت‌اش به‌طور کامل معلوم نشود، حتی با وجود گذشت چند دهه، مشمول مرور زمان نمی‌شود.

۳. ترور مخالفان جمهوری اسلامی در خارج از ایران و قتل‌های سیاسی روشنفکران و دگراندیشان موسوم به (قتل‌های زنجیره‌ای) مصطفی پورمحمدی هنگام تصدی معاونت وزارت اطلاعات (جانشین وزیر وقت

→ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2L7v9xL>

^۱ منافقان با خفت و خواری زندگی می‌کنند/ افتخار می‌کنیم دستور خدا را درباره منافقین اجرا کردیم، خیرگزاری تسنیم، ۷ شهریور ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2FLN8u3>

^۲ کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷، جفری رابرتسون، بنیاد برومند، فروردین ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: https://www.iranrights.org/attachments/library/doc_5.pdf

^۳ حکم دادگاه ایران تریبونال، ایران تریبونال، ۱۷ بهمن ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2DaFCH7>.

^۴ کشتار ۶۷؛ استمرار جنایت علیه بشریت توسط حکومت ایران، عفو بین‌الملل، ۴ دسامبر ۲۰۱۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.amnesty.org/download/Documents/MDE1395132018PERSIAN.PDF>

^۵ سازمان ملل قربانیان کشتار ۶۷ را به عنوان ناپدیدشده قهری به رسمیت شناخت، عدالت برای ایران، ۱۱ آبان ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FEPP03>

اطلاعات، قربانعلی دری نجف‌آبادی)، مشارکت موثری در قتل منتقدان نظام جمهوری اسلامی در داخل و خارج از کشور داشته است.

در زمان تصدی پورمحمدی در وزارت اطلاعات به‌عنوان جانشین وزیر اطلاعات و پس از آن مسئول امور خارجی وزارت اطلاعات، مأموران این وزارت‌خانه در برنامه-ریزی، دستور و ترور تعدادی از سران سازمان‌های مخالف جمهوری اسلامی دولت ایران و شخصیت‌های شناخته شده اپوزیسیون در اروپا از جمله عبدالرحمان قاسملو (۱۳۶۸)، کاظم رجوی (۱۳۶۹)، شاپور بختیار (۱۳۷۰)، صادق شرفکندی (۱۳۷۱) و فریدون فرخزاد (۱۳۷۱) دست داشته‌اند.^۱

همچنین در پائیز ۱۳۷۷ تعدادی از منتقدان سیاسی، نویسندگان و روشنفکران برجسته ایرانی با فاصله کوتاهی به قتل رسیدند. داریوش فروهر و پروانه اسکندری از فعالان پرسابقه سیاسی و رهبران حزب ملت ایران بودند و مجید شریف، محمد مختاری و محمدجعفر پوینده از نویسندگان و روزنامه‌نگاران دگراندیش شناخته شده بودند. به دلیل فشار افکار عمومی و دستور رئیس جمهوری وقت، محمد خاتمی، وزارت اطلاعات در ۱۵ دی‌ماه ۱۳۷۷ با انتشار اطلاعیه‌ای قبول کرد که مأموران این وزارت در طراحی این قتل‌ها دست داشته‌اند اما آن‌ها را به‌عنوان «معدودی از همکاران مسئولیت‌ناشناس، کج‌اندیش و خودسر این وزارت که بی‌شک آلت دست عوامل پنهان قرار گرفته و جهت مطامع بیگانگان دست به این اعمال جنایتکارانه زده‌اند» معرفی کرد. ۱۸ نفر به اتهام دست‌داشتن در این قتل‌ها بازداشت شدند و در نهایت دادستان مجتمع قضائی نیروهای مسلح اعلام کرد که مغز متفکر پشت این قتل‌ها یکی از مسئولان عالی‌رتبه وزارت اطلاعات به نام سعید امامی است و امامی نیز در حبس خودکشی کرده است.^۲

^۱ آمران قتل‌ها: کابینه امنیتی دولت جدید ایران، دیده‌بان حقوق بشر، ۲۴ آذر ۱۳۸۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://www.hrw.org/legacy/backgrounder/mena/iran1205/iran1205_farsi.pdf

^۲ بازخوانی پرونده قتل‌های زنجیره‌ای، بی بی سی، ۲ آذر ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: http://www.bbc.com/persian/iran/2009/11/091123_ag_shn_chain_assassinations



یحیی (عباس) پیرعباسی

قاضی یکی از دادگاه‌های عمومی
کیفری تهران

مسئولیت‌ها^۱

- قاضی دادگاه خانواده تا سال ۱۳۸۸
- قاضی شعبه‌های ۲۶ و ۲۸ دادگاه انقلاب از بعد از انتخابات ۱۳۸۸ تا بهمن‌ماه ۱۳۹۲
- قاضی یکی از دادگاه‌های عمومی کیفری تهران از بهمن‌ماه ۱۳۹۲

برخی از موارد نقض حقوق بشر

صدور احکام اعدام و حبس‌های طولانی‌مدت برای فعالان مدنی، سیاسی و بازداشت‌شدگان اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ یحیی (عباس) پیرعباسی به‌عنوان قاضی شعبه‌های ۲۶ و ۲۸ دادگاه انقلاب در حبس و اعدام بازداشت‌شدگان پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ نقش داشته است. او یکی از قضات رسیدگی‌کننده به پرونده‌های بعد از انتخابات بود و احکام اعدام و حبس‌های بلندمدت و سنگینی برای شماری از معترضان صادر کرده است. برگزاری جلسات دادگاه پشت درهای بسته، برگزاری محاکمه‌های چند دقیقه‌ای بدون طی کردن روال حقوقی ضروری، ایجاد وحشت در بازداشت‌شدگان، عدم رعایت استقلال قاضی از طریق قضاوت و دادستانی هم‌زمان و محروم کردن بازداشت‌شدگان از دسترسی به وکیل از جمله مواردی است که در پرونده‌هایی که قاضی پیرعباسی

^۱ انحلال شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی پیرعباسی، کلمه، ۹ بهمن ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.kaleme.com/1392/11/09/klm-172988/>

رسیدگی کرده اعمال شده است. به گفته برخی وکلای دادگستری «آرای چندین صفحه‌ای او همچون بیانیه‌های سیاسی و سرمقاله‌های روزنامه کیهان بود.»^۱ به گفته وکلایی که پرونده موکلان‌شان در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب بررسی شده است این شعبه همانند شعبه‌های ۱۵ و ۲۸ دادگاه انقلاب در اختیار ماموران وزارت اطلاعات بود و اغلب همان حکمی برای فعالان مدنی، سیاسی و مطبوعاتی صادر می‌شد که بازجوها در اتاق بازجویی به زندانیان سیاسی گفته بودند. صدور ۱۸ سال زندان، تبعید به شهر برازجان و ۲۰ سال محرومیت از وکالت برای عبدالفتاح سلطانی^۱؛ صدور ۱۵ سال زندان (۱۰ سال حبس در تبعید در شهرستان ایذه) و ۷۴ ضربه شلاق برای ضیا نبوی^۲؛ صدور ۱۵ سال حبس تعزیری برای حسین رونقی^۳؛ صدور ۱۲ سال حبس تعزیری برای نوید خانجانی^۴؛ صدور ۱۱ سال حبس، ۲۰ سال محرومیت از وکالت و ۲۰ سال ممنوع‌الخروجی از ایران برای نسرين ستوده^۵؛ صدور ۱۱ سال حبس تعزیری برای نرگس محمدی^۶؛ صدور ۸ سال حبس تعزیری برای سعید عابدینی^۷، کشیش مسیحی؛ صدور ۷ سال و ۴ ماه حبس تعزیری و ۳۴ ضربه شلاق برای بهمن احمدی امویی^۸؛ صدور ۶ سال حبس و ۲۰

^۱ عبدالفتاح سلطانی به تحمل ۱۸ سال زندان محکوم شد، دویچه‌وله، ۱۳ اسفند ۱۳۸۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FKyyDZ>

^۲ حبس اضافه یک ستاره‌دار، رادیو فردا، ۲۸ بهمن ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.radiofarda.com/a/zia-nabavi-imprisoned-student-who-released-four-years-after-his-sentenced-ended/29045731.html>

^۳ حسین رونقی ملکی، جرم: شهروند-خبرنگار، ایران وایر، ۱۷ مهر ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://iranwire.com/fa/news/old/1440>

^۴ محکومیت سنگین ۱۲ سال زندان برای نوید خانجانی فعال حقوق بشر و دانشجوی محروم از تحصیل، کمپین حقوق بشر ایران، ۱۱ بهمن ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://persian.iranhumanrights.org/1389/11/navid_khanjani_12_years/
^۵ انتقاد از کیفر سنگین برای نسرين ستوده، دویچه‌وله، ۲۰ دی ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2sE15SL>

^۶ نرگس محمدی حکمش را ناعادلانه و سیاسی دانست، دویچه‌وله، ۱۶ اسفند ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Uab0LO>

^۷ جان کری خواهان آزادی سعید عابدینی شد، بی بی سی، ۲ فروردین ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2013/03/130322_u01_kerry_abedini.shtml
^۸ نامه ژیلابنی یعقوب به قاضی پرونده همسر دربندش، ایران امروز، ۲۲ دی ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.iran-emrooz.net/index.php/news1/20646/>

سال محرومیت از فیلمسازی و خروج از کشور برای جعفر پناهی^۱، فیلمساز؛ صدور ۶ سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق برای شادی صدر، وکیل دادگستری و فعال جنبش زنان؛ صدور ۶ سال زندان، تبعید به ایزده در جنوب غربی ایران و ۷۶ ضربه شلاق برای شیوا نظراآهاری^۲، فعال حقوق بشر؛ صدور ۶ سال حبس تعزیری برای نازنین خسروانی، روزنامه‌نگار، و صدور یک سال حبس تعزیری و ۳۰ سال محرومیت از شغل روزنامه‌نگاری برای ژیلای بنی‌یعقوب^۳، روزنامه‌نگار، فقط بخشی از احکام صادرشده از سوی قاضی پیرعباسی است.

غلامرضا خسروی، هانی یازلو، محمدعلی طاهری، پیمان عارفی و مهسا امرآبادی از دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی هستند که از سوی پیرعباسی به احکام سنگین محکوم شده‌اند.

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در ۲۳ فروردین‌ماه ۱۳۹۰ (۱۳ آوریل ۲۰۱۱)، یحیی (عباس) پیرعباسی را به دلیل این‌که در زمان ریاست شعبه‌های ۲۶ و ۲۸ دادگاه انقلاب صادرکننده احکام بلندمدت حبس و اعدام برای شماری از معترضان بعد از انتخابات ۱۳۸۸ بوده است از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. همچنین کلیه دارایی‌های او در اروپا مسمول توقیف شد.^۴

انحلال شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران

در بهمن‌ماه ۱۳۹۲ شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران منحل شد و یحیی پیرعباسی به یکی از دادگاه‌های عمومی کیفری تهران منتقل شد. به گزارش

^۱ اعلام حکم دادگاه تجدیدنظر: جعفر پناهی ۶ سال حبس، محمد رسول‌اف: یک سال حبس، کلمه، ۲۳ مهر ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.kaleme.com/1390/07/23/klm-76847/>

^۲ محکومیت شیوا نظراآهاری به شش سال حبس توأم با تبعید در زندان ایزده، پیک ایران، ۲۷ شهریور ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.pevkeiran.com/Content.aspx?ID=21921>

^۳ تأیید حکم یک سال حبس قطعی و ۳۰ سال محرومیت از روزنامه‌نگاری برای ژیلای بنی‌یعقوب، روزنامه‌نگار، کلمه، ۳ آبان ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.kaleme.com/1389/08/03/klm-36329/>

^۴ فهرست تازه مقام‌های تحریم‌شده ایرانی توسط اتحادیه اروپا، بی بی سی، ۲۵ فروردین ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2011/04/110414_126_eu_sanctions_human_rights_names

شماری از وکلای دادگستری، کم‌شدن پرونده‌های امنیتی یکی از دلایل انحلال شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب عنوان شده است. با این حال انتصاب پیرعباسی به ریاست دادگاه عمومی که پرونده‌های کیفری در آن بررسی می‌شود، تنزل رتبه برای او محسوب می‌شود. همچنین برخی از صاحب‌نظران اعتقاد دارند در گذشته نیز برخی از مقاماتی که به دلیل نقش‌شان در نقض حقوق بشر در فهرست مجازات‌های حقوق بشری قرار گرفته‌اند از سمت‌های خود عزل، و به پست‌هایی که خارج از توجه رسانه‌ها و فعالان حقوق بشر است گمارده شده‌اند.



مجید تراب‌پور

مسئولیت‌ها

- رییس زندان عادل آباد، ۱۳۶۰ تا اواسط دهه ۶۰
- مدیر کل سازمان زندان‌های استان فارس و کهگیلویه و بویراحمد از سال‌های میانه دهه ۶۰ تا دست‌کم ۱۳۷۴^۱
- رئیس ستاد مردمی دیه استان فارس^۲ دست‌کم تا شهریور ۱۳۹۶^۳

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. شکنجه و آزار زندانیان سیاسی

مجید تراب‌پور به‌عنوان مدیر کل سازمان زندان‌های استان فارس و کهگیلویه و بویراحمد در شکنجه زندانیان سیاسی نقش و مشارکت موثری داشته است. صولت شیخ‌نیا، که در دهه ۶۰ در زندان عادل‌آباد شیراز زندانی بوده است، در شهادتی برای عدالت برای ایران درباره شکنجه‌شدن زندانیان توسط مجید تراب‌پور می‌گوید: زندان عادل‌آباد شیراز سه طبقه داشت. در هر طبقه هم چهل و دو اتاق بود که میله داشت. هر وقت کسی که یا حرفی زده بود یا مشخص شده بود که

^۱ مدیران زندان‌ها در مقابل ۵ سوال اصلاح و تربیت، پایگاه مجلات تخصصی نور، بهمن ۱۳۷۴،

قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2T5WLYc>

^۲ آزادی ۱۵۵ زندانی جرائم غیرعمد در فارس + فیلم، خبرگزاری صدا و سیما، ۱۵ شهریور ۱۳۹۶،

قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2T4ea3k>

^۳ همان.

مثلاً [کسی] روی موضعش است به ما می‌گفتند از سلول‌های‌تان بیاید بیرون، دور میله‌ها بایستید، کف طبقه پایین... چون توابینی را می‌گذاشتند که ما به آن‌ها می‌گفتیم توابین نفوذی، این‌ها خودشان را هنوز هوادار جا می‌زدند و در بچه‌ها نفوذ می‌کردند و از بچه‌ها حرف می‌کشیدند. بعد که می‌فهمیدند سر موضع‌اند، بدون این که ما اطلاع داشته باشیم، می‌رفتند به [مقامات زندان] اطلاع می‌دادند. یکی از بچه‌ها را می‌آوردند... اول تواب [ها] می‌رفتند این را خیلی بدجور می‌زدند، توی اتاقش، گاهی وقت‌ها می‌آوردند کف طبقه اول که سیمانی هم بود، مجید تراب‌پور معمولاً این‌ها را می‌زد. به‌طور خاص مثلاً یک بار مادر الهه را خیلی بدجور زد، سن بالایی هم داشت، آوردند زدند، الهه هم بالا بود. گفتند این برای تنبیه شدن الهه است که هنوز روی موضع است، مادرش را آوردند زدند، مادرش هم زندانی عادل‌آباد نبود. حالا از سپاه آوردند یا از ملاقاتی آوردند، دقیقاً یادم است که نزدیک ظهر بود، که آوردند آنجا و مجید تراب‌پور خودش این را شلاق زد و ما را وادار کرد که حتماً بایستیم ببینم.

[یک روز] گفتند دختر امام آمده [به زندان]، فریده گویا آمده بود. بروید سخنرانی او. سالن بزرگی هم بود که پرده زده بودند. آن طرفش پسرها بودند و این طرفش دخترها. او [دختر خمینی] که داشت صحبت می‌کرد، وسط صحبت‌هایش داشت از خمینی حرف می‌زد. یکی از پسرها گفت مرگ بر خمینی، از این طرف هم فاطمه عبدالعلی‌نژاد بلند با دو تا از بچه‌های دیگر، مرضیه خراسانی و استواری که اسم کوچکش را یادم نمی‌آید، این سه تا با هم گفتند مرگ بر خمینی. شلوغ شد... از همان‌جا شلوغ شد و پرده را زدند و مجید تراب‌پور با چند تا از تواب‌های پسر و دختر از همان سالن نمی‌دانم زنجیر، نمی‌دانم این چیزها را از کجا آوردند، حتی کلنگ دستشان بود، از سالن که آمدیم بیرون به هواخوری و از هواخوری یک در کوچک بود که می‌خورد به بند چهار، از همان این سه تا را زدند خیلی بدجور و بقیه تواب‌ها هم همین‌طور. چادر و مقنعه‌اش که از سرش درآمد، آن قدر زده بودند که موهایش را کردند که من قشنگ یادم است که آن قدر مو تو دست یکی از این تواب‌ها بود... چندتا از مسئولان بند ۱ که مال برادرها بود، پیراهنش تکه تکه بود که لباس زیرش پیدا بود. آن قدر این را زدند و اذیت کردند. همان موقع از بند بردنش. فقط به خاطر یک مرگ بر خمینی گفتن. دیگر

هم نیاوردنش. [بعد] به بند گفتند آن‌قدر زدنش که زیر شکنجه از بین رفته. بچه‌ها به ما گفتند که فاطمه عبدالعلی‌نژاد زیر شکنجه از بین رفته.^۱

۲. مشارکت در اعدام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷

مجید تراب‌پور در زمان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷،^۲ به عنوان رئیس سازمان زندان‌های فارس و زندان عادل‌آباد شیراز نقشی کلیدی در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ داشته است.

در مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷، چندین هزار زندانی سیاسی در ایران، با فتوای روح‌الله خمینی و تصمیم مقامات قضائی و اطلاعاتی اعدام شدند. تمامی آن‌ها پیش از این به مجازات زندان محکوم شده بودند و در حال گذراندن دوران محکومیت خود بودند و دوران محکومیت برخی از آنان نیز به پایان رسیده بود.

جهانگیر اسماعیل‌پور، از زندانیان سیاسی زندان عادل‌آباد شیراز در زمان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، باور دارد نزدیک به ۲۰۰ تن از زندانیان سیاسی مرد در تابستان ۱۳۶۷ اعدام شدند. او در شهادتی نزد عدالت برای ایران، درباره مجید تراب‌پور می‌گوید:

«مجید تراب‌پور خیلی موفق شده بود در فشار آوردن و اذیت و آزار به زندانی‌ها. بالطبع اداره امور زندان‌ها تصمیم گرفته بود که علاوه بر عادل‌آباد، زندان‌های دیگر شبیه بوشهر، برازجان و کهگیلویه و بویراحمد را هم زیر سیطره ایشان قرار بدهد... یک برادر دیگر داشت خلیل تراب‌پور که او رئیس داخلی زندان بود. و بقیه اقوام و خویشان این آقا هم به اصطلاح به نسبت سمت‌هایی را اشغال کرده بودند. از جمله داماد مجید تراب‌پور، رئیس دفتر زندان بود. داماد خلیل تراب‌پور، مسئول انتظامات بند ۴ بود. خواهر تراب‌پور مسئول بند ۱ بانوان بود.»^۳

وکلای بین‌المللی حقوق بشری چون جفری رابرتسون،^۴ همچنین هیات قضات

^۱ شهادت صولت شیخ‌نیا، عدالت برای ایران، ۱۳۹۲

^۲ خاطره منتخب: تأثیر ارتباط انسانی با مجرمین، پایگاه مجلات تخصصی نور، بهمن ۱۳۷۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Cso1c8>

^۳ شهادت جهانگیر اسماعیل‌پور، عدالت برای ایران، ۱۳۹۶

^۴ کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷، جفری رابرتسون، بنیاد برومند، فروردین ۱۳۹۰.

قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: https://www.iranrights.org/attachments/library/doc_5.pdf

دادگاه مردمی ایران تریبونال^۱ و سازمان عفو بین الملل^۲، کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ را مصداق جنایت علیه بشریت دانسته‌اند. سازمان ملل نیز قربانیان کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ را مصداق «ناپدیدشدگی قهری» دانسته است.^۳ به رسمیت شناخته شدن قربانیان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ به عنوان ناپدیدشده قهری، دولت جمهوری اسلامی ایران را بر اساس قوانین بین المللی موظف می کند که حق خانواده‌های قربانیان را برای دانستن حقیقت درباره سرنوشت و محل دفن عزیزان شان ادا کند و مسئولان آن را تحت تعقیب قرار دهد. از نظر حقوق بین الملل، ناپدیدشدگی قهری نقض مداوم حقوق بشر و یک جرم بین المللی است و تا زمانی که فرد ناپدیدشده پیدا یا سرنوشت‌اش به طور کامل معلوم نشود، حتی با وجود گذشت چند دهه، مشمول مرور زمان نمی شود.

^۱ حکم دادگاه ایران تریبونال، ایران تریبونال، ۱۷ بهمن ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2DaFCH7>.

^۲ کشتار ۶۷؛ استمرار جنایت علیه بشریت توسط حکومت ایران، عفو بین الملل، ۴ دسامبر ۲۰۱۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.amnesty.org/download/Documents/MDE1395132018PERSIAN.PDF>

^۳ سازمان ملل قربانیان کشتار ۶۷ را به عنوان ناپدیدشده قهری به رسمیت شناخت، عدالت برای ایران، ۱۱ آبان ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FEPP03>



مرتضی تمدن

متولد ۱۳۳۸ در شهرکرد است؛ مدرک کارشناسی ارشد مدیریت دارد.^۱

مسئولیت‌ها^۲

- عضو جهاد سازندگی استان چهارمحال و بختیاری از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۲
- عضو سازمان تبلیغات اسلامی استان چهارمحال و بختیاری در سال ۱۳۶۲
- فرماندار استان چهارمحال و بختیاری از ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۵
- رئیس سازمان آب استان چهارمحال و بختیاری از ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۲
- مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان چهارمحال و بختیاری از ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶
- رئیس سازمان صداوسیما استان قم از ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹
- رئیس سازمان صداوسیما استان خراسان از ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳
- نماینده شهرکرد در مجلس شورای اسلامی از ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷
- مشاور اقتصادی رئیس جمهور از خرداد ۱۳۷۸ تا مهر ۱۳۸۷^۳
- استاندار تهران از مهر ۱۳۸۷^۴ تا شهریور ۱۳۹۲^۵

^۱ تمدن معاون پارلمانی رئیس جمهوری می‌شود، دنیای اقتصاد، ۱۹ فروردین ۱۳۸۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2QYJj1l>

^۲ حقوق ۳ میلیونی استاندار تهران/ کاندیدای هیچ مسئولیتی نمی‌شوم، خبرگزاری فارس، ۱۷ فروردین ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dmzhso>

^۳ مرتضی تمدن مشاور رئیس جمهور شد، جام‌جم آنلاین، ۲۸ خرداد ۱۳۸۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www1.jamejamonline.ir/newstext2.aspx?newsnum=100941368302>

^۴ مرتضی تمدن استاندار تهران شد، دنیای اقتصاد، ۱۶ مهر ۱۳۸۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2T2aOy0>

^۵ مراسم تودیع و معارفه استاندار تهران برگزار شد، ایرنا، ۲۰ شهریور ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2T0wf2k>

برخی از موارد نقض حقوق بشر

مرتضی تمدن به عنوان استاندار تهران نقش موثری در سرکوب اعتراضات و تجمعات مسالمت‌آمیز پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ (در استان تهران) داشته است. مرتضی تمدن به عنوان استاندار و رئیس شورای تأمین استان تهران، افزون بر عدم صدور مجوز برای اجتماعات مسالمت‌آمیز سهم مهمی در دستگیری و برخورد با معترضان و تجمعات مسالمت‌آمیز داشته است.

در ۱۸ تیر ۱۳۸۸، مصادف با دهمین سالگرد حوادث ۱۸ تیر ۱۳۷۸ کوی دانشگاه تهران، مرتضی تمدن با بیان این‌که هیچ مجوزی برای تجمعات روز ۱۸ تیر درخواست و صادر نشده است، از برخورد شدید با تجمع‌کنندگان خبر داد^۱ و گفت: «اگر چنانچه افراد معدودی بخواهند با گوش دادن به فراخوان شبکه‌های ضدانقلاب تحرک ضد امنیتی داشته باشند زیر گام‌های مردم هوشیار ما له خواهند شد.»

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری

اتحادیه اروپا و وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا

اتحادیه اروپا در ۱۸ مهر ۱۳۹۰ (۱۰ اکتبر ۲۰۱۱) ۲۹ مقام ایرانی از جمله مرتضی تمدن را به دلیل نقشی که در نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی داشته‌اند از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه دارایی‌های این مقامات نیز در اروپا توقیف شد. بر اساس مصوبه اتحادیه اروپا^۲ مرتضی تمدن به دلیل مسئول بودن در «دستگیری و سرکوب معترضان» به نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ و «مستأصل کردن» میرحسین موسوی و مهدی کروبی تحریم شده است.^۳ وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا نیز در خرداد ۱۳۹۳ مرتضی تمدن را به دلیل «ایجاد محدودیت برای آزادی بیان و تجمعات مسالمت‌آمیز»، «آزار میرحسین موسوی و مهدی کروبی» و «دستور قطع ارتباطات تلفن‌های همراه در جریان

^۱ هیچ مجوزی برای تجمع در روز ۱۸ تیر درخواست و صادر نشده است، خبرآنلاین، ۱۸ تیر ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2QZFf6a>

^۲ فهرست دوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۲۱ اسفند ۱۳۹۰، قابل دستیابی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dim9Et>

^۳ فهرست دوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۲۱ اسفند ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dim9Et>

اعتراضات» در فهرست مجازات‌های حقوق بشری خود قرار داد.^۱ بر اساس این تحریم دارایی‌های احتمالی مرتضی تمدن در آمریکا توقیف و از ورود او به این کشور جلوگیری می‌شود. همچنین شهروندان ایالات متحده حق هیچ‌گونه معامله‌ای با او نخواهند داشت.

^۱ Treasury Sanctions Iranian Official for Human Rights Abuses, U.S. DEPARTMENT OF THE TREASURY, May 23, 2014, Available at: <https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/j12411.aspx>



مرتضی تورگ (تورک)

معاون امنیتی دادستان تهران

متولد سال ۱۳۵۶ در اهواز است.^۱

مسئولیت‌ها

- رئیس دادگاه انقلاب اندیمشک^۲
- معاونت قضائی رئیس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اهواز تا اسفند ۱۳۸۸^۳
- رئیس دادگاه انقلاب اهواز از ۱۳ آبان ۱۳۸۷ تا احتمالاً اسفند ۱۳۸۸^۴
- سرپرست مجتمع قضائی ویژه جرایم خاص اهواز^۵ از ۲۸ بهمن ۱۳۸۸ تا احتمالاً اسفند ۱۳۸۸
- سرپرست دادسرای ناحیه سه تهران^۱ (دادسرای ویژه زمین‌خواری) از اسفند

^۱ از دادگاه بابک زنجانی و مه‌آفرید تا کمیته اخلاق فدراسیون فوتبال با قاضی تورک، ایران وایر، ۳۰ شهریور ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://iranwire.com/fa/features/18485>

^۲ رد پای کارکنان دستگاه‌های مختلف در زمین‌خواری بزرگ پایتخت، خبرگزاری مهر، ۲۳ خرداد ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2T12VZA>

^۳ محاکمه متهمان حادثه اندیمشک/ نگهداری اسلحه برای مردم امنیت نمی‌آورد، خبرگزاری مهر، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2ScFj70>

^۴ دادگاه انقلاب اهواز سپر دفاعی در برابر تحرکات ضدانقلاب است، خبرگزاری فارس، ۱۳ آبان ۱۳۸۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2HvYAawj>

^۵ وضعیت وقوع جرایم در اهواز بحرانی شده است، خبرگزاری مهر، ۲۹ بهمن ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2MwSc6M>

۱۳۸۸ تا ۲۶ فروردین ۱۳۹۲^۲

- معاون امنیتی دادستان تهران^۳ و سرپرست دادسرای امنیت (شهید مقدسی مستقر در اوین) از ۲۷ اسفند ۱۳۹۱ تا کنون^۴
- رئیس کمیته اخلاق فدراسیون فوتبال از ۳ مرداد ۱۳۹۵ تا کنون^۵

برخی از موارد نقض حقوق بشر

مرتضی تورگ به سبب سمت‌های قضائی‌اش در اهواز و تهران نقش موثری در نقض حقوق بشر داشته است؛ فشار بر زندانیان سیاسی و نداشتن استقلال در قضاوت و تصمیم‌گیری در صدور احکام قضائی از جمله برخی از موارد نقض حقوق بشر از سوی او است.

۱. نقض حقوق بشر در زمان ریاست دادگاه انقلاب اهواز

صدور احکام سنگین حبس برای فعالان مدنی برخی از موارد نقض حقوق بشر از سوی تورگ در زمان ریاست دادگاه انقلاب اهواز است. به‌عنوان مثال شعبه یک دادگاه انقلاب اهواز به ریاست مرتضی تورگ در اسفندماه ۱۳۸۸ ابوالفضل عابدینی، فعال مدنی و حقوق بشر، را به ۱۱ سال حبس تعزیری محکوم کرد.^۶ به گفته محمد اولیایی‌فرد، وکیل ابوالفضل عابدینی، مرتضی تورگ «همکاری تنگاتنگی با سیستم امنیتی در صدور احکام برای فعالین سیاسی داشته است.»

^۱ انتصاب ۲ سرپرست جدید دادسراهای تهران، تابناک، ۸ اسفند ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2CAoE3r>

^۲ قاضی منصوری سرپرست دادسرای زمین‌خواری شد، ایسنا، ۲۶ فروردین ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RWFd3p>

^۳ سرپرست جدید دادسرای ناحیه ۱ تهران معرفی شد، خبرگزاری مهر، ۲۷ اسفند ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2R1OhiX>

^۴ سرپرست دادسرای زمین‌خواری با حفظ سمت سرپرست دادسرای امنیت شد، ایسنا، ۲۷ اسفند ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2ARwOEv>

^۵ رئیس کمیته اخلاق فدراسیون فوتبال منصوب شد، ایسنا، ۳ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2MlhaG4>

^۶ ابوالفضل عابدینی نصر به یازده سال حبس قطعی محکوم شد، هرانا، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.hra-news.org/2010/hranews/1-429/>

بر اساس شهادت وحید احمد فخرالدین، وکیل ابوالفضل عابدینی، او در اسفندماه ۱۳۸۸ در حالی بازداشت شد که «بیست سی مامور مسلح از در و دیوار منزل شخصی‌اش بالا رفته و با ضرب و شتم او را بازداشت کرده بودند.» عابدینی همچنین طی تماس تلفنی که از زندان کارون با وحید احمد فخرالدین داشته است اعلام کرد که «ضرب و شتم» شده است.^۱ اخبار منتشرشده در رسانه‌ها حاکی از آن است که این زندانی سیاسی در ایام بازداشت اولیه در بازداشتگاه امنیتی اهواز بارها توسط مامورین امنیتی با کابل و تسمه کولر آبی ضرب و شتم شده بود.^۲

ابوالفضل عابدینی، فعال حقوق بشر و روزنامه‌نگار، ۱۲ اسفند ۱۳۸۸ در اهواز بازداشت شد. دادگاه انقلاب اهواز او را به پنج سال حبس به اتهام ارتباط با دول متخاصم، پنج سال حبس به اتهام تبلیغ علیه نظام از طریق مصاحبه با رسانه‌های بیگانه و یک سال حبس به اتهام عضویت در مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران محکوم کرده بود.

پژمان (روح‌الله) موسوی رحیمی، فعال فرهنگی و عضو انجمن فرهنگی هنری سایه، از دیگر فعالان مدنی است که در دی‌ماه ۱۳۸۸ از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب شهر اهواز با قضاوت مرتضی تورگ به پنج سال حبس شامل دو سال حبس تعزیری و سه سال حبس تعلیقی محکوم شده بود. پیام ابوطالبی، وکیل پژمان موسوی رحیمی، این حکم را دارای «ایرادات اساسی حقوقی» دانسته و خواهان تجدیدنظر در آن شده بود.^۳

۲. نقض حقوق بشر در زمان تصدی سرپرستی دادسرای اوین

با راه‌اندازی دادسرای شهید مقدس (اوین) در سال ۱۳۸۸ وظایفی که پیش از این برای شعبه امنیت دادسرای انقلاب تعریف شده بود بر عهده این دادسرا

^۱ بررسی آخرین وضعیت ابوالفضل عابدینی در گفت‌وگو با وحید احمد فخرالدین، هرانا، ۱۸ مهر ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.hra-news.org/2011/hranews/1-8856/>

^۲ انتقال ابوالفضل عابدینی به بهداری زندان اوین، هرانا، ۲۲ فروردین ۱۳۸۹، قابل دسترسی در

نشانی اینترنتی: <https://www.hra-news.org/2010/hranews/abedini-3/>

^۳ محکومیت پژمان رحیمی، عضو انجمن فرهنگی هنری سایه به ۵ سال حبس، وبلاگ راه کارگر،

۱۱ دی ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://weblograhekargar.wordpress.com/2010/01/01/nawi-10/>

گذاشته شد. تعقیب، تحقیق و بازپرسی، صدور کیفرخواست، اجرای احکام متهمان به ارتکاب جرائم علیه امنیت ملی و همچنین تصمیم‌گیری درباره مرخصی و سایر امکانات زندانیان سیاسی در محدوده جغرافیایی استان از جمله وظایف این دادسرا است. همچنین از اول شهریور ۱۳۹۰ بر اساس دستور دادستان تهران پرونده‌های «تجاوز به عنف، سرقت‌های مسلحانه و شرارت‌ها» نیز در صورت تشخیص سرپرست دادسرای شهید مقدس به این دادسرا ارجاع می‌شود.^۱

در ابتدای تشکیل، بیشتر افرادی که پرونده آن‌ها در این دادسرا رسیدگی شد بازداشت‌شدگان پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ بودند و پرونده برخی متهمان به جرائم علیه امنیت ملی که از شهرهای دیگر به زندان اوین آورده شده بودند نیز در این دادسرا رسیدگی می‌شد.

بر اساس شهادت برخی از زندانیان سیاسی و وکلای آن‌ها که نزد عدالت برای ایران محفوظ است، دادسرای اوین فضایی «رعب‌آور» دارد و از بند ۲۰۹ اوین امنیتی‌تر است. همچنین برخی زندانیان سیاسی شهادت داده‌اند که رئیس دادسرا به طور مشخص و آشکار با «سوءاستفاده از قدرت قضائی خود» زندانیان را تهدید می‌کند و به آن‌ها «تهدامات جدید و بر خلاف قانون» وارد می‌کند. ممانعت از ورود و کلا به داخل این دادسرا و نداشتن امکان پیگیری روند پرونده، یکی دیگر از مواردی است که از سوی زندانیان سیاسی و وکلای آن‌ها به آن اشاره شده است.

مرتضی تورگ که از فروردین‌ماه ۱۳۹۲ سرپرستی دادسرای اوین را بر عهده گرفته است در برابر اقدامات خلاف قانون و حقوق بشر که طی این مدت در پرونده‌های بازداشت‌شدگان و زندانیان سیاسی صورت گرفته مسئول است. بر اساس گزارش یکی از زندانیان سیاسی انتقال و تبعید غیر قانونی زندانی‌های سیاسی از اوین به زندان‌های «بدنام و دور از محل زندگی خانواده‌های زندانیان» که از دوره‌های پیش انجام می‌شد، طی مدت مسئولیت او انجام شده است.

علاوه بر این بر اساس شهادت برخی زندانیان سیاسی و خانواده آن‌ها او در برخی موارد به صورت مستقیم در اعمال فشار بر زندانیان سیاسی نقش داشته است. تورگ به طور مشخص یکی از افرادی است که مانع از پایان دادن به تبعید غیر قانونی بهمن احمدی امویی، روزنامه‌نگار، و بازگشت او به زندان اوین است. بهمن

^۱ دستورالعمل شرح وظایف و حل اختلاف پرونده‌ها در نواحی دادسرای عمومی و انقلاب تهران، ۲۱ خرداد ۱۳۹۵، قضاوت آنلاین، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2S51Gvq>

احمدی امویی ۳۰ خردادماه ۱۳۸۸ در پی اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ بازداشت شد و از سوی دادگاه به پنج سال حبس تعزیری محکوم شد. او از تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۹۱ پس از اعتراض به حمله گارد ضد شورش به مراسم بزرگداشت هدی صابر در بند ۳۵۰ با دستبند و پابند از زندان اوین به زندان رجایی شهر تبعید شده است.



اسدالله جعفری

رئیس کل دادگستری
خراسان شمالی

مسئولیت‌ها^۱

- معاون دادستان قم
- دادستان عمومی و انقلاب مرکز مازندران و دبیر ستاد پیشگیری و مقابله با جرائم خاص مازندران از اردیبهشت ۱۳۸۶ تا ۱۹ آذر ۱۳۹۶
- رئیس کل دادگستری خراسان شمالی از ۱۹ آذر ۱۳۹۶ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

اسدالله جعفری به عنوان دادستان عمومی و انقلاب استان مازندران در صدور و اجرای احکام اعدام، قطع عضو، تضييع و نقض حقوق شهروندان بهائی نقش مؤثری داشته و مرتکب نقض حقوق بشر شده است. اسدالله جعفری، همچنین به عنوان رئیس کل دادگستری خراسان شمالی در سرکوب اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶ نیز مشارکت جدی داشته است.

۱. اجرای احکام اعدام

موارد متعددی از احکام اعدام هنگام تصدی اسدالله جعفری بر دادستانی ساری اجرا شده است که از آن جمله می‌توان به پرونده‌های زیر اشاره کرد:
- اجرای حکم اعدام یک زندانی در زندان ساری، شهریور ۱۳۹۳^۲

^۱ رئیس کل دادگستری خراسان شمالی منصوب شد، خبرگزاری مهر، ۱۹ آذر ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2sJfZHR>

^۲ حکم اعدام مرد قاتل در ساری اجرا شد+تساویر، شمال نیوز، ۲ شهریور ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.shomalnews.com/index.php?print&sid=102735>

- اجرای حکم اعدام سه زندانی در زندان ساری، اردیبهشت ۱۳۹۴^۱
 - اجرای حکم اعدام دو زندانی در زندان ساری، اردیبهشت ۱۳۹۴^۲
 - اجرای حکم اعدام دو زندانی در زندان ساری، خرداد ۱۳۹۴^۳
 - اجرای حکم اعدام سه زندانی در زندان ساری، دی ۱۳۹۴^۴
 اسدالله جعفری، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۰، در حاشیه اجرای حکم اعدام دو زندانی، بر ضرورت اجرای مجازات اعدام تأکید کرد و گفت: «دستگاه قضائی به عنوان بخش مهمی از حاکمیت به حکم قانون و بر اساس مطالبات مردم به وظایف قانونی خود قاطعانه عمل خواهد کرد.»^۵

۲. اجرای مجازات قطع دست

در ۸ بهمن ۱۳۹۱، حکم قطع چهار انگشت دست یک زندانی در زندان شهر ساری اجرا شد. پس از آن اسدالله جعفری طی مصاحبه‌ای گفت که مجازات قطع عضو، جنبه بازدارندگی دارد.^۶
 علی‌رغم امضای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی توسط ایران، جمهوری اسلامی همچنان مجازات‌های خشن و غیر انسانی قطع عضو را اجرا می‌کند.

۳. دستگیری و نقض حقوق شهروندان بهائی به دلیل باورهای مذهبی

دستگیری بهائیان به دلیل باورهای مذهبی، نقض حقوق آنان در بازداشت، تفتیش منازل و تعقیب قضایی آنان از جمله برخی از موارد نقض حقوق بشر است که تحت

^۱ اعدام ۳ مجرم در ساری، عصر ایران، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.asriran.com/fa/print/394602>
^۲ اعدام دو قاچاقچی در ساری، عصر ایران، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.asriran.com/fa/print/164754>
^۳ اعدام ۲ نفر در ساری به جرم مواد مخدر، عصر ایران، ۱۰ خرداد ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.asriran.com/fa/print/398682>
^۴ اعدام سه قاچاقچی در زندان ساری، عصر ایران، ۲۱ دی ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.asriran.com/fa/print/443527>
^۵ اعدام دو قاچاقچی در ساری، عصر ایران، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.asriran.com/fa/print/164754>
^۶ قطع ۴۴ انگشت سارق سابقه‌دار در ساری، خبرگزاری فارس، ۸ بهمن ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.farsnews.com/printnews/13911108001034>

دادستانی اسدالله جعفری بر شهروندان بهائی، از جمله فاران خوان یغما، عنایت‌الله سنایی^۲، وجیه‌الله میرزا گلپور^۳، سارا محبوبی^۴، مسعود عطائیان^۵ و سهیلا مطلبی^۶ اتفاق افتاده است.

۴. مشارکت در سرکوب اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶

در ۱۹ دی ۱۳۹۶، اسدالله جعفری به عنوان رئیس دادگستری استان خراسان شمالی، پس از آن‌که از دستگیری ۱۷ تن پس از اعتراضات دی ۱۳۹۶ خبر داد، به صراحت اعلام کرد که برخی از آنان به دلیل فعالیت در «شبکه‌های مجازی» دستگیر شده‌اند. جعفری این معترضان را «لیدرهای اصلی اغتشاشات» نامید و وعده برخورد قاطع قضائی با آنان را داد.^۷

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری

اتحادیه اروپا طی تصمیمی در اسفند ۱۳۹۱، اسدالله جعفری را به دلیل نقش مؤثر در نقض حقوق شهروندان ایرانی، در فهرست مجازات‌های حقوق بشری قرار داده است. بر اساس این مصوبه، وی از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم می‌شود و کلیه دارایی‌های اودر اروپا نیز توقیف خواهد شد.

^۱ دستگیری یک دانشجوی محروم از تحصیل بهائی در ساری، دیده‌بان ادیان و مذاهب، ۲۰ آبان ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RMRcRZ>

^۲ یورش ماموران اطلاعات ساری به منزل یک شهروند بهائی، بهائیان در آینه مطبوعات، ۷ بهمن ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2S2Aptm>

^۳ یک بهائی در سطح شهر تنکابن گردانده شد، بی بی سی، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2011/05/110504_u01_bahai-iran.shtml

^۴ دستگیری سارا محبوبی شهروند بهائی ساری، خبرنگورد، ۲۲ فروردین ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: http://khabarnavard.blogspot.com/2011/04/blog-post_5752.html

^۵ بهائیان بازداشت‌شده در مازندران را آزاد کنید، کمپین بین‌المللی حقوق بشر، ۲۲ آذر ۱۳۸۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2WcdnQ2>

^۶ همان.

^۷ ۱۷ لیدر اصلی اغتشاشات اخیر در بجنورد بازداشت شدند، خبرگزاری مهر، ۱۹ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2UanMd3>

در مصوبه اتحادیه اروپا آمده است که اسدالله جعفری به عنوان دادستان مازندران، به دلیل «دستگیری‌های غیرقانونی»، «نقض حقوق بهائیان» و «زندانی کردن آنان در سلول‌های انفرادی» مجازات شده است.^۱

^۱ -COUNCIL REGULATION (EU) No 359/2011 of 12 April 2011, EUR-Lex, 14 April 2011, Available at: <https://eur-lex.europa.eu/content/welcome/about.html>



رضا جعفری

مشغول به کار در دادسرای
انتظامی قضات با سمت نامعلوم

متولد ۱۳۴۶ است؛
دارای مدرک کارشناسی ارشد حقوق
جزا و جرم‌شناسی است.

مسئولیت‌ها

- دادستان عمومی و انقلاب اردبیل از تیرماه ۱۳۸۲ تا دی‌ماه ۱۳۸۳
- معاون قضائی دادگستری استان اردبیل
- سرپرست بازرسی دادگستری استان اردبیل
- مدیرکل کارگزینی قوه قضائیه
- مأمور دادسرای انتظامی قضات در دادسرای عمومی و انقلاب تهران از ۱۳۸۴ تا آذرماه ۱۳۹۰^۱
- سرپرست دادسرای ویژه رسیدگی به جرائم رایانه‌ای (ناحیه ۳۱) دادسرای انتظامی قضات از آذرماه ۱۳۸۷ تا ۱۲ آذرماه ۱۳۹۰^۲
- مشغول به کار در دادسرای انتظامی قضات با سمت نامعلوم از آذرماه ۱۳۹۰ تا کنون^۳

برخی از موارد نقض حقوق بشر

رضا جعفری به عنوان سرپرست دادسرای ویژه رسیدگی به جرائم رایانه‌ای در بازداشت فعالان فضای مجازی نقش موثر داشته است.

^۱ خداحافظی بی‌سروصدای یک مقام قضائی پس از ۷۰ ماه مبارزه با جانیان، هرمی‌ها و پورنوگراف‌ها، رجانیز، ۱۵ آذر ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://www.rajanews.com/news/93068>

^۲ همان.

^۳ همان.

در پاییز ۱۳۸۶ سعید مرتضوی، دادستان عمومی و انقلاب تهران، دادسرای ویژه رسیدگی به جرائم رایانه‌ای را ایجاد کرد و رضا جعفری را به عنوان نخستین سرپرست آن به کار گمارد. رضا جعفری تا سه سال بعد از آن در این سمت باقی ماند. ایجاد دادسرای ویژه رسیدگی به جرائم رایانه‌ای همزمان با دستگیری تعداد زیادی از شهروندان به اتهام راه‌اندازی، مدیریت و تولید محتوای وبسایت‌های پورنوی فارسی و نیز وبسایت‌ها و وبلاگ‌های مخالف جمهوری اسلامی (پروژه گرداب) از سوی اطلاعات سپاه پاسداران بود. این دادسرا بلافاصله پس از تشکیل، امور قضائی مربوط به پروژه گرداب را که شامل صدور احکام بازداشت موقت و تمدید آن‌ها گاهی تا چندین ماه بعد از بازداشت، بازپرسی و تحقیق از بازداشت‌شدگان و صدور کیفرخواست برای آنان می‌شد به عهده گرفت.

هرچند سپاه پاسداران هیچگاه تعداد کامل بازداشت‌شدگان پروژه گرداب را اعلام نکرد اما در برخی از منابع تعداد آن‌ها بیش از ۶۵ نفر ذکر شده است. رضا جعفری در مصاحبه‌ای تلویزیونی تعداد بازداشت‌شدگان را بیش از ۵۰ نفر در قالب ۳۰ پرونده اعلام می‌کند.^۱ بر اساس آنچه در وبسایت گرداب آمده است، در نهایت از سوی بازپرسان تحت نظر رضا جعفری در دادسرای ویژه رسیدگی به جرائم رایانه‌ای برای ۴۵ نفر، به عنوان متهم، کیفرخواست (قرار مجرمیت) صادر شد و گفته می‌شود حداقل برای ۷ نفر از این افراد اشد مجازات (حکم اعدام) از دادگاه انقلاب درخواست شده است.

یکی از مدیران وبسایت‌های «آویزون» و «ایکس پرشیا» که در پروژه گرداب دستگیر شد و یک هفته بعد، به دلیل یافت‌نشدن مدرکی علیه او، با قید وثیقه آزاد شد درباره دادسرای رسیدگی به جرائم رایانه‌ای در آن زمان نزد عدالت برای ایران چنین شهادت می‌دهد: «در طول مدت بازداشت دوبار از بند ۲ الف به دادسرای جرائم رایانه‌ای برده شدم. دفعه اول مرا به طبقه دوم دادسرا بردند. آنجا اتاقی بود که در دو ردیف کامپیوتر گذاشته بودند و افرادی پشتش کار می‌کردند. در هر ردیف ۷-۸ تا کامپیوتر بود. سایت ما داون شده بود اما در آنجا به من صفحاتی از آرشیو پست‌هایی از سایت را نشان دادند و می‌خواستند اسامی واقعی افرادی را که در بحث‌ها شرکت کرده بودند نام ببرم.» وی در بازجویی‌ها برای اعلام اسامی یادشده در فشار روانی قرار گرفت و تهدید و ضرب و شتم شد.

^۱ مستند شوک ویژه برنامه گرداب، فروردین ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.youtube.com/watch?v=meNAP1qxEpA&feature=related>

بر اساس شهادت‌های کتبی برخی از زندانیان پروژه گرداب مقامات قضائی مشغول به کار در دادسرای جرائم رایانه‌ای به کرات قوانین آیین دادرسی کیفری ایران و معیارهای بین‌المللی دادرسی منصفانه را نقض کرده‌اند. به عنوان مثال، قرار بازداشت موقت برخی از بازداشت‌شدگان تا چندین ماه یا چند سال پس از بازداشت از سوی آن‌ها تمدید شده است و بازپرسان دادسرای یادشده به خصوص محمد مهدی موسوی، بازپرس شعبه اول این دادسرا، که رسیدگی به بسیاری از پرونده‌های یادشده را بر عهده داشت، علی‌رغم درخواست‌های مکرر بازداشت‌شدگان و خانواده‌های آنان، با تبدیل قرار بازداشت به وثیقه یا کفالت موافقت نکرده است. برخی از زندانیان همچنین مدعی هستند که بازپرس پرونده در جریان شکنجه‌ها و اعتراف‌گیری اجباری حضور داشته است.

وحید اصغری، یکی از بازداشت‌شدگان این پرونده، از محمدمهدی موسوی به عنوان بازپرسی که با شکنجه‌گران همکار بود و به آن‌ها دستور می‌داد شکایت کرده است.^۱ اما از نتیجه این شکایت اثری در دست نیست. سعید ملک‌پور، بازداشت‌شده دیگر این پرونده، نیز در نامه خود می‌نویسد: «در طول بازداشت موقت، مخصوصاً ماه‌های ابتدایی توسط گروه پدافند سایبری سپاه تحت انواع شکنجه‌های روحی، روانی و جسمی قرار گرفته‌ام که برخی از این شکنجه‌ها در حضور بازپرس پرونده، آقای موسوی صورت گرفته است. بخش زیادی از اقرار من، در اثر فشار، شکنجه روحی، روانی و جسمی، تهدید خود و خانواده‌ام و وعده آزادی سریع در صورت اقرار به مطالب خلاف واقع، مطابق خواسته و دیکته بازجوها انجام گرفته است. توضیح این که اقرارها در حضور بازپرس نیز با حضور بازجوها و تهدید به وخیم‌تر شدن شدت شکنجه‌ها، جهت جلوگیری از اعلام اقرار تحت فشار به بازپرس صورت می‌گرفت.»^۲

نه فقط مقامات قضائی تحت سرپرستی رضا جعفری در نقض حقوق متهمان نقش داشته‌اند، خود وی نیز در مصاحبه‌های تلویزیونی متعدد که در روزهای اول سال ۱۳۸۸ از شبکه‌های مختلف تلویزیون دولتی جمهوری اسلامی پخش شده

^۱ گرداب؛ شکنجه سازمان‌یافته برای اعترافات تلویزیونی، عدالت برای ایران، ۱۳ خرداد ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://justice4iran.org/persian/publication/gerdab-farsi/#_Toc436323973

^۲ همان.

است، ضمن توضیح اقدامات دادسرای ویژه جرائم رایانه‌ای، اعلام می‌کند که برای مدیران سایت‌های پورنو، به عنوان فساد فی‌الارض، درخواست مجازات اعدام خواهند کرد: «فردی که تعداد زیادی سایت دارد مدیریت می‌کند. با ۲۵۰ سایت مستهجن و غیر اخلاقی دنیا ارتباط دارد، می‌آد اونجا روابط نامشروع با محارم رو ترویج می‌ده، می‌آد عمل خلاف با کودکان را ترویج می‌دهد، و طی با بهائم را دارد ترویج می‌دهد، می‌آید به مقدسات دین ما اهانت می‌کنه، به پیامبر خودمون، به پیامبران الهی داره توهین می‌کنه، دستجات عزاداری رو زیر سوال می‌بره، و اون چیزی که در شأن خودشون هست نثار می‌کنه به مقدسات ما، به نظر من اگر این عنوان افساد فی‌الارض نداشته باشد دیگر هیچ چیزی در دنیا به عنوان افساد فی‌الارض نخواهیم داشت. وقتی ما موضوع را مشخص کردیم خب حکمش هم مشخص است. افساد فی‌الارض حکم و مجازاتش اعدام است... درخواست ما هم همین است. یعنی اگر برای این‌ها چنین مجازاتی اعمال نشه قطعاً یک جای کار ما اشکال دارد یا اشکال از قانون ماست و قطعاً ما پیگیر کار این‌ها هستیم... ما بدون هیچ‌گونه ترحمی با این‌ها برخورد خواهیم کرد چون این‌ها به حریم خصوصی مردم وارد شدند، با اعتقادات مردم بازی کردند و موجبات افساد فی‌الارض را در جوامع فراهم کردند.»^۱

در نهایت گفته می‌شود ۷ نفر از متهمان پرونده یادشده دقیقاً با همین عنوان اتهامی فساد فی‌الارض به اعدام محکوم شدند.^۲

جعفری همچنین در یک مصاحبه تلویزیونی که در ۳۰ فروردین ۱۳۸۸ پخش شده گفته است: «تمام متهمان به ارتباط با عوامل بیگانه اعتراف کرده‌اند و حتی چک‌ها و پول‌هایی که این افراد از عوامل خارجی دریافت کرده‌اند، به صورت مستند در پرونده‌های آن‌ها موجود است. علاوه بر این، مکالمات و مکاتباتی هم که از طریق اینترنت با عوامل بیگانه داشته‌اند، به عنوان مدرک در پرونده‌هایشان

^۱ مستند شوک ویژه برنامه گرداب، فروردین ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://www.youtube.com/watch?v=vnNdvH_rT3g

^۲ اسامی پنج تن از این هفت نفر مشخص و به شرح زیر است: احمدرضا هاشم‌پور، سعید ملک‌پور، وحید اصغری، مهدی علیزاده و حسن سی‌سختی اما اسامی دو نفر دیگر علی‌رغم تلاش فراوان، همچنان بر ما پوشیده است.

وجود دارد.^۱ او همچنین در این مصاحبه می‌گوید که با متهمان این پرونده بدون هیچ ترحمی برخورد خواهند کرد.

وحید اصغری، یکی از متهمان این پرونده، در شکواییه خود می‌نویسد که تحت شکنجه‌های بسیار شدید و ادا شده است که به دروغ اعتراف کند ماهیانه ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ دلار از دولت آمریکا برای جنگ نرم دستمزد دریافت می‌کرده است. او می‌نویسد: «به خاطر دریافت عکس‌های تمسخر رهبر و سران نظام و امامان شیعه در ای میلیم، به اجبار و اتفاقی، اتهامات توهین به امامان و توهین به رهبری و تشویش اذهان عمومی در بازجویی‌ها به من بستند. در حالی که دریافت آن ای میل‌ها به اختیار خودم نبوده است. به خاطر آگهی‌های گوگل و استراتژیست گوگل‌بودن و دریافت پول از آن موسسه عظیم فن‌آوری جست‌وجو، اتهام تحصیل مال نامشروع به بنده زده‌اند!... شدیداً اصرار دارند که من عضو منافقین [سازمان مجاهدین خلق] هستم و در شاخه فرهنگی آنان فعالیت می‌کنم و اتهام بزرگم به کذب همین است! در حالی که هیچ ارتباطی با آن‌ها نداشته‌ام و هیچ یک از آن‌ها را ملاقات نکرده‌ام و شناختی از آنان ندارم!»^۲

پس از تصویب قانون جرائم رایانه‌ای در تیرماه ۱۳۸۸، دادستانی کل کشور طبق وظیفه‌ای که این قانون بر عهده‌اش گذاشته بود، کارگروهی را برای تعیین مصادیق مجرمانه در وبسایت‌ها و فضای مجازی تشکیل داد. این کارگروه در ۱۱ بهمن‌ماه ۱۳۸۸ محتوای اینترنتی را که در جمهوری اسلامی، جرم و مشمول مجازات شناخته می‌شود تصویب کرد. بر اساس این فهرست بیش از ۴۰ عنوان عمل مجرمانه در فضای اینترنتی شناخته شد که شامل تولید محتوا علیه عفت و اخلاق عمومی، محتوا علیه مقدسات اسلامی، محتوا علیه مقامات و نهادهای دولتی و عمومی و نیز محتوا علیه امنیت ملی می‌شود. اعمالی مثل تشکیل جمعیت، دسته و گروه در فضای مجازی (سایبر) با هدف برهم‌زدن امنیت کشور، محتوایی که به اساس جمهوری اسلامی ایران لطمه وارد کند، انتشار محتوا علیه اصول قانون اساسی،

^۱ گفت‌وگو با سرپرست دادسرای جرایم رایانه‌ای: "کلیدخوردن پروژه ناتوی فرهنگی"، "هشدار به کاربران سایت‌های مستهجن"، "افساد فی‌الارض اتهام برخی متهمان پروژه مصلین"، ایسنا، ۳۰ فروردین ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2AVXfcb>

^۲ گرداب؛ شکنجه سازمان‌یافته برای اعترافات تلویزیونی، عدالت برای ایران، ۱۳ خرداد ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، اخلال در وحدت ملی و ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه به ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و اتنیکی، تبلیغ به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران، اهانت و هجو نسبت به مقامات، نهادها و سازمان‌های حکومتی و عمومی می‌شود.^۱

به عنوان مثال، در این مصوبه انتشار فیلترشکن‌ها و آموزش روش‌های عبور از سامانه‌های فیلترینگ، بازانتشار و ارتباط (لینک) به محتوای مجرمانه تارناها و نشانی‌های اینترنتی مسدودشده، نشریات توقیف‌شده و رسانه‌های وابسته به گروه‌ها و جریانات منحرف و غیر قانونی از جمله مصادیق تولید محتوا علیه امنیت ملی و مقامات و نهادهای دولتی شناخته شده است.

در پی تصویب این مصوبه، رضا جعفری اعلام می‌کند که دادسرای تحت نظارت او برای اجرای آن در حال رصد کردن تمامی وبسایت‌ها با ابزار و نرم‌فزارهایی بسیار پیشرفته است. او در این مصاحبه نبود تجهیزات و نرم‌افزارهای لازم را دلیل عدم برخورد مناسب با سایت‌هایی می‌داند که از نظر وی در جریان اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ اخبار کذب منتشر می‌کردند.^۲

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در ۴ فروردین‌ماه ۱۳۹۱، ۱۷ مقام ایرانی از جمله رضا جعفری را به دلیل نقشی که در نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی داشته‌اند از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه دارایی‌های این مقامات نیز در اروپا توقیف شده است. بر اساس مصوبه اتحادیه اروپا رضا جعفری مسئول بازداشت و بازجویی از ویلاگ‌نویسان و روزنامه‌نگاران پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ است.^۳

^۱ فهرست مصادیق محتوای مجرمانه، پلیس فتا، ۲۷ آذر ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.cyberpolice.ir/page/2551>

^۲ دور تازه‌ای از کنترل و نظارت بر سایت‌ها و شبکه‌های اینترنتی، ایران آزاد، ۱۴ آبان ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2WecSoq>

^۳ فهرست سوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۷ خرداد ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/publication/documents/list3/>



رسول جلیلی

عضو شورای عالی فضای مجازی
با حکم سید علی خامنه‌ای

متولد ۱۳۴۰ شهر اقلید استان فارس است و مدرک دکترای علوم کامپیوتر گرایش سیستم‌های عامل دارد.^۱

مسئولیت‌ها^۲

- عضو گروه نرم‌افزار صنایع پیشرفته وزارت صنعت و معدن
- عضو هیات علمی دانشکده مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف از ۱۳۷۴ تا کنون
- عضو هیات مؤسس و رئیس هیات مدیره شرکت "امن‌افزارگستر شریف" از ۱۳۸۱ تا کنون^۳
- عضو شورای عالی فضای مجازی با حکم سید علی خامنه‌ای از ۱۳۹۰ تا کنون^۴

^۱ چه کسانی برای فضای مجازی ایران تصمیم‌گیری می‌کنند؟ + اسامی، تابناک، ۱۰ شهریور

۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2S7zMIw>

^۲ مصاحبه با آقای دکتر جلیلی، مرکز کارآفرینی دانشگاه صنعتی شریف، ۸ شهریور ۱۳۹۰، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://karafarini.sharif.ir/201/1-sp-12644.html>

^۳ اعضای حقیقی شورای عالی فضای مجازی را بشناسیم، افتانا، ۲۹ فروردین ۱۳۹۱، قابل دسترسی

در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FHvJmY>

^۴ حکم انتصاب اعضای شورای عالی فضای مجازی، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴

شهریور ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=30658>

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. مشارکت در نقض حق آزادی اینترنت

جلیلی دست‌کم از سال ۱۳۸۱ با راه‌اندازی شرکت‌های امن‌افزارگستر شریف و پیک‌آسا در فراهم‌کردن امکان کنترل اطلاعات و دسترسی کاربران ایرانی به سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی نقش داشته است.^۱ محصولات این شرکت برای فیلترینگ سایت‌های اینترنتی از سوی بسیاری از وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های دولتی در حال استفاده است.

۲. مشارکت در سانسور محتوای اینترنت در ایران

شورای عالی فضای مجازی عالی‌ترین نهادی است که وظیفه نظارت، سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی در فضای مجازی را به عهده دارد و مسئول اصلی کنترل، سانسور، فیلترینگ و تعقیب کاربران فضای مجازی در ایران است. رسول جلیلی از سال ۱۳۹۰ با عضویت در شورای عالی فضای مجازی، به عنوان نهادی فرا-دستگاهی مسئولیت سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های کلی نظام در فضای مجازی را بر عهده دارد، در زمره تصمیم‌گیران در زمینه کنترل فضای مجازی است و در رابطه با نقض آزادی بیان از سوی جمهوری اسلامی مشارکت داشته است.

شورای عالی فضای مجازی در ۱۷ اسفند ۱۳۹۰ و به دستور سید علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، تشکیل شده است.^۲ رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه، دادستان کل کشور، وزیر اطلاعات و فرمانده سپاه پاسداران از اعضای حقوقی شورای عالی فضای مجازی هستند. گفتنی است همه اعضای شورای عالی مجازی از سوی رهبر جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شوند.^۳

طی سال‌های گذشته بسیاری از وب‌سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی همچون فیس‌بوک و یوتیوب از سوی دولت ایران فیلتر شده‌اند و شورای عالی فضای مجازی در بسیاری از این تصمیم‌ها نقش داشته است.

^۱ شرکت امن‌افزارگستر شریف، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://amnafzar.ir/>

^۲ حکم تشکیل و انتصاب اعضای شورای عالی فضای مجازی، مرکز ملی فضای مجازی، ۱۷ اسفند ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2AY9OUUp>

^۳ انتصاب اعضای جدید شورای عالی فضای مجازی برای یک دوره چهار ساله، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر سید علی خامنه‌ای، ۱۴ شهریور ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://www.leader.ir/fa/content/13542>

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های

حقوق بشری وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا

رسول جلیلی و دو شرکت پیک‌آسا و امن‌افرازگستر شریف که از سوی او تأسیس شده‌اند، آبان ۱۳۹۱ به دلیل «ارتباط یا نقش آن‌ها در سانسور، نقض حقوق بشر از سوی دولت ایران و حمایت از تروریسم» در فهرست تحریم‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا قرار گرفتند. در بیانیه وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا آمده است: «رسول جلیلی از بهمن ۱۳۸۷ به دنبال دستیابی به تجهیزات مربوط به نظارت بر تبادل پیام کوتاه (اس‌ام‌اس) بود و از اواخر سال ۱۳۹۰ نیز فعالانه در اقدامات دولت ایران برای سانسور اینترنت نقش داشته است. شرکت امن‌افرازگستر شریف که رسول جلیلی یکی از مؤسسان آن است و ریاست هیات مدیره‌اش را بر عهده دارد، با تولید نرم‌افزار فیلترینگ «سپر» نقش موثری در محدودکردن دسترسی آزاد کاربران ایرانی به جریان اطلاعات دارد.»^۱

^۱ U.S. TREASURY DEPARTMENT OFFICE OF PUBLIC AFFAIRS, U.S. DEPARTMENT OF THE TREASURY, 9 November 2012, Available at: <https://bit.ly/2HnL7Xc>



یدالله جوانی

معاون سیاسی سپاه

متولد ۱۳۴۱ در اصفهان است و مدرک کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه تهران و دکترا در رشته مدیریت استراتژیک از دانشگاه دفاع ملی دارد.^۱

مسئولیت‌ها

- مسئول بسیج سپاه کردستان در سال ۱۳۵۹^۲
- عضو رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۹^۳
- معاون سیاسی سپاه از ۱۳۷۸ تا آذر ۱۳۹۰^۴
- مشاور عالی نماینده ولی فقیه در سپاه از آذر ۱۳۹۰^۵ تا ۲۷ اسفند ۱۳۹۶^۶
- معاون سیاسی سپاه از ۲۷ اسفند ۱۳۹۶ تا کنون^۷

^۱ در پاسداری از انقلاب محافظه‌کار نیستیم، روزنامه اعتماد، ۲۶ مهر ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/wp-content/uploads/2018/06/JAVANI-1.pdf>

^۲ درآمد، روزنامه اعتماد، ۲۶ مهر ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:
<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=3044703>

^۳ همان.

^۴ سردار جوانی معاون سیاسی سپاه پاسداران شد، خبرگزاری مهر، ۲۷ اسفند ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Mokikz>

^۵ سردار جوانی کیست؟، خبرگزاری میزان، ۱۹ مهر ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:
<https://bit.ly/2MmYupw>

^۶ ن.ک. زیرنویس ۴

^۷ همان.

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. مشارکت در سرکوب معترضان پس از

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸

یدالله جوانی به عنوان رئیس دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در برخورد خشونت‌آمیز با اعتراضات و بازداشت و شکنجه معترضان در وقایع پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ نقش داشته است. او در ۲۰ خرداد ۱۳۸۸، دو روز پیش از برگزاری دهمین دوره انتخابات، مخالفان محمود احمدی‌نژاد را به تلاش برای انجام «انقلاب مخملی» متهم کرد و هشدار داده بود که «هر حرکتی برای انقلاب مخملی در ایران در نطفه خفه خواهد شد.»^۱

یدالله جوانی بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ خواستار دستگیری موسوی، کروبی و خاتمی بود. او همیشه از موافقان توسل به زور و استفاده از شیوه‌های بازجویی علیه معترضان پس از انتخابات سال ۱۳۸۸، مانند قضاوت بر حسب اعترافات تلویزیونی، بود. همچنین او از ضرب و شتم غیر قانونی مخالفان از سوی افرادی نزدیک به بسیج و نیروهای امنیتی انتظامی حمایت کرده است.

او در ۳۱ مرداد ۱۳۹۶ از حصر خانگی موسوی، کروبی و رهنورد برای جلوگیری از بحران، ناامنی و بی‌ثباتی کشور دفاع کرد و گفت: «حصر یک تصمیم به‌جا، قانونی و در راستای تأمین منافع ملی و حفظ امنیت کشور از سوی عالی‌ترین مرجع تأمین امنیت ملی است.»^۲

۲. مشارکت در سرکوب اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶

یدالله جوانی به عنوان مشاور نماینده ولی فقیه در سپاه در ۱۱ دی ۱۳۹۶ تظاهرات دی‌ماه را آشوب و اغتشاش نامید و گفت: «افرادی که به میدان آمده‌اند و شعارها و تخریب‌هایی که انجام شد همه تحت تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی

^۱ سپاه هواداران موسوی را به 'انقلاب مخملی' متهم کرد، بی بی سی، ۲۰ خرداد ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2009/06/090610_si_ir88_sepah_velvetrevolution

^۲ اگر دادگاه سران فتنه برگزار شود، خبرگزاری فارس، ۳۱ مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی

اینترنتی: <https://bit.ly/2U7NCyw>

بوده است. و موضع‌گیری رهبران آمریکا مشخص می‌کند که پشت صحنه آشوب‌ها چیست.^۱

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا^۲ در ۲۳ فروردین ۱۳۹۰، هفده مقام ایرانی از جمله یدالله جوانی را به دلیل نقشی که در نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی داشته‌اند از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه دارایی‌های این مقامات نیز در اروپا توقیف شده است. بر اساس بیانیه اتحادیه اروپا یدالله جوانی از مقامات عالی اداری دستگاه قضائی ایران است که خواستار دستگیری آقایان موسوی، کروبی و خاتمی بود. او از توسل به زور و استفاده از شیوه‌های بازجویی علیه دستگیر شدگان در وقایع پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ (مانند قضاوت بر حسب اعترافات تلویزیونی) حمایت می‌کرد. همچنین او از ضرب و شتم مخالفان از سوی افراد عادی متصل به بسیج و نیروهای امنیتی انتظامی حمایت می‌کرد.

^۱ موضع‌گیری رهبران آمریکا پشت صحنه آشوب‌ها را نمایان می‌سازد، خبرگزاری مهر، ۱۱ دی

۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2R47t7N>

^۲ فهرست دوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۲۱

اسفند ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dim9Et>



محمد صالح جوکار

معاون حقوقی و پارلمانی سپاه پاسداران

متولد ۱۳۳۶ در شهر یزد؛ دکترای تهدیدات امنیت ملی از دانشگاه دفاع ملی.^۱

مسئولیت‌ها^۲

- پایه‌گذاری کمیته انقلاب اسلامی یزد در سال ۱۳۶۲
- مسئول بسیج یزد
- فرمانده سپاه استان یزد
- فرمانده سپاه هرمزگان
- فرمانده سپاه چهارمحال و بختیاری
- تشکیل گروه‌های جهادی دانش‌آموزان و فرهنگیان
- رئیس سازمان بسیج دانش‌آموزی و فرهنگیان کل کشور تا مرداد ۱۳۹۰^۳
- پایه‌گذار مجتمع آموزشی خاتم‌الانبیاء یزد در سال ۱۳۷۳
- پایه‌گذاری طرح ولایت دانش‌آموزی در سال ۱۳۷۸
- نماینده مردم یزد در دوره نهم مجلس شورای اسلامی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴
- رئیس دانشگاه امام حسین یزد از سال ۱۳۷۸ تا کنون

^۱ محمد صالح جوکار کیست؟، اتاق خبر ۲۴، ۲ آبان ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.otaghkhabar24.com/news/20770>

^۲ همان.

^۳ محمد صالح جوکار در زمان ریاست بر بسیج دانش‌آموزی طرح‌های ویژه‌ای همچون طرح مشکلات جهت اغنای ذهن معلمان در باره عفاف و حجاب، طرح ترویج گفتمان امام و رهبری در دانش‌آموزان و فرهنگیان، طرح ولایت دانش‌آموزی و برگزاری جشنواره‌های قرآن و عترت را شکل داده است.

- معاون حقوقی و پارلمانی سپاه پاسداران از ۱۹ آذر ۱۳۹۶ تا کنون^۱

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. مشارکت در سرکوب اعتراضات پس از

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸

محمد صالح جوکار به عنوان رئیس سازمان بسیج دانش‌آموزی در سال ۱۳۸۸ در بازداشت و برخورد خشونت‌آمیز با معترضان به نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ نقش داشت. او در ۶ آبان ۱۳۸۸ از تدبیر بسیج دانش‌آموزی برای روز ۱۳ آبان خبر داد و گفت که در خصوص تجمع عده‌ای فریب‌خورده در روز ۱۳ آبان که قصد دارند از این فضاها و ایام‌الله سوءاستفاده کنند و جنگ روانی دشمن نیز در این رابطه مدتی است شروع شده تدابیری اندیشیده شده است.^۲

۲. حمایت از بازداشت روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ای

محمد صالح جوکار در ۱۴ بهمن‌ماه ۱۳۹۱ به همراه تعدادی از نمایندگان مجلس اقدام وزارت اطلاعات در بازداشت ۱۷ روزنامه‌نگار و فعال رسانه‌ای را «به‌موقع» و «مقتدرانه» توصیف کرد و اعلام کرد که کمیسیون امنیت ملی از وزارت اطلاعات حمایت خواهد کرد.^۳

در روزهای ۸، ۹ و ۱۱ بهمن‌ماه ۱۳۹۱ وزارت اطلاعات ۱۷ روزنامه‌نگار و فعال رسانه‌ای را بازداشت کرد. وزارت اطلاعات ایران گفته بود این روزنامه‌نگاران بازداشت‌شده «یکی از بزرگ‌ترین شبکه‌های رسانه‌ای متصل به اردوگاه رسانه‌ای استکبار» هستند که مأموران این وزارتخانه پس از «ماه‌ها تحت نظر و تعقیب» گرفتن این گروه موفق به کشفش شده‌اند.

^۱ جوکار معاون حقوقی و پارلمانی سپاه شد، ایلنا، ۱۹ آذر ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2B0v6AV>

^۲ تدبیر بسیج دانش‌آموزی برای برخورد با تجمع ۱۳ آبان، عصر ایران، ۵ آبان ۱۳۸۸، قابل دسترسی

در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2MpKwmF>

^۳ تقدیر چند نماینده مجلس از وزارت اطلاعات برای بازداشت روزنامه‌نگاران، رادیو فردا، ۱۴ بهمن

۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.radiofarda.com/a/f9-iran-mps-supported-detention-of-journalists/24891019.html>

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در ۱۸ مهر ۱۳۹۰ (۱۰ اکتبر ۲۰۱۱) ۲۹ مقام ایرانی از جمله محمدصالح جوکار را به دلیل نقشی که در نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی داشته‌اند از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه دارایی‌های این مقامات نیز در اروپا مشمول توقیف می‌شود. بر اساس بیانیه اتحادیه اروپا محمدصالح جوکار به عنوان فرمانده بسیج دانش‌آموزی در سرکوب دانش‌آموزان و دانشجویان معترض و بازداشت فعالان و روزنامه‌نگاران مخالف نقش اساسی داشته است.^۱

جوکار در واکنش به قرارگرفتن نامش در لیست تحریم‌های اتحادیه اروپا به دلیل نقض حقوق بشر گفته است: «تحریم از سوی اتحادیه اروپا را برای خود افتخار می‌دانم و این نشان از مسیر صحیحی است که انتخاب کردم.»^۲

^۱ فهرست دوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۲۱

اسفند ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dim9Et>

^۲ تحریم اتحادیه اروپا را افتخار می‌دانم/۳ ماه است از سپاه بازنشسته شده‌ام، خبرگزاری فارس،

۲۶ آبان ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2HrxJBD>



علی چهارمحالی

رئیس زندان اوین

مسئولیت‌ها^۱

- معاون قضائی زندان اوین و معاون سلامت و اصلاح و تربیت استان تهران تا ۴ مرداد ۱۳۹۵
- رئیس زندان اوین از ۴ مرداد ۱۳۹۵ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

علی چهارمحالی به عنوان رئیس زندان اوین، در شکنجه^۲، آزار^۳، اذیت^۴ و مرگ زندانیان سیاسی نقش داشته و مسئول است. وی مسئول اصلی حفظ سلامت زندانیان در زندان اوین است.^۵ سینا قنبری، یکی

^۱ رئیس جدید زندان اوین معرفی شد، خبرگزاری میزان، ۴ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2CIHGdU>.

^۲ نگرانی مادر سهیل اعرابی از وضعیت فرزندش: می‌دانم بلایی سر سهیل آورده‌اند، صدای آمریکا، ۱۱ مهر ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://ir.voanews.com/a/iran-shoehi-arabi/4598384.html>

^۳ احضار مجدد آتنا دائمی و گلرخ ایرایی به دادسرای اوین، خبرگزاری هرانا، ۲۰ دسامبر ۲۰۱۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.hra-news.org/2018/hranews/a-18086/>

^۴ شکایت ابراهیم نوری از رئیس زندان اوین/ دادگاه رسیدگی به اتهامات دو فعال ترک برگزار شد، خبرگزاری هرانا، ۲۰ دسامبر ۲۰۱۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.hra-news.org/2018/hranews/a-18377/>

^۵ همان.

از معترضان بازداشت‌شده در اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶، در زندان اوین که تحت مسئولیت اوست جان باخته است.

سینا قنبری، ۲۲ ساله، در جریان اعتراضات سراسری در ۱۰ دی ۱۳۹۶ توسط نیروی انتظامی دستگیر و به بند ۴ قرنطینه زندان اوین منتقل شد. شش روز بعد (۱۶ دی ۱۳۹۶) مصطفی محبی، مدیر کل زندان‌های استان تهران، گفت که او در دستشویی قرنطینه زندان خود را حلق‌آویز و خودکشی کرده است.

در ۲۱ دی ۱۳۹۶ محمدجعفر منتظری، دادستان کل کشور با تأیید خودکشی سینا قنبری در جمع خبرنگاران گفت: «فردی که خودکشی کرده است معتاد بوده است و فیلمش هم موجود است.»^۱

پس از ادعای محمدجعفر منتظری، دادستان کل کشور، مبنی بر وجود فیلم خودکشی سینا قنبری علیرضا رحیمی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، پس از بازدید از زندان اوین، در ۱۶ بهمن ۱۳۹۶ با رد این ادعا در کانال تلگرام شخصی‌اش نوشت: «از این فیلم در جاهای مختلف به اشتباه به نام فیلم خودکشی سینا قنبری نام برده می‌شود در حالی که فیلم حاوی ساعتی از وضعیت محوطه سرویس‌های بهداشتی زندان بوده و داخل سرویس یا ماجرای که منجر به مرگ شده در فیلم وجود ندارد و اساساً فیلمی از خودکشی وجود ندارد.»^۲

همچنین نسرين ستوده، وکیل برجسته ایرانی، در مصاحبه‌ای با کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران گفته است که مقامات امنیتی با دادن وعده آزادی به زندانیان آنان را به دریافت «متادون» تشویق کردند.^۳

محمود صادقی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، نیز در توثیقی از خوراندن اجباری دارو به زندانیان از جمله سینا قنبری خبر داده بود: «طبق اعلام

^۱ توضیحات دادستان کل کشور درباره خودکشی‌های اخیر در زندان‌ها، ایسنا، ۲۱ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2CQa6Mf>

^۲ روایت علیرضا رحیمی، نماینده تهران از مرگ سینا قنبری زندانی ناآرامی‌های اخیر، پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری جماران، ۱۵ بهمن ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2QRzNST>

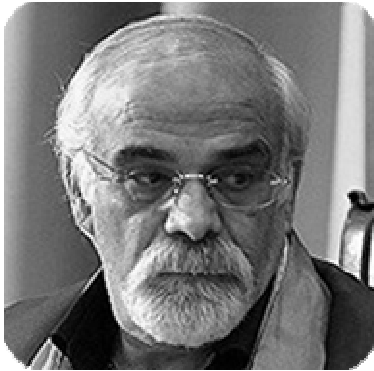
^۳ پروژه‌های برای معتادانگاری معترضان؛ خوراندن اجباری دارو به بازداشت‌شدگان در اوین، کمپین حقوق بشر ایران، ۲۸ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Hd7QFd>

بستگان یکی از بازداشت‌شدگان که در زندان فوت کرد، او طی چند تماس با خانواده‌اش اظهار داشته مسئولان او و دیگر بازداشتی‌ها را مجبور به خوردن قرص‌هایی می‌کردند که حالشان را بد می‌کرده...»^۱

وقایع منجر به مرگ سینا قنبری هیچگاه از سوی گروه مستقلی مورد تحقیق قرار نگرفته است.

^۱ صفحه توئیتر محمود صادقی، ۲۶ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2Mdw94S>



عزیز حاج محمدی (نورالله عزیزمحمدی)

وکیل پایه یک دادگستری و عضو
کانون وکلای دادگستری مرکز

متولد ۱۳۲۷ در تهران؛ وی لیسانس حقوق قضائی دارد و در سال ۱۳۵۰ وارد دستگاه قضائی کشور شد.^۱

مسئولیت‌ها^۲

- رئیس دادگاه بخش مستقل «شهر بابک»
- رئیس دادگستری شهرستان سیرجان از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۶۸
- رئیس دادگستری تاکستان در سال ۱۳۶۸
- دادیار در استان کرمان
- دادرس شهرستان «قدیم»
- رئیس دادگاه شهر «بافت» کرمان
- رئیس دادگاه رفسنجان
- دادستان سیرجان
- بازپرس شعبه یک دادسرای اوین در سال ۱۳۸۸
- رئیس و قاضی شعبه ۷۱ کیفری استان تهران از سال ۱۳۸۲ تا احتمالاً سال ۱۳۹۵
- هم‌اکنون وکیل پایه یک دادگستری و عضو کانون وکلای دادگستری مرکز^۳

^۱ ناگفته‌های جنایی‌ترین قاضی ایران، تابناک، ۳۰ مهر ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2AYoFOZ>

^۲ همان.

^۳ اطلاعات مربوط به نورالله عزیز محمدی در این صفحه وب سایت کانون وکلای دادگستری مرکز درج شده است: <https://bit.ly/2GrBZir>

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. صدور حکم سنگسار

به گفته شخص نورالله عزیز محمدی (عزیز حاج محمدی)، وی حداقل در یک مورد حکم سنگسار برای یک زن صادر کرده است. او در گفت‌وگویی با خبرگزاری تسنیم گفته است: «...[در این] پرونده که به‌عنوان فجیع‌ترین قتل خانوادگی معروف بود... سرانجام هم منجر به قتل ۴ نفر، اعدام ۲ نفر و رجم یک زن شد... این پرونده را هیچ وقت یادم نمی‌رود؛ جزو آن دسته از پرونده‌هایی بود که حتی همسر و فرزندانم هم در جلسه محاکمه‌اش حضور داشتند.»^۱

وی در این گفت‌وگو ادعا کرده این سنگسار، آخرین حکم سنگساری بوده که اجرا شده است اما تاریخ آن را مشخص نکرده است.

۲. صدور کیفرخواست برای معترضان بازداشت‌شده

در وقایع پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸

نورالله عزیز محمدی (عزیز حاج محمدی) به عنوان بازپرس شعبه اول دادرسی اوین در صدور کیفرخواست برای معترضان در وقایع پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ از جمله عبدالرضا قنبری، معلمی که به جرم فعالیت سیاسی دستگیر و به مرگ محکوم شد نقش داشته است.

عبدالرضا قنبری، دبیر یکی از دبیرستان‌های پاکدشت و استاد دانشگاه پیام نور در ۱۴ دی‌ماه ۱۳۸۸ در دبیرستان محل تدریس‌اش بازداشت شد. پرونده وی نیز در شعبه اول دادرسی اوین به ریاست بازپرس حاج محمدی بود که از ابتدا وی را بارها به اعدام تهدید کرده بود.^۲ او به محاربه و ارتباط با سازمان مجاهدین خلق متهم و از سوی قاضی صلواتی، قاضی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب، به اعدام محکوم شد. در حالی که بر اساس رای وحدت رویه دیوان عالی کشور، صلاحیت رسیدگی به پرونده‌های محاربه، از دادگاه‌های تجدیدنظر گرفته شده و این پرونده‌ها باید به دیوان عالی کشور ارجاع و در آنجا رسیدگی شود، پرونده آقای قنبری به جای

^۱ قاضی‌ای که قاتل پدرش را بخشید، خبرگزاری تسنیم، ۱۹ آبان ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی

اینترنتی: <https://bit.ly/2Ds7GWA>

^۲ دستگیری بستگان، تحویل ندادن اجساد، فضای نظامی، دویچه‌وله، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۹، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RHrZlv>

دیوان عالی کشور به شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر رفت و زرگر، رئیس این شعبه، حکم اعدام را تأیید کرد. در سال ۹۱ حکم اعدام او توسط قضات دیوان عالی کشور نقض و در اوایل سال ۹۲ طی محاکمه‌ای به ۱۵ سال حبس به صورت تبعید در زندان برازجان استان بوشهر محکوم شد.^۱ حکم او در نهایت نیز در دادگاه تجدیدنظر شعبه ۵۴ به ۱۰ سال زندان بدون تبعید کاهش یافت و بعد از تحمل یک سال تبعید در زندان برازجان به زندان رجایی‌شهر کرج بازگردانده شد.

۳. صدور احکام اعدام برای متهمان زیر ۱۸ سال

نورالله عزیزمحمدی (عزیز حاج‌محمدی) به عنوان قاضی شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران مسئول صدور حکم اعدام برای افراد زیر سن قانونی است. به عنوان نمونه او در خردادماه ۱۳۸۴ برای فردی به نام ستار شیری که در زمان ارتکاب جرم ۱۷ سال داشت حکم اعدام صادر کرد.^۲

۴. صدور احکام اعدام و قصاص

نورالله عزیزمحمدی (عزیز حاج‌محمدی) در مقام قاضی بیش از ۴۰۰۰ پرونده قتل را بررسی کرده و ۳۰۰۰ حکم قصاص صادر کرده است.^۳ بسیاری از این احکام نیز در ملاء عام اجرا شده است. او قاضی پرونده‌های مهمی چون قاتل سریالی زنان در کرج، جنایت سعادت‌آباد، پل مدیریت و... بوده است که در همه آن‌ها حکم به اعدام و قصاص داده است.

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در ۱۸ مهر ۱۳۹۰ (۱۰ اکتبر ۲۰۱۱) ۲۹ مقام ایرانی از جمله عزیز حاج‌محمدی را به دلیل نقشی که در نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی داشته‌اند از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه دارایی‌های

^۱ حکم عبدالرضا قنبری نقض شد، بقیه زیر اعدام، ۳ اردیبهشت ۱۳۹۲، روزآنلاین، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2CB30wa>

^۲ یک سرگذشت، ستار شیری، بنیاد برومند، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-7847/sattar-shiri>

^۳ ۳۰۰۰ حکم قصاص صادر کردم/ روایتی از فجیع‌ترین پرونده سال/ قاتل پدرم را بخشیدم، جام‌جم

آنلاین، ۵ فروردین ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://jamejonline.ir/online/2328877377647339053>

این مقامات نیز در اروپا توقیف خواهد شد. بر اساس بیانیه اتحادیه اروپا عزیز حاج محمدی به عنوان بازپرس دادسرای مستقر در اوین و قاضی شعبه ۷۱ دادگاه جنایی استان تهران در محاکمه چندین نفر از معترضان به انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ نقش داشته است. او به‌خصوص در محاکمه عبدالرضا قنبری، معلمی که به جرم فعالیت سیاسی دستگیر و به مرگ محکوم شد، مسئول بوده است.^۱

^۱ فهرست دوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dim9Et>



محمد رضا حبیبی

رئیس کل دادگستری یزد

مسئولیت‌ها

- فعالیت در دادستانی فریدون‌شهر در منطقه فریدن
- دادستان عمومی و انقلاب اصفهان بیش از ۶ سال تا ۵ شهریور ۱۳۹۳^۱
- رئیس کل دادگستری یزد^۲ از ۵ شهریور ۱۳۹۳ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. در مقام دادستان عمومی و انقلاب اصفهان

محمد رضا حبیبی در ۱۸ دی‌ماه ۱۳۸۹ از اعدام ۴ نفر با اتهامات مرتبط با مواد مخدر در زندان اصفهان خبر داد.^۳

او همچنین مسئول صدور احکام اعدام برای دو برادر به نام‌های عبدالله و محمد فتحی شورباریکی است.^۴ به گفته برخی مدافعان حقوق بشر، پرونده این دو برادر

^۱ محمد رضا حبیبی از دادگستری اصفهان خداحافظی کرد، خبرگزاری فارس، ۵ شهریور ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FOJsaE>

^۲ رئیس کل جدید دادگستری یزد حکم انتصاب گرفت، خبرگزاری مهر، ۳ شهریور ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FNcnvQ>

^۳ دادستان اصفهان خبر داد: اعدام ۴ قاچاقچی مواد مخدر در زندان اصفهان، ایسنا، ۱۸ دی ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FNEwDa>

^۴ اعدام دو نفر به جرم 'محاربه' در اصفهان، بی بی سی، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2011/05/110517_121_execution_isfahan_fathi

ابهامات بسیاری داشت و بر اساس گفته‌های خانواده و نامه‌های خودشان از داخل زندان، این دو برادر تحت شکنجه‌های شدید مجبور به اعتراف شدند.^۱ این دو برای پذیرش اتهامات مطروحه از جمله ارتباط با گروه‌های مخالف نظام، اقدام برای مبارزه مسلحانه، محاربه با خدا و سرقت مسلحانه تحت شکنجه‌های شدید جسمی و روحی بازجویان قرار گرفتند. این دو برادر ساکن اصفهان بودند اما در مازنداران دستگیر شدند و در حالی که به گفته وکلا، دادگاه باید در مازندران برگزار می‌شد به اصفهان منتقل شد. همچنین این دو برادر در زمان جنگ در آبادان زندگی می‌کردند و دچار بیماری روانی بودند. دکترهای متخصص نیز نامه‌هایی را در همین خصوص به قاضی نوشتند اما در حین رسیدگی به اتهام این دو برادر، محمدرضا حبیبی به وضعیت سلامت روحی و روانی آن‌ها توجهی نکرد و حکم اعدام آن‌ها را تأیید کرد. این دو برادر در ۲۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۰ اعدام شدند.

محمدرضا حبیبی در مراسم تودیعش از سمت دادستانی اصفهان در شهریورماه ۱۳۹۳، به پنج فقره قطع دست سارقان در یک سال گذشته اشاره کرد و گفت: «طی یک سال گذشته پنج فقره قطع ید به عنوان حد شرعی از سارقان باسابقه در زندان اجرا شده که به دلیل دشمنی‌های بیرونی رسانه‌ای نشده است، اما به اعتراف مأموران نیروی انتظامی این اقدام تأثیر خوبی را بر جامعه گذاشته و میزان جرم و جنایت را کاهش داده است.»^۲

۴. در مقام رئیس کل دادگستری استان یزد

محمدرضا حبیبی در سمت رئیس کل دادگستری استان یزد مسئول اجرای احکام قصاص و اعدام در ملاعام بوده است.

به عنوان مثال او در ۲۳ فروردین ۱۳۹۴ از اعدام یک زندانی در ملاء عام خبر داد: «دستگاه قضائی با جدیت با کسانی که مخل نظم و امنیت جامعه باشند برخورد می‌کند و اجازه نمی‌دهد افرادی به واسطه امیال شیطانی خود به احساس امنیت جامعه خدشه‌ای وارد نمایند.»^۳

^۱ همان

^۲ پنج مورد قطع دست طی سال گذشته در اصفهان، دویچه‌وله، ۱۷ شهریور ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2AUHUc2>

^۳ قاتل دانش‌آموز ۹ ساله مهریزی اعدام شد، فرارو، ۲۳ فروردین ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FCFinb>

او در ۱۸ اسفندماه ۱۳۹۵ با اعلام اعدام دو زندانی در ملاء عام گفته بود: «اجرای این حکم هشدار است به تمام کسانی که فکر می‌کنند می‌توانند با تخطی از قانون و خدشه به آرامش مردم کار خود را پیش ببرند و با قانون‌شکنی برای خود سودی کسب کنند.»^۱

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در ۱۸ مهرماه ۱۳۹۰ (۱۰ اکتبر ۲۰۱۱) ۲۹ مقام ایرانی از جمله محمدرضا حبیبی را به دلیل نقشی که در نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی داشته‌اند از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه داری‌های این مقامات نیز در اروپا توقیف شده است.^۲

بر اساس بیانیه اتحادیه اروپا محمدرضا حبیبی به دلیل مشارکت در محاکمه متهمان در دادگاه‌های ناعادلانه، مانند محاکمه عبدالله فتاحی در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۰، طوری که در حین رسیدگی به اتهام او به وضعیت سلامت روحی و روانی او توجهی نکرده است در فهرست تحریم اتحادیه اروپا قرار گرفته است.

محمدرضا حبیبی در واکنش به تحریم اتحادیه اروپا^۳، این امر را باعث افتخار خود دانست و گفت: «من از این اقدام اتحادیه اروپا بسیار خوشحال شدم، چرا که اجرای احکام شرع منور و عمل به مقررات انقلاب اسلامی مرا در لیست معاندین و کفار اسلام قرار داده است و من به حکم اسلام عمل کرده‌ام.»

^۱ حکم اعدام قاتل زرگر یزدی فردا در ملاء عام اجرا می‌شود، فرارو، ۱۸ اسفند ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2MmPmRL>

^۲ فهرست دوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۲۱ اسفند ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dim9Et>

^۳ پنج مورد قطع دست طی سال گذشته در اصفهان، دویچه‌وله، ۱۷ شهریور ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2AUHUC2>



سید محمد حجازی
(سید محمد
حسین زاده حجازی)

رئیس ستاد مشترک سپاه
پاسداران انقلاب اسلامی

متولد ۱۳۳۵ شهر اصفهان؛ او مدرک کارشناسی ارشد مدیریت دولتی از دانشگاه تهران دارد.^۱

مسئولیت‌ها

- جانشین فرمانده سپاه منطقه چهارم کشوری
- مسئول ستاد سپاه منطقه دوم کشوری
- جانشین قرارگاه عملیاتی سلمان در جبهه‌های میانی و غرب
- جانشین فرمانده قرارگاه قدس سپاه تا پایان دوران جنگ ایران و عراق
- معاون هماهنگ کننده نیروی مقاومت پس از پایان جنگ
- عضو هیات علمی دانشگاه امام حسین
- فرمانده نیروی مقاومت بسیج از ۲۰ اسفند ۱۳۷۶ تا ۲۹ شهریور ۱۳۸۶^۲
- جانشین فرمانده کل سپاه از ۲ خرداد ۱۳۸۷^۳
- فرمانده قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران با حفظ سمت جانشین فرمانده سپاه از ۲۳ تیر ۱۳۸۷ تا احتمالاً ۱۲ مهر ۱۳۸۸^۴

^۱ مراسم معارفه سردار حجازی و سردار آبرمند امروز برگزار می‌شود، خبرگزاری مهر، ۴ خرداد ۱۳۸۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2ATkiVm>

^۲ همان.

^۳ سردار حجازی، جانشین فرمانده کل سپاه شد، آفتاب، ۲ خرداد ۱۳۸۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: http://aftabnews.ir/vdchv6nq_23nm6dft2.html

^۴ حجازی فرمانده قرارگاه ثارالله سپاه و همدانی جانشین نیروی مقاومت بسیج، خبرگزاری فارس، ۲۳ تیر ۱۳۸۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2MkGOe5>

- معاون آمد و پشتیبانی و تحقیقات صنعتی ستاد کل نیروهای مسلح^۱ از ۱۲ مهر ۱۳۸۸ تا ۱ تیر ۱۳۹۳^۲
- رئیس ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از ۲۹ شهریور ۱۳۸۶ تا کنون^۳

برخی از موارد نقض حقوق بشر

سید محمد حجازی به عنوان فرمانده قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران نقش کلیدی در سرکوب اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ داشته است. قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران، قرارگاهی امنیتی است که زیر نظر مستقیم فرمانده سپاه اداره می‌شود و از سال ۱۳۷۴ تا کنون وظیفه تأمین امنیت تهران در شرایط بحرانی را بر عهده دارد.

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در ۱۸ مهر ۱۳۹۰ (۱۰ اکتبر ۲۰۱۱)، سید محمد حجازی را به دلیل نقشی که در نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی داشته است از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه دارایی‌های او نیز در اروپا توقیف خواهد شد.

بر اساس مصوبه اتحادیه اروپا، سید محمد حجازی، فرمانده وقت قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران، به دلیل «سرکوب معترضان به انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸» و «نامه‌نگاری به وزیر بهداشت برای ممنوعیت انتشار اسناد و مدارک پزشکی مصدومین»، تحریم شده است.^۴

^۱ انتصاب سردار سید محمد حسین‌زاده حجازی به معاونت معاون آمد و پشتیبانی و تحقیقات صنعتی ستاد کل نیروهای مسلح، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۲ مهر ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=20061>

^۲ حجازی رفت؛ عبداللهی معاون ستاد کل نیروهای مسلح شد، مشرق، ۱ تیر ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2W6ZgeN>

^۳ سردار سید محمد حجازی رئیس ستاد مشترک سپاه شد، خبرگزاری مهر، ۲۹ شهریور ۱۳۸۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2DoCAPH>

^۴ فهرست دوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۲۱ اسفند ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dim9Et>



بهرام حسینی مطلق

فرمانده دانشکده و پژوهشکده
علوم دفاعی (دافوس) سپاه
پاسداران انقلاب اسلامی

مسئولیت‌ها

- فرمانده سپاه سیدالشهدا استان تهران از ۴ اسفند ۱۳۸۸ تا ۱۷ آبان ۱۳۹۰^۱
- فرماندهی سپاه امام حسن مجتبی استان البرز^۲ از ۱۷ آبان ۱۳۹۰ تا ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۳^۳
- هم‌اکنون فرمانده دانشکده و پژوهشکده علوم دفاعی^۴ (دافوس) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

برخی از موارد نقض حقوق بشر

بهرام حسینی مطلق به عنوان فرمانده سپاه سیدالشهدا استان تهران در برخوردهای خشونت‌آمیز با اعتراضات و بازداشت معترضان به انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ نقش داشته و مرتکب نقض حقوق بشر شده است.

^۱ انتصاب سردار حسینی مطلق به عنوان فرمانده سپاه سیدالشهدا استان تهران، روزنامه کیهان، ۴ اسفند ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2046690>

^۲ سردار نصیری فرمانده سپاه سیدالشهدا شد، مشرق‌نیوز، ۱۷ آبان ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2MiZs65>

^۳ بهترین مدیران اجرایی کشور در سپاه تربیت شده اند/ معارفه سردار استاد حسینی به سمت فرماندهی سپاه استان البرز، خبرگزاری مهر، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2DlbnNB>

^۴ ایران اسلامی دژ شکست‌ناپذیر است، ایرنا، ۳۰ بهمن ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.irna.ir/fa/News/82837086>

او در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۰ با اشاره به نقش محوری سپاه سیدالشهدا در سرکوب اعتراضات سال ۱۳۸۸ گفت: «سپاه سیدالشهدا قبل از تفکیک یکی از سپاه‌های محوری بود و در جریان فتنه سال ۸۸ خوش درخشید. عملکرد این سپاه مورد تأیید مسئولان قرار گرفت و دشمنان با وجود این سپاه احساس خطر کردند و نام آن را در لیست سی و دو گزینه‌ای خود ثبت کردند.»^۱

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در ۲۳ فروردین ۱۳۹۰ (۱۳ آوریل ۲۰۱۱)، ۳۲ مقام ایرانی از جمله بهرام حسینی مطلق را به دلیل نقشی که در نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی داشته‌اند از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه دارایی‌های این مقامات نیز در اروپا توقیف خواهد شد.^۲ بر اساس بیانیه اتحادیه اروپا بهرام حسینی مطلق در مقام فرماندهی لشکر سیدالشهدا استان تهران در سرکوب اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ نقشی کلیدی داشت.

^۱ سپاه سیدالشهدا در فتنه ۸۸ خوش درخشید، خبرگزاری فارس، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۰، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FYnMZS>

^۲ COUNCIL REGULATION (EU) No 359/2011 of 12 April 2011 concerning restrictive measures directed against certain persons, entities and bodies in view of the situation in Iran. eur-lex, 12 April 2011,

<https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=CELEX%3A02011R0359-20140412>



سید علی خامنه‌ای

رهبر جمهوری اسلامی

سید علی خامنه‌ای متولد ۱۳۱۸ در مشهد است. او تحصیلات حوزوی دارد.^۱

مسئولیت‌ها

- عضو شورای انقلاب اسلامی از دی ۱۳۵۷ تا تیر ۱۳۵۹
- معاونت امور انقلاب وزارت دفاع
- سرپرستی سپاه پاسداران از ۳ آذر ۱۳۵۸ تا ۵ اسفند ۱۳۵۸
- امام جمعه تهران
- نماینده مجلس شورای اسلامی از اسفند ۱۳۵۸ تا مهر ۱۳۶۰
- رئیس جمهور از مهر ۱۳۶۰ تا خرداد ۱۳۶۸
- رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام از بهمن ۱۳۶۶ تا خرداد ۱۳۶۸
- رهبر جمهوری اسلامی از خرداد ۱۳۶۸ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. تعطیلی دانشگاه‌ها و حوادث خونبار انقلاب فرهنگی

سید علی خامنه‌ای به عنوان عضو شورای انقلاب در تعطیلی دانشگاه‌ها و حوادث خشونت‌بار در دانشگاه‌ها و اخراج دانشجویان مخالف جمهوری اسلامی (موسوم به انقلاب فرهنگی) نقش مهمی ایفا کرده است.

^۱ نگاهی گذرا به زندگی‌نامه حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱ فروردین ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه ۲۹ فروردین ۱۳۵۹، دانشجویان مخالف را تهدید و زمینه سرکوب آن‌ها را فراهم کرد: «این گروه‌هایی که در دانشگاه‌ها لانه کرده‌اند و علیه حکومت اسلامی در حال ضربه‌زدن هستند باید دانشگاه‌ها را تخلیه بکنند. اگر این مراکز که مراکز فساد شده است را به صاحبان اصلی آن یعنی ملت برنگردانند، این ملت خود خواهد رفت و این مراکز را پاسداری خواهد کرد.»^۱

پس از نیمه‌تمام ماندن و به خشونت کشیده شدن سخنرانی هاشمی رفسنجانی در ۲۶ فروردین ۱۳۵۹ در دانشگاه تبریز، دانشجویان پیرو خط امام دانشگاه تبریز را به تصرف خود درآوردند و خواهان خروج دانشجویانی که «چپ‌گرا» و «ضد انقلاب» نامیده می‌شدند از دانشگاه شدند. در ۲۹ فروردین ۱۳۵۸، اعضای شورای عالی انقلاب پس از برگزاری جلسه‌ای با روح‌الله خمینی، برای تعطیلی دفاتر گروه‌های سیاسی در دانشگاه مهلت قانونی مقرر کرد و از ۱۵ خرداد ۱۳۵۹ دانشگاه‌ها تعطیل اعلام شدند. این تعطیلی دانشگاه‌ها، سرآغاز «انقلاب فرهنگی» محسوب می‌شود که تعطیلی دانشگاه‌ها به مدت بیشتر از دو سال و اخراج صدها تن از استادان و هزاران تن از دانشجویان دگراندیش و مخالف را در پی داشت.

در برخی از دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه جندی‌شاپور اهواز، انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه با وقایع خونباری گره خورد که سپاه پاسداران و مقامات منصوب از سوی خمینی در آن نقش داشتند. منصور اصل شرحانی، فعال سیاسی سابق که شاهد وقایع دانشگاه جندی‌شاپور بوده در شهادتی نزد عدالت برای ایران آغاز آن وقایع را چنین به یاد می‌آورد:

دو روز قبل از جریانات دانشگاه، [احمد] جنتی آمد نماز جماعت‌اش را جلوی دانشکده‌ی کشاورزی اجرا کرد. می‌خواستند دانشکده را ببندند قادر نبودند. بعد پشت تلویزیون و رادیو این اعلام را داد که آی ملت برسید که این کمونیست و بی‌دین‌ها دارند قرآن را می‌سوزانند. بیابید کمک کنید. بدترین صحنه‌هایی که من آنجا دیدم این بود که مردم بومی که اصلاً از دانشگاه دور بودند، مردم که یک عمر سینه زده برای امام حسین و فکر می‌کنند کمونیست یعنی خدا نیست، خب این‌ها را سوار وانت‌هایشان می‌کردند می‌آوردند در دانشگاه. همه‌شان با چماق آماده بودن و می‌زدند.

^۱ امروز کسانی که افراد را به بیکاری سوق می‌دهند، خائن‌اند، روزنامه کیهان، شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۵۹، صفحه ۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2DBYPSs>

غلامرضا بقایی، دانشجوی اخراجی و شاهد وقایع خونبار دانشگاه جندی شاپور در نامه‌ای به عبدالکریم سروش، از اعضای ستاد انقلاب فرهنگی شرح مفصلی از آن وقایع را داده است.^۱ وی از جمله درباره هجوم نیروهای "حزب‌اللهی به رهبری احمد جنتی، در روز ۲ اردیبهشت به دانشگاه و اشغال دفاتر سازمان‌های دانشجویی و سیاسی می‌نویسد: «تا به خود بیاییم از میان نخل‌ها، از پشت دیواره‌های سبز و آشنای شمشادها، از پشت بام‌های کمین کرده، از حد فاصل ماشین‌های پارک شده، شلیک شقاوت آغاز شد به دانشجویانی که در خانه‌ی خویش و در اطراف دفتر دانشجویان پیشگام تجمع کرده بودند. بعد از یک واکنش غریزی در دفاع از خود و با دست‌ان خالی، دانشجویان غافلگیر شده از هر طرف می‌دویدند و دنبال پناهی و جان‌پناهی می‌گشتند. عده‌ای از پشت نخلستان‌ها خود را به کناره‌های رود کارون که در انتهای شهر دانشگاهی واقع شده است، رساندند. اما گویی مهاجمان کمین کرده در میان نخل‌ها، قبلاً محل‌های فرار را پیش‌بینی کرده بودند. راه بر دانشجویان بستند. گروه بیشماری در این مسیر یا با گلوله یا با ساتور و دشنه از پای درآمدند. در انتهای این مسیر و در کناره‌ی رودخانه کارون، «قصابخانه»ی اهواز واقع است و از قضا در روزهای بعد از فاجعه برخی از کارکنان همین قصابخانه اجساد گلوله خورده و دریده شده‌ی دانشجویان را از آب می‌گیرند. چند نفر؟ نه آن روز و نه اکنون و بعد از ۲۳ سال، کسی نمی‌داند... ولی تردیدی ندارم زنده هستند کسانی همانند من که آن روز با چشم خود دیدند که چگونه سینه «طاهره حیاتی»ی چهارده ساله، «دانش آموز پیشگام» یکی از دبیرستان‌های اهواز با قمه‌ی یکی از اوباشان دریده شد...»^۲

بسیاری از فعالان سیاسی و دانشجویی در جریان این حمله و در روزهای پس از آن دستگیر، شکنجه و زندانی و کشته شدند.^۳ تعدادی از آنان را به تالار شهرداری

^۱ روایتی از حمله به دانشگاه اهواز در جریان انقلاب فرهنگی، غلامرضا بقایی، وبلاگ یکنفر، ۱ مارس ۲۰۱۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2GqRw1Z>

^۲ همان.

^۳ در شماره ۲۹ اردیبهشت نشریه پیکار در مورد جان‌باختن مهناز معتمدی چنین آمده است: "شب هنگام در حالی که عده‌ای زنان و دختران اسیر را از محل بیدادگاه انقلاب اسلامی به کانون کارآموزی زرگان (واقع در جاده مسجد سلیمان) منتقل می‌کردند، در مسیر درب ورود کانون تا آسایشگاه، آن‌ها را وادار می‌کنند بدون آن که به عقب خود نگاه کنند، بدون. در ضمن چراغ‌های طرفین مسیر را خاموش کرده و در میان درختان عده‌ای از پاسداران و اوباشان برای ترساندن ←

اهواز بردند و در آن‌جا زندانی کردند. در روز ۴ اردیبهشت ۱۳۵۹، در مقابل خواسته دانشجویان برای آزاد شدن، آتش را به روی آنان گشودند و حداقل دو تن از آنان در اثر جراحت ناشی از تیراندازی جان باختند.^۱

دادگاه انقلاب برای برخی از بازداشت‌شدگان حکم اعدام صادر و اجرا کرد.^۲ این دادگاه از جمله دکتر اسماعیل نریمیسا از فداییان سازمان چریک‌های فدایی خلق را "به اتهام شرکت در درگیری دانشگاه جندی شاپور و طراحی و شرکت در توطئه و فرار زندانیان از سالن شهرداری که منجر به چند فقره قتل و ضرب و جرح گردیده"، "با توجه با آن‌چه "سوابق متهم و موضع‌گیری در مقابل جمهوری اسلامی و شهادت شهود و مطلعین قضیه و سایر قرائن موجود در پرونده" خوانده بود به عنوان "یکی از مؤثرترین عوامل حادثه دانشگاه جندی شاپور اهواز و توطئه سالن شهرداری" در ۶ تیر ۱۳۵۹ اعدام کرد.^۳

کانون دستیاران تهران در اطلاعیه‌ای به تلاش‌های آن کانون برای بررسی مسئله و جمع‌آوری مدارک بی‌گناهی دکتر نریمیسا و نیز تماس‌های آن‌ها با تعداد زیادی از مقامات مسئول از جمله سید علی خامنه‌ای و تقاضای آن‌ها برای بررسی مدارک در یک دادگاه علنی اشاره کرده است.^۴

اعدام دکتر نریمیسا اعتراض و اعتصاب گروه‌های مختلف پزشکان و دستیاران در شهرهای اهواز، تهران و شیراز را در پی داشت. امام جمعه اهواز، حجت الاسلام طاهری، در اجتماع نماز وحدت کارکنان صنعت نفت این شهر گفت: "در اسلام از لحاظ کیفی بین دکتر، کارگر و روحانی هیچ فرقی نیست ضمن آنکه در شرایط مساوی از لحاظ ارتکاب گناه کیفر جرم روحانی پزشک و یا مهندس بیشتر و

→ آن‌ها در کمین نشسته بودند. در حین دویدن صدای تیراندازی به گوش می‌رسد و رفیق مهناز به زمین می‌افتد. پاسداران برای ایجاد وحشت بیشتر در میان زندانیان، فریاد می‌زدند: "به عقب برنگردید، اگر بایستید، شما را را هم می‌زنیم."! برای اطلاعات بیشتر رک. نشریه پیکار، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۹، شماره ۵۵، صفحه ۲۰ و ۱۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://www.iran-archival.com/sites/default/files/sanad/sazmane_peykar_-_peykar_055.pdf

^۱ روزهای خونین انقلاب فرهنگی در اهواز، اخبار روز، ۴ اردیبهشت ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=59505>

^۲ اظهارات و واکنش‌ها در قبال اعدام نریمیسا، روزنامه اطلاعات، ۱۱ تیر ۱۳۵۹، صفحه ۱۱

^۳ همان.

^۴ همان.

سنگین‌تر است زیرا که دانسته و عالمانه به آن اقدام کرده است.^۱

۲. تصویب قانون مربوط به دادرها و دادگاه‌های انقلاب

سید علی خامنه‌ای عضو شورای انقلاب بود که آیین‌نامه دادرها و دادگاه‌های انقلاب تصویب شد. این آیین‌نامه که در قالب لایحه قانونی به تصویب رسید، سرکوب مخالفان و منتقدان جمهوری اسلامی را در دستگاه قضائی نهادینه کرد.^۲

۳. کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷

در مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷، چندین هزار زندانی سیاسی در ایران، با فتوای روح‌الله خمینی و تصمیم مقامات قضائی و اطلاعاتی اعدام شدند. تمامی آن‌ها پیش از این به مجازات زندان محکوم شده بودند و در حال گذراندن دوران محکومیت خود بودند و دوران محکومیت برخی از آنان نیز به پایان رسیده بود وکلای بین‌المللی حقوق بشری چون جفری رابرتسون،^۳ همچنین هیات قضات دادگاه مردمی ایران تریبونال^۴ و سازمان عفو بین‌الملل^۵، کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ را مصداق جنایت علیه بشریت دانسته‌اند.

سازمان ملل نیز قربانیان کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ را مصداق «ناپدیدشدگی قهری» دانسته است.^۶ به رسمیت شناخته شدن قربانیان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ به عنوان ناپدیدشده قهری، دولت جمهوری اسلامی ایران را بر اساس قوانین بین‌المللی موظف می‌کند که حق خانواده‌های

^۱ یک سرگذشت: اسماعیل نریمسیا، یادبود، بنیاد برومند، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-4890/esmail-narimisa>

^۲ آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۲۷ خرداد ۱۳۵۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: http://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/98140

^۳ کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷، جفری رابرتسون، بنیاد برومند، فروردین ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://www.iranrights.org/attachments/library/doc_5.pdf

^۴ حکم دادگاه ایران تریبونال، ایران تریبونال، ۱۷ بهمن ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2DaFCH7>.

^۵ کشتار ۶۷؛ استمرار جنایت علیه بشریت توسط حکومت ایران، عفو بین‌الملل، ۴ دسامبر ۲۰۱۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.amnesty.org/download/Documents/MDE1395132018PERSIAN.PDF>

^۶ سازمان ملل قربانیان کشتار ۶۷ را به عنوان ناپدیدشده قهری به رسمیت شناخت، عدالت برای ایران، ۱۱ آبان ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FEPO3>

قربانیان را برای دانستن حقیقت درباره سرنوشت و محل دفن عزیزان‌شان ادا کند و مسئولان آن را تحت تعقیب قرار دهد. از نظر حقوق بین‌الملل، ناپدیدشدگی قهری نقض مداوم حقوق بشر و یک جرم بین‌المللی است و تا زمانی که فرد ناپدیدشده پیدا یا سرنوشت‌اش به‌طور کامل معلوم نشود، حتی با وجود گذشت چند دهه، مشمول مرور زمان نمی‌شود.

در آن زمان، خامنه‌ای رئیس‌جمهور و رئیس مجمع تشخیص مصلحت بود و از نظر حقوق بین‌الملل، به عنوان بالاترین مقام اجرایی کشور، در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ مسئول محسوب می‌شود. او همچنین وظیفه تحقیق درباره این نقض شدید حقوق بشر و پاسخگو کردن آمران و عاملان آن را داشته است که به دلیل عدم انجام این وظیفه نیز مسئول محسوب می‌شود.

در آذرماه ۱۳۶۷، خامنه‌ای در دفاع از کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ گفت: «مگر ما مجازات اعدام را لغو کردیم؟ نه! ما در جمهوری اسلامی مجازات اعدام را داریم برای کسانی که مستحق اعدامند... این آدمی که توی زندان، از داخل زندان با حرکات منافقین که حمله مسلحانه کردند به داخل مرزهای جمهوری اسلامی... ارتباط دارد، او را به نظر شما باید برایش نقل و نبات ببرند؟ اگر ارتباطش با آن دستگاه مشخص شده، باید چه کارش کرد؟ او محکوم به اعدام است و اعدامش هم می‌کنیم. با این مسئله شوخی که نمی‌کنیم.»^۱

۴. نقض حقوق بشر در دوران رهبری

طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی رهبر عالی‌ترین مقام کشور است که اختیارات فراوانی دارد.^۲ او سیاست‌های کلی نظام را تعیین و بسیاری از مسئولان ارشد از جمله رئیس قوه قضائیه، فقهای شورای نگهبان، رئیس صدا و سیما، اعضا و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، نهادهای مذهبی، ستاد کل نیروهای مسلح، فرماندهان ارشد سپاه پاسداران، ارتش و نیروی انتظامی را نیز منصوب می‌کند.^۳

^۱ موضع‌گیری مقامات وقت ایران درباره اعدام‌های دهه ۶۰، بی بی سی، ۲۱ شهریور ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2013/09/130912_25_anniversary_authoriteis_speech_nm

^۲ رهبری از نگاه قانون، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله خامنه‌ای، ۱ فروردین ۱۳۶۸، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.leader.ir/fa/law>

^۳ تمام منصوبان رهبر ایران، بی بی سی، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2016/04/160409_126_145_ir_leader_power_chart

افزون بر این موارد، برخی از وزرای کابینه دولت مانند وزرای اطلاعات، علوم و کشور نیز با هماهنگی رهبر انتخاب می‌شوند. بنابر این سید علی خامنه‌ای در همه موارد نقض حقوق بشری که توسط نهادهایی مانند قوه قضائیه، وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و صدا و سیما انجام شده است، هم‌دستی و مشارکتی مستمر داشته است.

۵. نقض حقوق بشر در دستگاه قضائی

رؤسای قوه قضائیه که از ۱۳۶۸ تا کنون از منصوبان سید علی خامنه‌ای بوده‌اند، به‌طور ویژه و مستقیم در اجرای همه احکام اعدام و قطع عضو نقش داشته‌اند.^۱ از طرف دیگر طی سه دهه گذشته، دادگاه‌های انقلاب اسلامی بی‌وقفه در نقض حقوق اقلیت‌ها، کنشگران مدنی و سیاسی، روزنامه‌نگاران، و کلا، فعالان حقوق بشر و مخالفان سیاسی نقش محوری داشته‌اند.

۶. نقض حقوق بشر در نهادهای امنیتی

بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه، پرونده‌سازی و به‌طور کلی نقض حقوق و حذف مخالفان سیاسی، مدافعان حقوق بشر و کنشگران مدنی رویه‌ای است که از ابتدای رهبری سید علی خامنه‌ای بدون توقف توسط نهادهای امنیتی اجرا شده است. از ماه‌های نخستین که علی خامنه‌ای رهبری جمهوری اسلامی را بر عهده گرفت، نیروهای وزارت اطلاعات ترور تعدادی از سران گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی را در اروپا اجرا کردند. عبدالرحمان قاسملو، شاپور بختیار، صادق شرفکندی (۱۳۷۱) و فریدون فرخزاد از جمله مخالفان سرشناس جمهوری اسلامی بودند که در اروپا توسط ماموران وزارت اطلاعات به قتل رسیدند. از سال‌های آغازین دهه ۱۳۷۰ تا پائیز ۱۳۷۷ نیز ده‌ها تن از نویسندگان، روشنفکران، دگراندیشان و مخالفان سیاسی توسط وزارت اطلاعات در داخل کشور به قتل رسیدند. در این میان، قتل سعیدی سیرجانی، احمد میرعلائی، داریوش فروهر، پروانه اسکندری، مجید شریف، محمد مختاری و محمدجعفر پوینده توجهات بیشتری را به خود جلب کرد.

^۱ پرسش و پاسخ با اداره کل حقوقی قوه قضائیه، روزنامه اطلاعات، ۲۹ دی ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2G4kOTV>

به دنبال افزایش قتل‌های سیاسی روشنفکران و دگراندیشان در پائیز ۱۳۷۷، و به دلیل فشار افکار عمومی و رسانه‌ها، وزارت اطلاعات در ۱۵ دی ۱۳۷۷ با انتشار اطلاعیه‌ای قبول کرد که مأموران این وزارتخانه در طراحی این قتل‌ها دست داشته‌اند اما آن‌ها را به عنوان عوامل «کج اندیش و خودسر» معرفی کرد.

۷. سرکوب دانشجویان

نیروهای مسلح، تحت امر سید علی خامنه‌ای به عنوان فرمانده کل قوا، در سرکوب‌های خونین اعتراضات دانشجویی نقش کلیدی داشته‌اند. به طور نمونه، در ۱۸ تیر ۱۳۷۸، پس از اعتراض دانشجویان به توقیف روزنامه «سلام»، مأموران نیروی انتظامی و نیروهای امنیتی موسوم به لباس شخصی‌ها، با حمله به خوابگاه دانشجویان در کوی دانشگاه تهران، دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار دادند. برخوردهای خشونت‌بار با اعتراضات خیابانی و بازداشت دانشجویان تا ۲۳ تیر ۱۳۷۸ ادامه یافت. طی این حوادث دست‌کم ۳۰۰ دانشجو دستگیر و براساس گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری ۷ نفر کشته شدند.

۸. نقض حقوق بشر در صدا و سیما

رؤسای سازمان صدا و سیما که توسط خامنه‌ای انتخاب شده‌اند به دلیل همکاری تنگاتنگ این سازمان با دستگاه‌های امنیتی و پخش اعترافات اجباری در نقض جدی حقوق بشر مشارکت و نقش داشته‌اند. اگرچه ضبط و پخش اعترافات تلویزیونی مخالفان سیاسی یا عقیدتی با روی کارآمدن جمهوری اسلامی کلید خورد اما در زمان رهبری خامنه‌ای و از اواسط دهه ۱۳۷۰ خورشیدی، ساخت برنامه‌های تلویزیونی چون «هویت»، که حاصل همکاری وزارت اطلاعات، صدا و سیما و روزنامه کیهان بود، تهیه و پخش اعترافات اجباری منتقدان و دگراندیشان را به بخشی معمول در برنامه‌های صدا و سیما تبدیل کرد. طی سه دهه گذشته بسیاری از فعالان سیاسی، نویسندگان، روشنفکران، فعالان اتنیکی، مذهبی، فعالان کارگری و... قربانی شکنجه‌های روحی و جسمی به منظور ضبط اعترافات در مقابل دوربین و پخش آن از صدا و سیما شده‌اند.

۹. سرکوب اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸

سید علی خامنه‌ای پس از آغاز اعتراضات به نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال

۱۳۸۸، در خطبه‌های نماز جمعه ۲۹ خرداد ۱۳۸۸ با رد هرگونه تقلب در نتایج انتخابات، به صراحت معترضان را تهدید و فرمان برخورد با آنان را صادر کرد.^۱ پس از آن نیروهای امنیتی و اطلاعاتی، هزاران تن از معترضان را بازداشت کردند و دهه‌ها تن در خیابان و یا زیر شکنجه، در گمنامی، کشته شدند. در دادگاه‌های انقلاب نیز برای معترضان، احکام سنگین اعدام و حبس‌های طولانی‌مدت صادر شد. در ۱۸ تیرماه ۱۳۸۸، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، تعداد زیادی از معترضان به نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ را که مقابل دانشگاه تهران تجمع کرده بودند دستگیر کردند و آنان را با دستور سعید مرتضوی، دادستان وقت تهران و معاونان او، حسن زارع دهنوی و علی‌اکبر حیدری‌فر به بازداشت‌گاه کهریزک منتقل کردند. محسن روح‌الامینی، امیر جواد‌ی‌فر و محمد کامرانی، که هر سه در بازداشت‌گاه کهریزک زیر شکنجه کشته شدند، از جمله قربانیانی هستند که توجه رسانه‌ها و سازمان‌های حقوق بشری را جلب کردند.

۱۰. نقض حقوق شهروندان بهائی

خامنه‌ای در مقام رهبر جمهوری اسلامی با صدور فتاوی، بهائیان را «نجس» خواند و خواستار مقابله با این دیانت و پیروانش شده است.^۲ در اسفند ۱۳۶۹، نیز سید علی خامنه‌ای با تأیید مصوبه شورایی انقلاب فرهنگی، محرومیت بهائی‌ها را از تحصیل و ممنوعیت استخدام آنان در ادارات دولتی تضمین و تثبیت کرد.^۳

۱۱. سرکوب اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶

در دی‌ماه ۱۳۹۶، اعتراضات گسترده‌ای در قالب تجمعات خیابانی در بسیاری از شهرهای ایران شکل گرفت که در غالب موارد، خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و

^۱ متن کامل خطبه‌های نماز جمعه تاریخی تهران (۱۳۸۸/۳/۲۹) به امامت رهبر فرزانه انقلاب، خبرگزاری فارس، ۳ تیر ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FBezra>

^۲ ریشه‌های یک سرکوب؛ نگاهی کوتاه به بهائی‌ستیزی پس از انقلاب اسلامی، کیهان لندن، ۶ خرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Ueo6aQ>

^۳ دستورالعمل محرمانه شورای عالی انقلاب فرهنگی برای مقابله با بهائیان، خانه اسناد بهایی‌ستیزی در ایران، ۶ اسفند ۱۳۶۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RLfjH>

کنار رفتن علی خامنه‌ای از قدرت بود. در برخی از شهرها، معترضان پوسترها و تمثال‌های خامنه‌ای را آتش زدند. این اعتراضات به سرعت و خشونت بسیار، از سوی نیروهای انتظامی و امنیتی سرکوب شد. هزاران نفر در سراسر ایران بازداشت شدند و گزارش‌های متعدد از شکنجه بازداشت‌شدگان منتشر شد. تعدادی از معترضان در خیابان یا در بازداشت-گاه کشته شدند.



قربان‌علی دری نجف‌آبادی

عضو مجلس خبرگان رهبری

قربان‌علی دری نجف‌آبادی فرزند حاج اسدالله متولد آبان ۱۳۲۴ در نجف‌آباد اصفهان است. او تحصیلات حوزوی دارد.^۱

مسئولیت‌ها^۲

- مسئولیت در کمیته انقلاب اسلامی در اراک
- امام جمعه شهرکرد و نماینده روح‌الله خمینی در استان چهارمحال و بختیاری
- دادستان انقلاب اسلامی در استان چهارمحال و بختیاری
- نماینده مجلس شورای اسلامی در دوره اول، چهارم و پنجم
- دبیر هیات عالی گزینش (مستقر در ریاست جمهوری) بیش از ۱۵ سال
- عضویت در ستاد قرارگاه خاتم‌الانبیاء
- نماینده رئیس جمهوری وقت (سید علی خامنه‌ای) در سرکشی به رزمندگان اسلام و مناطق آسیب‌دیده در اثر جنگ هشت‌ساله
- نماینده امام جمعه تهران در ستاد پشتیبانی جبهه و جنگ
- ریاست هیات مدیره و دبیر هیات علمی مرکز جهانی علوم اسلامی قم (منصوب از سوی سید علی خامنه‌ای به مدت ۵ سال)
- عضویت در شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (منصوب از سوی علی خامنه‌ای از اول تأسیس در سال ۱۳۶۸ تا امروز) و مدتی نیز معاونت فرهنگی مجمع اهل‌البیت

^۱ دری نجف‌آبادی کیست؟، میزان، ۱۱ اسفند ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2Rq63S5>

^۲ همان.

- امام جمعه موقت شهر ری از سال ۱۳۷۳
- مسئول مجمع مشورتی بازسازی کشور پس از پذیرش قطعنامه در سال ۱۳۶۷
- از طرف روح‌الله خمینی
- دو دوره نمایندگی مجلس خبرگان از استان ایلام و تهران
- عضویت در بعثه روح‌الله خمینی و علی خامنه‌ای در حج
- معاونت اقتصادی و تکنولوژی مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری
- عضویت در کمیته تنظیم بازار ارز و عضویت در شورای پول و اعتبار
- عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام در دو دوره پنج ساله
- وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۷۷ تا ۲۱ بهمن ۱۳۷۷
- مشاور اقتصادی رئیس جمهوری
- ریاست کمیته اقتصادی شورای عالی امنیت ملی
- ریاست دیوان عدالت اداری
- عضو هیات امنای دانشگاه‌های صنعتی اصفهان و کاشان یک دوره از طرف اکبرهاشمی رفسنجان‌ی، رئیس جمهور وقت
- عضو هیات امنای دانشگاه‌های منطقه مرکزی از طرف ریاست جمهوری
- عضو هیات امنای مهدیه تهران از سال‌های ۱۳۵۹
- عضو هیات امنای ندا رایانه و مسئول انجمن فن‌آوری در مجلس شورای اسلامی
- در دوره‌های چهارم و پنجم
- عضو ستاد تفسیر
- دادستان کل کشور از مرداد ۱۳۸۲ تا شهریور ۱۳۸۸
- رئیس کنگره شیخ بهایی در ۳ سال متوالی
- رئیس کنگره جاودان‌های تاریخ (سالگرد ۷۲ تن) در سال ۱۳۸۸
- عضو کمیته سه نفره بررسی وقایع پس از انتخابات سال ۱۳۸۸
- عضو مجلس خبرگان رهبری از اسفند ۱۳۹۴ تا کنون
- نماینده ولی فقیه در استان مرکزی و امام جمعه اراک با حکم سید علی خامنه‌ای از ۱۰ مهر ۱۳۸۸ تا کنون^۱

^۱ دری نجف‌آبادی نماینده ولی فقیه در استان مرکزی و امام جمعه اراک شد، خبرگزاری مهر، ۱۰ مهر ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FBf2Jc>

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. در مقام وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی ایران

۱.۱. قتل‌های سیاسی روشنفکران و دگراندیشان

قربان‌علی دری نجف‌آبادی به عنوان وزیر اطلاعات در سال ۱۳۷۷ در وقوع قتل‌های سیاسی روشنفکران و دگراندیشان «موسوم به قتل‌های زنجیره‌ای» نقش مؤثر داشته است. او در تاریخ ۲۱ بهمن ۱۳۷۷ در پی افشای قتل‌های سیاسی روشنفکران و دگراندیشان استعفا کرد.

محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، اعضای کانون نویسندگان ایران، و داریوش فروهر و پروانه اسکندری، رهبران حزب ملت ایران، ۴ قربانی قتل‌های سیاسی روشنفکران و دگراندیشان پاییز ۱۳۷۷ در تهران^۱ هستند. وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که گروهی از کارکنان «خودسر» این وزارتخانه در قتل این ۴ منتقد و دگراندیش دست داشته‌اند. قتل محمد شریف، نویسنده و مترجم و از اعضای دفتر تدوین مجموعه آثار علی شریعتی، که ۹ آذر ۱۳۷۷ ناپدید و جسد او در ۱۶ آذر همان سال در پزشکی قانونی پیدا شد و همچنین پیروز دوانی که سوم شهریور همان سال مفقود شد و هرگز اثری از او پیدا نشد از سوی جمهوری اسلامی جزء پرونده قتل‌های سیاسی روشنفکران و دگراندیشان محسوب نشد.

پرستو فروهر، فرزند داریوش فروهر و پروانه اسکندری، که پرونده قتل‌های سیاسی روشنفکران و دگراندیشان را در شعبه یک دادگاه نظامی تهران خوانده است، می‌گوید: «آقای دری نجف‌آبادی به عنوان وزیر وقت اطلاعات نه تنها مسئول رسمی ارگانی بود که افرادی از درون آن چنین جنایت‌هایی را انجام دادند و او به لحاظ سازمانی مسئولیت داشت بلکه در درون پرونده بارها از سوی متهمان به ویژه دو متهمی که به عنوان متهم ردیف اول و دستوردهنده مطرح شدند، نام او مطرح شده است. آن‌ها خیلی واضح با آوردن شواهد و مدارک گفتند که دستور دهنده، وزیر وقت، آقای دری نجف‌آبادی بوده ولی در مورد ایشان پیگیری صحیح قضائی انجام نشد.»^۲

^۱ چهره‌های پرونده قتل‌های زنجیره‌ای چه می‌کنند؟، فرشته قاضی، بی‌بی‌سی فارسی، ۲۲ نوامبر ۲۰۱۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.bbc.com/persian/iran-features-38064804>

^۲ همان.

به گفته وی «از دری نجف‌آبادی صرفاً پرسش‌هایی در چند نوبت شده بود ولی آن چیزی که برای خواندن به دست ما دادند، فقط چند برگ مختصر بود که صرفاً ایشان نقش خودشان را نفی کرده بودند ولی هیچ پرسشی که ایشان را مواجه کند با تمام شواهد و مدارکی که دیگر متهمان ارائه می‌دادند مبنی بر این که ایشان دستور قتل‌ها را داده، وجود نداشت.»

عبدالکریم لاهیجی در این باره می‌گوید: «هم کاظمی و هم عالیخانی که از مدیرکل‌های وزارت اطلاعات بودند در بازجویی‌هایشان گفتند که حکم شرعی قتل‌ها را وزیر اطلاعات که دری نجف‌آبادی بود، صادر کرد.»^۱

در حالی که جمهوری اسلامی بعد از علنی شدن قتل‌های سیاسی روشنفکران و دگراندیشان در رسانه‌ها در تلاش بود که آن را به ماجراجویی عوامل خودسر و قتل فروورها، پوینده و مختاری در آذرماه ۱۳۷۷ محدود کند، روزنامه سلام در گزارش مفصلی به تاریخ دوم تیرماه ۱۳۷۸ تعداد افراد به‌قتل‌رسیده توسط وزارت اطلاعات را ۷۰ تن اعلام کرد. هیچ‌گونه روایت رسمی از قتل دکتر احمد تفضلی، حسین برازنده و ابراهیم زال‌زاده و ده‌ها نفر دیگر که گفته می‌شود در دهه ۷۰ از سوی وزارت اطلاعات به قتل رسیدند وجود ندارد. پرونده این قتل‌ها بدون دادخواهی و رسیدگی قانونی بی‌سرانجام مانده است.

۲. در مقام دادستان کل جمهوری اسلامی ایران

۲.۱. پرونده (زیبا) زهرا کاظمی

قربان‌علی دری نجف‌آبادی به‌عنوان دادستان کل کشور با خودداری از انجام مسئولیت قانونی خود مبنی بر پیگیری قتل زیبا(زهرا) کاظمی و کشف دلایل و عوامل این موضوع مرتکب نقض حقوق بشر شده است.

زهرا کاظمی، عکاس ایرانی- کانادایی، در روز دوم تیر سال ۱۳۸۲ بدون ارائه دلیل از سوی ماموران دادستانی تهران به ریاست مرتضوی، در حال تهیه عکس از تجمع خانواده بازداشت‌شدگان مقابل زندان اوین بازداشت شد. او بدون استناد به هیچ مدرک و بدون طی هیچ‌گونه روند قانونی به جاسوسی متهم شد و در

^۱ مروری بر قتل‌های زنجیره‌ای پس از هفت سال: بخش هشتم، دری نجف‌آبادی وزیر اطلاعات استعفا می‌دهد، رادیو فردا، ۸ آذر ۱۳۸۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.radiofarda.com/a/314099.html>

حالی که مجوز فعالیت در ایران را دریافت کرده بود^۱ از سوی دادستانی اعلام شد که چنین مجوزی نداشته است. زهرا کاظمی ۴ روز بعد در بیمارستان دچار مرگ مغزی شد که تا روز ۱۹ تیرماه علی‌رغم مرگ مغزی در دستگاه تنفس مصنوعی نگه‌داری می‌شود و پس از این تاریخ مرگ او اعلام می‌شود. شهادت شهرام اعظم، پزشک اورژانس بیمارستان بقیه‌الله، که زهرا کاظمی را معاینه کرده است حاکی از آثار شکنجه، ضرب و شتم شدید، وجود شکستگی‌های متعدد و آسیب جدی به جمجمه اوست. این پزشک همچنین گفته است که به زهرا کاظمی پیش از مرگ تجاوز شده است.^۲

در دادگاهی که برای رسیدگی به این پرونده تشکیل شد فردی به نام احمدی که از کارمندان رده‌پایین وزارت اطلاعات بود به قتل شبه‌عمد متهم شد. او بعداً از این اتهام تبرئه شد و در حکم دادگاه ذکر شد که احتمالاً مرحوم کاظمی به علت افت قند خون ناشی از اعتصاب غذا افتاده است و ضرب‌دیدگی او ناشی از این امر است.^۳

دری نجف‌آبادی در ۲ مهرماه ۱۳۹۵ در سخنرانی‌ای در خمینی‌شهر این حادثه را «غفلت بعضی افراد» دانست و سعی کرد خود را از آن مبرا کند: «در زمانی که دادستان کل کشور بודم بر اثر غفلت بعضی از افراد یک خانم بر اثر حادثه‌ای فوت و این موضوع موجب قطع رابطه دولت کانادا با ایران شد. دولت کانادا بر اثر همین غفلت، علیه نظام ما کارشکنی زیادی کرد.» او در ادامه کشته‌شدن زهرا کاظمی را یک «اشتباه» توصیف کرد، اشتباهی که «آثار سوء زیادی به همراه دارد و ممکن است از یک‌سو برای کشور و نظام زحمت ایجاد کند و از دیگرسو، موجب استفاده سوء دشمنان شود.»^۴

^۱ گزارش کمیته ویژه درباره پی‌گیری موضوع مرگ زهرا کاظمی، روزنامه همشهری، ۳۰ تیر ۱۳۸۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2VTnQjd>

^۲ پزشک ایرانی: زهرا کاظمی مورد شکنجه و تجاوز قرار گرفته بود، بی بی سی، ۱۱ فروردین ۱۳۸۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bbc.in/2FraA0c>

^۳ مصونیت از مجازات در ایران: مرگ خبرنگار عکاس، زهرا کاظمی، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، ۲۰ بهمن ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Cky2IC>

^۴ دری نجف‌آبادی: توبه مرتضوی دیگر اثری ندارد، دویچه‌وله، ۲ مهر ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2HIQxIM>

۲.۲. مشارکت در نقض حقوق و بازداشت بهائیان

قربان‌علی دری نجف‌آبادی در مقام دادستان کل کشور در نقض حقوق شهروندان بهائی، بازداشت و ایجاد محدودیت برای آن‌ها نقش داشته است. در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷ شش تن از اعضای هیاتی به نام «یاران» به نام‌های فریبا کمال‌آبادی، جمال‌الدین خانجانی، عفیف نعیمی، سعید رضایی، بهروز توکلی و وحید تیزفهم، که اداره امور بهائیان را بر عهده داشتند، در یورش همزمان نیروهای امنیتی به منازل‌شان در تهران دستگیر شدند و به زندان اوین منتقل شدند. همچنین یکی از آنان به نام مهوش ثابت پیشتر در اواسط اسفند ۱۳۸۶ در مشهد بازداشت شده بود.

در ۲۳ بهمن ۱۳۸۷ دادسرای امنیت تهران اعلام کرد که ۷ تن از بهائیان دستگیر شده به اتهام جاسوسی برای اسرائیل، توهین به مقدسات و تبلیغ علیه نظام محاکمه خواهند شد. در پی آن قربان‌علی دری نجف‌آبادی فعالیت بهائیان را غیرقانونی اعلام کرد. او در ۲۷ بهمن‌ماه ۱۳۸۷ در نامه‌ای خطاب به غلامحسین محسنی اژه‌ای، وزیر اطلاعات، با اشاره به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که داشتن هر عقیده‌ای را برای افراد آزاد می‌داند گفته بود: «داشتن یک عقیده و مرام، آزاد ولی اعلان و ابراز آن به منظور تحریف افکار دیگران، جریان‌سازی و یا تبلیغ و تظاهر به قصد اغواگری و تشویش اذهان دیگران و عناوین مشابه مجاز نخواهد بود... مستندات، امارات و قرائن به‌دست‌آمده حاکی از آن است که تشکیلات مذکور [بهائیت] با دشمنان خارجی ملت ایران در ارتباط مستقیم بوده، دارای پیوندهای دیرینه و مستحکمی با رژیم صهیونیستی است و در ایران نیز به جمع‌آوری اطلاعات و فعالیت‌های نفوذی و تخریب پایگاه‌های اعتقادی مردم مبادرت می‌نمایند... تشکیلات فرقه ضاله بهائیت در تمامی رده‌ها غیرقانونی و غیررسمی بوده و وابستگی آن‌ها به اسرائیل و ضدیت آن‌ها با اسلام و نظام اسلامی محرز و خطر آن‌ها برای امنیت ملی مدلل و مستند است و لازم است با هر نوع تشکیلات جایگزین نیز که در حکم بدل از اصل عمل نمایند، طبق مقررات برخورد شود.»^۱

^۱ فعالیت‌های فرقه ضاله بهائیت غیرقانونی و ممنوع است، خبرگزاری فارس، ۲۷ بهمن ۱۳۸۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RqfaSN>

۲.۳. مشارکت در سرکوب اعتراضات پس

از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸

قربان‌علی دری نجف‌آبادی به عنوان دادستان کل جمهوری اسلامی در برخوردهای خشونت‌آمیز با اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، برگزاری دادگاه‌های نمایشی بعد از اولین دوره اعتراضات و انتقال بازداشت‌شدگان به کهریزک و کشتار و شکنجه آن‌ها نقش مؤثر داشته است.

پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم در سال ۱۳۸۸ در ایران که اعتراضات بسیاری به نتایج آن صورت گرفت، موجی از دستگیری‌ها و برخوردهای خشن با اعتراضات در ایران آغاز شد. در شب ۲۴ و بامداد ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ و پیش از تظاهرات گسترده مردم به نتایج انتخابات، نیروهای امنیتی به کوی دانشگاه حمله کردند و به ضرب و شتم دانشجویان پرداختند. اگرچه بسیاری از معترضان شناخته‌شده به زندان اوین منتقل شدند، وضعیت برای معترضان گمنام در خیابان‌ها بسیار سخت‌تر بود. بسیاری از آن‌ها بعد از دستگیری به مکان‌هایی چون سوله کهریزک منتقل می‌شدند.

در حالی که گزارش‌هایی درباره بدرفتاری با بازداشت‌شدگان و آزار روحی و جسمی آن‌ها منتشر شده بود، دری نجف‌آبادی کاربرد روش‌های غیرمعارف و غیرقانونی را برای گرفتن اعتراف از آن‌ها رد کرد و درباره اعتراف‌های بازداشت‌شدگان در دادگاه نمایشی گفته بود: «اعتراف‌هایی که متهمان دستگیرشده در زمینه رویدادهای پس از انتخابات، اخیراً در دادگاه بیان کردند خلاف رویه قانونی نبود و نکته مبهمی در آن دیده نمی‌شود.» او در ادامه گفته بود: «تا آن‌جا که ما در بازداشتگاه‌ها حضور داشتیم نمی‌توانیم بگوییم که این اعترافات بر خلاف رویه معارف و قانونی صورت گرفته است... این اعتراف‌ها به تنهایی مبنای قضاوت دادگاه نخواهد بود و قاضی بر اساس محتوای پرونده‌ها تصمیم خواهد گرفت.»^۱

۲.۴. وقایع بازداشتگاه کهریزک

قربان‌علی دری نجف‌آبادی به عنوان دادستان کل جمهوری اسلامی در بازداشت، انتقال، شکنجه و قتل بازداشت‌شدگان پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ نقش داشته است.

^۱ دری نجف‌آبادی: اعتراف‌ها قانونی بود، بی بی سی، ۱۵ مرداد ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی <https://bbc.in/2SUNOAZ> اینترنیتی.

در ۱۸ تیرماه ۱۳۸۸ نیروی انتظامی جمهوری اسلامی تعداد زیادی از معترضان را که مقابل دانشگاه تهران تجمع کرده بودند دستگیر و آنان را به بازداشتگاه کهریزک منتقل کرد. فقط چند روز پس از انتقال این بازداشت‌شدگان به کهریزک محسن روح‌الامینی، امیر جوادفر و محمد کامرانی بر اثر ضرب و جرح و بدرقتاری به قتل می‌رسند. رامین قهرمانی و احمد نجاتی کارگر نیز، به فاصله کوتاهی پس از آزادی از کهریزک، بر اثر جراحات دوران بازداشت در گذشتند.

در تاریخ ۵ آذرماه ۱۳۸۸ در قرار نهایی بازپرس دادسرای نظامی به موارد شکنجه در کهریزک اشاره شده است. مواردی از جمله این‌که متهمان در بدو ورود به بازداشتگاه لخت مادرزاد شده‌اند و با زندانیان "اراذل و اوباش" در یک بند قرار می‌گرفته‌اند، برخی از آنان به صورت وارونه آویزان شده‌اند یا مانند حالت سنگسار در خاک دفن و ساعت‌ها بدون آب و غذا به حال خود رها شده‌اند. ضرب و شتم با لوله آب، نگهداری ۱۶۰ نفر در یک فضای ۶۵ متری، در حالی که ۳۷ نفر از آنان متهمان موسوم به اراذل و اوباش بودند که خود در آزار سایرین نقش داشته‌اند، فضای بسته‌ای که فقط سه دریچه کوچک منبع ورود هوا به آن بوده است، وجود دو دستشویی برای کلیه زندانیان که یکی خراب و دیگری فاقد در بوده، نبود حمام، غذای اندک و نبود بهداشت از دیگر شرایط این بازداشتگاه بوده است.

دری نجف‌آبادی در ۲ مهرماه ۱۳۹۵ در سخنرانی‌ای در خمینی‌شهر با این ادعا که سال ۱۳۸۸ دستور داده است زندانیان به بازداشتگاه کهریزک منتقل نشوند گفت که مرتضوی «خودسرانه و یا غیرخودسرانه» دستور انتقال زندانیان به این بازداشتگاه را صادر کرده است. این موضع‌گیری تلویحاً حاکی از آن است که مقامات قضائی و انتظامی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۸ از وضعیت بد و ناهنجار کهریزک اطلاع داشته‌اند و طبیعتاً با علم به این وضعیت معترضان را به این مکان منتقل کرده‌اند.^۱

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در ۲۳ فروردین ۱۳۹۰ (۱۳ آوریل ۲۰۱۱)، ۳۲ مقام ایرانی از جمله قربان‌علی دری نجف‌آبادی را به دلیل نقشی که در نقض گسترده و شدید حقوق

^۱ دری نجف‌آبادی: توبه مرتضوی دیگر اثری ندارد، دوپچه‌وله، ۲ مهر ۱۳۹۵، قابل دسترسی در

نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2HIQxIM>

شهروندان ایرانی داشته‌اند از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه دارایی‌های این مقامات نیز در اروپا توقیف خواهد شد. در بیانیه اتحادیه اروپا آمده است: «قربان‌علی دری نجف‌آبادی به عنوان دادستان کل کشور مسئول برگزاری دادگاه‌های نمایشی بعد از اولین دوره اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ بود. در این دادگاه‌ها متهمان از حقوق خود و داشتن وکیل محروم بودند. او همچنین در جنایات کهریزک نقش داشته است.»^۱

¹ COUNCIL REGULATION (EU) No 359/2011 of 12 April 2011, Available at: <https://bit.ly/2AOHhAH>



علی رازینی

رئیس شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور

متولد دوم خرداد ۱۳۳۲ در شهرستان رزن همدان؛ او تحصیلات حوزوی دارد.^۱

مسئولیت‌ها

- قاضی دادگاه انقلاب اسلامی تهران از ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰
- قاضی دادگاه انقلاب در شهر بجنورد ۱۳۶۰
- ریاست دادگاه انقلاب در شهر مشهد از ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۳
- دادستان انقلاب تهران بعد از اسدالله لاجوردی از دی‌ماه ۱۳۶۳ تا احتمالاً ۱۳۶۵
- رئیس عقیدتی سیاسی سپاه در سال ۱۳۶۶
- حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت از ۲۵ خرداد ۱۳۶۶^۲ تا ۱۶ خرداد ۱۳۹۱^۳
- ریاست سازمان قضائی نیروهای مسلح کشور از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۲
- ریاست دادگاه ویژه رسیدگی به تخلفات جنگ در سال ۱۳۶۷
- ریاست دانشکده علوم قضائی از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۳
- ریاست کل دادگستری استان تهران از ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۸
- معاونت اجرایی دیوان عالی کشور احتمالاً از ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۳
- رئیس دیوان عدالت اداری از سال ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۸

^۱ همدان‌پرس، بیوگرافی جناب آقای آیت‌الله علی رازینی، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://www.hamedanpress.ir/?p=election&i=1&e=205>

^۲ حکم انتصاب آقای علی رازینی به سمت حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت، پرتال امام خمینی،

۲۵ خرداد ۱۳۶۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Cm4Wsf>

^۳ رئیسی و منتظری جایگزین رازینی و سلیمی می‌شوند، خبرگزاری فارس، ۱۶ خرداد ۱۳۹۱.

قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2DbEN0X>

- نماینده همدان در مجلس خبرگان رهبری^۱ از ۱۳۸۵ تا خرداد ۱۳۹۵
- معاون حقوقی و قضائی قوه قضائیه از ۲۸ مرداد^۲ ۱۳۸۸ تا شهریور ۱۳۹۳^۳
- عضو شورای نمایندگان رهبری در دانشگاه‌های کشور با حکم مستقیم سید علی خامنه‌ای
- عضو هیأت امنای مرکز علوم اسلامی خاوران (جامعه الزهرا) با حکم سید علی خامنه‌ای
- عضو هیأت مؤسس دانشکده معارف وابسته به جامعه الزهرا
- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران
- عضو هیأت مؤسس دانشگاه پیام نور رزن، همدان
- هم‌اکنون، رئیس شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. سرکوب مخالفان سیاسی جمهوری اسلامی در دهه شصت

۱.۱. بازداشت، شکنجه، حبس و اعدام زندانیان سیاسی در بجنورد

در سال ۱۳۶۰ و با شدت گرفتن سرکوب سازمان‌های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی، علی رازینی به شهر بجنورد در شمال استان خراسان منتقل شد و به عنوان قاضی دادگاه انقلاب بجنورد احکام سنگینی را برای متهمان به همکاری با این گروه‌ها و به‌خصوص احکام اعدام برای وابستگان به گروه مجاهدین خلق صادر کرد.^۴

۱.۲. بازداشت، حبس و اعدام زندانیان سیاسی در مشهد

در پی موفقیت علی رازینی در سرکوب گروه‌های سیاسی منتقد جمهوری اسلامی در بجنورد، او در سال ۱۳۶۰ به عنوان حاکم شرع و قاضی دادگاه انقلاب مشهد

^۱ نظارت خبرگان به معنای نظارتی که مجلس بر دولت انجام می‌دهد، نیست، خبرگزاری فارس،

۲۷ آذر ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی، <https://bit.ly/2FA5DS3>

^۲ انتصابات جدید در قوه قضائیه، همشهری آنلاین، ۲۸ مرداد ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی

اینترنتی: <https://bit.ly/2CpQ7Vu>

^۳ تودیع و معارفه معاون حقوقی قوه قضائیه برگزار شد، باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۸ شهریور

۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2VTJnIr>

^۴ داعش و منافقین فرقی ندارند/ هوانیروز یک شبه کار ۱۰۰ سال دادگاه انقلاب را کرد/ این‌قدر شهادت داشتیم که هرکس اعدام شد زیر حکمش را امضا کردیم/ به گذشتهام افتخار می‌کنم،

خبرگزاری فارس، ۱۹ مرداد ۱۳۹۵، <https://bit.ly/2CrOmai>

منصوب شد و احکام اعدام زیادی را صادر کرد. به شهادت بسیاری از بازماندگان محاکمه‌های رازینی در چند دقیقه انجام می‌شد؛ دقایقی که تعیین‌کننده مرگ یا زندگی متهم بود.

در هفته اول دی‌ماه ۱۳۶۰ چندین زن جوان در زندان وکیل‌آباد مشهد اعدام شدند. بلافاصله پس از این اعدام‌ها برخی از خانواده‌های دختران اعدامی به نزدیکان‌شان گفتند که پیش از اعدام به دختران آن‌ها تجاوز شده است.^۱ شواهدی که عدالت برای ایران از نزدیکان سه تن از دختران اعدام‌شده، سیما مطلبی، ماندانا و میترا مجاوریان به دست آورده است نشان می‌دهد که آن‌ها در دادگاه‌های چند دقیقه‌ای و بدون داشتن وکیل، محاکمه و به اعدام محکوم شده بودند. یکی از ماموران (پاسداران) زندان چند روز پس از اعلام خبر اعدام ماندانا و میترا مجاوریان به منزل خانواده‌های آن‌ها مراجعه کرد و با دادن گل و شیرینی اعلام کرده بود که برادران پاسدار پیش از اعدام با دختران آن‌ها ازدواج کرده‌اند. سیما مطلبی نیز بر روی پای خود نوشته بود که به من تجاوز شده است.

بر اساس شهادت دو تن از زندانیان سیاسی^۲ که یکی از آن‌ها در شهریور سال ۱۳۶۰ و دیگری در دی‌ماه ۱۳۶۰ محاکمه شده‌اند، در تمام دوران شهریور تا اواخر دی‌ماه، علی رازینی حاکم شرع بود و کلیه احکام اعدام زنان جوان به دست او صادر شده بود و مصطفی پورمحمدی در مقام دادستان انقلاب استان بر تمامی این اعدام‌ها نظارت داشته است.

۱.۳. شکنجه و مجازات‌های

حبس و اعدام برای زندانیان سیاسی در تهران

علی رازینی در سال ۱۳۶۳ و به دنبال برکناری اسدالله لاجوردی از سمت دادستانی دادگاه انقلاب تهران، به عنوان جانشین او در این سمت منصوب شد. بر اساس

^۱ لحظه‌های آخر، عدالت برای ایران، ۵ تیر ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.youtube.com/watch?v=zAAHiMvVYuw>

^۲ جنایت بی‌عقوبت شکنجه و خشونت جنسی علیه زندانیان سیاسی زن در جمهوری اسلامی گزارش اول: دهه ۶۰، انتشارات عدالت برای ایران، ۱۹ آذر ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی

اینترنتی: <https://bit.ly/2ROuVCm>

شهادت زندانیان سیاسی^۱، شکنجه و اعدام مخالفان و زندانیان سیاسی در دوره دادستانی رازینی به طور مستمر دنبال می‌شده است. رازینی طی مصاحبه‌ای با رادیو گفت‌وگو تصریح می‌کند که او به عنوان دادستان، دنباله‌روی روش اسدالله لاجوردی، دادستان انقلاب تهران در اوایل دهه شصت، بوده است. او می‌گوید: «مرحوم شهید لاجوردی آدم بسیار سرسخت و قاطعی بود و طبعاً سیاست‌های کلی نظام را که مورد تأیید امام بود، عمل می‌کرد و نظرات انتقادی آقای منتظری خیلی تأثیر در ایشان نداشت. ایشان به شورای عالی قضائی فشار آورده بودند که آقای لاجوردی عوض بشود و فرد دیگری را که مورد نظر ایشان بود، به عنوان دادستان تعیین کنند. من در جریان رازینی‌های پشت پرده آن‌ها نیستم، اما همین‌قدر می‌دونم که آن‌ها در اصل تعویض تحت تأثیر این مسأله واقع شدند و قبول کردند اما آن فرد مورد نظر ایشان را قرار ندادند. فردی را قرار دادند که از همین قماش مرحوم شهید لاجوردی باشد و سیاست‌های حضرت امام و برخورد قاطع با مجرمین و گروهک‌ها را به‌خصوص داشته باشد. بنابراین من را از مشهد خواستند و این پیشنهاد را به من دادند.»^۲

۲. ریاست بر دادگاه ویژه روحانیت،

صدور حکم اعدام و حبس برای روحانیون منتقد

علی رازینی به عنوان ریاست دادگاه ویژه روحانیت از خرداد ۱۳۶۶ تا خرداد ۱۳۹۱، نقش مؤثری در سرکوب روحانیون دگراندیش و منتقد نظام جمهوری اسلامی داشته است. علی رازینی با صدور حکم اعدام برای مهدی هاشمی^۳ از قضات دادگاه تجدید نظر محسن کدیور نیز بود که حکم یک و سال نیم حبس به جرم تبلیغ علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی و نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی را در سال ۱۳۷۸

^۱ دهه ۶۰؛ چهار ادعا و واکنش شماری از زندانیان سیاسی پیشین، بی بی سی، ۲۴ مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.bbc.com/persian/40860455>

^۲ این مصاحبه دیگر روی وبسایت رادیو گفت‌وگو قابل دسترسی نیست اما در این نشانی اینترنتی می‌توانید به آن گوش کنید: <https://bit.ly/2FQsKIP>

^۳ ناگفته‌هایی از پرونده سید مهدی هاشمی/ باندی که امام آنان را «فوق محارب» می‌دانست، خبرگزاری فارس، ۱ دی ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2stX7MC>

صادر کرد.^۱ وی همچنین در مقام قاضی، حسن یوسفی اشکوری^۲ را به ۷ سال زندان محکوم کرد و در پاسخ به اعتراض او مبنی بر تفتیش عقاید، گفته بود: «ما اینجا نشستیم که تفتیش عقاید کنیم!»^۳

۳. صدور و اجرای حکم سنگسار

علی رازینی، به عنوان ریاست سازمان قضائی نیروهای مسلح، در آبان ماه ۱۳۷۰ برای ۳ تن از پرسنل نیروی انتظامی حکم سنگسار صادر کرده است. ستوان سوم ناجا، رشید علائی، استوار یکم ناجا، علی اصغر ضابطی، به اتهام «تجاوز به عنف»، «شرکت در بازداشت غیرقانونی»، «یجاد جو بدبینی نسبت به نیروهای مسلح» و «لغو دستور» به سنگسار محکوم شدند. فیلم این سنگسار بعدها به صورت گسترده در اینترنت پخش شد، در حالی که مراسم با ابلاغ حکم و با نام بردن از علی رازینی به عنوان رای‌دهنده و در حضور وی و پرسنل نیروی انتظامی اجرا می‌شود.^۴

۴. مشارکت در سرکوب اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال

۱۳۸۸ و حصر میرحسین موسوی، زهرا رهنورد و مهدی کروبی

علی رازینی به عنوان معاون حقوقی قوه قضائیه در سرکوب اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ و حصر رهبران این اعتراضات (مهدی کروبی، میرحسین موسوی و زهرا رهنورد) مشارکت داشته است. او طی سخنانی در ۲۸ بهمن ۱۳۸۹، دو روز پس از آخرین فراخوان میرحسین موسوی به حضور خیابانی مردم در حمایت از مردم مصر و تونس، که منجر به

^۱ متن حکم دادگاه تجدیدنظر، وبسایت محسن کدیور، ۵ تیر ۱۳۷۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://kadivar.com/?p=1092>

^۲ دادگاه ویژه روحانیت حسن یوسفی اشکوری، روحانی نواندیش را به هفت سال حبس محکوم کرد، رادیو فردا، ۲۲ مهر ۱۳۸۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.radiofarda.com/a/1137811.html>

^۳ اسناد کنفرانس برلین - لایحه دفاع از اتهامات کیفرخواست، وبسایت حسن یوسفی اشکوری، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://yousefieshkevari.com/?p=1816>

^۴ Horrors of stoning captured on film. Washington Times, December 9, 2002, <https://bit.ly/2FDSY0a>

حبس خانگی او تا به امروز شده است، با تأکید بر محاکمه موسوی و کربوی گفت: «قوه قضائیه برای محاکمه افراد وظایف مختلفی دارد که یکی از آنها دستگیری و بازداشت است اما مردم بدانند که قوه قضائیه از وظیفه خود برای محاکمه سران فتنه [اعتراضات به انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸] عدول نخواهد کرد و در زمان مناسب این افراد را محاکمه خواهد کرد.»^۱

^۱ دادستان کل کشور: سران فتنه قطعاً محاکمه می شوند، روزنامه ایران، ۲۸ بهمن ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2243848>



داوود رحمانی

داوود رحمانی معروف به حاج داوود، متولد سال ۱۳۲۴ در خیابان شهباز (هفده شهریور) در شرق تهران است.^۱ او که در حوالی همان محل تولد خود به آهنگری اشتغال داشت^۲ پس از انقلاب وارد کمیته انقلاب شد و سپس به واسطه آشنایی با لاجوردی، دادستان وقت تهران، به ریاست زندان قزل‌حصار رسید. وی در تابستان ۶۳ و پس از برکناری اسدالله لاجوردی در اثر فشارهای سیاسی مختلف برکنار شد و بعدها به کار سابق خود در بازار تهران بازگشت؛ برخی از شنیده‌های تأیید نشده حاکی از این است که وی به دلیل بیماری در حال حاضر خانه‌نشین است.

مسئولیت‌ها

- رئیس زندان قزل‌حصار کرج از تابستان ۱۳۶۰ تا تیر ۱۳۶۳

برخی از موارد نقض حقوق بشر

حاج داوود رحمانی به عنوان رئیس زندان قزل‌حصار در اوایل دهه ۶۰ در اعدام، حبس و شکنجه زندانیان نقش موثری داشته است.

^۱ مصاحبه با حاج داوود رحمانی، نشریه "رجعت": نشریه داخلی زندان قزل‌حصار، سال اول، شماره اول، احتمالاً نیمه دوم سال ۱۳۶۰.

^۲ سیبا معمار نوبری، از شاهدان عدالت برای ایران و از زندانیان زندان قزل‌حصار، پس از زندان و عزل حاج داوود از ریاست قزل‌حصار به ملاقات او در آهنگری رفته است. سیبا در آبان‌ماه ۱۳۶۰ دستگیر می‌شود و تا زمان آزادی‌اش در زندان‌های قزل‌حصار، اوین و کمیته مشترک بوده است. سیبا در شهریور ۱۳۶۴ در حالی آزاد می‌شود که حکم او ۱۲ سال بوده است اما به دلیل پیوستن او به جرگه توابعین بعد از ۴ سال و ۱۰ ماه، عفو و آزاد می‌شود.

۱. شکنجه‌های عمومی

دوران ریاست حاج داوود در زندان قزل حصار به دوران وحشت معروف است. حاج داوود رحمانی که در فاصله تابستان ۱۳۶۰ تا تیرماه ۱۳۶۳ با حکم اسدالله لاجوردی، رئیس سازمان زندان‌های تهران، رئیس زندان قزل حصار بود و قدرت مطلقه‌ای در اعمال شکنجه بر زندانیان سیاسی در این زندان داشته است، روش‌های گوناگونی را برای شکنجه زندانیان به کار گرفته است که برخی از آن‌ها (مانند قبرها یا دستگاه‌ها) در شکل و گستردگی اجرا منحصربه‌فرد بوده‌اند.^۱

حاج داوود در سال ۱۳۶۲ شیوه شکنجه قبر (یا همان قیامت، تخت، تابوت، جعبه، دستگاه) را ابداع می‌کند. روشی که در آن زندانی باید در میان تخته‌های نئوپان که از سه طرف او را احاطه کرده‌اند (به طول ۲ متر و عرض و ارتفاع حدود ۸۰ سانتیمتر) با چشم‌بند و در سکوت مطلق - که در هنگام غذا خوردن هم نمی‌بایست صدای برخورد قاشق با ظرف به گوش می‌رسید - به صورت مستمر و بدون هیچ‌گونه تماسی با سایر زندانیان در یک حالت می‌نشست. این شکنجه طاقت‌فرسا که عمدتاً روی زندانیان سیاسی زن اعمال می‌شد، بسته به مقاومت زندانی ادامه می‌یافت تا زمانی که مقاومت او بشکند و حاضر به اعلام انزجار علیه گروه و دوستان خود بشود. این شکنجه برای زندانیان مقاوم‌تر آن قدر ادامه دارد که بسیاری از قربانیان آن سلامت روحی و روانی خود را برای همیشه از دست می‌دهند. در تمام مدت از بلندگوها سخنرانی‌های مذهبی، اذان، قرآن یا بعدترها مصاحبه افرادی که بریده بودند پخش می‌شود. در این شکنجه، هدف تحت اختیار گرفتن تمامی حواس و تحرک زندانی و به طبع آن تمامی تفکر و اراده اوست و در حالی حس شنوایی زندانی این مطالب را دریافت می‌کند که حواس دیگر او کاملاً محدود می‌شود و تحت اختیار شکنجه‌گر است.

شهرنوش پاریسی‌پور، نویسنده ایرانی، از افرادی است که در بهار سال ۱۳۶۳ قیامت را تجربه کرده است. او در کتاب «خاطرات زندان» می‌نویسد که شخص حاج داوود به او می‌گوید باید به «دستگاه» برود، نامی که حاج داوود خود به

^۱ برای اطلاعات بیشتر در زمینه موارد نقض شدید حقوق بشر زندانیان سیاسی زن که از سوی حاج داوود رحمانی اعمال می‌شده است، رک. جنایت بی‌عقوبت شکنجه و خشونت جنسی علیه زندانیان سیاسی زن در جمهوری اسلامی گزارش اول: دهه ۶۰، عدالت برای ایران، ۱۹ دی ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://justice4iran.org/persian/other/13593/>

تخت‌ها داده است، زیرا که آن‌ها را دستگاه آدم‌سازی و یا تواب‌سازی می‌داند: «در هر گور یک زندانی، با چادر و چشم‌بند، رو به دیوار نشسته بود. زندانی نخست با فاصله‌ای از دیوار نشسته بود که حدود بیست سانتیمتر از آن فاصله داشت و زندانی بعدی در انتهای گور، با فاصله ۲ متر از دیوار نشسته بود و همین جریان تا انتهای دیوار ادامه داشت. بدین ترتیب زندانیان نسبت به هم یک زیگزاک را تشکیل می‌دادند.»^۱

شکنجه‌های ابداعی حاج داوود به دستگاه محدود نمی‌شود. فرزانه زلفی^۲، از شاهدان عدالت برای ایران، در طول دوران زندان خود در زندان قزل حصار که نزدیک به دو سال و نیم بود، مدت ۷ ماه را به همراه ۱۶ نفر دیگر، بدون هواخوری در توالت گذراندند. او یک سال و نیم اول زندان خود در قزل حصار را در بند ۴ و سپس در بند ۸ یا بند «مجرد» گذراند. بند مجرد متشکل از ۱۲ سلول سه تخته بود و در زمان زندانی‌شدن فرزانه حدود ۴۵۰ نفر، یعنی تقریباً در هر سلول ۴۰ نفر بدون امکان هواخوری و خروج از سلول - به جز روزی سه مرتبه برای رفتن به دستشویی - در بند بوده‌اند.^۳ در فروردین ۱۳۶۰ امتیازاتی از جمله حق هواخوری و بازشدن در سلول‌ها به زندانیان بند ۸ اعطا می‌شود؛ اما در مقابل زندانیان حق هواخوری دسته‌جمعی، روزنامه‌خواندن دسته‌جمعی و به قول حاج داوود هرگونه فعالیت «کمونی» را از دست می‌دهند.

در ۲۰ فروردین همان سال، فرزانه و حدود ۱۶ نفر دیگر به دلیل اتهاماتی از قبیل انجام فعالیت‌های گروهی به «زیر هشت»^۴ منتقل می‌شوند و آن‌ها را وادار می‌کنند تا ۳۶ ساعت سر پا بایستند. یک تواب یا پاسدار پشت سر آن‌ها کشیک می‌داد و در صورت خم‌شدن زانو‌ها یا تماس پیدا کردن با دیوار و... به آن‌ها لگد می‌زد. بعد

^۱ شهرنوش پاریسی‌پور، خاطرات زندان، ص. ۲۹۸، نشر باران سوند، ۱۹۹۶

^۲ فرزانه زلفی، که از شاهدان عدالت برای ایران است، در سن ۱۶ سالگی (۱۰ تیرماه سال ۱۳۶۰) و در دوران دانش‌آموزی به اتهام هواداری از اتحادیه کمونیست‌های ایران در مسجد سلیمان دستگیر می‌شود و تا اواخر سال ۱۳۶۴ در زندان‌های مسجد سلیمان (۲ ماه تیر تا ۲۸ مرداد)، قصر، قزل حصار، گوهردشت (از ۲۰ آبان ۱۳۶۲ به مدت ده ماه) و مسجد سلیمان (تا زمان آزادی) می‌گذراند.

^۳ همچنین اواخر پاییز سال ۱۳۶۰، حاج داوود حدود ۵۰۰ زندانی را در دو سلول ۱۸ نفره جا می‌دهد، به نحوی که بعد از چند ساعت حال عده‌ای بر اثر گرمای هوا به‌هم می‌خورد و بی‌هوش می‌شوند.

^۴ زیر هشت، بندی مجزا برای گذران آخرین روزهای زندانیان اعدامی در زندان است. اما در قزل حصار زیر هشت بند تنبیهی محسوب می‌شده است.

از ۳۶ ساعت بی‌خوابی این ۱۷ نفر با چادر و چشم‌بند به یک توالی منتقل می‌شوند. محلی که حاج داوود به آن «گاودانی» یا «بند لب آب» می‌گفت که متشکل بود از سه کابین توالی و یک راهروی بسیار باریک. این ۱۷ نفر به مدت ۷ ماه در این توالی‌ها قرنطینه می‌شوند، بدون دسترسی به همان حداقل اخباری که در گذشته از طریق برخی روزنامه‌ها یا اخبار تلویزیون دریافت می‌کردند یا حق هواخوری و با غذایی بخور و نمیر و یک پتو برای خواب. نقش و حضور مستقیم حاج داوود در تمام شکنجه‌های زندانیان نکته‌ای است که او را از سایر روسای زندان متمایز می‌کند. بعد از ۷ ماه این گروه به گوهردشت منتقل می‌شوند.

۲. شکنجه و خشونت جنسی علیه زندانیان زن

از نظر حاج داوود رحمانی قابل تصور نبود که زنی با دلایلی غیرجنسی و به دلیل داشتن تفکر و درک مستقل وارد مبارزه و فعالیت سیاسی شود. حاج داوود حساسیت ویژه‌ای درباره مصاحبه گرفتن از زنان داشت؛ به خصوص برای او مهم بود که زنان اعتراف کنند که با مردان تشکیلاتشان رابطه جنسی داشته‌اند. به شهادت تهمینه پگاه^۱ او زنی از جنم، یکی از روستاهای کردستان، را بعد از بردن در قبرها وادار کرد در مصاحبه‌ای اعلام کند که همیشه در پایگاه‌های کومه‌له قرص ضد بارداری وجود داشت. یا در شهادتی از مژده ارسی^۲ حاج داوود یک بار دختری را که شیشه‌های سالنی که سمت دیگرش مردان بوده‌اند پاک کرده بود را صدا می‌کند و او را به شدت کتک می‌زند زیرا معتقد بود او به قصد نشان دادن سینه‌هایش به مردان شیشه‌ها را پاک کرده است. در شهادت پروانه^۳ او بارها زنان زندانی را به جرم خندیدن به باد کتک و کابل و شلنگ گرفته بود، چون معتقد بود که آنان برای «حشری کردن» پاسداران مرد است که می‌خندند. حاج داوود زنان را تحقیر می‌کرد و آن‌ها را «زائده‌ای از مردان» می‌دانست و در تمام مصاحبه‌ها آن‌ها را مجبور می‌کرد اعتراف کنند که به قصد ایجاد روابط نامشروع وارد کار سیاسی شده‌اند.

^۱ تهمینه پگاه، از شاهدان عدالت برای ایران، به اتهام هواداری از اتحادیه مبارزان، سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰ را در زندان‌های اوین، گوهردشت و قزل حصار گذرانده است.

^۲ مژده ارسی، از شاهدان عدالت برای ایران، که سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۹ را در زندان اوین و قزل حصار سپری کرده است به اتهام هواداری از چریک‌های فدایی اقلیت دستگیر شده بود.

^۳ پروانه عزیزاده، از شاهدان عدالت برای ایران، مشکوک به هواداری از گروه پیکار بود و به این اتهام در سن ۲۳ سالگی و در شهریور ۶۰ بازداشت شد. او ۷ ماه را در زندان سپری کرد که ۳ ماه این دوران در اوین و ۴ ماه آن در قزل حصار گذشته است.

به شهادت میترا رضوی^۱ اصولاً زن بودن در قزل حصار یک شکنجه محسوب می‌شد و این به دلیل همین دید حاج داوود به آنان به عنوان یک عنصر دست دوم بود که به قول خود حاج داوود «تنها به درد یک کار می‌خوردند.» اصولاً حرف او به زنان توابع هم همیشه این بود که شما فقط باید پسر بزیاید و به جبهه بفرستید.

نیلوفر شیرزادی نیز در شهادتی نزد عدالت برای ایران می‌گوید: «تجربه شخصی من این بود که وقتی وارد قزل حصار شدم، لمپنیزم کاملاً آشکار در مقابل زنان زندانی را دیدم. به هر حال آن چیزی که در اوین آدم می‌دید این بود که از نظر آن‌ها در درجاتی، تو بالاخره ضد انقلاب یا مفسد فی‌الارض هستی. با تو به این عنوان برخورد می‌کردند. اما در قزل حصار به من حتی به عنوان ضد انقلاب و مفسد نگاه نمی‌کردند. اولین تماس ما با حاج داوود رحمانی به عنوان نماینده آن فرهنگ در زندان این بود که ما به عده‌ای بودیم که دنبال شوهر می‌گشتیم، توی خونه‌های تیمی می‌خواستیم غرایض جنسی رفقای مردمون رو مرتفع کنیم و حالا اونجا تو زندان بودیم. خیلی راحت بارها و بارها می‌گفت شما که می‌خواستین شوهر پیدا کنین خب راه‌های بهتری بود. یعنی حتی اون درجه‌ای که توی اوین ما رو به رسمیت می‌شناختند اینجا رسمیت نداشتیم.»

حاج داوود حساسیت خاصی روی زنان قذبلند، با چشمان رنگی، با عینک و تحصیلات بالا داشت و آنان را رهبران و خط‌دهندگان اصلی مقاومت در زندان به حساب می‌آورد و زودتر و بیشتر از دیگران آنان را تحت فشار و تنبیه قرار می‌داد.^۲ به شهادت فرزانه اگر از دختری خوشش می‌آمد و فکر می‌کرد او سربه‌زیر و محجوب است با او کاری نداشت، اما معتقد بود زنان عینکی، روشن‌فکر و کتاب‌خوان هستند و از آن‌ها بدش می‌آمد و اصولاً جرم زندانی برای او اهمیتی نداشت بلکه تقسیم‌بندی‌های خود او از افراد باعث می‌شد که آن‌ها مشمول کتک یا آزار او قرار بگیرند. او برای زندانیان نام‌های مستعار انتخاب می‌کرد و آنان را فقط به

^۱ میترا رضوی، یکی از شاهدان عدالت برای ایران، در فروردین ۱۳۶۱ به اتهام هواداری از حزب رنجبران دستگیر می‌شود. او تا اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۶۲ در زندان کمیته مشترک (توحید) زندانی بوده است و پس از آن تا زمان آزادی‌اش در سال ۱۳۶۹ در قزل حصار و سپس اوین بوده است.

^۲ شماره‌های شصت و هفت، مجموعه مقالات و خاطرات زندان مینا انتظاری، مرداد ۱۳۸۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

همان نام صدا می‌کرد، نام‌هایی که بعضاً بار جنسیتی و سکسیستی داشتند.^۱ پروانه علیزاده در شهادتش می‌گوید: «حاج داوود از من خیلی بدش می‌آمد. همیشه جزء کسانی که می‌آمد و انتخاب می‌کرد برای شکنجه، می‌گفت بیا برویم، بیا برویم، برای این که زهر چشم بگیرد، من بودم. علتش هم چشمان من بود. از چشم‌های سبز خیلی بدش می‌آمد. به من می‌گفت تو بچه شیطان هستی. شما از زادگان شیطان هستید. یعنی اگر حاج داوود می‌آمد من حق نداشتم توی چشم‌های حاج داوود نگاه کنم، سرم باید پایین بود، متنفر بود چشمان من را ببیند. یک دشمنی خاصی با این رنگ داشت.»

یکی از شکنجه‌هایی که در زندان قزل حصار عمومیت داشت، وارد آوردن ضربه به اندام تناسلی زنان زندانی بوده است. حاج داوود که زندانیان زن او را فردی درشت-هیكل با دست‌ها و پاهاى بزرگ توصیف کرده‌اند، خود شخصاً و نیز به طور جمعی با کارکنان مرد زندان قزل حصار کراراً و همراه با شکنجه‌ها و آزارهای دیگر از جمله آزارهای کلامی به اندام‌های تناسلی زنان زندانی ضربه وارد می‌کرده است.

در شهریور سال ۱۳۶۰، یکی دو ماه پس از آغاز دستگیری‌های گسترده فعالان سیاسی در سرتاسر ایران، از آن جایی که بیشتر شهرستان‌های کوچک زندانی برای زنان نداشتند، زنان زندانی را از این شهرستان‌ها به زندان قزل حصار در حومه شهر کرج و نزدیک تهران منتقل کردند. بیشتر این زنان در شهرهای خود محاکمه و محکوم به حبس شده بودند و برای گذراندن دوران حبس خود از بازداشتگاه‌های سپاه و کمیته در شهرستان‌ها به زندان قزل حصار منتقل می‌شدند.

فرزانه زلفی در شهادتش نزد عدالت برای ایران می‌گوید: «شهریور ۶۰ بود، ما بچه‌های شهرستان را تازه برده بودند آنجا. حدود سه چهار هزار نفر بودیم. راهروی طویلی بود که بندها را از هم جدا می‌کرد. آنقدر دراز بود که خودشان با دوپرخه از اول تا آخر آن می‌رفتند. ما را بردند آنجا و گفتند باید این مسیر را سینه‌خیز بروید... ما بینمان مادرهای مسن داشتیم که ناراحتی قلبی داشتند. یک دختر نه ساله به اسم فاطمه بین ما بود. خلاصه گفتند باید سینه‌خیز بروید و هیچ کس هم مستثنی نیست. می‌گفتند باید تمام مسیر را سینه‌خیز بروید و برگردید.

^۱ برای روشن شدن بار ضد زن این اسامی، عدالت برای ایران ناگزیر از ذکر این مثال است: نام‌هایی نظیر «کون‌گنده» که علی‌رغم اعتراض زندانیان، حاج داوود آن‌ها را فقط به این اسامی خطاب می‌کرده است.

بعد همانطور که می‌رفتیم و دیگر انرژی نداشتیم، مرتب هفت هفت تا پاسدار با پوتینشان می‌زدند وسط پای ما. خود من خونریزی کردم. بچه‌های دیگر هم همینطور. اصلاً دیگر نوار بهداشتی به همه بچه‌ها نمی‌رسید. فاطمه آنجا برای اولین بار پیرو شد... هنوز الان هم که دارم صحبت می‌کنم درد رو در بدنم احساس می‌کنم... یعنی تصور کن بیشتر از ۳۰۰ تا زن با چادر و چشم‌بند دارند توی یک راهرو سینه‌خیز می‌روند و به آن‌ها که آخر می‌مانند لگد می‌زنند و می‌گویند باید بروی جلو. مدام با پوتینشان می‌زدند وسط پای ما و می‌گفتند: سلیطه! یا فحش - هایی مثل این. من اولین بار بود که این جور فحش‌ها را می‌شنیدم. حاج احمد، معاون حاج داوود، یکی از کسانی بود که فحش می‌داد. باید این قدر سریع می‌رفتیم که به اول صف برسیم چون اگر آخر می‌ماندیم دوباره بهمان می‌زدند. اون مادری که گفتم و خیلی از بچه‌های دیگر قلبشان گرفت.»

فرزانه زلفی همچنین به یاد می‌آورد که یکی از کسانی که در سینه‌خیزها و بعد از آن بسیار کتک خورد، مینا توده روستا بود که چند روز بعد از آن اعدام شده است: «فردای آن روز ما را سر پا نگه داشتند و بی‌خوابی دادند. بی‌خوابی یکی از کارهای خیلی متداول‌شان بود و واقعاً تأثیر می‌گذاشت. بچه‌ها همه دچار حالت‌های روانی شده بودند... حاج داوود به بعضی‌ها گیر می‌داد. آن روز هم آمد و به مینا توده روستا و یک نفر دیگر گیر داد. ما یک سری این طرف بند و یک سری آن طرف بند، کنار سلول‌ها، ایستاده نگه داشته شده بودیم. حاج داوود مینا توده روستا را صدا کرد و آوردش وسط و شروع کرد به پشتش و توی باسنش لگدزدن؛ باسن مینا توده روستا کمی از روی مان‌تو برجسته بود [چون توی بند بودیم] چادر نپوشیده بود. فردایش هم گفتند وسایلش را جمع کند و برود. بعد هم شنیدیم که اعدام شد، در حالی که فقط یک سال حکم داشت... آن یکی هم که آن روز حاج داوود خیلی به باسنش زد، صورت و هیكل بسیار زیبایی داشت و جزو کسانی بود که حاج داوود به خاطر زیباییشان رویشان حساس بود و آزارشان می‌داد.»

مینا توده روستا، هوادار سازمان مجاهدین خلق، در هنگام دستگیری ۲۱ ساله و در یکی از روستاهای کرج معلم بوده است. فرزانه زلفی او را دختری بسیار آرام و متین توصیف می‌کند. بر اساس اطلاعات منتشرشده در سایت بنیاد برومند، وی در ۱۲ شهریور ۱۳۶۰ در کرج تیرباران شده است. از جزئیات محاکمه و حکم وی اطلاع دقیقی در دست نیست.

سینه‌خیز بردن و وارد آوردن ضربه به اندام‌های تناسلی در زندان قزل‌حصار محدود به همان یک بار نبوده است. نیلوفر شیرزادی در شهادتش نزد عدالت برای ایران می‌گوید: «به هر بابایی اون بیرون سوء‌قصد می‌شد، می‌دونستیم اون شب می‌آیند سراغمون. بچه‌ها هر چی روسری و پارچه اضافی داشتند می‌بستند اینجاشون [به زیر شکم اشاره می‌کند]. می‌دونستیم که [حاج داوود] ما رو می‌بره سینه‌خیز و از پشت می‌زنه. اینجاها [مجدداً] به زیر شکم اشاره می‌کند [رو می‌زنه. طول واحد رو تا زیر هشت ما چشم‌بسته سینه‌خیز می‌رفتیم و با همه چیز کتک می‌خوردیم. با زنجیر، قنடاق تفنگ، چوب، کابل، لگد. حتی بعضی از پاسدارها پاشون رو می‌گذاشتند روی پای ما که ما رو متوقف کنند بعد می‌زدند که چرا عقب موندی. یک سری از بچه‌ها که به خاطر توانایی فیزیکی شون نمی‌تونستند با بقیه پیش برند بیشتر از همه کتک می‌خوردند... خود من رو چندین بار از پشت زدند... مجبور بودی برای این که نخوری از دوست بغل‌دستی‌ات جلو بزنی، بعد می‌دونستی اگر جلو بزنی، اون می‌خوره... این قدر این اتفاق [ضربه به اندام‌های تناسلی] همراه با شکنجه‌های دیگه بود، این قدر در هم گره خورده بود که خود ما، به خاطر دردش، به خاطر استرس وحشتناکی که روی ما بود و فقط سعی می‌کردیم که تحمل کنیم که نشکنیم، قادر به تفکیک نبودیم...»

همان‌طور که گفته شد یکی از تنبیهات دیگر رایج در زندان قزل‌حصار ایستادن با چادر و چشم‌بند رو به دیوار و بی‌خوابی دادن بوده است. سودابه اردوان که در سال ۱۳۶۰ از اوین به قزل‌حصار برده شد از «شب‌های بی‌نهایت» زندان قزل‌حصار به عنوان یکی از موارد بی‌خوابی دادن و کتک‌زدن زندانیان زن یاد می‌کند. او در مصاحبه با عدالت برای ایران می‌گوید: «شب‌های بی‌نهایت اصطلاحی بود که خود حاجی [داوود رحمانی] استفاده می‌کرد. قضیه از این قرار بود که بچه‌ها چیزهایی مثل کاردستی‌ها یا وسائل شخصی‌شان که بر اساس گزارشی که توایی به اسم سهیلا حاجی‌زاده که مسئول بند ۸ زندان قزل‌حصار بود داده بود، ضبط شده بود را از اتاق سهیلا برداشته بودند. حاجی هم آمد و پرسید: کی این کار رو کرده و طبیعتاً کسی چیزی نگفت. حاجی هم همه را برد توی راهروی درازی که بندها را به هم وصل می‌کرد و رو به دیوار، با چشم‌بند و چادر ایستادند و با چند پاسدار دیگر شروع کرد به کتک‌زدن ما. با هر چیزی که دستشان می‌آمد می‌زدند. حاجی می‌گفت این شب‌ها تا بی‌نهایت ادامه داره و همین‌طور فحش می‌دادند و می‌زدند تا این که ۳ و ۴ بعد از نیمه‌شب که دیگر آنقدر زده بودند که از نفس افتاده بودند

می‌رفتند. ما هم همان‌جا از شدت درد و خستگی توی راهروی خیلی سرد، روی زمین ولو می‌شدیم... این تنبیه ده شب طول کشید تا این‌که خود زندانبانان خسته شدند.»

بر اساس شهادت برخی از زندانیان، بی‌خوابی دادن و کتک‌زدن در زندان قزل‌حصار با واردآوردن ضربه به اندام‌های تناسلی همراه بوده است. زندانیان در این حالت، ساعت‌های متوالی، بی‌خوابی داده می‌شدند و حق نداشتند برای رفع خستگی به دیوار نزدیک شوند.



عبدالرضا رحمانی فضلی

وزیر کشور جمهوری اسلامی

متولد سال ۱۳۳۸ در شهرستان شیروان (در استان خراسان شمالی)؛ او مدرک تحصیلی دکترای جغرافیا گرایش برنامه‌ریزی و کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس دارد.^۱

مسئولیت‌ها^۲

- معاون آموزش و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰
- موسس و رئیس دوره شبانه دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۰
- نماینده دوره چهارم مجلس شورای اسلامی، حوزه انتخابیه شیروان، استان خراسان شمالی از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵
- قائم‌مقام سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
- معاون برنامه‌ریزی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
- معاون امور مجلس و استان‌های سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
- معاون سیاسی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
- نماینده سازمان صدا و سیما در شورای عالی انقلاب فرهنگی

^۱ بیوگرافی رحمانی فضلی + تصاویر، باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۷ مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در

نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RPhXV6>

^۲ زندگی‌نامه: عبدالرضا رحمانی فضلی (۱۳۳۸-)، همشهری آنلاین، ۲۴ مرداد ۱۳۹۲، قابل دسترسی در

نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2ANoeqA>

- نماینده سازمان صدا و سیما در ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا
- نماینده صدا و سیما در شورای هماهنگی پروژه شهرهای سالم، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی
- رئیس حوزه خبر اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های آسیا و اقیانوسیه در سال ۱۳۸۲
- رئیس دوره نهم ستاد انتخابات ریاست جمهوری سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (سال پایان فعالیت در سازمان صدا و سیما: ۱۳۸۵)
- عضو کمیته شورای اطلاع‌رسانی دولت به مدت شش سال
- معاون فرهنگی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز
- معاون امور بین‌الملل و توسعه اقتصادی استان‌ها و ریاست شورای اطلاع‌رسانی وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۶
- رئیس اجلاس وزرای کشور و عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو)، وزارت کشور
- قائم‌مقام و معاون فرهنگی رسانه‌ای و اجتماعی شورای عالی امنیت ملی به مدت ۱۸ ماه از سال ۱۳۸۶
- ریاست کل دیوان محاسبات کشور از سال ۱۳۸۷ تا کنون
- عضو شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۸۷ تا کنون
- رئیس سازمان موسسات عالی حسابرسی کشورهای عضو اگو (اکوسای) از مهر ۱۳۸۹ تا مهر ۱۳۹۲
- وزیر کشور جمهوری اسلامی از مرداد ۱۳۹۲ تا کنون
- جانشین سید علی خامنه‌ای در نیروی انتظامی از مهر ۱۳۹۲ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

عبدالرضا رحمانی فضلی به عنوان وزیر کشور و جانشین سید علی خامنه‌ای در نیروی انتظامی^۱، مسئول هدایت نیروی انتظامی است و همچنین وظیفه صدور مجوز برای اجتماعات مسالمت‌آمیز را بر عهده دارد.

^۱ وزیر کشور جانشین فرمانده کل قوا در نیروی انتظامی شد، خبرگزاری فارس، ۲۵ آبان ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RPizdm>.

رحمانی فضل‌ی مسئول خشونت‌های اعمال‌شده از سوی نیروی انتظامی علیه معترضان در اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۳۹۶ (۷ تا ۱۷ دی ۱۳۹۶) است و حق شهروندان ایرانی برای برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز را نقض کرده است. نیروی انتظامی طی اعتراضات سراسری یادشده، افزون بر سلب حق شهروندان ایرانی برای برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز با اتخاذ روش‌های خشونت‌باری چون آتش‌گشودن بر معترضان غیرمسلح، ضرب و شتم و شلیک گاز اشک‌آور این اعتراضات مردمی را سرکوب کرده است.^۱

عبدالرضا رحمانی فضل‌ی افزون بر عدم صدور مجوز برای تجمعات اعتراضی مسالمت‌آمیز، در ۹ دی ۱۳۹۶، به معترضان هشدار داد تا در تجمعات غیرقانونی شرکت نکنند و برای خودشان و دیگران ایجاد زحمت نکنند.^۲

^۱ Iran: Investigate Killings of Protesters, Human Rights Watch, 2 January 2018, Available at:

<https://www.hrw.org/news/2018/01/02/iran-investigate-killings-protesters>.

^۲ هشدار وزیر کشور ایران در مورد تجمع‌های اعتراضی، بی بی سی، ۹ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bbc.in/2APrpOu>.



حسین رحیمی

فرمانده نیروی انتظامی تهران

مسئولیت‌ها^۱

- جانشین فرمانده انتظامی استان مرکزی در سال‌های اولیه دهه ۸۰
- فرمانده انتظامی استان لرستان از تیر ۱۳۸۸ تا شهریور ۱۳۸۹
- رئیس پلیس راهور تهران از شهریور ۱۳۸۹ تا فروردین ۱۳۹۳
- فرمانده نیروی انتظامی استان سیستان و بلوچستان از فروردین ۱۳۹۳ تا ۱۷ مرداد ۱۳۹۶
- فرمانده نیروی انتظامی تهران از ۱۷ مرداد ۱۳۹۶ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

نیروهای تحت امر حسین رحیمی، فرمانده نیروی انتظامی تهران، طی اعتراضات سراسری ۷ تا ۱۷ دی ۱۳۹۶ با به‌کارگیری روش‌هایی چون ضرب و شتم، شلیک گاز اشک‌آور و دستگیری معترضان تجمعات اعتراضی مردم را سرکوب کردند. در روز ۹ دی ۱۳۹۶ نیروی انتظامی پس از برخورد خشونت‌آمیز با معترضان در خیابان انقلاب تهران (روبروی دانشگاه تهران)، به دلیل سردادن شعارهای حمایتی دانشجویان از معترضان، به دانشجویان دانشگاه تهران حمله و چند تن از آنان را

^۱ رئیس پلیس جدید تهران را بشناسیم، خبرگزاری آنا، ۱۶ مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی درنشانی <https://bit.ly/2RTWtpW>: اینترنتی.

مضروب و دستگیر کردند. همچنین پلیس با شلیک گاز اشک‌آور به داخل دانشگاه تهران^۱ باعث آسیب دیدن دانشجویان شد.^۲ فقط ظرف سه روز، از ۹ دی تا ۱۱ دی ۱۳۹۶، حداقل ۴۵۰ نفر از معترضان در تهران^۳ از سوی نیروی انتظامی دستگیر شدند و از ۱۳ دی ۱۳۹۶ نیروی انتظامی تهران با حضور گسترده در خیابان‌ها و برقراری جو به شدت امنیتی از برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز شهروندان تهرانی جلوگیری کرد.^۴

^۱ تصاویری که از شلیک گاز اشک‌آور جلوی دانشگاه تهران منتشر شده، توئیتر بی بی سی، ۹ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2oQ7RTm>.

^۲ ادامه اعتراضات خیابانی در شهرهای ایران و خشونت پلیس؛ شعارهای اقتصادی که سیاسی شد، کمپین حقوق بشر ایران، ۱۰ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2VRWdXP>.

^۳ استقرار تیم‌هایی برای پالایش بازداشت‌شدگان/ علت مدارای پلیس با اغتشاش‌گران/ دستگیر شدگان به زودی محاکمه می‌شوند؛ پخش فیلم‌های گرفته‌شده از متهمان در دادگاه، سایت الف، ۱۲ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Cqts5>.

^۴ ششمین روز اعتراضات؛ تشدید تدابیر امنیتی در تهران، ادامه تظاهرات در شهرهای دیگر، رادیو فردا، ۱۳ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2AbSSW0>.



محسن رضایی (سبزوار رضایی میرقائد)

عضو و دبیر مجمع تشخیص
مصلحت نظام

زندگی‌نامه

محسن رضایی با نام اصلی سبزوار رضایی میرقائد، متولد ۱۳۳۳ لالی، حوالی مسجد سلیمان است. او فارغ‌التحصیل دکترای اقتصاد دانشگاه تهران است. وی عضو بلندپایه گروه چریکی اسلامی "منصورون" در دهه ۵۰ شمسی^۱ بود. در سال ۱۳۵۳ با معصومه خدنگ، که از اعضای گروه "منصورون" بود ازدواج کرد.^۲ فرزند او، علی رضایی، عضو شورای مرکزی جبهه ایستادگی است.^۳ علی رضایی با هدی طباطبایی فرزند لیلی بروجردی (نوه روح‌الله خمینی، فرزند زهرا مصطفوی و رئیس کمیته بانوان و جوانان دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، وکیل دادگستری، مشاور محسن رضایی در امور بانوان در انتخابات دهم ریاست جمهوری) و عبدالحسین طباطبایی (برادر زن احمد خمینی، برادر مرتضی و صادق طباطبایی) ازدواج کرده است. محسن رضایی همچنین سه دختر به نام‌های سارا، زهرا و مهدیه دارد. همسر سارا رضایی، روح‌الله رئیسی، حقوقدان و بازپرس دادسرا است.^۴ پسر دیگر وی، احمد رضایی، در سن سی سالگی در نوامبر ۲۰۱۱ در هتلی در دوی

^۱ درباره گروه منصورون، وبسایت گروه منصورون، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://mansuroun.ir/site/?r=site/page&view=about>

^۲ سپاه و سه انحراف، محسن سازگارا، ۱ مرداد ۱۳۸۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.sazegara.net/persian/archives/2006/07/060723_154435.html

^۳ عضویت فرزند محسن رضایی در جبهه ایستادگی / عکاسی نماینده مجلس خبرگان، خبرگزاری

مهر، ۲۸ تیر ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2G274sP>

^۴ گفتم پدر تو تکلیف را انجام داده‌ای، همشهری آنلاین، ۲۰ خرداد ۱۳۸۸، قابل دسترسی در

نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RITv8q>

به طرز مشکوکی فوت کرده است. برادر او امیدوار رضایی نماینده شهر مسجد- سلیمان در دوره ششم، هفتم و هشتم مجلس شورای اسلامی بوده است.

مسئولیت‌ها^۱

- محافظ روح‌الله خمینی به عنوان عضو گروه منصورون، به همراه گروه‌های صف و موحدین در سال ۱۳۵۷
- عضو هیات ۱۲ نفره تدوین اساسنامه سپاه در زمستان ۵۷
- عضویت در شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به مدت ۳ ماه در سال ۱۳۵۸
- مؤسس واحد اطلاعات و بررسی‌های سیاسی سپاه و اولین فرمانده این واحد از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰
- فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۶
- مؤسس نیروهای سه‌گانه سپاه (نیروی زمینی، هوایی و دریایی سپاه پاسداران)
- تأسیس دو دانشگاه امام حسین و بقیه‌الله وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- فرماندهی قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا از ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۸^۲
- مسئول کمیسیون‌های تخصصی سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران، سیاست‌های نظام در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در مجمع تشخیص مصلحت نظام
- کاندیدای نمایندگی مجلس شورای اسلامی در فهرست خط امام و رهبری در سال ۱۳۷۸
- کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری (دو روز قبل از انتخابات کناره‌گیری کرد) در سال ۱۳۸۴
- کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸
- رئیس کمیته کرسی‌های نظریه‌پردازی دانشگاه عالی دفاع ملی

^۱ زندگی‌نامه دکتر محسن رضایی، پایگاه اطلاع‌رسانی دکتر محسن رضایی، ۲۶ خرداد ۱۳۹۴.

قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://rezaee.ir>

^۲ قطعنامه جدید شورای امنیت علیه ایران تصویب شد، بی بی سی، ۱۹ خرداد ۱۳۸۹، قابل دسترسی

در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2010/06/100609_110_u01_un_iran_resolutionshtml

- عضو و دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام از سال ۱۳۷۶ تا کنون
 - بازگشت به سپاه و تدریس در دانشگاه امام صادق از فروردین‌ماه ۱۳۹۴ تا کنون^۱

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. مشارکت در سرکوب مخالفان سیاسی در دهه اول پس از انقلاب

محسن رضایی به عنوان مسئول واحد اطلاعات سپاه در اوایل انقلاب در دستگیری، شکنجه، حبس و اعدام اعضا یا هواداران سازمان‌های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی نقش داشته است.

محسن رضایی پیش از احراز سمت فرماندهی سپاه پاسداران، مسئول واحد اطلاعات سپاه بود که به منظور مقابله با گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی شکل گرفته بود و بعدها در سال ۱۳۶۳ به سه شاخه تقسیم شد: یک بخش با وزارت اطلاعات ادغام شد، بخش دیگر واحد اطلاعات سپاه را با وظایف جدیدش، که صرفاً اطلاعات نظامی بود، تشکیل داد و بخش سوم هم به عنوان حفاظت اطلاعات سپاه باقی ماند.

اطلاعات سپاه در تهران و بسیاری از شهرهای دیگر یکی از اصلی‌ترین نهادهایی بود که سرکوب مخالفان جمهوری اسلامی ایران را که عمدتاً در قالب سازمان‌های سیاسی مارکسیستی یا سازمان مجاهدین خلق فعالیت می‌کردند به عهده داشت. سپاه بسیاری از ساختمان‌ها و مراکز ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت کشور رژیم محمدرضا شاه پهلوی) را در اختیار گرفته بود و از بسیاری از آن‌ها به عنوان بازداشتگاه و محل بازجویی و شکنجه فعالان سیاسی استفاده می‌کرد. در تهران، تا پیش از تشکیل وزارت اطلاعات در سال ۱۳۶۳، بند ۲۰۹ زندان اوین در اختیار سپاه بود.

محسن رضایی در مصاحبه با برنامه تلویزیونی «دیروز، امروز، فردا» در بهمن ۸۹ درباره برخورد با مخالفان در این دوره می‌گوید: «سال ۶۰ تمام شهرهای ایران بدون استثناء درگیر زدوخورد بود و موتور نیروهای انقلاب در این سال روشن شد. در این سال واقعاً نمی‌دانستیم که آیا باید با عراقی‌ها بجنگیم یا تهران را نگه

^۱ بازگشت محسن رضایی به سپاه و تدریس در دانشگاه امام حسین(ع)، خبرگزاری فارس، ۱۹ فروردین ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Thlau9>

داریم. چرا که در تیر سال ۶۰ از یک طرف با کمبود اسلحه در جنگ تحمیلی مواجه بودیم و از یک طرف خیابان‌های تهران و مجاور مجلس و قوه قضائیه در آماج بمب و انفجارات بود.^۱

همچنین مجموعه‌ای از ترورهای مخالفان جمهوری اسلامی در خارج از کشور و در داخل، به همراه سرکوب اعتراضات کردستان، دستگیری‌ها و کشتار زندانیان سیاسی در دهه ۱۳۶۰، در زمان فرماندهی محسن رضایی در سپاه پاسداران رخ داده است. محسن سازگارا، که خود از اعضای اولیه سپاه پاسداران است، در مصاحبه با عدالت برای ایران اظهار می‌دارد که محسن رضایی بعد از ورود به سپاه، بخش اطلاعات و تحقیقات سپاه را که قرار بود به صورت مغز متفکر و برنامه‌ریز سپاه باشد و حداکثر به صورت واحد اطلاعات نظامی برای سپاه عمل کند به صورت یک سازمان امنیت درآورده و خود در رأس آن قرار گرفت. همچنین او در زمان جنگ مطرح کرد که سپاه باید ارگان‌هایی برای مقابله با مخالفان نظام داشته باشد.

هاشمی رفسنجانی در یک سخنرانی درباره نقش سپاه در وقایع سال‌های اول پس از انقلاب گفته بود: «اولین آثار مثبت تشکیل سپاه در درگیری مؤثر با نیروهای شورشی ضد انقلاب بود که به تدریج آن‌ها را شکست دادند و متواری کردند. کانون‌های فتنه در خوزستان که خلق عرب ایجاد کرده بود، کردستان، ترکمن صحرا، بلوچستان و جاهای دیگر با حضور فرزندان سپاه متلاشی و منهدم شد. یکپارچگی کشور حفظ شد. سپاه خودش را نشان داد و ارزشش را در همان گام‌های اولیه و برخوردهای درون‌شهری اثبات کرد.»^۲

رضایی در تأیید نقش خود در سرکوب قیام کردستان می‌گوید: «از همان ابتدای تشکیل اطلاعات سپاه مسائل را با امام در میان می‌گذاشتم و حتی در سال ۵۸ که امام در بیمارستان بستری بود و دکتر عارف پزشک امام به هیچ کدام از مسئولان اجازه حضور در بیمارستان را نمی‌داد اما من به امام نزدیک می‌شدم و اطلاعات را در گوش امام می‌گفتم. در این سال که اوج درگیری با کودتاچیان و گروهک

^۱ سخنان محسن رضایی در برنامه دیروز امروز فردا، الف، ۲۱ بهمن ۱۳۸۹، قابل دسترسی در

نشانی اینترنتی: <http://old.alef.ir/vdcdns0n.yt0kj6a22y.html?95389>

^۲ سخنرانی هاشمی رفسنجانی در مراسم افتتاح همایش مهندسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی،

فرقان^۱ بود، مسائل عجیبی در کردستان و سیستان و بلوچستان رخ داد که در این زمان‌ها رابطه‌ام با امام زیادتر شده بود و برخی اوقات که امکان ملاقات نبود حوادث را خدمت ایشان می‌نوشتیم.»^۲

توبا کمانگر، که بیش از یک سال (خرداد ۱۳۶۰ تا مرداد ۱۳۶۱) به عنوان گروه‌گان برای آزاد شدن چند تن از پاسداران که در دست نیروهای کومه‌له بوده‌اند، در دو زندان، یکی در دهنشور کامیاران و دیگری در زندان سپاه در مقر سابق ساواک در سنندج بوده است، علیه محسن رضایی شهادت داده است. وی که سه بار در زندان سپاه در سنندج با رضایی مواجه شده است، از سوی وی و سایر مسئولان زندان‌ها، با این تهدید مواجه شده که یا باید ازدواج با یکی از پاسداران را بپذیرد و یا این‌که اعدام می‌شود. این در حالی است که وی در آن زمان متأهل و باردار بوده است.

توبا کمانگر در شهادت خود نزد عدالت برای ایران^۳ می‌گوید:

«بعد از شش ماه هر کاری کردند من در هیچ رابطه‌ای تسلیم نشدم و اصلاً در هیچ رابطه کاری یا تشکیلاتی چیزی نگفتم. این محسن رضایی که حالا خودش را برای رئیس‌جمهوری ایران کاندید می‌کند، آن موقع سال شصت در زندان‌های سنندج بود؛ کلاً زندان‌های کردستان. او آمد. این‌ها با محسن رضایی صحبت کرده بودند. به او گفته بودند که من شش ماه در زندان هستم، جرمم این است که خودم کومه‌له هستم و تمام خانواده‌ام کومه‌له است و شش ماه است که نه حاضر شدم به این‌ها هیچ حرفی بزنم و نه حاضرم با هیچ کدام از این‌ها ازدواج کنم. بعد از شش ماه من را بردند زندان ساواک سنندج. آن جا یک هفته توی یک سلول تکی بودم، توی این هفته سه بار همان آقای محسن رضایی، آمد من را دادگاهی کرد. یکی از جاش‌هایی^۴ که توی همان ده بودند که من زندانی بودم، آوردند برای ترجمه. روز اول اصلاً چشم من را نبسته بودند ولی روز دومش که

^۱ گروه فرقان، هابیلیان، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.habilian.ir/fa/vije/vijenameha/Vijenameha/v018_forghan/page10_15.html

^۲ سخنان محسن رضایی در برنامه دیروز امروز فردا، الف، ۲۱ بهمن ۱۳۸۹، قابل دسترسی در

نشانی اینترنتی: <http://old.alef.ir/vdcdns0n.yt0kj6a22y.html?95389>

^۳ جنایت بی‌عقوبت شکنجه و خشونت جنسی علیه زندانیان سیاسی زن در جمهوری اسلامی گزارش اول: دهه ۶۰، عدالت برای ایران، ۱۹ دی ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/other/13593/>

^۴ فعالان کرد به کردهایی که با مقامات جمهوری اسلامی همکاری می‌کردند «جاش» می‌گفتند. این واژه در کردی به معنای «کره خر» است.

من توی اتاق سلول بودم گفت شش ماه توی زندان هستی، این هم جرم تو است، تو خودت کومه‌له هستی، خلاصه خیلی در مورد کومه‌له حرف‌های چرت و پرت گفت، فحش داد و گفت حتماً مطمئن باش همه را یکی پس از دیگری می‌گیریم و همه را می‌آوریم پیش تو و تو هم با آن‌ها یکی پس از دیگری اعدام می‌شوی. من هم گفتم باشد! مهم نیست! اعدام کنید من مشکلی ندارم.

حامله بودم، شش‌ماهه بود. روز دوم که ما را بردند پایین، چشمم را بسته بودند، ولی می‌دانم که خیلی پایین رفتیم. توی ساواک سندانج بودیم، از هر طبقه‌ای که پایین می‌رفتیم صدای جیغ کشیدن دختران می‌آمد، از تمام گوشه و کنار زندان. اصلاً من توی این شش ماهی که توی اون ده زندان بودم و هر روز مرگ خودم را جلوی چشمم می‌دیدم، به اندازه این یک هفته ناراحت نشده بودم. بعد از هر طبقه‌ای هم که پایین می‌رفتیم، می‌گفت ببین این‌ها همه‌شان که جیغ می‌کشند، هم‌عقیده‌های تو هستند، کومه‌له‌ای هستند، ولی دارند شکنجه می‌شوند و بهشان تجاوز می‌شود. محسن می‌گفت.

من آن موقع چون نمی‌توانستم فارسی صحبت کنم یک نفر را آورده بودند. چشمم بسته بود، یک نفر هم دستم را گرفته بود. محسن رضایی با ما بود. او گفت: "با تو هم این کار را خواهیم کرد اگر حرف نزنی." من هم هیچی نگفتم، او واژه تجاوز را استفاده کرد. گفت که این‌هایی که جیغ می‌زنند، از هم‌فکران تو، از هم‌عقیده‌های تو، کومه‌له‌ای هستند. من هیچی نگفتم. ولی من را بردند توی یک اتاقی، نشستیم روی صندلی. گفتند ساعت نه صبح است. تا ساعت هشت شب، از من سوال و جواب کردند. حتی یک ذره آب هم ندادند بخورم. گفتند اینجا می‌مانی. محسن گفت: تو خیلی از آن‌هایی که هستند نمی‌توانی قوی‌تر باشی، خودت این همه سر و صدا را می‌شنوی و می‌دانی چیست، فقط خیالت راحت باشد که از این‌ها بدتر به تو خواهیم کرد... فقط یک کار می‌کنیم، ممکن است بگذاریم زنده بمانی تا بچه‌ات به دنیا بیاید. اگر تا آن موقع توانستیم [صبر کنیم]، اگر هم نکردیم، نکردیم. مهم نیست. من هم گفتم مهم نیست، مثل تمام انسان‌هایی که از بین رفتند. واقعاً اصلاً هم ترسی نداشتم فقط تنها چیزی که داشتم و خیلی ناراحت شدم که اصلاً تو نمی‌توانستی از طبقه پایین بروی و صدا و هوار و جیغ را نشنوی.

متأسفانه نمی‌گذاشتند با هیچ کسی روبه‌رو بشم و کسی را ببینیم. چون می‌دانستند که همه ماها همدیگر را می‌شناسیم و متأسفانه هیچ کسی نبود. توی آن یک هفته که توی زندان سندانج بودم تنها بودم، فقط توی یک سلول کوچک که یک

دستشویی و یک تخت تویش بود و هیچ کسی نبود آنجا. بعد از این یک هفته، روز آخر، محسن رضایی آمد و گفت: "ما تو را به همان زندان دهاتی که بودی برمی‌گردانیم ولی من با رئیس آن زندان صحبت کردم که یا قبل از فارغ شدن تو را اعدام بکنند یا این که بگذارند بچه‌ات به دنیا بیاید بعد تو را اعدام کنند، یا این که یک راه دیگر خیلی راحتی هم داری، می‌توانی با یکی از برادران مسلمان ازدواج کنی." من هم هیچی نگفتم.

توبا کمانگر تأکید می‌کند: «من خودم شاکی محسن رضایی هستم. یک بار بدون چشم‌بند او را دیدم و دو بار با چشم‌بند که دیگر از روی صدایش او را می‌شناختم که همان محسن رضایی ست.»^۱

مصاحبه با دو زندانی مرد که در همان زمان در زندان سنندج بازداشت بوده‌اند ثابت می‌کند که محسن رضایی، به عنوان فرمانده سپاه پاسداران، مکرراً از قرارگاه حمزه سیدالشهدا که در ارومیه قرار داشته بازدید می‌کرده است. این قرارگاه نه فقط مسئول امور مربوط به جنگ در استان‌های غربی کشور بود، در امور امنیتی از جمله گروه‌های سیاسی مخالف نیز صلاحیت داشته است. محسن رضایی و سایر فرماندهان سپاه در راستای رسیدگی به امور مربوط به قرارگاه یادشده، از زندان سنندج نیز بازدید می‌کرده‌اند. مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که اگر زندانی به دلیلی برای مقامات سپاه که امور امنیتی کردستان را در دست داشته‌اند مهم می‌بود، محسن رضایی می‌توانست در یکی از بازدیدهای خود وارد پرونده وی نیز بشود. به نظر می‌رسد توبا کمانگر هم به دلیل موقعیت همسرش در کومه‌له و هم به دلیل موضوع گروگان‌ها و مبادله آن‌ها، اهمیت ویژه‌ای برای مقامات سپاه داشته است.

۲. مشارکت در ترورهای خارج از کشور

سپاه پاسداران همچنین در سال‌های پس از جنگ در تعدادی عملیات تروریستی خارج از مرزهای ایران دخالت داشت. از جمله، در ۲۶ شهریور ۱۳۷۱، در رستورانی به نام میکونوس در شهر برلین سه تن از رهبران حزب دموکرات کردستان ایران و یکی از دوستان ایشان در عملیاتی تروریستی به قتل رسیدند. دادگاه این پرونده سه سال و نیم طول کشید و در نهایت مقامات آلمان به این نتیجه رسیدند که

^۱ جنایت بی‌عقوبت شکنجه و خشونت جنسی علیه زندانیان سیاسی زن در جمهوری اسلامی گزارش اول: دهه ۶۰، عدالت برای ایران، ۱۹ دی ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://justice4iran.org/persian/other/13593/>

دولت ایران مستقیماً در این قتل‌ها دخالت داشته است. ابوالحسن بنی‌صدر در جریان دادگاه، شهادت بر وجود کمیته‌ای به نام «کمیته امور ویژه»، که یکی از نقش‌های آن زمینه‌سازی و نظارت بر انجام ترورهای سیاسی است، داد. کمیته‌ای که موافقت خامنه‌ای و رفسنجانی شرط اساسی پذیرش ترورها در آن است.^۱ به شهادت شاهد «سی» یا ابوالقاسم مصباحی، مأمور عالی‌رتبه اطلاعاتی سابق وزارت اطلاعات، که بعدها صحت بسیاری از شهادت‌های او تأیید شد و از منابع اصلی دادستانی آلمان به شمار می‌رفت، اعضای ثابت این کمیته عبارت بودند از:

- علی خامنه‌ای، رهبر یا نماینده‌اش اصغر میرحجازی
- رئیس جمهور (هاشمی رفسنجانی) یا محسن هاشمی، پسرش، به عنوان نماینده
- مسئول امور سیاست خارجی که در آن زمان همان وزیر امور خارجه، ولایتی، بود
- علی فلاحیان، وزیر اطلاعات
- محمد ری شهری (محمد محمدی‌نیک)، اولین وزیر اطلاعات
- محسن رضایی، فرمانده سپاه پاسداران
- رضا سیف‌اللهی، رئیس نیروهای انتظامی وقت
- ابوالقاسم خزعلی، عضو شورای نگهبان^۲

در ژانویه ۱۹۹۴ (۲۷ تیر ۱۳۷۳) در انفجاری در ساختمان مرکز یهودیان در بوینس آیرس، ۸۵ نفر کشته و بیش از ۳۰۰ نفر زخمی شدند. دو سال پیش از آن نیز بمبی در سفارت اسرائیل منفجر شد که منجر به کشته‌شدن ۲۹ نفر شد. آرژانتین و اسرائیل ایران را عامل این انفجارها دانستند و در همین رابطه تعدادی از سران جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۶ از سوی اینترپل تحت تعقیب قرار گرفتند. محسن رضایی به همراه احمد وحیدی، فرمانده سپاه قدس وقت و وزیر دفاع، اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهوری پیشین ایران، علی فلاحیان، وزیر اطلاعات پیشین، علی‌اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه پیشین، محسن ربانی، رایزن فرهنگی پیشین سفارت ایران در آرژانتین، هادی سلیمان‌پور، سفیر وقت ایران در

^۱ قتل در میکونوس: تجزیه و تحلیل یک ترور سیاسی، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، ۲۱ بهمن ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2TcRRZw>

^۲ پاینده، مهران و دیگران، ۱۳۷۹، سیستم جنایت‌کار: اسناد دادگاه میکونوس، نشر نیما، اسن؛ آلمان

آرژانتین و احمدرضا اصغری، دبیر سوم وقت سفارتخانه، کسانی هستند که دادستانی آرژانتین خواستار بازداشت آن‌ها بود. البته با صدور این حکم برای هاشمی رفسنجانی، ولایتی و سلیمان‌پور موافقت نشد.^۱

محسن رضایی با تاسیس قرارگاه خاتم‌الانبیا در سال ۱۳۶۸ و ثبت شرکت‌های اقماری، زمینه‌ساز ورود سپاه به فعالیت‌های اقتصادی نیز بود؛ فعالیت‌هایی که امروز بخش گسترده‌ای از اقتصاد ایران از جمله صنعت نفت، گاز، جاده‌سازی، سدسازی، موشک‌سازی، تولید خودرو و غیره در اختیار آن است. در ماه مه ۲۰۱۰ قرارگاه خاتم‌الانبیاء، شرکت‌های زیرمجموعه آن و فرمانده آن رستم قاسمی تحت تحریم دولت آمریکا قرار گرفتند. در ۹ ژوئن همین سال نیز شورای امنیت سازمان ملل با صدور قطعنامه‌ای این قرارگاه و چهار مؤسسه زیرمجموعه آن به‌نام‌های مکین، رهاب، فاطر و مهندسین مشاور ایمن‌سازان را به همراه ۴۰ شرکت و مؤسسه ایرانی دیگر در فهرست تحریم‌های خود قرار داد. بر اساس این قطعنامه دارایی‌های این شرکت‌ها در بانک‌های خارجی باید مسدود شود و مسئولان آن‌ها حق مسافرت بین‌المللی ندارند.^۲

^۱ بمب‌گذاری آمیا در آرژانتین: جنایت فراموش شده جمهوری اسلامی علیه بشریت، بنیاد برومند، ۲۷ تیر ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.iranrights.org/fa/library/document/۶۳۶/>

^۲ قطعنامه جدید شورای امنیت علیه ایران تصویب شد، بی بی سی، ۱۹ خرداد ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2010/06/100609_110_u01_un_iran_resolution.shtml



علی رضوان منش

مستشار دادگاه تجدیدنظر کرج

مسئولیت‌ها

- معاون دادستان کرج حداقل تا آخر اسفندماه ۱۳۹۵
- هم اکنون، مستشار دادگاه تجدیدنظر کرج^۱

برخی از موارد نقض حقوق بشر

علی رضوان منش به عنوان معاون دادستان کرج در صدور حکم اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال مرتکب نقض حقوق بشر شده است. به عنوان نمونه علی رضوان منش درباره اعدام علیرضا ملاسلطانی^۲، متهم به قتل، که در زمان اعدام زیر سن ۱۸ سال بود به خبرگزاری فارس درباره سن این فرد اعدام‌شده گفت که ملاک سن افراد نه تقویم شمسی ۳۶۵ روزه، تقویم قمری ۳۵۵ روزه است: «ملاک عمل در قانون بلوغ شرعی است که بر اساس ماه‌های قمری محاسبه می‌گردد. قاتل از این نظر بیش از ۱۸ سال عمر کرده بود و بنابر این هیچ منع شرعی و یا قانونی برای اجرای حکم قصاص وجود نداشت. البته علیرضا ملاسلطانی از نظر ماه‌های شمسی حدود دو ماه کمتر از ۱۸ سال سن داشت و طبیعی است ملاک عمل در قانون سن شمسی نیست و ما بر اساس بلوغ

^۱ رسیدگی به مشکلات قضائی زندانیان کرج با حضور معاونان دادستان، خبرگزاری میزان، ۱۵ بهمن ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2T4eM9k>

^۲ اعدام متهم زیر ۱۸ ساله در صبح چهارشنبه: قوه قضائیه تقویم قمری را به جای تقویم شمسی مبنای تعریف سن قرار داد، کمپین حقوق بشر ایران، ۳۰ شهریور ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: https://persian.iranhumanrights.org/1390/06/execution_dadashi/

شرعی عمل می‌کنیم... این حکم توسط ۱۵ قاضی ارشد تأیید و در نهایت نیز به تأیید رئیس قوه قضائیه رسیده است.»
 او همچنین در سال ۱۳۸۹ در نشست مبارزه با مواد مخدر گفته بود که از تاریخ ۲۸ بهمن به بعد جرم حمل بیش از ۶ گرم مواد شیشه اعدام است.^۱

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در ۴ فروردین‌ماه ۱۳۹۱ علی رضوان‌منش را به دلیل نقشی که در «نقض شدید حقوق بشر در روند دادرسی قضائی» و همچنین «صدور حکم اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال» داشته است از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد.^۲ همچنین دارایی‌های او در اروپا مشمول توقیف قرار می‌گیرد.^۳

^۱ مجازات حمل بیش از ۶ گرم مواد شیشه اعلام شد، خبرگزاری برنا، ۱۵ اسفند ۱۳۸۹، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2R0V2Bx>

^۲ اسامی ۱۷ مقام ایرانی تحریم‌شده توسط اتحادیه اروپا، بی بی سی، ۶ فروردین ۱۳۹۱، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2012/03/120325_138_eu_persons_iran_sanction

^۳ فهرست سوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۷

خرداد ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/publication/documents/list3/>



غلام‌علی رضوانی

مسئولیت‌ها

- معاون سیاسی و امنیتی استاندار گیلان از دی‌ماه ۱۳۸۸ تا ۲۳ شهریور ۱۳۹۱^۱
- دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان گیلان^۲ (در زمان معاونت استاندار گیلان)
- معاون سیاسی امنیتی استانداری کهگیلویه و بویراحمد از ۲۲ مهرماه ۱۳۹۱^۳ تا ۶ مهرماه ۱۳۹۲^۴
- رئیس ستاد انتخابات استان برای چهارمین دوره مجلس خبرگان رهبری، یازدهمین دوره ریاست جمهوری و چهارمین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا^۵

برخی از موارد نقض حقوق بشر

غلام‌علی رضوانی به عنوان معاون استاندار گیلان با تاکید بر مجازات نوکیشان مسیحی مرتکب نقض حقوق بشر شده است.

^۱ معاون سیاسی امنیتی استانداری گیلان عزل شد، شاهد شمال، ۲۳ شهریور ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2S0S9oX>

^۲ با حکم وزیر محترم کشور دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان گیلان منصوب شد، تحلیل گیلان، ۱۳ شهریور، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://tahlilegilan.blogfa.com/post/16>

^۳ معاون سیاسی و امنیتی استاندار کهگیلویه و بویراحمد منصوب شد، ایسنا، ۲۲ مهرماه ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://yasouj.isna.ir/Default.aspx?NSID=5&SSLID=46&NID=10783>

^۴ اولین تغییر در استانداری کهگیلویه و بویراحمد/ معاون سیاسی و امنیتی رفت، خبرگزاری مهر، ۶ مهر ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2R3VT4r>

^۵ انتصاب روسای ستاد انتخابات و کمیته‌های شش‌گانه کهگیلویه و بویراحمد، خبرگزاری دانشجو، ۱۹ فروردین ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FM2nTC>

به عنوان نمونه او در مهرماه ۱۳۹۰ در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس درباره یوسف ندرخانی، کشیش زندانی، گفت: «یوسف ندرخانی یک صهیونیست و دایرکننده خانه فساد است... حساب کسانی که دین دیگری را انتخاب می‌کنند در روز قیامت با خداست... کشور اسلامی با کسانی که دین دیگری انتخاب کردند هیچ کاری ندارد بلکه خداوند کار دارد. این فرد مجرم است و جرم او این نیست که عده‌ای را به دین مسیحیت دعوت کرده است بلکه جرایم امنیتی دارد. موضوع جرم و اعدام این فرد، اعتقادی و مربوط به دین او نیست و به خاطر انتخاب دین، کسی در نظام ما اعدام نمی‌شود بلکه او یک صهیونیست است و جرم امنیتی دارد.»^۱

یوسف ندرخانی، کشیش ایرانی پیرو کلیسای انجیلی و همسرش که هر دو از اسلام به مسیحیت گرویده بودند در سال ۱۳۸۸ در شهر رشت بازداشت شدند. دادگاه، ندرخانی را به «ترک دین»، «دعوت سایر مسلمانان به مسیحیت»، «ایجاد یک کلیسای مخفی در خانه خود» و «ابراز مخالفت آشکار با اسلام» متهم کرده بود. حکم اعدام او به جرم ارتداد در تاریخ یکم شهریورماه ۱۳۸۹ در دادگاه تجدیدنظر استان گیلان تأیید شد اما در تاریخ هفتم تیرماه سال ۱۳۹۰ دیوان عالی کشور اعلام کرد که به شرط توبه یوسف ندرخانی حکم اعدام نقض می‌شود. متعاقب فشارهای بین‌المللی در شهریور ۱۳۹۲، شعبه ۱۱ دادگاه کیفری گیلان در رسیدگی مجدد به پرونده، اتهام ارتداد را وارد ندانست و «یوسف ندرخانی» تنها به اتهام تبلیغ برای مسیحیت به ۳ سال حبس محکوم شد و با توجه به این که او ۳ سال گذشته را در زندان بود، بلافاصله آزاد شد.^۲

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در ۴ فروردین ۱۳۹۱ غلامعلی رضوانی را به دلیل «مسئولیت در نقض شدید حقوق بشر در روند دادرسی قضائی» از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. همچنین دارایی‌های او در اروپا مشمول توقیف خواهد شد.^۳

^۱ یوسف ندرخانی یک صهیونیست و دایرکننده خانه فساد است، خبرگزاری فارس، ۸ آبان ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2CyDB6f>

^۲ «یوسف ندرخانی» آزاد شد، تابناک، ۹ سپتامبر ۲۰۱۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2GiwiD4>

^۳ فهرست سوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۷ خرداد ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RDEcOo>



غلامحسین رمضانی

رئیس شورای راهبردی حفاظت
اطلاعات نیروهای مسلح

مسئولیت‌ها

- ریاست سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی جمهوری اسلامی (ناجا) از ۲۷ شهریور ۱۳۷۹ تا ۶ شهریور ۱۳۸۴^۱
- معاون اطلاعات ناجا از ۲۷ شهریور ۱۳۷۹ تا ۶ شهریور ۱۳۸۴
- رئیس حفاظت اطلاعات سپاه از ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۵ تا اسفند ۱۳۸۷^۲
- معاونت اطلاعات فرمانده کل سپاه پاسداران از اسفند ۱۳۸۷ تا آبان ۱۳۸۸^۳
- فرمانده سازمان حفاظت و امنیت سپاه پاسداران از آبان ۱۳۸۸ تا فروردین ۱۳۹۰^۴
- رئیس حفاظت اطلاعات وزارت دفاع^۵ از فروردین ۱۳۹۰^۶
- رئیس شورای راهبردی حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح^۷

^۱ انتصاب آقای عبدالحسین رمضانی به ریاست سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۷ شهریور ۱۳۷۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2WcUwUY>

^۲ برگزاری مراسم معارفه جانشین فرمانده کل سپاه و رئیس سازمان حفاظت و اطلاعات این نیرو، روزنامه اطلاعات، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=1059288>

^۳ تازه‌ترین تغییرات در سپاه پاسداران، الف، ۴ آبان ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://old.alef.ir/vdcjahei.uqeixzsffu.html?55947>

^۴ همان.

^۵ رئیس سازمان حفاظت اطلاعات وزارت دفاع ایران، برکنار شد، رادیو فردا، ۲۸ فروردین ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.radiofarda.com/a/4746969.html>

^۶ از زمان تودیع او از این سمت اطلاع دقیقی در دست نیست

^۷ دست چپ و راست بر سینه، مشرق نیوز، ۱۵ آبان ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2DOgFBE>

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. بازداشت، شکنجه و اعتراف‌گیری از

وبلاگ‌نویسان، روزنامه‌نگاران و فعالان مدنی

تشکیلات سازمان اطلاعات موازی طی دوران اصلاحات و ریاست جمهوری محمد خاتمی (۱۳۷۶-۱۳۸۳) به وجود آمد. این تشکیلات شامل نهادهای امنیتی، اطلاعاتی و سازمان‌های تحت نظارت رهبری، همچون سپاه، نیروی انتظامی و همچنین بخشی از نیروهای وزارت اطلاعات است که در دوران اصلاحات به دلیل فشار مطبوعات و جامعه مدنی تصفیه شده بودند.

حفاظت اطلاعات ناجا در زمانی که غلامحسین رضانی فرماندهی آن را بر عهده داشت، بخشی از اطلاعات موازی کشور بود.^۱ در این دوران، فعالیت‌های مخفیانه نهادهای اطلاعاتی موازی، محافظه‌کاران را در تلاش برای ابقای کنترل بر ابزارهای اعمال فشار رژیم ایران یاری می‌کرد. اعضای نهادهای اطلاعاتی موازی مسئول ارباب و سرکوب اصلاح‌طلبان، دگراندیشان سیاسی و منتقدین بودند. اهداف اولیه این نهادها روزنامه‌نگاران، وبلاگ‌نویسان و فعالان دانشجویی بودند.^۲

رفتار با بازداشت‌شدگان در پرونده معروف به «وبلاگ‌نویسان» از ابتدا همراه با اعمال خشونت بوده است. در طی شهریور تا آبان ۱۳۸۳ بیست و یک تن از وبلاگ‌نویسان و دست‌اندرکاران سایت‌های خبری اینترنتی بازداشت و در بازداشتگاهی مخفی حبس و شکنجه شدند. بازداشت‌شدگان به دنبال اعتراضات داخلی و بین‌المللی آزاد شدند.

قوه قضائیه ۱۷ تن از بازداشت‌شدگان را از هر گونه تخلفی میرا دانست، اما امید معماریان، روزبه میرابراهیمی^۳، شهرام رفیع‌زاده و جواد غلام تمیمی، چهار تن از بازداشت‌شدگان این پرونده، محاکمه و مجبور به اعتراف تلویزیونی شدند. اتهام آن‌ها مشارکت و تشکیل گروه در داخل کشور با هدف برهم‌زدن امنیت کشور،

^۱ اطلاعات فوق حاصل مصاحبه عدالت برای ایران با یک فرد مطلع است که به دلایل امنیتی نام ایشان نزد عدالت برای ایران محفوظ است.

^۲ ارباب پنهانی: نهادهای اطلاعاتی موازی ایران، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، ۲۶ بهمن ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FJYGPe>

^۳ اعتراف اجباری: هدف قراردادن فعالان اینترنتی ایران، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، ۲۶ بهمن ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2WawyJT>

عضویت در جمعیت‌هایی در داخل و خارج کشور که با هدف برهم‌زدن امنیت کشور فعالیت می‌کنند، فعالیت تبلیغی علیه نظام، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی از طریق نگارش مقاله در روزنامه‌ها و سایت‌های غیرقانونی مثل «امروز» و «گویا» و مصاحبه با رادیوهای بیگانه بود.^۱ این چهار روزنامه‌نگار پس از آزادی موقت از زندان اعلام کردند که در دوران بازداشت تحت شکنجه‌های جسمی و روحی بودند و تمام مدت بازداشت را بدون دسترسی به وکیل و خانواده در سلول‌های انفرادی نگه داشته شده بودند.^۲ شهرام رفیع‌زاده درباره این حکم در وبلاگ خود نوشت: «قاضی امضاءکننده، آنگونه که در حکم خود انشاء کرده اصلی - ترین استنادش "اقرار متهمان" بوده است. "اقرار" مورد نظر قاضی همان "اعترافات اجباری" است که بنا بر سناریوی ازپیش‌طراحی‌شده در مرکزی دیگر، از من و ما تحت شکنجه جسمی و روانی، چشم‌بند و دست‌بند، نگهداری طولانی در سلول انفرادی بازداشت‌گاهی مخفی، تهدید خود و خانواده، ضرب و شتم، فشارهای روانی طاقت‌فرسا، بی‌خبری مطلق و عدم دسترسی به وکیل و هر وجود و موجود زنده دیگری در طول چند ماه بازداشت غیرقانونی اخذ شد.»^۳

۲. مشارکت در سرکوب اعتراضات پس

از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸

در جریان سرکوب تظاهرات اعتراضی مردم علیه نتایج اعلام‌شده انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ ایران، ده‌ها نفر کشته، صدها تن زخمی و هزاران نفر نیز بازداشت شدند. شماری از بازداشت‌شدگان نیز زیر شکنجه به قتل رسیدند. قتل دست‌کم ۴ نفر در زیر شکنجه‌ها، که عمدتاً در بازداشتگاه کهریزک بودند، محرز شده است. بر اساس اطلاعاتی که مهدی کروبی، یکی از نامزدهای انتخابات یاد شده، افشا کرد به تعدادی از دختران و پسران بازداشت‌شده در زندان تجاوز شده

^۱ شکنجه‌گران را محاکمه کنید نه وبلاگ‌نویسان، دیده‌بان حقوق بشر ایران، ۲۰ آذر ۱۳۸۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.hrw.org/fa/news/2006/12/11/230944>

^۲ اعتراف اجباری: هدف قراردادن فعالان اینترنتی ایران، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، ۲۶ بهمن ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2WawyJT>

^۳ ناگفته‌هایی از پرونده وبلاگ‌نویسان؛ بر ما چه گذشت؟، وبلاگ شهرام رفیع‌زاده، ۲۱ بهمن ۱۳۸۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://aknoononline.blogspot.com/2009/02/blog-post_09.html

است. ترانه موسوی ۲۸ ساله، یکی از این بازداشت‌شدگان، در اثر شکنجه و تجاوزهای مکرر به قتل رسید و جسدش سوزانده شد.

در شهریورماه ۱۳۸۸ و در پی سرکوب شدید اعتراضات خیابانی، خردادماه همان سال، سازمان دیده‌بان حقوق بشر در نامه‌ای به صادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه، از او خواست که درباره نقش برخی مقامات مسئول در این برخوردهای خشونت‌آمیز از جمله غلامحسین رضانی، فرمانده حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران، کمیته‌ای مستقل و بی‌طرف تشکیل دهد.

به نوشته دیده‌بان حقوق بشر، ارگان‌های رسمی و نیمه‌رسمی مانند وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی و سپاه پاسداران مکان‌هایی را به‌طور مخفی در اختیار داشتند که در آن بازداشت‌شدگان سیاسی نگهداری و بازجویی می‌شدند.^۱

۳. پرونده گرداب

غلامحسین رضانی به عنوان معاون اطلاعات سپاه در بازداشت و شکنجه بیش از ۴۵ نفر از کسانی که به اتهام راه‌اندازی و مدیریت وبسایت‌های پورنوی فارسی بازداشت شده بودند مسئول است.

«مرکز رسیدگی به جرائم سازمان‌یافته» در سال ۱۳۸۶ به عنوان زیرمجموعه اطلاعات سپاه پاسداران تأسیس شده است. اولین پروژه این مرکز، معروف به گرداب (مضلین)، دستگیری بیش از ۴۵ نفر از کسانی بود که به اتهام راه‌اندازی و مدیریت وبسایت‌های پورنوی فارسی تحت تعقیب قرار گرفته بودند. چند ماه پس از دستگیری، آن‌ها در برنامه‌های تلویزیونی اعتراف کردند که قصد داشتند از طریق فاسدکردن جوانان پایه‌های نظام جمهوری اسلامی را سست کنند و از دولت آمریکا برای گرداندن سایت‌های پورنو پول دریافت می‌کردند. حدود یک سال و نیم بعد برخی از بازداشت‌شدگان یا خانواده‌های آن‌ها سکوت خود را شکستند و از شکنجه‌های شدیدی که آن‌ها را مجبور به اعتراف کرده بود پرده برداشتند.^۲

^۱ دیده‌بان حقوق بشر: لاریجانی برای مهار نقض حقوق بشر اقدام کند، دویچه‌وله، ۷ شهریور ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2U8VwYn>

^۲ عدالت برای ایران: مرکز جرائم سازمان‌یافته سپاه پاسداران را در فهرست تحریم‌های حقوق بشری قرار دهید؛ عدالت برای ایران، ۵ فروردین ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/publication/call-for-action/gerdab/>

سعید ملک‌پور، وحید اصغری، احمدرضا هاشم‌پور، مهدی علیزاده و حسن سی‌سختی از متهمان پرونده «مضلین» یا «گرداب» سپاه پاسداران هستند که به اعدام محکوم شده بودند. بازداشت‌شدگان این پرونده شکنجه روحی، روانی و جسمی شده بودند. سعید ملک‌پور، وحید اصغری و شهروز وزیری، سه تن از متهمان این پرونده، اعلام کرده‌اند حاضرند در دادگاه شهادت دهند که علاوه بر تحمل حبس انفرادی طولانی‌مدت، به آن‌ها توهین شده است، از سوی بازجویان سپاه ضرب و جرح شده‌اند، از آن‌ها اقرار اجباری گرفته شده است و برای مدت طولانی با خانواده و وکیل‌شان تماس نداشته‌اند.^۱

وحید اصغری در بخشی از شکواییه‌ای که به قاضی صلواتی و دادسرای تهران اعلام شد، آورده است: «آن‌ها ماه‌ها شبانه مرا به طور غیرقانونی از اوین تحویل گرفته و به شکنجه‌گاه مخفی سپاه به اسم رمز «شرکت» که در مکان مجهول قرار دارد و فرا قانونی عمل می‌کند، با چشم‌بند و دست‌بند می‌بردند و به خاطر هدف‌شان که ایجاد انحراف و سوءاستفاده از پرونده بود شروع به گذاشتن من در کمد تنگ و تاریک با حیوانات موذی و سیاه‌چال و وان حمام (همراه با دست‌بند و پابند) و کیسه‌های هوای خفه‌کننده و ضد هوا و اکسیژن روی سر و روی من انداختند (دقیقاً عین کیسه‌های مخصوص گوانتانامو و ابوغریب) و مرا شدیداً به چوب بسته و به حالات کاسه سر و به سمت پایین آویزان کردند با طناب و دست‌بند و شلاق و سیلی می‌زدند.»

به غیر از این شش تن، افراد بیشتری در زندان‌های اطلاعات سپاه به همین اتهام در حبس هستند که متأسفانه نام و نشان آن‌ها هنوز به خارج از زندان راه نیافته است. حکم اعدام سعید ملک‌پور، احمدرضا هاشم‌پور^۲ و حسن سی‌سختی به حبس ابد تقلیل یافته است.^۳

^۱ شرح شکنجه‌های سپاه پاسداران در شکواییه قربانیان، هرانا، ۲۴ فروردین ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.hra-news.org/2010/hranews/gerdab-2/>

^۲ تغییر حکم اعدام ۲ گرداننده سایت‌های مستهجن به حبس، خبرآنلاین، ۴ شهریور ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RbpvWw>

^۳ آخرین وضعیت سعید ملک‌پور، زندانی سیاسی، از زبان خواهرش، خبرنگار گویا، ۲۸ فروردین ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://news.gooya.com/politics/archives/2012/04/139078print.php>



حسن روحانی

رئیس جمهور

متولد ۲۱ آبان ۱۳۲۷ در شهر سرخه (از توابع استان سمنان) است. وی تحصیلات حوزوی، لیسانس حقوق قضایی از دانشگاه تهران و دکترای حقوق اساسی از دانشگاه کلدونیان گلاسکو دارد؛ و عضو کانون وکلای دادگستری مرکز است.^۱

مسئولیت‌ها

- نماینده پنج دوره مجلس شورای اسلامی از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۹
- عضو شورای سرپرستی سازمان صدا و سیما از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲
- عضویت در شورای عالی دفاع از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷
- عضویت در شورای عالی پشتیبانی جنگ و رئیس کمیسیون اجرایی آن از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷
- معاونت فرماندهی جنگ از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۴
- ریاست ستاد قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۶
- فرماندهی پدافند هوایی کل کشور از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۰
- معاون جانشین فرماندهی کل قوا از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۸
- دبیر شورای عالی امنیت ملی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴
- نماینده سید علی خامنه‌ای در شورای عالی امنیت ملی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴
- عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام از سال ۱۳۷۰ تا کنون

^۱ دکتر حسن روحانی کیست؟، شبکه خبر، ۲۵ خرداد ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2UfMvN2>

- عضو مجلس خبرگان رهبری از سال ۱۳۷۹ تا کنون
- ریاست کمیسیون سیاسی- اجتماعی مجلس خبرگان از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ و از سال ۱۳۹۲ تا کنون
- رئیس جمهور از مرداد ۱۳۹۲ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. اجباری کردن حجاب برای زنان شاغل در ارتش

پس از این که روح الله خمینی، رهبر انقلاب، در اسفندماه ۱۳۵۷ اعلام کرد که زنان در ادارات دولتی باید حجاب داشته باشند، در زمانی که هنوز قانونی برای حجاب اجباری تصویب نشده بود، حسن روحانی پیش‌گام اجباری کردن حجاب زنان^۱ در ارتش و ادارات تابع آن شد.^۲

روحانی در کتاب خاطرات خود در این باره می‌گوید:

«طرح اجباری شدن حجاب در ادارات مربوط به ارتش، به عهده من گذاشته شد و بدین جهت در گام اول، همه زنان کارمند مستقر در ستاد مشترک ارتش را که نزدیک به سی نفر بودند، جمع کردم و پس از گفت‌وگو با آنان قرار گذاشتیم از فردای آن روز با روسری در محل کار خود حاضر شوند. زنان کارمند که همگی به جز دو یا سه نفر بی‌حجاب بودند، شروع کردند به غرزدن و شلوغ کردن، ولی من محکم ایستادم و گفتم: از فردا صبح دژبان مقابل درب ورودی موظف است از ورود خانم‌های بی‌حجاب به محوطه ستاد مشترک ارتش جلوگیری کند. پس از ستاد ارتش، نوبت به نیروهای سه‌گانه رسید. در آغاز به پادگان دوشان تپه رفتم و همه کارمندان زن را که تعداد آن‌ها هم زیاد بود در سالنی جمع و درباره حجاب صحبت کردم. در آن جا زن‌ها خیلی سرو صدا راه انداختند اما من قاطعانه گفتم: «این دستور است و سرپیچی از آن جایز نیست.» بعد توضیح دادم که ما نمی‌گوییم چادر سر کنید، بحث چادر مطرح نیست، سخن بر سر استفاده از روسری و پوشاندن

^۱ خاطره‌گویی حسن روحانی از نقشش در اجباری کردن حجاب، آپارات، ۱۱ بهمن ۱۳۹۶، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2TdygZ7>

^۲ نظر حسن روحانی درباره حجاب اجباری، باشگاه خبرنگاران جوان، ۵ فروردین ۱۳۹۶، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.yjc.ir/fa/print/6026773>

سر و گردن است. در نهایت، در آن‌جا هم گفتم به دژبان دستور داده‌ایم از فردا هیچ زن بی‌حجابی را به پایگاه راه ندهند. در نیروی زمینی و نیروی دریایی نیز برای کارمندان زن صحبت کردم و با خواندن آیات و روایات و کشاندن بحث حجاب به مسائل اجتماعی و سلامت جامعه و ارائه دلایل مختلف درباره لزوم حجاب، موضوع را تبیین کردم و دست آخر نیز با بخشنامه، رعایت حجاب الزامی شد. به‌حمدالله این تلاش‌ها نتیجه مثبت داشت و پس از تعطیلات نوروز، همه زنان کارمند در ارتش با روسری به محل کار خود می‌آمدند. در وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های دولتی و حتی صداوسیما نیز به‌تدریج حجاب عملی شد و همه زنان با روسری از خانه بیرون می‌آمدند. البته در روزهای فراندوم هنوز شماری از زنان بی‌حجاب بودند و با سر برهنه در پای صندوق‌های رای حاضر شدند، ولی این معضل اجتماعی خیلی زود جمع و جور شد و به سامان مناسبی رسید.^۱

۲. مشارکت در سرکوب اعتراضات جنبش دانشجویی

حسن روحانی به عنوان دبیر شورای امنیت ملی در سرکوب اعتراضات دانشجویی در ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ نقش مهمی داشت. او بیست و سوم تیرماه ۱۳۷۸ در نماز جمعه تهران گفت: «دیروز نسبت به برخورد این عناصر دستور قاطع داده شد، دیروز غروب دستور قاطع صادر شد تا هر گونه حرکت این عناصر فرصت‌طلب، هر کجا که باشد با شدت و با قاطعیت برخورد شود و سرکوب شوند.»^۲

در ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸، پس از اعتراض دانشجویان به توقیف روزنامه «سلام» مأموران نیروی انتظامی و نیروهای امنیتی موسوم به لباس شخصی‌ها با حمله به خوابگاه دانشجویان در کوی دانشگاه تهران، دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار دادند. برخوردهای خشونت‌آمیز با اعتراضات خیابانی و بازداشت دانشجویان تا ۲۳ تیرماه ۱۳۷۸ ادامه یافت. طی این حوادث دست‌کم ۳۰۰ دانشجو دستگیر و بر اساس گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری ۷ نفر کشته شدند.

^۱ نظر حسن روحانی درباره حجاب اجباری، باشگاه خبرنگاران جوان، ۶ فروردین ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.vjc.ir/fa/news/6026773>

^۲ سخنرانی حسن روحانی، دبیر شورای امنیت ملی در دانشگاه تهران در ۲۳ تیر ۱۳۸۷، جهان‌نیوز، ۲۳ تیر ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.youtube.com/watch?v=wNd4iVL1bg4>

۳. مسئولیت در نقض حقوق بشر توسط وزارت اطلاعات

از مردادماه ۱۳۹۲ تا کنون، حسن روحانی به عنوان رئیس جمهور در موارد متعدد نقض حقوق بشر انجام شده توسط وزارت اطلاعات، که از اجزای دولت اوست، مسئول است. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۳.۱. سرکوب اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶

اعتراضات سراسری در هفتم دی‌ماه ۱۳۹۶ در مشهد آغاز شد و به سرعت به دیگر مناطق ایران سرایت کرد. این اعتراضات به صورت گسترده در شهرهای مختلف تا هفدهم دی‌ماه ادامه یافت و به شکل خشونت‌باری سرکوب شد. بر اساس منابع رسمی در این اعتراضات حدود ۴۰۰۰ نفر دستگیر و ده‌ها تن از سوی پلیس و نیروهای بسیج کشته شدند.

در میانه اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶، حسن روحانی در سخنانی این اعتراضات را ناشی از تحریک‌های کشورهای خارجی دانست و وعده برخورد با معترضان را داد.^۱ در زمان روی‌دادن این اعتراضات، وزارت اطلاعات معترضان، دانشجویان و افرادی که تصاویر این اعتراضات را رسانه‌ای می‌کردند دستگیر کرد.^۲

۳.۲. بازداشت و نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی

وزارت اطلاعات دولت روحانی بازداشت‌های وسیع دراویش گنابادی و شهروندان بهائی را به دلیل باور مذهبی آنان در دستور کار خود داشته است.^۳ از جمله این بازداشت‌ها می‌توان به بازداشت ۱۷ شهروند بهایی در سه شهر بهارستان، شیراز و کرج در ظرف کمتر از یک‌ماه اشاره کرد.^۴

^۱ روحانی: دشمنان به دلیل موفقیت‌های ما عده‌ای را تحریک کردند، رادیو زمانه، ۱۱ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.radiozamaneh.com/374694>

^۲ توضیح وزارت اطلاعات درباره اقدامات جدید در برخورد با عناصر آشوب‌طلب، ایسنا، ۲۰ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2S5zW9F>

^۳ بازداشت پنج تن از دراویش گنابادی در تهران، دویچه‌وله، ۱۰ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FNvpTS>

^۴ بازداشت ۱۷ شهروند بهائی در سه شهر ایران طی یک ماه، کمپین حقوق بشر ایران، ۳ مهر ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://persian.iranhumanrights.org/1397/07/7-bahai-arrests-in-three-cities-of-iran/>

همچنین در پی سرکوب خونبار اعتراضات درآویش گنابادی که برای روزها در بهمن‌ماه ۱۳۹۶ در خیابان گلستان هفتم پاسداران تهران که خانه قطب درآویش، نورعلی تابنده، در آن است، ادامه داشت صدها نفر از معترضان دستگیر شدند. مأموران وزارت اطلاعات امر بازجویی و شکنجه آن‌ها را بر عهده گرفتند. محمد ثلاث متهم بود که روز ۳۰ بهمن ۱۳۹۶ هم‌زمان با درگیری و خشونت مأموران پلیس با درآویش گنابادی در محدوده خیابان پاسداران تهران، با اتوبوس به سمت گروهی از مأموران رانده و سه نفر از آن‌ها را کشته است. او روز ۲۸ خرداد در زندان رجایی‌شهر کرج، با آن که اتهاماتش را نپذیرفته بود، اعدام شد. در پرونده محمد ثلاث ناروشنی‌ها و ابهامات بسیاری وجود داشت از جمله این‌که در بخشی از کیفرخواست دارا بودن گواهینامه رانندگی پایه یک به عنوان «ادله بزه انتسابی» ذکر شده است که در تناقض آشکار با «اصل برائت» است، موضوع معرفی و حضور وکیل تسخیری و تعیینی رعایت نشده است، هیچ ملاقاتی بین وکیل تسخیری و متهم وجود نداشته است و بازسازی صحنه جرم بدون حضور متهم و وکیل او در محل آگاهی تهران و نه در محل وقوع جرم انجام شده است.

۳.۳. بازداشت و شکنجه کارگران معترض و فعالان مدنی

مأموران وزارت اطلاعات، تحت امر حسن روحانی، بازداشت^۱، شکنجه و اعتراف-گیری اجباری از کارگران معترض^۲، فعالان مدنی^۳ و زندانیان سیاسی متعلق به گروه‌های اثنیکی را به طوری جدی پیگیری و اجرا کرده‌اند. از آن میان می‌توان به طور نمونه به پرونده‌های اسماعیل بخشی، نماینده سندیکای کارگران هفت‌تپه،

^۱ سرنوشت نامعلوم مدیرعامل سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، دویچه‌وله، ۶ فروردین ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Hi3UTX>

^۲ اسماعیل بخشی: تا سرحد مرگ شکنجه‌ام کردند، رادیو زمانه، ۱۴ دی ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.radiozamaneh.com/427221/>

^۳ دو فعال مدنی در تهران توسط مأموران وزارت اطلاعات بازداشت شدند، صدای آمریکا، ۱۸ دی ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://ir.voanews.com/a/arrested-iran/4733953.html>

راحله راحمی‌پور، فعال دادخواهی از جنایت‌های دهه شصت^۱ و فعالان عرب اهوازی^۲ اشاره کرد.

۳،۴. حذف مخالفان سیاسی در خارج از کشور

در دولت روحانی، وزارت اطلاعات ترور مخالفان در خارج از کشور را از سر گرفته است. ترورهای انجام‌شده در کشورهای دانمارک^۳ و هلند^۴ و برنامه‌ریزی برای انجام عملیات تروریستی در خاک فرانسه^۵، اتحادیه اروپا را بر آن داشت تا بخشی از وزارت اطلاعات و دو تن از کارکنان این وزارتخانه، از جمله سعید هاشمی مقدم (معاونت وزارت اطلاعات) را در فهرست «گروه‌های تروریستی» قرار دهد.^۶

^۱ با وجود تایید رسمی حقایق درباره نوزاد ناپدیدشده اوین، راحله راحمی‌پور بازداشت شد، عدالت برای ایران، ۲۰ شهریور ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/news/raheleh-rahemipour-arrested/>

^۲ عفو بین‌الملل: مقام‌های ایرانی، حمله مسلحانه اهواز را دستاویزی برای سرکوب اقلیت قومی عرب کرده‌اند، عدالت برای ایران، ۱۱ آبان ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/latest-developments/amnesty-arab-minorities/>

^۳ بحران روابط ایران و دانمارک؛ اتحادیه اروپا 'طرح ترور در خاک دانمارک' را محکوم کرد، بی‌بی‌سی فارسی، ۱۹ آبان ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://www.bbc.com/persian/iran-46043518>

^۴ دولت هلند: جمهوری اسلامی در ترور دو شهروند ایرانی در هلند دست دارد، رادیو زمانه، ۱۸ دی ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.radiozamaneh.com/427808>

^۵ یک دیپلمات ایرانی هم همراه مظنون‌های «طرح بمب‌گذاری» نشست مجاهدین خلق بازداشت شد، صدای آمریکا، ۹ بهمن ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://ir.voanews.com/a/belgium-germany-iran-arrest-opposition-attack/4463435.html>

^۶ اتحادیه اروپا بخشی از وزارت اطلاعات ایران را تحریم کرد؛ اتهام به قتل و تلاش برای عملیات برون مرزی، صدای آمریکا، ۹ بهمن ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://ir.voanews.com/a/iran-eu-terror-/4733568.html>



سید ابراهیم رئیسی

رئیس قوه قضائیه

متولد آذر ۱۳۳۹ در شهر مشهد است. او تحصیلات حوزوی؛ مدرک دکترای فقه و حقوق دارد.

مسئولیت‌ها^۱

- دادپار دادگاه انقلاب کرج در سال ۱۳۵۹
- دادستان دادگاه انقلاب کرج از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰
- دادستان همزمان دادگاه انقلاب کرج و همدان در سال ۱۳۶۰ به مدت ۴ ماه
- دادستان انقلاب همدان از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳
- جانشین دادستان انقلاب تهران از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷
- دادستان تهران از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳
- عضویت در هیات امنای ستاد اجرایی فرمان امام، موضوع اموال در اختیار ولی فقیه
- رئیس سازمان بازرسی کل کشور از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۳
- معاون اول قوه قضائیه از سال ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۹۳
- دادستان کل کشور از شهریور ۱۳۹۳^۲ تا فروردین ۱۳۹۵^۳
- دادستان دادگاه ویژه روحانیت^۴ از خرداد ۱۳۹۱ تا کنون

^۱ «سید ابراهیم رئیسی» کیست، پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری جماران، ۱۵ فروردین ۱۳۹۶، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2TR9u0R>

^۲ انتصابات در قوه قضائیه: اژه ای معاون اول و رئیسی دادستان کل شد، عصر ایران، ۲ شهریور

۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Fu6E9>

^۳ دادستان کل کشور منصوب شد، خبرگزاری مهر، ۱۵ فروردین ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی

اینترنتی: <https://bit.ly/2QQ1ew8>

^۴ رئیسی و منتظری جایگزین رازینی و سلیمی می‌شوند، خبرگزاری فارس، ۱۶ خرداد ۱۳۹۱،

قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2DbEN0X>

- عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز تهران از سال ۱۳۷۶ تا کنون
- نماینده مردم استان خراسان جنوبی در مجلس خبرگان رهبری از ۱۳۸۵ تا کنون^۱
- عضو هیات عالی‌گزینهش کشور مشارکت در تأسیس دفاتر حزب جمهوری اسلامی در جنوب خراسان به دستور سید محمد بهشتی
- مؤسس حوزه علمیه فاطمه‌الزهرا خواهران در تهران (کوی نصر)
- نخستین دبیر ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر کشور
- تولیت آستان قدس رضوی از اسفند ۱۳۹۴ تا اسفند ۱۳۹۷^۲
- رییس قوه قضاییه از ۱۶ اسفند ۱۳۹۷ تا کنون
- نایب رییس مجلس خبرگان رهبری از ۲۱ اسفند ۱۳۹۷ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. عضویت در هیات مرگ و کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷

سید ابراهیم رئیسی به عنوان جانشین وقت دادستان تهران در سال ۱۳۶۷، عضو کمیته‌ای موسوم به «هیات مرگ» در این استان بود که پس از چند سوال درباره عقاید سیاسی یا مذهبی زندانیان تصمیم به اعدام یا زنده‌ماندن آن‌ها می‌گرفت. این هیات حکم اعدام بیش از هزار زندانی سیاسی را در زندان‌های اوین و گوهردشت صادر کرد.

در مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷، چندین هزار زندانی سیاسی در ایران، با فتوای روح‌الله خمینی و تصمیم مقامات قضائی و اطلاعاتی اعدام شدند. تمامی آن‌ها پیش از این به مجازات زندان محکوم شده بودند و در حال گذراندن دوران محکومیت خود بودند و دوران محکومیت برخی از آنان نیز به پایان رسیده بود. زندانیان سیاسی مخفیانه اعدام شدند و پیکر آنان در گورهای بی‌نام‌ونشان یا جمعی در سراسر ایران دفن شده است.^۳

^۱ زندگی‌نامه سید ابراهیم رئیسی، باشگاه خبرنگاران جوان، ۲۱ فروردین ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی: <https://bit.ly/2QUkqZW>.

^۲ انتصاب حجت‌الاسلام سید ابراهیم رئیسی به تولیت آستان قدس رضوی علیه‌السلام، پایگاه اطلاع

رسانی دفتر آیت‌الله علی خامنه‌ای، ۱۷ اسفند ۱۳۹۴، <https://bit.ly/2Hf1sih>.

^۳ برای اطلاعات بیشتر درباره گورهای جمعی، به پلتفرم چند رسانه‌ای "خاک‌رنج" در این نشانی اینترنتی مراجعه کنید: <https://painscapes.com>

علاوه بر شهادت‌های متعدد جان‌به‌دربرندگان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، با انتشار فایل صوتی جلسه حسین‌علی منتظری با اعضای هیات مرگ استان تهران^۱ در ۲۴ مرداد ۱۳۶۷، نقش ابراهیم رئیسی، مصطفی پورمحمدی (نماینده وقت وزارت اطلاعات)، حسین‌علی نیری (حاکم شرع وقت) و مرتضی اشراقی (دادستان وقت) در هیات مرگ به صورت انکارناپذیری ثابت شد.

پیش‌تر نیز حسین‌علی منتظری، از مراجع تقلید منتقد و تنها قائم‌مقام روح‌الله خمینی، در کتاب خاطرات خود^۲ به نقش ابراهیم رئیسی در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ اشاره کرده بود.

در این فایل صوتی، حسین‌علی منتظری در حضور ابراهیم رئیسی (جانشین وقت دادستان)، مصطفی پورمحمدی (نماینده وقت وزارت اطلاعات)، حسین‌علی نیری (حاکم شرع وقت) و مرتضی اشراقی (دادستان وقت) می‌گوید: «بزرگترین جنایتی که در جمهوری اسلامی شده و تاریخ ما را محکوم می‌کند به دست شما انجام شده و شما را در آینده جزو جنایتکاران در تاریخ می‌نویسند.»^۳

وکالی بین‌المللی حقوق بشری چون جفری رابرتسون،^۴ همچنین هیات قضات دادگاه مردمی ایران تریبونال^۵ و سازمان عفو بین‌الملل^۶، کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ را مصداق جنایت علیه بشریت دانسته‌اند.

سازمان ملل نیز قربانیان کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ را مصداق «ناپدیدشدگی قهری» دانسته است.^۷ به رسمیت شناخته‌شدن قربانیان کشتار

^۱ انتشار فایل صوتی آیت‌الله منتظری در مورد اعدام‌های سال ۱۳۶۷، بی بی سی، ۲۰ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی: <https://bbc.in/2SVbNA3>.

^۲ آیت‌الله منتظری نقش پورمحمدی در اعدام‌های سال ۶۷ را تأیید کرد، بی بی سی، ۲۵ آذر ۱۳۸۴، قابل دسترسی در نشانی: <https://bbc.in/2sslxEY>.

^۳ انتشار فایل صوتی سخنان آیت‌الله منتظری درباره اعدام‌های ۶۷؛ مرتکب بزرگترین جنایت شده اید، صدای آمریکا، ۱۹ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2McrBMB>.

^۴ کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷، جفری رابرتسون، بنیاد برومند، فروردین ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: https://www.iranrights.org/attachments/library/doc_5.pdf.

^۵ حکم دادگاه ایران تریبونال، ایران تریبونال، ۱۷ بهمن ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2DaFCH7>.

^۶ کشتار ۶۷؛ استمرار جنایت علیه بشریت توسط حکومت ایران، عفو بین‌الملل، ۴ دسامبر ۲۰۱۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.amnesty.org/download/Documents/MDE1395132018PERSIAN.PDF>

^۷ سازمان ملل قربانیان کشتار ۶۷ را به عنوان ناپدیدشده قهری به رسمیت شناخت، عدالت برای ایران، ۱۱ آبان ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FEPP03>

زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ به عنوان ناپدیدشده قهری، دولت جمهوری اسلامی ایران را بر اساس قوانین بین‌المللی موظف می‌کند که حق خانواده‌های قربانیان را برای دانستن حقیقت درباره سرنوشت و محل دفن عزیزان‌شان ادا کند و مسئولان آن را تحت تعقیب قرار دهد. از نظر حقوق بین‌الملل، ناپدیدشدگی قهری نقض مداوم حقوق بشر و یک جرم بین‌المللی است و تا زمانی که فرد ناپدیدشده پیدا یا سرنوشت‌اش به‌طور کامل معلوم نشود، حتی با وجود گذشت چند دهه، مشمول مرور زمان نمی‌شود.

۲. مشارکت در بازداشت، شکنجه و اعدام مخالفان

در وقایع پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸

سید ابراهیم رئیسی به عنوان معاون اول قوه قضائیه نقش و مشارکت موثری در سرکوب اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ داشته است. در تابستان ۱۳۸۸ و در جریان سرکوب اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، دو تن از زندانیان سیاسی با اسامی محمدرضا علی‌زمانی و آرش رحمانی‌پور با اتهام برنامه‌ریزی برای اقدامات مسلحانه در حالی به اعدام محکوم شدند که پس از محاکمه مشخص شد آنان پیش از برگزاری انتخابات و در ماه‌های فروردین و اردیبهشت دستگیر شده بودند و نمی‌توانستند برای اعتراضات پس از خرداد «برنامه‌ریزی» یا «اقدام» کنند.^۱ حکم اعدام محمدرضا علی‌زمانی و آرش رحمانی‌پور در ۸ بهمن ۱۳۸۸ اجرا شد.^۲

در ۱۳ بهمن ۱۳۸۸ ابراهیم رئیسی، علی‌رغم اثبات دستگیری محمدرضا علی‌زمانی و آرش رحمانی‌پور پیش از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، طی مصاحبه‌ای با خبرگزاری فارس در «نشست سیاسی بصیرت گفت: «دو نفری که اعدام شده و ۹ نفر دیگر که در صورت قطعیت حکم به زودی اعدام خواهند شد قطعاً در جریان آشوب‌های اخیر دستگیر شدند و هر کدام به یکی از جریان‌های ضد انقلاب مرتبط

^۱ دو تن از 'متهمان اعتراضات انتخاباتی ایران' اعدام شدند، بی بی سی، ۸ بهمن ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bbc.in/2QOCqUo>

^۲ 'SHOCKING' EXECUTION OF IRAN PROTESTERS CONDEMNED, Amnesty International, 28 January 2010, Available at: <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2010/01/039shocking039-execution-iran-protesters-condemned-20100128/>

بوده و با انگیزه نفاق و براندازی نظام در اغتشاشات حضور یافته‌اند.^۱

در ۷ مرداد ۱۳۸۸ مهدی کروبی، یکی از کاندیداهای معترض به نتایج انتخابات، با مطرح کردن تعرض جنسی به برخی از بازداشت‌شدگان پس از انتخابات ۱۳۸۸، خواستار رسیدگی مقامات قضائی به این موارد شد.^۲

پس از آن قوه قضائیه با تعیین هیاتی متشکل از ابراهیم رئیسی (معاون وقت قوه قضائیه)، غلامحسین محسنی اژه‌ای (دادستان وقت کشور) و علی خلیفی (رئیس وقت حوزه ریاست قوه قضائیه) آنان را مسئول رسیدگی به این موارد کرد. در ۲۱ شهریور ۱۳۸۸، این هیات طی نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه با رد هرگونه تعرض جنسی به بازداشت‌شدگان نوشتند: «هیات به این جمع‌بندی رسید که نه تنها هیچ‌گونه مدرکی دال بر تجاوز جنسی به افراد مورد ادعای آقای کروبی وجود نداشته و ادعاهای مطرح شده بدون مستند و عاری از حقیقت می‌باشد بلکه ادعاها و مدارک ارائه‌شده کاملاً ساختگی و برای انحراف افکار عمومی تنظیم شده که مراتب از طریق مراجع قضائی و امنیتی برای ریشه‌یابی موضوع در دست بررسی بوده که نتیجه نهایی آن متعاقباً جهت تنویر افکار عمومی اعلام خواهد شد.»^۳

انکار هیات قوه قضائیه مبنی بر تعرض جنسی به بازداشت‌شدگان در حالی صورت گرفت که قربانیان این شکنجه‌های جنسی^۴ توسط نمایندگان قوه قضائیه برای تکذیب شهادت‌های‌شان تحت فشارهای شدیدی قرار گرفته بودند.^۵

سید ابراهیم رئیسی به عنوان دادستان کل کشور، مواضع تند و سخت‌گیرانه‌ای نسبت به میرحسین موسوی، زهرا رهنورد و مهدی کروبی داشته و نسبت به

^۱ پرونده فرزندان هاشمی برای رسیدگی در وقت مقرر به دادسرای تهران ارجاع شد، خبرگزاری فارس، ۱۳ بهمن ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2MdbY7k>.

^۲ تشکیل پرونده علیه مهدی کروبی به خاطر «ادعای تجاوز»، رادیو فردا، ۲۱ مهر ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Fxr2rYj>.

^۳ گزارش هیئت سه نفره قضایی در مورد اظهارات کروبی، سایت الف، ۲۱ شهریور ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Fyt2Dn>.

^۴ کروبی بر مستندبودن شواهد تجاوز جنسی در بازداشت‌گاه‌ها تاکید کرد، بی بی سی، ۱۱ شهریور ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bbc.in/2SX8NDc>.

^۵ فشار شدید بر خانواده و دوستان ابراهیم شریفی؛ یکی از افشاکنندگان تجاوز جنسی در زندان، برای تأیید انکار تجاوز، کمپین حقوق بشر ایران، ۲۹ شهریور ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی

اینترنتی: <https://bit.ly/2ssWPFN>

زمنه‌های رفع حصر آنان واکنش‌های شدیدی نشان داده است؛ از جمله دوشنبه ۸ دی‌ماه ۱۳۹۳، ابراهیم رئیسی با تأکید بر ضرورت تداوم حصر اظهار داشت: «نظام جمهوری اسلامی با سران فتنه با رافت رفتار کرده است و حصر خانگی آن‌ها به منظور تأمین امنیت خود آن‌ها است.»^۱

۳. صدور حکم ۲۱ سال زندان

برای احمد منتظری در دادگاه ویژه روحانیت

سید ابراهیم رئیسی به عنوان دادستان «دادگاه ویژه روحانیت» در صدور حکم ۲۱ سال زندان برای احمد منتظری نقش داشته است. پس از انتشار فایل صوتی جلسه حسین‌علی منتظری با هیات مرگ^۲ در ۱۹ مرداد ۱۳۹۵ توسط احمد منتظری، فرزند حسین‌علی منتظری، او در دادگاه ویژه روحانیت به ۲۱ سال حبس تعزیری و خلع لباس محکوم شد.^۳

^۱ نظام جمهوری اسلامی با سران فتنه با رافت رفتار کرده است، خبرگزاری فارس، ۸ دی ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2sJGfBJ>

^۲ فایل صوتی جلسه آیت‌الله منتظری با هیات مرگ، در تی‌وی، ۱۹ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.youtube.com/watch?v=t4Tv55PBpdc>

^۳ احمد منتظری به زندان و خلع لباس محکوم شد، بی بی سی، ۷ آذر ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.bbc.com/persian/iran-38122215>



اصغر زارعی

مسئولیت‌ها

- مدیر کل حراست مرکزی وزارت علوم از از تیرماه ۱۳۸۴ تا تیر ماه ۱۳۹۰^۱
- رئیس سازمان حراست کل کشور از تیرماه ۱۳۹۰ تا ۷ آبان‌ماه ۱۳۹۲^۲
- استاد دانشگاه^۳
- عضو هیات مدیره انجمن علمی اقتصاد شهری ایران^۴

برخی از موارد نقض حقوق بشر

اصغر زارعی به عنوان مدیر کل حراست مرکزی وزارت علوم تحقیقات و فن‌آوری، در ممانعت از تحصیل بهائیان نقش موثر داشته است. هنگام مدیریت او بر حراست مرکزی وزارت علوم تحقیقات و فن‌آوری، بخشنامه‌ای محرمانه با عنوان «ممنوعیت تحصیل افراد بهائی در دانشگاه‌ها»، با امضا و از طرف مدیرکل حراست مرکزی، خطاب به کلیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور ارسال شده است.

^۱ مدیرکل حراست وزارت علوم منصوب شد، ۱۲ مهر ۱۳۹۰، عصر ایران، قابل دسترسی در نشانی <https://bit.ly/2Dwzutf> اینترنتی:

^۲ «خوان» رئیس سازمان حراست کل کشور شد، خبرگزاری فارس، ۷ آبان ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FTyErX>

^۳ انتصاب دکتر فرهاد رهبر نقطه عطف و فرصت خوبی برای تعالی دانشگاه آزاد اسلامی است، ایسکانیوز، ۷ مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2S3Bt02>

^۴ چالش‌های پیش روی اقتصاد شهری ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری، تیر ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Ug83cJ>

در بخشنامه فوق^۱، با اشاره به مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی به تاریخ ۶ اسفند ۱۳۶۹ آمده است: «شخص بهائی چنانچه در حین ورود به دانشگاه و یا حین تحصیل مشخص شود که بهائی هستند، می‌بایست از دانشگاه اخراج گردند.» به گفته جامعه بین‌المللی بهائی، نیمی از دانشجویانی که در پاییز سال ۱۳۸۵ در دانشگاه‌های ایران ثبت نام کردند به طور تدریجی در طول سال تحصیلی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۶ از دانشگاه‌ها اخراج شدند. این سازمان تعداد دانشجویان بهائی اخراج شده از دانشگاه‌های ایران را فقط در سال تحصیلی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۶ حدود ۱۲۸ نفر بر شمرده است.^۲

یکی از بهائینی که به دلیل مذهب خود از تحصیل در دانشگاه محروم شد، پگاه نام دارد. او در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی گفت که در آزمون سراسری [سال ۸۵] دانشگاه‌ها در رشته علوم اقتصادی (گرایش نظری) دانشگاه شیراز پذیرفته شده است اما در نهم مهرماه که نخستین روزهای آغاز تحصیل در دانشگاه بود، مدیریت آموزشی دانشگاه طی نامه‌ای به دانشکده محل تحصیل او اعلام کرده است که وی را «منصرف» از تحصیل می‌شناسد. پگاه می‌گوید: «چون این نامه را قبول نداشتیم در طول نیمسال تحصیلی در کلاس‌ها حضور داشتیم و امتحان‌ها را هم دادم اما در نیمسال دوم تحصیلی دانشگاه حاضر نشد از من ثبت نام کند و حتی کارنامه تحصیلی نیمسال نخست را هم به من ندادند.» او می‌گوید در جست‌وجوی علت «منصرف» شناختن او از تحصیل به مقامات مختلف، از مسئولان دانشگاه شیراز گرفته تا مسئولان سازمان سنجش و وزارت علوم مراجعه می‌کند و همه این مسئولان به مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی استناد می‌کنند که بهائیان را از آموزش عالی ممنوع می‌کند.

^۱ ممنوعیت تحصیل افراد بهایی در دانشگاه‌ها، خانه اسناد بهایی ستیزی در ایران، ۱۳۸۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://iranbahaipersecution.bic.org/fa/archive/mmnwyt-thsylv-afraad-bhayv-dr-danshgahha>

^۲ «اخراج ۱۲۸ دانشجوی بهایی از دانشگاه‌های ایران»، رادیو فردا، ۷ شهریور ۱۳۸۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://www.radiofarda.com/a/f4_Bahaie_student_expell/409455.html



محمدعلی زنجیره‌ای

مسئولیت‌ها

- معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان زندان‌های ایران تا ۱۴ مرداد ۱۳۹۳^۱
- مشاور عالی رئیس سازمان زندان‌ها از ۱۴ مرداد ۱۳۹۳ تا کنون^۲

برخی از موارد نقض حقوق بشر

محمدعلی زنجیره‌ای به عنوان معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان زندان‌های ایران مسئول آزار زندانیان سیاسی و محروم کردن آن‌ها از حقوق‌شان بوده است. او دستور انتقال بسیاری از زندانیان را به سلول انفرادی صادر کرده است. به عنوان نمونه:

- در ۲۰ فروردین ۱۳۹۰ دو فعال دانشجویی زندانی در اوین به نام‌های بهاره هدایت و مهدیه گلرو بدون ذکر دلیل از طرف مقامات مسئول به سلول‌های انفرادی منتقل شدند.^۳

- در ۲۲ خرداد ۱۳۹۱ هنگامی که زندانیان بند ۳۵۰ زندان اوین مشغول برگزاری مراسمی برای سال‌مرگ هدی صابر بودند نیروهای گارد ویژه به این بند حمله

^۱ مشاور عالی رئیس سازمان زندان‌ها منصوب شد، خبرگزاری میزان، ۱۴ مرداد ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2HmG5tW>

^۲ همان.

^۳ انتقال دو زندانی سیاسی به انفرادی در اوین و محدودیت ارتباطات زندانیان رجایی‌شهر، بی‌بی‌سی، ۲۳ فروردین ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bbc.in/2FGWuru>

کردند و عده‌ای از زندانیان را به سلول انفرادی منتقل کردند.^۱ به هنگام برگزاری این مراسم برق این بند قطع شد و ۵۰ نفر از نیروهای گارد ویژه وارد این بخش از زندان شدند. به دنبال این حمله، شماری از زندانیان از جمله سعید جلالی‌فر، فرشاد قربان‌پور، سعید متین‌پور و بهمن احمدی امویی به سلول انفرادی منتقل شدند.

- در ۲۶ بهمن ۱۳۹۲ رسول بدافی و شاهرخ زمانی، از فعالان سندیکایی-کارگری زندانی، به سلول انفرادی منتقل شدند.^۲ این دو زندانی سیاسی زندان رجایی‌شهر کرج به پلمب و تفکیک کتابخانه بند اعتراض کرده بودند. همچنین در ۱۷ آذر ۱۳۹۲ اسماعیل برزگری، زندانی سیاسی بند ۳۵۰ زندان اوین، که در چهل و سومین روز از اعتصاب غذای خود بود برای بار دوم طی ۱۰ روز به یکی از سلول‌های انفرادی بند ۲۴۰ زندان اوین منتقل شد.^۳

- در ۲۸ فروردین ۱۳۹۳ عوامل اطلاعات سپاه، وزارت اطلاعات و بیش از یکصد نفر از سربازان گارد سازمان زندان‌ها به زندانیان بند ۳۵۰ اوین با باتوم حمله‌ور شدند و پس از ضرب و جرح بیش از سی تن از آنان و انتقال دست‌کم چهار تن از آن‌ها به دلیل خونریزی و شکستگی به بیمارستان خارج از زندان، سی و دو نفر از جمله عبدالفتاح سلطانی، محمدمین هادوی، سعید متین‌پور، بهنام ابراهیم‌زاده، بهزاد عرب‌گل و هوتن دولتی را به انفرادی منتقل کردند.^۴

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در ۲۳ فروردین ۱۳۹۰ (۱۳ آوریل ۲۰۱۱)، ۳۲ مقام ایرانی از جمله محمدعلی زنجیره‌ای را به دلیل نقشی که در نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان

^۱ انتقال چند زندانی سیاسی به سلول انفرادی^۱ در مراسم سالمرگ هدی صابر، بی بی سی، ۲۳ خرداد ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2012/06/120612_saber_evin_amoose

^۲ رسول بدافی و شاهرخ زمانی، به سلول انفرادی منتقل شدند، رادیو زمانه، ۲۸ بهمن ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.radiozamaneh.com/125470>

^۳ انتقال دوباره اسماعیل برزگری به سلول انفرادی، رادیو زمانه، ۱۷ آذر ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.radiozamaneh.com/113107>

^۴ 'حمله' به زندانیان بند ۳۵۰ زندان اوین، بی بی سی، ۲۸ فروردین ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی

http://www.bbc.com/persian/iran/2014/04/140417_nm_prison_attack_evin

ایرانی داشته‌اند از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه دارایی‌های این مقامات نیز در اروپا توقیف شده است. بر اساس بیانیه اتحادیه اروپا محمدعلی زنجیره‌ای مسئول بدرفتاری با زندانیان و محروم کردن آن‌ها از حقوق‌شان و صادر کننده‌ی دستور انتقال بسیاری از زندانیان به سلول انفرادی است.^۱

^۱ COUNCIL REGULATION (EU) No 359/2011 of 12 April 2011 concerning restrictive measures directed against certain persons, entities and bodies in view of the situation in Iran. EUR-Lex, 14 April 2011, Available at: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=CELEX%3A02011R0359-20140412>



محمدحسین زیبایی نژاد (حسین نجات)

جانشین رئیس سازمان اطلاعات
سپاه پاسداران

محمدحسین زیبایی نژاد، معروف به حسین نجات متولد ۱۳۳۴ در شهر شیراز است.^۱ او از ابتدای انقلاب در سمت‌های مختلف اطلاعاتی و امنیتی اشتغال داشته است.

مسئولیت‌ها

- فعالیت در امنیت داخلی [سپاه پاسداران]
- فعالیت در حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران
- مسئولیت در حفاظت قرارگاه خاتم‌الانبیا سپاه پاسداران تا پایان جنگ ایران و عراق
- مسئولیت در ستاد کل نیروهای مسلح
- معاونت پارلمانی وزارت دفاع
- مسئول بازرسی سپاه پاسداران
- مسئول طرح و برنامه سپاه پاسداران ۲ سال
- معاون هماهنگ‌کننده ستاد مشترک سپاه از سال ۱۳۷۳ تا دی ۱۳۷۵
- جانشین ستاد مشترک سپاه از دی ۱۳۷۵ به مدت ۲ سال
- فرمانده قرارگاه ثارالله احتمالاً از سال ۱۳۷۷ تا مهر ۱۳۷۹^۲
- فرمانده سپاه ولی امر؛ سپاه حفاظت از علی خامنه‌ای از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۹
- مسئول سیاسی - اجتماعی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی

^۱ خاطرات سردار نجات از دفاع مقدس، خبرگزاری تسنیم، ۳۱ شهریور ۱۳۹۶، قابل دسترسی در

نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2CSWHEh>

^۲ مراسم معارفه فرمانده جدید قرارگاه ثارالله تهران برگزار شد، ایسنا، ۱۷ مهر ۱۳۷۹، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2AW3Ljw>

- معاون فرهنگی و اجتماعی فرمانده سپاه پاسداران
- جانشین رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران از دی ۱۳۹۵ تا کنون^۱

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. مشارکت در سرکوب اعتراضات دانشجویی

حسین نجات به عنوان فرمانده قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران در برخوردهای خشونت‌آمیز با اعتراضات دانشجویان در سال ۱۳۷۸ نقش مهمی داشته است.^۲ در ۱۸ تیر ۱۳۷۸، پس از اعتراض دانشجویان به توقیف روزنامه «سلام»، ماموران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی و لباس شخصی‌ها با حمله به خوابگاه دانشجویان در کوی دانشگاه تهران، دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار دادند. این خشونت‌ها و بازداشت دانشجویان تا ۲۳ تیر ۱۳۷۸ ادامه یافت. طی این حادثه، عزت ابراهیم‌نژاد، افسر وظیفه که برای دیدار هم‌کلاسی‌های سابق‌اش به کوی دانشگاه رفته بود، در شب ۱۸ تیر کشته شد.

دو سال پس از این وقایع قوه قضائیه با تبرئه تمامی لباس‌شخصی‌ها و عوامل نیروی انتظامی، یک سرباز وظیفه به نام اروجلی ببرزاده را به اتهام «دزدیدن ریش‌تراش» به ۹۱ روز حبس محکوم کرد.^۳

۲. مشارکت در سرکوب اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری

سال ۱۳۸۸ و حصر میرحسین موسوی، زهرا رهنورد و مهدی کروبی

از سرکوب معترضان به نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ تا طراحی و اجرای حصر میرحسین موسوی، زهرا رهنورد و مهدی کروبی، حسین نجات به عنوان یک تصمیم‌گیرنده مهم در شورای امنیت ملی حضور داشته است. او در شهریورماه ۱۳۹۶ طی یک سخنرانی در جمع مسئولان بسیج دانشجویی کشور

^۱ حسین نجات به سمت جانشینی رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران منصوب شد، رادیو فردا، ۷ دی ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.radiofarda.com/a/28199621.html>

^۲ سردار نجات قائم‌مقام رئیس سازمان اطلاعات سپاه شد، دوپچه‌وله، ۷ دی ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2UbfGL3>

^۳ محکومیت «اروجلی ببرزاده» در حادثه ۱۸ تیر، آفتاب، ۲۱ تیر ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2TeBag4>

درباره حصر رهبران اعتراضات به نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ گفت: «این موضوع [حصر] در دبیرخانه بررسی و در شورای عالی امنیت ملی مطرح شد و حتی یک نفر هم مخالفت نکرد در حالی که افرادی مانند آقای روحانی که آن روز نماینده رهبری بودند، رؤسای قوا، وزیر خارجه، وزیر کشور، رئیس ستاد کل و... عضو بودند همه بدون حتی یک نفر مخالف، همان‌طور که دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی اعلام کرد، اصل مجرم‌بودن این‌ها را تأیید کردند، محاکمه را به مصحلت ندانستند (با این‌که محاکمه حق قوه قضائیه بود) و حصر را تأیید کردند.»^۱

۳. مشارکت در بازداشت و شکنجه فعالان سیاسی - مدنی

سازمان اطلاعات سپاه به سرپرستی حسین نجات، مسئول بازداشت و شکنجه سدها روزنامه‌نگار^۲، فعال سیاسی - مدنی^۳، اقلیت مذهبی^۴ و اتنیکی^۵ و فعال فضای مجازی^۶ مسئولیت داشته است.^۷

^۱ حتی یک نفر هم در شورای عالی امنیت ملی با حصر مخالفت نکرد/ فتنه‌گران برای ماه‌های آینده برنامه‌ریزی کرده‌اند، خبرگزاری فارس، ۲۲ شهریور ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2AZIjLp>

^۲ ادامه بازداشت روزنامه‌نگاران در ایران از سوی «اطلاعات سپاه»، رادیو فردا، ۱۲ آبان ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://www.radiofarda.com/a/f4_arresst_iranian_journalists_wave_revolutionary/27343197.html

^۳ بازداشت فعالان سیاسی از سوی ماموران سپاه به نام وزارت اطلاعات!، کلمه، ۹ آذر ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.kalame.com/1393/09/09/klm-203907/>

^۴ بازداشت چندین نفر به اتهام «انحراف مذهبی» به دست اطلاعات سپاه، رادیو فردا، ۴ مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.radiofarda.com/a/f2-iran-irgc-intelligence-arrests-religious-group--minority/28638963.html>

^۵ گسترده‌ترین بازداشت فله‌ای توسط اطلاعات سپاه؛ ابهام در تعداد، هویت و اتهامات بازداشت شدگان، کمپین حقوق بشر ایران، ۲۶ آبان ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://persian.iranhumanrights.org/1394/08/irgc-arrests-internet-users/>

^۶ «سپاه مدیر کانال تلگرامی وزیر اطلاعات را بازداشت کرده است»، دوپچه‌وله، ۱۶ خرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2AR5Ltd>

^۷ سازمان اطلاعات سپاه: ۱۵۷ کانال مستهجن تلگرامی را متلاشی کردیم، رادیو فردا، ۵ اسفند ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FRrAfl>



سید محمود ساداتی

رئیس دادگاه انقلاب شیراز

متولد ۱۳۳۷ در شهر استهبان.

مسئولیت‌ها^۱

- دادیاری دادرسی انقلاب اسلامی
- دادیاری دادرسی عمومی و انقلاب پاسداران فارس
- معاونت دادستان نظامی و دادستان نظامی استان‌های فارس، بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد
- رئیس دادگاه‌های نظامی یک استان فارس، کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان
- رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح استان‌های فارس بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد تا سال ۱۳۸۶
- رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب شیراز
- رئیس دادگاه انقلاب شیراز از اسفندماه ۱۳۹۱ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. نقض حقوق شهروندان بهائی

- سید محمود ساداتی به عنوان رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب شیراز و رئیس دادگاه انقلاب شیراز در محاکمه بهائیان و صدور احکام حبس برای آن‌ها مسئول است.
- براساس احکام صادره از سوی سید محمود ساداتی:
- عدنان رحمت‌پناه^۲، شهروند بهایی، در اردیبهشت ۱۳۹۲ به اتهام «تبلیغ علیه

^۱ تجلیل از رئیس دادگاه انقلاب شیراز به عنوان قاضی نمونه کشوری، خبرگزاری فارس، ۸ مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://fars.farsnews.com/news/13960507001766>

^۲ روزشمار نقض حقوق شهروندان بهایی فروردین و اردیبهشت ۹۲ هراتا، ۷ خرداد ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.hra-news.org/2013/hranews/1-14305/>

نظام و تبلیغ دیانت بهائی» به یک سال زندان محکوم شد.

- فرهود یزدانی^۱، شهروند ۱۸ ساله بهائی، در مرداد ۱۳۹۳ به یک سال زندان محکوم شد. فرهود یزدانی در پی قرار جوانان شیرازی در شبکه‌های اجتماعی برای آب‌بازی داخل پارک بعثت شیراز بازداشت شد و پس از تفتیش منزل به بازداشتگاه وزارت اطلاعات (پلاک ۱۰۰) منتقل شد.

- در تیرماه ۱۳۹۵ یکتا فهندز سعدی^۲، شهروند بهائی، را به اتهام «تبلیغ علیه نظام» و «اجتماع و تبانی» به ۵ سال حبس تعزیری؛ روحیه نریمان و فرزاد دلارام^۳، زوج بهائی ساکن شیراز، را به اتهام «تبلیغ علیه نظام» و «عضویت در گروهک‌های غیرقانونی بهائیت» هر یک به پنج سال حبس تعزیری و نعمت‌الله بنگاله و نازنین بنگاله، شهروندان بهائی، را جمعاً به ۱۰ سال حبس محکوم کرد.^۴

۲. صدور احکام حبس برای تجمع‌کنندگان پاسارگاد

در هفتم آبان‌ماه ۱۳۹۵، شمار زیادی برای بزرگداشت روزی که «روز کوروش» می‌نامند در پاسارگاد، آرامگاه بنیانگذار سلسله هخامنشی، در چند کیلومتری شیراز در استان فارس جمع شدند که نیروهای انتظامی و امنیتی تعداد زیادی از این تجمع‌کنندگان را دستگیر کردند.

سید محمود ساداتی به عنوان رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب شیراز، با صدور احکام حبس برای تجمع‌کنندگان در تجمعات مسالمت‌آمیز پاسارگاد، مرتکب نقض حقوق بشر شده است.

در ۲۵ آذر ۱۳۹۵، در شعبه اول دادگاه انقلاب شیراز به ریاست ساداتی، برای ۷۴ نفر از بازداشت‌شدگان تجمع پاسارگاد، احکام حبس از یک تا هشت سال صادر شد. یک منبع مطلع، به سایت «حقوق بشر در ایران» گفته بود: «رئیس دادگاه

^۱ بازداشت و محکومیت یک جوان بهایی در شیراز، هرانا، ۱۸ مهر ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.hra-news.org/2014/hranews/b-140/>

^۲ محکومیت یک شهروند بهایی در شیراز به ۵ سال حبس، هرانا، ۲۱ تیر ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.hra-news.org/2016/hranews/a-6565/>

^۳ یک زوج بهایی مجموعاً به ۱۰ سال زندان محکوم شدند، رادیو زمانه، ۲۰ اسفند ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.radiozamaneh.com/385651>

^۴ صدور حکم ۱۰ سال حبس برای نعمت‌الله و نازنین بنگاله، هرانا، ۴ اردیبهشت ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.hra-news.org/2018/hranews/a-15042/>

انقلاب شیراز که حق دسترسی این بازداشت‌شدگان به وکیل را سلب کرده و با درخواست توبه‌نامه به آن‌ها وعده آزادی داده بود، به طور شفاهی حکم را در زندان به آن‌ها ابلاغ کرده است.^۱

^۱ احکام تجمع‌کنندگان در پاسارگاد؛ یک سال تا هشت سال حبس، بی بی سی، ۲۵ آذر ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.bbc.com/persian/iran-38328177>



محمود سالارکيا

مسئولیت‌ها

- معاون دادستان تهران در امور زندان‌ها احتمالاً از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۸۹
- معاون ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت در سال ۱۳۹۰^۱
- سرپرست حقوقی و ریاست کمیته انضباطی باشگاه پرسپولیس^۲
- وکیل پایه یک دادگستری و عضو کانون وکلای مرکز^۳

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. مشارکت در ناپدیدکردن قهری سعید زینالی

۵ روز بعد از ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ و درگیری‌های کوی دانشگاه، سعید زینالی در مقابل چشم‌های مادرش بازداشت و به محل نامعلومی منتقل شد. پیگیری‌های خانواده آقای زینالی در خصوص وضعیت و سرنوشت او تا کنون بی‌نتیجه بوده است. اکرم نقابی، مادر سعید زینالی، در گفت‌وگویی با بی‌بی‌سی فارسی اعلام کرده بود: «سه مأمور با اسلحه آمدند و گفتند سعید را برای ۱۰ دقیقه سؤال می‌برند. سعید در زمان بازداشت ۲۲ ساله بود. دو یا سه ماه بعد از بازداشت از

^۱ معاون ستاد سوخت کشور خبر داد: کاهش ۱۰ درصدی مصرف سوخت در کشور با اجرای هدفمندی یارانه، ایسنا، ۲ تیر ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2RJy2MV>

^۲ معاون دادستان سابق تهران نامزد انتخابات شورای شهر شد، خبرگزاری فارس، ۳۱ فروردین

۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2S0TU5s>

^۳ محمود سالارکيا وکیل پایه یک دادگستری عضو کانون وکلای مرکز، کانون وکلای دادگستری

مرکز، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2CywrPx>

زندان تماس گرفت، گفت من خوب هستم و دنبال کارهایم باشید، بعد از آن هیچ خبری از پسرم ندارم.» محمود سالارکیا و محمدرضا نقدی، رئیس حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی در سال، ۱۳۷۸ از جمله مسئولانی هستند که به گفته خانم نقابی با او درباره فرزندش صحبت کرده‌اند. و محمدرضا نقدی خطاب به او گفته است که پسر شما را بچه‌های عملیات ما دستگیر کرده‌اند. اما پی‌گیری‌های خانواده سعید زینالی در نهایت به هیچ نتیجه‌ای نرسید و غلامحسین محسنی اژه‌ای، سخنگوی قوه قضائیه، عنوان کرد که بازداشت او تأیید نشده است.^۱

محمود سالارکیا به عنوان معاون دادستانی تهران در جریان پرونده سعید زینالی بوده است اما از دادن اطلاعات درباره سرنوشت وی به خانواده او خودداری کرده است. اکرم نقابی، مادر سعید زینالی، گفته بود: «ما بارها رفتیم پیش آقای مرتضوی، معاون ایشان آقای سالارکیا به ما گفت «بچه شما مورد امنیتی دارد و زمان می‌برد ولی ما از نماینده سپاه خواستیم که به شما یک ملاقاتی بدهد.» ملاقاتی به من که ندادند، هیچ، امروز فردا، امروز فردا... نمی‌دانم چه بلایی سر بچه من آوردند.»^۲

در مقابل، سالارکیا در سال ۱۳۹۲ در مصاحبه‌ای با مسیح علی‌نژاد می‌گوید: «اگر با مسئولان وقت تماس بگیرید حتماً پاسخ می‌دهند. کما این که آن موقع هم ما وظیفه خودمان می‌دانستیم در مقام پاسخگویی قضیه را پی‌گیری کنیم، حالا این مورد خاص یادم نمی‌آید. الان سه سال است که بازنشست شدم و دقیقاً نمی‌دانم چه پاسخی به این خانواده داده بودیم.»^۳

۲. انکار شکنجه و رفتارهای فراقانونی در زندان

محمود سالارکیا در ۳ دی‌ماه ۱۳۸۴ با اشاره به قطعنامه سازمان ملل و بیانیه اتحادیه اروپا درباره مسائل حقوق بشری در ایران گفته بود که موضوعی به نام شکنجه در زندان‌ها نداریم و کلیه اصول زندانبانی در زندان‌ها رعایت می‌شود.

^۱ ناپدیدشدگان سیاسی در ایران، انکار و مسئولیت‌ناپذیری حکومت، بی بی سی فارسی، ۱۰ شهریور ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2016/08/160831_b33_bahai_iran_political

^۲ گفت‌وگوی مسیح علی‌نژاد با مادر سعید زینالی، تریبون زمانه، ۲۶ آذر ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.tribunezamaneh.com/archives/9250>

^۳ معاون سابق امور زندان‌ها: از قوه قضائیه در مورد سعید زینالی بپرسید حتماً پاسخ می‌دهند، ساوندکلود مسیح علی‌نژاد، ۲۶ آذر ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://soundcloud.com/fr1-journalist/masih-alinejad-salarkia-zeynali>

متهماني که محکوم و حکم قضائي دارند دوران محکوميت خود را طی می کنند و به هيچ وجه در اين مرحله ايجاد رعب و وحشت و شکنجه وجود ندارد. قسمت ديگر، متهمان تحت قرار هستند و اين دسته از افراد با قرارهاي صادره از ناحيه قضات دادسراها روانه زندان می شوند و پرونده اين افراد نيز در حال تحقيقات مقدماتي است. عده اي از اين افراد نيز با سپردن كفالت يا وثيقه آزاد می شوند و ضرورتی بر انجام اعمال و برخورد غيرمتعارف در داخل زندان ها نيست.^۱

۳. مشارکت در سرکوب اعتراضات پس از

انتخابات رياست جمهوری سال ۱۳۸۸

محمود سالارکيا به عنوان معاون دادستان تهران در امور زندان ها مسئول بازداشت بسياری از فعالان سياسي و مدني بعد از انتخابات رياست جمهوری سال ۱۳۸۸ و شرکت کنندگان در تجمعات آرام بوده است. بسياری از دستگيري ها و بازداشت هاي اين افراد که زير نظر او انجام شده است بدون اطلاع و کيل يا خانواده ها، مشخص بودن طول بازداشت و در شرايط مبهم انجام شده است.

او پس از انتخابات رياست جمهوری در خردادماه ۱۳۸۸ و شکل گيري اعتراضات خياباني، مسئوليت «رسيدگی و پاسخگویی» را در خصوص دستگيرشدگان در تظاهرات، که او آن ها را «سران اغتشاشات» می ناميد، بر عهده داشت.^۲

سالارکيا در ۲۵ خردادماه ۱۳۸۸ با اعلام خبر فيلترينگ سايت «جمهوريت»، «نوروز»، «موج سوم»، «آينده» و «انتخاب» به اتهام ايجاد تشويش و اخلال در امر انتخابات گفت: «آينده» و «نوروز» در حين برگزاری انتخابات به لحاظ ايجاد تشويش و اخلال در انتخابات فيلتر شدند.^۳

^۱ معاون امور زندان های دادستان تهران: موضوعی به نام شکنجه در زندان ها نداريم جمعيت کيفری ما رشد منفي داشته است کليه اصول زندان بانی در زندان ها رعایت می شود، ايسنا، ۳ دی ۱۳۸۴،

قابل دسترسی در نشانی اينترنتی: <https://bit.ly/2sElaaM>

^۲ معاون دادستان تهران: - اکثر بازداشتيهای ناآراميهای اخير آزاد شدند - تنها متهمان به اقدام عليه امنيت ملی در بازداشت به سر می برند، ايسنا، ۱۷ تير ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اينترنتی:

<https://bit.ly/2FEyYeK>

^۳ معاون مرتضوی: فيلترشدن ۵ سايت فعال در زمينه انتخابات، دنياي اقتصاد، ۲۵ خرداد ۱۳۸۸،

قابل دسترسی در نشانی اينترنتی: <https://bit.ly/2S6n3fT>

وی در ۱۸ تیرماه ۱۳۸۸ گفته بود که متهمان به اقدام علیه امنیت ملی و تخریب اموال عمومی در بازداشت به سر می‌برند و درباره اعدام ۲۰ نفر از «مجرمان مواد مخدر و قاچاقچیان بین‌المللی» گفته بود "تمام افراد اعدامی محکومان مواد مخدر بودند و احکام آنان قطعی و در دیوان تنفیذ شده بود و در بین این ۲۰ نفر اعدامی به هیچ‌وجه افرادی که در ناآرامی‌های اخیر تهران بازداشت شده بودند، وجود نداشتند."^۱

او همچنین در ۶ مرداد ۱۳۸۸ گفته بود ما زندانی سیاسی در زندان‌های کشور نداریم.^۲ وی دستگیرشدگان اعتراضات پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ را کسانی نامید که به دلیل «اقدام علیه امنیت ملی» در زندان به سر می‌برند.

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در ۱۸ مهر ۱۳۹۰ (۱۰ اکتبر ۲۰۱۱)، ۲۹ مقام ایرانی از جمله محمود سالارکیا را به دلیل نقشی که در نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی داشته است از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه دارایی‌های این مقامات نیز در اروپا توقیف خواهد شد. بر اساس بیانیه اتحادیه اروپا محمود سالارکیا به دلیل بازداشت افراد بی‌گناه، فعالان سیاسی و شرکت‌کنندگان در تجمعات آرام مسئول است و مرتکب نقض حقوق بشر شده است.^۳

^۱ معاون دادستان تهران: متهمان به اقدام علیه امنیت ملی در بازداشت هستند، همشهر آنلاین،

۱۷ تیر ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dq15P9>

^۲ معاون مرتضوی: زندانی سیاسی در کشور نداریم، آفتاب نیوز، ۵ مرداد ۱۳۸۸، قابل دسترسی در

نشانی اینترنتی: <http://aftabnews.ir/vdcb9fb9.rhb8gpiuur.html>

^۳ فهرست دوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۲۱

اسفند ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dim9Et>



محمد سرافراز

عضو شورای عالی فضای مجازی

متولد سال ۱۳۴۰؛ فارغ‌التحصیل دکترای علوم سیاسی از دانشگاه بیروت^۱

مسئولیت‌ها^۲

- معاون برون‌مرزی سازمان صدا و سیما از ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۳
- مدیر شبکه‌های تلویزیونی هیسپان تی‌وی، کوثر و العالم
- مدیر شبکه پرس تی‌وی از ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳
- رئیس صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران از ۱۷ آبان ۱۳۹۳ تا اردیبهشت ۱۳۹۵^۳
- عضو شورای عالی فضای مجازی از اسفند ۱۳۹۰ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. مسئولیت در پخش اعترافات اجباری زندانیان سیاسی - عقیدتی

هنگام ریاست محمد سرافراز بر شبکه تلویزیونی پرس تی‌وی (۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲)^۴ اعترافات دست‌کم ۱۸ زندانی سیاسی و عقیدتی از این شبکه پخش شده است. بر

^۱ زندگی‌نامه محمد سرافراز (۱۳۴۰-)، همشهری آنلاین، ۱۷ آبان ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RYGHdm>

^۲ زندگی‌نامه و سوابق کاری "محمد سرافراز" ریاست جدید سازمان صدا و سیما، نسیم‌آنلاین، ۱۷ آبان ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2W2dbmo>

^۳ «محمد سرافراز» رئیس سازمان صداوسیما شد+حکم، خبرگزاری فارس، ۱۷ آبان ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FA1Q83>

^۴ کات! پخش پرس تی‌وی باید متوقف شود، عدالت برای ایران، ۱۲ دی ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://justice4iran.org/persian/publication/presstv-farsi/>

شده است. بر اساس تحقیقات عدالت برای ایران تمامی این اعترافات تحت فشار، آزار یا شکنجه اخذ شده است و بدون رضایت این زندانیان از پرس تی‌وی پخش شده است.

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز ۲۴ آبان ۱۳۹۳ در نخستین روزهای شروع به کار محمد سرافراز به عنوان رئیس این سازمان با پخش تصاویر حامد احمدی، کمال ملایی، جهانگیر دهقانی و جمشید دهقانی، زندانیان سنی، اتهامات منتسب به آن‌ها را منتشر کرد. این چهار زندانی سنی‌مذهب در همان زمان، طی نامه‌ای که از زندان به بیرون انتقال دادند، به این برنامه و نسبت‌دادن اتهامات دروغین به آن‌ها اعتراض کرده بودند.

مازیار بهاری، روزنامه‌نگار ایرانی-کانادایی و خبرنگار نیوزویک و کانال ۴ انگلیس در تهران؛ زانیار و لقمان مرادی، زندانیان سیاسی کرد؛ احمد دبات و سجاد بیت عبدالله، زندانیان سیاسی عرب؛ سکینه محمدی آشتیانی، زندانی زن محکوم به سنگسار؛ هوتن کیان، وکیل حقوق بشری؛ جمال قزاقی، زندانی سیاسی کرد؛ مرضیه رسولی، پرستو دوکوهکی و سهام بورقانی، روزنامه‌نگار؛ هادی راشدی^۱، مدیر مدرسه در شهر رامشیر و موسس یک سازمان غیردولتی برای توسعه فرهنگ و زبان عربی؛ هاشم شعبانی^۲، دبیر دبیرستان و موسس یک سازمان غیردولتی برای توسعه فرهنگ و زبان عربی؛ طاها حیدریان، فعال سیاسی عرب؛ سمکو خلقتی، کارمند تاسیسات هسته‌ای اراک و علی چبیشات، خالد موسوی و سلمان چایانی^۳، زندانیان سیاسی عرب، از جمله افرادی هستند که اعترافات اجباری^۴ آن‌ها از شبکه پرس تی‌وی، تحت مدیریت محمد سرافراز، پخش شده است.

پرس تی‌وی اعترافات تلویزیونی برخی زندانیان سیاسی از جمله دستگیرشدگان عرب را ماه‌ها پیش از برگزاری دادگاه ایشان و در برنامه‌هایی چون «گروه تروریستی

^۱ هادی راشدی و هاشم شعبانی، دو زندانی عرب اهوازی اعدام شدند، عدالت برای ایران، ۹ بهمن ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/news/newshadi-rashedi-hashem-shabaninejad/>

^۲ همان.

^۳ اعدام و دفن مخفیانه علی چبیشات و سید خالد موسوی، دو زندانی عرب اهوازی، عدالت برای ایران، ۲۳ خرداد ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/news/execution-of-ahwazi-arab-activists/>

^۴ قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://vimeo.com/79671895>

الاحوازی در خوزستان» و «گروه تروریستی الاحوازی در ایران» پخش کرده است که در آن این اعترافات دروغین را که به وضوح تحت شکنجه گرفته شده‌اند، پخش می‌کند.

همچنین تصاویر خانواده‌های علی چبیشات و خالد موسوی و سلمان چایانی، سه زندانی سیاسی، که پس از مدت‌ها بی‌خبری از آن‌ها با وعده ملاقات با عزیزان‌شان برای آمدن جلوی دوربین پرس تی‌وی تحت فشار گذاشته شده‌اند نیز بدون اخذ رضایت آن‌ها از پرس تی‌وی پخش شده است.

بر اساس رای دادگاه اروپایی در پرونده سرافراز و عمادی علیه شورای اروپا «پخش اعترافات اجباری توسط شبکه‌ای مانند پرس تی‌وی، بدون انجام اقدامات لازم جهت مطلع ساختن عموم از شرایط خاص ضبط این اعترافات و بدون دریافت رضایت اشخاص مصاحبه‌شونده پیش از پخش آن، می‌تواند همکاری در برنامه مقامات حکومتی ایران جهت گناهکار نشان دادن اشخاص بازداشت‌شده و یا زندانی باشد. این امکان مخصوصاً در شرایطی تحقق می‌یابد که اعترافات گرفته‌شده در نهایت به عنوان ادله اثبات جرم علیه بازداشت‌شدگان در برابر دادگاه صالح مورد استفاده قرار گرفته است تا آرای دادگاه در رابطه با وجود یک جرم کیفری و مجازات مربوطه را توجیه کنند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که پخش اعترافات اجباری در یک شبکه خبری مانند پرس تی‌وی، از آنجا که اعترافات مورد نظر را برای عموم (در سطح ملی و بین‌المللی) پخش می‌کند، می‌تواند ناقض حق دادرسی عادلانه باشد.»^۱

۲. مشارکت در محدودکردن حق دسترسی آزاد

به اینترنت و تعقیب کاربران فضای مجازی

محمد سرافراز به عنوان عضو شورای عالی فضای مجازی از اسفند ۱۳۹۰ تا کنون در کنترل، سانسور، فیلترینگ، و همچنین تعقیب کاربران فضای مجازی نقش مؤثری داشته است.^۲

^۱ حکم دادگاه عدالت اروپا درباره محمد سرافراز، رئیس صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، عدالت برای ایران، ۱۶ فروردین ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/j4iran-activities/european-court-mohammad-sara-fraz>

^۲ پرونده ناقض حقوق بشر: شورای عالی فضای مجازی، عدالت برای ایران، ۱۱ آبان ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/human-rights-violator-s-profiles/supreme-council-of-cyberspace/>

شورای عالی فضای مجازی عالی‌ترین نهادی است که وظیفه نظارت، سیاست-گذاری و تصمیم‌سازی در فضای مجازی را به عهده دارد و مسئول اصلی کنترل، سانسور، فیلترینگ و تعقیب کاربران فضای مجازی در ایران است. به‌طور نمونه در بخش‌هایی از مصوبه شورای عالی فضای مجازی، مورخ خرداد ۱۳۹۶ درباره پیام‌رسان‌های اجتماعی (تلگرام، واتساپ...) بر «ذخیره‌سازی» و «پردازش داده‌های مرتبط با فعالیت پیام‌رسان» در داخل کشور تأکید شده است.^۱

در بخش دیگری از این مصوبه آمده است: «مسئولیت اقدامات کاربران در شبکه‌های اجتماعی به عهده خود کاربران است و ارائه‌دهنده خدمت پیام‌رسان موظف به همکاری با مقامات است.»^۲

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا اسفند ۱۳۹۱، محمد سرافراز را به دلیل نقشی که در نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی داشته است از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه دارایی‌های احتمالی وی در اروپا توقیف خواهد شد. بر اساس مصوبه اتحادیه اروپا «همکاری تنگاتنگ شبکه پرس تی‌وی با نیروهای امنیتی و مسئولان قضائی» برای «بخش اعترافات اجباری زندانیان» از دلایل تحریم محمد سرافراز عنوان شده است.^۳

محمد سرافراز و حمیدرضا عمادی، دو مدیر ارشد پرس تی‌وی، از تصمیم یادشده به دادگاه عدالت اروپا شکایت کردند. عدالت برای ایران درخواست ورود به پرونده را به عنوان شخص ثالث تسلیم دادگاه کرد که دادگاه در تصمیمی جداگانه، به دلیل این‌که گزارش‌های عدالت برای ایران یکی از مهم‌ترین دلایل تصمیم اتحادیه اروپا برای تحریم سرافراز و عمادی بود این درخواست را قبول کرد. در نهایت این دادگاه تأیید کرد که تصمیم اتحادیه اروپا برای اعمال مجازات‌های حقوق بشری

^۱ سیاست‌ها و اقدامات ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی، مرکز ملی فضای مجازی، ۱۳ خرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RWHjQW>

^۲ همان.

^۳ COUNCIL IMPLEMENTING REGULATION (EU) No 206/2013 of 11 March 2013, EUR-Lex, 12 March 2013, Available at: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/GA/TXT/?uri=celex:32013R0206>.

علیه مسئولان پرس تی‌وی مطابق قوانین بوده است و این دو نفر همچنان مشمول ممنوع‌الورودی به کشورهای اروپایی و سایر ضوابط محدود کننده هستند.^۱

^۱ دادگاه عدالت اروپا مدیران صدا و سیما را به دلیل نقض حقوق بشر محکوم کرد، عدالت برای ایران، ۱۹ آذر ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/publication/call-for-action/the-european-court-of-justice2/>



سهراب سلیمانی

سرپرست معاونت امنیتی و
انتظامی سازمان زندان‌ها

متولد ۱۳۴۳؛ برادر قاسم سلیمانی
فرمانده سپاه قدس^۱ است.

مسئولیت‌ها

- مدیرکل زندان‌های استان تهران از ۱۳۸۰ تا خرداد ۱۳۹۵^۲
- سرپرست معاونت امنیتی و انتظامی سازمان زندان‌ها از خرداد ۱۳۹۵ تا کنون^۳

برخی از موارد نقض حقوق بشر

در ۲۸ فروردین ۱۳۹۳ ده‌ها تن از ماموران زندان اوین با همراهی ماموران امنیتی به بهانه تفتیش وسایل شخصی زندانیان به بند ۳۵۰، که محل نگهداری زندانیان سیاسی است، حمله کردند و شمار زیادی از زندانیان این بند را مورد ضرب و شتم شدید قرار دادند. پس از آن با ممانعت از درمان و انتقال مصدومان به بیمارستان، ۳۲ تن از زندانیان که اغلب آن‌ها به شدت آسیب دیده بودند به سلول‌های انفرادی منتقل شدند.^۴

^۱ رازهای زندگی سردار ایرانی / حاج قاسم چگونه زندگی می‌کند، خبرگزاری فارس، ۲ شهریور ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RQC18j>

^۲ پس از ۱۵ سال؛ مدیرکل زندان‌های استان تهران تغییر کرد، خبرگزاری تسنیم، ۵ خرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RXj1Gn>

^۳ مدیرکل زندان‌های استان تهران تغییر کرد، خبرگزاری مهر، ۵ خرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2U0akZ7>

^۴ عدالت برای ایران مقامات مسئول اعمال خشونت علیه زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ اوین را معرفی می‌کند، عدالت برای ایران، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

تحقیر زندانیان، تراشیدن موی سر و صورت آن‌ها، دست‌بند زدن به دست و پا و بستن مجروحان به تخت با دست‌بند، تخریب اموال شخصی زندانیان و بی‌خبر گذاشتن خانواده‌های زندانیان مصدوم‌شده از وضعیت آنان از جمله موارد نقض حقوق زندانیان در این رخداد است.

سهراب سلیمانی به عنوان مدیرکل وقت زندان‌های استان تهران، که بر اساس قانون مسئولیت حفاظت از جان زندانیان و اجرای آیین‌نامه زندان‌ها را بر عهده دارد، افزون بر کوتاهی در انجام وظیفه برای حفاظت از زندانیان، پس از رخدادهای بند ۳۵۰ اوین هرگونه درگیری و ضرب و شتم زندانیان بند ۳۵۰ اوین از سوی مأموران زندان را تکذیب کرد و گفت: «تنها یک بازرسی ساده انجام شده که این بازرسی به صورت ماهانه و نوبه‌ای انجام می‌شود.»^۱

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری

وزارت خزانهداری ایالات متحده آمریکا

۲۴ فروردین ۱۳۹۶، وزارت خزانهداری ایالات متحده آمریکا، سهراب سلیمانی را به دلیل نقض جدی حقوق بشر در لیست مجازات‌های حقوق بشری^۲ قرار داد. بر اساس این تحریم، دارایی‌های احتمالی سهراب سلیمانی در آمریکا توقیف می‌شود و شهروندان ایالات متحده حق هیچ‌گونه معامله‌ای با او نخواهند داشت. نقش سهراب سلیمانی در «حوادث بند ۳۵۰ اوین» و «انکار» این رویداد توسط او و «مسئولیت کنونی و راهبردی» وی در نظارت بر سازمان زندان‌ها که با ادامه «نقض حقوق زندانیان» همراه بوده است، از جمله مواردی است که در بیانیه وزارت خزانهداری ایالات متحده آمریکا^۳ به آن اشاره شده است.

<https://justice4iran.org/persian/publication/call-for-action/political-prisoner-evvin-350-ward/>

^۱ وزارت اطلاعات به زودی درباره حادثه زندان اوین اطلاعیه می‌دهد، خبرآنلاین، ۳۰ فروردین ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FK6nUx>

^۲ آمریکا برادر سردار «قاسم سلیمانی» را تحریم کرد، خبرگزاری مهر، ۲۴ فروردین ۱۳۹۶، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RXjkRx>

^۳ Treasury Takes Action to Target Serious Human Rights Abuses in Iran, U.S. DEPARTMENT OF THE TREASURY, 13 April 2017, Available at: <https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/sm0043.aspx>



حسین شریعتمداری

سر دبیر و مدیر مسئول روزنامه
کیهان و نماینده سید علی خامنه‌ای
در آن روزنامه

حسین شریعتمداری متولد سال ۱۳۲۶ دماوند است. او از زندانیان سیاسی پیش از انقلاب بود. قبل از دستگیری، به تحصیل در رشته پزشکی مشغول بوده است.

مسئولیت‌ها

- عضو سپاه پاسداران و از فرماندهان جنگ در دوران جنگ ایران و عراق
- مسئول بخش معاونت اجتماعی وزارت اطلاعات از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲^۱
- سر دبیر و مدیر مسئول روزنامه کیهان و نماینده سید علی خامنه‌ای در آن روزنامه از ۱ دی‌ماه ۱۳۷۲ تا کنون^۲

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. مشارکت در "تواب‌سازی" در دهه ۶۰

فرهاد بهبهانی، زندانی سیاسی سابق، در کتاب خاطرات زندان خود با عنوان "در مهمانی حاجی آقا"^۳ از شریعتمداری به عنوان بازجوی خود نام می‌برد که در زندان به «برادر حسین» معروف بوده است.^۴ گرچه حسین شریعتمداری بازجو بودن

^۱ حسین شریعتمداری از نمای نزدیک، ایسنا، ۲ دی ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.isna.ir/news/۹۵۱۰۰۲۰۰۹۷۸/>

^۲ انتصاب نماینده ولی فقیه و سرپرست موسسه کیهان، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱ دی ۱۳۷۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=11205>

^۳ فرهاد بهبهانی و حبیب‌الله داوران؛ در میهمانی حاجی آقا؛ انتشارات امید فردا، تهران، ۱۳۸۲

^۴ ن.ک. زیرنویس ۱.

خود را تکذیب کرده اما در مطلبی در روزنامه کیهان می‌نویسد: «دعوت از اینجانب برای بحث و گفت‌وگو با زندانیان گروهکی از جانب مجید انصاری صورت گرفته بود... جزء پربرکت‌ترین ایام خود می‌دانم که بر اثر آن تعداد قابل توجهی از عناصر گروهکی بریده از انقلاب و مردم به آغوش انقلاب و ملت بازگشتند.^۱ وی همچنین در مصاحبه‌ای با نیویورک تایمز می‌گوید که در موارد خاصی که از او برای صحبت با زندانیان درخواست شده همکاری کرده است و این موضوع که بازجو نبوده به این معنا نیست که کار بازجویان را تأیید نمی‌کند.^۲

۲. همکاری با وزارت اطلاعات در سرکوب دگراندیشان و مخالفان

حسین شریعتمداری به همراه سعید امامی^۳، از مدیران بلندپایه وزارت اطلاعات در دوران هاشمی رفسنجانی و مسئول برخورد با نویسندگان و دگراندیشان، از سازندگان برنامه تلویزیونی «هویت» در سال ۱۳۷۵ بود. برنامه هویت که در چندین قسمت از صدا و سیمای جمهوری اسلامی پخش شد روشنفکرانی چون عبدالحسین زرین‌کوب و هوشنگ گلشیری و بسیاری دیگر را وابسته به بیگانگان و خائن به کشور معرفی می‌کرد. اعترافات تلویزیونی که از سعیدی سیرجانی، عزت‌الله سبحانی^۴ و غلامحسین میرزاصالح در زندان تحت فشار و شکنجه ضبط شده بود در این مجموعه برنامه پخش شده است.

خبرنگار روزنامه کیهان در سال ۱۳۸۲ مصاحبه‌ای با اکبرهاشمی رفسنجانی درباره هشت سال دوره ریاست جمهوری‌اش انجام داد. در آن مصاحبه با اشاره به برنامه «هویت» و نقش حسین شریعتمداری آمده است: «...[خبرنگار روزنامه کیهان]: ضمناً می‌گویند آقای سبحانی از شما قول گرفته بود اعترافاتی که کرده، از تلویزیون پخش نشود. ولی در برنامه «هویت» پخش شد. در مورد این دو شبهه توضیح بفرمایید؟

^۱ همان.

^۲ Freed by Revolution, He Speaks for Iran's Hard-Liners, Michael Slackman, The New York Times, 22 September 2007, Available at: <https://www.nytimes.com/2007/09/22/world/middleeast/22shariamadari.html>

^۳ سعید امامی، مردی که با داروی نظافت خودکشی کرد، بی بی سی، ۳ آذر ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: http://www.bbc.com/persian/iran/2009/11/091123_ag_emami

^۴ درگذشت عزت‌الله سبحانی؛ زندانی پرامید رفت، بی بی سی، ۱۰ خرداد ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: http://www.bbc.com/persian/iran/2011/05/110531_178_sahabi_behnoud

[هاشمی رفسنجانی]: اولاً از من قولی نگرفته بود. اصلاً از اعترافات ایشان اطلاعی نداشتیم که قولی بدهم. آقای سبحانی هم رفیق من بود. ما در دوران مبارزه هم‌پرونده و با هم در زندان بودیم. بعد از پیروزی هم در شورای انقلاب بود. همیشه با هم بودیم و اختلافی نداشتیم. گروهی را هم که وزارت اطلاعات گرفتند، بدون اطلاع من گرفتند. گویا حدود ۹۰ نفر را گرفتند. من اصلاً با اینطور چیزها مخالف بودم. منتها وزارت اطلاعات از این کارها می‌کرد... برنامه هویت را از تلویزیون دیدیم و اصلاً خبر نداشتیم. شما از آقای شریعتمداری بپرسید که چه کسی به او گفته که آن برنامه را بسازد.^۱

کسانی که در برنامه هویت علیه خود و همفکرانشان اعتراف کردند و این اعترافات در برنامه تلویزیونی «هویت» پخش شد، پس از آزادی علناً اعلام کردند اعترافات تحت فشار بازجویی بوده است. در نمونه‌ای عزت‌الله سبحانی در سال ۱۳۶۹ و در زمان مسئولیت سعید امامی، معاون با نفوذ علی فلاحیان، وزیر وقت اطلاعات، بازداشت و به مدت چند ماه تحت بازجویی‌های سنگین برای «اعتراف کردن» علیه خود و همفکرانش قرار گرفت.^۲

علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، نویسنده و متفکر، یکی دیگر از کسانی است که اعترافات او علیه خود در برنامه «هویت» پخش شده است. سازمان عفو بین‌الملل^۳ در بیانیه‌ای از وضع سلامت و خطر شکنجه او در طول بازداشت، ابراز نگرانی کرده بود و نهایتاً هم مرگ او در زندان «سکته قلبی» عنوان شد. نقل قول زیر از او نیز نشانه دیگری از اعمال فشار برای اخذ اعترافات اجباری تلویزیونی است:

«اون‌چه که باعث شد من امشب خودم خواهش کنم که بیابند این برنامه را ضبط کنند صحبتی است که از دو روز پیش شروع شده ولی شاید ده دقیقه قبل یک تلنگر سفتی به روح من خورد، می‌خواستم این صحبت را بکنم که این چیزهایی

^۱ مصاحبه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با روزنامه کیهان مصاحبه‌کننده: دبیر گروه گفت و گوی روزنامه کیهان، مرکز اسناد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، ۱۴ آبان ۱۳۸۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2CF59XA>

^۲ عزت‌الله سبحانی درگذشت، بی بی سی، ۱۰ خرداد ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: http://www.bbc.com/persian/iran/2011/05/110531_139_ezzatollah_sahabi_death
^۳ IRAN: FEAR OF TORTURE / FEAR OF DEATH PENALTY: ALI AKBAR SAIDI-SIRJANI, Amnesty International, 27 April 1994, Available at: <https://www.amnesty.org/en/documents/mde13/003/1994/en/>

که در طول این مدت من نوشتم، همه رگه‌هایی از لجبازی شدید دارد و شدیداً پشیمانم از این کار.^۱

۳. نفرت پراکنی علیه بهائیان

روزنامه کیهان با انتشار گسترده مقالات ضد بهائیان که بسیاری از آن‌ها توسط حسین شریعتمداری نوشته شده است و متهم کردن بهائیان به دخالت در جریانات اعتراضی مردمی پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ به قصد براندازی حکومت جمهوری اسلامی ایران و همچنین اشاعه اتهامات مختلف مبنی بر همکاری بهائیان با دولت‌های اسرائیل و آمریکا (به عنوان دشمنان جمهوری اسلامی ایران) به قصد عملیات ضد حکومت جمهوری اسلامی تلاش کرده است. تا بهائیان را دشمنان خطرناک و بالفعل نظام جمهوری اسلامی ایران جلوه دهد. جمیع این فعالیت‌ها به فراهم کردن بستر فکری و ایدئولوژیک فشار و نقض حقوق بهائیان از سوی حکومت جمهوری اسلامی می‌انجامد.

کیهان برای این اتهامات هیچ‌گونه سند و دلیلی ارائه نکرده است. علاوه بر این جامعه بهائیان مکرراً اعلام کرده‌اند که بر اساس اعتقادات دیانت بهائی درباره پرهیز از ورود به سیاست، در حرکت‌های سیاسی اعتراضی و اعتصابات شرکت نمی‌کنند. جامعه جهانی بهائیان در گزارش "کمپین رسانه‌های ایران برای دهشتناک جلوه دادن بهائیان"^۲ به طرح و بحث نقش و عملکرد گسترده رسانه‌های وابسته یا نزدیک به حکومت جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.^۳

برای نمونه در ادامه به برخی از نقل قول‌هایی از کیهان که در این گزارش آمده است اشاره می‌کنیم.

روزنامه کیهان در مقاله صفحه اول مورخ پانزده دی‌ماه می‌نویسد: «... با توجه به دشمنی دیرینه فرقه انگلیس‌ساخته بهائیت با امامت و تشیع (به ویژه با مهدویت)، تحرکات این جریان فاسد و انحرافی در روز عاشورا برای هتک حرمت عزای

^۱ آقازاده مشکوک، رادیو کوچه، ۹ اردیبهشت ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://radiokoocheh.com/article/103095>

^۲ گزارش کمپین رسانه‌های ایران برای دهشتناک جلوه‌دادن بهائیان را افشا می‌کند، سرویس خبری جامعه بهائی، مهر ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://news.persian-bahai.org/multimedia/slideshow.php?storyid=316>

^۳ همان.

حسینی قابل فهم‌تر می‌شود ضمن این‌که سران این جریان، وابستگی‌های علنی به رژیم صهیونیستی، انگلیس و آمریکا دارند. در زمان رژیم پهلوی برای ریاست دستگاه‌هایی چون ساواک، شهربانی و ارتش از عناصر جنایتکار و بی‌رحم بهائی استفاده می‌شد...^۱

همچنین کیهان در تاریخ ۲۴ اسفندماه ۱۳۸۸ در مقاله‌ای با عنوان «جزئیات تازه از انهدام شبکه سایبری سیا» می‌نویسد: «...در این راستا طرح «بی‌ثبات‌سازی ایران» در سال ۲۰۰۹ میلادی توسط سازمان سیا تهیه و با اختصاص بودجه ۴۰۰ میلیون دلاری توسط کنگره آمریکا، با دستور «بوش» ابلاغ و عملیاتی شد. بخشی از این طرح، راه‌اندازی نوعی جدید از «جنگ اطلاعاتی» موسوم به «جنگ سایبری» بود که از سال ۲۰۰۶ میلادی و با به کارگیری گروه‌های ضد انقلاب از جمله حزب صهیونیستی بهائیت، منافقین، سلطنت‌طلبان و برخی گروهک‌های دیگر، مورد توجه ویژه آمریکایی‌ها قرار گرفت. در این راستا تأسیس شبکه موسوم به «ایران پراکسی» از مهمترین اقداماتی است که در این سال توسط سازمان سیا تحت پوشش دفتر IBB، وزارت امور خارجه آمریکا و با بودجه اولیه بالغ بر ۵۰ میلیون دلار انجام شد...^۲

یا در مطلب دیگری در ۱۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۹ پیروان دیانت بهائی را به نقش داشتن در «توهین به مقدسات دین اسلام» و «ارتباط با دشمنان ایران» به خصوص اسرائیل متهم می‌کند: «... شایان ذکر است در جریان حرمت‌شکنی اغتشاشگران در روز عاشورا (شش دی‌ماه ۱۳۸۸) چند تن از عناصر بهایی به عنوان هدایت‌کنندگان حرمت‌شکنی عزای امام حسین(ع) بازداشت شدند. چند تن از سران گروهک استعماری بهائیت به جرم جاسوسی برای رژیم صهیونیستی هم‌اکنون در بازداشت به سر می‌برند. سران این گروه در خارج همواره تلاش کرده‌اند ارتباط با رژیم صهیونیستی و سرویس موساد را کتمان و انکار کنند. گروهک انگلیس‌ساخته بهائیت به ویژه طی سال‌های اخیر ارتباطات گسترده‌ای را با برخی عناصر افراطی مدعی اصلاحات به هم زده و از جمله این عناصر می‌توان

^۱ مردان خداجوی موسوی بهائی و تروریست از آب درآمدند، کیهان، ۱۵ دی ۱۳۸۸، قابل دسترسی

در نشانی اینترنتی: <http://w.magiran.com/npview.asp?ID=2017180>

^۲ گزارش اختصاصی کیهان: جزئیات تازه از انهدام شبکه سایبری سیا، کیهان، ۲۴ اسفند ۱۳۸۸،

قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2057775>

به کسانی چون مهاجرانی، کدیور، سروش، گنجی، مجید محمدی و عباس معروفی اشاره کرد که به ویژه در کشورهای انگلیس، آمریکا، کانادا و... اقامت دارند. برخی خبرهای موثق حاکی از آن است که شماری از این عناصر جذب شده به شبکه جهانی بهائیت، در ازای دریافت پول مأمور حرمت‌شکنی علنی در حوزه‌هایی نظیر انکار امام زمان (عج)، انکار رسالت پیامبر (ص) و قداست قرآن، تخطئه ولایت فقیه، ترویج سکولاریسم، اهانت به امام و رهبری شده‌اند...»^۱

سردبیر روزنامه کیهان، مستقیماً از سوی رهبر جمهوری اسلامی ایران، سید علی خامنه‌ای، منصوب می‌شود. روزنامه نیویورک‌تایمز در مصاحبه‌ای که با حسین شریعتمداری در سال ۲۰۰۷ انجام داده و منتشر کرده است درباره او می‌نویسد: «... او صدای ایران تندرو است. نه فقط تندرو بلکه رادیکال، امنیتی و غیرقابل انعطاف. او مدیرمسئول روزنامه کیهان است که به شما دید کلی از افراطی‌ترین دیدگاه‌های رهبران ایران، طرز فکر و برنامه‌های افرادی که در رأس قدرت هستند، می‌دهد.»

۴. فراهم آوردن زمینه برخورد‌های امنیتی با منتقدان و مخالفان جمهوری اسلامی

مطالب روزنامه کیهان و به‌خصوص سرمقاله‌های حسین شریعتمداری در بسیاری از موارد بستر فکری و گفتمانی برخورد‌های امنیتی با منتقدان و مخالفان جمهوری اسلامی را فراهم کرده است. به عنوان مثال، مطالب و ادبیاتی که روزنامه کیهان بعد از اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ تولید کرده است، سعی در ارتباط‌دادن حرکت اعتراضی مردم به کشورهای خارجی و فراهم کردن توجیه و زمینه نقض حقوق بشر و فشار بوده است. گزارش «کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران» در گزارشی به نام «مردان خشونت: مجریان و مروجان خشونت پس از انتخابات» به معرفی عاملان و چهره‌های موثر سرکوب‌های اعتراضات پس از انتخابات پرداخته است. حسین شریعتمداری یکی از این چهره‌هاست. در این گزارش آمده است: «... روایت روزنامه کیهان از حوادث بعد از انتخابات پس از آن توسط وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران به عنوان روایت اصلی از حوادث بعد

^۱ ملاقات در اورشلیم برای گسترش همکاری بهائی‌ها با فتنه‌گران، کیهان، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2082837>

از انتخابات برای دستگیری مخالفان، اعمال شکنجه و آزار و اذیت در بازداشتگاه‌ها، اخذ اعترافات اجباری و در نهایت صدور احکام طویل‌المدت زندان به کار گرفته شد.^۱

در بخش دیگری از این گزارش درباره نقش و موضع‌گیری روزنامه کیهان و حسین شریعتمداری درباره اعترافات تلویزیونی که متهمان تحت فشار بازجویی علیه خود انجام داده‌اند، آمده است: «هم‌زمان با دستگیری روزنامه‌نگارانی همچون مازیار بهاری که چند ماه پس از دستگیری مجبور به اعترافات اجباری شد و چندی پس از آن با خروج از کشور به شرح فشارهای جسمی و روانی بر اخذ اعتراف یاد شده پرداخت، این روزنامه بارها به متهم کردن روزنامه‌نگاران برای جاسوسی برای سرویس‌های خارجی پرداخت. در واقع روزنامه کیهان طی روزهای پس از انتخابات عملاً به عنوان بخشی از دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی در برخورد و سرکوب روزنامه‌نگاران با طرح ادعاهایی که هیچ‌گاه در دادگاه اثبات نشد عمل کرده است.»

در مثالی دیگر، حسین شریعتمداری در سرمقاله خود در کیهان درباره اعتراضات درویش‌های گنابادی در بهمن‌ماه ۱۳۹۶ گفته بود: «جنایاتی که این گروه در پوشش درویش مرتکب شده‌اند فقط با جنایات وحشیانه داعش قابل مقایسه است و کمترین تردیدی باقی نمی‌گذارد که بخشی از تفاله‌های داعش هستند که این بار از آستین یکی از فرقه‌های به‌شدت بدنام درویش بیرون کشیده شده‌اند. روابط پنهان و آشکار رهبران درویش‌های گنابادی با مقامات اسرائیل و بهائیان داستان پنهانی نیست، به عنوان نمونه- و فقط نمونه- می‌توان به تصاویر منتشرشده از نشست مشترک مصطفی آزمایش یکی از رهبران فرقه گنابادی با دیان علایی نماینده بهائیان حیفای اسرائیل و یا تصویری از ملاقات وی با رضا پهلوی در آمریکا اشاره کرد. آزمایش انکار نمی‌کند که به نمایندگی از سوی قطب درویش گنابادی و برای تبادل نظر! در این نشست‌ها شرکت کرده بود که تصاویر آن در کیهان امروز چاپ شده است.»^۲

^۱ مردان خشونت: مجریان و مروجان خشونت پس از انتخابات، کمپین حقوق بشر ایران، ۷ خرداد ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://persian.iranhumanrights.org/1389/03/men_of_violence_fa/#sec17

^۲ جنایت تفاله‌های وحشی داعش در پوشش درویش، کیهان، ۱ اسفند ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://kayhan.ir/fa/news/126685>

در جای دیگر در همین مقاله می‌گوید: «بی‌شک نیروی انتظامی بایستی با قدرت و قاطعیت با اراذل و اوباش و در یک کلام پیروان داعش در کشور برخورد کند و طبیعی است که این قدرت در نیروهای انتظامی و فرزندان این ملت وجود دارد که یاحسین‌گویان دمار از روزگار برهم‌زنندگان امنیت ملی درآورند.»

در روزها و ماه‌های پس از سرکوب اعتراضات خیابانی درواپش‌گنابادی در بهمن ۱۳۹۶، صدها نفر از آنان بازداشت شدند و حداقل یکی از آن‌ها به نام محمد ثلاث با وجود اعتراضات فراوان سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری اعدام شد.

همچنین پس از این‌که تعدادی از زنان که به "دختران خیابان انقلاب" معروف شدند در اعتراض به حجاب اجباری بالای سکو روسری‌های خود را بر سر چوب کردند و به همین دلیل دستگیر شدند، روزنامه کیهان در هفتم اسفندماه ۱۳۹۶ در مقاله‌ای با عنوان «قانون تکلیف همه را روشن کرده است» رفتار مأمور نیروی انتظامی در برخورد با مریم شریعتمداری (یکی از دختران انقلاب) را درست و «مبارزه با منکرات و فساد» دانسته و نوشته است: «جرم عدم رعایت حجاب شرعی در زمره "جرایم مشهود" محسوب می‌گردد. در مواجهه با جرایم مشهود ضابطین دادگستری موظفند هر اقدام مؤثری را جهت حفظ آثار و علائم جرم و همچنین هر اقدامی جهت جلوگیری از فرار متهم را انجام دهند.»^۱

روزنامه کیهان با بیان این‌که «کشف حجاب» اعتراض مدنی محسوب نمی‌شود افزوده است: «کار پلیس اصولاً تقابلی فیزیکی و توقیف افراد مجرم و قانون‌شکن است و شخصی که خود را با رفتن بالای یک سکو یا مانند آن از دسترس پلیس خارج می‌کند، تبعات نحوه مقابله پلیس را به علت قانون‌شکنی پذیرفته است.»

^۱ قانون تکلیف همه را روشن کرده است (نگاه)، کیهان، ۷ اسفند ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی <https://bit.ly/2T6zoO8> اینترنتی:



محمد صادقی

فرمانده سپاه انصارالحسین

از سال، محل تولد و تحصیلات محمد صادقی اطلاعی در دست نیست. همچنین مطمئن نیستیم که محمد صادقی نام واقعی این سرهنگ سپاه باشد.

مسئولیت‌ها

- مسئول مرکز بررسی و مبارزه با جرائم سازمان‌یافته سپاه پاسداران از ۱۳۸۶ تا کنون
- معاون فنی و سایبری اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از ۱۳۸۸ تا کنون
- فرمانده سپاه انصارالحسین^۱

برخی از موارد نقض حقوق بشر

سرهنگ محمد صادقی به عنوان رئیس مرکز بررسی و مبارزه با جرائم سازمان یافته سپاه پاسداران، مسئول تمامی موارد نقض حقوق بشر در پروژه‌های مختلف این مرکز علیه فعالان فضای سایبری است. در عین حال او و معاونش، محمدی‌نیا، تنها کسانی بوده‌اند که تا کنون به نمایندگی از این مرکز، با رسانه‌های مختلف مصاحبه کرده‌اند و یا درباره عملکرد آن سخنرانی یا نوشته‌ای داشته‌اند. نخستین ظهور علنی محمد صادقی در مصاحبه‌هایی بود که از سال ۱۳۸۷ تا کنون به عنوان مسئول مرکز بررسی و مبارزه با جرائم سازمان‌یافته سپاه پاسداران انجام داده است. رسانه‌ها حق انتشار تصویر وی را ندارند و حتی در گفت‌وگوی ویژه خبری

^۱ اسامی ۱۷ مقام ایرانی تحریم‌شده توسط اتحادیه اروپا، بی بی سی، ۶ فروردین ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2012/03/120325_138_eu_persons_iran_sanction

شبکه دوم سیمای جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۳ اسفند ۱۳۸۸، فقط صدای او پخش شده است. ساختمان مرکز جرائم سازمان یافته نیز بدون تابلو و در مکانی نامشخص است.^۱

مرکز بررسی جرایم سازمان یافته سایبری سپاه با رسیدن به تحولات سال ۱۳۸۸ حوزه نظارت و اختیارات خود را گسترش داد. در همان ماه‌های نخستین سال ۱۳۸۸ پروژه‌های دیگری غیر از «گرداب» با عنوان‌های «فتنه عمیق»، «دارکوب»، «مرصاد» و فیلترینگ سایت‌های اینترنتی به راه افتاد که بازداشت گسترده فعالان رسانه‌ای را در حوزه‌های حقوق بشر، سیاسی، مدنی و فرهنگی به همراه داشت. محمد صادقی این پروژه‌ها را نوعی «جنگ رسانه‌ای» خوانده بود که با «زیرسوال بردن انتخابات و تکرار دروغ بزرگ تقلب در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ در سایت‌های داخلی و خارجی، پوشش غیر واقعی خبری اغتشاشات و دعوت به تجمعات غیرقانونی توسط شبکه‌هایی چون بی‌بی‌سی فارسی، صدای آمریکا، رادیو آزادی، رادیو فردا و توهین و فحاشی در سایت‌های سیاسی و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی همچون سایت‌های گویانیوز، بی‌بی‌سی، روزآنلاین، یوتیوب، فیس‌بوک، توئیتر و... از بیرون کشور هدایت شده است.»^۲

صادقی در مصاحبه‌ای با نشریه پنجره تصدیق می‌کند که یکی از کارهای مرکز جرائم سازمان یافته، هک کردن وبسایت‌هایی است که از نظر سپاه پاسداران محتوای مجرمانه تولید می‌کنند. او در این مصاحبه درباره دخالت سپاه و مرکز تحت امر خود در پروژه گرداب، پس از این که تصدیق می‌کند که وبسایت‌های پورنو از سوی سپاه پاسداران هک شده و از میان رفته است می‌گوید: «سپاه عزم خودش را جزم کرده که وارد این حوزه بشود. مأموریت اصلی این حوزه هم بر عهده مرکز مبارزه با جرایم سازماندهی شده سایبری است. ما با شناسایی فعالان اصلی این جریان، برای آن‌ها تشکیل پرونده دادیم. حتی بعضی‌ها را با قرار صوری از خارج به داخل کشور کشاندیم و بازداشت کردیم. همه این افراد بازجویی شده‌اند

^۱ مدیر مرکز مبارزه با جرائم سازمان یافته سپاه: تمام قد ایستاده‌ایم، گرداب، ۱۹ آبان ۱۳۸۹، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FKCMeK>

^۲ تغییرات جدید در ارتش سایبری سپاه، ایران‌وایر، ۶ اسفند ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://iranwire.com/fa/features/1936>

و اطلاعات لازم به‌دست آمده. برای بعضی‌ها حکم صادر شده و بعضی‌ها هم منتظر حکم هستند.^۱

محمد صادقی در این مصاحبه مشخص می‌کند که چگونه آن‌ها از وب‌سایت گرداب به عنوان ابزاری برای ایجاد یک شبکه جاسوسی غیررسمی استفاده می‌کنند و به عنوان مثال چگونه از طریق آن درباره فعالیت‌های سیاسی شهروندان ایرانی مقیم خارج از کشور که از حق آزادی بیان و آزادی شرکت در تجمعات استفاده کرده‌اند و قصد بازگشت به ایران را دارند، اطلاعات کسب می‌کنند. وی می‌گوید: «ما در سایت گرداب روزانه چند صد گزارش داریم. هر چیزی که شما به ذهن‌تان برسد به ما گزارش می‌شود، از اقتصادی گرفته و سیاسی و فرهنگی و امنیتی و اجتماعی. از این‌که یک نفر به یک نفر دیگر شک دارد که جاسوس باشد و یا یک نفر کسی را مثلاً در استکهلم دیده و در تظاهرات علیه جمهوری اسلامی شرکت داشته است و الان دارد وارد جمهوری اسلامی می‌شود.»^۲

سرهنگ محمد صادقی خود شخصاً در یادداشتی که در وب‌سایت گرداب منتشر شد اعلام می‌کند که پنج نفر از فعالان سایبری را که در اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ شرکت داشته‌اند، شناسایی و دستگیر کرده‌اند.^۳ او در این یادداشت، اسامی کوچک و اول نام خانوادگی پنج نفر از بازداشت‌شدگان و اتهامات آن‌ها را اعلام می‌کند. به عنوان مثال او «راه‌اندازی و مدیریت سایت‌های ضد امنیت کشور، اطلاع‌رسانی در مورد مراکز تجمع اغتشاشگران و شعارهایی که باید سر بدهند، ایجاد فیلترشکن برای ورود به سایر سایت‌های فیلترشده، دعوت به تجمعات غیرقانونی و ایجاد اغتشاش و آشوب» را از جمله اتهامات دو برادر، حسن و علی ب. عنوان می‌کند.

همچنین بازداشت‌شده دیگری به نام امید. ل، ۲۲ ساله و مهندس کامپیوتر، طبق نوشته محمد صادقی متهم به دعوت به تجمعات غیرقانونی از طریق ارسال ۳۰

^۱ مدیر مرکز مبارزه با جرائم سازمان یافته سپاه: تمام قد ایستاده‌ایم، گرداب، ۱۹ آبان ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FKCMeK>

^۲ مدیر مرکز مبارزه با جرائم سازمان یافته سپاه: تمام قد ایستاده‌ایم، گرداب، ۱۹ آبان ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FKCMeK>

^۳ طرح فتنه عمیق، گرداب، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

هزار پیام اینترنتی و ارسال ایمیل‌های انبوه درباره تقلب در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ است. او همچنین متهم به دریافت پول از مسئولان ستاد میرحسین موسوی شده است.

اتهام یک فعال سایبری دیگر به نام امیر الف، مهندس برق، که بر اساس نوشته محمد صادقی از سوی نیروهای مرکز جرائم سازمان یافته در محل کارش دستگیر شده است، ایجاد «هسته خاموشی سبز» و ارسال فراخوانی به کاربران اینترنت برای ایجاد اختلال در سیستم برق‌رسانی کشور است.^۱

سرهنگ محمد صادقی همچنین با حضور در یک برنامه تلویزیونی در اسفندماه ۱۳۸۸، دستگیری اعضای مجموعه فعالان حقوق بشر و فعالان سایبری که برای دسترسی کاربران اینترنت در ایران به سایت‌های فیلترشده توسط حکومت تلاش می‌کردند (شبکه ایران پراکسی) را از جمله موفقیت‌های مرکز تحت امر خود می‌داند. در این برنامه وی به عنوان «معاون فنی و سایبری سپاه پاسداران» معرفی می‌شود.^۲ در این مصاحبه که تنها مصاحبه تلویزیونی وی تا کنون بوده است، در حالی که دو مهمان دیگر برنامه، عباس جعفری دولت‌آبادی، دادستان تهران، و رضا سراج، رئیس سازمان بسیج دانشجویی که در این برنامه به عنوان کارشناس سیاسی معرفی می‌شود، در استودیو حضور دارند، صدای صادقی بر روی تصویری از یک کامپیوتر پخش می‌شود. سرهنگ محمد صادقی در این برنامه تلویزیونی، هم شبکه مجموعه فعالان حقوق بشر و هم شبکه اینترنتی ایران پراکسی را دو شبکه جنگ سایبری آمریکا علیه ایران اعلام می‌کند که از سوی نیروهای تحت امر وی «منهدم» شده‌اند. گفتنی است تمامی بازداشت‌ها و شکنجه و بلاگ‌نویسان و روزنامه‌نگاران در حوزه فرماندهی وی رخ می‌دهد. با استناد به گزارش‌های موجود در کمیته حقوق بشر اتحادیه اروپا و مسئول و مجری طرح «عنکبوت ۲» است، طرحی که در طی آن ده‌ها تن از زنانی که به مدلینگ در فضای مجازی به‌ویژه اینستاگرام پرداخته بودند بازداشت شدند و همگی به جرم اشاعه فحشا و عدم رعایت حجاب اسلامی دادگاهی شدند.^۳

^۱ همان.

^۲ جزئیات دستگیری اعضای شبکه جنگ سایبری، تابناک، ۲۴ اسفند ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2WfckPp>

^۳ چرا برخی شخصیت‌های سپاه پاسداران مورد تحریم واقع نمی‌شوند؟، کیهان لندن، ۶ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FVtiFl>

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

در ۴ فروردین‌ماه ۱۳۹۱ اتحادیه اروپا محمد صادقی را به دلیل «نقض فاحش حقوق بشر» و مسئول‌بودن در بازداشت و شکنجه وبلاگ‌نویسان و روزنامه‌نگاران مشمول تحریم قرار داد.^۱ بر اساس این تصمیم، دارایی‌های احتمالی او در کشورهای عضو اتحادیه اروپا مسدود شد و از ورود او به کشورهای عضو اتحادیه اروپا جلوگیری می‌شود.^۲

^۱ فهرست سوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۷ خرداد ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/publication/documents/list3/>

^۲ COUNCIL IMPLEMENTING REGULATION (EU) No 206/2013 of 11 March 2013. EUR-Lex, 11 March 2013, Available at:

<https://eur-lex.europa.eu/legal-content/GA/TXT/?uri=celex:32013R0206>



رضا صرامی

مسئولیت‌ها^۱

- رئیس سازمان زندان‌های استان خوزستان از سال ۱۳۶۴ تا اردیبهشت ۱۳۷۵

برخی از موارد نقض حقوق بشر

رضا صرامی در مقام رئیس سازمان زندان‌های استان خوزستان در کشتار زندانیان سیاسی زندان فجر اهواز در تابستان سال ۱۳۶۷ نقش تصمیم‌گیر داشته است. در مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷، چندین هزار زندانی سیاسی در ایران، با فتوای روح‌الله خمینی و تصمیم مقامات قضائی و اطلاعاتی اعدام شدند. تمامی آن‌ها پیش از این به مجازات زندان محکوم شده بودند و در حال گذراندن دوران محکومیت خود بودند و دوران محکومیت برخی از آنان نیز به پایان رسیده بود. زندانیان سیاسی مخفیانه اعدام شدند و پیکر آنان در گورهای بی‌نام‌نشان یا جمعی در سراسر ایران دفن شده است.^۲

مهری القاسپور، که طی سال‌های ۶۵ تا ۶۸ در زندان فجر اهواز زندانی بوده است، درباره نقش رضا صرامی در کشتار زندانیان سیاسی این زندان در سال ۱۳۶۷ نزد عدالت برای ایران چنین شهادت داده است:

تقریباً تیرماه [۱۳۶۷] بود، ساعت ده شب یک‌مرتبه چراغ‌ها خاموش شد و "صرامی"، که آن زمان رئیس زندان‌های خوزستان بود، از بلندگوهای زندان

^۱ تاریخچه و اهداف، اداره کل زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی استان خوزستان، قابل دسترسی

در نشانی: <https://bit.ly/2FGKJAT>

^۲ برای اطلاعات بیشتر درباره گورهای جمعی، به پلتفرم چندرسانه‌ای "خاک‌رنج" در این نشانی

<https://painscapes.com> اینترنتی مراجعه کنید:

شروع کرد به داد و فریاد و گفت: "و المنافقین الکفار.. ما همه‌تان را نابود می‌کنیم و همه‌تان را از بین می‌بریم." بعد بلافاصله بعد از این صحبتی که کرد شروع به تیراندازی کردند. یادم است که همه ما زیر پنجره [پناه گرفتیم] و بی‌اختیار یک حالتی گرفته بودیم که مثلاً می‌خواهیم از خودمان در مقابل تیراندازی دفاع کنیم. بعد از همین صحبتی که "صرامی" کرد فردا صبح آمدند گفتند همه‌تان آماده باشید و چادرهای‌تان را سر کنید. بعد بازجویی‌ها شروع شد. [بازجویی‌های سال ۶۷ و اعدام‌ها] در خود زندان فجر [انجام شد]. سه روز این‌طوری بازجویی‌ها ادامه پیدا کرد. بازجویی آخری که پس دادیم با چشم‌بند بود.

فردا صبح اولین نفری را که صدا کردند من بودم. بعد «صرامی» همین سوالات را پرسید که خدا را قبول داری، سازمانت را قبول داری و جمهوری اسلامی را قبول داری. من هم گفتم که من جمهوری اسلامی را قبول ندارم، خدا را هم قبول ندارم، جریانم را هم قبول دارم.

روز بعد دوباره گفتند بیایید بیرون. من و «پروین باقری» و «سکینه دلفی» و یک خانم دیگر را چشم‌بند زدند و گفتند بروید بازجویی. دوباره ما را به اتاقی بردند. من را پشت میز نشانند. [صرامی] دوباره همان سوالات را پرسید و از «پروین» و «سکینه دلفی» سؤال کرد و آن‌ها دفاع کردند. لاقلاً این «سکینه دلفی» که با من بازجویی می‌شد و «پروین باقری» اصلاً مجاهد نبود [ند]. «سکینه» اعدام شد، «زهرا» اعدام شد، «نادره» اعدام شد، «زینب» اعدام شد، «پروین» اعدام شد، «مهرداد» اعدام شد، بچه‌ها اعدام شدند... می‌دانم که دوازده نفر از بچه‌های زن مجاهد که با ما بودند [اعدام شدند]. همه بچه‌های مجاهد را اعدام کردند. حکم [زینب] تمام شده بود و باید آزاد می‌شد ولی او را برگرداندند و دو ماه بعد اعدام شد.

ابراهیم علاسوند (دلا)، دیگر زندانی سیاسی زندان فجر اهواز در سال ۶۷ نیز طی شهادتی نزد عدالت برای ایران درباره کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ در زندان فجر اهواز می‌گوید:

[زندانیان] بند رو می‌بردند توی حیاط، صرامی می‌اومد باهاشون صحبت می‌کرد. یه تعداد اونجا از هر بندی سوا کردند و یه تعدادی رو فرستادند دوباره بند. اون‌ها رو که سوا کردند فرستادند انفرادی. بعد یک سری دوباره

این‌ها رو محاکمه کردند. محاکمه‌های یک دقیقه‌ای... صرامی با پرونده ریز و درشت همه هم آشنا بود. خیلی آدم خشنی هم بود.

وکلاهی بین‌المللی حقوق بشری چون جفری رابرتسون،^۱ همچنین هیات قضات دادگاه مردمی ایران تریبونال^۲ و سازمان عفو بین‌الملل^۳، کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ را مصداق جنایت علیه بشریت دانسته‌اند.

سازمان ملل نیز قربانیان کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ را مصداق «ناپدیدشدگی قهری» دانسته است.^۴ به رسمیت شناخته شدن قربانیان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ به عنوان ناپدیدشده قهری، دولت جمهوری اسلامی ایران را بر اساس قوانین بین‌المللی موظف می‌کند که حق خانواده‌های قربانیان برای دانستن حقیقت درباره سرنوشت و محل دفن عزیزان‌شان را ادا کند و مسئولان آن را تحت تعقیب قرار دهد. از نظر حقوق بین‌الملل، ناپدیدشدگی قهری نقض مداوم حقوق بشر و یک جرم بین‌المللی است و تا زمانی که فرد ناپدیدشده پیدا یا سرنوشت‌اش به طور کامل معلوم نشود، حتی با وجود گذشت چند دهه، مشمول مرور زمان نمی‌شود.

^۱ کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷، جفری رابرتسون، بنیاد برومند، فروردین ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://www.iranrights.org/attachments/library/doc_5.pdf

^۲ حکم دادگاه ایران تریبونال، ایران تریبونال، ۱۷ بهمن ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2DaFCH7>.

^۳ کشتار ۶۷؛ استمرار جنایت علیه بشریت توسط حکومت ایران، عفو بین‌الملل، ۴ دسامبر ۲۰۱۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.amnesty.org/download/Documents/MDE1395132018PERSIAN.PDF>

^۴ سازمان ملل قربانیان کشتار ۶۷ را به عنوان ناپدیدشده قهری به رسمیت شناخت، عدالت برای ایران، ۱۱ آبان ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FEPO03>



غلامرضا ضیائی

رئیس زندان رجایی‌شهر کرج

مسئولیت‌ها^۱

- رئیس زندان رجایی‌شهر کرج از مهر ۱۳۹۶ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

غلامرضا ضیائی به عنوان رئیس زندان رجایی‌شهر کرج، در نقض حقوق اولیه زندانیان و تحت فشار قراردادادن زندانیان عقیدتی- سیاسی نقش مؤثری داشته است. از زمان انتصاب او به ریاست زندان رجایی‌شهر همچنان اغلب زندانیان عقیدتی- سیاسی^۲ از خدمات درمانی^۳ محروم‌اند و در شرایطی وخیم و نامناسب^۴ دوران حبس خود را می‌گذرانند.

باوجود این‌که زندان رجایی‌شهر کرج بیشتر برای نگهداری زندانیانی که مرتکب جرایمی چون قتل، تجاوز و قاچاق مواد مخدر شده‌اند استفاده می‌شود، سازمان زندان‌ها برای تحت فشار قراردادادن زندانیان عقیدتی- سیاسی، بسیاری از آنان را به این زندان منتقل می‌کند.

^۱ مدیر زندان رجایی‌شهر تغییر کرد، ایسنا، ۱۵ مهر ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2FAzkCq>

^۲ بی‌هوشی چندساعته واحد خلوصی، دانشجوی محروم از تحصیل، در زندان رجایی‌شهر، کمپین

حقوق بشر ایران، ۱۱ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2IHuLF8>

^۳ زندان رجایی‌شهر: وضعیت زندانیان همچنان نامناسب است، رادیو زمانه، ۲۲ دی ۱۳۹۶، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.radiozamaneh.com/376385>

^۴ اعتراض شماری از زندانیان زندان رجایی‌شهر با تحویل نگرفتن جیره غذای زندان، رادیو زمانه،

۲۸ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.radiozamaneh.com/377381>

نام زندان رجایی‌شهر همواره با اعدام دسته‌جمعی زندانیان^۱، ممانعت از دسترسی زندانیان به خدمات درمانی^۲، تهدید^۳، ضرب و شتم^۴ و به طور کلی محرومیت زندانیان از حقوق اساسی‌شان گره خورده است.^۵

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری

وزارت خزانهداری ایالات متحده آمریکا

در ۲۲ دی ۱۳۹۶، وزارت خزانهداری آمریکا غلامرضا ضیائی را به دلیل نقض گسترده و شدید حقوق بشر در لیست مجازات‌های حقوق بشری خود قرار داد. در بیانیه این وزارت‌خانه، به نقش غلامرضا ضیائی در محرومیت زندانیان از خدمات درمانی، تعرضات جنسی به زندانیان و اعدام‌های غیرقانونی در زندان رجایی‌شهر اشاره شده است.^۶

بر اساس این تحریم، دارایی‌های احتمالی غلامرضا ضیائی در آمریکا توقیف و از ورود او به این کشور جلوگیری می‌شود. همچنین شهروندان ایالات متحده حق هیچ‌گونه معامله‌ای با او نخواهند داشت.

^۱ اعدام گروهی از زندانیان سنی مذهب در زندان رجایی شهر، بی بی سی، ۱۲ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bbc.in/2SQzLWk>

^۲ حسن طفاح زندانی ۸۶ ساله مبتلا به سرطان خون زندان رجایی شهر در آستانه مرگ قرار دارد، کمپین حقوق بشر ایران، ۲۸ بهمن ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2HeBs5n>

^۳ تهدید سعید عابدینی به مرگ از سوی زندانیان محکوم به اعدام زندان رجایی شهر، کمپین حقوق بشر ایران، ۱۴ آذر ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2QOD6cL>

^۴ ضرب و شتم زندانیان سنی زندان رجایی شهر در پی اعتراض زندانیان به اعدام‌های اخیر، تایمز اسرائیل، ۱۷ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2QOMNZt>

^۵ اعتصاب غذای زندانیان رجایی‌شهر؛ عفو بین‌الملل شرایط را خفقان‌آور خواند، بی بی سی، ۱ شهریور ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://www.bbc.com/persian/iran-41021108>

^۶ Treasury Sanctions Individuals and Entities for Human Rights Abuses and Censorship in Iran, and Support to Sanctioned Weapons Proliferators, U.S. DEPARTMENT OF THE TREASURY, 12 January 2018, Available at: <https://bit.ly/2D9EPb2>



حسین طائب

رئیس سازمان اطلاعات سپاه

حسین طائب متولد ۱۳۴۲ در تهران است. او تحصیلات حوزوی دارد.^۱

مسئولیت‌ها

- عضویت در سپاه پاسداران از سال ۱۳۶۱ در سپاه منطقه ۱۰ تهران^۲
- فعالیت در سپاه قم
- فعالیت در سپاه مشهد
- معاونت ضد جاسوسی وزارت اطلاعات در دوران علی فلاحیان تا سال ۱۳۷۴
- معاون هماهنگ‌کننده دفتر سید علی خامنه‌ای از سال ۱۳۷۴
- معاون فرهنگی ستاد مشترک سپاه و فرمانده دانشکده فرهنگی امام حسین (به مدت ۳ سال)
- جانشین اطلاعات سپاه از ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۸۴
- فرمانده نیروی مقاومت بسیج^۳ از تیرماه ۱۳۸۷ تا مهرماه ۱۳۸۸^۴
- ریاست سازمان اطلاعات سپاه از مهر ۱۳۸۸ تا کنون^۵

^۱ مختصری از زندگی‌نامه فرمانده نیروی مقاومت بسیج، خبرگزاری فارس، ۲۳ تیر ۱۳۸۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2R9R2in>

^۲ برکناری فرماندهی که با باتوم مانوس بود، روزآنلاین، ۱۳ مهر ۱۳۸۸، در نشانی اینترنتی: <http://www.roozonline.com/persian/sotun/sotun-tem/archive/2009/october/05/article/-8d4ecc1b3e.html>

^۳ ن.ک. زیرنویس ۱.

^۴ سابقه رفتار سیاسی فرمانده جدید بسیج، فرارو، ۱۸ آذر ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2WfYv3h>

^۵ ارتقاء معاونت اطلاعات سپاه به سازمان اطلاعات، الف، ۱۴ مهر ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://old.alef.ir/vdcauanm.49nyv15kk4.html?54822>

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. مشارکت در سرکوب منتقدان جمهوری اسلامی

حسین طائب هنگام تصدی جانشینی اطلاعات سپاه، طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۴، نقش موثری در نقض جدی حقوق بشر منتقدان جمهوری اسلامی داشته است. در دوره‌ای که حسین طائب جانشین اطلاعات سپاه بود، حفاظت اطلاعات ناجا به همراه حفاظت اطلاعات قوه قضائیه و سپاه از ارکان «اطلاعات موازی» بودند. تشکیلات موسوم به «اطلاعات موازی»، تشکیلاتی است غیر قانونی و غیر رسمی که در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی به وجود آمد.

اعضای نهادهای اطلاعاتی موازی مسئول ارباب خشونت بار و نقض حقوق اصلاح-طلبان، دگراندیشان سیاسی و منتقدین بودند. اهداف اولیه این نهادها روزنامه‌نگاران، وبلاگ‌نویس‌ها و فعالان دانشجویی بود.^۱

اصلی‌ترین پروژه‌های سازمان اطلاعات موازی از ابتدای تشکیل تا کنون را می‌توان پروژه قتل عام «پایگاه‌های دشمن» (مطبوعات اصلاح‌طلب)، پروژه سرکوب «براندازان قانونی» (ملی مذهبی‌ها)، پروژه ریشه‌کنی «مفاسد اقتصادی» (که به پرونده شهرام جزایری منحصر شد)، پروژه «نظرسازی» (پرونده مؤسسه آینده و عباس عبدی)، پروژه مقابله با «تهاجم فرهنگی» (پرونده سیامک پورزند و سینما-گران)، پروژه مقابله با اغتشاشات خیابانی (سرکوب اعتراضات دانشجویی خرداد و تیر ۸۲ و برخورد با تعدادی از فعالان مطبوعاتی و دانشجویی) و پروژه وبلاگ-نویسان دانست.^۲

۲. مشارکت در سرکوب اعتراضات کوی دانشگاه (تیر ۱۳۷۸)

در پی توقیف روزنامه سلام از سوی دادگاه روحانیت در پنج‌شنبه ۱۷ تیر ۷۸ دانشجویان تجمعی اعتراضی در داخل کوی ترتیب دادند. این تجمع اعتراضی با

^۱ ارباب پنهانی: نهادهای اطلاعاتی موازی ایران، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، ۲۶ بهمن ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FJYGPe>

^۲ درباره سازمان اطلاعات موازی (قسمت اول)، امضا محفوظ، خبرنگار گویا، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

سرکوب بی‌سابقه نیروهای اعتراضی همراه شد و نیروها با ورود به کوی، دانشجویان را دستگیر و مذبذب کردند. اما بخش اصلی ماجرا در سحرگاه روز ۱۸ تیر رخ داد، زمانی که نیروهای موسوم به «لباس شخصی» و «انصار حزب‌الله» به همراه نیروهای امنیتی و انتظامی در حمله‌ای ناگهانی داخل کوی شدند و به ضرب و شتم دانشجویان تا سرحد مرگ و تخریب بخش‌هایی از کوی دانشگاه پرداختند. در این حادثه به گفته مقامات رسمی سرباز وظیفه‌ای به نام «عزت ابراهیم‌نژاد»، که مهمان یکی از دانشجویان بود، کشته شد و چشمان دانشجوی دیگری به علت ضربات وارده تخلیه شد. اعتراضات و برخوردهای خشونت‌آمیز با دانشجویان تا روز ۲۳ تیر ادامه یافت. فرشته‌علیزاده، تامی حامی‌فر و سعید زینالی سه دانشجوی دیگری هستند که با گذشت ۱۹ سال هیچ خبری از سرنوشت آن‌ها نیست. اکبر محمدی، دانشجوی دیگری که در جریان کوی دانشگاه دستگیر شد، در زندان جان باخت.

یحیی رحیم صفوی، فرمانده سابق سپاه پاسداران، نقش سپاه را در سرکوب این اعتراضات دانشجویی تایید کرده است.^۱ حسین طائب در این دوران جانشینی اطلاعات سپاه را بر عهده داشت. در برخی گزارش‌ها آمده است که شماری از دستگیرشدگان حوادث ۱۸ تیر ۱۳۷۸ از بازجویی توسط حسین طائب خبر داده‌اند.^۲ علی افشاری، از فعالان دانشجویی که سال ۱۳۷۹ بازداشت شد، در شهادت خود به مرکز اسناد حقوق بشر از حضور طائب در بازجویی‌هایش به عنوان رئیس بازجوها و رفتار خشونت‌آمیز او خبر می‌دهد. به گفته این فعال دانشجویی طائب به دلیل بدرفتاری از وزارت اطلاعات اخراج شده بود و به اطلاعات موازی پیوسته بود.^۳

^۱ خاتمی مخالف ورود سپاه به حادثه کوی دانشگاه بود/ ما نظامی‌ها نباید در سیاست خارجی ورود پیدا کنیم، قدس آنلاین، ۱۱ مرداد ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2DtS0SR>

^۲ برکناری فرماندهی که با باتوم مانوس بود!، روز آنلاین، ۱۳ مهر ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://www.roozonline.com/persian/sotun/sotun-item/archive/2009/october/05/article/-8d4ee1b3e.html>

^۳ شهادتنامه علی افشاری، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Tae1vs>

۳. مشارکت در سرکوب اعتراضات پس

از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸

حسین طائب در سال ۱۳۸۴ به بسیج منتقل شد و با شدت گرفتن اعتراضات خیابانی به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری در خردادماه ۱۳۸۸ به سمت فرماندهی بسیج رسید. بسیج نقش مهمی در برخوردهای خشونت‌آمیز با اعتراضات خیابانی و مرگ ده‌ها نفر از معترضان در خیابان‌ها داشت. بارزترین نقش بسیج در کشتار معترضان در روز ۲۵ خردادماه سال ۱۳۸۸ اتفاق افتاد، زمانی که پس از تظاهرات آرام میلیونی معترضان، از سوی پایگاه بسیج به سوی معترضان در میدان آزادی آتش گشوده شد و حداقل ۸ نفر در این اتفاق جان خود را از دست دادند.

علی‌رغم ادعای حسین طائب مبنی بر مسلح‌نبودن نیروهای مقاومت بسیج، سازمان‌های حقوق بشری، کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران بر طبق شهادت شاهدان عینی نقش نیروهای تحت فرماندهی حسین طائب را در بازداشت و ضرب و شتم معترضان تأیید می‌کنند.^۱ همچنین سازمان دیده‌بان حقوق بشر نیز با توجه به شهادت شاهدانی که با این سازمان مصاحبه کرده‌اند در بیانیه‌ای از مقامات ایران خواستار بررسی نقش فرماندهانی چون حسین طائب و مسئول شناختن آن‌ها در جریان دستگیری، آزار و ضرب و شتم معترضان شد.^۲ با این‌که فیلم ضارب و لحظات تیراندازی به صورت گسترده در اینترنت پخش شد، هیچ اقدامی علیه او صورت نگرفت. نیروهای بسیج (که افراد لباس شخصی هم بخشی از نیروهای آن به شمار می‌روند) تنها نیروهای مسلح به سلاح گرم در جریان اعتراضات بودند و مسئولیت تمامی کشته‌شدگان وقایع بر عهده این نهاد است.

۴. پرونده ترانه موسوی

ترانه موسوی، دختری که پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، شایعه دستگیری، تجاوز و مرگ او در رسانه‌های وابسته به مخالفان دولت بازتاب گسترده‌ای

^۱ مردان خشونت: مجریان و مروجان خشونت پس از انتخابات، کمپین حقوق بشر ایران، ۷ خرداد ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://persian.iranhumanrights.org/1389/03/men_of_violence_fa/#sec3

^۲ ایران: نقش مسئولین امنیتی در آزارهای پس از انتخابات را بررسی کنید، دیده‌بان حقوق بشر ایران، ۲۳ مرداد ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.hrw.org/fa/news/2009/08/14/237530>

داشت، سرنوشتی پر از معما پیدا کرد. به گفته برخی رسانه‌های مخالف دولت، ترانه موسوی در روز هفتم تیر در تجمع اعتراضی روبه‌روی مسجد قبا دستگیر شد. چند روز بعد با خانواده او تماس گرفته شد و گفته شد که ترانه به علت تصادف دچار پارگی رحم و مقعد شده است، اما در مراجعه به بیمارستان امام خمینی کرج خانواده او نشانی از ترانه نیافتند و چند روز بعد جنازه سوخته او در بین کرج و قزوین یافته شد. به گفته دوستان ترانه خانواده او از علنی کردن ماجرا خودداری کردند و تشییع جنازه او بدون حضور دوستان و آشنایان برگزار شد. این جریان با وجود بازتاب گسترده و بحث امکان تجاوز، به علت سکوت خانواده ترانه و ناشناس بودن دوستان و افرادی که مدعی دیدن ترانه در میان بازداشتی‌های جریان مسجد قبا بودند، با شک و تردید بسیاری همراه شد تا زمانی که مهدی کروی با نوشتن نامه‌ای به هاشمی رفسنجانی در مرداد ۱۳۸۸ از رئیس مجلس خبرگان خواست با تشکیل یک هیات به برخی شایعات و نحوه برخوردها با بازداشت‌شدگان رسیدگی کند. او در بخشی از این نامه بدون بردن نام از ترانه، اشاره کرد: «عده‌ای از افراد بازداشت‌شده مطرح نموده‌اند که برخی افراد با دختران بازداشتی با شدتی تجاوز نموده‌اند که منجر به ایجاد جراحات و پارگی در سیستم تناسلی آنان گردیده است»^۱. با مطرح شدن نامه کروی شایعات مربوط به ترانه قوت گرفت و بخش خبری ۲۰:۳۰ با تهیه گزارشی سعی در رد ادعای مهدی کروی کرد. تهیه کنندگان گزارش با مراجعه به خانواده‌ای مدعی شدند دختر آنان که در کانادا زندگی می‌کند صاحب عکسی است که در اینترنت منتشر شده است. کروی در اظهاراتی در روز ۲۵ مرداد مسئولان دولتی را به «سناریونویسی و دروغ‌گویی» متهم ساخت و از جمله گفت که کسانی که در برنامه تلویزیونی گفته بودند دخترشان زنده است اعضای خانواده همان ترانه موسوی نیستند که گفته می‌شود از سوی ماموران امنیتی به قتل رسیده است. مهدی کروی اعلام کرد که حسین شاه‌مردادی، داماد «حسینی» و در نتیجه باجناق «طائب» است که «یکی از طراحان اصلی نمایش خودساخته ترانه موسوی است» و خطاب به حسین شاه‌مردادی نوشت: «شما بهتر می‌دانید که باجناق گرامی شما که وارد این معرکه شده است در گذشته

^۱ باز نشر نامه تاریخی مهدی کروی به هاشمی پیرامون تجاوز و آزار بازداشت‌شدگان، خبرنامه گویا، ۱۸ مرداد ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

نیز سوابق و تجربیاتی از این قبیل در وزارت اطلاعات داشته‌اند، چرا که رئیس دولت وقت به خاطر همین رفتار و عملکردش بود که ایشان را از وزارت اطلاعات اخراج کرد.^۱

بنا بر گزارش جرس، سایت اینترنتی نزدیک به اصلاح‌طلبان، سرکوب تظاهرات مسجد قبا (هفتم تیرماه ۱۳۸۸) از سوی قرارگاه ثارالله که زیر نظر طائب فعالیت می‌کرد، صورت گرفت.^۲ بنا به این، دستگیرشدگان آن روز با ون‌های سیاه‌رنگی از صحنه منتقل شدند که این ون‌های سیاه انحصاراً متعلق به قرارگاه ثارالله بود. بازداشتی‌ها از محل دستگیری به مرکز قرارگاه ثارالله در خیابان سنول، که مقر شخص طائب نیز است، انتقال داده شدند.

۵. مشارکت در بازداشت و شکنجه فعالان فضای مجازی،

روزنامه‌نگاران، فعالان سیاسی - مدنی، اتنیکی و دینی

بعد از افشای نقش حسین طائب در سرکوب اعتراضات انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ و افشاگری نقش او در ماجرای ترانه موسوی از سوی مهدی کروبی، او از مقام فرماندهی بسیج عزل و در مهر ۱۳۸۸ به مقام رئیس سازمان اطلاعات سپاه رسید. این سازمان که تا پیش از آن با عنوان معاونت اطلاعات سپاه شناخته می‌شد، با تبدیل به یک سازمان مجزا^۳ دست بازتری در روند برخورد خشونت‌آمیز با مخالفان در ایران پیدا کرد.

سازمان اطلاعات سپاه به‌طور مشخص نهادی امنیتی است که به موازات وزارت اطلاعات قرار دارد و تحت نظر رهبر جمهوری اسلامی اداره می‌شود، فقط به او پاسخگو است و هیچ نظارت بیرونی دیگر بر این سازمان وجود ندارد.

^۱ کروبی: به اعتراض "منسوبان" ترانه موسوی پاسخ داد، بی بی سی، ۲۹ مرداد ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2009/08/090820_he_ir88_taraneh_mousavi

^۲ نقش حسین طائب در ماجرای ترانه موسوی قطعی است، جرس، بازنشرشده در عصر نو، ۱۸ مه ۲۰۱۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://asre-nou.net/php/view_print_version.php?objnr=9871

^۳ ارتقاء معاونت اطلاعات سپاه به سازمان اطلاعات، الف، ۱۴ مهر ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://old.alef.ir/vdcauanm.49nyu15kk4.html?54822>

حسین طائب به عنوان فرمانده سازمان اطلاعات سپاه، مشارکت مهم و به‌سزایی را در دستگیری و شکنجه روزنامه‌نگاران، فعالان سیاسی-مدنی، اتنیکی، مذهبی و فعالان فضای مجازی داشته است. از آن جمله، وی در شکنجه سازمان‌یافته برای اعترافات تلویزیونی،^۱ بازداشت روزنامه‌نگاران به اتهام "نفوذی آمریکا"،^۲ پروژه "عنکبوت" علیه برخی کاربران فیس‌بوک،^۳ از میان بردن ۱۵۷ کانال تلگرامی به اتهام "مستهجن بودن"،^۴ بازداشت فعالان سیاسی^۵ و بازداشت چندین نفر به اتهام «انحراف مذهبی» به دست اطلاعات سپاه^۶ مسئولیت داشته است.

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا و وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا

اتحادیه اروپا در تیرماه ۱۳۹۰ طی تصمیمی حسین طائب، فرمانده وقت بسیج مستضعفین، را به دلیل مشارکت نیروهای تحت امرش در ضرب و شتم، قتل، دستگیری و شکنجه معترضان به نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ در

^۱ گرداب؛ شکنجه سازمان‌یافته برای اعترافات تلویزیونی، عدالت برای ایران، ۱۳ خرداد ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/publication/gerdab-farsi/>

^۲ موج بازداشت روزنامه‌نگاران در ایران توسط اطلاعات سپاه، به اتهام "نفوذی آمریکا"، دویچه‌وله،

۱۲ آبان ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FWrfln>

^۳ پروژه "عنکبوت" سپاه علیه برخی کاربران فیس‌بوک در ایران، بی بی سی، ۱۱ بهمن ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2015/01/150131_145_revolutionary_guard_facebook_iran

^۴ سازمان اطلاعات سپاه: ۱۵۷ کانال مستهجن تلگرامی را متلاشی کردیم، رادیو فردا، ۵ اسفند ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://www.radiofarda.com/a/f4_revolutionary_guards_discover_157_telegram_channel/28327294.html

^۵ بازداشت فعالان سیاسی از سوی ماموران سپاه به نام وزارت اطلاعات، کلمه، ۹ آذر ۱۳۹۳، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.kalame.com/1393/09/09/klm-203907/>

^۶ بازداشت چندین نفر به اتهام «انحراف مذهبی» به دست اطلاعات سپاه، رادیو فردا، ۴ مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.radiofarda.com/a/f2-iran-irgc-intelligence-arrests-religious-group--minority/28638963.html>

فهرست تحریم‌های خود قرار داد. بر اساس این تحریم، سفر حسین طائب به این کشورها ممنوع و دارایی‌های او در این کشورها مشمول توقیف قرار خواهد گرفت.^۱ وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا نیز در مهر ۱۳۸۹، با اشاره به نقش حسین طائب به عنوان فرمانده بسیج در «ضرب و شتم»، «قتل» و «بازداشت خودسرانه» معترضان به نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، او را در لیست مجازات‌های حقوق بشری خود قرار داد.^۲

بر اساس این تحریم، دارایی‌های احتمالی حسین طائب در آمریکا توقیف و از ورود او به این کشور جلوگیری می‌شود. همچنین شهروندان ایالات متحده حق هیچ‌گونه معامله‌ای با او نخواهند داشت.

^۱ نام سه فرمانده سپاه در لیست تحریم اروپا، عصر ایران، ۴ تیر ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی <https://bit.ly/2HtXL7c> اینترنتی:

^۲ New Executive Order Targeting Iranian Officials Responsible For Or Complicit In Serious Human Rights Abuses, U.S. DEPARTMENT OF THE TREASURY, 29 September 2010, Available at: <https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/tg877.aspx>



سید جلال طباطبایی

معاون پژوهش و فن آوری
دانشگاه تبریز

سید جلال طباطبایی متولد ۱۳۴۸ است.^۱ او مدرک کارشناسی از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد از دانشگاه تربیت مدرس و دکتری از دانشگاه ردینگ انگلستان در رشته فیزیولوژی تغذیه معدنی گیاه دارد.^۲

مسئولیت‌ها

- استاد دانشگاه تبریز از سال ۱۳۸۱
- مدیر فن آوری اطلاعات دانشگاه تبریز به مدت سه سال
- ریاست کتابخانه دانشگاه تبریز به مدت دو سال
- معاون موسسه تحقیقات خاک و آب تهران
- معاون اجرایی سازمان سنجش آموزش کشور از ۱۲ بهمن ۱۳۸۹ تا احتمالاً آبان ۱۳۹۲^۳
- معاون پژوهش و فن آوری دانشگاه تبریز از آبان‌ماه ۱۳۹۲ تا کنون^۴

^۱ وب‌سایت شخصی سید جلال طباطبائی، دانشگاه تبریز، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://asatid.tabrizu.ac.ir/fa/pages/userinfo.aspx?tabatabaeei>

^۲ قول‌های معاون جدید سازمان سنجش، خبرآنلاین، ۱۳ بهمن ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی

اینترنتی: <https://bit.ly/2W1bkhJ>

^۳ مراسم معارفه معاون جدید سازمان سنجش برگزار شد، خبرگزاری برنا، ۱۲ بهمن ۱۳۸۹، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RTa2G3>

^۴ معاون جدید پژوهش و فناوری دانشگاه تبریز معرفی شد، ایلنا، ۲۶ آبان ۱۳۹۲، قابل دسترسی

در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2QXxGwA>

برخی از موارد نقض حقوق بشر

سید جلال طباطبایی به عنوان معاون اجرایی سازمان سنجش آموزش کشور، با توجه به چارت تشکیلات این سازمان^۱ با اجرای دستورات هسته گزینش دانشجوی سازمان سنجش آموزش کشور، در گسترش و نقض حق تحصیل بهائیان مسئول است.

از جمله این موارد اخراج میثاق افشار دانشجوی بهائی رشته علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی است. افشار از معدود دانشجویان بهائی است که موفق به تحصیل در مقطع کارشناسی شده بود. محرومیت از تحصیل این دانشجوی بهائی با نامه‌ای به امضای سید جلال طباطبایی^۲ به معاون شورای انضباطی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی مبنی بر لغو پذیرش این دانشجو صورت گرفته است و این دانشجو از اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۱ به طور رسمی از دانشگاه اخراج شده است.

^۱ چارت سازمان سنجش آموزش کشور، سازمان سنجش آموزش کشور، ۲ اردیبهشت ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://craaqe.com/index.php/site/g_content/fcontent/408

^۲ اخراج میثاق افشار، دانشجوی علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی تهران / سند، هرانا، ۱۵ تیر ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.hra-news.org/2012/hranews/1-11621/>



حسین طلا

شهردار اسلامشهر

متولد سال ۱۳۴۸ است. او دکترای پزشکی و دکترای مدیریت بحران دارد.

مسئولیت‌ها^۱

- رئیس هیات عالی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستاهای استان تهران
- معاون وزیر صنایع در استان‌های ایلام، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد
- نماینده دوره نهم مجلس شورای اسلامی
- عضو شورای عالی حفاظت فنی کشور
- مشاور وزیر کار
- مدیر کل حراست وزارت کار و امور اجتماعی
- مدیر دفتر نظارت بر انتخابات شورای نگهبان در تهران
- رئیس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت دخانیات ایران
- معاون استاندار و فرماندار تهران از اردیبهشت ۱۳۸۶ تا خرداد ۱۳۸۹^۲
- معاون فرماندار استان تهران تا آذر ۱۳۸۹
- مشاور و معاون وزیر صنعت معدن و تجارت
- عضو جبهه پایداری انقلاب اسلامی^۳

^۱ با سوابق و زندگینامه دکتر حسین طلا نماینده مستقل اصولگرایان آشنا شوید، پایگاه خبری حامیان ولایت، ۲۹ بهمن ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://ehavadar.com/fa/news-details/21152/>

^۲ همان.

^۳ جبهه پایداری انقلاب اسلامی، یک سازمان سیاسی در جریان اصولگرا در جمهوری اسلامی است که برخی از مقامات رانده شده از دولت محمود احمدی نژاد آن را تأسیس کرده‌اند. آن‌ها احمدی نژاد و هوادارانش را "جریان انحرافی" می‌خوانند.

- شهردار اسلامشهر از ۱۶ دی‌ماه ۱۳۹۶ تا کنون.^۱

برخی از موارد نقض حقوق بشر

مشارکت در سرکوب اعتراضات پس از

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸

حسین طلا به عنوان معاون فرماندار استان تهران نقش موثری در سرکوب اعتراضات و تجمعات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ در استان تهران داشته است. او مسئول بازداشت و مداخله پلیس در تجمعات بعد از انتخابات بود. وی درباره اعتراضات بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ می‌گوید: «حدود بعد از ظهر بود که تیراندازی‌ها در خیابان مطهری شروع شد و اتوبوس‌ها را آتش زدند. بعدها وقتی زمانی عضو انجمن پادشاهی را دستگیر کردند گفت ما برای کشتار وسیع آموزش دیده‌ایم.»^۲

او همچنین در دی‌ماه ۱۳۹۲ درباره اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ گفته بود: «هسته اصلی راهپیمایی ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ توسط عده‌ای با کتانی‌های نارنجی هدایت و ساماندهی شده بود. من خودم رفتن داخل جمعیت ۲۵ خرداد حضور داشتم که به صورت واضح این جمعیت سازماندهی شده بود و بعدها دیدیم که این افراد تحت عنوان گروه‌های اجتماعی و NGOها سازماندهی شده بودند و متأسفانه کارکردهای سیاسی پیدا کرده بودند.»^۳

با این که راهپیمایی بزرگ معترضان در سکوت و با آرامش نسبی برگزار شد در پایان، با خشونت مأموران امنیتی و انتظامی روبه‌رو شد که به تیراندازی و کشته شدن چند نفر انجامید. همان شب تلویزیون جمهوری اسلامی ایران رسماً کشته شدن هفت نفر و زخمی شدن ۲۹ نفر را تأیید کرد.

^۱ حکم شهردار اسلامشهر امضا شد، خبرگزاری تسنیم، ۱۹ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی

اینترنتی: <https://bit.ly/2U4Dyq2>

^۲ گفتگوی تفصیلی با رجانوزافتنه سال ۸۸، مجلس فعلی و مشکلات تهران، پایگاه اطلاع‌رسانی دکتر حسین طلا، ۱۷ بهمن ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2CvgHwH>

^۳ «کتانی نارنجی‌ها» راهپیمایی ۲۵ خرداد را هدایت کردند/حضور نمایندگان برخی سفارتخانه‌ها از ابتدای آشوب‌ها، خبرگزاری تسنیم، ۴ دی ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2RclWXm>

فرشته قاضی، خبرنگار، که با خانواده ده‌ها نفر از زندانیان و کشته‌شدگان حوادث بعد از انتخابات و از جمله مقتولان روز ۲۵ خرداد مصاحبه کرده بود تعداد کشته شدگان را بیشتر از رقم اعلام‌شده توسط حکومت ایران می‌داند: «شورای تامین استان تهران از کشته شدن ۷ و زخمی شدن ۲۹ تن خبر داد، اما دستگاه‌های حکومتی بعداً اعلام نکردند که این ۲۹ زخمی چه سرنوشتی پیدا کردند. در واقع، تعدادی از آن‌ها بعداً جان خود را از دست دادند و من شخصاً با خانواده‌های ۱۲ نفر از کسانی که آن روز در خیابان آزادی تیر خوردند و کشته شدند صحبت کرده‌ام.»^۱

در حمله ۲۴ خردادماه ۱۳۸۸ به کوی دانشگاه تهران نیز تعداد زیادی از دانشجویان بازداشت و تعدادی نیز کشته شدند. دفتر تحکیم وحدت گفته بود که در حمله به خوابگاه دانشگاه تهران پنج دانشجو کشته شدند.^۲ نیروهای انصار و لباس شخصی با سازمان‌دهی گسترده و هماهنگ به دانشجویان ساکن در کوی دانشگاه تهران حمله کردند. این افراد مجهز به انواع سلاح‌های سرد و گرم از جمله قمه و تبر بودند.

در روز عاشورای ۱۳۸۸ (۶ دی‌ماه) نیز چندین نفر از معترضان که به روایت نیروی انتظامی تعداد آن‌ها ۸ نفر بود کشته شدند و بیش از هزار نفر بازداشت شدند. همچنین در این روز ماشین نیروی انتظامی از روی یکی از معترضان رد می‌شود که منجر به مرگ وی می‌شود.^۳

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در ۱۸ مهر ۱۳۹۰ (۱۰ اکتبر ۲۰۱۱)، ۲۹ مقام ایرانی از جمله حسین طلا را به دلیل نقشی که در نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی داشته‌اند

^۱ سالگرد بزرگترین راهپیمایی اعتراضی پس از انقلاب، بی بی سی، ۲۵ خرداد ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2010/06/100613_139_elec_anniv_15june_demonstration

^۲ دفتر تحکیم وحدت: هفت دانشجو کشته شده‌اند، بی بی سی، ۲۷ خرداد ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی،

http://www.bbc.com/persian/iran/2009/06/090616_mm_ir88_shiraz_uni

^۳ خون‌هایی که پس از انتخابات ۸۸ به زمین ریخته شد، بی بی سی، ۲۱ خرداد ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی،

http://www.bbc.com/persian/iran/2010/06/100611_117_elec_anniv_unrest_casualties

از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه دارایی‌های این مقامات نیز در اروپا توقیف خواهد شد.^۱

بر اساس بیانیه اتحادیه اروپا حسین طلا مسئول مداخله پلیس در سرکوب معترضان بعد از انتخابات ۱۳۸۸ است. او به دلیل داشتن عملکرد خوب در سرکوب معترضان بعد از انتخابات پاداش هم دریافت کرده است.^۲

^۱ فهرست دوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۲۱

اسفند ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dim9Et>

^۲ همان.



محمود عباس‌زاده مشکینی

متولد مشکین‌شهر استان اردبیل است.

مسئولیت‌ها^۱

- عضو جامعه اسلامی دانشجویان
- رئیس روابط عمومی استانداری اردبیل
- مدیرکل شهری و روستایی استانداری اردبیل در دوره استانداری احمدی‌نژاد تا سال ۱۳۷۶
- مسئول کتابخانه استانداری اردبیل از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸
- مدیر آموزش کارکنان صدا و سیما از سال ۱۳۷۸ تا اواخر سال ۱۳۸۵
- از همکاران رسانه‌ای ستاد انتخاباتی احمدی‌نژاد
- دبیر کمیسیون ماده ده احزاب در دولت نهم و دهم
- مدیر کل سیاسی وزارت کشور^۲ از ۲۲ اسفند ۱۳۸۵ تا ۹ مرداد ۱۳۹۰^۳
- استاندار ایلام از ۳ آبان‌ماه ۱۳۹۱ تا پایان دولت دهم در سال ۱۳۹۲^۴

^۱ از محمود احمدی‌نژاد تا محمود عباس‌زاده، وبسایت مشکین سلام، ۲۲ آبان ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.meshkinsalam.ir/?p=20123>

^۲ عباس‌زاده مشکین مدیرکل سیاسی وزارت کشور شد، خبرگزاری مهر، ۲۲ اسفند ۱۳۸۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RHJnNe>

^۳ مشکینی: پورموسوی مدیرکل سیاسی وزارت کشور شد، روزنامه رسالت، ۹ مرداد ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2327237>

^۴ عباس‌زاده مشکینی استاندار ایلام شد، عصر ایران، ۳ آبان‌ماه ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2sDt2dB>

- مشاور دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه از ۸ مرداد ۱۳۹۳^۱

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. ممانعت از تجمع معترضان به نتایج

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸

محمود عباس‌زاده مشکینی به عنوان مدیر کل سیاسی وزارت کشور و دبیر کمیسیون ماده ده احزاب مسئول صدور مجوز برای تظاهرات و سایر گردهمایی‌های عمومی و همایش‌های احزاب رسمی کشور بود. او از سال ۱۳۸۸ تا پایان مسئولیتش به طور مداوم هر گونه تجمع غیرحکومتی را ممنوع کرده بود. علاوه بر این او هر گونه صدور مجوز قانونی برای اعتراضات را منع کرده بود و در بازداشت معترضان و افراد شرکت‌کننده در تجمعات علیه نقض حقوق آزادی مسئول بوده است.

به عنوان مثال او مانع برگزاری تجمع معترضان به نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ در ۲۲ خرداد ۱۳۸۹ شد. علی شکوری‌راد و ابوالفضل قدیانی، نمایندگان احزاب و گروه‌های درخواست‌کننده مجوز راهپیمایی، در گزارشی از ملاقات خود با مسئولان وزارت کشور نوشتند: «تصمیم قطعی و نهایی در وزارت کشور بر عدم صدور مجوز است، ولی برای این تصمیم دلایل قانونی تراشیده می‌شود.»^۲ مخالفان دولت در نامه‌ای متعهد شده بودند که در سکوت راهپیمایی کنند اما نمایندگان احزاب متقاضی راهپیمایی گفتند که محمود عباس‌زاده مشکینی در ملاقات با آن‌ها گفته بود که در آیین‌نامه مصوب دولت تأکید شده است که شعارهای راه-پیمایی باید از قبل به اطلاع وزارت کشور رسیده باشد و راهپیمایی در «سکوت» در این آیین‌نامه پیش‌بینی نشده است. این در حالی است که عباس‌زاده مشکینی گفته بود که بر خلاف آیین‌نامه دولت نماینده رسمی هیچ حزبی «حضورا» برای ارائه درخواست مجوز راهپیمایی به وزارت کشور مراجعه نکرده است. همچنین او

^۱ عباس‌زاده مشکینی مشاور لاریجانی شد، راه دانا، ۸ مرداد ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Cx5ifQ>

از این‌که وی هنوز در سمت یاد شده مسئولیت دارد اطلاع موثقی در دست نیست.

^۲ استاندار تهران: به چه دلیل باید مجوز راهپیمایی می‌دادیم؟، بی بی سی، ۲۱ خرداد ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

در سال ۱۳۸۹ مجوز برگزاری مراسم سالگرد کشته‌شدگان اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ را صادر نکرد.

۲. تعلیق فعالیت‌های احزاب سیاسی

طبق ماده ۱۰ کمیته قوانین درباره فعالیت‌های اعضای گروه‌های سیاسی او مسئول صدور مجوز برای تظاهرات و سایر گردهمایی‌های عمومی و همایش‌های احزاب رسمی کشور است. او در فروردین‌ماه ۱۳۸۹ فعالیت‌های دو حزب طرفدار میرحسین موسوی، جبهه مشارکت ایران اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، را به تعلیق در آورد.^۱

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در ۱۸ مهر ۱۳۹۰ (۱۰ اکتبر ۲۰۱۱)، ۲۹ مقام ایرانی از جمله محمود عباس‌زاده مشکینی را به دلیل نقشی که در نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی داشته‌اند از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه دارایی‌های این مقامات نیز در اروپا مشمول توقیف می‌شود.^۲ بر اساس بیانیه اتحادیه اروپا محمود عباس‌زاده مشکینی از سال ۱۳۸۸ تا کنون به طور مداوم هر گونه تجمع غیرحکومتی را ممنوع کرده است.

^۱ قوه قضائیه توقیف پروانه مشارکت و سازمان مجاهدین را تایید کرد، عصر ایران، ۲۹ خرداد ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2T6vyEO>

^۲ فهرست دوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۲۱ اسفند ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dim9Et>



کیومرث عزیزی

فرمانده نیروی انتظامی
استان مرکزی

مسئولیت‌ها^۱

- جانشین فرمانده انتظامی استان کرمانشاه تا ۱۳ مرداد ۱۳۹۴
- فرمانده نیروی انتظامی استان مرکزی از ۱۳ مرداد ۱۳۹۴ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

کیومرث عزیزی به عنوان فرمانده نیروی انتظامی استان مرکزی مسئول مرگ وحید حیدری، یکی از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶، است. از آن جایی که وحید حیدری در بازداشتگاه کلانتری ۱۲ شهر اراک نگهداری می‌شده است بر اساس قانون نیروی انتظامی مسئول حفظ جان او بوده است. وحید حیدری، ۲۳ ساله، در جریان اجتماعات اعتراضی در اراک در روز ۱۰ دی ۱۳۹۶ توسط نیروی انتظامی دستگیر شد و در کلانتری ۱۲ اراک جان سپرد. ۱۶ دی ۱۳۹۶ به خانواده حیدری اطلاع داده می‌شود که فرزندشان در زندان خودکشی کرده است و از ایشان می‌خواهند تا پیکر او را تحویل بگیرند. به گفته یک فعال مدنی در اراک خانواده وحید حیدری تحت فشار شدید امنیتی مجبور شدند او را در مکانی که مورد نظر ماموران امنیتی بود، دفن کنند.^۲

^۱ فرمانده انتظامی استان مرکزی منصوب شد + سوابق، خبرگزاری تسنیم، ۱۳ مرداد ۱۳۹۴، قابل دستیابی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2ANTVjj>

^۲ جان‌باختن وحید حیدری در بازداشتگاه اراک: «گرفتند و زدند و کشتند و حالا آپریش را می‌برند»، کمپین حقوق بشر ایران، ۱۹ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2CTsW8f>

عباس قاسمی، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان مرکزی، سه‌شنبه ۱۹ دی‌ماه با قاچاقچی خواندن وحید حیدری علت مرگ او را خودکشی اعلام کرد و گفت که فیلم لحظه خودکشی او موجود است.^۱

این اظهارات در حالی بیان شده است که تا کنون هیچ فیلمی از خودکشی وحید حیدری منتشر نشده است. نزدیکان وحید حیدری با رد ادعای قاچاقچی بودن او خبر از وجود شکاف عمیقی روی سر پیکر وحید حیدری داده‌اند که فرضیه خودکشی وی را رد می‌کند.

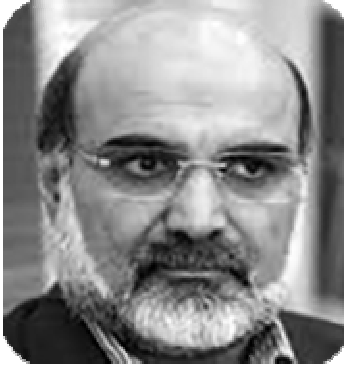
محمد نجفی، وکیل دادگستری که پرونده وحید حیدری را دنبال می‌کرد، در ۲۵ دی‌ماه و در منزل اش توسط نیروهای امنیتی دستگیر شد^۲ پیش از آن محمد نجفی با رد فرضیه خودکشی وحید حیدری گفته بود که او در بازداشتگاه کشته شده است.^۳

^۱ تأیید مرگ دومین بازداشتی اعتراض‌ها در ایران، بی بی سی، ۱۹ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bbc.in/2FBWoRh>

^۲ محمد نجفی وکیل دادگستری بازداشت شد، رادیو فردا، ۲۵ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2DCdmuN>

^۳ جان‌باختن وحید حیدری در بازداشتگاه اراک: «گرفتند و زدند و کشتند و حالا آپرویش را می‌برند»، کمپین حقوق بشر ایران، ۱۹ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2CTsW8f>



عبدالعلی عسگری

رئیس سازمان صدا و سیما

متولد سال ۱۳۳۷ است؛ مدرک
دکترای مهندسی صنایع دارد.^۱

مسئولیت‌ها^۲

- مشاور در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۰
- معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان مراکز ایرانگردی و جهانگردی از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۳
- بنیانگذار شرکت فروشگاه‌های رفاه و مشاور رئیس جمهور از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۰
- رئیس بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب‌شناسی از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳
- مشاور رئیس صدا و سیما جمهوری اسلامی و معاون آموزشی سازمان و ریاست دانشکده صداوسیما در سال ۱۳۸۳
- معاون توسعه و فن‌آوری رسانه در سازمان صداوسیما از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳
- رئیس سازمان صدا و سیما از ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۵ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

عبدالعلی عسگری به عنوان رئیس صدا و سیما جمهوری اسلامی مسئول پخش اعترافات اجباری زندانیان سیاسی و فعالان مدنی است. یکی از این موارد، مصاحبه‌ای با محمد قهرمانی، پدر سارو قهرمانی بوده است.

^۱ رئیس جدید رسانه ملی کیست؟+ زندگی‌نامه، خبرگزاری فارس، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Cr4VDz>.

^۲ آشنایی با رئیس جدید صداوسیما/ عبدالعلی علی عسگری کیست، خبرگزاری مهر، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RzJZV5>

سارو قهرمانی، ۲۴ ساله در ۱۲ دی ۱۳۹۶ در جریان اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۳۹۶ در سنندج توسط وزارت اطلاعات دستگیر شد و در بازداشت‌گاه وزارت اطلاعات جان سپرد. پیکر او ۱۱ روز بعد در ۲۳ دی‌ماه ۱۳۹۶ به خانواده‌اش تحویل داده شد.

فقط یک روز پس از انتشار خبر کشته‌شدن سارو قهرمانی، پدر او محمد قهرمانی، در ویدئویی که از صدا و سیما جمهوری اسلامی پخش شد با رد کشته‌شدن سارو در بازداشت‌گاه وزارت اطلاعات گفت که سارو از اعضای مسلح «حزب کومه‌له» بوده و در یک درگیری مسلحانه کشته شده است.

یک روز پیش از جلوی دوربین‌رفتن محمد قهرمانی (۲۴ دی ۱۳۹۶)، پدر سارو، محمدابراهیم زارعی، فرماندار، در سخنانی مشابه به خبرگزاری ایرنا (خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی) گفت که کشته‌شدن سارو قهرمانی ربطی به اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶ نداشته است و درباره جزئیات مرگ سارو گفت: «این فرد [سارو قهرمانی] وقتی به همراه یکی از مرتبطين خود تحت تعقيب مأموران قرار داشت بدون توجه به فرمان ایست ماموران از محل گریخته و سپس به سمت ماموران تیراندازی کردند که در درگیری کشته شدند.»^۱

اظهارات تلویزیونی محمد قهرمانی^۲، پدر سارو، در شرایطی به‌طور کامل تأیید کننده گفته‌های محمدابراهیم زارعی، فرماندار سنندج بود که بر اساس شهادت یکی از نزدیکان سارو، محمد قهرمانی تحت فشار شدید مأموران وزارت اطلاعات جلوی دوربین رفته است؛ فشارهایی که همچنان محمد قهرمانی را از انجام مصاحبه با رسانه‌ها باز می‌دارد.^۳

^۱ فرماندار: «فرد کشته شده در سنندج عضو گروهک تروریستی بود و ارتباطی با ناآرامی‌ها نداشت»، خبرگزاری ایرنا، ۲۴ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2QSZO3Z>

^۲ موضع پدر سارو قهرمانی درباره پسرش، تابناک، ۲۴ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2CqkXxq>

^۳ سارو قهرمانی؛ پدر عزادار را برای شهادت علیه پسر کشته شده‌اش مقابل دوربین نشاندهند، کمپین حقوق بشر ایران، ۲۵ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Fuedm1>



سید محمود علوی

وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی

سید محمود علوی متولد سال ۱۳۳۳ در شهر لامرد (در استان فارس)؛ تحصیلات حوزوی و مدرک دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی دارد.^۱

مسئولیت‌ها^۲

- نماینده ستاد مرکزی انقلاب اسلامی در جنوب فارس از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۸
- نماینده دفتر روح‌الله خمینی در لامرد از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۵۹
- نماینده دوره‌های اول، دوم، چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی
- مخبر و سخنگوی کمیسیون شوراها و امور داخلی، کمیسیون خاص وظیفه عمومی و کمیسیون خاص وظایف و اختیارات ریاست جمهوری در دوره‌های اول و دوم مجلس شورای اسلامی
- نایب رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی (دوره چهارم)
- نایب رئیس کمیسیون‌های سیاست خارجی و آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی (دوره پنجم)
- رئیس گروه دوستی پارلمانی ایران و کویت در مجلس (دوره‌های چهارم و پنجم)
- رئیس گروه دوستی پارلمانی ایران و مراکش در مجلس (دوره پنجم)
- معاونت نظارت و بازرسی و معاونت روابط عمومی و تبلیغات سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰

^۱ بیوگرافی حجت الاسلام محمود علوی + تصاویر، باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۷ مرداد ۱۳۹۶.

قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FEaly7>

^۲ همان.

- رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش با حکم سید علی خامنه‌ای از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۸
- نماینده مردم استان تهران در مجلس خبرگان رهبری
- وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی از مرداد ۱۳۹۲ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. دستگیری و شکنجه فعالان مدنی - سیاسی،

اکلیت‌های مذهبی و همچنین سرکوب اعتراضات مسالمت آمیز

۱.۱. سرکوب اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶

وزارت اطلاعات در اعتراضات سراسری هفتم تا هفدهم دی‌ماه ۱۳۹۶ دانشجویان، معترضان و افرادی که تصاویر این اعتراضات را رسانه‌ای می‌کردند دستگیر کرد. هم‌زمان با اعتراضات سراسری (۷ دی ۱۳۹۶) وزارت اطلاعات ده‌ها تن از فعالان دانشجویان منتقد را دستگیر کرد. پروانه سلحشوری، نماینده مجلس، در ۱۵ دی ۱۳۹۶ طی گفت‌وگویی با تارنمای خبری «جامعه نو»^۱ گفت وزارت اطلاعات متولی دستگیری ۹۰ تن از دانشجویان در جریان اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶ است. وزارت اطلاعات در ۲۰ دی ۱۳۹۶ طی بیانیه‌ای به تشریح فعالیت‌های این وزارت-خانه در راستای برخورد با اعتراضات سراسری پرداخت. در بخش‌هایی از این بیانیه آمده است:

«وزارت اطلاعات توانست با رصد اطلاعاتی و بهره‌گیری از گزارشات مردمی، برخی عوامل آشوب، اغتشاش، قتل و ضرب و شتم مردم و مأموران ناجا با سلاح سرد و گرم، تخریب و سرقت اموال عمومی و برهم‌زنندگان نظم و امنیت عمومی جامعه را دستگیر کند که به برخی از این اقدامات اشاره می‌شود:

- دستگیری شماری از تهییج و تحریک‌کنندگان مردم برای حضور در اغتشاشات در فضای مجازی در برخی استان‌ها،
- دستگیری ارسال‌کنندگان تصاویر آشوب و اغتشاش به رسانه‌های ضد انقلاب خارج‌نشین از طریق فضای مجازی.»

^۱ پروانه سلحشوری: وزارت اطلاعات متولی بازداشت دانشجویان است، جامعه نو، ۱۵ دی ۱۳۹۶.

همچنین سارو قهرمانی، ۲۴ ساله، در ۱۲ دی‌ماه ۱۳۹۶ در جریان اعتراضات در سنج از سوی وزارت اطلاعات دستگیر شد و در بازداشتگاه وزارت اطلاعات جان سپرد. پیکر او ۱۱ روز بعد در ۲۳ دی‌ماه ۱۳۹۶ به خانواده‌اش تحویل داده شد.

فقط یک روز پس از انتشار خبر کشته‌شدن سارو قهرمانی، پدر او، محمد قهرمانی، در ویدئویی که از صدا و سیما جمهوری اسلامی پخش شد با رد کشته‌شدن سارو در بازداشتگاه وزارت اطلاعات گفت سارو از اعضای مسلح «حزب کومه‌له» بود و در یک درگیری مسلحانه کشته شده است. براساس شهادت یکی از نزدیکان سارو، محمد قهرمانی تحت فشار شدید مأموران وزارت اطلاعات جلوی دوربین رفته است؛ فشارهایی که همچنان محمد قهرمانی را از انجام مصاحبه با رسانه‌ها باز می‌دارد.^۱

۱.۲. بازداشت و شکنجه کارگران معترض

مأموران وزارت اطلاعات، تحت امر سید محمود علوی، در بازداشت^۲ و شکنجه^۳ کارگران معترض شرکت نیشکر هفت‌تپه نقش کلیدی داشته‌اند. در ۱۴ دی‌ماه ۱۳۹۷ اسماعیل بخشی، از نمایندگان کارگران هفت‌تپه، در حساب اینستاگرام خود نوشت که در زندان شکنجه شده است. او در این یادداشت از محمود علوی، وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی، خواسته است تا در یک برنامه تلویزیونی به پرسش‌هایش درباره شکنجه پاسخ بدهد و در بخشی از آن نوشته است: «در روزهای اول بدون دلیل یا هیچ حرفی تا سرحد مرگ مرا شکنجه و زیر مشت و لگد گرفتند که تا ۷۲ ساعت در سلولم از جایم نمی‌توانستم تکان بخورم و آنقدر زده بودند که حتی از تاب درد، خوابیدن هم برایم زجرآور بود.»^۴

^۱ سارو قهرمانی؛ پدر عزادار را برای شهادت علیه پسر کشته‌شده‌اش مقابل دوربین نشانند، کمپین حقوق بشر ایران، ۲۵ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Fuedm1>

^۲ سرنوشت نامعلوم مدیرعامل سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، دویچه‌وله، ۶ فروردین ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Hi3UTX>

^۳ اسماعیل بخشی؛ تا سرحد مرگ شکنجه‌ام کردند، رادیو زمانه، ۱۴ دی ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.radiozameh.com/427221>

^۴ روایت اسماعیل بخشی از شکنجه و بازداشت؛ «وزیر اطلاعات پاسخگو باشد»، رادیو فردا، ۱۴ دی ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RWmf1C>

موج تازه اعتراضات مسالمت‌آمیز کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه در اعتراض به عدم دریافت چهار ماه حقوق و مطالبات قانونی و همچنین نحوه مدیریت این شرکت در آبان ۹۷ آغاز شد. نخستین اعتراضات کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه در سال ۸۴ به دلیل عدم دریافت سه ماه دستمزد انجام شد. مشکلات این شرکت، که قدیمی‌ترین کارخانه تولید شکر در ایران است، پس از واگذاری به بخش خصوصی در سال ۹۴ تشدید شد و اعتراضات متعدد کارگران را به دنبال داشته است.

۱.۳. بازداشت و نقض حقوق شهروندان بهائی

وزارت اطلاعات تحت هدایت سید محمود علوی بازداشت‌های وسیع شهروندان بهائی را به دلیل باور مذهبی آنان در دستور کار خود داشته است. از جمله این بازداشت‌ها می‌توان به بازداشت ۱۷ شهروند بهائی در سه شهر بهارستان، شیراز و کرج در ظرف کمتر از یک ماه اشاره کرد.^۱

۱.۴. آزار و اذیت فعالان مدنی و خانواده‌های آنان

رضا خندان، به دلیل اعتراض به بازداشت همسرش، نسرين ستوده، و اطلاع‌رسانی درباره این موضوع در شهریور ۱۳۹۶ توسط وزارت اطلاعات بازداشت شد.^۲ پیش از آن نسرين ستوده، وکیل دادگستری، به دلیل برعهده‌گرفتن وکالت زنان معترض به حجاب اجباری در خرداد ۹۷ بازداشت شده بود.

۲. ترورهای خارج از کشور

وزارت اطلاعات تحت مدیریت محمود علوی ترورهای مخالفان جمهوری اسلامی در خارج از کشور را از سر گرفته است. ترورهای انجام شده در کشورهای دانمارک^۳ و

^۱ بازداشت ۱۷ شهروند بهایی در سه شهر ایران طی یک ماه، کمپین حقوق بشر ایران، ۳ مهر ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2VVzo5s>.

^۲ افزایش آزار و اذیت اعضای خانواده فعالان مدنی توسط قوه قضائیه و وزارت اطلاعات دولت حسن روحانی، کمپین حقوق بشر ایران، ۱۳ شهریور ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2wQCrl>.

^۳ بحران روابط ایران و دانمارک؛ اتحادیه اروپا "طرح ترور در خاک دانمارک" را محکوم کرد، بی‌بی‌سی فارسی، ۹ آبان ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی

هلند^۱ و برنامه‌ریزی برای انجام عملیات تروریستی در خاک فرانسه^۲، اتحادیه اروپا را بر آن داشت تا بخشی از وزارت اطلاعات و دو تن از کارکنان این وزارتخانه، از جمله سعید هاشمی مقدم (معاونت وزارت اطلاعات) را در فهرست «گروه‌های تروریستی» قرار دهد.^۳

^۱ دولت هلند: جمهوری اسلامی در ترور دو شهروند ایرانی در هلند دست دارد، رادیو زمانه، ۱۸ دی ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.radiozameh.com/427808>

^۲ یک دیپلمات ایرانی هم همراه مظنون‌های «طرح بمب‌گذاری» نشست مجاهدین خلق بازداشت شد، صدای آمریکا، ۹ بهمن ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://ir.voanews.com/a/belgium-germany-iran-arrest-opposition-attack/4463435.html>

^۳ اتحادیه اروپا بخشی از وزارت اطلاعات ایران را تحریم کرد؛ اتهام به قتل و تلاش برای عملیات برون مرزی، صدای آمریکا، ۹ بهمن ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://ir.voanews.com/a/iran-eu-terror-/4733568.html>



حمیدرضا عمادی

مسئولیت‌ها

- مدیر اتاق خبر شبکه تلویزیونی پرس تی‌وی تا بهمن ۱۳۹۴

برخی از موارد نقض حقوق بشر

حمیدرضا عمادی به عنوان مدیر اتاق خبر شبکه تلویزیونی پرس تی‌وی و شخصی حقیقی و حقوقی به دلیل تهیه و پخش اعترافات اجباری گروه‌های مختلفی از بازداشت‌شدگان از جمله روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی، فعالان کرد و عرب و... مرتکب نقض حقوق بشر شده است. این اعمال مصداق نقض آشکار موازین بین‌المللی در منع شکنجه، حق حفاظت از حریم خصوصی و حق برخورداری از دادگاه منصفانه و دادرسی قانونی است.

طبق شهادت مازیار بهاری، روزنامه‌نگار و فیلمساز ایرانی-کانادایی، حمیدرضا عمادی خبرنگاری بوده است که از طرف پرس تی‌وی در مدتی که او پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ در زندان اوین بازداشت بود با او مصاحبه کرده است. مازیار بهاری همچنین تأیید کرده است که در طول مصاحبه عمادی و بازجویش (که پشت پرده‌ای مخفی شده بود تا بهاری نتواند او را ببیند) با هم درباره سوالات و پاسخ‌های مازیار بهاری تبادل نظر کردند تا مطمئن شوند تمام موارد که از شب قبل برای این اعتراف اجباری نوشته شده بود، گفته شود.

^۱ تعلیق دو تن از کارکنان پرس تی‌وی برای بررسی اتهام «آزار جنسی»، رادیو فردا، ۱۹ بهمن ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2T1p2PI>

«آفکام» تلویزیون پرس تی‌وی را برای پخش این مصاحبه صدهزار پوند جریمه کرد. این مصاحبه در زندان تحت فشار و علی‌رغم میل و خواسته مازیار بهاری فیلم‌برداری شده بود.

طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ اعترافات دست‌کم ۱۸ زندانی سیاسی و عقیدتی از پرس تی‌وی پخش شده است. بر اساس تحقیقات عدالت برای ایران تمامی این اعترافات تحت فشار، آزار و یا شکنجه گرفته شده است و بدون رضایت این زندانیان از پرس تی‌وی پخش شده است.

مازیار بهاری، روزنامه‌نگار ایرانی-کانادایی و خبرنگار نیوزویک و کانال ۴ انگلیس در تهران؛ زانیار و لقمان مرادی، زندانیان سیاسی کرد؛ احمد دبات و سجاد بیت‌الله، زندانیان سیاسی عرب؛ سکینه محمدی آشتیانی، زندانی زن محکوم به سنگسار؛ هوتن کیان، وکیل حقوق بشری؛ جمال قزاقی، زندانی سیاسی کرد؛ مرضیه رسولی، پرستو دوکوهکی و سهام بورقانی، روزنامه‌نگار؛ هادی راشدی^۱، مدیر مدرسه در شهر رامشیر و موسس یک سازمان غیردولتی برای توسعه فرهنگ و زبان عربی؛ هاشم شعبانی^۲، دبیر دبیرستان و موسس یک سازمان غیر دولتی برای توسعه فرهنگ و زبان عربی؛ طاها حیدریان، فعال سیاسی عرب؛ سمکو خلقتی، کارمند تأسیسات هسته‌ای اراک و علی چبیشات، خالد موسوی و سلمان چایانی^۳، زندانیان سیاسی عرب از جمله افرادی هستند که اعترافات اجباری^۴ آن‌ها از شبکه پرس تی‌وی، تحت مدیریت محمد سرافراز، پخش شده است.

پرس تی‌وی^۵ اعترافات تلویزیونی برخی زندانیان سیاسی^۶ از جمله دستگیرشدگان عرب را ماه‌ها پیش از برگزاری دادگاه ایشان و در برنامه‌هایی چون «گروه تروریستی

^۱ هادی راشدی و هاشم شعبانی، دو زندانی عرب اهوازی اعدام شدند، عدالت برای ایران، ۹ بهمن ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/news/newshadi-rashedi-hashem-shabaninejad/>.

^۲ همان.

^۳ اعدام و دفن مخفیانه علی چبیشات و سید خالد موسوی، دو زندانی عرب اهوازی، عدالت برای ایران، ۲۳ خرداد ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/news/execution-of-ahwazi-arab-activists/>.

^۴ قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://vimeo.com/79671895>.

^۵ کات! پخش پرس تی‌وی باید متوقف شود، عدالت برای ایران، ۱۲ دی ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://justice4iran.org/persian/publication/presstv-farsi/>.

^۶ شهادت مازیار بهاری، زندانیان سیاسی کرد و اعضای خانواده زندانیان سیاسی عرب، نزد عدالت برای ایران.

الاحوازی در خوزستان» و «گروه تروریستی الاحوازی در ایران» پخش کرده است.^۱ این اعترافات دروغین به وضوح تحت شکنجه گرفته شده‌اند.

همچنین تصاویر خانواده‌های علی چیشات، خالد موسوی و سلمان چایانی، سه زندانی سیاسی که پس از مدت‌ها بی‌خبری از آن‌ها با وعده ملاقات با عزیزان‌شان برای آمدن جلوی دوربین پرس تی‌وی تحت فشار گذاشته شده‌اند، نیز بدون اخذ رضایت آن‌ها از پرس تی‌وی پخش شده است.

بر اساس رای دادگاه اروپایی در پرونده سرافراز و عمادی علیه شورای اروپا «پخش اعترافات اجباری توسط شبکه‌ای مانند پرس تی‌وی، بدون انجام اقدامات لازم جهت مطلع ساختن عموم از شرایط خاص ضبط این اعترافات و بدون دریافت رضایت اشخاص مصاحبه شونده پیش از پخش آن، می‌تواند همکاری در برنامه مقامات حکومتی ایران جهت گناهکار نشان دادن اشخاص بازداشت‌شده و یا زندانی باشد. این امکان مخصوصاً در شرایطی تحقق می‌یابد که اعترافات گرفته شده در نهایت به عنوان ادله اثبات جرم علیه متهمان در برابر دادگاه صالح مورد استفاده قرار گرفته تا آرای دادگاه در رابطه با وجود یک جرم کیفری و مجازات مربوطه را توجیه کنند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که پخش اعترافات اجباری در یک شبکه خبری مانند پرس تی‌وی، از آنجا که اعترافات مورد نظر را برای عموم (در سطح ملی و بین‌المللی) پخش می‌کند، می‌تواند ناقض حق دادرسی عادلانه باشد.»^۲

در فروردین‌ماه ۱۳۹۵ شینا شیرانی، مجری پرس تی‌وی، با پخش یک فایل صوتی اطلاعات مربوط به آزار جنسی و تهدید از سوی حمیدرضا عمادی، سردبیر ارشد این کانال ۲۴ ساعته انگلیسی را به عرصه عمومی کشاند.^۳ در پی این اتفاق روابط عمومی شبکه پرس تی‌وی اعلام کرد که عمادی از شغل خود معلق شده است و

^۱ مستندی درباره «گروه تروریستی الاحوازی در ایران»، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.youtube.com/watch?v=RIE1gveiS8Q>

^۲ حکم دادگاه عدالت اروپا درباره حمیدرضا عمادی از مدیران ارشد پرس تی‌وی، عدالت برای ایران، ۱۶ فروردین ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/j4iran-activities/european-court-hamidreza-emadi/>

^۳ فایل صوتی آزار جنسی مجری زن توسط مدیر ارشد صدا و سیما، روزآنلاین، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.facebook.com/584634201565095/videos/vb.584634201565095/1180294028665773/?type=2&theater>

درباره موضوعات مطرح شده در شبکه‌های اجتماعی دست به تحقیق خواهد زد.^۱

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا^۲ در ۲۱ اسفند ۱۳۹۱ حمیدرضا عمادی را به دلیل پخش اعترافات اجباری روزنامه‌نگاران و زندانیان سیاسی در لیست مجازات‌های حقوق بشری قرار داد. بر اساس این تحریم دارایی‌های حمیدرضا عمادی در اروپا توقیف و از ورود او به اروپا جلوگیری می‌شود.

محمد سرافراز و حمیدرضا عمادی، دو مدیر ارشد پرس تی‌وی از تصمیم یادشده به دادگاه عدالت اروپا شکایت کردند. عدالت برای ایران درخواست ورود به پرونده را به عنوان شخص ثالث تسلیم دادگاه کرد که دادگاه در تصمیمی جداگانه، به دلیل این‌که گزارش‌های عدالت برای ایران یکی از مهم‌ترین دلایل تصمیم اتحادیه اروپا برای تحریم سرافراز و عمادی بوده است، این درخواست را قبول کرد. در نهایت این دادگاه تأیید کرد که تصمیم اتحادیه اروپا برای اعمال مجازات‌های حقوق بشری علیه مسئولان پرس تی‌وی مطابق قوانین بوده است و این دو نفر همچنان مشمول ممنوع‌الورودی به کشورهای اروپایی و سایر ضوابط محدود کننده هستند.^۳

^۱ تعلیق دو تن از کارکنان پرس تی‌وی برای بررسی اتهام «آزار جنسی»، رادیو فردا، ۱۹ بهمن ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2T1p2PI>

^۲ COUNCIL IMPLEMENTING REGULATION (EU) No 206/2013 of 11 March 2013, EUR-Lex, 12 March 2013, Available at: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/GA/TXT/?uri=celex:32013R0206>

^۳ دادگاه عدالت اروپا مدیران صدا و سیما را به دلیل نقض حقوق بشر محکوم کرد، عدالت برای ایران، ۱۹ آذر ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/publication/call-for-action/the-european-court-of-justice2/>



محمد قاسم عین‌الکمالی

رئیس کل دادگاه‌های عمومی و
انقلاب شهرستان سمنان

مسئولیت‌ها

- رئیس دادگاه انقلاب و قاضی شعبه دادگاه انقلاب شهر سمنان دست‌کم طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲
- مشاور فرهنگی رئیس کل دادگستری استان سمنان^۱ و معاون آموزش دادگستری استان سمنان^۲ تا خرداد ۱۳۹۵
- رئیس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب شهرستان سمنان^۳ از ۴ خرداد ۱۳۹۵ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

- محمد قاسم عین‌الکمالی به عنوان قاضی دادگاه انقلاب شهر سمنان برای پیروان دیانت بهائی، به دلیل اعتقاد و باور مذهبی آنان، احکام زندان صادر کرده است که در زیر به نمونه‌هایی از این احکام اشاره می‌شود:
- صدور حکم شش سال و شش ماه حبس برای پویا تیبانیان^۴، شهروند بهائی ساکن سمنان، به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام».

^۱ رئیس دادگستری سمنان: سلامت توأم با تعهد و دینداری از ویژگی‌های نیروی انسانی قوه قضائیه است، ایسنا، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2VYewuk>

^۲ مهم‌ترین وظیفه شوراهای حل اختلاف ایجاد صلح و سازش است، خبرگزاری شبستان، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.shabestan.ir/detail/News/38831>

^۳ معاونین جدد دستگاه قضائی استان سمنان منصوب شدند، خبرگزاری میزان، ۴ خرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Fxmwc5>

^۴ گزارشی از وضعیت پویا تیبانیان، زندانی بهائی در زندان مرکزی سمنان، تارنگار حقوق بشر ایران، ۵ بهمن ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://humanrightsiniran.com/1395/33543/>

- صدور شش سال حبس تعزیری برای عادل فنائیان^۱، شهروند بهائی ساکن سمنان، به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام».
- صدور حکم چهار سال و چهار ماه حبس تعزیری برای انیسا فنائیان^۲، شهروند بهائی شهر سمنان، به «اتهام تبلیغ علیه نظام».
- صدور حکم پنج سال و ده ماه حبس تعزیری برای ترانه ترابی^۳، شهروند بهائی شهر سمنان.
- صدور حکم هفت سال حبس تعزیری برای زهره نیک‌آئین^۴، شهروند بهائی شهر سمنان.
- صدور حکم یک سال حبس تعزیری برای سپهر سبحانی^۵، شهروند بهائی ساکن شهر سمنان.
- صدور یک سال حبس تعزیری برای خدیجه نبوی، شهروند بهائی ساکن شهر سمنان.

^۱ عادل فنائیان از زندان آزاد شد، هرانا، ۲۹ خرداد ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2CrB9yu>

^۲ زوج‌های زندانی، رادیو زمانه، ۲۷ بهمن ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.radiozamaneh.com/53533>

^۳ محکومیت ترانه ترابی به ۵ سال و ۱۰ ماه حبس تعزیری، هرانا، ۲ اسفند ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.hra-news.org/2012/hranews/1-10217/>

^۴ ملاقات با زهره نیک‌آئین، رادیو فردا، ۵ مرداد ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.radiofarda.com/a/b22-molaghat-zohreh-nikaen/27285345.html>

^۵ محکومیت قطعی دو شهروند بهایی به ۳۱ ماه حبس تعزیری در سمنان، هرانا، ۲ تیر ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.hra-news.org/2012/hranews/1-11478/>



غلامحسین غیب‌پرور

فرمانده سازمان بسیج مستضعفین

متولد ۱۳۴۱ در شیراز است.^۱

مسئولیت‌ها^۲

- عضو لشکر ۱۹ فجر شیراز در سال‌های دهه ۶۰
- مسئول آموزش نیروی زمینی سپاه پاسداران در سال ۱۳۸۰
- فرمانده لشکر ۲۵ کربلا سپاه پاسداران در مازندران از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵
- فرمانده لشکر ۱۹ فجر سپاه پاسداران از ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷
- فرمانده سپاه پاسداران استان فارس از ۱۳۸۷ تا آذر ۱۳۹۵
- فرمانده قرارگاه مرکزی امام حسین سپاه پاسداران^۳ از آذر ۱۳۹۴ تا کنون
- فرمانده سازمان بسیج مستضعفین از ۱۷ آذر ۱۳۹۵ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

نیروهای بسیجی، تحت امر غلامحسین غیب‌پرور طی اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۳۹۶ (۷ تا ۱۷ دی ۱۳۹۶) در برخورد خشن با معترضان با نیروی انتظامی همکاری تنگاتنگی داشته‌اند.

^۱ آشنایی با سوابق رئیس جدید سازمان بسیج/ تصاویری از یک دهه مجاهدت سردار غیب‌پرور، پایگاه خبری تحلیلی شیرازه، ۱۸ آذر ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2AQqHk6>.

^۲ سردار غیب‌پرور؛ از مسئولیت‌های آموزشی در سپاه تا نگاه فراجغرافیایی به بسیج، خبرگزاری فارس، ۱۷ آذر ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FGE2hQ>.

^۳ مراسم معارفه فرمانده قرارگاه امام حسین(ع) برگزار شد، خبرگزاری دفاع مقدس، ۲۹ آذر ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2TRRXpd>

اسماعیل کوثری، جانشین قرارگاه ثارالله تهران، طی مصاحبه‌ای در مورخ ۱۰ دی ۱۳۹۶ با خبرگزاری ایلنا درباره همکاری نیروهای بسیج با نیروی انتظامی در برخورد با معترضان گفته است: «با همت بلند نیروی انتظامی و عزیزان بسیج که از بعد از ظهر دیروز به کمک عزیزان نیروی انتظامی رفتند امنیت خوب و پایداری در سطح شهر تهران برقرار شده است.»^۱

قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران قرارگاهی امنیتی است که زیر نظر مستقیم فرمانده سپاه اداره می‌شود و وظیفه تأمین امنیت تهران را بر عهده دارد.

همچنین رمضان شریف، سخنگو و مسئول روابط عمومی کل سپاه پاسداران، طی گفت‌وگویی نقش بسیج و غلامحسین غیب‌پرور در برخورد با معترضان را تأیید کرده است: «در برخی از شهرستان‌ها درخواست‌هایی از بخش‌هایی از بسیج برای کمک به ناجا صورت گرفته است که از طریق سردار غیب‌پرور، رئیس محترم سازمان بسیج، هماهنگی‌های لازم صورت گرفت و به دوستان کمک کردند.»^۲

^۱ تخریب‌کنندگان اموال بیت‌المال بدانند شناسایی شدند/ بسیج از بعدازظهر دیروز به کمک ناجا رفت، خبرگزاری ایلنا، ۱۰ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2SSSV4B>

^۲ واکنش سخنگوی سپاه به اغتشاشات اخیر، مشرق‌نیوز، ۱۲ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2McyTiV>



احمد فاضلیان

رئیس دادگستری و رئیس شعبه
اول دادگاه تجدیدنظر استان البرز

متولد همدان؛ از سال تولد و تحصیلات
او اطلاعی در دست نیست.^۱

مسئولیت‌ها^۲

- رئیس شعبه ۷ دادگاه تجدیدنظر، معاون ارزشیابی قضات و معاون قضائی دادگستری استان گلستان تا ۲۱ شهریور ۱۳۸۵
- رئیس کل دادگستری استان گلستان از ۲۱ شهریور ۱۳۸۵ تا ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۴
- رئیس دادگستری و رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان البرز^۳ از ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۴ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. نقض حقوق شهروندان بهائی

احمد فاضلیان به عنوان رئیس وقت دادگستری استان گلستان به دلیل پیگیری نکردن و بی‌توجهی به شکواییه شهروندان بهائی مبنی بر شکنجه‌های شدید فیزیکی و روانی در زمان بازجویی، مرتکب نقض حقوق بشر شده است.

^۱ احمد فاضلیان مدیر کل دادگستری البرز شد، پایگاه خبری تحلیلی گلستان نو، ۱۵ شهریور ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2BaBe9S>

^۲ معرفی رئیس کل دادگستری گلستان، شمال نیوز، ۲۱ شهریور ۱۳۸۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FBtzW1>

^۳ از سوی رئیس قوه قضائیه منصوب شد: فاضلیان رئیس کل جدید دادگستری استان البرز، خبرآنلاین، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2ASZHAp>

۲۶ مهرماه سال ۱۳۹۱ تعداد ۱۹ تن از شهروندان بهائی به صورت هم‌زمان در استان گلستان بازداشت شدند و طی یک پروسه یک ساله تعداد بازداشت‌شدگان به ۳۲ تن رسید. گروه اولی که به صورت موقت و با قید وثیقه‌های سنگین آزاد شدند، در تاریخ ۹ آذرماه ۱۳۹۱ طی نامه‌ای مفصل به ریاست دادگستری گلستان نوشتند که بازجویان وزارت اطلاعات و افرادی که خود را «مرجع و ضابط قضائی» معرفی کرده‌اند، علاوه بر رفتارهای غیرقانونی، بازداشت‌شدگان را تحت شکنجه‌های شدید قرار داده‌اند.

آویزان کردن از سطح شیب‌دار، کوبیدن بر سر و صورت بازداشت‌شدگان، نگاه داشتن بازداشت‌شدگان شکنجه‌شده در زیر باران برای ساعت‌های طولانی و کوبیدن بر دهان آن‌ها فقط بخشی از شکنجه‌هایی است که شهروندان بهائی بازداشت‌شده در گلستان طی نامه‌ای به احمد فاضلیان خواهان رسیدگی به آن شده‌اند. در شکواییه‌ای که خطاب به احمد فاضلیان نوشته شده آمده است که زنان بازداشت شده مورد آزارهای جنسی قرار گرفته‌اند. بسیاری از زنان بازداشت‌شده به صورت شبانه بازجویی می‌شدند، آن‌ها را با چشم‌بند به اتاقی می‌بردند که چندین مرد در آنجا حاضر بود. یکی از آن‌ها بازجویی می‌کرد و مردان دیگر در اطراف زن حضور داشتند. طولانی بودن زمان بازجویی‌های شبانه، بردن متهم به اتاقی در گوشه حیاط، ضرب و شتم، تهدید به آزار و اذیت دختران نوجوان، متهم کردن آن‌ها و دختران‌شان به روابط غیراخلاقی و نزدیک شدن بازجویان به متهمان زن از جمله فشارهایی بود که برای گرفتن اعتراف از بازداشت‌شدگان وارد می‌شد.

بازجویان همچنین بازداشت‌شدگان را تهدید می‌کردند که «اینجا قانون معنا ندارد و حقوق بشر و حقوق متهم بی‌معنا است. باید هر آنچه می‌خواهیم انجام دهید» و پاسخ اعتراض و اصرار به رعایت حقوق بازداشت‌شده، ضرب و شتم و شکنجه بوده است.

نویسندگان این نامه از رئیس دادگستری استان گلستان خواسته بودند برای بررسی این پرونده و صدور احکام عادلانه اقدامات لازم را انجام دهد. آن‌ها همچنین خواستار «اصلاح روش‌های بازجویی و انطباق آن‌ها با مقررات» شده بودند. با وجود این که احمد فاضلیان، رئیس دادگستری استان گلستان، در بالای نامه گزارش شکنجه گروه اول بازداشت‌شدگان، دستور پیگیری داده بود اما این دستور خود را هیچ‌گاه پیگیری نکرد و تا کنون پس از گذشت بیش از چند سال نیز هیچ پیگیری از سوی مقامات مسئول در این زمینه انجام نشده است.

افشاگری‌های گروه اول بازداشت‌شدگان و نامه آن‌ها به رئیس کل دادگستری استان گلستان، اگرچه شدت ضرب و شتم دیگر بازداشت‌شدگان را کاهش داد اما باعث توقف شکنجه‌ها نشد. اظهاراتی که متهمان زیر این شکنجه‌ها مجبور به اقرار به آن‌ها شده بودند در زمره مستندات پرونده آن‌ها به دادگاه ارسال شد و رئیس دادگستری گلستان با وجود اطلاع از این شکنجه‌ها هیچ اقدامی برای پیگیری این موضوع انجام نداد.

وحید مشکانی فراهانی، که وکالت شماری از بازداشت‌شدگان این پرونده را بر عهده دارد، به عدالت برای ایران می‌گوید که شهروندان بهائی بازداشت‌شده در جلسات دادگاه‌شان نیز قاضی پرونده را در جریان شکنجه‌های اعمال‌شده قرار دادند و گفتند که اظهارات مندرج در بازجویی‌ها در «شرایط تحکم و فشار و به دور از آزادی اراده» بوده است اما قاضی دادگاه با این بهانه که ادله‌ای برای اثبات این ادعاها ندارد آن را نپذیرفت و رئیس دادگستری نیز اقدامی در زمینه معتبرنبودن اظهاراتی که تحت شکنجه و فشار اخذ شده‌اند، انجام نداد.

در نهایت، محسن قنبری، قاضی شعبه دو دادگاه عمومی گرگان، این ۲۴ شهروند بهائی را در مجموع به ۱۹۳ سال حبس تعزیری محکوم کرد. هشت تن دیگر از بازداشت‌شدگان این پرونده نیز پیش از این از سوی محمد مقیسه در مجموع به ۴۵ سال حبس محکوم شده بودند و در حال گذراندن دوران محکومیت‌شان در زندان رجایی شهر کرج هستند.

۲. سرکوب معترضان پس از اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶

احمد فاضلیان به عنوان رئیس دادگستری استان البرز، در ۱۲ دی‌ماه ۱۳۹۶ پس از تجمعات اعتراضی، از دستگیری تعداد زیادی از معترضان در استان البرز و برخورد قاطع قضائی با آنان خبر داد. او همچنین با نقض آشکار حق برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز، شهروندان را برای برگزاری هرگونه تجمعی تهدید کرد: «از امروز تا اطلاع ثانوی به منظور جلوگیری از سوء استفاده آشوبگران و معاندان اجازه برگزاری هیچ نوع تجمع صنفی و غیرصنفی داده نمی‌شود و هر نوع تجمع مصداق حرکت غیرقانونی و علیه امنیت کشور بوده و با مسببان آن برخورد خواهد شد.»^۱

^۱ بازداشت عوامل ناامنی در البرز/ برگزاری تجمع صنفی ممنوع، خبرگزاری مهر، ۱۲ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dio387>



رضا فرج‌اللهی

قاضی و رئیس شعبه ۳۲
دیوان عالی کشور

مسئولیت‌ها

- قاضی شعبه چهارم دادگاه انقلاب اسلامی کرج تا سال ۱۳۹۱
- قاضی و رئیس شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور از ۱۳۹۱ تا کنون^۱

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. تأیید احکام اعدام زندانیان سیاسی

رضا فرج‌اللهی به‌عنوان رئیس شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور در تأیید احکام متعدد اعدام زندانیان سیاسی نقش مؤثری داشته است. احکام اعدام سعید ملک‌پور و وحید اصغری^۲، فعالان اینترنتی و پنج فعال عرب عضو مؤسسه الحوار^۳ از جمله این اعدام‌ها هستند. رضا فرج‌اللهی مسئول نقض شدید حقوق زندانیان سیاسی از طریق عدم تحقیق درباره اعمال شکنجه، عدم رعایت معیارهای دادرسی عادلانه و تأیید احکام اعدام

^۱ همه‌جه علیه دستگاه قضا برای اجرای قانون! / تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی چگونه در مجلس طرح و به تصویب شورای نگهبان رسید، خبرگزاری میزان، ۲۰ خرداد ۱۳۹۷، قابل دسترسی در

نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2HpNzwm>

^۲ عدالت برای ایران: مرکز جرائم سازمان‌یافته سپاه پاسداران را در فهرست تحریم‌های حقوق بشری قرار دهید؛ عدالت برای ایران، ۵ فروردین ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/publication/call-for-action/gerdab/>

^۳ حکم اعدام پنج عضو مؤسسه "الحوار" باید لغو شود، عدالت برای ایران، ۲۵ دی ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/publication/call-for-action/alhewar/>

فعالان سایبری و فعالان مدنی است.^۱

محمدعلی عموری (مهندس شیلات و معلم مدرسه)، هادی راشدی (فوق لیسانس شیمی کاربردی و دبیر شیمی)، هاشم شعبانی (دبیر ادبیات عرب و دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اهواز)، جابر آلبوشوکه (فوق دیپلم کامپیوتر و سرباز وظیفه) و مختار آلبوشوکه (شاغل در یک شرکت سنگ‌شکن)، از مؤسسان و اعضای فعال الحوار، در حالی به اتهام محاربه و انجام عملیات مسلحانه و اقدام علیه امنیت ملی، از سوی شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور به ریاست رضا فرج‌اللهی به اعدام با چوبه دار محکوم شده‌اند که در جلسات متعدد دادرسی صریحاً اعلام کرده‌اند که پس از ماه‌ها شکنجه شدید مجبور به انجام اعترافات دروغین درباره دست‌داشتن در عملیات مسلحانه و براندازی نظام جمهوری اسلامی شده‌اند.^۲

همچنین رضا فرج‌اللهی در بهمن‌ماه ۱۳۹۱ حکم اعدام چهار فعال اهوازی را تأیید کرده است.^۳ غازی عباسی متولد ۱۳۶۱، عبدالرضا امیر خنافره متولد ۱۳۶۶، عبدالامیر مجدمی متولد ۱۳۵۹ و جاسم مقدم متولد ۱۳۶۴ از ساکنان شهر شادگان اهواز هستند که در تابستان ۱۳۸۸ در اهواز توسط نیروهای اطلاعات دستگیر شدند. آن‌ها در فروردین‌ماه ۱۳۹۱ در شعبه یک دادگاه انقلاب اهواز به اتهام محاربه و فساد فی‌الارض از طریق حمله مسلحانه به اعدام محکوم شدند و شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور به ریاست رضا فرج‌اللهی این حکم را در ۲۵ بهمن‌ماه ۱۳۹۱ تأیید کرد. با این حال ۵ ماه پس از تأیید حکم از سوی دیوان عالی کشور، در روز ۱۹ تیرماه این حکم به محکومان ابلاغ شده است.

در بخشی از نامه منتسب به این چهار نفر که از داخل زندان ارسال شده آمده است: «بعد از گذشت ۳ سال بلا تکلیفی در بازداشتگاه‌های اطلاعات؛ دادگاه ما در سال ۱۳۹۱ تشکیل شد که در مجموع بیشتر از دو ساعت و نیم طول نکشید و ما بدون

^۱ "گفت و گو" با مرگ؛ گزارش مستند عدالت برای ایران پیرامون نقض حقوق فعالان هویت‌طلب عرب، عدالت برای ایران، ۲ اسفند ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/publication/call-for-action/english-deathly-struggle-of-ahwazi-arab-activists-detailed-in-new-report-justice-for-iran-calls-for-increased-international-support/>

^۲ همان.

^۳ تأیید چهار حکم اعدام در اهواز توسط دیوان عالی کشور و پرسش‌های جدی درباره روند دادرسی و محاکمه آن‌ها، کمپین حقوق بشر ایران، ۲ مرداد ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://persian.iranhumanrights.org/1392/05/execution_ahwaz/

این‌که بتوانیم از خود دفاع کنیم به اتهام اعمال مسلحانه و محاربه با خدا و فساد فی‌الارض به اعدام محکوم شدیم.^۱ در جای دیگری از همین نامه آمده است: «من غازی عباسی از اهلالی فلاحیه (شادگان) که در تاریخ ۱۶/۶/۱۳۸۸ دستگیر شدم در مدت ۱۱ ماه در بازداشتگاه اطلاعات اتهام‌های عدیدی به من نسبت داده شده که در این مدت در معرض انواع شکنجه فیزیکی و روحی قرار گرفتم که آثار این شکنجه‌ها تا کنون بر بدنم مانده است.»^۲

۱.۲. تأیید حکم اعدام متهمان نوجوان

امیرحسین پورجعفر، دختر ۶ ساله افغان به‌نام ستایش قریشی را در فروردین‌ماه ۱۳۹۵ به قتل رساند. با وجود این‌که او در زمان ارتکاب این قتل ۱۶ ساله بود در ۱۴ دی‌ماه ۱۳۹۶ و در حالی‌که کمتر از ۱۸ سال داشت، در زندان رجایی‌شهر اعدام شد.

رضا فرج‌اللهی، رئیس شعبه سی و دوم دیوان عالی کشور، در ۲۰ دی‌ماه ۱۳۹۵ حکم اعدام امیرحسین پورجعفر را تأیید کرد. او طی مصاحبه‌ای در این‌باره گفته بود: «دادنامه شعبه ۷ دادگاه کیفری استان تهران در مورد محکومیت «امیرحسین پ.» راجع به قتل عمدی و زناى به عنف و جنایت بر میت با لحاظ اصلاحاتی بر اساس مواد ۱۳۳ و ۳۸۲ قانون مجازات اسلامی در شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور ابرام شده است.»^۳

^۱ تداوم ابهام در زنده بودن ۴ زندانی محکوم به اعدام اهل شادگان، همه حقوق بشر برای همه در ایران، ۱۱ آذر ۱۳۹۲، قابل دسترسی در این نشانی اینترنتی:

<http://www.iranhrc.org/?lan=fa&p=905>

^۲ غازی عباسی، زندانی محکوم به اعدام به قرنطینه زندان کارون اهواز منتقل شد، کمپین حقوق بشر ایران، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://persian.iranhumanrights.org/1392/07/ghazi_abbasi/

^۳ پرونده جنایت ورامین بسته شد/ از محاکمه قاتل ستایش قریشی تا اجرای حکم، خبرگزاری میزان، ۱۷ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2B3yScN>



علی فرهادی

سرپرست معاونت نظارت و
بازرسی امور اقتصادی سازمان
بازرسی کل کشور

مسئولیت‌ها

- دادستان عمومی و انقلاب کرج از سال ۱۳۸۵ تا ۱۰ شهریورماه ۱۳۹۳^۱
- مدیر کل بازرسی تهران در سازمان بازرسی کل کشور^۲ و رئیس منطقه یک سازمان بازرسی کل کشور^۳ از شهریورماه ۱۳۹۳ تا مردادماه ۱۳۹۵
- سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور^۴ از ۱۹ مرداد ۱۳۹۵ تا کنون
- سرپرست معاونت نظارت و بازرسی امور اقتصادی سازمان بازرسی کل کشور^۵ از ۶ اردیبهشت ۱۳۹۶ تا کنون

^۱ دادستان جدید کرج معارفه شد، خبرگزاری مهر، ۱۰ شهریور ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی

اینترنتی: <https://bit.ly/2RVNwML>

^۲ همان.

^۳ سازمان بازرسی دادستان یقه‌سفیدهاست/ زمینه‌های ایجاد فساد همچنان در کشور وجود دارد، خبرگزاری فارس، ۱۶ شهریور ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2HmdLrV>

^۴ علی فرهادی به عنوان سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور منصوب شد، سازمان بازرسی کل کشور، ۱۹ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bazresi.ir/index.aspx?pageid=618&newsview=1931>

^۵ علی فرهادی با حفظ سمت به عنوان سرپرست معاونت نظارت و بازرسی امور اقتصادی سازمان بازرسی کل کشور منصوب شد، سازمان بازرسی کل کشور، ۶ اردیبهشت ۱۳۹۶، قابل دسترسی در

نشانی اینترنتی: <https://bazresi.ir/index.aspx?pageid=618&newsview=2378>

برخی از موارد نقض حقوق بشر

علی فرهادی به عنوان دادستان عمومی و انقلاب کرج با نقض قواعد بین‌المللی دادرسی عادلانه و صدور حکم اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال در نقض حقوق بشر مسئول است.

در دوران مسئولیت علی فرهادی در دادستانی کرج احکام اعدام بسیاری از زندانیان اجرا شد. این احکام در یک روند غیرشفاف و فرا قانونی صادر شده است.

علی فرهادی در دهم مردادماه ۱۳۸۶ با اشاره به اعدام ۱۲ نفر در کرج می‌گوید: «اعدام علنی ۱۲ نفر از اشرار با مشارکت دادرسی کرج و زندان اوین برای عبرت-آموزی سایرین طی هفته اخیر انجام شده است.»^۱

در بهمن‌ماه ۱۳۸۹ در ندامتگاه قزل حصار کرج هفت نفر از زندانیان مرتبط با مواد مخدر به دار آویخته شدند. به گفته علی فرهادی حکم اعدام این افراد در دادگاه انقلاب اسلامی کرج صادر، در دیوان عالی کشور تایید و با تنفیذ صادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه ایران، اجرا شده است.

همچنین صدور و اجرای حکم اعدام فردی به نام علیرضا ملاسلطانی^۲ که در هنگام ارتکاب جرم زیر سن قانونی بوده است در زمان تصدی او بر دادستانی کرج صورت گرفته است. این اعدام در حالی اجرا شد که تارنمای خبرآنلاین اعلام کرده بود به دلیل این که متهم کمتر از ۱۸ سال سن دارد فعلاً اعدام نمی‌شود. خبرآنلاین نوشته بود فرد متهم متولد چهارم دی‌ماه ۱۳۷۲ است و اعدام او تا روز چهارم دی‌ماه سال جاری به تعویق خواهد افتاد.^۳

همواره محافل حقوق بشری از اعدام نوجوانان کمتر از ۱۸ سال در ایران انتقاد کرده‌اند. ایران در سال ۱۳۷۳ به کنوانسیون حقوق کودک پیوسته است و متعهد به رعایت مفاد این کنوانسیون است.

^۱ دادستان کرج: بازداشت عاملان یک محل وافورسازی و اعدام ۱۲ نفر از اشرار، عصر ایران، ۱۰ مرداد ۱۳۸۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2HzcqxT>

^۲ اعدام متهم زیر ۱۸ ساله در صبح چهارشنبه: قوه قضائیه تقویم قمری را به جای تقویم شمسی مبنای تعریف سن قرار داد، کمپین حقوق بشر ایران، ۳۰ شهریور ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: https://persian.iranhumanrights.org/1390/06/execution_dadashi

^۳ اعدام یک نوجوان کمتر از ۱۸ سال فردا در ملاء عام اجرا خواهد شد، رادیو زمانه، ۲۹ شهریور ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.radiozamaneh.com/36378>

در اسفندماه ۱۳۹۲ سه نفر در کرج اعدام شدند.^۱ علی‌فرهادی در این باره گفته بود: «اجرای این احکام در ملأعام نشانه اقتدار نیروی انتظامی و دستگاه قضائی و درس عبرتی برای کسانی است که به ناموس و مال و جان مردم دست‌درازی می‌کنند.»

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در ۴ فروردین ۱۳۹۱ علی‌فرهادی را به دلیل داشتن مسئولیت در «نقض شدید حقوق بشر در روند دادرسی قضائی» و صدور حکم اعدام برای افرادی که پیش از رسیدن به سن ۱۸ سالگی مرتکب جرم شده‌اند از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد.^۲ همچنین دارایی‌های او در اروپا مشمول توقیف می‌شود.^۳

^۱ مجازات متجاوزان به عنف در استان البرز، خیرگزاری فارس، ۷ اسفند ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RA3nBi>

^۲ فهرست سوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۷ خرداد ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/publication/documents/list3/>



سید حسن فیروزآبادی

مشاور عالی فرماندهی نظامی
رهبر جمهوری اسلامی ایران

سید حسن فیروزآبادی متولد ۱۳۳۰ در روستای مال آباد مشهد است. او مدرک دکترای دامپزشکی دارد.^۱

مسئولیت‌ها^۲

- عضو هیات موسس جهاد سازندگی خراسان
- مسوول هیات واگذاری زمین شمال خراسان
- عضو هیات علمی دانشگاه تهران
- مسئول جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۰ با حکم رجایی
- عضو شورای مرکزی جهاد سازندگی کشور در سال ۱۳۶۱ با حکم نخست‌وزیر سابق
- معاون امور دفاعی نخست وزیر در سال ۱۳۶۴
- جانشین نخست‌وزیر در قرارگاه خاتم الانبیاء
- مسئول ستاد امداد و درمان جنگ
- مسئول امور پناهگاه‌ها و دفاع غیرعامل و پدافند ش. م. ه.^۳
- دبیر کمیسیون مهندسی صنعتی جنگ دولت و مسئول کمیته ساخت موشک زمین به زمین

^۱ ماجرای لباس فرم متفاوت سردار فیروزآبادی/ جوان‌ترین سرلشکر ایران با ۳ نشان «فتح» بر سینه، خبرگزاری فارس، ۱۵ تیر ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2U2Op3N>

^۲ سرلشکر فیروزآبادی را بیشتر بشناسیم، باشگاه خبرنگاران جوان، ۳۰ تیر ۱۳۹۱، قابل دسترسی

در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2TT0gBc>

^۳ پدافند شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای.

- مسئول کمیته تحقیقات مهندسی صنعتی جنگ و صدها طرح صنعتی و موشکی
- جانشین رئیس ستاد فرماندهی کل قوا
- رئیس ستاد کل نیروهای مسلح از سال ۱۳۶۸ تا ۸ تیر ۱۳۹۵^۱
- عضو شورای عالی امنیت ملی از بدو تأسیس تا کنون
- عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام از ۱۳۷۵ تا کنون^۲
- مشاور عالی فرماندهی نظامی رهبر جمهوری اسلامی ایران از ۸ تیر ۱۳۹۵ تا کنون^۳

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. نقض آزادی‌های فردی و اجتماعی شهروندان

بهائی و محرومیت آنان از حقوق اقتصادی خود

در سال ۱۳۸۴ سید حسن فیروزآبادی، فرمانده وقت کل ستاد نیروهای مسلح، نامه‌ای «خیلی محرمانه» به بسیاری از نهادهای نظامی و امنیتی کشور از جمله وزارت اطلاعات، فرمانده کل سپاه پاسداران، فرمانده نیروهای مقاومت بسیج سپاه پاسداران، فرمانده نیروی انتظامی و... ارسال کرد. او در این نامه با استناد به دستور سید علی خامنه‌ای، از کلیه این نهادها می‌خواهد، «... گزارش جامع و کاملی از کلیه فعالیت‌های این فرقه [بهائیان] (اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) جهت شناسایی کلیه افراد این فرقه تهیه و به ستاد نیروهای مسلح ارسال دارند.»^۴

این دستورالعمل به روشنی اختیارات کاملی را به نهادهای نظامی و امنیتی کشور برای تحدید، نقض و کنترل آزادی‌های فردی، اجتماعی و قانونی بهائیان اعطا کرده است که ممنوعیت کسب و کار و داشتن شغل از مصادیق بارز نقض این حقوق است.

^۱ مراسم تودیع سرلشکر فیروزآبادی و معارفه سرلشکر باقری برگزار شد، باشگاه خبرنگاران جوان،

۱۵ تیر ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2W3wNq0>

^۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام در گذر زمان، ایرنا، ۲۳ مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.irna.ir/fa/News/82631616>

^۳ انتصاب سرلشکر فیروزآبادی به مشاورت عالی نظامی فرماندهی کل قوا، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۸ تیر ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=33632>

^۴ ستاد کل نیروهای مسلح، آسو، ۱۳ دی ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.aasoo.org/fa/documents/17>

۲. مشارکت در سرکوب اعتراضات پس از

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸

سید حسن فیروزآبادی به عنوان رئیس کل ستاد نیروهای مسلح و همچنین عضو شورای عالی امنیت ملی، مشارکت موثری در سرکوب اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ داشته است. او در ۱۱ دی ۱۳۹۲ در «همایش سیاست-گذاری نیروهای مسلح» با تأکید بر خائن بودن معترضان^۱ گفت: «فتنه سال ۸۸ [حوادث پس از انتخاب ریاست جمهوری سال ۸۸] از پیش طراحی شده بود و از شش ماه قبل فتنه‌گران مشغول برنامه‌ریزی و سازماندهی بودند. اقدامات آن‌ها مبتنی بر ارتباطات مستمر با دشمن و جهت‌گیری براندازان هم حذف انقلاب اسلامی، نهضت امام راحل(ره) و فرهنگ اسلام ناب محمدی(ص) بود. بنابراین فتنه‌گران شیطان‌محور، خادم دشمن و خائن به اسلام، انقلاب، امام و ولایت فقیه بودند.»

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری

اتحادیه اروپا و وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا

اتحادیه اروپا طی تصمیم مورخ ۱۸ مهر ۱۳۹۰ (۱۰ اکتبر ۲۰۱۱) سید حسن فیروزآبادی را به دلیل نقشی که در نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی داشته است از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه دارایی‌های او نیز در اروپا توقیف خواهد شد.

بر اساس بیانیه اتحادیه اروپا سید حسن فیروزآبادی به دلیل «هدایت و نظارت» بر نیروهای نظامی سرکوب‌گر پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، «اعمال خشونت» و «سرکوب بی‌رحمانه» معترضان توسط نیروهای تحت امرش تحریم شده است.^۲

وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا نیز در آذر ۱۳۹۱، با اشاره به مسئولیت سید حسن فیروزآبادی به عنوان عالی‌ترین مقام نظامی در هدایت نیروهای نظامی

^۱ فیروزآبادی: یوم‌الله نهم دی محصول انسجام عمومی مردم شد، ایسنا، ۱۱ دی ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FwkNs8>

^۲ فهرست دوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۲۱ اسفند ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dim9Et>

سپاه و بسیج در «سرکوب خشونت‌بار اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸»، «بدرفتاری با زندانیان سیاسی» و «حمله به کوی دانشگاه تهران در ۱۸ تیر ۱۳۸۸» او را در لیست مجازات‌های حقوق بشری خود قرار داد.^۱ بر اساس این تحریم دارایی‌های احتمالی سید حسن فیروزآبادی در آمریکا توقیف و از ورود او به این کشور جلوگیری می‌شود. همچنین شهروندان ایالات متحده حق هیچ‌گونه معامله‌ای با او نخواهند داشت.

^۱ U.S. DEPARTMENT OF THE TREASUR, Press Center, 13 December 2013, Available at: <https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/tg1383.aspx>



عباس قاسمی

دادستان عمومی و انقلاب اراک

مسئولیت‌ها^۱

- معاون دادستان اراک تا فروردین ۱۳۹۵
- سرپرست معاونت اجتماعی دادگستری استان مرکزی از فروردین ۱۳۹۵ تا ۳ بهمن ۱۳۹۵
- دادستان عمومی و انقلاب اراک^۲ از ۳ بهمن ۱۳۹۵ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

عباس قاسمی، به عنوان دادستان عمومی و انقلاب اراک از انجام مسئولیت قانونی خود مبنی بر پیگیری مرگ مشکوک وحید حیدری و کشف دلایل و عوامل در بازداشت‌گاه کلانتری ۱۲ شهر اراک خودداری کرده است.

وحید حیدری، ۲۳ ساله، در جریان اجتماعات اعتراضی در اراک در روز ۱۰ دی ۱۳۹۶ توسط نیروی انتظامی دستگیر و در کلانتری ۱۲ اراک جان سپرد. بر مبنای قانون ماموران کلانتری مسئولیت حفظ جان و سلامتی وحید حیدری را بر عهده داشته‌اند. دادستان نه فقط دلایل مرگ وحید حیدری را به طور شفاف و علنی پیگیری نکرده است، با طرح ادعاهایی که تا کنون اثبات نشده علت مرگ او را خودکشی اعلام کرده است.

^۱ سرپرست معاونت اجتماعی دادگستری استان مرکزی منصوب شد، ایسنا، ۱۶ فروردین ۱۳۹۵،

قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dc1VMS>

^۲ عباس قاسمی به عنوان دادستان اراک معارفه شد، خبرگزاری بین‌المللی قرآن، ۳۰ بهمن ۱۳۹۵،

قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FAVGUk>

در ۱۶ دی ۱۳۹۶ به خانواده حیدری اطلاع داده می‌شود که فرزندشان در زندان خودکشی کرده است و از ایشان می‌خواهند تا پیکر او را تحویل بگیرند. به گفته یک فعال مدنی در اراک خانواده وحید حیدری تحت فشار شدید امنیتی مجبور شدند او را در مکانی که مورد نظر ماموران امنیتی بود دفن کنند.^۱

عباس قاسمی، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان مرکزی، سه‌شنبه ۱۹ دی‌ماه با قاچاقچی خواندن وحید حیدری علت مرگ او را خودکشی اعلام کرد و گفت که فیلم لحظه خودکشی او موجود است.^۲ این اظهارات در حالی بیان شده است که تا کنون هیچ فیلمی از خودکشی وحید حیدری منتشر نشده است.

نزدیکان وحید حیدری با رد ادعای قاچاقچی‌بودن او خبر از وجود شکاف عمیقی روی سر پیکر وحید حیدری داده‌اند که فرضیه خودکشی وی را رد می‌کند.

محمد نجفی، وکیل دادگستری که پرونده وحید حیدری را دنبال می‌کرد، در ۲۵ دی‌ماه و در منزل‌اش توسط نیروهای امنیتی دستگیر شد.^۳ پیش از آن محمد نجفی با رد فرضیه خودکشی وحید حیدری گفته بود که او در بازداشتگاه کشته شده است.^۴

^۱ جان‌باختن وحید حیدری در بازداشتگاه اراک: «گرفتند و زدند و کشتند و حالا آبرویش را می‌برند»، کمپین حقوق بشر ایران، ۱۹ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2CTsW8f>

^۲ تأیید مرگ دومین بازداشتی اعتراض‌ها در ایران، بی بی سی، ۱۹ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bbc.in/2FBWoRh>

^۳ محمد نجفی وکیل دادگستری بازداشت شد، رادیو فردا، ۲۵ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2DCdmuN>

^۴ ن.ک. زیر نویس ۱



تورج کاظمی

رئیس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات (فتا) تهران

مسئولیت‌ها

- معاون مبارزه با جرایم پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات (فتا)^۱
- رئیس مرکز مبارزه با جرایم ملی و سازمان یافته پلیس سایبری کشور^۲
- رئیس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات (فتا) تهران^۳ از ۳۰ آبان ۱۳۹۶ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

تورج کاظمی که دست کم از سال ۱۳۹۰ از مقامات عالی‌رتبه سازمان مبارزه با جرایم فضای تولید و تبادل اطلاعات پلیس ایران (فتا) بوده است، همواره در نقض حریم خصوصی کاربران اینترنت^۴، دستگیری فعالان مجازی^۵ و تحدید دسترسی کاربران به اینترنت^۶ همدستی و مشارکت موثری داشته است.

^۱ شناسایی بیش از ۱۰۰ هکر در کشور، همشهری آنلاین، ۲۰ تیر ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2T28CXa>

^۲ سرقت از دو هزار نفر متقاضی ازدواج در پوشش سایت همسریابی، پلیس فتا، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RRC6RDm>

^۳ رئیس پلیس فتا و فرمانده یگان امداد تهران بزرگ تغییر کردند، باشگاه خبرنگاران جوان، ۳۰ آبان ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RFTmCV>

^۴ فشار غیرقانونی پلیس فتا بر شرکت اینترنتی برای افشای اطلاعات شخصی یک کاربر، کمپین حقوق بشر ایران، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://persian.iranhumanrights.org/1393/02/bayan-fata/>

^۵ شناسایی و دستگیری وبلاگ‌نویسان غیرقانونی در غرب استان تهران، خبرگزاری مهر، ۷ خرداد ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FSJM8H>

^۶ بالارفتن هزینه کشف جرم همزمان با استفاده از VPN/ دولت جرم استفاده از وی. پی. ان. را مشخص کند، خبرگزاری مهر، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RHc90A>

سازمان مبارزه با جرایم فضای تولید و تبادل اطلاعات پلیس ایران (فتا) از بهمن ۱۳۸۹ و با هدف «صیانت از هویت دینی» و «صیانت از منافع، اسرار و اقتدار ملی» تشکیل شد.

در آذر ۱۳۹۰، تورج کاظمی، معاون وقت مبارزه با جرائم پلیس فتا، به روشنی اعلام کرد پلیس فتا از توانایی و تخصص «هکرها» برای کنترل بهتر در تبادل اطلاعات و حمله به سایت‌های خطرناک استفاده می‌کند.^۱

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

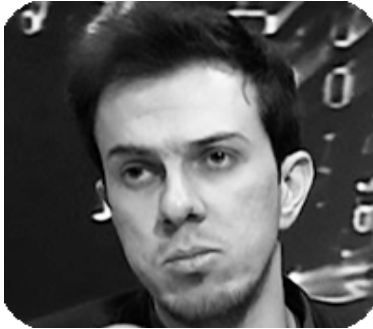
اتحادیه اروپا طی تصمیم مورخ ۴ فروردین ۱۳۹۱، ۱۷ مقام ایرانی از جمله تورج کاظمی را به دلیل نقشی که در نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی داشته‌اند، از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه دارایی‌های این مقامات نیز در اروپا مشمول توقیف می‌شود.^۲

^۱ پلیس ایران هکرها را به خدمت می‌گیرد، بی بی سی، ۵ آذر ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2011/11/111126_108_iran_police_hackers_co_operation

^۲ فهرست سوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۷ خرداد ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/publication/documents/list3/>



بهروز کمالیان

مسئول نیروها و گروه‌های حفاظت
از انقلاب اسلامی در بخش گروه
امنیتی سایبری آشیانه

بهروز کمالیان متولد سال ۱۳۶۲ و دانش‌آموخته رشته مهندسی نرم‌افزار است.^۱

مسئولیت‌ها

- مسئول نیروها و گروه‌های حفاظت از انقلاب اسلامی در بخش گروه امنیتی
سایبری آشیانه

برخی از موارد نقض حقوق بشر

بهروز کمالیان به عنوان مدیر گروه امنیتی آشیانه مسئول هک بسیاری از سایت‌های مخالف جمهوری اسلامی است. این سایت در سال ۱۳۸۰ راه‌اندازی شد که بعدها به تیم امنیتی آشیانه تبدیل شد. اعضای «آشیانه» از جمله افراد فعال در گروه موسوم به «ارتش سایبری ایران» هستند. آشیانه مرکز تأمین امنیت دیجیتال نظام است. از وظایف این واحد دفع حملات سایبری و هک سایت‌های مخالفان داخلی و خارجی و مؤسسات اصلاح‌طلبان.

۱. مشارکت در سرکوب اعتراضات پس از

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸

در ۳۱ خرداد ۱۳۸۸ (۲۱ ژوئن سال ۲۰۰۹)، سایت اینترنتی نیروهای دفاعی سایبری تصاویر ۲۶ نفر از معترضان به انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ را منتشر کرد.^۲

^۱ زندگی یک هکر چگونه می‌گذرد، فرد نیوز، ۲۲ آذر ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2D0UFCi>

^۲ اغتشاشگران را شناسایی کنید (لیست اول)، گرداب، ۲۱ خرداد ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی <https://bit.ly/2R7SlY6> اینترنتی:

این تصاویر در شناسایی این شهروندان بسیار مؤثر بود. همچنین این سایت در روزهای ۱۰ تیر و ۱۴ دی ۱۳۸۸ دو لیست دیگر^۱ از تصاویر معترضان را منتشر کرد.^۲

۲. هک سایت‌های مخالف و منتقد جمهوری اسلامی ایران

گروه آشیانه در هک کردن سایت‌های منتقد و مخالف حکومت نیز فعالیت می‌کند. به عنوان نمونه وب‌گاه موج سبز آزادی در روز ۲۵ آذر ۱۳۸۸ هک شد.^۳ این سایت از مجموعه سایت‌های حامی اصلاح‌طلبان بود.

این گروه در ۹ بهمن‌ماه ۱۳۸۸ به سایت اینترنتی رادیو زمانه حمله و از دسترس کاربران اینترنتی خارج شد. هک‌های ایرانی پس از حمله به سایت این رادیو، که در هلند مستقر است، این پیام را در صفحه اصلی آن منتشر کرده بودند: «ارتش سایبری ایران به تمام مزدوران وطن‌فروش هشدار می‌دهد که در دامان اربابان خود نیز آن‌ها را راحت نمی‌گذارد.»^۴

در ۲۷ آذر ۱۳۸۸ امکان دسترسی به وب‌گاه توئیتر در برخی از نقاط دنیا قطع شد و کاربران به جای سایت اصلی به پیامی با ترجمه ضعیف به زبان انگلیسی تغییر مسیر داده شدند که ترجمه آن چنین بود. «آمریکا فکر می‌کند که دارد اینترنت را با دسترسی‌اش کنترل و مدیریت می‌کند، اما این طور نیست؛ این ما هستیم که اینترنت را با قدرتمان کنترل و مدیریت می‌کنیم؛ بنابراین، سعی نکنید مردم ایران را تحریک کنید که... حالا کدام کشور است که در فهرست تحریم است؟ ایران؟ آمریکا؟ ما آن‌ها را می‌چپانیم توی لیست. خداحافظ.»^۵

^۱ اغتشاشگران را شناسایی کنید (لیست دوم)، گرداب، ۱۲ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FV2oVz>

^۲ اغتشاشگران و حرمت‌شکنان عاشورای حسینی را شناسایی کنید (لیست سوم)، ۱۴ دی ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2CEtDjR>

^۳ سایت موج سبز هک شد، خبرآنلاین، ۲۵ آذر ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2sGXGCJ>

^۴ سایت اینترنتی «رادیو زمانه» دوباره راه اندازی شد، رادیو فردا، ۱۴ بهمن ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://www.radiofarda.com/a/F11_Iranian_Cyber_Army_Radio_Zamaneh/1946778.html

^۵ ارتش سایبر ایرانیان توئیتر را هک کرد، تابناک، ۲۷ آذر ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2CyH9FA>

در ۱۷ بهمن ۱۳۸۸ سایت خبرنامه امیرکبیر هک شد. در صفحه اول آن تصویری منقش به پرچم «یا حسین(ع)» و «فإن حزب الله هم الغالبون» جایگزین شده بود.^۱ در روز ۳ اسفندماه ۱۳۸۹ سایت صدای آمریکا و ۹۵ سایت وابسته به آن از سوی ارتش سایبری ایران هک شد و مخاطبان این سایت‌ها با مراجعه به این سایت‌ها با آرم ارتش سایبری و جمله «ثابت کرده‌ایم که می‌توانیم» مواجه شدند.^۲ در ۲۳ بهمن ۱۳۸۸ سایت جرس نیوز که اخبار جنبش سبز را منتشر می‌کرد از سوی ارتش سایبری هک شد. در صفحه اصلی سایت جرس نیز پیام‌هایی به عنوان دلایل هک سایت قرار دادند: «به احترام رفراندومی که در ۲۲ بهمن برگزار شد و مردمی که رأی دادند و به احترام ملتی بزرگ و وطنی به نام ایران بیشتر از این مهره افرادی که خود در آمریکا در امن و امان به سر می‌برند و از شما به عنوان مهره استفاده می‌کنند، نباشید.»^۳

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در ۱۸ مهر ۱۳۹۰ (۱۰ اکتبر ۲۰۱۱) ۲۹ مقام ایرانی از جمله بهروز کمالیان را به دلیل نقشی که در نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی داشته‌اند از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه دارایی‌های این مقامات نیز در اروپا توقیف خواهد شد.^۴

بر اساس بیانیه اتحادیه اروپا بهروز کمالیان در دفع حملات سایبری مخالفان داخلی و خارجی و هک کردن سایت‌های اصلاح‌طلبان و دیگر مخالفان مسئول است. در ۳۱ خرداد ۱۳۸۸ (۲۱ ژوئن ۲۰۰۹) سایت اینترنتی نیروهای دفاعی سایبری تصاویر ۲۶ نفر از معترضان به انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ را منتشر کرد. این تصاویر در شناسایی معترضان بسیار کاربردی بود.

^۱ سایت خبرنامه امیرکبیر هک شد، کلمه، ۱۶ بهمن ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.kalame.com/1388/11/16/klm-10661/>

^۲ حمله ارتش سایبری ایران به وبسایت‌های صدای آمریکا، صدای آمریکا، ۲ اسفند ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://ir.voanews.com/a/voa-cyberattack-2011-02-21-116608413/134727.html>

^۳ حمله اینترنتی تازه به سایت‌های اینترنتی معترضان ایرانی، بی بی سی، ۲۳ بهمن ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: http://www.bbc.com/persian/iran/2010/02/100212_106_jaras_kalameh_hacking

^۴ فهرست دوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۲۱ اسفند ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dim9Et>



ابوطالب کوشا

عضو اصلی هیات تخلفات اداری
وزارت نفت

ابوطالب کوشا متولد ۱۳۳۶ است. او مدرک دکترای حقوق بازرگانی بین‌الملل از دانشگاه گلاسکو انگلستان و فوق دکترای حقوق مالکیت فکری از دانشگاه تورین ایتالیا دارد.

مسئولیت‌ها

- دادستان انقلاب غرب گیلان (شامل بندر انزلی) حداقل از ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۵
- مشاور حقوقی شرکت مهندسی و توسعه نفت از سال ۱۳۷۴
- عضویت در شورای آموزشی به مدت ۶ سال و شورای پژوهشی از سال ۱۳۸۳
- استادیار و عضو هیات علمی دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری از ۱۳۷۵ تا کنون
- مشاور و قائم‌مقام مدیر حقوقی شرکت مهندسی و توسعه نفت از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۶
- مشاور حقوقی شرکت پشتیبانی و ساخت کالای نفت تهران از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶
- مدیریت حقوقی و قراردادی شرکت مهندسی و توسعه نفت از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸
- رئیس دانشکده علوم قضائی (وابسته به قوه قضائیه) از آبان ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸
- عضو هیات امنای دانشگاه علوم قضائی از سال ۱۳۸۹ تا کنون
- مدیر و مشاور حقوقی شرکت بیمه صادرات و سرمایه‌گذاری به مدت ۵ سال
- عضو گروه مذاکرات بیع متقابل شرکت مهندسی و توسعه نفت
- رئیس کمیته تحصیل اراضی شرکت مهندسی و توسعه نفت در سال ۱۳۸۹

- مشاور مدیرعامل شرکت دولتی مهندسی و توسعه نفت (متن) در سال ۱۳۹۰
- وکیل دادگستری (مرکز امور وکلا و کارشناسان قوه قضائیه)
- عضو اصلی هیات تخلفات اداری وزارت نفت از سال ۱۳۹۴ تا اکنون
- مشاور حقوقی شرکت ملی نفت ایران از سال ۱۳۹۴ تا کنون
- عضو و رئیس هیات‌مدیره مؤسسه مشاورین حقوق بین‌الملل آریا پیشرو
- رئیس گروه حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضائی از ۱۱ بهمن ۱۳۹۵ تا کنون^۱

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. مشارکت در اعدام زندانیان سیاسی در دهه ۱۳۶۰

ابوطالب کوشا به عنوان دادستان انقلاب غرب گیلان در دهه ۱۳۶۰ در اعدام زندانیان سیاسی نقش مؤثر داشته است. او در دوره دادستانی غرب استان گیلان، دادخواست اعدام بسیاری از مخالفان حکومت را صادر کرده است. حکم اعدام و تیرباران افراد زیر در دوره‌ای صادر شده است که ابوطالب کوشا دادستان غرب استان گیلان (شامل بندر انزلی) بوده است:

علی اشکانی در سال ۱۳۶۱، علی نیانی در ۲۷ خرداد سال ۱۳۶۱، حیدر اورهن به اتهام هواداری از مجاهدین، بهروز، حسن و حسین دلاور در تابستان ۱۳۶۱، اعدام سید محمد علوی در خرداد ۱۳۶۳، بهروز پورمحمد، عضو سازمان مجاهدین، در اوایل دهه ۱۳۶۰، سنجر و جعفر شفق، بحرین عابدین، عبدالحسین ماجدی، حسن عزیزیان، عباس آبدین، محسن افسرده، علی داوری (باقر)، فریدون صنوبر، علیرضا عریانی، محمدرضا محمدیان و ابراهیم معصومی.^۲

اغلب این افراد به اتهام هواداری از مجاهدین تیرباران یا حلق‌آویز شدند. ابوطالب کوشا همچنین در سال ۱۳۶۲ در بازجویی محمد خوش‌ذوق، عضو سازمان فداییان (اقلیت)، حضور داشته و ناظر شکنجه او از سوی مسئولان زندان بوده است.^۳

^۱ دکتر شریعت باقری طی حکمی آقای دکتر ابوطالب کوشا را به عنوان رئیس گروه حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضائی منصوب کرد، دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری، ۱۱ بهمن ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2ASITeN>

^۲ این نام‌ها بر اساس لیست کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران، سوئد جمع‌آوری شده است.

^۳ محمد خوش‌ذوق، "جنایت عظیم"، در "کابوس بلند تیز دندان، خاطرات دوازده زندانی سیاسی" به کوشش بهروز شیدا، نشر باران سوئد، ۱۳۸۲.

بر اساس شهادت شایسته وطن‌دوست نزد عدالت برای ایران، ابوطالب کوشا همچنین مسئولیت رسیدگی به پرونده مهناز یوسف‌زاده را که به اتهام هواداری از مجاهدین در بندر انزلی دستگیر شده بود به عهده داشته است. ابوطالب کوشا به مهناز پیشنهاد کرده بود که با وی ازدواج کند. او شرط رهایی از اعدام را توبه و ازدواج با وی تعیین کرده بود. مهناز یوسف‌زاده با رد این درخواست در ۸ آذرماه ۱۳۶۱ در زندان بندر انزلی اعدام شد. وی تنها زنی است که در سال ۱۳۶۱ در این زندان اعدام شده است.

احمد موسوی در کتاب خاطرات خود درباره مهناز یوسف‌زاده^۱ می‌نویسد: «یک بار به طور اتفاقی در دستشویی با هم روبرو شدیم. چند جمله‌ای صحبت کردیم. دختری فوق‌العاده ریزنقش، مقاوم و استوار بود. تمام دوران زندان را تا قبل از اعدام در سلول‌های انفرادی به تنهایی یا دو نفره به سر برد. برای این‌که او را وادار به توبه کنند، نیروی زیادی گذاشتند اما موفق نشدند. بعدها من در زندان رشت مدتی با پدر او هم‌بند بودم و [با او] آشنا شدم. او می‌گفت: "بعد از اعدام اجازه ندادند جنازه مهناز توی گورستان شهر دفن بشه و به ناچار او را توی حیاط خانه دفن کردیم."»^۲

شایسته وطن‌دوست نیز نزد عدالت برای ایران چنین شهادت می‌دهد: «بعدها که آزاد شدم، عکس جنازه مهناز را دیدم. درست این‌جایی که پاهایش بسته می‌شد، کاملاً کبود بود؛ از تصویر جسد آثار ضرب و جرح و بسته‌شدن با طناب و این‌که مقاومت کرده بود، معلوم بود و دوستی که خودش جسد را دیده بود می‌گفت که به آلت جنسی‌اش تیراندازی شده بود. جسدش را هم به این دلیل به خانواده داده بودند که وقتی مادرش برای ملاقات می‌رود، هنوز خبر نداشته دخترش را اعدام کرده‌اند. یکی در همان زندان صدایشان می‌زند و یک جعبه شیرینی بهشان می‌دهد. گفته بود: "حلالم کنید. من با دخترتان ازدواج کرده‌ام." بعد مادرش می‌گوید: "وقتی حلالت می‌کنم که جسدش را به من بدهی." که بعد از چند روز جسد را بهشان نشان می‌دهند.»

^۱ احمد موسوی نام این زندانی را مهناز یوسف‌زادگان ذکر می‌کند. به نظر می‌رسد احمد موسوی در ذکر نام خانوادگی مهناز یوسف‌زاده اشتباه کرده است، زیرا نام این زندانی در تمامی فهرست‌های موجود، یوسف‌زاده ثبت شده و سایر مشخصات ذکرشده در کتاب موسوی با این شخص مطابقت دارد.

^۲ احمد موسوی، شب به خیر رفیق، نشر باران، سوئد، چاپ اول، ۲۰۰۵، ص ۲۳.

۲. حمایت از سرکوب اعتراضات پس از

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸

ابوطالب کوشا یکی از کسانی است که با تکیه بر موقعیت خود به عنوان حقوقدان و رئیس دانشکده علوم قضائی (وابسته به قوه قضائیه ایران) در موجه و قانونی نشان دادن سرکوب جنبش‌های اعتراضی مردمی نقش داشته است. پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، مجموعه‌ای از اعتراضات خیابانی آغاز شد که تا ماه‌ها پس از انتخابات ادامه داشت. این اعتراضات به شکل خشونت‌باری سرکوب شد. ابوطالب کوشا جزو امضاکنندگان بیانیه جمعی از حقوقدانان بود که اعتراضات یاد شده را محکوم کردند. در این بیانیه، اعتراضات مردمی آشوب، اغتشاش و اقدام علیه امنیت ملی خوانده شده است.^۱

در مردادماه همین سال و پس از برگزاری جلسات دادگاه‌های نمایشی که در آن، تعداد زیادی از فعالان سیاسی و روزنامه‌نگاران مجبور به بیان اعترافات دروغ علیه خود و دیگران شده بودند، ابوطالب کوشا در مصاحبه‌ای خواستار مجازات آنان به عنوان «سران اغتشاشات» شده بود.^۲

ابوطالب کوشا، در مهرماه ۱۳۸۸، با اشاره به اعتراضات دانشجویی، در مصاحبه‌ای اعلام کرد که دانشجویان معترض سرکوب خواهند شد: «با دانشجویانی که درصدد التهاب‌آفرینی و اخلال در فضای دانشگاه باشند، برخورد خواهد شد... ممکن است محیط‌های دانشجویی تحت تأثیر برنامه‌ریزی دشمنان و عوامل نفوذی قرار گیرد که این افراد هرگز تابع منطق نیستند و باید آن‌ها را شناسایی کرد تا از طریق قانونی با آن‌ها برخورد لازم انجام شود.»^۳

^۱ ۱۶۹ حقوقدان اغتشاشات و اردوکشی‌های خیابانی را محکوم کردند، خبرگزاری فارس، ۱ تیر ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2HJDr1V>

^۲ مجازات سران اغتشاشات باید با قاطعیت اعمال شود، خبرگزاری فارس، ۱۰ مرداد ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.farsnews.com/printnews/8805100667>

^۳ کوشا: برای حفظ حرمت دانشگاه با التهاب‌آفرینان برخورد خواهد شد، خبرگزاری فارس، ۲۱ شهریور ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2CISOS1>



صادق لاریجانی

رئیس مجمع تشخیص
مصلحت نظام

متولد ۱۳۳۹ شهر نجف (در کشور عراق)
است. او تحصیلات حوزوی دارد.^۱

مسئولیت‌ها^۲

- عضو مجلس خبرگان رهبری از ۱۳۷۶ تا کنون
- عضو شورای نگهبان با حکم سید علی خامنه‌ای از ۱۳۸۴ تا احتمالاً مرداد ۱۳۸۸
- رئیس قوه قضائیه از مرداد ۱۳۸۸ تا ۱۶ اسفند ۱۳۹۷
- عضو شورای عالی امنیت ملی از مرداد ۱۳۸۸ تا کنون
- عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام از مرداد ۱۳۸۸ تا کنون
- عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی از مرداد ۱۳۸۸ تا کنون
- عضو شورای عالی فضای مجازی از اسفند ۱۳۹۰ تا کنون
- رئیس هیئت امنای دانشگاه امام صادق از دی ۱۳۹۴ تا کنون
- رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام از ۹ دی ۱۳۹۷ تا کنون^۳

برخی از موارد نقض حقوق بشر

صادق آملی لاریجانی از مرداد ۱۳۸۸ تا کنون، به عنوان عالی‌ترین مقام قضائی در ایران، مسئول اصلی انواع مختلف نقض حقوق بشر است که به‌طور مستمر توسط

^۱ زندگی‌نامه رئیس قوه قضائیه به روایت صادق لاریجانی، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۲۴ مرداد

۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2sS6xBA>

^۲ نگاهی به زندگی‌نامه آیت‌الله صادق آملی لاریجانی، خبرگزاری میزان، ۹ اسفند ۱۳۹۴، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.mizanonline.com/fa/print/141967>

^۳ آملی لاریجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام شد، خبرگزاری ایسنا، ۹ دی ۱۳۹۷، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2B8H4IU>

دستگاه قضائی انجام شده است. او همچنین مستقیماً در زمینه اجرای احکام اعدام و قطع عضو مسئول است.

۱. صدور استیذان برای اجرای احکام اعدام

از آن جا که تمامی احکام اعدام و قطع عضو باید با کسب اجازه رئیس قوه قضائیه (استیذان) انجام شود، از مرداد ۱۳۸۸ تا کنون، صادق لاریجانی مستقیماً مسئول اجرای این احکام بوده است.

با توجه به آمارهای منتشرشده از اعدامها در سالهای اخیر، ایران آمار بیشترین اجرای اعدام نسبت به جمعیت را در کل جهان به خود اختصاص داده است.

۱.۲. اعدامهای مخفی و دسته جمعی

از زمان تصدی صادق لاریجانی بر دستگاه قضائی، صدور و اجرای احکام اعدام چه برای زندانیان سیاسی - عقیدتی و چه برای دیگر زندانیان، به طور چشم گیری انجام شده است.

برخلاف اظهارات صادق لاریجانی مبنی بر این که در ایران اعدام سیاسی نداریم^۱، چندین زندانی سیاسی از زمان ریاست وی بر قوه قضائیه اعدام شده اند. اعدام فرزاد کمانگر، علی حیدریان، فرهاد و کیلی، شیرین علم هولی، مهدی اسلامیان، جعفر کاظمی و محمدعلی حاج آقایی، طه (علی) حیدریان، ناصر (عبدالرحمان) حیدریان، عباس حیدریان، علی شریفی، شیرکو معارفی و حبیب الله گلپری پور برخی از این موارد است.

در بسیاری از زندانهای ایران، تعداد کثیری از زندانیان بدون طی مراحل قانونی، بی حضور وکیل و اطلاع خانواده ها، «به طور مخفیانه» و دسته جمعی اعدام شده اند. در ادامه به نمونه هایی از این اعدامهای مخفیانه و دسته جمعی اشاره شده است: از خرداد ۱۳۸۹ تا مرداد ۱۳۸۹، بیش از صد تن از زندانیان^۲، بدون اعلام رسمی در زندان وکیل آباد مشهد و به طور مخفیانه اعدام شدند.

^۱ لاریجانی: اعدام سیاسی و نقض حقوق بشر در ایران دروغ بزرگ است، رادیو فردا، ۱۰ بهمن ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.radiofarda.com/a/f10-sadegh-larijani-political-execution-iran-big-lie/24974726.html>

^۲ برای اولین بار: افشای نام ۱۰۱ تن از زندانیانی که مخفیانه اعدام شده اند، کمیته بین المللی حقوق بشر، ۱۵ دی ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: ←

در ۱۲ تیر ۱۳۹۰ فقط در یک روز، ۲۵ تن از زندانیان زندان قزل حصار کرج، به طور پنهانی و گروهی اعدام شدند.^۱

در ۸ مرداد ۱۳۸۸، ۲۴ زندانی به طور هم‌زمان و دسته‌جمعی در زندان رجایی‌شهر کرج اعدام شدند.^۲

در ۱۲ مرداد ۱۳۹۵، دست‌کم ۱۸ تن از زندانیان عقیدتی به طور گروهی در زندان رجایی‌شهر اعدام شدند.^۳

۱.۳. اعدام کودکان

ایران با وجود امضای کنوانسیون حقوق کودکان، از معدود کشورهای جهان است که سن مجازات کیفری را منطبق بر قوانین شرعی (۱۵ سال برای پسران و ۹ سال برای دختران) تعیین کرده است و همچنان به صدور حکم اعدام برای کودکان ادامه می‌دهد.

با وجود صدور حکم اعدام برای کودکان، مسئولان قضائی ایران با بیان این‌که حکم اعدام پس از رسیدن به سن قانونی اجرا می‌شود، همواره اعدام کودکان را رد کرده‌اند.

صادق لاریجانی در ۲۱ آبان ۱۳۹۳ در جلسه‌ای با مسئولان قضائی با رد ادعای اعدام کودکان گفت: «اعدام کودکان زیر ۱۸ سال دروغ محض است؛ اما ما دلیلی نداریم وقتی شخص هفده و نیم ساله جنایتی مرتکب می‌شود و اکنون به ۲۵ سالگی رسیده است حق اولیای دم برای قصاص را نادیده بگیریم.»^۴

علاوه بر موارد متعدد اجرای احکام اعدام نوجوانانی که پیش از رسیدن به سن ۱۸ سال محاکمه و محکوم شده بودند به محض رسیدن آنان به ۱۸ سالگی، حداقل

https://persian.iranhumanrights.org/1390/10/executions_vakilabad/

^۱ ادامه اعدام‌های اعلام نشده در زندان قزل حصار کرج: اعدام پنهانی و دسته‌جمعی ۲۵ زندانی در روز دوازدهم تیر، کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر، ۱۵ دی ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://persian.iranhumanrights.org/1390/04/ghezelhesar_executions/

^۲ اعدام دسته‌جمعی ۲۴ نفر در کرج، بی‌بی‌سی فارسی، ۱۴ مرداد ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی

اینترنتی: http://www.bbc.com/persian/iran/2009/08/090805_si_mass_execution

^۳ اعدام دسته‌جمعی زندانیان اهل سنت در زندان رجایی‌شهر، دوپچه‌وله فارسی، ۱۳ مرداد ۱۳۹۵،

قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2B7cak4>

^۴ اعدام کودکان زیر ۱۸ سال دروغ محض است، باشگاه خبرنگاران جوان، ۲۱ آبان ۱۳۹۳، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.yjc.ir/fa/print/5039251>

در دو مورد، افرادی که زیر ۱۸ سال سن داشتند با استیذان از صادق لاریجانی اعدام شده‌اند.

علیرضا ملاسلطانی در ۲۶ تیر ۱۳۹۰، طی یک درگیری روح‌الله داداشی را به قتل رساند و ۴۰ روز پس از صدور حکم اعدام، در حالی که کمتر از ۱۸ سال سن داشت، در ملاءعام در شهر کرج اعدام شد. پس از آن، علی رضوان‌منش، معاون وقت دادستان کرج، با تأیید زیر ۱۸ سال بودن علیرضا ملاسلطانی هنگام اعدام گفت: «ملاک عمل در قانون بلوغ شرعی است که بر اساس ماه‌های قمری محاسبه می‌گردد.»^۱

امیرحسین پورجعفر، دختر ۶ ساله افغان به نام ستایش قریشی را در فروردین ۱۳۹۵ به قتل رساند. با وجود این که او در زمان ارتکاب این قتل ۱۶ ساله بود در ۱۴ دی ۱۳۹۶ و در حالی که کمتر از ۱۸ سال داشت در زندان رجایی‌شهر اعدام شد.^۲ بر اساس گزارش سازمان عفو بین‌الملل، طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴، دست‌کم ۷۳ مجرم نوجوان اعدام شده‌اند و ۱۶۰ نفر به دلیل ارتکاب جرم در زمان کودکی، در صف اعدام قرار دارند.^۳

۲. صدور اجازه برای اجرای احکام قطع عضو

علی‌رغم امضای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی توسط ایران، جمهوری اسلامی همچنان مجازات‌های خشن و غیر انسانی قطع عضو را اجرا می‌کند. بر اساس قوانین ایران، اجرای این احکام تنها پس از کسب اجازه از رئیس قوه قضائیه (استیذان) ممکن است. از زمان تصدی صادق لاریجانی بر قوه قضائیه، موارد متعددی از احکام قطع عضو اجرا شده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

^۱ قاتل یکی از قوی‌ترین مردان ایران «زیر سن قانونی» اعدام شد، رادیو فردا، ۳۰ شهریور ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://www.radiofarda.com/a/f4_iran_publicly_hanged_teen_murderer/24335197.html

^۲ قاتل ستایش قریشی اعدام شد، رادیو فردا، ۱۴ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.radiofarda.com/a/Iran-executed-death-penalty-of-setayesh-ghoreishi-killer/28954802.html>

^۳ اعدام نوجوانان؛ گزارش عفو بین‌الملل از لاپوشانی‌های دولت ایران، رادیو زمانه، ۶ بهمن ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.radiozamaneh.com/257942>

- اجرای حکم قطع عضو برای ۵ تن از زندانیان در اصفهان (در سال ۱۳۹۲)^۱
- اجرای حکم قطع پا و دست دو تن از زندانیان در شیراز^۲
- اجرای حکم قطع دست و پای یک زندانی در ماهشهر^۳
- اجرای حکم قطع دست یک زندانی در مشهد^۴
- اجرای قطع انگشتان دو زندانی در ارومیه^۵
- اجرای حکم قطع چهار انگشت یک زندانی در ساری^۶
- اجرای حکم قطع دست یک زندانی در کرمانشاه^۷

قرارگرفتن در لیست تحریم‌های حقوق بشری

اتحادیه اروپا و وزارت خزانهداری ایالات متحده آمریکا

اتحادیه اروپا در فروردین ۱۳۹۱، صادق آملی لاریجانی را به دلیل نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه دارایی‌های احتمالی او نیز در اروپا توقیف خواهد شد. بازداشت فعالان سیاسی و مدافعان حقوق بشر و اجرای احکام اعدام، شلاق، قطع

^۱ انجام ۵ مورد قطع دست در سال گذشته در اصفهان، سایت تحلیلی خبری عصر نو، ۱۶ شهریور ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.asriran.com/fa/print/354407>

^۲ اجرای حد قطع پا و دست یک سارق در شیراز، وبسایت خبری تحلیلی فرارو، ۲۰ آذر ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://fararu.com/fa/print/98261>

^۳ قطع دست و پای یک سارق در جنوب ایران، بی‌بی‌سی فارسی، ۲۶ فروردین ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: http://www.bbc.com/persian/iran/2010/04/100414_u04_amputation

^۴ قطع دست یک متهم به سرقت گوسفندان در زندان مشهد، صدای آمریکا، ۲۸ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://ir.voanews.com/a/iran-cut-hand-/4213949.html>

^۵ قطع انگشتان دست دو زندانی در ارومیه، سازمان حقوق بشر ایران، ۶ دی ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://iranhr.net/fa/articles/2738/>

^۶ قطع چهار انگشت دست یک سارق در ساری، وبسایت خبری-تحلیلی فرارو، ۸ بهمن ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://fararu.com/fa/print/139800>

^۷ قطع دست یک سارق در کرمانشاه، سایت تحلیلی خبری عصر نو، ۱۰ آذر ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.asriran.com/fa/print/354407>

عضو و سنگسار از دلایل تحریم او است که در بیانیه اتحادیه اروپا به آن اشاره شده است.^۱

وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا، نیز در ۲۲ دی‌ماه ۱۳۹۶ با اشاره به نقش مهم صادق آملی لاریجانی به عنوان رئیس قوه قضائیه در پایمال کردن حقوق شهروندان ایرانی، اجرای اعدام برای کودکان و اجرای مجازات‌های غیرانسانی و تحقیرآمیزی چون قطع دست، او را در لیست تحریم‌های حقوق بشری خود قرار داد.^۲

بر اساس این تحریم، دارایی‌های احتمالی صادق آملی لاریجانی در آمریکا توقیف و از ورود او به این کشور جلوگیری می‌شود. همچنین شهروندان ایالات متحده حق هیچ‌گونه معامله‌ای با او نخواهند داشت.

^۱ فهرست سوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، تارنمای عدالت برای ایران، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/publication/documents/list3/>

^۲ تحریم‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا، تارنمای وزارت خزانه‌داری، ۲۲ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://home.treasury.gov/news/press-releases/sm0250>



نوراحمد لطیفی

سرپرست مرکز آموزشی و درمانی
حضرت فاطمه

متولد ۱۳۳۰ در زابل؛ مدرک فوق تخصصی جراحی پلاستیک و زیبایی دارد.^۱

مسئولیت‌ها

- مدیر کل شورای عالی پزشکی در سال ۱۳۶۰^۲
- معاون وزیر بهداشتی از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۳
- عضو هیات امناء دانشگاه علوم پزشکی زابل^۳
- قائم مقام آموزشی و درمانی دانشگاه علوم پزشکی ایران از ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۹
- معاون درمان دانشگاه و سرپرست دانشکده پزشکی از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۰
- معاون آموزشی دانشگاه علوم پزشکی ایران و سرپرست دانشکده پزشکی از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴
- رئیس دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۵
- قائم مقام ریاست دانشگاه در شورای دانشگاه از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۶
- دانشیار بخش جراحی و فوق تخصص جراحی پلاستیک از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴

^۱ دکتر نوراحمد لطیفی، مرض‌خونه سایت اطلاعات پزشکی، ۱۹ آذر ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/1S51Hb0>

^۲ دکتر نوراحمد لطیفی، تارنمای مرکز فوق تخصصی آموزشی، درمانی جراحی ترمیمی و پلاستیک حضرت فاطمه، ۸ آبان ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2BfjBFR>

^۳ به زودی مؤسسه حمایت از کودکان با ناهنجاریهای مادرزادی (محکم) در زابل افتتاح می‌شود، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زابل، ۱۵ آبان ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Wjuj7i>

- معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی ایران از ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶
 - سرپرست مرکز آموزشی و درمانی حضرت فاطمه از ۱۰ آذر ۱۳۹۴ تا کنون^۱

برخی از موارد نقض حقوق بشر

نوراحمد لطیفی به عنوان معاونت وزارت بهداشتی، در سال ۱۳۶۱ با استناد به فتوای علمای شیعه مبنی بر حرام بودن پرداخت بیت‌المال به بهائیان، با صدور بخشنامه و ابلاغ آن به کارگزینی وزارت بهداشت علاوه بر ممنوعیت پرداخت حقوق و مزایا، از صدور گواهی انجام به خدمت و حتی تحویل مدارک تحصیلی به بهائیان شاغل در این وزارتخانه جلوگیری کرده بود.^۲

در این بخشنامه آمده بود: «طبق فتوای اکثر مراجع منجمله حضرت آیت... العظمی امام خمینی پرداخت حقوق به افرادی که وابسته به فرقه ضاله بهائیت می‌باشند از بیت‌المال دولت جمهوری اسلامی ایران ممنوع می‌باشد لذا برقراری ارتباط و پرداخت حقوق و مزایای از طریق لایحه قانونی خدمت نیروی انسانی درمانی و بهداشتی مصوب ۲۴/۹/۵۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران به افراد مذکور با فتاوی علمای اعلام مغایرت دارد. چون امکان برقراری ارتباط از طریق لایحه مذکور به افراد فوق‌الذکر مقدور نمی‌باشد گواهی انجام خدمت نیز نمی‌توان برای آنان صادر کرد...»

این بخشنامه علاوه بر ایجاد تبعیض و محرومیت‌های اقتصادی برای بهائیان، به دلیل عدم تحویل مدارک تحصیلی کارکنان بهائی، برای کارایی این شهروندان ایجاد مانع کرده است. در پایان این بخشنامه تصریح شده است که وزارت بهداشتی با ارائه اصلاحیه‌ای به دولت، مشکل وجود بهائیان در ادارات دولتی را برطرف می‌کند.

^۱ انتصاب دکتر نوراحمد لطیفی به‌عنوان سرپرست مرکز آموزشی و درمانی حضرت فاطمه(س)، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، ۱۰ آذر ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی

اینترنتی: <http://ibv.old.iuims.ac.ir/?fkeyid=&siteid=1&pageid=650&newsview=21646>

^۲ بخشنامه وزارت بهداشتی درباره بهائیان که از کار اخراج شده‌اند، خانه اسناد بهائی‌ستیزی در ایران، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://iranbahaipersecution.bic.org/fa/archive/bkshshnamh-wzart-bhdary-drbah-bhayany-kh-az-kar-akhraj-shdhand>



مصطفی محبی

مدیرکل زندان‌های استان تهران

مسئولیت‌ها^۱

- معاون قضائی دادستان تهران تا ۲۶ خرداد ۱۳۹۵
- مدیرکل زندان‌های استان تهران از خرداد ۱۳۹۵ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

مصطفی محبی به عنوان مدیر کل زندان‌های استان تهران مسئول حفظ امنیت و سلامت زندانیان در زندان‌های تحت مدیریت‌اش است. سینا قنبری، یکی از معترضان بازداشت‌شده در اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶، در زندان اوین که یکی از زندان‌های تحت مسئولیت اوست جان باخته است.

سینا قنبری، ۲۲ ساله، در جریان اعتراضات سراسری در ۱۰ دی ۱۳۹۶ توسط نیروی انتظامی دستگیر و به بند ۴ قرنطینه زندان اوین منتقل شد. شش روز بعد (۱۶ دی ۱۳۹۶) مصطفی محبی، مدیر کل زندان‌های استان تهران، گفت که او در دستشویی قرنطینه زندان خود را حلق‌آویز و خودکشی کرده است.

در ۲۱ دی ۱۳۹۶، محمدجعفر منتظری، دادستان کل کشور^۲، با تأیید خودکشی سینا قنبری در جمع خبرنگاران گفت: «فردی که خودکشی کرده است معتاد بوده است و فیلمش هم موجود است.»

^۱ مدیر کل زندان‌های استان تهران تغییر کرد، دنیای اقتصاد، ۶ خرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در

نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RuprNZ>

^۲ توضیحات دادستان کل کشور درباره خودکشی‌های اخیر در زندان‌ها، ایسنا، ۲۱ دی ۱۳۹۶،

قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2CQa6Mf>

پس از ادعای محمدجعفر منتظری، دادستان کل کشور، مبنی بر وجود فیلم خودکشی سینا قنبری، علیرضا رحیمی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، پس از بازدید از زندان اوین، در ۱۶ بهمن ۱۳۹۶ با رد این ادعا در کانال تلگرام شخصی‌اش نوشت: «از این فیلم در جاهای مختلف به اشتباه به نام فیلم خودکشی سینا قنبری نام برده می‌شود درحالی‌که فیلم حاوی ساعاتی از وضعیت محوطه سرویس‌های بهداشتی زندان بوده و داخل سرویس یا ماجرای که منجر به مرگ شده در فیلم وجود ندارد و اساساً فیلمی از خودکشی وجود ندارد.»^۱

همچنین نسرین ستوده، وکیل برجسته ایرانی، در مصاحبه‌ای با کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران گفته است که مقامات امنیتی با دادن وعده آزادی به زندانیان، آنان را به دریافت «متادون» تشویق کردند.^۲

محمود صادقی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، نیز در توثیقی از خوراندن اجباری دارو به زندانیان از جمله سینا قنبری خبر داده است: «طبق اعلام بستگان یکی از بازداشت‌شدگان که در زندان فوت کرد، او طی چند تماس با خانواده‌اش اظهار داشته مسئولان او و دیگر بازداشتی‌ها را مجبور به خوردن قرص‌هایی می‌کردند که حالشان را بد می‌کرده...»^۳

وقایع منجر به مرگ سینا قنبری هیچ‌گاه از سوی گروه مستقلی مورد تحقیق قرار نگرفته است.

^۱ روایت علی‌رضا رحیمی، نماینده تهران از مرگ سینا قنبری زندانی ناآرامی‌های اخیر، پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری جماران، ۱۵ بهمن ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2QRzNST>

^۲ پروژه‌ای برای معتادانگاری معترضان؛ خوراندن اجباری دارو به بازداشت‌شدگان در اوین، کمپین حقوق بشر ایران، ۲۸ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2Hd7QFd>

^۳ صفحه توئیتر محمود صادقی، ۲۶ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2Mdw94S>



صادق محصولی

متولد ۱۹ فروردین ۱۳۳۸ در ارومیه است. او لیسانس مهندسی عمران و فوق لیسانس مدیریت بازرگانی دارد.^۱

مسئولیت‌ها^۲

- فرماندار ارومیه
- فرمانده سپاه منطقه ۵ آذربایجان شرقی و غربی در سال ۱۳۶۱
- معاون استاندار آذربایجان غربی
- مسئول بازرسی سپاه پاسداران
- دبیر شورای مشورتی در مجمع تشخیص مصلحت نظام
- وزیر کشور در دولت نهم از ۲۸ آبان ماه ۱۳۸۷ تا ۱۲ مرداد ۱۳۸۸
- وزیر رفاه در دولت دهم از ۲۵ آبان ماه ۱۳۸۸ تا ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۹۰

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. مشارکت در سرکوب اعتراضات پس از

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸

صادق محصولی به عنوان وزیر کشور مسئول هدایت نیروی انتظامی بوده است. او مسئول برخوردهای خشونت‌آمیز و بازداشت فعالان و دانشجویان در جریان اعتراضات

^۱ زندگی‌نامه: صادق محصولی (۱۳۳۸-)، همشهری آنلاین، ۲۸ آبان ۱۳۸۷، قابل دسترسی در

نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2WbI7R1>

^۲ همان.

پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ و خشونت‌های اعمال‌شده از سوی نیروی انتظامی علیه معترضان بوده است.

نیروهای پلیس در جریان تجمعات مردمی پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ به اعمال خشونت علیه مردم دست زدند و با استفاده از باتوم و سلاح گرم باعث کشته و مجروح شدن تظاهرات‌کنندگان شدند. صدها نفر از تظاهرات‌کنندگان به بازداشتگاه‌های پلیس انتقال یافتند و آزار و اذیت و شکنجه جسمی و روحی شدند.

صادق محصولی در زمان حمله نیروهای پلیس و شبه‌نظامیان به خوابگاه دانشجویان تهران در ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ که با ضرب و شتم دانشجویان و بازداشت آن‌ها در یکی از طبقات زیرین ساختمان وزارت کشور و ایجاد خسارات جدی به خوابگاه همراه بود، مسئولیت مستقیم داشت. او مسئول بازداشت ۵۰ دانشجویی بود که در روز ۲۴ خرداد بازداشت و به طبقه چهارم زیرزمین وزارت کشور برده شدند و در مسیر انتقال به وزارت کشور و در اتاق زیرزمین وزارت کشور شکنجه شدند. این دانشجویان را در اتاق کوچکی انداختند و به هر بهانه‌ای آن‌ها را با باتوم می‌زدند، حتی برای دستشویی‌رفتن مدت زمان ۳۰ ثانیه تعیین شده بود که اگر بیشتر طول می‌کشید ضرب و شتم می‌شدند. این دانشجویان از شکنجه‌های جنسی نیز گزارش داده‌اند. در طبقه منفی چهار (زیرزمین) ساختمان اصلی وزارت کشور بازداشتگاهی زیر نظر صادق محصولی وجود داشت که گزارش‌های متعددی از شکنجه معترضان و دانشجویان در جریان دستگیری‌های بعد از انتخابات در آن منتشر شده است. کاظم جلالی، نماینده مجلس و سخنگوی کمیته تعیین‌شده از سوی مجلس برای پیگیری وضعیت بازداشت‌شده‌ها، اعلام کرده بود که اطلاعاتی درباره «بازداشتگاه منفی ۴» وزارت کشور به این کمیته رسیده است.^۱

۲. وقایع بازداشتگاه کهریزک

از نظر قوانین جمهوری اسلامی ایران، وزیر کشور مقام ناظر بر نیروی انتظامی است. به همین دلیل، صادق محصولی در جریان انتقال بازداشت‌شدگان به بازداشت‌گاه‌های پلیس به‌خصوص کهریزک، مسئولیت مستقیم دارد.

^۱ مردان خشونت: مجریان و مروجان خشونت پس از انتخابات، کمپین حقوق بشر ایران، ۷ خرداد ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://persian.iranhumanrights.org/1389/03/men_of_violence_fa/#sec7

در ۱۸ تیرماه ۱۳۸۸، نیروی انتظامی تعداد زیادی از معترضان را که مقابل دانشگاه تهران تجمع کرده بودند، دستگیر و آن‌ها را با دستور سعید مرتضوی^۱، دادستان وقت تهران و معاونان او، حسن زارع دهنوی^۲ و علی‌اکبر حیدری‌فر^۳ به بازداشتگاه که‌ریزک منتقل کردند که در این میان دست‌کم سه تن از این بازداشت‌شدگان به نام‌های محسن روح‌الامینی، امیر جوادی‌فر و محمد کامرانی در اثر شکنجه کشته شدند.^۴ رامین قهرمانی و احمد نجاتی کارگر نیز، به فاصله کوتاهی پس از آزادی از که‌ریزک، بر اثر جراحات دوران بازداشت در گذشتند. بازداشتگاه که‌ریزک به دلیل نداشتن استانداردهای لازم و رعایت‌نشدن حقوق دستگیرشدگان و پس از کشته‌شدن محسن روح‌الامینی، فرزند یکی از مقامات ارشد جمهوری اسلامی، تعطیل شد. که‌ریزک زیر نظر مستقیم نیروی انتظامی اداره می‌شد.

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در ۱۸ مهر ۱۳۹۰ (۱۰ اکتبر ۲۰۱۱) ۲۹ مقام ایرانی از جمله صادق محصولی را به دلیل نقشی که در نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی داشته‌اند از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه دارایی‌های این مقامات نیز در اروپا توقیف خواهد شد. بر اساس بیانیه اتحادیه اروپا صادق محصولی به دلیل مسئولیت در هدایت نیروی انتظامی مسئول حمله به خوابگاه‌های دانشگاه تهران در ۲۴ خرداد ۱۳۸۸ (۱۴ ژوئن ۲۰۰۹) و شکنجه دانشجویان در زیرزمین ساختمان وزارت کشور بود. سایر مخالفان دستگیرشده نیز در بازداشتگاه که‌ریزک در

^۱ پرونده ناقض حقوق بشر: سعید مرتضوی، عدالت برای ایران، ۲۴ آبان ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/human-rights-violator-s-profiles/saeed-mortazavi/>

^۲ پرونده ناقض حقوق بشر: حسن زارع دهنوی (حسن حداد)، عدالت برای ایران، ۸ آبان ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/j4iran-activities/hassan-haddad/>

^۳ پرونده ناقض حقوق بشر: علی‌اکبر حیدری‌فر، عدالت برای ایران، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/j4iran-activities/ali-akbar-heydari-far/>

^۴ انتشار جزئیاتی از شکنجه‌ها در بازداشتگاه که‌ریزک، بی بی سی، ۱ دی ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: http://www.bbc.com/persian/iran/2010/12/101221_u02_bb_kahrizak

شرایط وخیم در بازداشت بودند که از سوی نیروهای کنترل می شد که تحت امر محصولی فعالیت می کردند.^۱

^۱ فهرست دوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۲۱ اسفند ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dim9Et>



مصطفی محمدنجر

مشاور عالی رئیس ستاد کل
نیروهای مسلح

متولد ۱۳۳۵ در شهر تهران است؛ مدرک کارشناسی ارشد رشته مدیریت اجرایی دارد.^۱

مسئولیت‌ها^۲

- مسئول ارزشیابی استان سیستان و بلوچستان و فرماندهی کل و ستاد مرکزی سپاه
- مسئول تعاون کل سپاه ۱۳۶۰
- قائم‌مقام گروه جنگ‌افزار وزارت سپاه
- مدیریت صنایع حدید
- مسئول گروه تجهیزات و پشتیبانی- فنی صنایع، کلاهدوز، امام علی (ع)، شهید رجایی
- معاون اجرائی مدیرعامل سازمان صنایع دفاع در گروه صنایع تسلیحاتی و مهمات- سازی و متالوژی ساصد ۱۳۸۶-۱۳۶۵
- رئیس هیات اجرائی گروه صنایع تسلیحاتی ساصد
- رئیس گروه صنایع تسلیحاتی ساصد
- وزیر دفاع از مرداد ۱۳۸۴ تا مرداد ۱۳۸۸

^۱ زندگی‌نامه: مصطفی محمد نجر (۱۳۳۵-)، همشهری آنلاین، ۱۶ فروردین ۱۳۸۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Cvgc5A>

^۲ همان.

- وزیر کشور از مرداد ۱۳۸۸ تا مرداد ۱۳۹۲
- جانشین رهبر جمهوری اسلامی در امور نیروی انتظامی از ۱۷ آبان ۱۳۸۸ تا مرداد ۱۳۹۲^۱
- مشاور عالی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح از شهریور ۱۳۹۲ تا کنون^۲

برخی از موارد نقض حقوق بشر

مصطفی محمدنجر به عنوان وزیر کشور و جانشین سید علی خامنه‌ای در امور نیروی انتظامی، مشارکت مؤثری در سرکوب اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، به‌ویژه در حوادث عاشورا (۶ دی‌ماه ۱۳۸۸) داشته است. در ۶ دی ۱۳۸۸، اعتراضات در شهرهای مختلف ایران با واکنش شدید و خشن نیروهای امنیتی و انتظامی مواجه شد. طی این اعتراضات، فقط در تهران، دست کم ۱۱ نفر کشته شدند. با گذشت ۸ سال هنوز نه فقط آمار دقیقی از کشته‌شدگان ۶ دی‌ماه ۱۳۸۸ اعلام نشده، هیچ دادگاه یا نهاد مستقلی علت مرگ کشته‌شدگان را پیگیری نکرده است.

در ۱۰ دی‌ماه ۱۳۸۸، مصطفی محمدنجر پس از جلسه هیات دولت با بیان این‌که مدیریت اعتراضات پس از انتخابات را بیگانگان در دست دارند گفت: «وزارت کشور با کسانی که اغتشاش کنند و به جان، مال و امنیت مردم آسیب بزنند قاطعانه برخورد می‌کند و اغتشاشگران و عده معدودی که به قصد محاربه با خدا، رسول خدا و امام او برخاسته‌اند این برخورد قاطع از سوی دستگاه‌های مسئول به ویژه دستگاه قضائی را مشاهده خواهند کرد.»^۳

^۱ انتصاب وزیر کشور به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا در امور نیروی انتظامی، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۷ آبان ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=8379>

^۲ نجر مشاور عالی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح شد، خبرگزاری تسنیم، ۱۷ شهریور ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Ctd6PD>

^۳ گزارش حوادث عاشورا، دنیای اقتصاد، ۱۰ دی ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2CxMn4k>

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق

بشری وزارت خزانهداری ایالات متحده آمریکا

در مهر ۱۳۸۹ وزارت خزانهداری ایالات متحده آمریکا با اشاره به نقش مصطفی محمدنجر به عنوان جانشین رهبر در امور انتظامی و وزیر کشور، در سرکوب اعتراضات روز عاشورای (۶ دی) سال ۱۳۸۸، که به کشته‌شدن ده‌ها و دستگیری صدها نفر منجر شد، او را در لیست مجازات‌های حقوق بشری خود قرار داد.^۱ بر اساس این تحریم دارایی‌های احتمالی مصطفی محمدنجر در آمریکا توقیف و از ورود او به این کشور جلوگیری می‌شود. همچنین شهروندان ایالات متحده حق هیچ‌گونه معامله‌ای با او نخواهند داشت.

¹ Fact Sheet: New Executive Order Targeting Iranian Officials Responsible For Or Complicit In Serious Human Rights Abuses.U.S. DEPARTMENT OF THE TREASURY, 29 September 2010, Available at: <https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/tg877.aspx>



مهدی محمدی

مسئولیت‌ها

- رئیس زندان شهری (قرچک) از ۲۵ فروردین ۱۳۹۶ تا کنون^۱

برخی از موارد نقض حقوق بشر

مهدی محمدی به عنوان رئیس زندان قرچک، در آزار و محرومیت زندانیان از حداقل امکانات بهداشتی و درمانی و ضرب و شتم و شکنجه آن‌ها نقش مهمی داشته و مسئول است.

نگهداری در شرایط نامناسب و غیرانسانی و محرومیت از مراقبت‌های پزشکی و درمانی ضروری، از جمله رویه‌های معمول و مستمر نقض حقوق زندانیان در زندان قرچک است. آتنا دائمی، فعال مدنی محبوس در زندان اوین که مدتی را در زندان قرچک گذراند، در نامه‌ای سرگشاده، شرایط زندان قرچک را چنین توصیف می‌کند: «بهداشت در تمام این زندان امری است فاقد معنا. جایی بدون خون، استفراغ و... قابل رؤیت نیست. آب تمام زندان شور است و در هر بند فقط یک شیر آب مخصوص آشامیدن وجود دارد که البته بیشتر از آب شور آسیب‌زننده است. اغلب زندانیان حتی یک دندان سالم هم ندارند و دچار ورم شدید شکم و دست و پا هستند. هزینه خدماتی چون دندانپزشکی با زندانی است و سایر خدمات پزشکی یا وجود ندارد یا باشد هم خیلی کند و همراه با توهین و تحقیر است و خلاصه می‌شود در

^۱ مدیر ندامتگاه ندامتگاه شهری تغییر کرد/ رحمانی سکان هدایت زندان زنان را به محمدی سپرد، خبرگزاری فارس، ۲۵ فروردین ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FvWUQZ>

قرص‌های خواب‌آور شدید و متادون.^۱

در ۳۰ بهمن ۱۳۹۶، تعدادی از درویش گنابادی در خیابان گلستان هفتم تهران در اعتراض به محدودیت‌ها و موانع پیش‌آمده برای جامعه درویش و همین‌طور بازداشت نعمت‌الله ریاحی، یکی از هم‌کیشان خود، تجمع کرده بودند. این تجمع با یورش پلیس و نیروهای امنیتی به خشونت کشیده شد؛ تعداد زیادی از درویش مورد ضرب و جرح قرار گرفتند و صدها تن از آنان بازداشت شدند. بازداشت شدگان زن را به زندان قرچک منتقل کردند.

در ۲۳ خرداد ۱۳۹۷ نیروهای گارد ویژه زندان، زنان درویش گنابادی محبوس را که پس از حوادث گلستان هفتم بازداشت شده بودند به دلیل اطلاع‌رسانی از وضعیت ناگوار زندان قرچک با باتوم و شوکر ضرب و شتم کردند.^۲

سه تن از زنان درویش گنابادی محبوس در زندان قرچک ورامین در ششم آذر ۱۳۹۷، پس از مطالبه وسایل شخصی خود، به دستور مهدی محمدی، رئیس زندان ضرب و شتم شدند.^۳ بر اساس گزارش تارنمای «مجدوبان نور»، شکوفه یداللهی، الهام احمدی و سپیده مرادی که در بند ۷ زندان قرچک محبوس هستند به دلیل «آلودگی شدید زندان به بیماری‌های عفونی» خواستار اعاده وسایل شخصی - شان توسط مسئولان زندان شده بودند.

الهام احمدی، درویش گنابادی زندانی در زندان قرچک، پس از انتشار یک فایل صوتی درباره شرایط سخت و ناگوار زندانیان در زندان قرچک، هجدهم دی‌ماه ۱۳۹۷ با شکایت مهدی محمدی^۴ به ۱۴۸ ضربه شلاق محکوم شد.

^۱ نامه آتنا دائمی به مناسبت روز جهانی حقوق بشر؛ نگاهی از درون به زندان زنان قرچک در ورامین، هرا، ۱۹ آذر ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.hra-news.org/letters/a-645/>

^۲ زنان درویش در زندان قرچک مورد ضرب و شتم گارد زندان قرار گرفته‌اند، بی بی سی، ۲۴ خرداد ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.bbc.com/persian/iran-44480778>

^۳ حمله به زنان درویش گنابادی در زندان قرچک | علیرضا روشن: می‌خواهند درویش را تحقیر کنند، صدای آمریکا، ۶ آذر ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://ir.voanews.com/a/iran-human-rights-darvish/4675493.html>

^۴ الهام احمدی، درویش گنابادی به ۱۴۸ ضربه شلاق محکوم شد، هرا، ۱۸ دی ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.hra-news.org/2019/hranews/a-18661/>



سعید مرتضوی

متولد سال ۱۳۴۶ در یزد؛ از سال ۱۳۶۹ وارد دستگاه قضائی شد؛ در رشته حقوق جزا جرم‌شناسی مدرک دکترا دارد.

مسئولیت‌ها

- دادیار و سپس رئیس دادگستری شهر بابک
- ریاست شعبه ۹ دادگاه عمومی تهران در سال ۱۳۷۳
- قاضی شعبه ۳۴ مجموعه قضائی رسیدگی به تخلفات کارکنان دولت
- قاضی دادگاه مطبوعات شعبه ۱۴۱۰
- دادستان کل تهران از اردیبهشت ۱۳۸۲ تا آذر ۱۳۸۸
- معاون دادستان کل کشور از شهریور ۱۳۸۸ تا آذر ۱۳۸۹
- رئیس ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز از آذر ۱۳۸۹ تا تیر ۱۳۹۱^۱
- رئیس صندوق تأمین اجتماعی از اسفند ۱۳۹۰ تا مرداد ۱۳۹۱^۲
- رئیس سازمان تأمین اجتماعی^۳ از مرداد ۱۳۹۰ تا بهمن ۱۳۹۱

^۱ فداحسین مالکی به عنوان رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز منصوب شد، خبرگزاری فارس، ۲۴ تیر ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2SdEkUt>

^۲ دیوان عدالت اداری حکم ریاست مرتضوی بر تأمین اجتماعی را دوباره لغو کرد، بی بی سی، ۲۵ دی ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2013/01/130114_me_mortazavi_edalat_edari.shtml

^۳ مصوبه جدید دولت ایران برای تثبیت سعید مرتضوی در سازمان تأمین اجتماعی، بی بی سی، ۳ بهمن ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2013/01/130122_139_mortazavi_social_security_majlis.shtml

- سرپرست سازمان تأمین اجتماعی از ۳ اسفند^۱ ۱۳۹۱ تا ۲۷ تیر ۱۳۹۲^۲

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. برخی از موارد نقض حقوق بشر در مقام قاضی دادگاه مطبوعات

سعید مرتضوی به لحاظ نقض حقوق بشر در ایران یکی از بدنام‌ترین قاضیان جمهوری اسلامی ایران است. توقیف ۱۲۰ نشریه و بازداشت بسیاری از روزنامه‌نگاران و مدیران مطبوعات بخشی از کارنامه او طی هشت سالی است که قضاوت در دادگاه مطبوعات را بر عهده داشت.^۳

با آغاز دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی در سال ۱۳۷۶ روزنامه‌های اصلاح-طلب پا به عرصه مطبوعات ایران نهادند. در اردیبهشت ۱۳۷۹ سید علی خامنه‌ای در دیدار با جوانان علیه مطبوعات اصلاح‌طلب موضع تندی گرفت و در پی این سخنان رهبر جمهوری اسلامی، مرتضوی دستور توقیف هم‌زمان ده‌ها نشریه و روزنامه اصلاح‌طلب را صادر کرد.

سعید مرتضوی در طول ۸ سال ریاست خود بر دادگاه مطبوعات ۱۲۰ نشریه را توقیف کرد. مرتضوی از بهار تا تابستان ۱۳۷۹ بسیاری از مدیران و نویسندگان مهم مطبوعات کشور را بازداشت و زندانی کرد و دوره طلایی مطبوعات اصلاح-طلب را نابود کرد. روزنامه‌های نشاط، عصر آزادگان، آزاد، مشارکت، آفتاب امروز، صبح امروز، آریا، بیان، فتح و گزارش روز از جمله روزنامه‌های توقیف‌شده از سوی او هستند. از سعید مرتضوی شکایات متعددی در دادگاه انتظامی قضات در رابطه با احکام صادره او شد. با وجود این که او در برخی از این پرونده‌ها مقصر شناخته شد اما نتایج این دادگاه هیچ‌گاه پیگیری نشد.

مرتضوی اما فقط روزنامه‌ها را توقیف نمی‌کرد. بسیاری از مدیران مسئول، سردبیران و روزنامه‌نگاران سروکارشان با مرتضوی افتاد و با احکام حبس و جزای نقدی و

^۱ مرتضوی سرپرست سازمان تأمین اجتماعی شد، ایرنا، ۳ بهمن ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2HfC3DW>

^۲ انتصاب سرپرست جدید تأمین اجتماعی / مرتضوی رفت، ایلنا، ۲۷ مرداد ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FwFwfr>

^۳ «سعید مرتضوی» از دیروز تا امروز، ایسنا، ۳۰ آذر ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2ANmi1a>

محرومیت‌های کاری روبه‌رو شدند. محاکمه سه نفر از مدیران شرکت جامعه روز، سردبیر روزنامه نشاط و مدیرمسئول روزنامه «توروز» در آن سال‌ها جنجال‌ساز شد. در شکوایتیه برخی خانواده زندانیان مطبوعاتی از او، به حذف ملاقات به مدت سه ماه و قطع تماس تلفنی بیش از چهار ماه اشاره شده بود. خانواده‌ها معتقد بودند حتی بعد از دستور ویژه هاشمی شاهرودی در خصوص این زندانیان سعید مرتضوی حاضر به تمکین نشده است.^۱

۲. برخی از موارد نقض حقوق بشر در مقام دادستان تهران

مرتضوی به عنوان دادستان تهران، در بازداشت‌های گسترده کارگران، زنان، دانشجویان و کسانی که «راذل و اوباش» نامیده شدند نقش داشت. او همچنین عامل دستگیری افراد زیادی تحت عنوان «باند پالیزدار» بود. عباس پالیزدار طی سخنانی در دانشگاه بوعلی سینای همدان اتهام‌های سنگینی را متوجه افراد طراز اول نظام جمهوری اسلامی کرده بود. مرتضوی تعداد زیادی از افراد را با این عنوان که با پالیزدار ارتباط بودند، دستگیر کرد و مدت‌ها در بازداشت غیرقانونی و انفرادی نگاه داشت.^۲

مرتضوی یکی از افراد اصلی جریان اطلاعات موازی در ایران بوده است و در بسیاری از پروژه‌های این مجموعه از جمله پرونده سیامک پورزند و پرونده وبلاگ‌نویسان نقش آشکار داشته است.^۳ نام سعید مرتضوی و اقدامات فرا قانونی او در پرونده‌های مشهوری چون پرونده قتل زهرا کاظمی، خبرنگار ایرانی - کانادایی، در زندان اوین تهران نیز به میان آمده است. او در بازداشت گسترده فعالان سیاسی و روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ و پرونده بازداشت‌گاه کهریزک هم نقش کلیدی داشته است.

^۱ همان.

^۲ بازداشت مدیرکل سازمان بازرسی به اتهام همکاری با پالیزدار، رادیو فردا، ۱ تیر ۱۳۸۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: https://www.radiofarda.com/a/12_Palizdar_latest/452874.html

^۳ پرونده ناقض حقوق بشر: غلامحسین رضانی، عدالت برای ایران، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/human-rights-violator-s-profiles/golamhosen-ramazani/>

۳. پرونده زهرا (زیبا) کاظمی

زهرا کاظمی، عکاس ایرانی- کانادایی، در روز دوم تیرماه سال ۱۳۸۲ در حال تهیه عکس از تجمع خانواده بازداشت‌شدگان مقابل زندان اوین بدون ارائه دلیل از سوی ماموران دادستانی تهران به ریاست مرتضوی، بازداشت شد. او بدون استناد به هیچ مدرک و بدون طی هیچگونه روند قانونی به جاسوسی متهم شد و در حالی که مجوز فعالیت در ایران را دریافت کرده بود^۱ از سوی دادستانی اعلام شد که چنین مجوزی نداشته است.^۲

زهرا کاظمی ۴ روز بعد در بیمارستان دچار مرگ مغزی شد. شهادت شهرام اعظم، پزشک اورژانس بیمارستان بقیه‌الله، که زهرا کاظمی را معاینه کرد حاکی از آثار شکنجه، ضرب و شتم شدید، وجود شکستگی‌های متعدد و آسیب جدی به جمجمه اوست. این پزشک در شهادتی نزد عدالت برای ایران می‌گوید که به زهرا کاظمی پیش از مرگ تجاوز شده است: "وقتی آن ناحیه‌ی پرینوام- ناحیه‌ی تناسلی بین فاصله‌ی جلو و عقب را می‌گویند- همه با هم کلاً پاره شده، این دیگر مشخصاً این است که یک جسمی را فرو کرده‌اند."^۳

محسن آرمین، نماینده مجلس ششم و عضو کمیسیون تحقیق درباره این قتل، ماجرای دستگیری و بازجویی از زهرا کاظمی و نقش و دخالت فرا قانونی سعید مرتضوی را چنین بیان می‌کند: «خانم زهرا کاظمی روز دوم تیرماه مقابل زندان اوین، وقتی که در حال تهیه عکس از تجمع خانواده‌های بازداشت‌شدگان بود، با ضرب و شتم دستگیر می‌شود. مرتضوی به جای رعایت حریم خبرنگاری، توجه به آبرو و حیثیت کشور و بهانه‌ندادن به مخالفان نظام و برخورد با ماموران متخلفی که این خبرنگار را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند، حکم بازداشت وی را صادر می‌کند. پس از دو روز بازجویی یعنی در چهارم تیرماه، وی را به نیروی انتظامی

^۱ گزارش کمیته ویژه درباره پی‌گیری موضوع مرگ زهرا کاظمی، روزنامه همشهری، ۳۰ تیر

۱۳۸۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2VTnQid>

^۲ متن گزارش کمیسیون اصل ۹۰ مجلس در خصوص مرگ زهرا کاظمی، بی بی سی، ۶ آبان ۱۳۸۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/story/2003/10/031028_v-iranisnakazemi.shtml

^۳ شهادت‌نامه دکتر شهرام اعظم: زهرا کاظمی به شکل سازمان‌یافته شکنجه شده بود، عدالت

برای ایران، ۶ تیر ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/issues/sexual-torture-issues/shahram-azam/>

تحويل می‌دهند. زهرا کاظمی به بازجویان نیروی انتظامی می‌گوید که به هنگام بازجویی در دادستانی به ویژه از ناحیه سر مورد ضرب و شتم قرار گرفته است. بعد از ظهر همان روز وی به دستور مرتضوی به دادستانی اوین عودت داده می‌شود و پس از چند ساعت از وزارت اطلاعات می‌خواهند او را تحويل بگیرد. به گفته مقامات وزارت اطلاعات، این وزارت اعلام می‌کند که بازداشت او ضرورت ندارد، ایشان را به محل اقامت خود بفرستید و ما در همان جا از او بازجویی می‌کنیم. اما مرتضوی نمی‌پذیرد و وزارت را ملزم به تحويل گرفتن وی می‌کند. زهرا کاظمی به هنگام بازجویی ابراز ناراحتی می‌کند. پنجم تیرماه ساعت ۱۲ شب وی را به بیمارستان [بقیه‌الله الاعظم] منتقل می‌کنند و ساعت ۶ صبح روز بعد یعنی روز ششم، حالش وخیم شده و به علت خونریزی به کما می‌رود و دچار مرگ مغزی می‌شود. علت خونریزی ضربه مغزی و شکستگی جمجمه تشخیص داده شد. زهرا کاظمی تا روز ۱۹ تیرماه علی‌رغم مرگ مغزی در دستگاه تنفس مصنوعی نگاه‌داری می‌شود و پس از این تاریخ مرگ او اعلام می‌شود. سعید مرتضوی پس از درگذشت وی، خارج از حیطه مسئولیت و بدون اطلاع به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مدیر کل رسانه‌های خارجی این وزارت [محمدحسین خوشوقت] را احضار می‌کند و از وی می‌خواهد طی مصاحبه‌ای فوت وی را به علت سخته مغزی اعلام کند. وی پس از مصاحبه مدیرکل مذکور، چند بار با خبرگزاری تماس می‌گیرد تا خبر مصاحبه را سریعاً مخابره کند. به گفته خانواده زهرا کاظمی دادستانی اصرار به دفن سریع وی داشته است.^۱

نقش و اعمال فرا قانونی مرتضوی در انتشار اطلاعات خلاف واقع در این پرونده در گزارش کمیسیون اصل ۹۰ مجلس و همچنین نطق محسن آرمین در جلسه ۳۴۰ مجلس ششم شورای اسلامی به صراحت و به طور عمومی افشا شده است. محمد سیف‌زاده، یکی از وکلای مدافع خانواده زهرا کاظمی، نیز دست‌داشتن مرتضوی در قتل این خبرنگار را تأیید می‌کند و می‌گوید:

«جای دو ضربه روی جمجمه خانم کاظمی وجود داشت. در اثر تحریک یکی از قضات که گفته بود اگر شما قادر نیستید دوربین را بگیرید من خودم اقدام کنم، آقای محمد بخشی یک ضربه در هنگام ورود به داخل زندان به زهرا کاظمی وارد

^۱ چرا به هشدار سال ۸۲ درباره مرتضوی توجه نشد؟، بهار، ۲۶ آذر ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی <https://bit.ly/2swPEME> اینترنتی:

می‌کند و یک قاضی دیگر هم از پشت او را بغل می‌کند و خانم زهرا کاظمی بی‌هوش می‌شود و می‌افتد. ضربه دیگر مربوط به صبح روز پنجم است که نیمه‌شب مرتضوی با یکی از معاونانش و یک مأمور برای تحقیقات از زهرا کاظمی به زندان می‌رود و مشخص نیست چه اتفاقی می‌افتد که او را از همان‌جا به بیمارستان می‌برند و به مرگ مغزی غیرقابل برگشتی دچار می‌شود.^۱

در دادگاهی که برای رسیدگی به این قضیه تشکیل شد فردی به نام احمدی، که از کارمندان رده‌پایین وزارت اطلاعات بود، به قتل شبه‌عمد متهم شد. او بعداً از این اتهام تبرئه شد و در حکم دادگاه ذکر شد که احتمالاً مرحوم کاظمی به علت افت قند خون ناشی از اعتصاب غذا افتاده است و ضرب‌دیدگی او ناشی از این امر است.^۲

۴. پرونده وبلاگ‌نویسان

در تابستان ۱۳۸۳ چندین نفر از روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویسان به بهانه‌های امنیتی و اخلاقی دستگیر شدند. بازداشت وبلاگ‌نویسان از سوی نیروهای امنیتی از آغاز همراه با اعمال خشونت و بی‌عدالتی‌های جدی بوده است. در طی شهریور تا آبان ۱۳۸۳ ۲۱ وبلاگ‌نویس و دست‌اندرکاران سایت‌های خبری اینترنتی بازداشت و در بازداشت‌گاهی مخفی شکنجه شدند. به دنبال اعتراضات پیاپی در داخل ایران و در سطح بین‌المللی بازداشت‌شدگان آزاد شدند اما مرتضوی شخصاً چهار نفر از وبلاگ‌نویسان را که بعداً محاکمه شدند مجبور به اعترافات دروغین در برابر دوربین تلویزیون کرد.

سینا مطلبی، حنیف مزروعی، امید معماریان، روزبه میرابراهیمی، شهرام رفیع‌زاده، غلام تمیمی، فرشته قاضی و محبوبه عباسقلی‌زاده از جمله کسانی بودند که در این پرونده بازداشت شدند. سعید مرتضوی از طریق تحت فشار قراردادن این افراد که بیشتر با اتکاء به مسائل شخصی آنان صورت می‌گرفت برخی از آنها را وادار کرد در دادگاه و در مصاحبه‌های مطبوعاتی به جرایم خود اعتراف کنند.

^۱ مرتضوی؛ دادستان پرونده‌های پر حرف و حدیث، رادیو فردا، ۹ شهریور ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://www.radiofarda.com/a/F7_Judge_Said_Mortazavi_sacked/1811257.html

^۲ مصونیت از مجازات در ایران: مرگ خبرنگار عکاس، زهرا کاظمی، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، ۲۰ بهمن ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2DgUdBe>

قوه قضائیه ۱۷ تن از بازداشت‌شدگان را از هر گونه تخلفی مبرا دانست و پرونده امید معماریان، روزبه میرابراهیمی، شهرام رفیع‌زاده و غلام تیمی را برای محاکمه به دادگاه فرستاد و هر ۴ نفر را به زندان و شلاق محکوم کرد.^۱ اتهام آن‌ها «مشارکت و تشکیل گروه در داخل کشور با هدف برهم‌زدن امنیت کشور»، «عضویت در جمعیت‌هایی در داخل و خارج کشور که با هدف برهم‌زدن امنیت کشور فعالیت می‌کنند»، «فعالیت تبلیغی علیه نظام، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی از طریق نگارش مقاله در روزنامه‌ها و سایت‌های غیرقانونی مثل امروز و گویانیوز» و مصاحبه با «رادپوه‌های بیگانه» اعلام شد. این چهار روزنامه‌نگار پس از آزادی موقت از زندان اعلام کردند که در دوران بازداشت تحت خشونت‌های جسمی و روحی بودند و تمام مدت بازداشت را بدون دسترسی به وکیل و خانواده در سلول‌های انفرادی نگه داشته شده بودند. روزبه میرابراهیمی و امید معماریان در شهادت‌نامه خود که در مرکز اسناد حقوق بشر منتشر شد اشاره می‌کنند که مرتضوی پس از افشای آنچه بر این وبلاگ‌نویسان در زندان‌ها رفته بود، آن‌ها را تهدید کرده است. مرتضوی به آن‌ها پیغام داده بود که افراد بسیاری در خیابان‌های ایران تصادف می‌کنند و می‌میرند و خبرنگاران از این امر مستثنا نیستند و همچنین شهرام رفیع‌زاده که سه فرزند کوچک داشت را تهدید کرده بود که زندگی بچه‌های خود را به خطر انداخته است.^۲

۵. وقایع بازداشت‌گاه کهریزک

پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم در سال ۱۳۸۸ در ایران که اعتراضات بسیاری به نتایج آن صورت گرفت، موجی از دستگیری‌ها و سرکوب اعتراضات در ایران آغاز شد. بازداشت چهره‌های اصلاح‌طلب در روزهای پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ در ایران عمده‌تاً با حکم سعید مرتضوی صورت گرفت. برخی از این افراد در همان روز انتخابات و پیش از آغاز اعتراضات دستگیر شدند و بسیاری از آنان همچنان در زندان هستند. در ۲۲ خردادماه ۱۳۸۸،

^۱ شکنجه‌گران را محاکمه کنید نه وبلاگ‌نویسان، دیده‌بان حقوق بشر، ۲۰ آذر ۱۳۸۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.hrw.org/fa/news/2006/12/11/230944>

^۲ اعتراف اجباری: هدف قراردادن فعالان اینترنتی ایران، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، ۲۶ بهمن ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2WawyJT>

گروهی به ستاد میرحسین موسوی در قیطریه حمله و آن را پلمب کردند. آن‌ها می‌گفتند حکم شفاهی از مرتضوی دارند.^۱ همچنین در شب ۲۴ و بامداد ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ و پیش از تظاهرات گسترده مردم در اعتراض به نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، نیروهای امنیتی به کوی دانشگاه حمله کردند و به ضرب و شتم دانشجویان پرداختند. اگرچه بسیاری از معترضان شناخته‌شده به زندان اوین منتقل شدند، وضعیت برای معترضان گمنام در خیابان‌ها بسیار سخت‌تر بود. بسیاری از آن‌ها بعد از دستگیری به مکان‌هایی چون سوله کهریزک منتقل می‌شدند.

بر اساس گزارش جرس، وب‌سایت نزدیک به اصلاح‌طلبان، که بر مبنای گزارش قرار نهایی تحقیق بازپرسی سازمان قضائی نیروهای نظامی تهیه شده است: «بازداشتگاه کهریزک در سال ۱۳۸۶ به منظور نگهداری بازداشت‌شدگان تحت عنوان ارادل و اوباش در ۱۵ کیلومتری بخش کهریزک در جنوب تهران ایجاد شده، مستقیماً زیر نظر بازرسی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ اداره می‌شده و سازمان زندان‌ها نظارتی بر بازداشتگاه مذکور نداشته است. با توجه به صورتجلسه تحقیق و معاینه محلی مورخ ۳۱/۵/۱۳۸۸ بازداشتگاه مذکور دو قرنطینه دارد که مساحت قرنطینه‌ای که بازداشت‌شدگان ۱۸ تیرماه در آن نگهداری می‌شده‌اند حدود ۶۵ متر و فاقد نور و تهویه و آب آشامیدنی مناسب بوده است.»^۲

این بازداشت‌گاه پس از مرگ چند زندانی، که مرگ سه نفر از آن‌ها با نام‌های محسن روح‌الامینی، امیر جوادی‌فر و محمد کامرانی از سوی مقام‌های رسمی تأیید شد، به شهرت رسید. مرگ محسن روح‌الامینی، که فرزند مشاور محسن رضایی، یکی از کاندیداهای انتخابات بود، باعث شد که ماجرای سوله کهریزک در میان مقامات بازتاب پیدا کند و سید علی خامنه‌ای حکم بسته‌شدن این زندان را به علت «استاندارد نبودن» صادر کند. همچنین، کمیته ویژه مجلس از سوی شورای عالی امنیت ملی و مجلس شورای اسلامی، به منظور بررسی حوادث پس از انتخابات تشکیل شد. مرتضوی از سوی کمیسیون ویژه مجلس درباره حوادث بعد از انتخابات

^۱ حمله به ستاد میرحسین موسوی در قیطریه، آر اف ای، ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: http://www1.rfi.fr/actufa/articles/114/article_6859.asp

^۲ قرار نهایی بازپرس دادسرای نظامی در رابطه با پرونده کهریزک، عدالت برای ایران، ۹ آبان ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/publication/documents/kahrizak-document-1/>

و از جمله درباره بازداشتگاه کهریزک در بخش مربوط به پرونده کهریزک به عنوان صادرکننده دستور انتقال بازداشت‌شدگان روز ۱۸ تیرماه به بازداشت‌گاه کهریزک معرفی شده است.^۱

مجله پنجره در ۲۸ شهریور ۱۳۸۸ در ویژه‌نامه‌ای درباره کهریزک نوشت که سید علی خامنه‌ای در ۲۲ تیر دستور تعطیلی این زندان را صادر کرده بود اما مرتضوی با بیان این‌که در سایر زندان‌ها جا به اندازه کافی موجود نیست از این کار طفره می‌رود.^۲ علیرضا زاکانی، نماینده مردم تهران و مدیرمسئول این نشریه، در مجلس اعلام کرد که مسئولیت کلیه حوادث بازداشتگاه کهریزک بر عهده آقای مرتضوی است. او اعلام کرد که دستور اعزام بازداشت‌شدگان ۱۸ تیرماه ۱۳۸۸ به کهریزک را مرتضوی شخصاً صادر کرده بود.

در کیفرخواست دادگاه این زندان ۱۲ تن از مسئولان رده‌پایین زندان محاکمه شدند. دو استوار نیروی انتظامی در این میان به جرم «مباشرت در قتل» به قصاص محکوم شدند، اما بازماندگان کشته‌شدگان اعلام کردند راضی به اعدام آن‌ها نیستند و در عوض خواهان محاکمه و مجازات «آمران» قتل فرزندان‌شان هستند. در بخشی از کیفرخواست دادگاه دو تن از متهمان شهادت داده‌اند که به درخواست مرتضوی نزد پزشک بازداشتگاه می‌روند و از او درخواست می‌کنند که در برگه فوت زندانیان علت مرگ را مننژیت ذکر کند.^۳ پزشک از این کار سر باز می‌زند و آن‌ها به پزشک وظیفه در بهداری، رامین پوراندرجانی، مراجعه می‌کنند که او نیز از این کار سر باز می‌زند. این پزشک وظیفه بعدها در آبان ۱۳۸۸ در ساختمان بهداری نیروی انتظامی در گذشت. کمیسیون تفحص مجلس و دادستانی (جعفری تهرانی) علت مرگ او را مسمومیت دارویی اعلام کردند و برخی از مسئولان مدعی سکنه قلبی او شدند. برخی وب‌سایت‌ها اعلام کردند که او خودکشی کرده است و

^۱ لغو قرار تعقیب سعید مرتضوی در دستگاه قضائی، بی بی سی، ۲۴ بهمن ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2012/02/120213_139_ezhei_mortazavi_javanf_ekr_bbc.shtml

^۲ کهریزک و روایتی که خشم مرتضوی را برانگیخت، بی بی سی، ۱۴ مهر ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2009/10/091006_ka_kahrizak_mortazavi

^۳ کیفرخواست کهریزک، عدالت برای ایران، ۹ مهر ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/publication/documents/kahrizak-2/>

برخی از سایت‌های هوادار جنبش سبز اعلام کردند که او به علت شهادت درباره وقایع کهریزک به قتل رسیده است و پیش از مرگ هم درباره نداشتن امنیت جانی با دوستانش صحبت کرده است.^۱ پیکر این پزشک تحت تدابیر شدید امنیتی و بدون اجازه کالبدشکافی به خانواده‌اش به خاک سپرده شد.

در تاریخ ۵ آذر ۱۳۸۸ و در قرار نهایی بازپرس دادسرای نظامی به موارد شکنجه در کهریزک اشاره شده است. مواردی از جمله این که متهمان در بدو ورود به بازداشتگاه لخت مادرزاد شده‌اند و با زندانیان ارادل و اوباش در یک بند قرار می‌گرفته‌اند، برخی از آنان به صورت برعکس آویزان شده‌اند یا مانند حالت سنگسار در خاک دفن و ساعت‌ها بدون آب و غذا به حال خود رها شده‌اند. ضرب و شتم با لوله آب، نگهداری ۱۶۰ نفر در یک فضای ۶۵ متری، در حالی که ۳۷ نفر از آنان متهمان موسوم به ارادل و اوباش بودند که خود در آزار سایرین نقش داشته‌اند، فضای بسته‌ای که فقط سه دریچه کوچک منبع ورود هوا به آن بوده است، وجود دو دستشویی برای کلیه زندانیان که یکی خراب و دیگری فاقد در بود، نبود حمام، غذای اندک و نبود بهداشت از دیگر شرایط این بازداشتگاه بوده است.

اسماعیل احمدی‌مقدم، فرمانده پلیس ایران، ۲۷ آبان‌ماه ۱۳۹۲ گفته بود که سعید مرتضوی با اصرار می‌گفته است که دستگیرشدگان حوادث بعد از انتخابات «چاقو، قمه و زنجیر داشته‌اند» و باید در بازداشتگاه کهریزک^۲ و میان «ارادل و اوباش» نگهداری شوند. اما سعید مرتضوی این اتهام را رد کرده است.^۳

^۱ مادر پزشک کهریزک خطاب به روح‌الامینی: جان پسر من به خاطر پسر تو در خطر است، کلمه، ۲۷ آبان ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.kaleme.com/1388/08/27/klm-3454/>

^۲ فرمانده پلیس: مرتضوی اصرار کرد معترضان انتخاباتی میان اوباش نگهداری شوند، بی بی سی، ۲۷ آبان ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2013/11/131118_139_ahmadi_moghadam_police_mortazavi

^۳ سعید مرتضوی: اظهارات احمدی مقدم درباره حادثه کهریزک صحت ندارد، بی بی سی، ۲۹ آبان ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2013/11/131120_103_mortazavi_ahmadi_moghadam

روند دادگاه و بازداشت سعید مرتضوی: حکم تعلیق سعید مرتضوی^۱، دادستان سابق تهران، حسن دهنوی^۲ (مشهور به حداد)، معاون امنیت وقت دادستان تهران و علی اکبر حیدری فر^۳، دادیاری که دستور انتقال معترضان در وقایع پس از انتخابات ریاست جمهوری را به بازداشتگاه کهریزک صادر کرد، روز ۲۴ مرداد ۱۳۸۹ به دلیل تخلفاتشان در پرونده مربوط به بازداشتگاه کهریزک از سوی دادرسی انتظامی قضات صادر شد. پس از آن پرونده رسیدگی به اتهام سه قاضی مرتبط با پرونده کهریزک، برای ادامه رسیدگی و تحقیقات مقدماتی به دادرسی کارکنان دولت فرستاده شد. بلافاصله پس از کنار گذاشته شدن مرتضوی از قوه قضائیه او به قوه مجریه رفت و تا آخرین روزهای ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد سمت رئیس ستاد مبارزه با قاچاق ارز و کالا و پس از آن ریاست و سرپرستی سازمان تأمین اجتماعی را بر عهده داشت.

مرتضوی و دو قاضی دیگر این پرونده تیرماه ۱۳۹۲ در دادگاه بدوی در رابطه با اتهام بازداشت غیرقانونی به انفسال دایم از خدمات قضائی و ۵ سال انفسال از خدمات دولتی محکوم شدند. دادگاه همچنین مرتضوی را به عنوان متهم ردیف اول این پرونده در خصوص اتهام «گزارش خلاف واقع» به پرداخت ۲۰۰ هزار تومان جریمه نقدی محکوم کرد.^۴ این پرونده در اردیبهشت ۱۳۹۳ در مرحله بررسی در دادگاه تجدیدنظر قرار داشت. همچنین دیوان عالی کشور ۲۴ آبان ۱۳۹۳ حکم انفسال دائم سعید مرتضوی^۵ از شغل قضاوت را تأیید کرد. بر اساس

^۱ پرونده مرتضوی به دادرسی کارکنان دولت رفت، بی بی سی، ۲۳ آبان ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: http://www.bbc.com/persian/iran/2010/11/101114_ka_mortazavi_shafiei

^۲ پرونده ناقص حقوق بشر: حسن زارع دهنوی (حسن حداد)، عدالت برای ایران، ۸ آبان ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://justice4iran.org/persian/j4iran-activities/hassan-haddad/>

^۳ پرونده ناقص حقوق بشر: علی اکبر حیدری فر، عدالت برای ایران، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/j4iran-activities/ali-akbar-heydari-far/>

^۴ سعید مرتضوی^۱ به انفسال از خدمت و پرداخت ۲۰۰ هزار تومان جریمه محکوم شد. بی بی سی، ۱۱ تیر ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2013/07/130702_103_kahrizak_sentence

^۵ سعید مرتضوی به طور دائم از قضاوت محروم شد، بی بی سی، ۲۴ آبان ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2014/11/141115_mgh_mortazavi_verdict

این حکم او به پنج سال ممنوعیت از داشتن کارهای دولتی نیز محکوم شده است. سعید مرتضوی، ۲۲ آذر ۱۳۹۳ با حکم قطعی دیوان عالی کشور برای همیشه از قضاوت منع شد.^۱

دیوان عالی کشور پس از صدور این حکم، احکام انفصال سعید مرتضوی از خدمات قضائی و دولتی را تأیید کرد اما به جریمه نقدی وضع شده ایراد گرفت. از سوی دیگر مرتضوی در آن دادگاه از اتهام معاونت در قتل بازداشت‌شدگان کهریزک تبرئه شد. به دنبال دادگاه اول خانواده محسن روح‌الامینی شکایت دیگری را با موضوع «معاونت در قتل» فرزند خود علیه دادستان پیشین تهران ثبت کردند. رسیدگی مجدد به پرونده سعید مرتضوی در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴ شروع شد که در جریان آن دو اتهام تنظیم گزارش دروغ (که جریمه ۲۰۰ هزار تومانی مرتبط با آن از سوی دیوان عالی کشور رد شده بود) و معاونت در قتل (محسن روح‌الامینی) رسیدگی شد.

در پی رسیدگی به پرونده در ۲۸ مرداد سال ۱۳۹۴ وی از دو اتهام معاونت در قتل و تنظیم گزارش خلاف واقع در پرونده کهریزک تبرئه شد^۲ اما با اعتراض خانواده روح‌الامینی این پرونده به شعبه ۳۸ دیوان عالی کشور ارجاع شد.^۳ دیوان عالی هم این پرونده را برای رسیدگی مجدد به شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران ارجاع داد. جلسه دادگاه تجدیدنظر در ارتباط با وقایع بازداشتگاه کهریزک روز ۱۸ مهر ۱۳۹۶ کار خود را آغاز کرد. در پنجم آذرماه ۹۶ وکیل مدافع خانواده محسن روح‌الامینی از محکومیت سعید مرتضوی به تحمل دو سال حبس به جرم معاونت در قتل محسن روح‌الامینی در پرونده بازداشتگاه کهریزک خبر داد. میر مجید طاهری گفت که این حکم از سوی شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر صادر و

^۱ اجرای حکم انفصال از خدمت سعید مرتضوی ابلاغ شد، خبرگزاری مهر، ۲۳ آذر ۱۳۹۳، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2MewTXm>

^۲ مرتضوی از اتهامات 'معاونت در قتل' و 'گزارش دروغ' در پرونده کهریزک تبرئه شد، بی بی سی، ۲۸ مرداد ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2015/08/150819_139_mortazavi_aquitted

^۳ رسیدگی به پرونده حادثه کهریزک و شکایت از مرتضوی به جلسه دوم کشید، خبرگزاری مهر،

۹ شهریور ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2U2SO6T>

«به صورت الکترونیکی» به وکیل شاکی ابلاغ شده است. به گفته طاهری دادگاه تجدیدنظر با توجه به «اظهار ندامت» مرتضوی، برای او یک درجه تخفیف قائل شد و محکومیت او را از ۵ سال به دو سال کاهش داده است.^۱ خبرنگاران در بیرون دادگاه از سعید مرتضوی نقل کرده‌اند که گفته بود: «من در این نظام زندان نخواهم رفت.»^۲

میرمجید طاهری همچنین دوم اسفندماه ۱۳۹۶ گفته بود که هفته گذشته و با پیگیری‌های انجام‌شده مطرح شد که پرونده هنوز برای اجرای احکام ارسال نشده است. بر اساس گفته‌های شعبه احتمال دارد ظرف سه هفته آینده این حکم برای اجرای احکام ارسال شود.^۳ او دهم اسفندماه ۱۳۹۶ از ابلاغ حکم به مرتضوی خبر داد و گفت که این حکم به زودی اجرا می‌شود.^۴ در پی این حکم رسانه‌ها گزارش‌هایی از ناپدیدشدن سعید مرتضوی منتشر کرده بودند. غلامحسین محسنی اژه‌ای، سخنگوی قوه قضائیه ایران، به خبرنگاران گفته بود: «حکم جلب صادر شده ولی هنوز متأسفانه گیرش نیاورده‌اند، حالا نمی‌دانم چطور است.»

در نهایت پس از ۵۰ روز در ۲ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷ خبرگزاری میزان، وابسته به قوه قضائیه، به نقل از رئیس کل دادگستری استان مازندران گزارش داد که مرتضوی «در یکی از شهرهای شمالی شناسایی و بازداشت شده است.»^۵ دادسرای عمومی و انقلاب اسلامی تهران نیز اعلام کرد که او عصر روز یکشنبه دوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷ به زندان اوین تحویل داده شده است.

^۱ رسیدگی به پرونده حادثه کهریزک و شکایت از مرتضوی به جلسه دوم کشید، خبرگزاری مهر،

۹ شهریور ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2U2SO6T>

^۲ سعید مرتضوی در شمال ایران دستگیر شد، بی بی سی، ۲ اردیبهشت ۱۳۹۷، بی بی سی، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.bbc.com/persian/iran-43854800>

^۳ حکم دو سال حبس سعید مرتضوی هنوز به اجرای احکام ارسال نشده است، خبرگزاری مهر، ۲

اسفند ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RW8Th2>

^۴ حکم حبس سعید مرتضوی ابلاغ شد، رادیو زمانه، ۱۰ اسفند ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی

اینترنتی: <https://www.radiozamaneh.com/384047>

^۵ سعید مرتضوی در شمال ایران دستگیر شد، بی بی سی، ۲ اردیبهشت ۱۳۹۷، بی بی سی، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.bbc.com/persian/iran-43854800>

قرارگرفتن در لیست تحریم‌های حقوق بشری

اتحادیه اروپا و وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا

اتحادیه اروپا در فروردین ۱۳۹۱، سعید مرتضوی را به دلیل نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه دارایی‌های احتمالی او نیز در اروپا توقیف خواهد شد.

صدور احکام بازداشت گسترده صدها فعال، روزنامه نگار و دانشجو و انتقال معترضان به نتایج انتخابات ۱۳۸۸ به بازداشت‌گاه کهریزک که باعث مرگ سه تن از آنان شد، از دلایل تحریم او است که در بیانیه اتحادیه اروپا به آن اشاره شده است.^۱ وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا، نیز در مهر ۱۳۸۹ به دلایلی مشابه، مرتضوی را در فهرست تحریم‌های حقوق بشری خود قرار داد.^۲

بر اساس این تحریم، دارایی‌های احتمالی سعید مرتضوی در آمریکا توقیف و از ورود او به این کشور جلوگیری می‌شود. همچنین شهروندان ایالات متحده حق هیچ‌گونه معامله‌ای با او نخواهند داشت.

^۱ فهرست اول تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، تارنمای عدالت برای ایران، قابل دسترسی درنشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/publication/documents/eu-series-1/>

^۲ تحریم‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا، تارنمای وزارت خزانه‌داری، ۷ مهر ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/tg877.aspx>



سید صولت مرتضوی باباحیدری

مدیرعامل سازمان موقوفات
آستان قدس رضوی

مسئولیت‌ها

- مسئول بسیج باباحیدر
- بخشدار مرکزی فارسان
- فرماندار بیرجند
- مدیر کل اقدامات تأمینی سازمان زندان‌ها
- مدیرکل امور اداری و مالی سازمان زندان‌ها
- مدیر مسئول روزنامه حمایت
- دبیر اجرایی انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان
- دبیر انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان
- استاندار خراسان جنوبی
- معاون سیاسی وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران و رئیس ستاد انتخابات کشور از سال ۱۳۸۸ تا ۱۰ مهر ۱۳۹۲^۱
- مشاور ارشد وزیر کشور^۲ (رحمانی فضل‌ی) از ۱۲ شهریور ۱۳۹۲
- شهردار مشهد^۳ از ۷ مهر ۱۳۹۲ تا ۳۱ مرداد ۱۳۹۶^۴

^۱ معاون سیاسی وزارت کشور ایران منصوب شد، بی بی سی، ۱۰ شهریور ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2013/09/130901_151_interior_ministry_appointment

^۲ مرتضوی مشاور ارشد وزیر کشور شد، خبرگزاری مهر، ۱۲ شهریور ۱۳۹۲، قابل دسترسی در

نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2MmmSYj>

^۳ صولت مرتضوی شهردار مشهد شد، ایلنا، ۱ مهر ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2U0z97q>

^۴ خدمت به مردم مشهد افتخار بزرگی بود، خبرگزاری مهر، ۳۱ مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در

نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FBVDIC>

- مدیرعامل سازمان موقوفات آستان قدس رضوی از تیر ۱۳۹۶ تا کنون^۱

برخی از موارد نقض حقوق بشر

صولت مرتضوی به عنوان معاون سیاسی وزیر کشور، مشارکت موثری در سرکوب اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ داشته است. در جریان برخوردهای خشونت‌آمیز با تظاهرات اعتراضی مردم علیه نتایج اعلام‌شده انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸، ده‌ها نفر کشته، صدها تن زخمی و هزاران نفر نیز بازداشت شدند. شماری از بازداشت‌شدگان نیز زیر شکنجه به قتل رسیدند. اعتراضات در شهرهای مختلف ایران، به خصوص در ۶ دی ۱۳۸۸، با واکنش شدید و خشن نیروهای امنیتی و انتظامی سرکوب شد. فقط در تهران، دست‌کم ۱۱ نفر کشته شدند. با گذشت ۹ سال، هنوز نه فقط آمار دقیقی از کشته‌شدگان ۶ دی‌ماه ۱۳۸۸ اعلام نشده، هیچ دادگاه یا نهاد مستقلی علت مرگ کشته‌شدگان را پیگیری نکرده است.

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در ۴ فروردین ۱۳۹۱ سید صولت مرتضوی باباحیدری را به دلیل هدایت روند سرکوب^۲ افرادی که برای حقوق قانونی خود از جمله حق آزادی بیان اعتراض کرده‌اند، از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. همچنین دارایی‌های او در اروپا توقیف خواهد شد.^۳

^۱ سخنرانی سید صولت مرتضوی مدیرعامل سازمان موقوفات آستان قدس رضوی، خبرگزاری تسنیم، ۲۰ آبان ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2DICjNv>

^۲ اسامی ۱۷ مقام ایرانی تحریم شده توسط اتحادیه اروپا، بی بی سی، ۶ فروردین ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2012/03/120325_138_eu_persons_iran_sanction

^۳ فهرست سوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۷ خرداد ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/publication/documents/list3/>



حیدر مصلحی

جانشین دفتر عقیدتی - سیاسی
فرماندهی کل قوا

متولد ۱۳۳۶ شهر شهرضا؛ مدرک کارشناسی ارشد رشته الهیات دارد.^۱

مسئولیت‌ها^۲

- مسئول عقیدتی، سیاسی کمیته انقلاب اسلامی تهران
- مسئول سیاسی بخش خارجی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- مسئول سیاسی نمایندگی امام در قرارگاه کربلا سپاه - مناطق عملیاتی جنوب و غرب کشور
- نماینده امام در قرارگاه کربلا سپاه - مناطق عملیاتی جنوب و غرب کشور
- نماینده امام در قرارگاه خاتم سپاه - مناطق عملیاتی جنوب و غرب کشور
- نماینده ولی فقیه در نیروی زمینی سپاه پاسداران تهران
- نماینده ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران
- نماینده ولی فقیه در نیروی هوایی سپاه پاسداران تهران
- عضو شورای نمایندگان ولی فقیه در مناطق اهل سنت
- رئیس شورای برنامه ریزی مدارس علمیه اهل سنت
- عضویت در گروه ۵+۶ اصولگرایان
- عضو هیات مرکزی نظارت شورای نگهبان، استان تهران و شهر تهران
- نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه

^۱ نگاهی به سوابق فعالیت‌های مصلحی گزینه نهایی وزارت اطلاعات، خبرگزاری فارس، ۲۷ مرداد

۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2HmVESI>

^۲ حیدر مصلحی کیست؟، باشگاه خبرنگاران جوان، ۹ اسفند ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی

اینترنتی: <https://bit.ly/2sCLOey>

- وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی از مرداد ۱۳۸۸ تا مرداد ۱۳۹۲^۱
- رئیس سازمان نشر آثار و ارزش‌های مشارکت روحانیت در دفاع مقدس از آذر ۱۳۹۲ تا کنون^۲
- جانشین دفتر عقیدتی-سیاسی فرماندهی کل قوا از ۲۲ شهریور ۱۳۹۷ تا کنون^۳

برخی از موارد نقض حقوق بشر

حیدر مصلحی به عنوان وزیر اطلاعات نقش و مشارکت موثری در برخوردهای خشونت‌آمیز با اعتراضات و بازداشت و شکنجه معترضان در وقایع پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ داشته و مرتکب نقض حقوق بشر شده است. او طی سخنانی در شهریور ۱۳۸۹ با اشاره به نقش کلیدی وزارت اطلاعات در سرکوب این اعتراضات مسالمت‌آمیز گفت: «پس از جریان فتنه ۸۸ [اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸]، [وزارت اطلاعات] توانست متناسب با حجم توطئه‌های دشمنان خارجی و داخلی ملت ایران، خود را بازسازی کند و با اقتدار کامل و با کمک سایر نهادها و سازمان‌های نظام، آن فتنه را خنثی کند.»^۴

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری

اتحادیه اروپا و وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا

اتحادیه اروپا طی تصمیم مورخ ۱۸ مهر ۱۳۹۰ (۱۰ اکتبر ۲۰۱۱) حیدر مصلحی را به دلیل نقشی که در نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی داشته‌اند

^۱ جزئیات عزل مصلحی به روایت خودش/ تشریح پروسه امنیتی پیرامون احمدی نژاد، خبرگزاری فارس، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2ATTFiY>

^۲ حکم سرلشکر فیروزآبادی برای حیدر مصلحی، مشرق، ۲۷ آذر ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2R3ZShl>

^۳ حجت‌الاسلام مصلحی جانشین دفتر عقیدتی - سیاسی فرماندهی کل قوا شد، خبرگزاری تسنیم، ۲۲ شهریور ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2G1avAM>

^۴ مصلحی: وزارت اطلاعات پس از فتنه ۸۸، ترمیم و بازسازی شد، رادیو فردا، ۱۳ شهریور ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.radiofarda.com/a/f6-Iran-Moslehi-Intelligence-Ministry-Reshuffle/2148441.html>

از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه دارایی‌های این مقامات نیز در اروپا توقیف خواهد شد.

بر اساس بیانیه اتحادیه اروپا حیدر مصلحی به دلیل استفاده مداوم و گسترده نیروهای تحت امر او از «بزارهای آزار و اذیت و شکنجه» و «بازداشت‌های خودسرانه مخالفان و معترضان» به نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ تحریم شده است.^۱

وزارت خزانهداری ایالات متحده آمریکا نیز در مهر ۱۳۸۹، با تأکید بر نقش حیدر مصلحی به عنوان وزیر اطلاعات در سرکوب اعتراضات به نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، «ضرب و شتم»، «شکنجه‌های روانی» و «سوء استفاده‌های جنسی» از بازداشت‌شدگان در بند ۲۰۹ زندان اوین، که تحت کنترل وزارت اطلاعات بوده است، را از دلایل دیگر این تحریم به شمار آورده است.^۲

بر اساس این تحریم، دارایی‌های احتمالی حیدر مصلحی در آمریکا توقیف و از ورود او به این کشور جلوگیری می‌شود. همچنین شهروندان ایالات متحده حق هیچ‌گونه معامله‌ای با او نخواهند داشت.

^۱ فهرست دوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۲۱

اسفند ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dim9Et>

^۲ Fact Sheet: New Executive Order Targeting Iranian Officials Responsible For Or Complicit In Serious Human Rights Abuses. U.S. DEPARTMENT OF THE TREASURY, September 29, 2010, ،

<https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/tg877.aspx>



مه‌دی معصوم‌بیگی

فرمانده نیروی انتظامی استان
اصفهان

مسئولیت‌ها

- جانشین پلیس پیشگیری نیروی انتظامی جمهوری اسلامی دست‌کم از ۱۳۹۲ تا ۱۸ مرداد ۱۳۹۶^۱
- فرمانده نیروی انتظامی استان اصفهان از ۱۸ مرداد ۱۳۹۶ تا کنون^۲

برخی از موارد نقض حقوق بشر

مه‌دی معصوم‌بیگی به عنوان فرمانده نیروی انتظامی استان اصفهان مسئول اصلی برخورد نیروهای تحت امرش در قتل، ضرب و شتم و سرکوب معترضان در اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۳۹۶ بوده است.

به گزارش خبرگزاری صدا و سیما، جمهوری اسلامی،^۳ ۶ نفر در ۱۱ دی ۱۳۹۶ با شلیک مستقیم نیروی انتظامی در قهدریجان (از توابع اصفهان) کشته شدند. اصغر هدایت، فرماندار فلاورجان (قهدریجان زیر نظر فرماندار فلاورجان اداره می‌شود) طی مصاحبه‌ای با صدا و سیما مدعی شد نیروی انتظامی معترضان را به دلیل «حمله مسلحانه» به پایگاه بسیج و کلاتری قهدریجان هدف قرار داده است.^۴

^۱ تسخیر لانه‌ی جاسوسی، انقلابی دیگر در بطن انقلاب اسلامی بود، خبرگزاری دفاع مقدس، ۱۳ آبان ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2QT6z5U>.

^۲ سردار معصوم‌بیگی رئیس پلیس استان اصفهان شد، باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۸ مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2VZP5sf>.

^۳ خلع سلاح کردن کلاتری، قصد اغتشاشگران + فیلم، خبرگزاری صدا و سیما، ۱۲ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dckel0>.

^۴ همان.

این ادعا در حالی مطرح می‌شود که حتی در فیلم پخش شده در شبکه خبر^۱ نیز شواهدی مبنی بر مسلح بودن معترضان وجود ندارد. (در بخش‌هایی از فیلم تعدادی از معترضان مواد آتش‌زا را به سمت کلانتری پرتاب می‌کنند.)
از ۱۳ دی ۱۳۹۶، نیروی انتظامی اصفهان با حضور گسترده در خیابان‌ها و برقراری جو به شدت امنیتی از برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز شهروندان استان اصفهان جلوگیری کرد.^۲

^۱ فروکش و خط بیگانه.....، شبکه خبر، ۱۲ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2HogOjo>

^۲ روز ششم اعتراضات: حضور پرتعداد نیروهای انتظامی در اصفهان، صدای آمریکا، ۱۳ دی ۱۳۹۶،

قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RT1KRg>



حمیدرضا مقدم فر

معاونت فرهنگی سپاه پاسداران
انقلاب اسلامی

متولد ۱۳۴۱؛ فارغ التحصیل دکتری علوم استراتژیک است.^۱

مسئولیت‌ها

- مشاور فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی از ۷ آبان ۱۳۹۶ تا کنون^۲
- مدیرعامل خبرگزاری فارس^۳ از دی‌ماه ۱۳۸۶ تا مرداد ۱۳۹۰^۴
- عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- عضو جهاد سازندگی
- عضو حزب جمهوری اسلامی
- معاونت فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی^۵ از شهریور ۱۳۹۰ تا کنون^۶

^۱ حمید مقدم فر، موسسه فرهنگی طلوع، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://toluchagh.ir/user/moghadamfar/>

^۲ حمیدرضا مقدم فر مشاور فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی شد، ایرنا، ۴ آبان ۱۳۹۶، قابل دسترسی

در نشانی اینترنتی: <http://www.irna.ir/fa/News/82709381>

^۳ علت خداحافظی مدیرعامل فارس پس از پنج سال؟، تابناک، ۴ دی ۱۳۸۶، قابل دسترسی در

نشانی اینترنتی: <https://www.tabnak.ir/fa/print/3814>

^۴ سید نظام‌الدین موسوی مدیر عامل خبرگزاری فارس شد، برنا، ۴ مرداد ۱۳۹۰، قابل دسترسی

در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FLP4n6>

^۵ مقدم فر: میلیون‌ها بسیجی در جنگ سایبری با دشمن فعالند اما در سپاه واحدی با این عنوان نداریم، پارسینه، ۱۹ شهریور ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.parsine.com/fa/print/47523>

^۶ مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران: نیروهای انقلابی، مراقب فتنه‌های احتمالی احمدی‌نژاد باشند، رادیو فردا، ۹ اسفند ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.radiofarda.com/a/29067475.html>

برخی از موارد نقض حقوق بشر

خبرگزاری فارس که از بهمن‌ماه سال ۱۳۸۱ شروع به کار کرد، از رسانه‌های نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. برخی از آن به عنوان بازوی رسانه‌ای سپاه یاد می‌کنند. حتی محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور پیشین، نیز در یک کنفرانس خبری در مهرماه ۱۳۹۱ این خبرگزاری را وابسته به سپاه اعلام کرد.^۱

بودجه خبرگزاری فارس از طریق کمک‌های فرهنگی سپاه پاسداران تأمین می‌شود و اغلب مدیران این رسانه سابقه عضویت در این ارگان نظامی را دارند. با توجه به محرمانه تلقی‌شدن جزئیات بودجه دستگاه‌های نظامی در ایران، تا مدت‌ها وابستگی فارس به بودجه سپاه، خبری غیررسمی تلقی می‌شد اما در خردادماه سال ۱۳۸۷ سایت «تابناک» که گفته می‌شود وابسته به محسن رضایی، فرمانده اسبق سپاه، بود در گزارشی رسماً این خبر را تأیید کرد.^۲

خبرگزاری فارس نقش مؤثری در اشاعه و نشر اتهام علیه مخالفان جمهوری اسلامی دارد. چاپ و پخش اعترافات که تحت فشار از زندانیان سیاسی اخذ می‌شود و حتی گاهی درج اخبار دستگیری‌ها قبل از وقوع آن‌ها ابعاد دیگر نقض حقوق و آزادی‌های فردی در این رسانه است که حمیدرضا مقدم‌فر، به عنوان مدیر عامل این خبرگزاری، مسئول آن است.

خبرگزاری فارس با درج مصاحبه‌ها و اخبار مربوط به توهین به اعتقادات بهائیان، اتهام‌زنی‌های واهی بدون ارائه دلیل و مستند مبنی بر همکاری بهائیان با دولت‌های اسرائیل و بریتانیا علیه منافع جمهوری اسلامی ایران و نسبت‌دادن مداخله در درگیری‌های اعتراض‌آمیز پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ همگی مواردی هستند که بستر افزایش خشونت و فشار بر بهائیان به دلیل «باور مذهبی» را فراهم آورده است. جامعه جهانی بهائیان در گزارش «کمپین رسانه‌ای ایران برای دهشتناک جلوه‌دادن بهائیان»^۳ به طرح و بحث نقش و عملکرد گسترده رسانه‌های وابسته و یا نزدیک

^۱ احمدی‌نژاد و خبرگزاری فارس، دیروز و امروز، انتخاب، ۱۲ مهر ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی <http://www.entekhab.ir/fa/print/78501> اینترنتی.

^۲ رسانه برتر جمهوری اسلامی توسط نظامیان اداره می‌شود، روزآنلاین، ۴ آبان ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://www.roozonline.com/english/news3/newsitem/article/-6553442ad5.html>

^۳ Inciting Hatred Iran's media campaign to demonize Bahá'is, Bahá'í International Community, October 2011, Available at: <https://bit.ly/2FO0jLI>

به حکومت جمهوری اسلامی ایران پرداخته است که در انجام مصاحبه و درج مقالاتی با محتوای متهم کردن پیروان دیانت بهائی به وابستگی به دول خارجی که جمهوری اسلامی ایران این کشورها را «همواره تهدیدی برای استقلال و تمامیت» خود معرفی کرده است.

قسمتی از مطلب منتشرشده در خبرگزاری فارس، مورخ اول آبان ۱۳۸۹ به شرح زیر است: «... حجت‌الاسلام والمسلمین محسن غروی‌ان در گفت‌وگو با خبرنگار فارس، در مورد هشدارهای اخیر مقام معظم رهبری در دیدار با مردم قم گفت: یکی از هشدارهای مقام معظم رهبری، رشد بهائیت بود که مقام معظم رهبری با این هشدار در صدد بودند که حوزه‌های علمیه نسبت به فرقه‌های انحرافی حساس باشند، خصوصاً بهائیت و وهابیت که هر دو فرقه استعماری هستند که توسط روسیه و انگلیس در ایران شکل گرفته است...»^۱

و یا در مطلب منتشرشده در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۹۱ ضمن نسبت‌دادن الفاظ توهین‌آمیز و «کافر» و «ملحد» خواندن پیروان دیانت بهائی، به‌وضوح سعی در وابسته جلوه‌دادن این دیانت به کشورهای دیگر و ساختگی‌بودن آن شده است: «توسازی و گسترش فرقه اسماعیلیه در قرن اخیر هم‌زمان با شکل‌گیری فرقه‌های استعماری «بهائیت» و «بابیت» در ایران بوده است، به نظر می‌رسد، نزدیکی شعارها و آموزه‌های بهائیت و فرقه اسماعیلیه، مدرن، کاملاً حساب شده و تحت یک مدیریت پشت پرده باشد... البته ما به هیچ وجه کافران ملحدی چون بهائیان را با فرقه اسماعیلیه مسلمان هم‌ردیف نمی‌دانیم...»^۲

و یا در مطلبی دیگر از قول یک بهائی مسلمان‌شده اتهاماتی بدون ارائه دلیل مبنی بر تنفر پیروان بهائی از مسلمانان و آیین‌های اسلامی طرح شده^۳ (بدون ارائه هرگونه مستند) و نسبت‌های ناشایست به پیروان این دیانت داده شده است: «به گزارش خبرگزاری فارس از سمنان، مهناز رئوفی پیش از ظهر امروز در جمع شماری از

^۱ دولت و حوزه‌های علمیه پشتیبان یکدیگر خواهند بود، خبرگزاری فارس، ۱ آبان ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2S3H8mF>

^۲ روش‌های تبلیغی فرقه آقاخانیه/شبهات‌های عملیاتی با بهائیت، خبرگزاری فارس، ۲۶ شهریور

۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2B1VA4Y>

^۳ The Bahá'ís of Semnan - A Case Study in Religious Hatred, Bahá'í World News Service, October 2012, Available at:

<https://news.bahai.org/human-rights/iran/semnan/incitement-hatred>

مردم سمنان در سالن هلال‌احمر این شهر افزود: فرقه بهائیت از عاشورا و روحانیت متنفر است و با مضحکه ساختن آن، علیه بشریت تبلیغ می‌کند. وی تصریح کرد: پیروان فرقه ضاله بهائیت معمولاً روزهای اول و دوم محرم را به جشن و پایکوبی می‌گذرانند و علت آن را متولد شدن باب و بها در این روز اعلام می‌کنند... رؤوفی گفت: فرقه ضاله بهائیت تشکلی پر از تناقض در تعالیم خود دارد و دارای ادعاهای دروغین بسیاری است. وی با بیان این‌که بهائیت در حقیقت دست‌نشانده و پرورش یافته سیاست‌های طولانی مدت انگلیس و روسیه است...»^۱

^۱ آمریکا و دولت‌های غربی فرقه بهائیت را رهبری و حمایت می‌کنند، خبرگزاری فارس، ۱۳ بهمن ۱۳۸۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2UfCCPM>



محمد مقیسه

رئیس شعبه ۲۸ دادگاه
انقلاب اسلامی تهران

محمد مقیسه (با نام‌های مستعار حاج ناصر و ناصریان)^۱ متولد سبزوار است و تحصیلات حوزوی دارد.^۲

مسئولیت‌ها

- دادیار زندان اوین از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۴
- دادیار ناظر زندان قزل‌حصار از سال ۱۳۶۴ تا سال ۱۳۶۵
- دادیار ناظر و سرپرست زندان گوهردشت^۳ از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷
- دادیار زندان اوین از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹
- رئیس شعبه دادگاه حجاب و ماهواره در تهران^۴ در اوایل دهه ۷۰
- رئیس شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی تهران از اوایل دهه ۸۰ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

بر اساس شهادت زندانیان سیاسی^۵ که از اعدام‌های سال ۶۷ جان به در برده‌اند

^۱ این سه قاضی، کلمه، ۱۰ دی ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.kalame.com/1389/10/10/klm-42448/>

^۲ چه کسی مسئول رسیدگی به پرونده مهدی هاشمی است؟، مشرق‌نیوز، ۵ مرداد ۱۳۹۳، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2MmHxvz>

^۳ با من به روزهای قتل عام بیایید - قسمت هشتم، یادداشت‌های محمد خدابنده‌لویی، ۹ دی

۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://ruziruzegari.blogspot.com/2015/12/blog-post.html>

^۴ ن.ک. به زیرنویس ۱.

^۵ در بیدادگاه مرگ با محمدی گیلانی!، بهار ایران، خاطرات زندان جمال خشنود، ۲۲ تیر ۱۳۹۳،

قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Hhub4O>

محمد مقیسه با نام‌های مستعار حاج ناصر و ناصریان به عنوان دادیار زندان گوهر-دشت نقش مهمی در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ داشته است. محمد مقیسه همچنین به دلیل صدور احکام سنگین حبس و رعایت نکردن استانداردهای قضاوت عادلانه در محاکمه بسیاری از فعالان سیاسی و مدنی و همچنین توهین و بدرفتاری با متهمان و وکلای آن‌ها در جلسات دادگاه مرتکب نقض حقوق بشر شده است.^۱ او همچنین متهم است که به سبب مناصب قضائی‌اش در دهه ۶۰ در شکنجه و اعدام بسیاری از زندانیان سیاسی در زندان‌های قزل‌حصار، گوهر-دشت و اوین نقش داشته است.^۲

۱. کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷

در مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷، چندین هزار زندانی سیاسی در ایران، با فتوای روح‌الله خمینی و تصمیم مقامات قضائی و اطلاعاتی اعدام شدند. تمامی آن‌ها پیش از این به مجازات زندان محکوم شده بودند و در حال گذراندن دوران محکومیت خود بودند و دوران محکومیت برخی از آنان نیز به پایان رسیده بود. زندانیان سیاسی مخفیانه اعدام شدند و پیکر آنان در گورهای بی‌نام و نشان یا جمعی در سراسر ایران دفن شده است.^۳

براساس شهادت‌های متعدد از زندانیان سیاسی جان‌به‌دربرده از کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ در زندان گوهردشت کرج نزد عدالت برای ایران، محمد مقیسه با نام مستعار ناصریان و به‌عنوان دادیار زندان، پرونده‌های آنان را پیش از این که به مقابل هیات مرگ، متشکل از حسین علی‌نیری، مرتضی اشراقی، مصطفی پورمحمدی و ابراهیم رئیسی، ببرند، آماده می‌کرد و در بسیاری از جلسات هیات مرگ با زندانیان حضور داشته است.

شهادت اصغر مهدی‌زادگان از جان‌به‌در بردگان کشتار زندانیان سیاسی در سال

^۱ محمد مصطفایی: قاضی مقیسه حقوق بسیاری از متهمین را نقض کرده است، کمپین حقوق بشر ایران، ۳۱ فروردین ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://persian.iranhumanrights.org/1389/01/mostafaie/>

^۲ این سه قاضی، کلمه، ۱۰ دی ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.kaleme.com/1389/10/10/klm-42448/>

^۳ برای اطلاعات بیشتر درباره گورهای جمعی، به پلتفرم چندرسانه‌ای "خاک‌رنج" در این نشانی اینترنتی مراجعه کنید: <https://painscapes.com>

۱۳۶۷ در زندان گوهردشت نشان می‌دهد که چگونه مقیسه سعی داشته است تا تعداد بیشتری از زندانیان اعدام شوند:

روز پنج‌شنبه، شش مرداد آمدند و یک تلویزیون کوچک داشتیم از ما گرفتند... صبح شنبه ما روز ملاقاتمون بود... پاسداری به نام علی آمد گفت شما ملاقات ندارید. این صبح شنبه ۸ مرداد بود... ساعت ۱۰ یکی از بچه‌ها به نام علیرضا غضنفرپور مقدم رو صدا کردند. ساعت یازده سید محمد مروج رو صدا کردند. این‌ها بچه‌های کرج و شهریار بودند. ساعت ۱۲ و ۲۰ دقیقه یکی از بچه‌ها از همون دریچه دید که داوود لشکری ۵ تا از زندانی‌ها رو چشم‌پسته داره از زیر فرعی ما می‌بره سمت سرویسی که بغل در خروجی بود... بعد از چند دقیقه، یک در قرمز داشت هواخوری، بزرگ بود، ماشین تردد می‌کرد، این در رو باز کردند و بچه‌ها رو بردند بیرون. ما دیگه نمی‌تونستیم پشت در رو ببینیم. ولی پشت در یک جاده آسفالت بود. آن طرفش یک سیلو بود که یک در قرمز کوچک داشت و بعد دیدیم که این ۵ تا رو بردند داخل سیلو. بعد به دنبالش یک سری دیگه رو بردند. من همین‌جوری نگاه می‌کردم دیدم که ساعت یک و نیم حدود ۱۸ تا پاسدار از همین سیلو در آمدند. وقتی وارد هواخوری شدند از در بزرگ دو تاشون لباس روشن رو در آورده بودند و لباس زیرشون هم خیس خیس بود. یکی همین پاسدار علی بود. یکی پاسدار خانی که مسئول ملاقات زندان گوهردشت بود. این‌ها صحنه‌ها رو واسه همدیگه تعریف می‌کردند از ناصریان تا لشکری تا مسئول فروشگاه همه جمع بودند. این‌ها آمدند توی پاس‌بخشی که بغل فرعی ما بود و داستان رو تعریف می‌کردند. ما به گوش می‌ایستادیم می‌شنیدیم. که بچه‌ها رو برده بودن آنجا نماز خونده بودند بعد می‌خواستند اعدام کنند. بچه‌ها شروع به شعاردادن و این‌ها کرده بودن. همون‌جا گرفته بودند به چوب و لگد زده بودند و این‌ها رو اعدام کردند. می‌گفتند که این‌ها هر کاری کنیم منافق‌اند... این‌ها تا غروب همون روز ۱۹ تا از بچه‌ها رو بردند همون‌جا اعدام کردند. ما هم گفتیم که دیگه می‌خوان همه رو اعدام کنند... من روز دوشنبه تا ساعت ۴ شاهد ۱۰ تا ۱۵ سری از همین بچه‌ها بودم که به آن مسیر رفتند. غروب بود دیگه هوا تاریک بود... وقتی که ناصریان آمد از من سوال کرد اتهامت چیه من نگفتم هوادار یا مجاهدین. من گفتم که منافقین. گفت که چطور شد تا روز قبل هوادار می‌گفتی. یک دونه زد توی سرم من حرف نزد. ناصریان

یکی از کارهایش این بود که هر زندانی رو تحریک می‌کرد که اتهامش رو بگه هوادار، بعد بیره دادگاه. من دیگه تا شب آن‌جا بودم بعد دیدم که پاسدارها سراغم نمی‌آیند. دیدم شب شده و یک پاسداری بود گفتم من چه کار باید کنم وضعم نامشخصه. گفت الان وضعت رو مشخص می‌کنیم. بعد از یک ساعت دیدم که دو نفر رو داره میاره من رو هم صدا کرد با آن‌ها برد توی سلول انفرادی که شب قبل بودیم. شب ما توی انفرادی بودیم. فرداش که سه‌شنبه باشه من رو صدا نکردند. یک روز تعطیل بود... روز چهارشنبه دوباره این ریل ادامه داشت ما رو آوردند توی راهروی اصلی. لشکری فرم پر می‌کرد. ناصریان سوال می‌کرد. هر کی می‌گفت هوادار یا مجاهد سریع می‌برد دادگاه. فرم، اتهام و نام پدر و میزان حکم و مال کدام شهر هستی بود. روز چهارشنبه هم همین روند ادامه داشت. آنجا دیگه ناصریان بیشتر تحریک می‌کرد. بچه‌ها رو هیستریک می‌کرد. یا حتی بچه‌هایی که می‌رفتند دادگاه آنجا به یک نوعی از آن موضعشون کوتاه می‌آمدند، او می‌رفت توی دادگاه می‌گفت این منافق سر موضع هست و در بند مسئول تشکیلاته و به نیروی و اشرافی و بقیه می‌خواست قبولاند که این حکمش اعدامه. که همین کار رو هم می‌کردند. اکثر افرادی که می‌رفتند دادگاه رو حکم اعدام براشون صادر می‌کردند.^۱

بر اساس آمارهای موجود، صدها زندانی سیاسی مرد و حداقل ۱۲ زندانی سیاسی زن در جریان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ در زندان گوهردشت اعدام شدند که اتهام آنان عضویت یا هواداری از سازمان مجاهدین خلق یا عضویت یا هواداری از سازمان‌های سیاسی سوسیالیست یا کمونیست بود. وکلای بین‌المللی حقوق بشری چون جفری رابرتسون،^۲ همچنین هیات قضات دادگاه مردمی ایران تریبونال^۳ و سازمان عفو بین‌الملل،^۴ کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ را مصداق جنایت علیه بشریت دانسته‌اند. سازمان ملل نیز قربانیان کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ را مصداق

^۱ شهادت اصغر مهدی‌زادگان، عدالت برای ایران و عفو بین‌الملل، ۲۰۱۷

^۲ کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷، جفری رابرتسون، بنیاد پرومند، فروردین ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: https://www.iranrights.org/attachments/library/doc_5.pdf

^۳ حکم دادگاه ایران تریبونال، ایران تریبونال، ۱۷ بهمن ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2DaFCH7>

^۴ کشتار ۶۷؛ استمرار جنایت علیه بشریت توسط حکومت ایران، عفو بین‌الملل، ۴ دسامبر ۲۰۱۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.amnesty.org/download/Documents/MDE1395132018PERSIAN.PDF>

«ناپدیدشدگی قهری» دانسته است.^۱ به رسمیت شناخته شدن قربانیان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ به عنوان ناپدیدشده قهری، دولت جمهوری اسلامی ایران را بر اساس قوانین بین‌المللی موظف می‌کند که حق خانواده‌های قربانیان را برای دانستن حقیقت درباره سرنوشت و محل دفن عزیزان‌شان ادا کند و مسئولان آن را تحت تعقیب قرار دهد. از نظر حقوق بین‌الملل، ناپدیدشدگی قهری نقض مداوم حقوق بشر و یک جرم بین‌المللی است و تا زمانی که فرد ناپدید شده پیدا یا سرنوشت‌اش به‌طور کامل معلوم نشود، حتی با وجود گذشت چند دهه، مشمول مرور زمان نمی‌شود.

۲. صدور احکام حبس سنگین برای

شهروندان بهائی به دلیل باورهای مذهبی آنان

محمد مقیسه در دو دهه اخیر محاکمه بسیاری از بهائیان را بر عهده داشته است و به دلیل صدور احکام سنگین حبس برای شهروندان بهائی مرتکب نقض حقوق بشر شده است.

محاکمه هفت تن از مدیران جامعه بهائی و صدور ۲۰ سال حبس تعزیری برای هر کدام از آن‌ها، صدور ۴۵ سال حبس تعزیری برای هفت تن از بهائیان استان گلستان در یک جلسه دادگاه هشت دقیقه‌ای، صدور حکم ۱۱ سال حبس تعزیری برای عادل نعیمی، از شهروندان بهائی، محاکمه هفت بهائی مرتبط با موسسه آموزشی عالی بهائیان به ۳۰ سال حبس تعزیری و صدور احکام حبس‌های تعزیری بین ۷ تا ۳ سال برای ده‌ها شهروند بهائی بخشی از برخی از موارد نقض حقوق بشر از سوی این قاضی است.

۲.۱. محکومیت هفت تن از مدیران جامعه بهائی به ۱۴۰ سال حبس

محمد مقیسه در مردادماه ۱۳۸۹، هفت تن از اداره‌کنندگان امور بهائیان در ایران را محاکمه و هر کدام از آن‌ها را به ۲۰ سال حبس تعزیری محکوم کرد: جمال‌الدین خانجانی، فریبا کمال‌آبادی، سعید رضایی، عفیف نعیمی، بهروز توکلی و وحید تیزفهم با هجوم نیروهای امنیتی به منازل‌شان در ۲۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۷ دستگیر شدند و مهوش ثابت، متهم دیگر این پرونده، نیز پیش‌تر در ۱۵ اسفندماه ۱۳۸۶ دستگیر شده بود.

^۱ سازمان ملل قربانیان کشتار ۶۷ را به عنوان ناپدیدشده قهری به رسمیت شناخت، عدالت برای ایران، ۱۱ آبان ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FEPOO3>

مدیران جامعه بهائی در این پرونده با لیست بلندی از اتهامات سنگین مواجه شدند که از جمله این اتهامات می‌توان از «راه‌اندازی و گسترش تشکیلات غیرقانونی»، «جاسوسی»، «مخدوش کردن چهره جمهوری اسلامی ایران»، «فعالیت تبلیغی علیه نظام»، «همکاری با رژیم غاصب و اشغالگر قدس»، «مشارکت در جمع‌آوری اسناد طبقه‌بندی‌شده و ارائه آن به بیگانگان با هدف برهم‌زدن امنیت کشور»، «افساد فی‌الارض»، «تبانی و اجماع با هدف برهم‌زدن امنیت کشور» و «اجتماع و تبانی به منظور اقدام علیه امنیت داخلی و خارجی» نام برد.^۱

۲.۲. دادگاه هشت دقیقه‌ای و ۴۵ سال

حبس برای هشت شهروند بهائی استان گلستان

محمد مقیسه در چهارم اردیبهشت ۱۳۹۲ هفت تن از بهائیان بازداشت شده در استان گلستان را در یک دادگاه هشت دقیقه‌ای^۲ در مجموع به ۴۵ سال حبس تعزیری محکوم کرد. بر اساس این حکم فرهاد فهندژ، به ۱۰ سال حبس تعزیری و پیام مرکزی، فوآد فهندژ، سیامک صدری، کوروش زیاری، کمال کاشانی و فرهمند ثنایی هر کدام به پنج سال حبس تعزیری به اتهام «تبلیغ علیه نظام»، «تشکیل و اداره تشکیلات غیرقانونی بهائی» و «عضویت در تشکیلات غیرقانونی بهائی» محکوم شدند.^۳

۲.۳. ۳۰ سال حبس برای هفت تن از اساتید

و مسئولان موسسه آموزشی عالی بهائیان

صدور حکم ۳۰ سال حبس تعزیری برای هفت نفر از اساتید و مسئولان دانشگاه مجازی بهائیان به اتهام «ارتباط با موسسه آموزش عالی بهائیان» از دیگر احکام صادره از سوی محمد مقیسه است.

^۱ نگاهی به پرونده هفت بهائی، هفت سال پس از بازداشت جنجالی، بی بی سی، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2015/05/150513_u04_bahais_prison

^۲ نامه همسر یک زندانی بهائی به محمدجواد لاریجانی، هرانا، ۱ خرداد ۱۳۹۳، قابل دسترسی در

نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2CsoCLb>

^۳ ۳۱ سال از بازداشت ۸ شهروند بهائی استان گلستان گذشت (+گزارش کامل)، بهائی‌نیوز، ۲۶ مهر

۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2APvRN8>

بر اساس حکم^۱، وحید محمودی و کامران مرتضایی به ۵ سال زندان، محمود بادوام، رامین زیبایی و فرهاد صدقی از مدرسان این موسسه آموزشی به ۴ سال و نوشین خادم دستیار و ریاض سبحانی مشاور موسسه آموزشی عالی بهائیان هر یک به ۴ سال زندان محکوم شدند.

محمد مقیسه همچنین در دو دهه اخیر ده‌ها بهائی را به احکام حبس ۳ تا ۵ سال محکوم کرده است. بر اساس احکام صادره از سوی مقیسه، عزیزالله سمندری^۲، نیما حقار^۳، ایقان شهیدی^۴، واحد خلوصی^۵ و سارنگ اتحادی^۶ هر کدام به پنج سال حبس تعزیری، الهام فراهانی^۷، فواد خانجانی^۸، نسیم باقری^۹، شهاب دهقانی و شاهرخ طائف^{۱۰} هر کدام به ۴ سال حبس تعزیری و شمیم فراهانی^{۱۱}، پیام

^۱ محکومیت هفت بهائی مرتبط با موسسه آموزشی عالی بهائیان، بی بی سی، ۲۷ مهر ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2011/10/111019_121_bihe_uni_jail_iran

^۲ انتقال دو زندانی بهائی از زندان اوین به زندان رجایی‌شهر، ملی مذهبی، ۱۵ مهر ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2sxNX1v>

^۳ صدور ۵ سال حبس تعزیری برای نیما حقار، شهروند بهائی، پیک ایران، ۱۵ بهمن ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.peykeiran.com/Content.aspx?ID=28194>

^۴ احضار ایقان شهیدی برای اجرای حکم، ملی مذهبی، ۱۷ فروردین ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2MeqKuv>

^۵ واحد خلوصی به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شد، هرانا، ۱۷ خرداد ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.hra-news.org/2012/hranews/1-11275/>

^۶ به دنبال احضار یک شهروند بهائی برای اجرای حکم: در بازجویی‌ها به من می‌گفتند از ایران باید بروید!، کمپین حقوق بشر ایران، ۱۹ تیر ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://persian.iranhumanrights.org/1393/04/sarang-ettehadi/>

^۷ ولنتاین زوج‌های بهائی در زندان، رادیو زمانه، ۲۴ بهمن ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.radiozamaneh.com/205372>

^۸ فواد خانجانی به چهار سال حبس تعزیری محکوم شد، همبستگی ملی، ۱۳ دی ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RRGkBg>

^۹ محکومیت یک شهروند بهائی به چهار سال حبس تعزیری، ملیون ایران، ۵ آبان ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://melliun.org/iran/29636>

^{۱۰} بازگشت آقایان شاهرخ طائف و فواد خانجانی به زندان برای گذراندن دوران محکومیت خود، سرویس خبری جامعه بهائی، ۲۲ بهمن ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://news.persian-bahai.org/2012021112>

^{۱۱} به دنبال احضار یک شهروند بهائی برای اجرای حکم: در بازجویی‌ها به من می‌گفتند از ایران باید بروید!، کمپین حقوق بشر ایران، ۱۹ تیر ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://persian.iranhumanrights.org/1393/04/sarang-ettehadi/>

اغصانی^۱، دیدار رئوف^۲ و نسیم اشرفی (اتحادی)^۳ هر کدام به سه سال حبس تعزیری محکوم شده‌اند.

۲.۴. محاکمه فعالان اتنیکی، معترضان به نتایج انتخابات ریاست

جمهوری سال ۱۳۸۸، فعالان سیاسی، مدنی و روزنامه‌نگاران

محمد مقیسه در دو دهه اخیر نقش قابل توجهی نیز در محاکمه روزنامه‌نگاران، فعالان اتنیکی و فعالان سیاسی، مدنی و کاربران فضای مجازی داشته و شمار زیادی از آنان را به اعدام و حبس‌های طولانی‌مدت محکوم کرده است. او همچنین بسیاری از معترضان به رخدادهای پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ را به احکام سنگین محکوم کرده است.

صدور حکم اعدام برای ۳۰ فعال کرد سنی‌مذهب^۴، صدور حکم اعدام برای جعفر کاظم، محمدعلی حاج‌آقایی^۵، سعید ملک‌پور^۶، شهرام احمدی^۷، حامد روحی‌نژاد^۸، صدور حکم ۱۲۷ سال حبس برای ۸ فعال فیس‌بوکی^۹، صدور حکم ۱۸ سال حبس

^۱ صدور حکم سه سال زندان و جریمه نقدی برای پیام اغصانی شهروند بهائی!؛ خبرنگور، ۷ اسفند ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://khabarnavard.blogspot.com/2011/02/blog-post_26.html

^۲ اعلام حکم سه سال حبس تعزیری برای دیدار رئوفی، شهروند بهائی، بهائیان در آینه مطبوعات، ۲۵ اسفند ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی <https://bit.ly/2Cq1sVH>

^۳ نسیم اشرفی شهروند بهائی بازداشت شد، هرانا، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2HhYkAU>

^۴ شیرین عبادی: قوه قضائیه به شعبه اطلاعات تبدیل شده، روزآنلاین، ۷ اردیبهشت ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://www.roozonline.com/persian/news/newsitem/article/-2d3e94d4bb.html>

^۵ شش نفر از جمله دو زندانی سیاسی جعفر کاظمی و محمدعلی حاج‌آقایی بامداد امروز اعدام شدند، سازمان حقوق بشر ایران، ۴ بهمن ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://iranhr.net/fa/articles/1612/>

^۶ حکم اعدام سعید ملک‌پور 'تایید شد'؛ بی بی سی، ۱۰ بهمن ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: http://www.bbc.com/persian/iran/2012/01/120129_u10_malekpour_sepah

^۷ شهرام احمدی، تأیید حکم اعدام و ارسال آن به اجرای احکام، هرانا، ۴ آبان ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.hra-news.org/2015/hranews/a-2702/>

^۸ لغو حکم اعدام حامد روحی‌نژاد، کلمه، ۲۵ دی ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.kaleme.com/1388/10/25/klm-8370/>

^۹ صدور حکم قطعی برای شش نفر از هشت فعال فیس‌بوکی، کمپین حقوق بشر ایران، ۱ اردیبهشت ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://persian.iranhumanrights.org/1394/02/facebook-case-sentence/>

برای وحید اصغری^۱، ۱۱ سال و شش ماه حبس برای فاطمه اختصاری، ۹ سال و شش ماه حبس برای مهدی موسوی^۲، ۱۰ سال حبس برای امید علی‌شناس^۳، ۹ سال و شش ماه حبس برای بهاره هدایت، ۷ سال حبس برای میلاد اسدی^۴، ۸ سال حبس برای مجید توکلی^۵ و ۷ سال و سه ماه حبس برای نغمه شاهسوندی^۶ بخشی از احکام صادره از سوی محمد مقیسه برای فعالان مدنی و سیاسی است. اغلب کسانی که در دادگاه‌هایی به ریاست محمد مقیسه محاکمه شده‌اند، از تند-خویی، اهانت‌ها و بدرفتاری او سخن گفته‌اند. در واکنش به اعتراض برخی وکلا به محمد مقیسه، او وکلا را تهدید به اخراج از دادگاه و حتی زندان کرده است.^۷

قرار گرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری

اتحادیه اروپا در ۲۳ فروردین‌ماه ۱۳۹۰ (۱۳ آوریل ۲۰۱۱)، محمد مقیسه را به دلیل نقض حقوق بشر در دادگاه‌های معترضان به انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ در فهرست مجازات‌های حقوق بشری قرار داد. براساس این مصوبه ورود او

^۱ گزارش موارد نقض حقوق بشر در پرونده وحید اصغری: هفت سال بازداشت بدون حکم قطعی، عدالت برای ایران، ۲ دی ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/reports/vahid-asghari/>

^۲ مهدی موسوی و فاطمه اختصاری به زندان طولانی‌مدت و شلاق محکوم شدند، رادیو فردا، ۲۰ مهر ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.radiofarda.com/a/f9-iranian-poets-mehdi-mousavi-fatemeh-ekhtesari-sentenced-jail-lash/27302538.html>

^۳ مادر امید علی‌شناس: هنوز پس از هفت ماه دادگاه تجدیدنظر فرزندم برگزار نشده است، کمپین حقوق بشر ایران، ۲۵ آذر ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://persian.iranhumanrights.org/1394/09/omid-alishenas/>

^۴ بهاره هدایت به ۹ سال و نیم و میلاد اسدی به ۷ سال حبس محکوم شدند، کلمه، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.kalame.com/1389/02/29/klm-19876/>

^۵ محاکمه دوباره مجید توکلی، بهاره هدایت و مهدیه گلرو در دادگاه انقلاب، کلمه، ۱۳ بهمن ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.kalame.com/1389/11/13/klm-46006/>

^۶ نغمه شاهسوندی: در زندان کشته شویم دنیا می‌فهمد چه سر ما آورده‌اند، روزآنلاین، ۴ خرداد ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://www.roozonline.com/persian/news/newsitem/article/-4e46d06981.html>

^۷ این سه قاضی، کلمه، ۱۰ دی ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.kalame.com/1389/10/10/klm-42448/>

به کشورهای این اتحادیه ممنوع و اموال او در کشورهای اتحادیه اروپا مشمول توقیف خواهد شد.^۱

^۱ COUNCIL REGULATION (EU) No 359/2011 of 12 April 2011, concerning restrictive measures directed against certain persons, entities and bodies in view of the situation in Iran, Available at: <https://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=OJ:L:2011:100:0001:0011:EN:PDF>.



محمد ملک‌شاهی

مسئولیت‌ها^۱

- جانشین فرمانده انتظامی خرم‌آباد تا آبان ۱۳۹۵
- فرمانده انتظامی شهر دورود از آبان ۱۳۹۵ تا ۲۱ خرداد ۱۳۹۷^۲

برخی از موارد نقض حقوق بشر

محمد ملک‌شاهی به عنوان فرمانده نیروی انتظامی شهر دورود (در استان لرستان)، مسئول اصلی برخورد نیروهای تحت امرش در شلیک مستقیم به معترضان و کشته‌شدن دو تن از آنان بوده است.

پس از آن که خبرگزاری رسمی صدا و سیمای جمهوری اسلامی از کشته‌شدن دو تن از معترضان در ۱۰ دی ۱۳۹۶ در شهر دورود خبر داد،^۳ حمیدرضا کاظمی، نماینده شهر پل‌دختر در مجلس شورای اسلامی، در همان روز طی گفت‌وگویی با تارنمای خبری «اعتمادآنلاین» شلیک نیروی انتظامی به معترضان و کشته‌شدن دو نفر در دورود را تأیید کرده است: «راهی جز برخورد و شلیک پلیس با کسانی که شب گذشته هنجارشکنی کردند و به خیابان‌ها ریخته بودند وجود نداشت.»^۴

^۱ فرمانده انتظامی دورود معرفی شد، ایرنا، ۲۱ خرداد ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2MdBt8m>

^۲ همان.

^۳ رد پای گروه‌های تکفیری و معاند در اغتشاشات دورود + فیلم، خبرگزاری صدا و سیما، ۱۰ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2oKgsHa>

^۴ پلیس راهی جز شلیک به هنجارشکنان نداشت / شما بگویید چطور باید آرامشان می‌کردند! / نمی‌توانیم بگوییم چهار تا آدم لابلالی را که به اموال عمومی تعرض می‌کنند آرام کنید، اعتمادآنلاین، ۱۰ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2VXirHZ>



مجتبی ملکی

– قائم‌مقام دادگستری کل استان
خراسان رضوی

او متولد شهر کوهدهشت (واقع در استان لرستان) است.^۱

مسئولیت‌ها

- ریاست شعبه ۱۷ دادگاه عمومی و انقلاب خرم‌آباد
- ریاست اولین دوره شورای حل اختلاف کرمانشاه
- دادستان عمومی و انقلاب کرمانشاه از ۱۳۸۶ تا آذر ۱۳۹۵
- قائم‌مقام دادگستری کل استان خراسان رضوی از آذر ۱۳۹۵ تا کنون^۲

برخی از موارد نقض حقوق بشر

مجتبی ملکی به عنوان دادستان کرمانشاه در صدور و اجرای احکام پُرشمار اعدام و اعدام در ملاءعام نقش مؤثری داشته و مسئول است. در ادامه به برخی از این موارد اشاره شده است.

در ۱۳ دی ۱۳۸۹، هفت نفر که به اتهام تهیه و توزیع انواع مواد مخدر محاکمه و به اعدام محکوم شده بودند در زندان مرکزی کرمانشاه اعدام شدند.^۳ هشتم آذرماه ۱۳۹۰، دو نفر به اتهام تجاوز به عنف در میدان آزادی کرمانشاه در ملاءعام اعدام

^۱ یک قاضی لرستانی قائم‌مقام دادگستری خراسان رضوی شد، خرم‌آباد فردا، ۲۶ آبان ۱۳۹۵،

قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2U6tYCT>

^۲ انتصاب یک کوهدهشتی به عنوان قائم‌مقام دادگستری کل استان خراسان رضوی+عکس، کانون

سبحان، ۳ آذر ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://kanoonsobhan.ir/8251-1206/>

^۳ هشت نفر در ایران اعدام شدند، بی‌بی‌سی، ۱۳ دی ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2011/01/110103_103_execution_iran

شدند. مجتبی‌ی ملکی در حاشیه اجرای این مراسم گفت که اعدام عاملی است برای عبرت‌گرفتن کسانی که دست به چنین اعمالی می‌زنند. او همچنین از اعدام شش نفر در صبح همان روز در زندان مرکزی کرمانشاه با اتهامات مرتبط با مواد مخدر خبر داده بود.^۱

در سوم بهمن‌ماه ۱۳۹۲، هفت نفر در کرمانشاه اعدام شدند. مجتبی‌ی ملکی جرم پنج نفر از این اعدامیان را «قاچاق مواد مخدر» و جرم دو تن دیگر را «قتل» اعلام کرد.^۲

در ۱۶ مرداد ۱۳۹۳ دو نفر با اتهام قتل در میدان آزادی کرمانشاه در ملاعام اعدام شدند. مجتبی‌ی ملکی در این‌باره گفت که مراسم اعدامی که امروز صبح در میدان آزادی شهر کرمانشاه اجرا شد نمونه عینی تلاش دستگاه قضائی استان برای حفظ امنیت روحی و روانی جامعه است.^۳

قرارگرفتن در فهرست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

از ۱۸ مهرماه ۱۳۹۰ تا کنون اتحادیه اروپا مجتبی‌ی ملکی را به دلیل نقش مؤثر در نقض حقوق شهروندان ایرانی در لیست مجازات‌های حقوق بشری قرار داده است. بر اساس بیانیه اتحادیه اروپا، مجتبی‌ی ملکی در مقام دادستان عمومی و انقلاب کرمانشاه مسئول «اصلی افزایش مجازات‌های مرگ» بوده است و به همین دلیل در فهرست تحریم قرار گرفته است.^۴

^۱ هشت نفر در کرمانشاه اعدام شدند، بی‌بی‌سی، ۱۰ آذر ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2011/12/111201_144_ermanshah_execution

^۲ اعدام دست‌کم «۱۸ تن» در ایران طی ماه گذشته، رادیو فردا، ۹ بهمن ۱۳۹۲، قابل دسترسی

در نشانی اینترنتی: https://www.radiofarda.com/a/fl2_18_executions_iran/25246445.html

^۳ اعدامی‌های امروز در کرمانشاه قاتلانی جنایتکار و سنگدل بودند، خبرگزاری مهر، ۱۶ مرداد

۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2WatOMP>

^۴ فهرست دوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۲۱

اسفند ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dim9Et>



محمدجعفر منتظری

دادستان کل کشور

او متولد ۱۳۲۷ در قم است و تحصیلات حوزوی دارد.^۱

مسئولیت‌ها^۲

- قاضی دادگاه انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۹
- مؤسس سازمان قضائی نیروهای مسلح در سال ۱۳۶۷
- فعالیت در سازمان قضائی نیروهای مسلح تا سال ۱۳۶۸
- بازرس ویژه قوه قضائیه^۳ از سوی سید علی خامنه‌ای از ۹ بهمن‌ماه ۱۳۶۹ تا اردیبهشت ۱۳۷۰
- معاون پارلمانی وزارت دادگستری از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۸
- معاون اول دادستان کل کشور از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۸۴
- مشاور رئیس وقت قوه قضائیه (هاشمی شاهرودی) از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۸۸
- بازرس ویژه قوه قضائیه از سوی سید علی خامنه‌ای در سال ۱۳۸۴ - ۱۳۸۵
- رئیس هیات شناسایی آسیب‌های قوه قضائیه از سوی سید علی خامنه‌ای احتمالاً در سال ۱۳۸۶
- رئیس کل دیوان عدالت اداری از شهریورماه ۱۳۸۸ تا ۱۵ فروردین ۱۳۹۵
- رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب از شهریورماه ۱۳۸۸ تا ۱۵ فروردین ۱۳۹۵

^۱ دادستان جدید کل کشور کیست؟، ایسنا، ۱۶ فروردین ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2FPAuLg>

^۲ همان.

^۳ حکم مأموریت به حجت‌الاسلام جعفر منتظری و آقای حسین دادگر و حجت‌الاسلام کاظم صدیقی برای بازرسی در قوه قضائیه، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۹ بهمن ۱۳۶۹، قابل دسترسی در

نشانی اینترنتی: <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2415>

- رئیس کل دادگاه ویژه روحانیت از شهریورماه ۱۳۸۸ تا کنون
- دادستان کل کشور از ۱۵ فروردین ۱۳۹۵ تا کنون^۱

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. نقض حقوق شهروندان بهائی

محمد جعفر منتظری به عنوان رئیس دیوان عدالت اداری در نقض حقوق بهائیان به خصوص محروم کردن آن‌ها از تحصیل نقش موثر داشته است. در سال ۱۳۹۳ پس از این که تعدادی از دانش‌آموزان بهائی شکایتی علیه سازمان سنجش به دیوان عدالت اداری تسلیم کردند محمدجعفر منتظری رای داد که دانش‌آموزان بهائی نمی‌توانند به دانشگاه بروند. شعبه یک دیوان عدالت اداری که از سوی رئیس این دیوان اداره می‌شود در این رای تازه با استناد به مصوبه محرمانه سال ۱۳۶۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی، اقدام سازمان سنجش در رد داوطلبان بهائی را مطابق با شرایط عمومی گزینش و آموزش خواند و شکایت داوطلبان بهائی را رد کرد.^۲ در این مصوبه به بهائیان فقط حق داشتن تحصیلات ابتدایی و متوسطه داده شده است و آن‌ها از تحصیل در دانشگاه ممنوع شده‌اند. محمدجعفر منتظری در ۱۵ خرداد ۱۳۹۵ در مقام دادستان کل کشور نیز نسبت به ارتباط با بهائیان و پیامدهای قانونی آن هشدار داد.^۳ او در سخنانی بهائیت را «ساخته انگلیس و اسرائیل» دانست و گفت: «عاقلانه نیست بیاییم این افراد را در جامعه مطرح کنیم و با آن‌ها مراوده و رفت و آمد داشته باشیم.» به گفته او افرادی که با بهائیان ارتباط می‌گیرند باید منتظر عواقب قانونی باشند. او گفته بود بهادادن به بهائیت «خنجر به قلب امام زمان» است.

^۱ محمدجعفر منتظری به سمت دادستان کل کشور منصوب شد، ۱۵ فروردین ۱۳۹۵، بی بی سی، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2016/04/160403_nm_larijani_montazeri

^۲ شعبه یک دیوان عدالت اداری به عدم تحصیل بهائیان در دانشگاه رای داد، هرانا، ۲۱ اسفند ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.hra-news.org/2015/hranews/a-15/>

^۳ هشدار دادستان کل کشور؛ ارتباط با بهائیان پیامد قانونی دارد، صدای آمریکا، ۱۶ خرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://ir.voanews.com/a/iran-human-rights-justice/3362577.html>

۲. مشارکت در کنترل، سانسور، فیلترینگ و تعقیب کاربران فضای مجازی

محمدجعفر منتظری به عنوان دادستان کل کشور از اعضای اصلی شورای عالی فضای مجازی است. شورای عالی فضای مجازی، عالی‌ترین نهادی است که وظیفه نظارت، سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی در فضای مجازی را به عهده دارد و مسئول اصلی کنترل، سانسور، فیلترینگ و تعقیب کاربران فضای مجازی در ایران است.

محمدجعفر منتظری در ۲۷ اسفند ۱۳۹۵ درباره فیلتر فضای مجازی گفته بود در ایران هر هفته چیزی حدود ۱۶ تا ۲۰ هزار کانال تلگرام فیلتر می‌شود، اما این تعداد فیلترینگ هنوز کافی نیست و باید شبکه ملی به وجود بیاید. او گفته بود که فیلترینگ این شبکه‌های تلگرامی بر اساس مصوبات کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه صورت می‌گیرد. به گفته وی «دولت دو سال پیش بخشنامه‌ای را به دستگاه‌های مختلف ابلاغ کرده و در آن استفاده از پیام‌رسان تلگرام را ممنوع اعلام کرده که متأسفانه این بخشنامه مغفول مانده است.»^۱

شورای عالی فضای مجازی در ۱۷ اسفند ۱۳۹۰ و به دستور سید علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، تشکیل شد.^۲ رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه، دادستان کل کشور، وزیر اطلاعات و فرمانده سپاه پاسداران از اعضای حقوقی شورای عالی فضای مجازی هستند. گفتنی است همه اعضای شورای عالی مجازی از سوی رهبر جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شوند.^۳

۳. مشارکت در سرکوب معترضان دی‌ماه ۱۳۹۶

محمدجعفر منتظری به عنوان دادستان کل جمهوری اسلامی در سرکوب و سرپوش نهادن بر مرگ معترضان دی‌ماه ۱۳۹۶ و پیگیری نکردن مرگ مشکوک آن‌ها نقش داشته است.

منتظری در ۱۲ دی‌ماه از برخورد شدید دستگاه قضائی و امنیتی با برهم‌زنندگان

^۱ دادستان کل کشور: هر هفته ۱۶ تا ۲۰ هزار کانال تلگرام فیلتر می‌شود و کافی نیست، رادیو فردا، ۲۷ اسفند ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.radiofarda.com/a/f9-iran-filtering-telegram-channels/28376031.html>

^۲ حکم تشکیل و انتصاب اعضای شورای عالی فضای مجازی، شورای عالی فضای مجازی، ۱۷ اسفند ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2AY9OUUp>

^۳ رهبر معظم انقلاب اسلامی در حکمی اعضای جدید شورای عالی فضای مجازی را منصوب کردند، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴ شهریور ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.leader.ir/fa/content/13542>

امنیت و نظم خبر داد و گفت: «آن‌هایی که مرتکب جرم می‌شوند و اقدام به تخریب می‌کنند و آسیب به مردم می‌رسانند قطعاً دستگاه قضائی و امنیتی اطلاعاتی با آن‌ها برخورد شدید خواهد کرد.» او از مردم خواست تا معترضان را به نیروهای امنیتی معرفی نکنند. او به فضای مجازی در کشور نیز اشاره کرد و گفت: «رهاب‌بودن فضای مجازی و دراختیاربودن این فضا در دست دشمن، برای همه عرصه‌های زندگی ما مضر است همان‌گونه که در این جریانات اخیر دیده شد که این‌ها چه شرارت‌هایی دارند... مردم دیدند که اگر فضا باز باشد این‌ها چه کارهایی می‌کنند.»^۱

او در ۱۴ دی‌ماه مدعی شد که اعتراضات اخیر در ایران علیه گرانی و فضای بسته سیاسی در خارج از کشور «طراحی» شده و گفت که «طراح اصلی این پروژه، یک آمریکایی به نام مایکل اندریا، مسئول سابق مبارزه با تروریسم سازمان سیا آمریکا» است. او گفته بود «اتاق عملیات» اعتراضات در ایران را به‌راه انداخته و «منافقان، سلطنت‌طلب‌ها، برخی ملی‌گراها و چپی‌ها» نیز نماینده‌ای در این اتاق عملیات داشتند.^۲

۴. مرگ معترضان بازداشتی

محمدجعفر منتظری در ۲۱ دی‌ماه ۱۳۹۶ با تأیید دو خودکشی در بازداشتگاه‌های تهران و اراک ادعا کرد فردی که در زندان اوین خودکشی کرد معتاد بوده است و فیلمش هم موجود است.^۳ این زندانی سینا قنبری ۲۲ ساله بود که به ادعای مقامات قضائی روز شانزدهم دی‌ماه در دستشویی قرنطینه زندان اوین خودکشی کرد و جسدش روز نوزدهم دی‌ماه به خانواده‌اش تحویل داده شد.

پس از ادعای محمدجعفر منتظری مبنی بر وجود فیلم خودکشی سینا قنبری، علیرضا رحیمی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، پس از بازدید از

^۱ دادستان کل: وقایع اخیر نشان داد که آزادی فضای مجازی برای ما مضر است، رادیو زمانه، ۱۲ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.radiozamaneh.com/374847>

^۲ ادعای دادستان کل کشور: «طراح اصلی» اعتراضات را «شناسایی» کردیم، رادیو فردا، ۱۴ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.radiofarda.com/a/montazeri-says-michael-dandrea-behind-iran-unrest/28954988.html>

^۳ اصرار دادستان بر «خودکشی» و «معتادبودن» جان‌باختگان در زندان: «فیلمش هم موجود است»، کمپین حقوق بشر ایران، ۲۱ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://persian.iranhumanrights.org/1396/10/sina-ghanbari-vahid-heydari-death/>

زندان اوین، در ۱۶ بهمن ۱۳۹۶ با رد این ادعا در کانال تلگرام شخصی‌اش نوشت: «از این فیلم در جاهای مختلف به اشتباه به نام فیلم خودکشی سینا قنبری نام برده می‌شود در حالی که فیلم حاوی ساعاتی از وضعیت محوطه سرویس‌های بهداشتی زندان بوده و داخل سرویس یا ماجرای که منجر به مرگ شده در فیلم وجود ندارد و اساساً فیلمی از خودکشی وجود ندارد.»^۱

منتظری همچنین بدون ذکر نام به خبر خودکشی یک متهم در اراک اشاره کرد و گفت فردی که در اراک خودکشی کرد در زندان نیروی انتظامی بود و پزشکی قانونی در حال تحقیق در این زمینه است و بنابر گزارش‌ها وی هم خودکشی کرده است.^۲ اشاره دادستان به وحید حیدری، دستفروش ۲۳ ساله‌ای بود که روز دهم دی‌ماه در شهر اراک بازداشت و به کلانتری ۱۲ منتقل شد اما روز شانزدهم دی‌ماه مقامات انتظامی جنازه‌اش را با این عنوان که در بازداشتگاه خودکشی کرده است، به خانواده‌اش تحویل دادند. مقامات انتظامی درباره وحید حیدری نیز اعلام کردند او معتاد بوده و به دلیل حمل مواد مخدر بازداشت شده و با پیچیدن لباس دور گردنش در بازداشتگاه خودکشی کرده است. این در حالی است که عمومی وحید حیدری روز نوزدهم دی‌ماه به کمپین حقوق بشر ایران گفت برادرزاده‌اش در بازار دستفروش بوده و اهل اعتیاد یا مواد مخدر نبوده است. همچنین تا کنون هیچ فیلمی از خودکشی وحید حیدری منتشر نشده است. یکی از بستگان وحید حیدری نیز گفته است هنگام تحویل جنازه شکافی ده سانتی در ناحیه سرش دیده است که نمی‌توانسته ربطی به خودکشی داشته باشد.^۳ محمد نجفی، وکیل دادگستری که پرونده وحید حیدری را دنبال می‌کرد، با رد فرضیه خودکشی وحید حیدری گفته بود که او در بازداشتگاه کشته شده است.

^۱ روایت علی‌رضا رحیمی، نماینده تهران از مرگ سینا قنبری زندانی ناآرامی‌های اخیر، جماران،

۱۵ بهمن ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2QRzNST>

^۲ جان‌باختن وحید حیدری در بازداشتگاه اراک: «گرفتند و زدند و کشتند و حالا آبرویش را می‌برند»، کمپین حقوق بشر ایران، ۱۹ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://persian.iranhumanrights.org/1396/10/valid-heidari-prison-death-iran-protests/>

^۳ اصرار دادستان بر «خودکشی» و «معتادبودن» جان‌باختگان در زندان: «فیلمش هم موجود است»، کمپین حقوق بشر ایران، ۲۱ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://persian.iranhumanrights.org/1396/10/sina-ghanbari-vahid-heydari-death/>

۵. سرکوب اعتراضات در اویش گنابادی

محمدجعفر منتظری به عنوان دادستان کل کشور در دستگیری، شکنجه، محاکمه و صدور احکام حبس سنگین برای در اویش گنابادی پس از اعتراضات ۳۰ بهمن‌ماه و ۱ اسفندماه ۱۳۹۶ نقش داشته و مسئول است.^۱ او در ۲ اسفندماه ۱۳۹۶ گفته بود که دستگاه قضائی علائم و نشانه‌هایی یافته است که نشان می‌دهند اعتراضات در اویش ریشه در خارج از کشور دارند. او در اویش معترض را «اراذل و اوباش» نامید و گفت: «عده‌ای از عناصری که خود را وابسته به گروهی از در اویش می‌دانستند و در حقیقت افرادی هستند که از این پوشش استفاده کردند، در یک حرکت بسیار ناهنجار اغتشاشاتی ایجاد کرده و سبب مزاحمت برای مردم شدند.»^۲

در اویش گنابادی روز سی‌ام بهمن‌ماه ۱۳۹۶ در اعتراض به محاصره خانه رهبرشان در خیابان هفتم پاسداران تهران تجمع کردند که این تجمع با دخالت نیروی انتظامی و مأموران لباس شخصی به آشوب کشیده شد. بر اساس فیلم‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است، مأموران لباس شخصی و گارد ویژه نیروی انتظامی به تعداد فراوان در خیابان‌های پاسداران با گاز اشک‌آور و باتوم به در اویش و حتی مردم معمولی حمله می‌کردند. در این فیلم‌ها حتی صدای شلیک گلوله به کرات شنیده شد و صورت‌های زخمی و آپارتمان‌های تخریب‌شده‌ای که به در اویش پناه دادند نیز به وضوح مشخص است. تصاویری در اینترنت پخش شد از آپارتمانی که شیشه‌هایش شکسته و حتی بخشی از خانه سرایدار آپارتمان نیز از سوی مأموران تخریب شده و تصاویری از لکه‌های خون که بر روی زمین و دیوار پاشیده شده است.

فرهاد نوری، فعال حقوق در اویش، به کمپین حقوق بشر ایران گفته بود: «از تاریخ اول اسفندماه تا کنون، ۳۵۰ درویش در زندان بزرگ تهران، ۱۱ زن درویش در زندان قرچک ورامین و چهار نفر در بازداشتگاه اداره آگاهی شاپور در روندی غیر قانونی در بازداشت به سر می‌برند.» به گفته او خانواده‌های این تعداد بازداشت

^۱ صدور حکم ۱۱۴ سال حبس تعزیری برای ۳۴ درویش زندانی، دویچه‌وله، ۳ تیر ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FYZEWU>

^۲ دادستان کل کشور اعتراضات در اویش را به خارج نسبت داد، رادیو زمانه، ۳ اسفند ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.radiozamaneh.com/382878>

شده بیش از ۴۰ روز است که از وضعیت آن‌ها اطلاعی ندارند و آن‌هایی که در اداره آگاهی شاپور به سر می‌برند تحت فشار و شکنجه برای اعتراف هستند. به گفته فرهاد نوری به تمام درویش بازداشت شده پس از بازداشت دو اتهام تفهیم شده است. طبق برگه‌ای که به همگی آن‌ها داده شده آن‌ها به دو اتهام اولیه «اخلال در نظم عمومی با تظاهر و قدرت‌نمایی و تهدید با سلاح گرم و سرد و تمرد از دستور پلیس و تخریب اموال عمومی و خصوصی» و «اجتماع و تبانی به قصد علیه امنیت ملی» متهم شدند.^۱

۶. پرونده قتل محمد راجی

محمدجعفر منتظری مرگ محمد راجی، از درویش گنابادی که در زمان بازداشت کشته شد، را تکذیب کرد و گفت که او در درگیری‌ها کشته شده و جسد او برای شناسایی در پزشکی قانونی نگهداری شده است. این در حالی است که طیبه راجی، دختر محمد راجی، در ۱۳ اسفندماه ۱۳۹۶ در این باره گفت که مأموران نیروی انتظامی در تماس تلفنی از خانواده محمد راجی خواسته‌اند که به همراه عکس و مدارک شناسایی او به اداره دهم آگاهی در خیابان شاپور تهران مراجعه کنند. بر اساس گفته‌های طیبه راجی پس از مراجعه یکی از بستگان او به اداره آگاهی، مأموران خبر داده‌اند که یکی از بازداشت‌شدگان «بر اثر ضربات وارده» در کماست. به گفته طیبه راجی، مأموران سپس در تماس تلفنی با فردی که از طرف خانواده به اداره آگاهی مراجعه کرده بود، گفته‌اند که آقای راجی فوت شده است. طیبه راجی همچنین گفت بود که پدرش هنگام بازداشت در اول اسفندماه «شدیداً ضرب و شتم» شده بود و «حال وخیمی» داشت اما «دست خود را تکان داد» و بعد از آن هیچ تماسی با خانواده نداشته است.^۲

^۱ ادامه بازداشت موقت درویش زندانی و نامشخص بودن مبنای اتهامات آن‌ها، کمپین حقوق بشر ایران، ۱۲ فروردین ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://persian.iranhumanrights.org/1397/01/dervishes-in-custody-no-accountability-from-authorities/>

^۲ محمد راجی، از درویش گنابادی، در دوره بازداشت درگذشت، رادیو فردا، ۱۳ اسفند ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.radiofarda.com/a/one-of-gonabadi-dervishes-died-of-injuries-sustained-during-his-arrest/29078030.html>

۷. اعدام محمد ثلاث

محمدجعفر منتظری به عنوان دادستان کل کشور در شکنجه، محاکمه ناعادلانه و اعدام محمد ثلاث مسئول است. محمد ثلاث متهم بود که روز ۳۰ بهمن‌ماه ۱۳۹۶ هم‌زمان با درگیری و خشونت مأموران پلیس با درویش گنابادی در محدوده خیابان پاسداران تهران، با اتوبوس به سمت گروهی از مأموران رانده و سه نفر از آن‌ها را کشته است. او روز ۲۸ خرداد در زندان رجایی‌شهر کرج، با آن‌که اتهاماتش را نپذیرفته بود، اعدام شد. در پرونده محمد ثلاث ناروشتی‌ها و ابهامات بسیاری وجود داشت از جمله این‌که در بخشی از کیفرخواست، دارابودن گواهینامه رانندگی پایه یک به عنوان «دله بزه انتسابی» ذکر شده است که در تناقض آشکار با «اصل براءت» است، موضوع معرفی و حضور وکیل تسخیری و تعیینی رعایت نشده است، هیچ ملاقاتی بین وکیل تسخیری و متهم وجود نداشته است و بازسازی صحنه جرم بدون حضور متهم و وکیل او در محل آگاهی تهران و نه در محل وقوع جرم انجام شده است.

۸. دفاع از دستگیری و محکومیت معترضان به حجاب اجباری

محمدجعفر منتظری به عنوان دادستان کل کشور در بازداشت و صدور احکام حبس برای معترضان به حجاب اجباری نقش دارد. او در گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دو صدا و سیما جمهوری اسلامی مسئله اعتراض به حجاب اجباری در ایران را «سیاست شیطانی دشمنان» خواند و به دختران خیابان انقلاب هشدار داد که «نظام جمهوری اسلامی در مقابل حرکتی که گناه و حرام مسلم است ساکت نمی‌ماند»^۱ همچنین وی در ۱۱ بهمن ۱۳۹۶ در پاسخ به یکی از نمایندگان مجلس که گفته بود برای یکی از دخترانی که در خیابان حجاب خود را برداشته‌اند وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی تعیین شده، گفت: «این مسئله را بسیار امر جزئی و غیرقابل توجه می‌دانم چرا که اکثر به اتفاق بانوان ما یا محجبه چادری هستند یا حجاب اسلامی درستی دارند یا برخی‌ها اگر حجاب درست و کاملی ندارند، قطعاً پاکدامنی و عفاف لازم را دارند و حرکتی را انجام نمی‌دهند که مورد نظر دشمن است. این

^۱ گفت‌وگوی تلویزیونی دادستان ایران برای توجیه مرگ غیرعادی زندانیان، رادیو زمانه، ۲۰ اسفند ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.radiozamaneh.com/385640>

حرکتی بچه‌گانه است که دختر جوانی در نقطه‌ای که افراد زندگی طبیعی‌شان را می‌کنند و راه خود را می‌روند در خیابان ناگهان روسری خود را بردارد و خود را نشان دهد و برخی مأموریت داشته باشند که از او فیلم بگیرند و بلافاصله در فضای مجازی منتشر کنند. کسانی که این کار را می‌کنند بیشتر از نادانی و فریب خوردگی و از روی القائاتی است که از خارج کشور می‌شود.» او برداشتن روسری را اقدام مجرمانه دانست و گفت: «افرادی که بی‌حجابی و حرکاتی را انجام می‌دهند که در شأن یک بانوی مسلمان نیست، از نظر قانون مرتکب جرم شده و تحت تعقیب هستند.»^۱

۹. بازداشت فعالان محیط زیست و مرگ کاووس سیدامامی

محمدجعفر منتظری به عنوان دادستان کل کشور در بازداشت، شکنجه و مرگ یکی از فعالان محیط زیست مسئول است.

در ۱۹ بهمن‌ماه ۱۳۹۶ دادستان تهران خبر بازداشت گروهی از فعالان محیط زیست را به اتهام «جاسوسی» اعلام کرد. ساعاتی بعد از اعلام این خبر خانواده کاووس سیدامامی، فعال محیط زیست که جزو بازداشت‌شدگان بود، اعلام کردند که مقام‌های قضائی به آن‌ها گفته‌اند که آقای سیدامامی در زندان خودکشی کرده است. طبق نوشته فرزند کاووس سیدامامی او در تاریخ چهارم بهمن‌ماه بازداشت شد و در تاریخ ۱۹ بهمن‌ماه خانواده مطلع از مرگ او با عنوان «خودکشی» شده‌اند.

دادستان تهران علت مرگ کاووس سیدامامی را خودکشی اعلام کرد و ادعا کرد او به دلیل اعتراضاتی که بقیه بازداشت‌شدگان علیه او کرده‌اند و همچنین اعتراضات خود علیه خودش دست به این کار زده است.

محمدجعفر منتظری در ۱۹ اسفند، با اشاره به «خودکشی» کاووس سیدامامی در زندان گفت: «این فردی که خودکشی کرد و متهم به جاسوسی بود، در یک محل مناسب نگهداری می‌شده و مراقبت‌های لازم هم بوده منتها از فرصت استفاده کرده و شاید از غفلت مراقب استفاده کرده و ظرف چند دقیقه که از ۱۵ الی ۱۶ دقیقه بیشتر به طول نکشید، خودکشی کرد.» او گفته بود «خودکشی

^۱ دادستان کل ایران: برداشتن روسری بیشتر از نادانی و فریب‌خوردگی است، بی بی سی، ۱۱ بهمن ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.bbc.com/persian/iran-42884981>

زندانیان در همه جای دنیا به ویژه در کشورهای غربی شایع است.^۱ با این حال دستگاه امنیتی ایران مریم مبینی، همسر کاووس سید امامی، را ممنوع‌الخروج کرده است.^۲ فرزندان کاووس سید امامی که به تازگی ایران را ترک کرده‌اند از افزایش فشارها بر اعضای خانواده برای سکوت درباره مرگ او خبر می‌دهند. پیام درفشان، وکیل خانواده کاووس سید امامی، در مصاحبه با کمپین حقوق بشر در ایران گفت: «ما نظریه اولیه پزشکی قانونی را دیده‌ایم. موارد اولیه معاینه جسد بود که خیلی مشهود است مثل میزان کبودی‌ها در نقاط مختلف بدن، جای تزریق پوستی روی جسد و وضعیت جمود نعش که نشان می‌دهد فوت چه زمانی اتفاق افتاده. علت دقیق مرگ را عنوان نکرده و به این شکلی عنوان کرده بود که دور گردن آثار کبودی ناشی از فشار جسم دیده می‌شود. ولی این که علت مرگ را خفگی یا سکنه یا مسمومیت دارویی معرفی کند یا بگوید تحت تأثیر دارویی اراده مختل شده، مواردی است که ما مطرح کرده‌ایم و پی‌گیر هستیم.»^۳

^۱ گفتگوی تلویزیونی دادستان ایران برای توجیه مرگ غیرعادی زندانیان، رادیو زمانه، ۲۰ اسفند ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.radiozamaneh.com/385640>

^۲ مأموران فرودگاه از خروج همسر سید امامی از ایران جلوگیری کردند، رادیو زمانه، ۱۷ اسفند ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.radiozamaneh.com/385220>

^۳ وکیل همسر کاووس سید امامی: ممنوع‌الخروج کردن موکلم «منیتی» است نه «قضائی»، کمپین حقوق بشر ایران، ۳۰ فروردین ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:



غلامرضا منصوری

مسئولیت‌ها

- رئیس شعبه ۹ دادسرای کارکنان دولت^۱
- سرپرست دادسرای فرهنگ و رسانه تا ۲۶ فروردین ۱۳۹۲^۲
- سرپرست دادسرای ناحیه ۳ تهران (دادسرای زمین‌خواری) از فروردین ۱۳۹۲ تا کنون^۳

برخی از موارد نقض حقوق بشر

غلامرضا منصوری به عنوان بازپرس شعبه ۹ دادسرای فرهنگ و رسانه مسئول بازداشت روزنامه‌نگاران و فیلترینگ سایت‌های اینترنتی است. او در صدور حکم بازداشت روزنامه‌نگاران و دستگیری‌های گروهی (در مجموع بیش از ۱۶ نفر) در بهمن‌ماه ۱۳۹۱ نقش داشته است. شاهدان عینی به عدالت برای ایران گفته‌اند که تیم‌های جداگانه ۸ تا ۱۲ نفره‌ای از ماموران وزارت اطلاعات، از ساعت ۷ عصر یکشنبه، هجوم هم‌زمان به دفتر چهار روزنامه و یک هفته‌نامه را آغاز کردند. در روزنامه اعتماد، که اولین روزنامه‌ای بود که مورد هجوم قرار گرفت، مأموران امنیتی پس از بستن راه‌های ورودی و منع ورود و خروج، کارت‌های خبرنگاری و گوشی‌های

^۱ باور غلط بداخلاقی در رسانه ریشه‌کن شود، خبرگزاری رسا، ۱۳ آبان ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2SXyenX>

^۲ قاضی منصوری سرپرست دادسرای زمین‌خواری شد، ایسنا، ۲۶ فروردین ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RWFd3p>

^۳ همان.

موبایل کارکنان را جمع کردند و از روزنامه‌نگاران و تحریریه تصویربرداری کردند. پس از آن احکام بازداشت را به رویت الیاس حضرتی، مدیرمسئول روزنامه، رسانده‌اند و افرادی را که قرار بود بازداشت شوند به دفتر مدیرمسئول فرا خواندند. مشابه همین عملیات در روزنامه‌های دیگر نیز انجام شده است. در روزنامه بهار تیم بازداشت، کارت‌های خبرنگاری روزنامه‌نگاران را جمع کرده، از آن‌ها تصویربرداری کرده و کامپیوترها و لپ‌تاپ‌های موجود در تحریریه را به دقت بازرسی کرده است. یکی از شاهدان عینی به عدالت برای ایران گفت: «یکی از مأمورها گفت: گوشی‌ها روی میز، کامپیوترها خاموش، جلوی هر کسی هم یه کارت شناسایی باشه. بعد در همین حالت ازمون فیلم گرفتند.» عملیات بازرسی و بازداشت روزنامه‌نگاران در هر روزنامه حدود دو تا سه ساعت به طول انجامیده است. پس از پایان عملیات مأموران با بازداشتی‌ها، به منظور تفتیش و ضبط وسایل شخصی‌شان، به منزل آن‌ها رفته‌اند. چندین شاهد عینی تایید کرده‌اند در مواردی که حکم بازداشت ارائه شده است، امضای غلامرضا منصوری، بازپرس شعبه ۹ دادسرای فرهنگ و رسانه، در پایین برگه بوده است.^۱

غلامرضا منصوری همچنین در مهر ۱۳۹۱، دستور توقیف روزنامه شرق و بازداشت مدیرمسئول آن را به دلیل چاپ یک کاریکاتور داده بود.^۲

^۱ ابراز نگرانی عدالت برای ایران از اعمال فشار بر ۱۶ روزنامه‌نگار زندانی برای اعتراف به ارتباط با بی بی سی، عدالت برای ایران، ۱۵ بهمن ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/publication/call-for-action/journalist-mass-arrest/>

^۲ شرق توقیف شد؛ «فرار بازداشت مدیرمسئول و احضار طراح»، رادیو فردا، ۵ مهر ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.radiofarda.com/a/f8-shargh-banned/24721095.html>



سید محمدرضا موالی‌زاده

دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور

او متولد سال ۱۳۳۹ در خرمشهر است.^۱

مسئولیت‌ها

- منشی هیات‌رئیسه دائم مجلس شورای اسلامی (سال سوم از دوره پنجم) در سال ۱۳۷۷
- سفیر ایران در الجزایر
- نماینده مردم اهواز خوزستان در مجلس شورای اسلامی ایران (دو دوره) از ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹
- مدیرکل سیاسی وزارت کشور^۲ از آبان ۱۳۸۴ تا اسفند ۱۳۸۵
- معاون امور مجلس، حقوقی و بین‌الملل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از مهر ۱۳۸۷ تا آبان ۱۳۹۲^۴
- معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از آبان ۱۳۹۲ تا مرداد ۱۳۹۴^۵

^۱ سید محمدرضا موالی‌زاده، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: http://rc.majlis.ir/fa/parliament_member/show/761458

^۲ انتصابات جدید در وزارت کشور، آفتاب، ۲۱ آبان ۱۳۸۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://aftabnews.ir/fa/print/24584>

^۳ عباس‌زاده مشکین مدیرکل سیاسی وزارت کشور شد، خبرگزاری مهر، ۲۲ اسفند ۱۳۸۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RHJnNe>

^۴ جایگزین اشتهاردی در وزارت تعاون، کار و رفاه منصوب شد، خبرگزاری فارس، ۲۶ آبان ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Htdbs9>

^۵ «حیدریان» معاون امور فرهنگی و اجتماعی وزارت رفاه شد، خبرگزاری فارس، ۱۱ مرداد ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2MsorEe>

- مشاور وزیر ارشاد از خرداد ۱۳۹۵ تا تیر ۱۳۹۶^۱
- دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور^۲ از تیر ۱۳۹۶ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

سید محمدرضا موالی‌زاده به عنوان مدیرکل سیاسی وزارت کشور در نقض حقوق شهروندان بهائی مشارکت موثری داشته است. در ۲۴ مرداد ۱۳۸۵، نامه‌ای از سوی سید محمدرضا موالی‌زاده (و با امضای او)، به معاونان سیاسی امنیتی استانداری‌های سراسر کشور ارسال شده است.^۳ این نامه از معاونت‌های سیاسی امنیتی استانداری‌ها خواسته است تا «... با ظرافت و حساسیت رفتارهای اجتماعی آن‌ها [بهائیان] را کنترل و مدیریت...» کنند. در صدر این نامه همچنین آمده است: «... تحت پوشش فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی اقدام به ترویج و تبلیغ مرام بهائیت می‌نمایند.» چنین دستورالعملی به تحدید، سلب و نقض آزادی‌های فردی و اجتماعی بهائیان، مشخصاً حق انتخاب شغل و فعالیت اقتصادی منجر شده است.

^۱ مشاور وزیر و مدیرکل دفتر وزارتی منصوب شد، ایرنا، ۲۲ خرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.irna.ir/fa/News/82108409>

^۲ تغییر دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور/ موالی‌زاده جایگزین شاهرادی شد، خبرگزاری مهر، ۲۳ تیر ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Wh9YPI>

^۳ وزارت کشور، آسو، ۱۳ دی ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.aasoo.org/fa/documents/20>



محمد موحدی آزاد

دادستان انتظامی قضات

او متولد ۱۳۳۹ در قم است و تحصیلات حوزوی در رشته فقه و اصول دارد.^۱

مسئولیت‌ها

- رئیس دادگاه‌های انقلاب اسلامی ورامین و پاکدشت
- سرپرست دادسرای انقلاب ورامین
- معاون دادستان انقلاب استان تهران
- ریاست شعبه ۲۰ دادگاه انقلاب اسلامی تهران از ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۴
- معاون قضائی رئیس کل دادگستری استان تهران تا مرداد ۱۳۹۴^۲
- دادستان ویژه دادگاه روحانیت تا مردادماه ۱۳۹۴^۳
- ریاست شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر تهران از سال ۱۳۸۴ تا مردادماه ۱۳۹۴
- ریاست دادگاه انقلاب اسلامی تهران^۴ از خردادماه ۱۳۹۰ تا ۸ خرداد ۱۳۹۵^۵

^۱ دادستان انتظامی قضات را بیشتر بشناسید، خبرگزاری میزان، ۳۱ مرداد ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2T3ELh2>

^۲ همان.

^۳ دادستان ویژه روحانیت تهران: صدور قرار تامین برای یونسی/ اتهام؛ اظهارات خلاف امنیت ملی، انتخاب، ۲۷ اسفند ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/1Q2mcWi>

^۴ رئیس جدید دادگاه انقلاب تهران منصوب شد، خبرگزاری مهر، ۸ خرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2R4llqL>

^۵ رئیس دادگاه انقلاب تهران تغییر کرد، بی‌بی‌سی، ۸ خرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: http://www.bbc.com/persian/iran/2016/05/160528_145_tehran_revolutionary_court_head

- دادستان انتظامی قضات از مردادماه ۱۳۹۴ تا کنون^۱

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. نقض حقوق شهروندان بهائی

محمد موحدی آزاد در مقام رئیس شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر تهران با صدور احکام حبس برای شهروندان بهائی به دلیل باور مذهبی آن‌ها، مرتکب نقض حقوق بشر شده است.

هفت مدیر جامعه بهائی به نام‌های فریبا کمال‌آبادی، مهوش ثابت، سعید رضایی، بهروز توکلی، جمال‌الدین خانجانی، عقیف نعیمی و وحید تیزفهم در اردیبهشت ۱۳۸۷ بازداشت شدند و در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست محمد مقیسه هر کدام به ۲۰ سال حبس محکوم شدند.^۲ اتهامات آن‌ها «جاسوسی، فعالیت تبلیغی علیه نظام و راه‌اندازی و گسترش تشکیلات غیرقانونی» عنوان شد. احکام حبس این بازداشت‌شدگان در شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر به ریاست محمد موحدی آزاد به ۱۰ سال حبس تغییر کرد.

فواد خانجانی، شهروند بهائی و دانشجوی محروم از تحصیل، پس از حوادث عاشورای ۱۳۸۸ بازداشت شد و محمد مقیسه او را به چهار سال حبس تعزیری محکوم کرد.^۳ این حکم در شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر به ریاست محمد موحدی آزاد عیناً تأیید شد.

لوا خانجانی، خواهر فواد خانجانی، نیز به همراه همسرش، بابک مبشر، پس از حوادث عاشورای ۱۳۸۸ بازداشت و در دادگاه انقلاب به دو سال حبس تعزیری محکوم شد. این حکم نیز در دادگاه تجدیدنظر به ریاست محمد موحدی آزاد عیناً تأیید شد.^۴

^۱ محمد موحدی آزاد دادستان انتظامی قضات شد، خبرگزاری مهر، ۲۴ مرداد ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FRpWu8>

^۲ وحید تیزفهم از رهبران جامعه بهائیان ایران با پایان گرفتن حکم ۱۰ سال زندان، آزاد شد، کمپین حقوق بشر ایران، ۱ فروردین ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://persian.iranhumanrights.org/1397/01/bahai-leader-of-released-after-10years-prison/>

^۳ فواد خانجانی، شهروند بهائی از زندان آزاد شد، رادیو زمانه، ۲۳ آذر ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.radiozamaneh.com/251173>

^۴ تأیید حکم لوا خانجانی، شهروند بهائی محروم از تحصیل در دادگاه تجدیدنظر، بهائیان در آینه مطبوعات، ۲۰ اسفند ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2DshJel>

فاران حسامی، به اتهام «تدریس در دانشگاه آنلاین بهائیان» به همراه همسرش، کامران رحیمیان، در شهریورماه ۱۳۹۰ دستگیر شدند و در دادگاه ابوالقاسم صلواتی به چهار سال حبس تعزیری محکوم شدند. محمد موحدی آزاد این حکم صادرشده را در تابستان ۱۳۹۱ عیناً تأیید کرد.^۱

ایقان شهیدی، دانشجوی محروم از تحصیل و از فعالان احقاق حقوق شهروندی و حق تحصیل برای بهائیان، اسفندماه ۱۳۸۸ دستگیر شد و به اتهام «عضویت در گروهک غیرقانونی کمیته حق تحصیل»، «تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران» و «عضویت در جامعه بهائی» در دادگاه محمد مقیسه به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شد. این حکم را محمد موحدی آزاد در دادگاه تجدید نظر عیناً تأیید کرد.^۲

۲. تأیید احکام حبس بازداشت شدگان اعتراضات پس از انتخابات

ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، وکلا و فعالان سیاسی و مدنی

محمد موحدی آزاد به عنوان رئیس شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر با تأیید احکام زندان برای بسیاری از بازداشت شدگان در جریان اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، وکلا و فعالان سیاسی و مدنی مرتکب نقض حقوق بشر شده است.

از جمله احکام تأییدشده توسط موحدی آزاد می‌توان به صدور احکام زندان^۳ برای امیرخسرو دلیرثانی، بهاره هدایت، پیمان عارف، مسعود باباپور، ارسلان ابدی، مهديه گلرو، ضیا نبوی^۴، میلاد اسدی، امید کوبی^۵، محمدمامین هادوی،

^۱ فاران حسامی از زندان اوین آزاد شد، رادیو فرهنگ، ۲۷ فروردین ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.radiofarhang.nu/archive/2419.htm>

^۲ ایقان شهیدی برای اجرای حکم پنج ساله به اوین رفت، ملی مذهبی، ۲۳ فروردین ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2CLRvsn>

^۳ صدور و تأیید احکام سنگین برای فعالان دانشجویی ایران، بی بی سی، ۳ مرداد ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2010/07/100725_117_student_sentences

^۴ هشتمین سال زندان ضیا نبوی؛ فعال دانشجویی که برای جرم مرتکب نشده زندانی است، کمپین حقوق بشر ایران، ۱۹ مهر ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://persian.iranhumanrights.org/1395/07/zia-nabavi-31/>

^۵ ۱۰ سال حبس امید کوبی «بر خلاف نظر دیوان عالی کشور» بار دیگر تأیید شد، رادیو فردا، ۱۸ دی ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.radiofarda.com/a/b22-omid-kokabi-verdict/26783339.html>

احمد زیدآبادی و محمد سیف‌زاده^۱ اشاره کرد. محمد موحدی آزاد با اغتشاش‌خواندن اعتراضات شهروندان پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، اقدام دادگاه انقلاب و به‌خصوص دو شعبه تجدیدنظر را در «جمع‌کردن آشوب‌های» پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ و «برگرداندن آرامش به شهر تهران به شدت تأثیرگذار» دانسته بود و از عملکرد «دستگاه قضائی، وزارت اطلاعات، سپاه و نیروی انتظامی» در برخورد و مقابله با «اغتشاشات و مخلان نظم و امنیت اجتماعی» حمایت کرده بود.^۲

^۱ تأیید حکم شش ماه زندان برای سید محمد سیف‌زاده، وکیل دعاوی و فعال حقوق بشر، رادیو فرانسه، ۱۰ مهر ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2R1LMNG>

^۲ دادستان انتظامی قضات را بیشتر بشناسید، خبرگزاری میزان، ۳۱ مرداد ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2T3ELh2>



سید رضا موسوی تبار

او متولد ۱۳۴۳ جهرم است و مدرک لیسانس علوم قضائی از دانشکده علوم قضائی قوه قضائیه دارد

مسئولیت‌ها

- معاون دادستان شیراز در امور مربوط به دادگاه‌های انقلاب (در امور قاچاق کالا و مواد مخدر و جرائم امنیتی)
- دادستان عمومی و انقلاب جهرم حداقل از اوایل سال ۱۳۸۵ تا مردادماه ۱۳۸۶
- سرپرست دادرسی عمومی و انقلاب شیراز^۱ از مرداد ۱۳۸۶ تا ۱۵ آبان ۱۳۹۲^۲
- مدیر ارزشیابی قضات استان فارس در سال ۱۳۹۳^۳
- نماینده دادستان انتظامی قضات شیراز در سال ۱۳۹۳^۴

برخی از موارد نقض حقوق بشر

سید رضا موسوی تبار به عنوان سرپرست دادرسی عمومی و انقلاب شیراز و معاون دادستان شیراز، در آزار و اذیت، بازداشت دسته‌جمعی، تفتیش منزل و صدور کیفرخواست برای شهروندان بهائی شیراز مسئول است.

^۱ عامل قتل عام خانوادگی جهرم محاکمه شد، روزنامه اعتماد، ۲۳ خرداد ۱۳۸۵، قابل دسترسی

در نشانی اینترنتی: <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=1100763>

^۲ سرپرست جدید دادرسی انقلاب شیراز معرفی شد، شیرازه، ۱۵ آبان ۱۳۹۲، قابل دسترسی در

نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2TaQtXt>

^۳ یک قاضی جهرمی نمونه کشوری شد، ایرنا، ۱۲ تیر ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2FWb1io>

^۴ معاون سابق دادستان شیراز برای مجلس دهم ثبت نام کرد، ایرنا، ۴ دی ۱۳۹۴، قابل دسترسی

در نشانی اینترنتی: <http://fars.isna.ir/Default.aspx?NSID=5&SSLID=46&NID=37493>

در اردیبهشت سال ۱۳۸۵، تعداد ۵۴ نفر از جوانان بهائی که در طرحی داوطلبانه و خودجوش به آموزش کودکان کم‌بضاعت محله‌های کم‌درآمد شیراز مشغول بودند، به اتهام «تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی» بازداشت شدند. رها ثابت به همراه هاله روحی و ساسان تقوا، دو جوان دیگر از این گروه، به چهار سال زندان تعزیری محکوم شدند و آن ۵۱ تن دیگر به یک سال حبس تعلیقی به شرط «شرکت در کلاس‌های تبلیغات اسلامی». در آبان‌ماه سال بعد رها ثابت، هاله روحانی و ساسان تقوا از سوی وزارت اطلاعات شیراز فراخوانده شدند و به زندان‌های انفرادی بازداشت‌گاه بدنام "پلاک صد" شیراز منتقل شدند.^۱ این افراد بیشتر مدت حبس خود را در زندان‌های انفرادی این بازداشت‌گاه گذراندند.^۲

هاله روحی در نامه‌ای که به صورت عمومی در تاریخ ۲۴ خردادماه ۱۳۸۸ (پس از هجده‌ماه بازداشت در بازداشتگاه پلاک صد) به نام «من هاله روحی، یک زندانی سیاسی هستم»^۳ منتشر کرده است، می‌نویسد: «... در طول روز فقط ده تا بیست دقیقه در فضایی محصور به نام هواخوری که سقف ندارد، قدم می‌زنم و زمان آن را هم زندانبان تعیین می‌کند، گاهی هشت صبح، گاهی دوازده ظهر و امکان طولانی‌شدن مدت هواخوری نیز نیست. آیا برای فردی که بیست و چهار ساعت در اتاقی در بسته است، ده دقیقه فضای باز کفایت می‌کند؟ من امکان استفاده از تلفن را ندارم، در صورتی که هر زندانی می‌تواند هر روز از تلفن استفاده کند. من تمام آنچه قبل از صدور حکم بوده را نادیده می‌گیرم. امروز اگر من یک زندانیم با من مثل یک زندانی رفتار کنید، اگر من یک زندانیم مرا به زندان ببرید، به من اجازه هواخوری بدهید. به من اجازه استفاده از تلفن، ارتباط با افراد، زندگی اجتماعی و... بدهید. اگر من زندانیم حقوق یک زندانی را در مورد من اجرا کنید. آیا زمانی که مرا به بازداشتگاه (پلاک صد) بردید، سازمان زندان‌ها آنجا را جزو زندان‌های خود می‌شناخت؟! آیا سازمان زندان‌ها شرایط آنجا را به عنوان زندان قبول دارد؟»

^۱ بازداشت دسته‌جمعی شهروندان بهائی در شیراز، ایران‌وایر، ۵ آذر ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://iranwire.com/fa/features/19572>

^۲ رها ثابت، فعال مدنی بهائی آزاد شد، هرانا، ۶ مهر ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.hra-news.org/2011/hranews/1-8716/>

^۳ من هاله روحی، یک زندانی هستم، ایرانیان، ۲۴ خرداد ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RJvVIJ>

رها ثابت، یکی از جوانان بهائی که در محله‌های محروم شیراز به خدمات اجتماعی داوطلبانه مشغول بوده است، مدت سه سال و نیم از مدت محکومیت خود را در یک سلول انفرادی در بازداشتگاه پلاک صد شیراز گذرانده است. او در شهادتش نزد عدالت برای ایران می‌گوید:

... دادستان کل استان فارس آقای جابر بان‌شی خودش به پدرم گفته بود که اگر دخترتان را ببرم [زندان] عادل‌آباد [شیراز]، از دربان زندان عادل‌آباد تا رئیس زندان بهائی می‌شوند، به خاطر همین من دخترتان را اینجا [پلاک صد] نگه داشته‌ام. این سه سال و چهار ماه طول کشید. یعنی سه سال و چهار ماه من را آنجا نگه داشتند در شرایط بازداشتی... کلاً همه‌اش انفرادی بود... هیچ [نگهبان] زنی نبود. خودشان هم می‌گفتند ما چون هیچ پرسنلی که زن باشد نداریم... زندان‌بان هم همان بازجو بود... من از صدایش تشخیص می‌دادم این همانی است که ازم سوال جواب می‌کند. اینطوری بود... من صدای بقیه زندانی‌های مرد را می‌شنیدم، مثلاً بغل‌دستی‌های من همه‌شان پسرهای جوان یا مردهایی بودند که دستگیرشان کرده بودند. داد و بیداد می‌کردند، سر و صدا می‌کردند، تو در لگد می‌زدند و از آن طرف هم، آن‌ها [زندان‌بان‌ها] بد و بیراه بهشان می‌گفتند...

در تاریخ ۱۴ بهمن‌ماه سال ۱۳۹۰ نیز نیروهای امنیتی در یک اقدام هماهنگ و همزمان، با حمله به منزل بیش از سی تن از شهروندان بهائی ساکن شیراز بیش از یازده نفر را بازداشت کردند. پیام تسلیمی، مژده فلاح، مژگان عمادی، نیما دهقان، سینا ساریخانی، یکتا فهندژ، سام جابری، فائزه تشکر، نورا فلاح و ژینوس فنائیان به بازداشت‌گاه پلاک صد شیراز منتقل شده‌اند. ژینا دهقان دختر ۹ ماهه‌ی ژینوس فنائیان نیز در میان افراد بازداشتی بوده است. همچنین منزل تعداد دیگری از بهائیان از جمله مهران پیمانی، ماندانا کمالی، یکتا فهندژ، ایمان رحمت‌پناه، طاهره نوروزی، سیما سبتو و سعید دهقان از سوی نیروهای امنیتی تفتیش و تعدادی از وسایل شخصی ایشان از جمله کامپیوتر، سی‌دی، عکس و کتاب ضبط شد. در چند مورد عملکرد و رفتار مأموران بسیار خشن و همراه با ضرب و شتم بوده است.^۱ تمامی این موارد نقض حقوق بشر تحت نظارت موسوی تبار به عنوان

^۱ بازداشت شمار زیادی از شهروندان بهائی ساکن شیراز، هرا، ۱۵ بهمن ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.hra-news.org/2012/hranews/1-10073/>

دادستان انقلاب و عمومی شیراز اتفاق افتاده است.

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در ۲۱ اسفند ۱۳۹۱، سید رضا موسوی‌تبار را به دلیل نقشی که در نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی بهائی داشته است در فهرست «ناقضان جدی حقوق بشر» قرار داده است. بر اساس بیانیه اتحادیه اروپا او از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم است و کلیه دارایی‌های احتمالی وی در اروپا توقیف شده است.^۱

¹ COUNCIL IMPLEMENTING REGULATION (EU) No 206/2013 of 11 March 2013, EUR-Lex, March 11, 2013, Available at: <https://eur-lex.europa.eu/legal-content/GA/TXT/?uri=celex:32013R0206>



میرحسین موسوی

متولد ۱۳۲۰ در شهر خامنه (از توابع آذربایجان شرقی) است. او فوق لیسانس معماری و شهرسازی دارد.^۱

مسئولیت‌ها

- عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱
- عضو شورای انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۵۹
- رئیس دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰
- قائم‌مقام دبیرکل حزب جمهوری اسلامی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰
- سردبیر روزنامه جمهوری اسلامی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰
- وزیر امور خارجه از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۱
- نخست‌وزیر از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸
- رئیس ستاد انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۰
- رئیس شورای اقتصاد از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸
- رئیس بنیاد مستضعفان^۲ از ۱۳ آذر ۱۳۶۰ تا شهریور ۱۳۶۸^۳

^۱ زندگی‌نامه میرحسین موسوی در یک نگاه، خبرآنلاین، ۱۱ آذر ۱۳۸۷، قابل دسترسی در نشانی: <https://bit.ly/2WjRspZ> اینترنتی:

^۲ انتصاب ریاست بنیاد مستضعفان حکم انتصاب آقای میر حسین موسوی به ریاست بنیاد مستضعفان، پرتال آیت‌الله خمینی، ۱۳ آذر ۱۳۶۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2sIWUp1>

^۳ انتصاب آقای محسن رفیقدوست به ریاست بنیاد مستضعفان و جانبازان، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۵ شهریور ۱۳۶۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=329>

- عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام از بهمن ۱۳۶۶ تا اسفند ۱۳۸۵^۱
- عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی از سال ۱۳۷۵ تا خرداد ۱۳۹۰^۲
- مشاور سیاسی رئیس جمهور از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶
- مشاور عالی رئیس جمهور از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴
- رئیس فرهنگستان هنر از سال ۱۳۷۸ تا دی ۱۳۸۸^۳

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. اجباری کردن حجاب در ادارات دولتی

میرحسین موسوی به عنوان نخست‌وزیر در نقض حقوق زنانی که قوانین مربوط به حجاب اجباری را رعایت نمی‌کردند، نقش داشته است. در اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۴ میرحسین موسوی بخشنامه‌ای را درباره «حفظ و مراعات حجاب اسلامی» خطاب به کلیه وزارت‌خانه‌ها، موسسات، سازمان‌های دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی صادر کرد.^۴ این بخشنامه با تأکید بر ضرورت «مراعات دقیق» حجاب اسلامی برای زنان شاغل در دستگاه‌های اجرایی کشور، از برخورد قاطع با متخلفان خبر می‌داد.

۲. مصادره اموال مخالفان سیاسی و عقیدتی جمهوری اسلامی

میرحسین موسوی به عنوان رئیس بنیاد مستضعفان (۱۳۶۰-۱۳۶۸) در مصادره اموال مخالفان سیاسی و عقیدتی جمهوری اسلامی مشارکت مؤثری داشته است.^۵

^۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام در گذر زمان، ایرنا، ۲۳ مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی: <http://www.irna.ir/fa/NewsPrint.aspx?ID=82631616>؛ اینترنتی:

^۲ سه تغییر معنی‌دار در حکم رهبری برای اعضای جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی: از حذف موسوی تا عضویت افتخاری جنتی، عصر ایران، ۱۷ خرداد ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.asriran.com/fa/print/168332>

^۳ میرحسین موسوی از ریاست فرهنگستان هنر برکنار شد، رادیو فردا، ۲ دی ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://www.radiofarda.com/a/o2_iran_fires_opposition_leader/1911161.html

^۴ بخشنامه نخست‌وزیر به وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های دولتی در مورد حفظ و مراعات حجاب اسلامی، روزنامه اطلاعات، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://pbs.twimg.com/media/DbnSUaQXkAEUVm9.jpg>

^۵ نامه به آقای میر حسین موسوی (انتقال بخشی از اموال بنیاد مستضعفان به مؤسسات دیگر)، سایت جامع آیت‌الله خمینی، ۱۵ مرداد ۱۳۶۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://emam.com/posts/view/3478>

طبق اسناد موجود، موسوی درباره صرف اموال مصادره‌شده، تعیین سیاست‌ها و همچنین عزل و نصب مدیران در بنیاد مستضعفان از اختیارات قابل توجهی برخوردار بوده است.^۱ به طور نمونه قبرستان بهائیان آمل موسوم به گلستان جاوید، در زمان ریاست موسوی بر بنیاد مستضعفان، به نفع این بنیاد مصادره شد.^۲ هنگام تودیع میرحسین موسوی از بنیاد مستضعفان در شهریور ۱۳۶۸، این بنیاد ۸۰۰ شرکت را در اختیار داشته است.^۳

بنیاد مستضعفان در اسفند ۱۳۵۷ با فرمان روح‌الله خمینی، برای مصادره اموال خاندان شاهنشاهی و مقامات رژیم سابق تأسیس شد. کمی پس از آن این بنیاد همچنین مصادره اموال بهائیان، یهودیان، مخالفان جمهوری اسلامی و هر کسی را که می‌شد به طریقی به حکومت شاه پیوند داد آغاز کرد.

۳. کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷

میرحسین موسوی به عنوان نخست‌وزیر در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ و پنهان‌کاری نظام‌مند درباره آن مسئول است.

در مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷، چندین هزار زندانی سیاسی در ایران، با فتوای روح‌الله خمینی و تصمیم مقامات قضائی و اطلاعاتی اعدام شدند. تمامی آن‌ها پیش از این به مجازات زندان محکوم شده بودند و در حال گذراندن دوران محکومیت خود بودند و دوران محکومیت برخی از آنان نیز به پایان رسیده بود. زندانیان سیاسی مخفیانه اعدام شدند و پیکر آنان در گورهای بی‌نام‌ونشان یا جمعی در سراسر ایران دفن شده است.^۴

عصمت طالبی، که همسر و برادرش با وجود این که حکم حبس داشتند در تابستان ۱۳۶۷ اعدام شدند، در شهادتی نزد عدالت برای ایران از مراجعه خانواده‌ها به دفاتر

^۱ هفت دستور العمل نخست وزیر به بنیاد مستضعفان، روزنامه اطلاعات، ۳ بهمن ۱۳۶۰، صفحه

^۲ قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Rk4oIH>

^۳ مصادره گورستان بهائیان آمل، آسو، ۱۲ دی ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.aasoo.org/fa/print/documents/47>

^۴ خیلی حرف‌ها می‌ماند برای وصیتنامه‌ام، جام‌جم آنلاین، ۱۷ آبان ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی

اینترنتی: <http://jamejamonline.ir/Shared/NewsPrint/670467020105337329>

^۴ برای اطلاعات بیشتر درباره گورهای جمعی، به پلتفرم چندرسانه‌ای "خاک‌رنج" در این نشانی

اینترنتی مراجعه کنید: <https://painscapes.com>

مسئولان وقت جمهوری اسلامی برای متوقف کردن کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ و اطلاع دفتر نخست‌وزیر (میرحسین موسوی) از این کشتار گفته است:

وقتی ملاقات‌ها قطع شد با خانواده‌ها قرار گذاشتیم، جلوی مجلس سنا رفتیم، دفتر رفسنجانی بود، نامه دادیم، دفتر نخست‌وزیری رفتیم که موسوی آن موقع نخست‌وزیر بود. آنجا ما را بیرون کردند از دفتر... گفتند حق ندارید... ما اینجا اجازه نداریم شما را راه بدهیم که ما پافشاری کردیم با مادرها... مادر ریاحی بود، مادر سرحدی بود، چند نفر دیگر هم بودیم. تقریباً ده نفری می‌شدیم، مادر خودم هم بود. تو دفتر نخست‌وزیری بعد از اصرارهایی که ما کردیم، دوباره گفتند حالا که اینجوری است نامه بدهید. نامه نوشتیم، امضا کردیم، البته بیرون از محوطه... تو خیابان نشستیم و نامه نوشتیم. دادیم دفتر نخست‌وزیری که ما خانواده‌های زندانیان سیاسی هستیم، قطع ملاقات شدیم، یک عده اعدام شدند، یک جوابی از شما می‌خواهیم. کاری کنید که جلوی اعدام‌ها گرفته شود. می‌دانستیم دارند اعدام می‌کنند. ما این نامه را بردیم دفتر نخست‌وزیری، یک آقایی درآمد و این نامه را دریافت کرد و از ما سوال کرد، ما گفتیم ما خانواده زندانیان سیاسی چه هستیم. از نامه فهمید. دقیقاً این جمله را گفت: "با بچه‌های چه کاری ندارند، فقط مجاهد‌ها را [اعدام می‌کنند]..." یعنی خبر داشتند اعدام دارد می‌شود...^۱

در ماه‌های پس از کشتار ۶۷، وزارت خارجه دولت میرحسین موسوی و سفرای ایران در سازمان ملل و کشورهای مختلف به طور هماهنگ و قاطعانه وقوع این کشتار را انکار کردند.^۲ به گفته سازمان عفو بین‌الملل، عبدالله نوری، وزیر وقت کشور، علی اکبر ولایتی، وزیر وقت امور خارجه، محمدحسین لویسان و منوچهر متکی، معاونان وزیر امور خارجه به ترتیب در سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹، سیروس ناصری، نماینده دائم ایران در مقر سازمان ملل در ژنو، محمدجعفر محلاتی، نماینده

^۱ شهادت عصمت طالبی درباره کشتار ۶۷، عدالت برای ایران، ۱۳ شهریور ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.youtube.com/watch?v=EWWts2s-hO4>

^۲ تحریف حقایق کشتار ۶۷ توسط مقامات دولتی وقت، عفو بین‌الملل، ۱۲ دسامبر ۲۰۱۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.amnesty.org/download/Documents/MDE1395672018PERSIAN.PDF>

دائم ایران در مقر سازمان ملل در نیویورک، محمدمهدی آخوندزاده بستی، کاردار ایران در لندن و محمدعلی موسوی، کاردار ایران در اتاوا، از جمله مقامات فعال در این زمینه بوده‌اند.

سازمان عفو بین‌الملل در گزارش خود جزئیات مربوط به اقدامات این مقامات را تشریح کرده و نشان داده است که آن‌ها چطور وقوع کشتار را از اساس انکار می‌کردند، گزارش‌های مربوط به اعدام‌ها را "پروپاگاندای سیاسی" می‌خواندند یا ادعا می‌کردند که مرگ‌های گزارش‌شده در حین درگیری نظامی با نیروهای سازمان مجاهدین خلق اتفاق افتاده است. این مسئولان همچنین در پاسخ‌های رسمی خود به سازمان ملل متحد ادعا می‌کردند که برخی از قربانیان ثبت شده "جعلی" هستند و اصلاً وجود خارجی ندارند یا زنده هستند و مشغول به تحصیل در دانشگاه یا کار در ایران هستند یا به کشورهای خارجی پناهنده شده‌اند یا در عراق اسیر جنگی هستند یا به علل طبیعی فوت کرده‌اند.^۱

همچنین در آذر ۱۳۶۷، موسوی در مصاحبه‌ای با یک شبکه تلویزیونی اتریش با دفاع از کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، قتل عام زندانیان سیاسی که پیش از عملیات فروغ جاویدان بازداشت و محاکمه شده بودند و دوران حبس خود را می‌گذراندند، رد کرد.^۲

در تابستان ۱۳۸۹ میرحسین موسوی در نشست با روزنامه‌نگاران با تاکید بر این که در زمان کشتار ۶۷ از آن اطلاعاتی نداشت و در اجرای آن نقشی ایفا نکرد، گفت: «به هر حال بازکردن مسائل دهه ۶۰، هر کدامش تالی فاسد [پیامد زبان‌آور] دارد. من همیشه سعی کردم که از کنار این مسائل رد بشوم. من در آن موقع، به عنوان نخست‌وزیر موظف بودم که از کلیت نظام دفاع بکنم...»^۳

با وجود این، اردشیر امیرارجمند، مشاور ارشد میرحسین موسوی در زمان انتخابات سال ۱۳۸۸، در گفت‌وگویی با بی‌بی‌سی فارسی اذعان می‌کند که موسوی از اواسط

^۱ همان.

^۲ Mir Hossein Mousavi interview, 1988 – English subtitles ©ORF, Amnesty International, 12 December 2018, Available at:

<https://amnestymedia.org/mousavi-dec-12-with-copyright-english/>

^۳ میرحسین موسوی: اگر ورود به مسائل دهه شصت شروع شود، دیگر پایانی نخواهد داشت، عدالت برای ایران، ۷ مهر ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/latest-developments/mirhossein/>

مرداد ۱۳۶۷ از اعدام‌ها باخبر بوده است؛ اما با وجود این، انکار همه‌جانبه این کشتار در دستور کار وزارت امور خارجه او و کارکنانش قرار داشته است.^۱ وکلای بین‌المللی حقوق بشری چون جفری رابرتسون،^۲ همچنین هیات قضات دادگاه مردمی ایران تریبونال^۳ و سازمان عفو بین‌الملل،^۴ کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ را مصداق جنایت علیه بشریت دانسته‌اند. سازمان ملل نیز قربانیان کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ را مصداق «ناپدیدشدگی قهری» دانسته است.^۵ به رسمیت شناخته‌شدن قربانیان کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ به عنوان ناپدیدشده قهری، دولت جمهوری اسلامی ایران را براساس قوانین بین‌المللی موظف می‌کند که حق خانواده‌های قربانیان را برای دانستن حقیقت درباره سرنوشت و محل دفن عزیزان‌شان ادا کند و مسئولان آن را تحت تعقیب قرار دهد. از نظر حقوق بین‌الملل، ناپدیدشدگی قهری نقض مداوم حقوق بشر و یک جرم بین‌المللی است و تا زمانی که فرد ناپدید شده پیدا یا سرنوشت‌اش به‌طور کامل معلوم نشود، حتی با وجود گذشت چند دهه، مشمول مرور زمان نمی‌شود.

^۱ آیا میرحسین موسوی از اعدام‌های تابستان ۶۷ با خبر بود؟، بی بی سی، ۲۶ آذر ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.bbc.com/persian/46551306>

^۲ کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷، جفری رابرتسون، بنیاد برومند، فروردین ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://www.iranrights.org/attachments/library/doc_5.pdf

^۳ حکم دادگاه ایران تریبونال، ایران تریبونال، ۱۷ بهمن ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2DaFCH7>.

^۴ کشتار ۶۷؛ استمرار جنایت علیه بشریت توسط حکومت ایران، عفو بین‌الملل، ۴ دسامبر ۲۰۱۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.amnesty.org/download/Documents/MDEI1395132018PERSIAN.PDF>

^۵ سازمان ملل قربانیان کشتار ۶۷ را به عنوان ناپدیدشده قهری به رسمیت شناخت، عدالت برای ایران، ۱۱ آبان ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FEPP03>



حسین موید عابدی

متولد روستای خشک‌بیجار در استان گیلان است.

مسئولیت‌ها

- سربازجو و رئیس زندان بندر انزلی از ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴
- اشتغال به کار در دادستانی استان گیلان در سال ۱۳۶۶
- رئیس اطلاعات استان گیلان در سال ۶۷
- مدیرکل ستاد اجرایی فرمان امام در استان گیلان^۱ از سال ۱۳۸۰ تا حداقل سال ۱۳۹۳
- عضو هیات‌مدیره شرکت آپارتمان‌سازی دهکده ساحلی در بندر انزلی از خرداد ۱۳۹۰ تا کنون
- هم‌اکنون، نایب رئیس هیات‌مدیره شرکت آپارتمان‌سازی دهکده ساحلی در بندر انزلی^۲

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. مشارکت در شکنجه، تجاوز به دختران

باکراه و اعدام زندانیان سیاسی بندرانزلی

حسین موید عابدی به عنوان رئیس و سربازجوی زندان بندر انزلی در اوایل دهه ۶۰ در شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی نقش مؤثر داشته است.

^۱ اجرای ۱۴۰ طرح اقتصادی بنیاد برکت در کشور، خبرگزاری فارس، ۲۰ فروردین ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FWbVeT>

^۲ مدیر و اعضای هیات‌مدیره شرکت دهکده ساحلی بندرانزلی، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RhApkU>

در سال‌های نخست دهه ۶۰ روابط بوروکراتیک هنوز به صورت چشم‌گیر در برخی از زندان‌های ایران، از جمله زندان بندر انزلی، حاکم نبود. به همین دلیل در این زندان‌ها تفکیک نقش سربازجو و رئیس زندان برای زندانیان امری دشوار بوده است. حسین موید عابدی به روایت زندانیان آن سال‌ها مقام اول و سربازجوی زندان بندر انزلی بود. زندانیان آن سال‌ها او را «حسین فاشیست» لقب داده بودند. بر اساس نوشته‌های زندانیان سیاسی، حداقل دو زندانی در اثر شدت شکنجه در زندان بندر انزلی جان سپرده‌اند.

بدن نیمه‌جان محمدعلی (فرانوش) بختیار، از هواداران سازمان مجاهدین و از زندانیان زندان بندر انزلی، در آذرماه سال ۱۳۶۱ به بهداری انزلی منتقل می‌شود و علی‌رغم تلاش پزشکان وی با دو دست شکسته و بدن خون‌آلود در ۱۹ آذر ۱۳۶۱ جان می‌سپارد.

عابدین (احمد) ساجدیان نیز، قبل از او و در سال ۱۳۶۰ در زندان بندر انزلی و بر اثر جراحات وارده ناشی از شکنجه در گذشته بود. در زمان فوت هر دو نفر، حسین موید عابدی، سربازجو و رئیس زندان انزلی بوده است.^۱

به شهادت محمد خوش‌ذوق، که در مرداد ۱۳۶۲ به اتهام هواداری از سازمان چریک‌های فدایی خلق در بندر انزلی دستگیر شد بود، حسین موید عابدی در بازجویی و شکنجه بسیار شدید وی به وسیله کابل در سال ۱۳۶۲ شخصاً حضور داشته است.^۲

در زندان انزلی بخش مردان و زنان بسیار نزدیک به یکدیگر قرار داشته است، به نحوی که در بند مردان، صدای صحبت مسئولان زندان با زنان به گوش می‌رسیده است. زندانیان زن در زندان بندر انزلی از داشتن نگهبان زن محروم بوده‌اند و تمامی درخواست‌های خود را بالاجبار با نگهبانان مرد در میان می‌گذاشته‌اند. از اواخر سال ۶۰ شایعه تجاوز به دختران باکره محکوم به اعدام در زندان انزلی قوت می‌گیرد و باعث نگرانی زندانیان بند زنان می‌شود. به همین دلیل زندانیان از حسین موید عابدی می‌خواهند که در این زمینه پاسخگوی آنان باشد. شایسته وطن‌دوست در شهادتی نزد عدالت برای ایران، روزی را در اوایل سال ۱۳۶۱ به

^۱ یک سرگذشت محمدعلی (فرانوش) بختیاری، بنیاد برومند، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-4102/mohammad-ali-farnush-bakhtiari>

^۲ محمد خوش‌ذوق، جنایت عظیم، کابوس بلند تیز دندان: خاطرات زندان، شیدا، بهروز، سوئد:

یاد می‌آورد که زندانیان زن سوالی کتبی از حسین موید عابدی، درباره موضوع ازدواج دختران باکره قبل از اعدام مطرح کردند. وی سوال و جواب زندانیان و رئیس زندان را این‌گونه روایت می‌کند:

فکر می‌کنم بهار ۶۱ بود که یکی از امام جمعه‌ها در نماز جمعه این مسئله را مطرح کرد که زن زندانی به عنوان اسیر جنگی است و بر ما حلال است، بعد همان اوایل سال ۶۱ بود که یک روز حسین موید عابدی، که آن موقع رئیس زندان بود، برای بازدید آمد و پرسید شما چه مشکلاتی دارید. داشت حرف می‌زد که شماها دارید اشتباه می‌کنید و سازمان منافقین این‌طوری است و آن‌طوری است که ما اعتراض کردیم که چرا چنین حرفی زده‌اند. سؤال را کتبی نوشتیم و بهش دادیم. سؤال را این‌طوری مطرح کردیم که شما گفته‌اید دختران باکره را اعدام نمی‌کنیم در حالی که دختران باکره اعدام شده‌اند. او گفت: «شما درست شنیده‌اید که ما دختران باکره را اعدام نمی‌کنیم. کسی که بخواهد اعدام شود قبل از اعدام باید به عقد یکی از برادرها در بیاید...»

حسین موید عابدی از معدود مقامات جمهوری اسلامی است که مسئله تجاوز به دختران باکره قبل از اعدام را صراحتاً تأیید کرده است. شایسته وطن‌دوست درباره مهناز یوسف‌زاده، دختری که در سن ۲۰ سالگی در اردیبهشت ۶۱ و در دوران مسئولیت حسین موید عابدی اعدام شده است، نزد عدالت برای ایران شهادت می‌دهد:

«بعدها که آزاد شدم، عکس جنازه مهناز را دیدم. درست این‌جایی که پاهایش بسته می‌شد، کاملاً کبود بود؛ از تصویر جسد آثار ضرب و جرح و بسته شدن با طناب و این‌که مقاومت کرده بود، معلوم بود و دوستی که خودش جسد را دیده بود می‌گفت که به آلت جنسی‌اش تیراندازی شده بود. جسدش را هم به این دلیل به خانواده داده بودند که وقتی مادرش برای ملاقات می‌رود، هنوز خبر نداشته دخترش را اعدام کرده‌اند، یکی در همان زندان صدایشان می‌زند و یک جعبه شیرینی بهشان می‌دهد. گفته بود: «حلالم کنید. من با دخترتان ازدواج کرده‌ام.» بعد مادرش می‌گوید: "وقتی حلال می‌کنم که جسدش را به من بدهی." که بعد از چند روز جسد را بهشان نشان می‌دهند.

۲. مشارکت در کشتار زندانیان سیاسی در

سال ۱۳۶۷ در زندان نیروی دریایی رشت

حسین موید عابدی به عنوان نماینده وزارت اطلاعات در زندان نیروی دریایی رشت در کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ نقش مؤثر داشته است. در تابستان سال ۱۳۶۷، بر پایه فتوایی از روح‌الله خمینی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، هزاران نفر از زندانیان سیاسی در زندان‌های مختلف ایران اعدام شدند. همگی آن‌ها یا در حال گذراندن دوران محکومیت حبس خود بودند یا حتی مدت محکومیت خود را به اتمام رسانده بودند و به دلیل خودداری از انجام مصاحبه و اعلام انزجار از مواضع سیاسی خود در زندان مانده بودند.^۱ در هر حال هیچ‌یک از آن‌ها در دادگاه به اعدام محکوم نشده بود. در زندان نیروی دریایی رشت، که بزرگ‌ترین مرکز نگهداری زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ در گیلان بود، نیز اعدام دسته‌جمعی زندانیان سیاسی اتفاق افتاده است.

به شهادت احمد موسوی، که خود در آن زمان در زندان رشت حبس بود، از ۱۲۰ نفر زندانی سیاسی مرد در بند ۱ زندان رشت، بیش از ۹۵ نفر در روزهای مختلف در مرداد سال ۱۳۶۷ فرا خوانده شدند که غیر از دو نفر، هیچ‌یک از آن‌ها بازنگشتند؛ همه آن‌ها محکومیت حبس داشتند. تعدادی نیز بودند که دو هفته قبل از شروع کشتار، تقلیل حکم یافته و حتی رسماً هم به آن‌ها ابلاغ شده بود. آن‌ها در شرف آزادی بودند.^۲

به شهادت محمد خوش‌ذوق از بند شماره ۳ مردان، هفتاد و پنج نفر، از بند انفرادی بیش از ۳۰ نفر و از زندان مالک اشتر لاهیجان نیز ۷۵ نفر اعدام شده‌اند.^۳ به شهادت شایسته وطن‌دوست از بند ۳۰ نفره زندانیان سیاسی زن در رشت فقط ۴ نفر زنده ماندند و بقیه در دو نوبت برای اعدام فرا خوانده شدند در حالی که نه خود آن‌ها و نه زندانیان دیگر نمی‌دانستند که قرار است اعدام شوند. شهین سامی یکی از آن‌ها بود. شهین سامی که در زمان دستگیری در سال ۱۳۶۵، ۱۷ ساله بود در سن ۱۹ سالگی و در روز ۹ مرداد از بند فرا خوانده می‌شود. او در دادگاه به بیست سال حبس محکوم شده بود.

^۱ زندانیان به این گروه «ملی‌کش» می‌گفتند.

^۲ شب به خیر رفیق، احمد موسوی، نشر باران، استکهلم، ۱۳۸۳، ص ۲۴۳-۲۵۲.

^۳ خوش‌ذوق، محمد، (۱۳۸۲) جنایت عظیم، کابوس بلند تیز دندان: خاطرات زندان، شهیدا، بهروز، سوئد: نشر باران ۱۳۸۲، سوئد، ص ۱۹۱

بر اساس نوشته‌های احمد موسوی هیات مرگ در رشت از مقامات محلی تشکیل شده بود و چهار نفر شامل نماینده دادستانی، نماینده اطلاعات، بازجوی پرونده و عبداللهی، رئیس زندان، می‌شده است.^۱ بر اساس آنچه از شهادت زندانیان مختلف بر می‌آید بیشتر از ۳۰۰ نفر از زندانیان سیاسی در استان گیلان در مردادماه ۱۳۶۷ قتل عام شده‌اند.

بر اساس شهادت شایسته وطن‌دوست نزد عدالت برای ایران حسین موید عابدی به عنوان نماینده وزارت اطلاعات، یکی از مسئولان کشتار دسته‌جمعی زندانیان در زندان نیروی دریایی رشت بوده است. وی کشتار زندانیان سیاسی در مرداد ۱۳۶۷ را در بند زنان زندان نیروی دریایی رشت چنین روایت می‌کند:

فقط دو نفر را برای سؤال یا به اصطلاح «دادگاه» خواستند؛ فرانک طاووسی^۲ و مریم واحدی.^۳ ساعت ۹ و ۱۰ صبح روز ۸ مرداد این‌ها را بردند و بعد که برگشتند گفتند [حسین موید] عابدی و دو نفر که برای این‌ها ناشناس بودند از این‌ها بدون چشم‌بند سه سؤال کرده بودند که این‌ها فکر می‌کردند برای آزادی است. سؤال‌ها این‌ها بود: "نظرت در رابطه با سازمان منافقین چیست؟ نظرت در مورد جمهوری اسلامی چیست؟ و حاضر به مصاحبه هستی یا نه؟" فرانک یک ماه به آزادی‌اش مانده بود و قرار بود ۱۶ شهریور آزاد شود. مهناز تازه دستگیر شده بود و ۱۰ سال حکم داشت. این دو نفر نیز به همراه ۲۴ نفر دیگر، از جمله شهین سامی که در مقابل این دادگاه یا هیات مرگ قرار نگرفته بودند، اعدام شدند.

بعد از ظهر ۸ مرداد، ۲۰ نفر و حوالی ساعت ۲ بعد از نیمه‌شب ۹ مرداد، بقیه را از اون بند بردند؛ شهین جزو این گروه دوم بود. اتفاقاً آخرین لحظه من با شهین حرف زدم؛ از کنار پنجره و در حالی که اون‌ها هنوز چادر سرشان می‌کردند. ازش پرسیدم که شما رو کجا می‌برند. من در دلهره بودم ولی

^۱ خلبان «علی عبداللهی» به سمت معاونت هماهنگ‌کننده ستاد کل منصوب شد، خبرگزاری مهر، ۱۵ تیر ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FKoJ8U>

^۲ با یاد مجاهد شهید فرانک طاووسی، سازمان مجاهدین خلق ایران، ۱۹ فروردین ۱۳۸۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://martyrs.mojahedin.org/martyrs/19680>

^۳ با یاد مجاهد شهید مریم (فخری) واحدی، سازمان مجاهدین خلق ایران، ۱۹ فروردین ۱۳۸۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

اصلاً فکر نمی‌کردم برای اعدام باشد من بیشتر به این که این‌ها رو می‌برند و من تنها می‌مانم فکر می‌کردم.

شایسته وطن‌دوست اعتقاد دارد که شهین را همان شب ۹ مرداد اعدام کردند اما مطمئن نیست که شهین و سایر زنان اهل بندر انزلی را در رشت اعدام کرده‌اند یا در بندر انزلی. او می‌گوید که به خانواده شهین و سایر خانواده‌های بچه‌های بندر انزلی سنگ قبری در گورستان بندر انزلی به عنوان مکان دفن فرزندانشان نشان داده شده است؛ برخی از خانواده‌ها هیچ‌گاه آن سنگ قبرها را به عنوان گور فرزندان‌شان نپذیرفته‌اند.

شایسته وطن‌دوست در شهادت نزد عدالت برای ایران از منابع موثق نقل قول می‌کند: «برای مادر شهین یک کسی یک جعبه شیرینی برده بود و گفته بود قبل از اعدام با دختری ازدواج کردم.»



سید علی اصغر میرحجازی

مسئولیت‌ها^۱

- عضو حزب جمهوری اسلامی
- معاون امور خارجی وزارت اطلاعات از ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۸
- معاون امنیتی - سیاسی بیت رهبر جمهوری اسلامی از ۱۳۶۸ تا کنون^۲

برخی از موارد نقض حقوق بشر

سید علی اصغر میرحجازی به عنوان معاون امنیتی - سیاسی رهبر جمهوری اسلامی، مشارکت مهمی در سرکوب اعتراضات مسالمت‌آمیز پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ داشته است. با توجه به برخورداری از جایگاه ویژه در «بیت رهبر» و بر اساس رویدادهای پیشین مبنی بر ابلاغ دستورات رهبر جمهوری اسلامی به نهادهای مختلف توسط سید علی اصغر میرحجازی، او در انتقال فرامین سید علی خامنه‌ای به دستگاه‌های امنیتی - اطلاعاتی به منظور سرکوب معترضان، نقش تعیین‌کننده و مؤثری داشته است.^۳

^۱ کتابه نماینده دلواپس به مقام بلندپایه دفتر رهبری؛ «حجازی» مورد نظر کوچک‌زاده کیست؟، آنا، ۲۱ مهر ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2MpId3j>

^۲ علی اصغر حجازی و جلسه شب قبل از تصویب اجرای برجام، بی بی سی، ۲۱ مهر ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

http://www.bbc.com/persian/iran/2015/10/151013_151_hejazi_barjam_bill

^۳ قدرتمندترین فرد در بیت آیت‌الله خامنه‌ای کیست؟، رادیو فردا، ۲۵ آذر ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://www.radiofarda.com/a/f2_iran_khamenei_house_office_vahid_mojtaba_golpayegani_hejazi_most_powerful/2250346.html

سید علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، یک هفته پس از اعلام نتایج انتخابات سال ۱۳۸۸، در خطبه‌های نماز جمعه ۲۹ خرداد با رد هرگونه تقلب در نتایج انتخابات، به صراحت معترضان را تهدید و مسئولیت هرگونه «خونریزی» را متوجه رهبران اعتراضات کرد.^۱

قرارگرفتن در لیست مجازات‌های حقوق بشری

اتحادیه اروپا و وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا

اتحادیه اروپا در فروردین ۱۳۹۱، سید علی اصغر میرحجازی را به دلیل نقش در نقض گسترده و شدید حقوق شهروندان ایرانی از ورود به کشورهای این اتحادیه محروم کرد. کلیه دارایی‌های احتمالی او نیز در اروپا توقیف خواهد شد.

«هدایت طرح‌های سرکوب اعتراضات سال ۱۳۸۸» توسط سید علی اصغر میرحجازی که به دستور رهبر جمهوری اسلامی انجام شده، از دلایل تحریم او است که در بیانیه اتحادیه اروپا به آن اشاره شده است.^۲

وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا نیز در خرداد ۱۳۹۲ با دلایلی مشابه بیانیه اتحادیه اروپا، او را در لیست مجازات‌های حقوق بشری خود قرار داد.^۳ بر اساس این تحریم، دارایی‌های احتمالی سید علی اصغر میرحجازی در آمریکا توقیف و از ورود او به این کشور جلوگیری می‌شود. همچنین شهروندان ایالات متحده حق هیچ‌گونه معامله‌ای با او نخواهند داشت.

^۱ متن کامل خطبه‌های نماز جمعه تاریخی تهران ۲۹/۳/۱۳۸۸ به امامت رهبر فرزانه انقلاب،

خبرگزاری فارس، ۳ تیر ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FBezra>

^۲ فهرست سوم تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا علیه مقامات ایرانی، عدالت برای ایران، ۷ خرداد ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/publication/documents/list3/>

^۳ United States Takes Action to Facilitate Communications by the Iranian People and Targets Iranian Government Censorship, U.S. DEPARTMENT OF THE TREASURY, 30 May 2013, Available at:

<https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/j11961.aspx>.



حکم‌علی نجفی

متولد ۱۳۵۱؛ و مدرک لیسانس علوم اجتماعی دارد.^۱

مسئولیت‌ها

- دبیر آموزش و پرورش از سال ۱۳۷۱
- معاون پرورشی و تربیت بدنی آموزش و پرورش شهریار از ۱۲ شهریور ۱۳۸۷ تا سوم اسفند ۱۳۸۹
- مدیر آموزش و پرورش شهرستان شهریار از سوم اسفند ۱۳۸۹ تا ۳۱ مرداد ۱۳۹۱
- عضو علی‌البدل شورای اسلامی شهریار از آذر ۱۳۸۸ تا تیر ۱۳۹۲
- هم‌اکنون عضو شورای اسلامی شهریار از ۱۶ تیر ۱۳۹۲^۲

برخی از موارد نقض حقوق بشر

حکم‌علی نجفی به عنوان رئیس آموزش و پرورش شهرستان شهریار در نقض حقوق شهروندان بهائی نقش موثری داشته است. در ۱۴ آبان ۱۳۸۹، حکم‌علی نجفی با تنظیم بخش‌نامه‌ای محرمانه خطاب به مدیران مدارس تابعه شهرستان شهریار، دستور داده است تا اطلاعات دانش‌آموزان (و

^۱ حکم‌علی نجفی عضو شورای اسلامی شهر شهریار، پایگاه اطلاع‌رسانی شورای اسلامی شهر شهریار، ۸ فروردین ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/wp-content/uploads/2018/06/Hekam-Ali-Najafi-0000.pdf>

^۲ اعضای کمیسیون‌های تخصصی و نمایندگان شورای شهر شهریار در سازمان‌های شهرداری مشخص شدند، شهریارنگار، ۹ شهریور ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2QXe8IU>

حتی پیش‌دبستانی‌های) بهائی به صورت نامحسوس، ظرف یک هفته جمع‌آوری و به کارشناسی حراست آموزش و پرورش ارسال شود.^۱

^۱ اطلاعات دانش‌آموزان به صورت محرمانه و غیرمحسوس جمع‌آوری شود، خانه اسناد بهائی‌ستیزی در ایران، ۱۴ آبان ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://iranbahai-persecution.bic.org/fa/archive/atlaat-dansh-amwzan-bh-swrt-mhrmanh-w-ghyr-mhsws-jm-awry-shwd>



محمدعلی نجفی

مسئولیت‌ها

- رئیس نظارت بر اماکن عمومی پلیس اطلاعات و امنیت عمومی نیروی انتظامی تهران، دست‌کم از سال ۱۳۸۳ تا اردیبهشت سال ۱۳۸۸
- دبیر شورای اصناف کشور از اردیبهشت سال ۱۳۸۸ تا ۱۲ دی ۱۳۸۸^۲

برخی از موارد نقض حقوق بشر

محمدعلی نجفی به عنوان رئیس نظارت بر اماکن عمومی پلیس اطلاعات و امنیت عمومی نیروی انتظامی تهران، در نقض حقوق شهروندان بهائی نقش مؤثری داشته است.

نظارت بر اماکن عمومی از وظایف نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است که زیر نظر پلیس اطلاعات و امنیت عمومی فعالیت می‌کند. در زمان تصدی محمدعلی نجفی بر اداره اماکن تهران بخشنامه‌ای با عنوان «بررسی صلاحیت افراد گروهکی و فرقه ضاله بهائیت» به روسای پلیس اطلاعات و امنیت عمومی شهرستان - های تابعه ابلاغ شده است.^۳ در این بخشنامه ضمن دستور مبنی بر منع صدور مجوز فعالیت برای بسیاری از مشاغل به بهائیان، بر شناسایی بهائیان شاغل در

^۱ محمدعلی نجفی دبیرکل شورای اصناف کشور شد، ایسنا، ۴ اردیبهشت ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2U1hOeJ>

^۲ دبیر کل جدیدی شورای اصناف کشور منصوب شد، ایسنا، ۱۲ دی ۱۳۸۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2WvTe7P>

^۳ ممانعت از صدور جواز کسب، آسو، ۱۲ دی ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.aasoo.org/fa/documents/45>

صنف‌های مختلف تاکید شده است. صدور دستورالعمل‌هایی از این دست به روشنی در محدود کردن و نقض حق کسب و کار بهائیان تاثیر بسزایی داشته است. این بخشنامه با «نجس» و «تاپاک» شمردن پیروان دینانت بهائی، بهائیان را از انجام مشاغل مرتبط با ارائه خدمات خوراکی و خدماتی منع کرده است. تعیین محدودیت‌های شغلی برای بهائیان (شامل ممنوعیت ۳۰ شغل)، ممانعت از حضور بهائیان در مشاغلی که درآمدهای زیادی دارند، عدم تمدید جواز کسب برای بهائیان، ممنوعیت فعالیت بهائیان در مؤسسات فرهنگی، تبلیغاتی و اقتصادی و بیان این‌که بهائیان نباید در یک خیابان یا منطقه مشترکا کار داشته باشند از موارد دیگر مذکور در این بخشنامه است.



غلامعلی نعیم آبادی

متولد ۱۳۲۳ در شهر دامغان؛ و تحصیلات حوزوی دارد.^۱

مسئولیت‌ها^۲

- امام جمعه دامغان از ۱۳۵۸ تا آذرماه ۱۳۶۹
- نماینده ولی فقیه در استان هرمزگان و امام جمعه بندرعباس از ۱۳ آذرماه ۱۳۶۹ تا کنون
- نماینده هرمزگان در مجلس خبرگان از ۱۳۷۷ تا اسفند ۱۳۹۴

برخی از موارد نقض حقوق بشر

غلامعلی نعیم آبادی، نماینده ولی فقیه در استان هرمزگان و امام جمعه بندرعباس پیش از قتل عطاالله رضوانی^۳، شهروند بهائی، بارها در سخنان خود نیروهای تندروی مذهبی را تحریک به اقدام علیه بهائیان کرده بود و در تهییج فضا برای قتل عطاالله رضوانی و حمله به دیگر شهروندان بهائی نقش داشته است.^۴

عطاالله رضوانی، عضو سابق هیات خادمین جامعه بهائی بندرعباس، در دوم شهریور ۱۳۹۲ به ضرب گلوله افراد ناشناس کشته شد. او از مدت‌ها پیش از کشته شدنش،

^۱ بیوگرافی آیت‌الله غلامعلی نعیم آبادی، بیوگرافی، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://biographyha.com/12947/biography-gholam-ali-naeem-abadi.html>

^۲ همان.

^۳ قاتل عطاالله رضوانی کجاست؟ فراخوان عدالت برای ایران برای تماس تلفنی با مسئولان، عدالت برای ایران، ۳۱ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://justice4iran.org/persian/publication/call-for-action/where-is-the-murder-of-a-rezvani/>

^۴ خطب بهائی ستیز آیت‌الله نعیم آبادی و نتایج خونبار آن، بنیاد برومند، ۲۱ مرداد ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.iranrights.org/fa/library/document/2770>

به صورت مستقیم و غیرمستقیم از سوی نهادهای امنیتی تهدید شده بود. او و خانواده‌اش مدت‌ها تحت فشار بودند که از بندرعباس بروند.

به دنبال سخنرانی‌های نفرت‌پراکنانه غلامعلی نعیم‌آبادی علیه بهائیان، عطاالله رضوانی و دو تن دیگر از شهروندان بهائی با ارسال نامه‌ای به امام جمعه بندرعباس از او خواسته بودند تا حقوق شهروندان بهائی را محترم بشمارد و از تحریک مردم علیه آنان در خطبه‌های نماز جمعه خودداری کند. آن‌ها در این نامه نوشته بودند: «این صحبت‌هایی که شما علیه ما می‌کنید صحت ندارد. ما بهائیان چنین افرادی که شما می‌گویید نیستیم. شما امام جمعه شهر هستید و سخنان شما باعث تحریک عده‌ای برای آزار و اذیت بهائیان می‌شود. شما در مقام امام جمعه نباید علیه ما چنین صحبت کنید.»^۱

آن‌ها همچنین با شکایت به مقامات انتظامی در رابطه با سخنان امام جمعه علیه بهائیان هشدار داده بودند که چنین سخنانی موجب تنش و خونریزی خواهد شد.^۲

امام جمعه بندرعباس در یکی از سخنرانی‌های خود درباره بهائیان گفته بود: «یک عده شیاد از راه‌های ظاهراً خوب، زیبا و فریبنده افراد و جامعه را در خطرناک‌ترین خطرات قرار می‌دهند. بنیان‌گذاران مرام‌های باطل، راه‌های باطل و مسلک‌های انحرافی همه از این نمونه هستند. این‌ها مصداق "میکرون السیئات" اندا». او همچنین بهائیان را متهم به «مشروعیت ازدواج با محارم»، «چپاول دارایی غیر بهایی‌ها» و «حقه‌بازی» کرده و آن‌ها را «میکروب جامعه» نامیده بود.^۳

غلامعلی نعیم‌آبادی همچنین با تالیف کتاب "بهائیت دین نیست" و مصاحبه با خبرگزاری‌های دولتی به نفرت‌پراکنی علیه بهائیان پرداخته است. نعیم‌آبادی در یکی از جدیدترین مصاحبه‌هایش عقاید بهائیان را «فاسد» دانسته و آن‌ها را یک «جریان جاسوسی» و «در خدمت بیگانگان» عنوان کرده است.^۴

^۱ قتل سازماندهی شده و عقیدتی بوده، روزآنلاین، ۵ شهریور ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://www.roozonline.com/persian/news/newsitem/article/-a96e82fe81.html>

^۲ یک سرگذشت، عطاالله رضوانی، بنیاد برومند، ۲ شهریور ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.iranrights.org/fa/memorial/story/-7460/ataollah-rezvani>

^۳ خطب بهائی ستیز آیت الله نعیم‌آبادی و نتایج خونبار آن، بنیاد برومند، ۲۱ مرداد ۱۳۸۹، قابل

دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.iranrights.org/fa/library/document/2770>

^۴ مسلمان به دیدار بهائی‌ها نمی‌رود/ اقدام فائزه هاشمی مورد نفرت جامعه اسلامی است، خبرگزاری

تسنیم، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dquwya>



سیدمرتضی نوربخش

عضو هیات مرکزی گزینش دانشجو

متولد سال ۱۳۳۵ شهر گلپایگان؛ او دکترای رشته جامعه‌شناسی فرهنگی نظری از دانشگاه تهران دارد.

مسئولیت‌ها

- کارشناس آموزش در دانشگاه تربیت مدرس از ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۴^۱
- عضو هیات علمی سازمان سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها) در سال ۱۳۷۹
- مدیر روابط عمومی سازمان سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها) از ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹
- رئیس دبیرخانه هیات مرکزی گزینش استاد وزارت علوم تحقیقات و فن‌آوری از ۱۳۷۹ تا شهریور ۱۳۸۷
- تا کنون مدیر کل گزینش دانشجو وزارت علوم تحقیقات و فن‌آوری از ۱۳۷۹ تا کنون
- عضو شورای امر به معروف و نهی از منکر وزارت علوم تحقیقات و فن‌آوری
- مدیر هسته گزینش سازمان سنجش آموزش کشور از خرداد ۱۳۸۱ تا کنون
- سرپرست مؤسسه آموزش عالی البرز "غیرانتفاعی- غیردولتی" قزوین از اردیبهشت ۱۳۸۷ تا کنون
- مدیر گروه علوم اجتماعی مؤسسه البرز قزوین از مهر ۱۳۸۳ تا کنون

^۱ بیوگرافی دکتر سید مرتضی نوربخش، وبلاگ دکتر سید مرتضی نوربخش، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://dr-norbakhsh.blogfa.com/>

- عضو هیات مرکزی گزینش دانشجو (با حکم وزیر علوم تحقیقات و فن‌آوری) از خرداد ۱۳۸۱ تا کنون^۱

برخی از موارد نقض حقوق بشر

مرتضی نوربخش به عنوان مدیر هسته گزینش سازمان سنجش آموزش کشور و عضو هیات مرکزی گزینش دانشجو با ممانعت از ادامه تحصیل بهائیان در نقض حقوق پیروان این دینت به دلیل باورهای مذهبی‌شان نقش موثر داشته است. او صراحتاً در یک نشست خبری اعلام کرده است: «... دانشجویان ادیان ساختگی و اقلیت‌های غیررسمی کشور حق تحصیل در دانشگاه‌ها را ندارند و اگر در دانشگاهی تحصیل می‌کنند باید برای تأیید صلاحیت به هیات مرکزی گزینش دانشجو فرستاده شوند... پرونده‌های دانشجویان ادیان و اقلیت‌های مذهبی غیررسمی که در دانشگاه‌های کشور مشغول به تحصیل هستند برای تأیید صلاحیت عمومی باید به هیات مرکزی گزینش دانشجو ارسال شود.»^۲

یکی از زمینه‌هایی که حقوق بهائیان به دلیل باور و اعتقاد مذهبی‌شان نادیده گرفته می‌شود، محروم کردن آن‌ها از حق تحصیل است. بسیاری از جوانان بهائیان پس از پایان دوره تحصیلات متوسطه زمانی که در آزمون ورودی دانشگاه‌ها شرکت می‌کنند، پذیرفته نمی‌شوند و با مواردی همچون نقص پرونده روبه‌رو می‌شوند و در نهایت از ادامه تحصیل در سطح دانشگاهی محروم می‌شوند. سازمان سنجش آموزش کشور که در ایران متصدی برگزاری آزمون سراسری ورود به دانشگاه‌ها در مقاطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری است در بخشی از وظایف خود می‌نویسد: «انجام امور مربوط به تعیین شرایط و ضوابط پذیرش دانشجو با توجه به طرح‌ها و برنامه‌ها و سیاست‌های آموزشی کشور توسط "دبیرخانه گزینش دانشجو" صورت می‌گیرد.»^۳

^۱ خبر ستاره‌دارشدن دانشجویان در سال جاری کذب است، ایسکانیوز، ۱۹ آذر ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RL6aYJ>

^۲ دانشجویان ادیان ساختگی حق تحصیل در دانشگاه‌های کشور را ندارند، خبرگزاری فارس، ۲۱ خرداد ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Mreabe>

^۳ دبیرخانه هیات مرکزی گزینش دانشجو، سازمان سنجش آموزش کشور، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی، <http://sd.sanjesh.org/aboutus.aspx>

دبیرخانه هیات مرکزی گزینش دانشجو، در فرم شماره دو خود به نام «برگ مشخصات بررسی صلاحیت عمومی داوطلبان ورود به دانشگاهها (پذیرش غیر متمرکز)» درباره دین داوطلبان سؤال می‌کند و ارسال این فرم جزو مدارک شرکت در آزمون ورودی دانشگاه‌هاست.^۱ همچنین ستاره‌دار اعلام کردن دانشجویانی که فعالیت مدنی و سیاسی داشته‌اند و ممانعت از ادامه تحصیل آن‌ها در مقاطع بالاتر هم از سوی هیات مرکزی گزینش دانشجو صورت می‌گیرد.^۲

مرتضی نوربخش در جواب اعتراض داوطلبان بهائی که با عنوان «نقص پرونده» از ادامه تحصیل بازمانده‌اند، گفته بود کاری از او ساخته نیست زیرا مصوبه شورای انقلاب فرهنگی راه ادامه تحصیل بهائیان را بسته است.

به عنوان نمونه در اردیبهشت سال ۱۳۹۴ از ادامه تحصیل دلارام صادق‌زاده، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی، به دلیل اعتقاد به دیانت بهائی جلوگیری شد.

دلارام صادق‌زاده از مرتضی نوربخش پرسیده است که چرا صلاحیت عمومی او رد شده است؟

— «تو بهائی هستی، می‌دانی که.

— آیا شما طبق آیین‌نامه‌ای بهائیان را از تحصیل محروم می‌کنید؟ اگر چنین است آیین‌نامه شما خلاف قانون اساسی است و اگر نیست رفتار شما غیرقانونی است.»

نوربخش برافروخته شده است: «به کارمند دولت می‌گویی کار غیرقانونی می‌کنی؟

— من به دستور شما محروم از تحصیل شده‌ام.

— من تنها تصمیم نمی‌گیرم.

— شما رئیس هیاتی هستید که نامه محرومیت از تحصیل مرا فرستاده است.»^۳

^۱ برگ مشخصات بررسی صلاحیت عمومی داوطلبان ورود به دانشگاهها، دبیرخانه هیئت مرکزی گزینش دانشجو، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://kish.ut.ac.ir/documents/79135476/865104a7-c174-482e-b7df-f50c7774d813>

^۲ ستاره‌دار کردن دانشجویان: از تکذیب تا تأیید، کمپین حقوق بشر ایران، ۱۳ آذر ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

https://persian.iranhumanrights.org/1389/09/students_deny_accept/

^۳ دانشجوی ممتاز در میان بهائیان محروم از تحصیل، رادیو زمانه، ۱۶ آذر ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.radiozamaneh.com/249985>

در سال ۱۳۹۵ ده‌ها داوطلب بهائی به روال ۲۰ سال گذشته، بار دیگر با اعلام «نقص پرونده» از انتخاب رشته و تحصیل در دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی ایران محروم شدند. در پیگیری‌های داوطلبان مشخص شده است که حداقل ۱۲۹ نفر از این شهروندان پس از قبولی در آزمون سراسری و مجاز شناخته‌شدن، به دلیل اعتقاد به دیانت بهائی، تحت عنوان نقص پرونده از تحصیل باز مانده‌اند.

یک شهروند بهائی که تا کنون چندین دفعه در آزمون سراسری ثبت نام کرده ولی هر سال به بهانه نقص پرونده از تحصیلات عالی‌ه بازمانده است، درباره چگونگی پیگیری پرونده‌اش در شهریورماه ۱۳۹۵ به «ایران‌وایر» گفت: «من و دو نفر دیگر ابتدا به سازمان سنجش مشکین‌دشت کرج مراجعه کردیم اما به طور شفاهی گفتند بهائی‌بودن مشکل اصلی ما است.... [ما] نامه‌هایی را با انشا و خط خودمان نوشتیم و تحویل دبیرخانه دادیم اما گفتند این نامه‌ها فایده‌ای ندارد و فقط باید نامه چاپی را امضا کنیم تا پی‌گیری و بررسی شود! در سازمان سنجش کرج یک لیست از اسامی ۱۲۹ نفر بهائی وجود داشت که به بهانه نقص پرونده محروم از تحصیل شده بودند. اسامی ما را پرسیدند و کنار اسم‌هایمان تیک زدند.»^۱

آن‌ها دوباره پیگیری کرده‌اند: «آقای نعیمائی، معاون بخش‌گزینش دانشجوی، به ما اعلام کردند نقص پرونده به خاطر اعتقادات مذهبی ما است. از ایشان تقاضای بررسی کردیم زیرا از نظر قانون، هر فرد فارغ از عقیده، مذهب و نژاد، حق تحصیل دارد. در پاسخ گفتند طبق مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی که بهائیان را ممنوع از تحصیلات دانشگاهی کرده است، عمل می‌کنیم. پس از پی‌گیری فراوان، متوجه شدیم تنها فردی که دسترسی به پرونده بهائیان دارد، مرتضی نوربخش، مدیر هسته‌گزینش سازمان سنجش آموزش کشور است. ایشان از خردادماه ۸۱ تا کنون با عوض شدن سه دولت، همچنان این سمت را دارا هستند. با ایشان ملاقات کردیم، گفتند فعلاً کاری برای رفع این مشکل نمی‌توان کرد و همین که بهائیان توانسته‌اند در آزمون شرکت کنند، به خاطر اقدامات ایشان بوده است. شرکت در کنکور چه فایده‌ای برای یک جوان بهائی دارد وقتی اجازه تحصیل در دانشگاه را ندارد. این فقط برای او موجب صرف وقت و هزینه بسیار است و از طرف دیگر، جنبه تبلیغاتی

^۱ محرومیت ۱۲۹ شهروند بهائی از تحصیلات دانشگاهی، ایران‌وایر، ۱۴ مهر ۱۳۹۵، قابل دسترسی

دارد که به دنیا نشان می‌دهد بهائیان هم در ایران مثل سایرین در کنکور دانشگاه‌ها شرکت می‌کنند.»

نتایج منتشرشده و اسامی قبول‌شدگان کنکور سراسری سال ۹۶ نیز نشان می‌دهد که باز هم عده زیادی از جوانان اقلیت بهائی در ایران از ورود به دانشگاه‌ها بازمانده‌اند. خبرگزاری هرانا از نقض حقوق دوباره بهائیان به دنبال اعلام نتایج کنکور سراسری خبر داده است. بر این اساس «عده زیادی از جوانان بهائی» که مشخصات ۲۱ نفر از آنان احراز شده است، در شهرهای مختلف ایران از ورود به دانشگاه‌ها محروم شده‌اند. هرانا لیستی ۲۱ نفره از اسامی بهائیان محروم‌شده از تحصیل در دانشگاه‌ها به دنبال اعلام نتایج کنکور سراسری سال ۹۶ را منتشر کرده است که در میان آن‌ها یک نفر برای یازدهمین بار و دیگری برای دومین بار است با واژه نقص پرونده روبه‌رو و از تحصیل محروم می‌شوند.^۱

^۱ اعلام نتایج کنکور: بهائیان باز هم از ورود به دانشگاه باز ماندند، رادیو زمانه، ۲۸ شهریور ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.radiozameh.com/359327>



حسن نیکبخت

مسئولیت‌ها^۱

- فرمانده انتظامی شهر نطنز (از توابع استان اصفهان) تا اردیبهشت ۱۳۹۲
- فرمانده انتظامی شهر فلاورجان (از توابع استان اصفهان) از اردیبهشت ۱۳۹۲ تا کنون

برخی از موارد نقض حقوق بشر

بر اساس تقسیمات استانی نیروی انتظامی شهر قهدریجان (در استان اصفهان) از سوی فرمانده انتظامی شهرستان فلاورجان اداره می‌شود. حسن نیکبخت به عنوان فرمانده انتظامی شهرستان فلاورجان در قبال کشته‌شدن ۶ نفر در ۱۱ دی ۱۳۹۶ با شلیک مستقیم نیروی انتظامی در قهدریجان مسئول است. اصغر هدایت، فرماندار فلاورجان (قهدریجان زیر نظر فرماندار فلاورجان است)، طی مصاحبه‌ای با صدا و سیما مدعی شد نیروی انتظامی معترضان را به دلیل "حمله مسلحانه" به پایگاه بسیج و کلاتتری قهدریجان هدف قرار داده است.^۲ این ادعا در حالی مطرح می‌شود که حتی در فیلم پخش شده در شبکه خبر نیز شواهدی مبنی بر مسلح‌بودن معترضان وجود ندارد. (در بخش‌هایی از فیلم تعدادی از معترضان مواد آتش‌زا را به سمت کلاتتری پرتاب می‌کنند).^۳

^۱ برگزاری مراسم معارفه و تودیع فرمانده نیروی انتظامی شهرستان نطنز، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2VWROmr>.

^۲ خلع سلاح کردن کلاتتری، قصد اغتشاشگران + فیلم، خبرگزاری صدا و سیما، ۱۲ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Dckel0>

^۳ فروکش و خط بیگانه..... شبکه خبر، ۱۲ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:



حسین علی نیری

رئیس دادگاه انتظامی قضات

وی تحصیلات حوزوی دارد و پس از انقلاب در دستگاه قضائی جمهوری اسلامی مشغول به کار شده است.

مسئولیت‌ها^۱

- حاکم شرع و قاضی دادگاه‌های انقلاب تهران از ابتدای دهه ۶۰ تا ۱۳۶۸
- مسئول مصادره اموال به دستور روح‌الله خمینی^۲ و عضو هیات امنای ستاد اجرایی فرمان امام^۳ از اردیبهشت ۱۳۶۸ تا دست‌کم آذر ۱۳۷۹
- قائم‌مقام دیوان عالی کشور احتمالاً از سال ۱۳۶۸ تا ۱۸ شهریور ۱۳۹۲
- رئیس دادگاه انتظامی قضات از ۱۸ شهریور ۱۳۹۲ تا کنون^۴

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. عضویت در هیات مرگ و کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷
- حسین علی نیری به عنوان حاکم شرع تهران در سال ۱۳۶۷، عضو کمیته‌ای

^۱ مخاطبان هشدارهای منتظری کجا هستند؟ بی بی سی، ۲۰ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در

نشانی اینترنتی: <https://bbc.in/2aNccRm>

^۲ نامه به رئیس دیوان عالی کشور (رسیدگی به پرونده غارتگران بیت المال)، سایت جامع آیت‌الله

خمینی، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RXsfCJ>

^۳ حکم هیات امناء ستاد اجرایی فرمان امام (ره)، پایگاه اطلاع‌رسانی محمد شریعتمداری، ۹ آذر

۱۳۷۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FCRXFQ>

^۴ نیری رئیس دادگاه انتظامی قضات و کریمی قائم‌مقام دیوان عالی شد، ایسنا، ۱۸ شهریور

۱۳۹۲، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RP4GM8>

موسوم به «هیات مرگ» بود که پس از چند سؤال درباره عقاید سیاسی و یا مذهبی زندانیان تصمیم به اعدام یا زنده ماندن آن‌ها می‌گرفت.

در مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷، چندین هزار زندانی سیاسی در ایران، با فتوای روح‌الله خمینی و تصمیم مقامات قضائی و اطلاعاتی اعدام شدند. تمامی آن‌ها پیش از این به مجازات زندان محکوم شده بودند و در حال گذراندن دوران محکومیت خود بودند و دوران محکومیت برخی از آنان نیز به پایان رسیده بود. زندانیان سیاسی مخفیانه اعدام شدند و پیکر آنان در گورهای بی‌نام‌ونشان یا جمعی در سراسر ایران دفن شده است.^۱

علاوه بر شهادت‌های متعدد جان‌به‌دربرندگان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، با انتشار فایل صوتی جلسه حسین‌علی منتظری با اعضای هیات مرگ^۲ در ۲۴ مرداد ۱۳۶۷، نقش حسین‌علی نیری، مصطفی پورمحمدی، نماینده وقت وزارت اطلاعات، ابراهیم رئیسی، جانشین وقت دادستان و مرتضی اشراقی، دادستان وقت، در صدور حکم اعدام برای هزاران زندانی سیاسی در زندان‌های اوین و گوهردشت به صورت انکارناپذیری ثابت شد.

پیش‌تر نیز حسین‌علی منتظری، از مراجع تقلید منتقد و تنها قائم‌مقام روح‌الله خمینی، در کتاب خاطرات خود به حسین‌علی نیری به عنوان فردی که در قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ نقش کلیدی داشته است اشاره کرده بود.^۳ در این فایل صوتی، حسین‌علی منتظری در حضور ابراهیم رئیسی (جانشین وقت دادستان)، مصطفی پورمحمدی (نماینده وقت وزارت اطلاعات)، حسین‌علی نیری (حاکم شرع وقت) و مرتضی اشراقی (دادستان وقت) می‌گوید: «بزرگترین جنایتی که در جمهوری اسلامی شده و تاریخ ما را محکوم می‌کند به دست شما انجام شده و شما را در آینده جزو جنایتکاران در تاریخ می‌نویسند.»^۴

^۱ برای اطلاعات بیشتر درباره گورهای جمعی، به پلتفرم چندرسانه‌ای "خاک‌رنج" در این نشانی اینترنتی مراجعه کنید: <https://painscapes.com>

^۲ انتشار فایل صوتی آیت‌الله منتظری در مورد اعدام‌های سال ۱۳۶۷، بی بی سی، ۲۰ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی: <https://bbc.in/2SVbNA3>.

^۳ آیت‌الله منتظری نقش پورمحمدی در اعدام‌های سال ۱۳۶۷ تأیید کرد، بی بی سی، ۲۵ آذر ۱۳۸۴، قابل دسترسی در نشانی: <https://bbc.in/2ssIxEY>.

^۴ انتشار فایل صوتی سخنان آیت‌الله منتظری درباره اعدام‌های ۶۷؛ مرتکب بزرگترین جنایت شده‌اید، صدای آمریکا، ۱۹ مرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2McrBMB>

وکلای بین‌المللی حقوق بشری چون جفری رابرتسون،^۱ همچنین هیات قضات دادگاه مردمی ایران تریبونال^۲ و سازمان عفو بین‌الملل^۳، کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ را مصداق جنایت علیه بشریت دانسته‌اند. سازمان ملل نیز قربانیان کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ را مصداق «ناپدیدشدگی قهری» دانسته است.^۴ به رسمیت شناخته شدن قربانیان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ به عنوان ناپدیدشده قهری، دولت جمهوری اسلامی ایران را براساس قوانین بین‌المللی موظف می‌کند که حق خانواده‌های قربانیان را برای دانستن حقیقت درباره سرنوشت و محل دفن عزیزان‌شان ادا کند و مسئولان آن را تحت تعقیب قرار دهد. از نظر حقوق بین‌الملل، ناپدیدشدگی قهری نقض مداوم حقوق بشر و یک جرم بین‌المللی است و تا زمانی که فرد ناپدید شده پیدا یا سرنوشت‌اش به‌طور کامل معلوم نشود، حتی با وجود گذشت چند دهه، مشمول مرور زمان نمی‌شود.

۲. نقض حقوق اقتصادی شهروندان بهائی

حسین علی نیری در اردیبهشت ۱۳۶۸ با پیشنهاد مهدی کروبی و حسن صانعی و تأیید روح‌الله خمینی برای "رسیدگی به پرونده‌های غارت‌گران بیت‌المال" منصوب شد.^۵ پس از آن و در دوران رهبری سید علی خامنه‌ای و دست‌کم تا سال ۱۳۷۹، نیری به عنوان عضو هیات امنای ستاد اجرایی مشغول فعالیت بوده است.^۶ در

^۱ کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷، جفری رابرتسون، بنیاد برومند، فروردین ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: https://www.iranrights.org/attachments/library/doc_5.pdf

^۲ حکم دادگاه ایران تریبونال، ایران تریبونال، ۱۷ بهمن ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2DaFCH7>

^۳ کشتار ۶۷؛ استمرار جنایت علیه بشریت توسط حکومت ایران، عفو بین‌الملل، ۴ دسامبر ۲۰۱۹، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.amnesty.org/download/Documents/MDE1395132018PERSIAN.PDF>

^۴ سازمان ملل قربانیان کشتار ۶۷ را به عنوان ناپدیدشده قهری به رسمیت شناخت، عدالت برای ایران، ۱۱ آبان ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FEPP03>

^۵ نامه به رئیس دیوان عالی کشور (رسیدگی به پرونده غارتگران بیت‌المال)، سایت جامع آیت‌الله خمینی، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۸، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2RXsfCJ>

^۶ حکم هیات امناء ستاد اجرایی فرمان امام (ره)، پایگاه اطلاع‌رسانی محمد شریعتمداری، ۹ آذر ۱۳۷۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2FCRXFQ>

همین دوران حسین‌علی نیری در مصادره اموال یکی از شهروندان بهائی به دلیل باورهای مذهبی‌اش نقش مؤثری داشته است.

بر اساس حکم شعبه ۳ دادگاه انقلاب و تأیید حسین‌علی نیری، ستاد اجرایی فرمان امام تمام اموال خانم شعاعیه میرآفتاب، شهروند بهائی، را مصادره کرده است.^۱ در بخشی از نامه‌ای که در این باره به دبیرخانه قوه قضائیه ارسال شده، آمده است: «خانم شعاعیه میرآفتاب به اتهام وابستگی به فرقه ضاله و مضله بهائیت و فعالیت برای تشکیلات غیرقانونی یادشده و خروج از استیذان جمهوری اسلامی در تاریخ ۲/۳/۱۳۶۹ در شعبه سوم دادگاه انقلاب اسلامی تهران محاکمه و به استناد حکم شماره ۲۱۰۲۵ به مصادره کلیه اموال اعم از موارد شناخته‌شده و غیر آن و آنچه به اسم خود یا دیگران نموده است محکوم و در اجرای فرمان مورخ ۶/۳/۱۳۶۸ حضرت امام قدس سره‌الشریف به تأیید جناب آقای نیری رسید و کلیه اموال وی در اختیار وکلای منتخب ولی فقیه قرار داده شده است.»

^۱ ابلاغیه محکومیت و مصادره اموال شعاعیه میرآفتاب، خانه اسناد بهایی‌ستیزی در ایران، ۱۶ آذر ۱۳۷۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2S4zY1I>



میثم نیلی

رئیس هیئت مدیره انتشارات
سروش

وی متولد ۱۳۵۹ و فارغ‌التحصیل کارشناسی رشته کشاورزی است

مسئولیت‌ها

- مدیرمسئول سایت رجانیوز از خرداد ۱۳۸۵ تا کنون^۱
- مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی^۲ دست‌کم از آذر ۱۳۹۰ تا کنون^۳
- مدیر کل دفتر امور فرهنگی وزارت کار با حکم وزیر کار و امور اجتماعی از اردیبهشت ۱۳۸۹ تا آبان ۱۳۹۰
- عضو شورای مرکزی جبهه پایداری از مهر ۱۳۹۱^۴ تا کنون^۵
- مشاور جوان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی^۶ از مرداد ۱۳۸۴ تا شهریور ۱۳۸۸

^۱ گفتمان رجا، عدالت و هدف آن امر به معروف و نهی از منکر، خبرگزاری فارس، ۳ خرداد ۱۳۹۰.

قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2R19zxm>

^۲ ناشران انقلاب اسلامی گرد هم می‌آیند، خبرگزاری مهر، ۷ آذر ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی

اینترنتی: <https://bit.ly/2RB6k4R>

^۳ اعطای جایز «شهید اندرزگو» در ۴ بخش / گفتمان پهلوی‌ها اباحه‌گری، اشرافی‌گری و بهائیت است، خبرگزاری فارس، ۶ اسفند ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://bit.ly/2MjSIop>

^۴ معرفی اعضای شورای مرکزی جبهه پایداری، فرارو، ۱۲ مهر ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی

اینترنتی: <https://bit.ly/2AR2hXA>

^۵ آشنایی با سوابق ۱۷ عضو جدید شورای مرکزی جبهه پایداری، خبرگزاری تسنیم، ۱۰ مهر

۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2HjHwJQ>

^۶ مشاوران جوان احمدی‌نژاد به کجا رسیدند؟، فرارو، ۱۳ خرداد ۱۳۸۹، قابل دسترسی در نشانی

اینترنتی: <https://bit.ly/2Ryfcbg>

- مسئول کمیته سیاسی ستاد انتخاباتی احمدی‌نژاد^۱
- دبیر کل جامعه اسلامی دانشجویان
- رئیس هیئت مدیره انتشارات سروش از ۸ دی ۱۳۹۷ تا کنون^۲

برخی از موارد نقض حقوق بشر

۱. نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی با نفرت‌پراکنی علیه آنان

پایگاه اطلاع‌رسانی رجا یا رجانیزو چند ماه پس از روی کار آمدن دولت اول احمدی‌نژاد و با رویکرد دفاع و تبیین سیاست‌های دولت آغاز به فعالیت کرد. رجانیزو تحت مدیریت میثم نیلی احمدآبادی با انتشار مقالات متعددی به نشر اتهامات خلاف واقع بدون ارائه مستند، زمینه افزایش فشار و نقض حقوق بهائیان را به دلیل عقیده و باور مذهبی‌شان فراهم کرده است. جامعه جهانی بهائیان در گزارش «کمپین رسانه‌ای ایران برای دهشتناک جلوه دادن بهائیان»^۳ به طرح و بحث نقش و عملکرد گسترده رسانه‌های وابسته و یا نزدیک به حکومت جمهوری اسلامی ایران مانند رجانیزو پرداخته است که در ادامه به مواردی از آن اشاره شده است: «در مطلب منتشرشده در تارنمای رجانیزو، مورخ ۲۴ فروردین ۱۳۹۱؛^۴ تلاش برای مرتبط جلوه‌دادن دیانت بهائی به تفکرات صهیونیستی آمده است: "...رها اعتمادی که فردی بهائی‌زاده و از خانواده نوکران و خدمتکاران دربار شاه مخلوع است در سال ۲۰۱۰ با همکاری رسمی دربار انگلیس و چند نفر از عوامل دیگر شبکه "من و تو" را که از همان ابتدا لقب خواهرخوانده بی‌بی‌سی فارسی را یدک می‌کشید راه اندازی کرد تا این شبکه از همان ابتدا با تفکری بهائی - صهیونیستی و ضد ایرانی پا به عرصه وجود بگذارد...»

^۱ نیلی: رای مردم در سوم تیر پاسخ نه به لیبرال دموکراسی غربی بود، خبرگزاری فارس، ۲ تیر ۱۳۸۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2CEfZNN>

^۲ انتصاب مدیرعامل جدید شرکت انتشارات سروش، خبرگزاری مهر، ۸ دی ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2D1uStk>

^۳ Inciting Hatred: Iran's media campaign to demonize Baha'is, Bahá'í International Community, 1 Feb 2011, Available at: <https://bit.ly/2AR4Dpo>

^۴ اعتقاد راسخ به فرقه ضاله بهائیت شرط استخدام در شبکه من و تو + سند، رجانیزو، ۲۴ فروردین ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.rajanews.com/news/105720>

یا در مطلبی که در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۳۹۰ منتشر شده است ضمن استفاده از الفاظ توهین‌آمیز برای اشاره به دیانت بهائی و بهائیان به اقدام بعضی از شعب دانشگاه آزاد برای قراردادن گزینه "بهائی" در بخش مذهب اعتراض کرد و آن را "اقدامی برای تأیید این مکتب انحرافی" بیان کرده است: «... برخی واحدهای دانشگاه آزاد در کنار ادیانی مانند اسلام، یهودی، کلیمی، زرتشتی و مسیحی، نام فرقه ضاله و انحرافی بهائیت را نیز درج کرده و به نوعی آن را جزء ادیان به شمار آورده است. این در حالی است که بهائیت جزء هیچ یک از ادیان و فرقه‌های مذهبی نبوده و یک فرقه سیاسی انحرافی ایجاد شده توسط رژیم سلطنتی انگلیس است که مأمون اصلی آنان نیز در حال حاضر در سرزمین‌های اشغالی است.»^۱

در مطلب دیگری به تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۹۰ تارنمای رجانیوز مطالبی با مضمون ترویج نفرت و انزجار از دیانت بهائی را بدون ارائه مدرک و دلیل بازنشر کرده است و به بی‌احترامی و توهین به پیروان این دین پرداخته است: «... بهائیت دین ابداعی استعمارگران برای به بندکشیدن اعتقادات مسلمانان و به منظور اختلاف-افکنی تأسیس شد. از اعتقادات بهائیان می‌توان به نفی خاتمیت حضرت محمد مصطفی صل‌الله‌علیه و آله، نفی وجود بهشت و جهنم و رد شرایع اسلام اشاره کرد. از نظر تمام علمای شیعه پیروان این فرقه استعمارساز کافر بوده و نمی‌توان با آن‌ها داد و ستد کرد و در قبرستان مسلمانان دفن نمود. فتاوای فوق در مورد بهائیت مختص به تشیع نبوده بلکه اهل سنت نیز پیروان این فرقه ضاله را نجس می‌شمارند...»^۲

۲. مشارکت در سرکوب اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶

در ۱۱ دی‌ماه ۱۳۹۶ رجانیوز با بازنشر مطلب تارنمای گرداب^۳ (متعلق به مرکز بررسی جرائم سازمان‌یافته سپاه پاسداران)، و منتشرکردن تصویر شهروندان معترض از مخاطبان خود می‌خواهد که این افراد را شناسایی کنند.^۱

^۱ اقدام عجیب دانشگاه آزاد در تأیید فرقه ضاله بهائیت، رجانیوز، ۱۷ فروردین ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.rajanews.com/news/67369>

^۲ اعضای فرقه ضاله بهائیت در آغوش آل خلیفه، رجانیوز، ۱۵ بهمن ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <http://www.rajanews.com/news/99044>

^۳ درباره ما، فرماندهی امنیت سایبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، گرداب، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://gerdab.ir/fa/about>

اعتراض‌های خیابانی در ایران از روز ۷ دی‌ماه در مشهد آغاز شد و به سرعت سراسر کشور را فرا گرفت. این اعتراضات به‌مدت ۱۰ روز و تا ۱۷ دی‌ماه ۱۳۹۶ ادامه یافت و تظاهرات‌کنندگان در ده‌ها شهر کوچک و بزرگ ایران شعارهایی را ضد حکومت جمهوری اسلامی و مقام‌های عالی‌رتبه آن سر دادند. از ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۶ با برقراری جو به‌شدت امنیتی در شهرهای بزرگ کشور اعتراضات سراسری کم‌رنگ و پراکنده شد.

بر اساس آمارهای رسمی نزدیک به ۴ هزار نفر از معترضان بازداشت شدند و حداقل ۲۵ نفر از آنان در خیابان و توسط ماموران دولتی کشته شده‌اند.

^۱ اغتشاش‌گران را شناسایی کنید+ عکس، رجانیوز، ۱۱ دی ۱۳۹۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:
<https://bit.ly/2MhhkhK>



هادی هاشمیان

مسئولیت‌ها

- رئیس شعبه ۲۴ تجدیدنظر استان مازندران تا اردیبهشت ۱۳۹۳^۱
- رئیس شعبه اول دادگاه عمومی و رئیس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب شهرستان ساری از اردیبهشت ۱۳۹۳ تا اردیبهشت ۱۳۹۴
- رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر و رئیس کل دادگستری استان گلستان از ۲۰ خرداد ۱۳۹۴ تا کنون^۲

برخی از موارد نقض حقوق بشر

هادی هاشمیان به عنوان رئیس کل دادگستری استان گلستان با بی‌توجهی به خواست شهروندان بهائی محکوم به حبس مبنی بر نقض حقوق خود و همچنین نادیده گرفتن شکنجه متهمان در روند بازجویی مرتکب نقض حقوق بشر شده است. ۲۶ مهرماه سال ۱۳۹۱ تعداد ۱۹ تن از شهروندان بهائی به صورت هم‌زمان در استان گلستان بازداشت شدند و طی پروسه‌ای یک ساله تعداد بازداشت‌شدگان به ۳۲ تن رسید. دی‌ماه ۱۳۹۴، ۲۴ تن از این بازداشت‌شدگان^۳ با طرح اتهاماتی همچون «همکاری با دول متخاصم» و «عضویت، تشکیل و اداره تشکیلات غیر

^۱ رئیس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ساری معرفی شد، شمال نیوز، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۳،

قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2sAADJN>

^۲ انتصاب رئیس کل دادگستری استان گلستان، ایرنا، ۱۷ خرداد ۱۳۹۴، قابل دسترسی در نشانی

اینترنتی: <http://www.irna.ir/golestan/fa/News/81637069>

^۳ ۲۴ بهائی در استان گلستان به زندان محکوم شدند، بی بی سی، ۸ بهمن ۱۳۹۴، قابل دسترسی

در نشانی اینترنتی: http://www.bbc.com/persian/iran/2016/01/160128_u01-bahais-golestan

قانونی» در دادگاه انقلاب گرگان که از مجموعه‌های تحت نظارت هادی هاشمیان است به ۱۹۳ سال حبس تعزیری محکوم شدند.^۱

پس از صدور این حکم، برخی بازداشت شدگان پرونده با تنظیم نامه‌ای، ضمن توضیح فعالیت‌های «اجتماعی» و «مذهبی» خود و تأکید بر عدم «تطابق اتهامات» مطروحه در دادگاه بدوی با «مستندات پرونده» از هادی هاشمیان، ریاست دادگستری کل استان گلستان، «رسیدگی منصفانه» در دادگاه تجدیدنظر را درخواست کردند.

بر اساس تحقیقات عدالت برای ایران، گروه اول از متهمان این پرونده که به صورت موقت و با قید وثیقه‌های سنگین آزاد شده بودند، در تاریخ ۹ آذرماه ۱۳۹۱ طی نامه‌ای مفصل به ریاست دادگستری گلستان نوشته بودند که بازجویان وزارت اطلاعات و افرادی که خود را «مرجع و ضابط قضائی» معرفی کرده‌اند، علاوه بر رفتارهای غیرقانونی، بازداشت‌شدگان را تحت شکنجه‌های شدید قرار داده‌اند.

آویزان کردن از سطح شیب‌دار، کوبیدن بر سر و صورت بازداشت‌شدگان، نگاه‌داشتن بازداشت‌شدگان شکنجه‌شده در زیر باران برای ساعت‌های طولانی و کوبیدن بر دهان آن‌ها فقط بخشی از شکنجه‌هایی است که در این نامه درباره آن نوشته شده است.

در شکواییه‌ای که خطاب به رئیس وقت اداره دادگستری گلستان نوشته شده بود، آمده است که زنان بازداشت‌شده مورد آزارهای جنسی قرار گرفته‌اند. بسیاری از زنان بازداشت‌شده به صورت شبانه بازجویی می‌شدند، آن‌ها را با چشم‌بند به اتاقی می‌بردند که چندین مرد در آنجا حاضر بود. یکی از آن‌ها بازجویی می‌کرد و مردان دیگر در اطراف زن حضور داشتند. طولانی بودن زمان بازجویی‌های شبانه، بردن فرد بازداشت‌شده به اتاقکی در گوشه حیاط، ضرب و شتم، تهدید به آزار و اذیت دختران نوجوان بازداشت‌شدگان، متهم کردن آن‌ها و دختران‌شان به روابط غیراخلاقی و نزدیک شدن بازجویان به بازداشت‌شدگان زن از جمله فشارهایی بود که برای گرفتن اعتراف از بازداشت‌شدگان به آن‌ها وارد می‌شد.

هادی هاشمیان با نادیده گرفتن این درخواست قانونی و سرباززدن از دریافت و ثبت این نامه، زندانی کردن افراد به دلایل عقیدتی و عدم تحقیق در مورد شکایت بازداشت‌شدگان درمورد شکنجه، به عنوان ناقض حقوق بشر شناسایی شده است و باید در قبال عملکرد خود پاسخگو باشد.

^۱ همان.



سید محمدرضا هاشمی گلپایگانی

متولد ۱۴ دی ماه سال ۱۳۲۵ در نجف؛ او دکترای مهندسی پزشکی دارد.^۱

مسئولیت‌ها^۲

- عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی از سال ۱۳۶۳ تا کنون
- دبیر شورای انقلاب فرهنگی از ۲۷ فروردین ۱۳۶۴ تا سال ۱۳۷۲^۳
- رئیس گروه فنی و مهندسی ستاد انقلاب فرهنگی
- معاون آموزشی و پژوهشی دانشگاه صنعتی امیر کبیر
- وزیر فرهنگ و آموزش عالی از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶
- عضو هیات ممیزه دانشگاه صنعتی امیر کبیر^۴
- عضو هیات امنای فرهنگستان علوم
- مدرس دانشکده مهندسی پزشکی دانشگاه صنعتی امیر کبیر

^۱ دکتر سید محمدرضا هاشمی گلپایگانی، وبسایت چهره‌ها، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، قابل دسترسی در این نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2DBafWL>

^۲ همان

^۳ انتخاب نایب رئیس و دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی (آقایان اکبر هاشمی رفسنجانی و سید محمدرضا هاشمی گلپایگانی)، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۲۷ فروردین ۱۳۶۴، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2Cy5HhO>

^۴ اعضای هیات ممیزه دانشگاه صنعتی امیر کبیر (به ترتیب الفبا)، دانشگاه صنعتی امیر کبیر، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<http://edu.aut.ac.ir/iCMS/bd/?f=public&s=members1&l=1>

برخی از موارد نقض حقوق بشر

سید محمدرضا هاشمی گلیایگانی به عنوان دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در ممانعت از تحصیل بهائیان نقش موثر داشته است. او در تاریخ ۶ اسفندماه ۱۳۶۹ با امضای سندی محرمانه^۱، درباره تعیین نحوه برخورد جمهوری اسلامی با بهائیان، نقش موثری در تثبیت ممانعت از تحصیلات دانشگاهی آن‌ها داشته و مرتکب نقض حقوق بشر شده است.

در نامه فوق نتایج جمع‌بندی مذاکرات و پیشنهادات این شورا درباره سیاست‌گذاری دولت وقت در خصوص «مسائل بهائیان» به استحضار علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، رسانده شده است. در بخشنامه محرمانه‌ای که از سوی مدیر کل حراست مرکزی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، با عنوان «ممنوعیت تحصیل افراد بهائی در دانشگاه‌ها»^۲، خطاب به کلیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور صادر شده است دقیقا به همین مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی استناد کرده است. شورای عالی انقلاب فرهنگی مرجع عالی سیاست‌گذاری، تعیین خط مشی، تصمیم‌گیری و هماهنگی و هدایت امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی کشور در چارچوب سیاست‌های کلی نظام است و تصمیمات و مصوبات آن لازم‌الاجرا و در حکم قانون است.^۳

بر اساس این مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی دانش‌آموزان بهائی تا زمانی که مذهب خود را «اظهار» نکرده‌اند در مدارس ثبت نام خواهند شد و با سلب آزادی دانش‌آموزان برای انتخاب محل آموزش، تاکید شده است که «حتی‌المقدور» دانش‌آموزان بهائی به مدارس ارجاع داده شوند که «کادر قوی و مسلط بر مسائل عقیدتی» دارند. این مصوبه الگو و مستند اصلی سلب حق تحصیل بهائیان در ایران بوده است.

دیوان عدالت اداری این مصوبه را مبنای رد شکایت دانشجویان بهائی قرار داده

^۱ مسئله بهائیان، آسو، ۱۳ دی ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.aasoo.org/fa/documents/16>

^۲ ممنوعیت تحصیل افراد بهائی در دانشگاه‌ها، خانه اسناد بهائی‌ستیزی در ایران، ۱۳۸۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://iranbahai-persecution.bic.org/fa/archive/mmmnwyt-thsyt-afraad-bhavy-dr-danshgahha>

^۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2AWrvUA>

است و دست‌کم شکایت‌هایی که شایان مقیمی فیروزآباد^۱ و رزیتا تشکر^۲ به علت محرومیت از تحصیل به دیوان عدالت اداری ارسال کرده‌اند را حسن مهدوی، رئیس شعبه چهارم دیوان عدالت اداری و میرنقی قاضی‌پور، رئیس شعبه دوم دیوان عدالت اداری، با استناد به این مصوبه رد کرده‌اند.

در حکم شعبه چهارم دیوان عدالت اداری به ریاست حسن مهدوی در رد شکایت شایان مقیمی فیروزآباد آمده است: «در خصوص دادخواست آقای شایان مقیمی فیروزآباد، به طرفیت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، به خواسته قبولی در امتحان کنکور سال ۱۳۸۵ و ادامه تحصیل، با توجه به محتویات پرونده و پاسخ واصله نظر به این‌که وضعیت نامبرده با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تطبیق و مردود شناخته شده است و اعتراض موجهی ندارد که تخلف از مقررات را ثابت نموده و خواسته وی را موجه سازد بنابراین ذی‌حق بودن شاکی محرز نمی‌باشد، لذا حکم به رد شکایت صادر می‌گردد این رای مطابق ماده ۷ قانون دیوان قطعی است.»^۳

میرنقی قاضی‌پور در رد شکایت رزیتا تشکر گفته است: «مستندا به مصوبه شماره دوم ۱۳۲۷ مورخ ۱۳۶۹/۱۲/۶ شورای انقلاب فرهنگی که به تنفیذ مقام عظمای ولایت نیز رسیده است حکم به رد شکایت مطروحه را صادر و اعلام می‌نمایند.» یکی از دانشجویان بهائی محروم از تحصیل، که حسن مهدوی شکایت او را بررسی کرده است، در شهادت خود نزد عدالت برای ایران می‌گوید که حسن مهدوی از همان ابتدا و پیش از صدور حکم به او گفته بود: «تکلیف شما مشخص است و خیلی کاری نمی‌توانید بکنید» این دانشجوی بهائی می‌گوید که مهدوی مدام اصرار می‌کرد که شما تبلیغ بهائیت را کرده‌ای و پاسخ من مبنی بر این‌که تبلیغ نکرده‌ام و حتی هم‌کلاسی‌هایم از بهائی بودن من خبر نداشتند بی‌فایده بود. حسن مهدوی از این دانشجوی بهائی خواسته بود که برای حل‌شدن مشکل محرومیت از تحصیلش بنویسد که مسلمان است و در پاسخ این دانشجو مبنی بر

^۱ رد شکایت یک دانشجوی بهائی از وزارت علوم توسط دیوان عدالت اداری، هرانا، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2R78bcp>

^۲ گزارش از اخراج رزیتا تشکر دانشجوی بهائی، محبان، ۲۶ دی ۱۳۸۶، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: http://mohbban.blogspot.com/2008/01/blog-post_2229.html

^۳ رد شکایت یک دانشجوی بهائی از وزارت علوم توسط دیوان عدالت اداری، هرانا، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۳، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2R78bcp>

صدور حکم بر اساس اسناد و مدارک موجود گفته بود: «ما از دانشگاه مدارک می‌خواهیم ولی تکلیف شما تقریباً مشخص است و حرفت پیش نمی‌رود.» یکی دیگر از دانشجویان محروم از تحصیل در شهادت خود نزد عدالت برای ایران گفته بود که پس از رد شکایتش از سوی دیوان عدالت اداری کشور نیز پیگیر حقتش برای بازگشت به دانشگاه بود. اما مراجعه‌های مکرر به سازمان سنجش، وزارت علوم و وزارت بهداشت، که دانشگاه‌های علوم پزشکی را تحت پوشش دارد، بی‌فایده بود و در زمان ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی تمام مراجعاتش بی‌پاسخ مانده است. او می‌گوید: «در این پیگیری‌ها اگر کارمندا باشند می‌گویند محرومیت شما از تحصیل به خاطر بهائی بودن است، اما کارمندا می‌گویند که معمولاً می‌گویند دلیلش را خودتان بهتر می‌دانید.»

حنان حر در مهرماه سال ۱۳۹۵ به دلیل اعتقاد به دیانت بهائی از تحصیل در رشته مکانیک دانشگاه نوشیروانی بابل محروم و از دانشگاه مذکور اخراج شد.^۱ دادنامه او در شعبه ۴۰ دیوان عدالت اداری به ریاست اسمعیلی فرد رد شد. در این حکم آمده است: «مطابق مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، بهائیان علاوه بر محرومیت از اشتغال در اماکن دولتی، از تحصیلات دانشگاهی منع شده‌اند.» ممنوعیت استخدامی در صورت «ابراز بهائی بودن» و ممنوعیت اشتغال در پست‌های مهمی همچون معلمی از موارد دیگری است که در این سند به تصویب رسیده است. این مصوبه به صورت محرمانه برای دفتر رهبر جمهوری اسلامی ایران ارسال شده بود و علی‌خامنه‌ای با امضای این سند آن را تایید کرد و در زیر آن نوشته بود: «مصوبه شورای عالی محترم کافی به نظر می‌رسد. از توجه و اهتمام آقایان متشکرم.»

^۱ دیوان عدالت اداری تاکید کرد؛ بهائیان در ایران حق تحصیلات دانشگاهی ندارند / اسناد، هرانا، ۸ خرداد ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://www.hra-news.org/2018/hranews/a-15535/>



مسعود ولایتی (معاذاللہی)

مسئولیت‌ها

- بازپرس شعبه هفتم دادرسی عمومی و انقلاب کرمان دست‌کم از ۱۳۸۹ تا ۲ مهر ۱۳۹۱
- دادستان عمومی و انقلاب کهنوج^۱ از ۲ مهر ۱۳۹۱ تا ۷ آذر ۱۳۹۵^۲
- مستشار دادگاه کیفری ۱ استان سیستان و بلوچستان از آذر ۱۳۹۵^۳
- هم‌اکنون قاضی دادگاه تجدیدنظر استان سیستان و بلوچستان^۴
- هم‌اکنون قاضی هیات نظارت بر حفظ حقوق شهروندی دادگستری استان سیستان و بلوچستان^۵

^۱ مسعود ولایتی دادستان کهنوج شد، خبرگزاری فارس، ۲ مهر ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2sA8eDU>

^۲ برگزاری جلسه شورای اداری با حضور فرماندار، وبسایت فرمانداری کهنوج، ۷ آذر ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2AUpqZ4>

^۳ دیدار چهره به چهره مددجویان زندان مرکزی با قضات دادگاه کیفری یک استان سیستان و بلوچستان، اداره کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی تربیتی استان سیستان و بلوچستان، ۲۲ آذر ۱۳۹۵، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2HjScNi>

^۴ نگاه گشکا به رونق گردشگری فرامنطقه‌ای است، تارنمای صدای زند، ۲۵ آبان ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2SihNpn>

^۵ بازدید اعضای هیئت حقوق شهروندی استان از زندان چابهار، اداره کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی تربیتی استان سیستان و بلوچستان، ۱۶ دی ۱۳۹۷، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://bit.ly/2sA9EOK>

برخی از موارد نقض حقوق بشر

مسعود ولایتی (معاذاللهی) به عنوان بازپرس شعبه هفتم دادسرای عمومی و انقلاب کرمان حقوق پیروان دیانت بهائی را با صدور دستور بازداشت موقت، تفتیش منزل، عدم دسترسی به وکیل، عدم دسترسی به امکانات پزشکی و... نقض کرده است که نمونه‌هایی از آن در ادامه آمده است.

در ۱۶ دی ۱۳۹۰ «بختیار راسخی»، «فرحناز نعیمی» و «فرین راسخی»، اعضای یک خانواده بهائی ساکن کرمان، به دلیل برگزاری مراسم گرامی‌داشت روز جوانان بهائی ایران در منزل خود بازداشت^۱ و به مدت بیش از ۸۰ روز در بازداشتگاه نگهداری شدند بدون این‌که درباره پرونده ایشان تصمیمی گرفته شود.^۲

بر اساس شهادت روژین راسخی (دختر دیگر این خانواده)، فرحناز نعیمی پس از چند روز از بازداشت دچار خونریزی معده می‌شود که به دستور بازپرس پرونده، مسعود ولایتی (معاذاللهی)، نه فقط امکان برخورداری از معالجه و امکانات درمانی از او سلب می‌شود، ممنوع‌الملاقات نیز اعلام می‌شود.

^۱ کرمان: دستگیری آقای بختیار راسخی، خانم فرحناز نعیمی (راسخی) و خانم فرین راسخی، سرویس خبری جامعه بهائی، ۲۲ بهمن ۱۳۹۰، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی:

<https://news.persian-bahai.org/2012021101>

^۲ بلا تکلیفی یک خانواده‌ی بهائی پس از ۸۰ روز بازداشت موقت، هرانا، ۱۰ فروردین ۱۳۹۱، قابل دسترسی در نشانی اینترنتی: <https://www.hra-news.org/2012/hranews/1-10521/>

نمایه اشخاص

- آبدین، عباس ۲۷۵
 آبرمند ۱۰۷
 آتشی ۵۳
 آخوندزاده بستی، محمدمهدی ۳۶۱
 آذری جهرمی، محمدجواد ۳، ۷، ۱۱، ۱۲، ۱۳
 آرمین، محسن ۳۰۰، ۳۰۱
 آزمایش، مصطفی ۲۰۸
 آسخ، احمد ۲۰
 آشوغ، محمدرضا ۱۵، ۲۰، ۲۱
 آقاسلطان، ندا ۵۶
 آلبوشوکه، جابر ۲۵۸
 آلبوشوکه، مختار ۲۵۸
 آوایی، سید علیرضا ۳، ۶، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸
 آیت‌اللهی، حسین ۵۰
 ابراهیم‌زاده، بهنام ۱۸۳
 ابراهیم‌نژاد، عزت ۱۸۶، ۲۲۲
 ابدی، ارسلان ۳۵۱
 ابوالهادی، ابوالفتح ۲۴
 ابوطالبی، پیام ۷۵
 اتحادی، سارنگ ۳۲۸
 احمد فخرالدین، وحید ۷۴، ۷۵
 احمدی ۱۲۵
 احمدی، الهام ۲۹۶
 احمدی، امیر ۴۲، ۴۴
 احمدی، شهرام ۳۲۹
 احمدی امویی، بهمن ۶۳، ۷۶، ۱۸۳
 احمدی شاهرودی، محمدحسین ۳، ۱۹، ۲۰، ۲۲
 احمدی‌مقدم، اسماعیل ۳۰۶
 احمدی‌نژاد، محمود ۹۲، ۲۳۴، ۳۰۷، ۳۱۴، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۹۶
 اختصاری، فاطمه ۳۳۰
 اردوان، سودابه ۱۴۳
 ارسی، مؤده ۱۳۹
 استاد حسینی ۱۰۹
 اسدی، سعید ۳، ۲۴
 اسدی، میلاد ۳۳۰، ۳۵۱
 اسکندری، پروانه ۶۱، ۱۱۷، ۱۲۳
 اسلامیان، مهدی ۲۷۹
 اسماعیل‌پور، جهانگیر ۶۸
 اسمعیلی‌فرد ۳۹۶
 اشتری، حسین ۳، ۲۷، ۲۸
 اشتهاردی ۳۴۷
 اشراقی، مرتضی ۳، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۵۹، ۱۷۶، ۲۲۳، ۳۸۴
 اشرفی (اتحادی)، نسیم ۳۲۹
 اشکانی، علی ۲۷۵
 اصغری، احمدرضا ۱۵۸
 اصغری، وحید ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۱۶۷، ۲۵۷، ۳۳۰
 اصل شرحانی، منصور ۱۱۲
 اعتمادی، رها ۳۸۸
 عربی، سهیل ۹۷
 اعظم، شهرام ۱۲۵، ۳۰۰
 اغصانی، پیام ۳۲۹
 افسرده، محسن ۲۷۵
 افشار، میثاق ۲۲۹
 افشاری، علی ۲۲۲
 الف، امیر ۲۱۳
 القاسیور، مهری ۲۱۵

- الهه ۶۷
 امامی، سعید ۲۰۴، ۲۰۳، ۶۱
 امانی، جاوید ۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷
 امرآبادی، مهسا ۶۴
 امیرابراهیمی، روزبه ۳۰۳
 امیرارجمند، اردشیر ۳۶۱
 امیر خنافره، عبدالرضا ۲۵۸
 انتظاری، مینا ۱۴۰
 اندرزگو ۳۸۷
 انصاری، مجید ۲۰۳
 اورهن، حیدر ۲۷۵
 اولیایی فرد، محمد ۷۴
 ایرایی، گلرخ ۹۷
 ایمانی یامچی، محمد ۳، ۳۸، ۳۹
 ب، حسن و علی ۲۱۲
 باباپور، مسعود ۳۵۱
 بابایی، حسن ۳، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴
 بادوام، محمود ۳۲۸
 باقری، پروین ۲۱۶
 باقی، شاکر ۴۲
 باقری، شریعت ۲۷۵
 باقری، نسیم ۳۲۸
 بانشی، جابر ۳۵۵
 ببرزاده، اروجعلی ۱۸۶
 بختیار، شاپور ۶۱، ۱۱۷
 بختیار، محمدعلی (فرانوش) ۳۶۴
 بخشی، اسماعیل ۱۷۲، ۲۴۳
 بخشی، محمد ۳۰۱
 بدافی، رسول ۱۸۳
 برازنده، حسین ۱۲۴
 برزگر گنجی، مصطفی ۳، ۴۶، ۴۷، ۴۸
 برزگری، اسماعیل ۱۸۳
- برزین خلیفه‌لو، موسی ۳۸، ۳۹
 بروجردی، لیلی ۱۵۰
 بشارتی جهرمی، علی محمد ۳، ۴۹، ۵۰
 بقایی، غلامرضا ۱۱۳
 بنگاله، نازنین ۱۸۹
 بنگاله، نعمت‌الله ۱۸۹
 بنی‌صدر، ابوالحسن ۵۳، ۱۵۷
 بنی‌یعقوب، ژیللا ۶۳، ۶۴
 بورقانی، سهام ۱۹۶، ۲۴۷
 بهاری، مازیار ۱۹۶، ۲۰۸، ۲۴۶، ۲۴۷
 بهبهانی، فرهاد ۲۰۲
 بهرامی، محمدکاظم ۳، ۵۵، ۵۶
 بهزادی، مصطفی ۲۰
 بهشتی، سید محمد ۱۷۵
 بیت عبدالله، سجاد ۱۹۶، ۲۴۷
 پارسی‌پور، شهرنوش ۱۳۷، ۱۳۸
 پالیزدار، عباس ۲۹۹
 پاینده، مهران ۱۵۷
 پگاه ۱۸۱
 پگاه، تهمنینه ۱۳۹
 پناهی، جعفر ۶۴
 پوراندرجانی، رامین ۳۰۵
 پورزند، سیامک ۲۲۱، ۲۹۹
 پورجعفر، امیرحسین ۲۵۹، ۲۸۱
 پورمحمد، بهروز ۲۷۵
 پورمحمدی، مصطفی ۳، ۳۱، ۵۷، ۵۸، ۵۹،
 ۶۰، ۶۱، ۱۳۲، ۱۷۶، ۳۲۳، ۳۸۴
 پورموسوی ۳۳۴
 پوینده، محمدجعفر ۶۱، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۲۴
 پهلوی، رضا ۲۰۸
 پیرعباسی، یحیی (عباس) ۳، ۶۲، ۶۴
 پیغان، علیرضا ۴۷

- جوادی‌فر، امیر ۱۸، ۱۱۹، ۱۲۸، ۲۹۰، ۳۰۴
 جوانی، یدالله ۳، ۹۱، ۹۲، ۹۳
 جوکار، محمد صالح ۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶
 چایانی، سلمان ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۴۷، ۲۴۸
 چیشات، علی ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۴۷، ۲۴۸
 چهارمحالی، علی ۳، ۹۷
 حاج‌آقایی، محمدعلی ۲۷۹، ۳۲۹
 حاج احمد ۱۴۲
 حاج مهربان ۵۳
 حاجی‌زاده، سهیلا ۱۴۳
 حامی‌فر، تامی ۲۲۲
 حبیبی، محمدرضا ۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶
 حجازی (حسین‌زاده حجازی)، سید محمد
 ۳، ۱۰۷، ۱۰۸، ۳۶۹
 حر، حنان ۳۹۶
 حسامی، فاران ۳۵۱
 حسین‌پناهی، انور ۴۲
 حسین‌زاده ابوجسی، محمد ۳، ۴۷، ۱۰۷
 ۱۰۸
 حسینی ۲۲۴
 حسینی مطلق، بهرام ۳، ۱۰۹، ۱۱۰
 حضرتی، الیاس ۳۴۶
 حقار، نیما ۳۲۸
 حملبر، رحیم ۴۰
 حمید ۵۱
 حیاتی، طاهره ۱۱۳
 حیدری، وحید ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۶۷، ۲۶۸
 ۳۳۹
 حیدریان ۲۴۷، ۲۷۹، ۳۴۷
 حیدریان، طاها ۱۹۶
 حیدریان، طه (علی) ۲۷۹
 حیدریان، عباس ۲۷۹
- پیمانی، مهران ۳۵۵
 تابنده، نورعلی ۱۷۲
 تبیانیان، پویا ۲۵۰
 تراب‌پور، مجید ۳، ۶۶، ۶۷، ۶۸
 تراب‌پور، خلیل ۶۸
 تسلیمی، پیام ۳۵۵
 تشکر، رزیتا ۳۹۵
 تشکر، فائزه ۳۵۵
 تفضلی، احمد ۱۲۴
 تقوا، ساسان ۳۵۴
 تمدن، مرتضی ۳، ۷۰، ۷۱، ۷۲
 توده روستا، مینا ۱۴۲
 تورگ (تورک)، مرتضی ۳، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶
 توقیر، افسانه ۳۸، ۴۰
 توکلی، بهروز ۱۲۶، ۳۲۶، ۳۵۰
 توکلی، مجید ۳۳۰
 تیزفهم، وحید ۱۲۶، ۳۲۶، ۳۵۰
 ثابت، رها ۳۵۴، ۳۵۵
 ثابت، مهوش ۱۲۶، ۳۲۶، ۳۵۰
 ثلاث، محمد ۱۷۲، ۲۰۹، ۳۴۲
 ثنایی، فرهنگ ۳۲۷
 جابری، سام ۳۵۵
 جزایری، شهرام ۲۲۱
 جعفری تهرانی ۳۰۵
 جعفری، اسدالله ۳، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱
 جعفری، رضا ۳، ۸، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۷
 جعفری دولت‌آبادی، عباس ۲۱۳
 جلالی، کاظم ۲۸۹
 جلالی‌فر، سعید ۱۸۳
 جلیلی، رسول ۳، ۸۸، ۸۹، ۹۰
 جمالی، ابراهیم ۵۳
 جنتی، احمد ۱۱۳

- خندان، رضا ۲۴۴
 خوان یغما، فاران ۸۰
 خوش‌ذوق، محمد ۲۷۵، ۳۶۴، ۳۶۶
 خوشوقت، محمدحسین ۳۰۱
 دائمی، آتنا ۹۷، ۲۹۵، ۲۹۶
 داداشی، روح‌الله ۲۸۱
 دادگر، حسین ۳۳۵
 داوران، حبیب‌الله ۲۰۲
 داورى، علی (باقر) ۲۷۵
 دیات، احمد ۱۹۶، ۲۴۷
 درفشان، پیام ۳۴۴
 دری نجف‌آبادی، قربانعلی ۶۱، ۱۲۱، ۱۲۳،
 ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹
 دلارام، فرزاد ۱۸۹
 دلاور، بهروز، حسن و حسین ۲۷۵
 دلفی، سکینه ۲۱۶
 دلیرثانی، امیرخسرو ۳۵۱
 دوانی، پیروز ۱۲۳
 دوروف، پاول ۱۳
 دوکوهکی، پرستو ۱۹۶، ۲۴۷
 دولتی، هوتن ۱۸۳
 دهقان، ژینا ۳۵۵
 دهقان، سعید ۳۵۵
 دهقان، نیما ۳۵۵
 دهقانی، جمشید ۱۹۶
 دهقانی، جهانگیر ۱۹۶
 دهقانی، شهاب ۳۲۸
 رئوف، دیدار ۳۲۹
 رئوفی، مهناز ۳۲۰
 رئیس‌ی، روح‌الله ۱۵۰
- حیدریان، علی ۲۷۹
 حیدریان، ناصر (عبدالرحمان) ۲۷۹
 حیدری‌فر، علی‌اکبر ۱۸، ۱۱۹، ۲۹۰، ۳۰
 خاتمی، محمد ۶۱، ۱۶۴، ۲۲۱، ۲۹۸
 خادم دستیار، نوشین ۳۲۸
 خامنه‌ای، سید علی ۳، ۸۸، ۸۹، ۱۱۱،
 ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱،
 ۱۲۲، ۱۳۱، ۱۴۶، ۱۶۸، ۲۰۲، ۲۰۷،
 ۲۲۰، ۲۴۲، ۲۶۴، ۲۷۸، ۲۹۳، ۲۹۸،
 ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۶۹، ۳۷۰،
 ۳۸۵
 خانجانی، جمال‌الدین ۱۲۶، ۳۲۶، ۳۵۰
 خانجانی، فواد ۳۲۸، ۳۵۰
 خانجانی، لوا ۳۵۰
 خانجانی، نوید ۶۳
 خانی (پاسدار) ۳۲۴
 خداینده‌لویی، محمد ۳۲۲
 خدنگ، معصومه ۱۵۰
 خراسانی، مرضیه ۶۷
 خزعلی، ابوالقاسم ۱۵۷
 خسروانی، نازنین ۶۴
 خسروی، غلامرضا ۶۴
 خسروی، وریا ۴۵
 خشنود، جمال ۳۲۲
 خلفی، علی ۱۷۸
 خلقتی، سمکو ۱۹۶، ۲۴۷
 خلوصی، واحد ۲۱۸، ۳۲۸
 خمینی، احمد ۱۵۰
 خمینی، روح‌الله ۱۵، ۲۰، ۳۰، ۴۹، ۵۳،
 ۵۹، ۶۸، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۵۰،
 ۱۵۱، ۱۷۵، ۱۷۶، ۲۱۵، ۲۴۱، ۳۲۳،
 ۳۸۵، ۳۸۴، ۳۸۳، ۳۶۶، ۳۵۹

- رئیس، سید ابراهیم ۳، ۵، ۳۱، ۵۹، ۱۷۴،
 ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۳۲۳،
 ۳۸۴
- راضی، سعید ۱۲۶، ۳۲۶، ۳۵۰،
 رضایی، علی ۱۵۰
- راضی، محسن (رضایی میرقائد)، (سبزوار)
 ۳، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵،
 ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۳۰۴، ۳۱۹
- راضی، علی ۳، ۱۵۹، ۱۶۰، ۲۸۱،
 رضوانی، عطاالله ۲۴، ۲۵، ۳۴، ۳۵، ۳۶،
 ۳۷۵، ۳۷۶
- رضوانی، غلامعلی ۳، ۱۶۱، ۱۶۲،
 رضوانی، کوروش ۳۶،
 رضوی، میترا ۱۴۰
- رفیع‌زاده، شهرام ۱۶۴، ۱۶۵، ۳۰۲، ۳۰۳،
 رفیق‌دوست، محسن ۳۵۷
- رمضانی، غلامحسین ۳، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۶،
 ۲۹۹
- رنجبر، طاهر ۲۰
- روح‌الامینی، محسن ۱۸، ۱۱۹، ۱۲۸، ۲۹۰،
 ۳۰۴، ۳۰۸
- روحانی، حسن ۳، ۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰،
 ۱۷۱، ۱۷۲، ۲۴۴، ۲۹۶
- روحی، هاله ۳۵۴
- روحی‌نژاد، حامد ۳۲۹
- روشن، علیرضا ۲۹۶
- رونقی‌ملکی، حسین ۶۳
- رهبر، فرهاد ۱۸۰
- رهنورد، زهرا ۱۳۴، ۱۷۸، ۱۸۶،
 ریاحی (مادر) ۳۶۰
- ریاحی، نعمت‌الله ۲۹۶
- ری‌شهری (محمدی‌نیک)، محمد ۱۵۷
- زارع دهنوی (حداد)، حسن ۱۸، ۱۱۹، ۲۹۰،
 ۳۰۷
- زارعی، اصغر ۳، ۱۸۰
- رئیس، سید ابراهیم ۳، ۵، ۳۱، ۵۹، ۱۷۴،
 ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۳۲۳،
 ۳۸۴
- رابرتسون، جفری ۱۶، ۲۲، ۳۲، ۶۰، ۶۸،
 ۱۱۵، ۱۷۶، ۲۱۷، ۳۲۵، ۳۶۲، ۳۸۵
- راجی، محمد ۳۴۱
- راحی‌پور، راحله ۱۷۳
- رازینی، علی ۳، ۵۸، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲،
 ۱۳۳، ۱۳۴
- راسخی، بختیار ۳۹۸
- راسخی، روزین ۳۹۸
- راسخی، فرین ۳۹۸
- راشدی، هادی ۱۹۶، ۲۴۷، ۲۵۸
- ربانی، محسن ۱۵۷
- رجوی، کاظم ۶۱
- رحمانی، داوود ۳، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۰،
 ۱۴۳
- رحمانیان، ابراهیم ۵۲
- رحمانی‌پور، آرش ۱۷۷
- رحمانی‌فضلی، عبدالرضا ۳، ۱۴۵، ۱۴۶،
 ۱۴۷
- رحمت‌پناه، ایمان ۳۵۵
- رحمت‌پناه، عدنان ۱۸۸
- رحیم صفوی، یحیی ۲۲۲
- رحیمی، حسین
- رحیمی، علیرضا ۹۸، ۲۸۷، ۳۳۸، ۳۳۹
- رحیمی، کامران ۴۵
- رحیمیان، کامران ۳۵۱
- رسولی، مرضیه ۱۹۶، ۲۴۷
- رضایی، احمد ۱۵۰
- رضایی، امیدوار ۱۵۱
- رضایی، سارا ۱۵۰

- زارعی، محمدابراهیم ۲۴۰
 زاکانی، علیرضا ۳۰۵
 زال‌زاده، ابراهیم ۱۲۴
 زرگر ۱۰۲
 زرگر یزدی ۱۰۶
 زرین‌کوب، عبدالحسین ۲۰۳
 زلفی، فرزانه ۱۴۲، ۱۴۱، ۱۳۸
 زمانی، شاهرخ ۱۸۳
 زنجانی، بابک ۷۳
 زنجیره‌ای، محمدعلی ۳، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴
 زبیری، کوروش ۳۲۷
 زیبایی، رامین ۳۲۸
 زیبایی‌نژاد، محمد حسین (حسین نژاد) ۳، ۱۸۵
 زیدآبادی، احمد ۳۵۲
 زینالی، سعید ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۲۲
 ساجدیان، عابدین (احمد) ۳۶۴
 ساداتی، سید محمود ۳، ۱۸۸، ۱۸۹
 ساریخانی، سینا ۳۵۵
 سازگارا، محسن ۱۵۰، ۱۵۳
 سالارکیا، محمود ۳، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴
 سامی، شهین ۳۶۶، ۳۶۷
 سبتو، سیما ۳۵۵
 سبحانی، ریاض ۳۲۸
 سبحانی، سپهر ۲۵۱
 ستوده، نسرین ۶۳، ۹۸، ۲۴۴، ۲۸۷
 سبحایی، عزت‌الله ۲۰۳، ۲۰۴
 سراج، رضا ۲۱۳
 سرافراز، محمد ۳، ۷، ۸، ۹، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۴۷، ۲۴۹، ۱۹۸، ۱۹۹
 سرحدی (مادر) ۳۶۰
 سروش، عبدالکریم ۱۱۳، ۲۰۷
 سعیدی سیرجانی، علی‌اکبر ۱۱۷، ۲۰۳، ۲۰۴
 سلحشوری، پروانه ۲۴۲
 سلطانی، عبدالفتاح ۶۳، ۱۸۳
 سلیمان‌پور، هادی ۱۵۷
 سلیمانی، سهراب ۳، ۲۰۰، ۲۰۱
 سلیمانی، قاسم ۵۳
 سلیمی ۱۳۰، ۱۷۴
 سمندری، عزیزالله ۳۲۸
 سنایی، عنایت‌الله ۸۰
 سیدامامی، کاووس ۳۴۳، ۳۴۴
 سی‌سختی، حسن ۸۵، ۱۶۷
 سیف‌اللهی، رضا ۱۵۷
 سیف‌زاده، محمد ۳۰۱، ۳۵۲
 شاهسوندی، نغمه ۳۳۰
 شاه‌مرادی، حسین ۲۲۴، ۳۴۸
 شرفکندی، صادق ۶۱، ۱۱۷
 شریعتمداری، حسین ۳، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۵
 ۲۰۸، ۲۰۷
 شریعتمداری، محمد ۳۸۳، ۳۸۵
 شریعتمداری، مریم ۲۰۹
 شریف، رمضان ۲۵۳
 شریف، مجید ۶۱، ۱۱۷
 شریفی، ابراهیم ۱۷۸
 شریفی، علی ۲۷۹
 شعبانی، هاشم ۱۹۶، ۲۴۷، ۲۵۸
 شفق، سنجر و جعفر ۲۷۵
 شکوری‌راد، علی ۲۳۵
 شهیدی، ایقان ۳۲۸، ۳۵۱
 شیخ‌نیا، صولت ۵۱، ۵۲، ۶۶، ۶۸
 شیدا، بهروز ۲۷۵

- شیرانی، شینا ۲۴۸
 شیرزادی، نیلوفر ۱۴۳، ۱۴۰
 شیرری، ستار ۱۰۲
 صابر، هدی ۱۸۳، ۱۸۲، ۷۷
 صادق‌زاده، دلارام ۳۷۹
 صادقی، صفیه ۴۴، ۴۲
 صادقی، محمد ۳، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴
 صادقی، محمود ۲۸۷، ۹۹، ۹۸
 صانعی، حسن ۳۸۵
 صدر، شادی ۹، ۵۱، ۶۴
 صدری، سیامک ۳۲۷
 صدیقی، فرهاد ۳۲۸
 صدیقی، کاظم ۳۳۵
 صرامی ۲۲، ۲۱۵، ۲۱۶
 صرامی، رضا ۳، ۲۱۵
 صلواتی، ابوالقاسم ۳۵۱
 صنوبر، فریدون ۲۷۵
 ضابطی، علی‌اصغر ۱۳۴
 ضیائی، غلامرضا ۳، ۲۱۸، ۲۱۹
 طائب، حسین ۳، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳
 ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷
 طائف، شاهرخ ۳۲۸
 طالبی، عصمت ۳۵۹، ۳۶۰
 طاووسی، فرانک ۳۶۷
 طاهری، محمدعلی ۶۴
 طباطبایی، سید جلال ۳، ۲۲۸، ۲۲۹
 طباطبایی، عبدالحسین ۱۵۰
 طباطبایی، مرتضی و صادق ۱۵۰
 طباطبایی، هدی ۱۵۰
 طفاح، حسن ۲۱۹
 طلا، حسین ۳، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳
- عابدین، بحرین ۲۷۵
 عابدینی، سعید ۶۳، ۲۱۹
 عابدینی نصر، ابوالفضل ۷۴
 عارف (دکتر) ۱۵۳
 عارف، پیمان ۳۵۱
 عارفی، پیمان ۶۴
 عالیخانی ۱۲۴
 عبادی، شیرین ۳۲۹
 عباسقلی‌زاده، محبوبه ۳۰۲
 عباس‌زاده مشکینی، محمود ۴، ۲۳۵، ۲۳۶
 عباسی، غازی ۲۵۸، ۲۵۹
 عبدالعلی‌نژاد، فاطمه ۶۷، ۶۸
 عبداللهی ۱۰۸، ۳۶۷
 عبدی، عباس ۲۲۱
 عرب‌گل، بهزاد ۱۸۳
 عریانی، علیرضا ۲۷۵
 عزیزمحمدی (حاج‌محمدی)، نورالله (عزیز)
 ۳، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲
 عزیزی، کیومرث ۴، ۲۳۷
 عزیزیان، حسن ۲۷۵
 عسگری، عبدالعلی ۴، ۸، ۲۳۹
 عطائیان، مسعود ۸۰
 علیزاده، پروانه ۱۳۹، ۱۴۱
 علیزاده، فرشته ۲۲۲
 علیزاده، مهدی ۸۵، ۱۶۷
 elasوند (دلا)، ابراهیم ۲۲، ۲۱۶
 علایی، دیان ۲۰۸
 علایی، رشید ۱۳۴
 علم‌هولی، شیرین ۲۷۹
 علوی، سید محمد ۲۷۵
 علوی، سید محمود ۴، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۴
 علی‌زمانی، محمدرضا ۱۷۷

- علی شناس، امید ۳۳۰
 علی نژاد، مسیح ۱۹۲
 عمادی، حمیدرضا ۴، ۸، ۱۹۸، ۲۴۶، ۲۴۸،
 ۲۴۹
 عمادی، مژگان ۳۵۵
 عموری، محمدعلی ۲۵۸
 عین‌الکمالی، محمدقاسم ۴، ۲۵۰
 غضنفرپور، علیرضا ۳۲۴
 غفوری، حمید ۵۱
 غلام تمیمی، جواد ۱۶۴، ۳۰۲، ۳۰۳
 غیب‌پرور، غلامحسین ۴، ۲۵۲، ۲۵۳
 فاضلیان، احمد ۴، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶
 فتاحیان، احسان ۴۲، ۴۳
 فتحی شورباریکی، عبدالله و محمد ۱۰۴
 فراهانی، الهام ۳۲۸
 فراهانی، شمیم ۳۲۸
 فرج‌اللهی، رضا ۴، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹
 فرخزاد، فریدون ۶۱، ۱۱۷
 فروهر، پرستو ۱۲۳
 فروهر، داریوش ۶۱، ۱۱۷
 فرهادی، علی ۴، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲
 فریده ۶۷
 فلاح، مؤده ۳۵۵
 فلاح، نورا ۳۵۵
 فلاحیان، علی ۱۵۷، ۲۰۴، ۲۲۰
 فنائیان، انیسا ۲۵۱
 فنائیان، ژینوس ۳۵۵
 فنائیان، عادل ۲۵۱
 فهندژ، فرهاد ۳۲۷
 فهندژ، فوآد ۳۲۷
 فهندژ سعدی، یکتا ۱۸۹
- فیروزآبادی، سید حسن ۴، ۲۶۳، ۲۶۴،
 ۲۶۵، ۲۶۶
 قادرزاده، سجاد ۴۰
 قاسملو، عبدالرحمان ۶۱، ۱۱۷
 قاسمی، عباس ۴، ۲۳۸، ۲۶۷، ۲۶۸
 قاضی، فرشته ۱۲۳، ۲۳۲، ۳۰۲
 قاضی‌پور، میرنقی ۳۹۵
 قدیانی، ابوالفضل ۲۳۵
 قربان‌پور، فرشاد ۱۸۳
 قریشی، ستایش ۲۵۹، ۲۸۱
 قزاقی، جمال ۱۹۶، ۲۴۷
 قنبری، سینا ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۲۸۶، ۲۸۷،
 ۳۳۸، ۳۳۹
 قنبری، عبدالرضا ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳
 قنبری، محسن ۲۵۶
 قهرمانی، رامین ۱۲۸، ۲۹۰
 قهرمانی، سارو ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۳
 قهرمانی، محمد ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۳
 کاشانی، کمال ۳۲۷
 کاظمی، تورج ۴، ۲۶۹، ۲۷۰
 کاظمی، جعفر ۲۷۹، ۳۲۹
 کاظمی، حمیدرضا ۲۸، ۳۳۲
 کاظمی، (زیبا) زهرا ۱۲۴، ۱۲۵، ۲۹۹،
 ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲
 کامرانی، محمد ۱۸، ۱۱۹، ۱۲۸، ۲۹۰،
 ۳۰۴
 کدیور، محسن ۲۰۷
 کری، جان ۶۳
 کروی، مهدی ۷۱، ۱۳۴، ۱۶۵، ۱۷۸، ۱۸۶،
 ۲۲۴، ۲۲۵، ۳۸۵
 کریمی ۳۸۳
 کمال‌آبادی، فریبا ۱۲۶، ۳۲۶، ۳۵۰

- کمالی، ماندانا ۳۵۵
 کمالیان، بهروز ۴، ۲۷۱، ۲۷۳
 کمانگر، توبا ۱۵۴، ۱۵۶
 کمانگر، فرزاد ۲۷۹
 کوثری، اسماعیل ۲۵۳
 کوچک‌زاده ۳۶۹
 کوشا، ابوطالب ۴، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷
 کوبی، امید ۳۵۱
 گلپری‌پور، حبیب‌الله ۲۷۹
 گلرو، مهدیه ۱۸۲، ۳۳۰، ۳۵۱
 گلشیری، هوشنگ ۲۰۳
 گُلُو ۵۰، ۵۱
 گلی، یاسر ۴۲، ۴
 گنجی ۲۰۷
 گوبلی، اکبر ۴۵
 لاجوردی، اسدالله ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۶
 ۱۳۷
 لاریجانی، صادق ۴، ۱۶۶، ۲۶۱، ۲۷۸
 ۲۸۱، ۲۸۰، ۲۷۹
 لاریجانی، محمدجواد ۳۲۷
 لاگر، میترا ۵۱
 لاهیجی، عبدالکریم ۱۲۴
 لشکری، داوود ۳۲۴
 لطف‌الله‌پور، لطف‌الله ۴۳، ۴۴
 لطیفی، حبیب‌الله ۴۲، ۴۳
 لطیفی، نوراحمد ۴، ۲۸۴، ۲۸۵
 لواسانی، محمدحسین ۳۶۰
 ماجدی، عبدالحسین ۲۷۵
 مالکی، فداحسین ۲۹۷
 میشر، بابک ۳۵۰
 مبینی، مریم ۳۴۴
 منکی، منوچهر ۳۶۰
- متین‌پور، سعید ۱۸۳
 مجاوریان، ماندانا و میترا ۵۸، ۱۳۲
 مجدمی، عبدالامیر ۲۵۸
 محیوبی، سارا ۸۰
 محبی، مصطفی ۴، ۹۸، ۲۸۶
 محسنی اژهای، غلامحسین ۱۲۶، ۱۷۸
 ۱۹۲، ۳۰۹
 محصولی، صادق ۴، ۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰
 محلاتی، محمد جعفر ۳۶۰
 محمدنجار، مصطفی ۴، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴
 محمدی، اکبر ۲۲۲
 محمدی، مجید ۲۰۷
 محمدی، مهدی ۴، ۲۹۵، ۲۹۶
 محمدی، نرگس ۶۳
 محمدی آشتیانی، سکینه ۳۸، ۳۹، ۴۰
 ۱۹۶، ۲۴۷
 محمدیان، محمدرضا ۲۷۵
 محمدی گیلانی ۳۲۲
 محمدی‌نیا ۲۱۰
 محمودی، وحید ۳۲۸
 مختاری، محمد ۶۱، ۱۱۷، ۱۲۳
 مرادی، زانیار و لقمان ۱۹۶، ۲۴۷
 مرادی، سپیده ۲۹۶
 مرتضایی، کامران ۳۲۸
 مرتضوی، سعید ۴، ۶، ۱۷، ۸۳، ۱۱۹، ۲۹۰
 ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۳
 ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰
 مرتضوی باباحیدری، سید صولت ۴، ۳۱۲
 مرکزی، پیام ۳۲۷
 مروج، سید محمد ۳۲۴
 مزروعی، حنیف ۳۰۲
 مشکانی فراهانی، وحید ۲۵۶

- مصباحی، ابوالقاسم ۱۵۷
 مصطفایی، محمد ۳۲۳
 مصطفوی، زهرا ۱۵۰
 مصلحی، حیدر ۴، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵
 مطلبی، سیما ۵۸، ۱۳۲
 مطلبی، سهیلا ۸۰
 مطلبی، سینا ۲۰۲
 مطیعی، محمد ۱۵
 معارفی، شیرکو ۲۷۹
 معروفی، عباس ۲۰۷
 معتمدی، مهناز ۱۱۳
 معصوم‌بیگی، مهدی ۴، ۳۱۶
 معصومی، ابراهیم ۲۷۵
 معمار نوبری، سیبا ۱۳۶
 معماریان، امید ۱۶۴، ۳۰۲، ۳۰۳
 مقدم، جاسم ۲۵۸
 مقدم‌فر، حمیدرضا ۴، ۳۱۸، ۳۱۹
 مقیسه(ناصریان)، محمد(حاج ناصر) ۴،
 ۲۵۶، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸
 ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۵۰، ۳۵۱
 مقیمی فیروزآباد، شایان ۳۹۵
 ملاسلطانی، علیرضا ۱۵۹، ۲۶۱، ۲۸۱
 ملک‌پور، سعید ۸۴، ۸۵، ۱۶۷، ۲۵۷، ۳۲۹
 ملک‌شاهی، محمد ۴، ۳۳۲
 ملکی، مجتبی ۴، ۳۳۳، ۳۳۴
 منتظری، احمد ۱۷۹
 منتظری، حسین‌علی ۳۱، ۵۹، ۱۷۶، ۱۷۹،
 ۳۸۴
 منتظری، محمدجعفر ۴، ۹۸، ۲۸۶، ۲۸۷،
 ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۴۱
 ۳۴۲، ۳۴۳
 منصور، غلامرضا ۴، ۳۴۵، ۳۴۶
- موید عابدی، حسین ۴، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵،
 ۳۶۶، ۳۶۷
 موالی‌زاده، سید محمدرضا ۴، ۳۴۷، ۳۴۸
 موحدی آزاد، محمد ۴، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱،
 ۳۵۲
 موسوی، احمد ۲۷۶، ۳۶۶، ۳۶۷
 موسوی، ترانه ۱۶۶، ۲۲۳، ۲۲۵
 موسوی، خالد ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۴۷، ۲۴۸
 موسوی، سید نظام‌الدین
 موسوی، محمدعلی ۳۶۱
 موسوی، محمدمهدی ۸۴
 موسوی، مهدی ۸۴، ۳۳۰
 موسوی، میرحسین ۴، ۵، ۷۱، ۱۳۴، ۱۷۸،
 ۱۸۶، ۲۱۳، ۲۳۶، ۳۰۴، ۳۵۷، ۳۵۸
 ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲
 موسوی اردبیلی ۵۳
 موسوی تبار، سید رضا ۴، ۸، ۳۵۳، ۳۵۶
 موسوی رحیمی، پژمان(روح‌الله) ۷۵
 مهاجرانی ۴۹، ۲۰۷
 مه‌آفرید ۷۳
 مهدوی، حسن ۳۹۵
 مهدی‌زادگان، اصغر ۳۲۳، ۳۲۵
 مهدیه ۱۵۰
 مهرداد ۲۱۶
 میرآفتاب، شعاعیه ۳۸۶
 میرحجازی، سید علی‌اصغر ۴، ۳۶۹
 میرزاصالح، غلامحسین ۲۰۳
 میرزا گلپور، وجیه‌الله ۸۰
 میرزایی، کریم ۲۵، ۳۵
 میرعلائی، احمد ۱۱۷
 میرمجید، طاهری ۳۰۹
 میمنه، نصرالله ۵۳

- ناصری، سیروس ۳۶۰
 نبوی، خدیجه ۲۵۱
 نبوی، ضیا ۶۳، ۳۵۱
 نجات ← (زیبایی نژاد)، (محمدحسین)
 حسین
 نجاتی کارگر، احمد ۱۲۸، ۲۹۰
 نجفی، حکم علی ۴، ۳۷۱
 نجفی، محمد ۲۳۸، ۲۶۸، ۳۳۹
 نجفی، محمدعلی ۴، ۳۷۳
 ندرخانی، یوسف ۱۶۲
 نریمان، روحیه ۱۸۹
 نریمسا، اسماعیل ۱۱۴، ۱۱۵
 نصیری (سردار) ۱۰۹
 نظرآهاری، شیوا ۶۴
 نعیم آبادی، غلامعلی ۴، ۳۷۵، ۳۷۶
 نعیمائی ۳۸۰
 نعیمی، عادل ۳۲۶
 نعیمی، عقیف ۱۲۶، ۳۲۶، ۳۵۰
 نعیمی، فرحناز ۳۹۸
 نقابی، اکرم ۱۹۱، ۱۹۲
 نقدی، محمدرضا ۱۹۲
 نوربخش، سید مرتضی ۴، ۳۷۷
 نوروزی، طاهره ۳۵۵
 نوری، ابراهیم ۹۷
 نوری، عبدالله ۳۶۰
 نوری، فرهاد ۳۴۰
 نیانی، علی ۲۷۵
 نیری، حسین علی ۴، ۳۱، ۵۹، ۱۷۶، ۳۲۳،
 ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶
 نیک آئین، زهره ۲۵۱
 نیکبخت، حسن ۴، ۳۸۲
 نیلی، میثم ۴، ۳۸۷، ۳۸۸
- واحدی، مریم (فخری) ۳۶۷
 وحیدی، احمد ۱۵۷
 وزیری، شهروز ۱۶۷
 وطن دوست، شایسته ۲۷۶، ۳۶۴، ۳۶۵،
 ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸
 وکیلی، فرهاد ۲۷۹
 ولایتی، علی اکبر ۱۵۷
 ولایتی (معاذاللهی)، مسعود ۴، ۳۹۷، ۳۹۸
 هائی نجف آبادی، عزت ۳۲، ۳۳
 هادوی، محمدامین ۱۸۳، ۳۵۱
 هاشم پور، احمدرضا ۸۵، ۱۶۷
 هاشمی، فائزه ۳۷۶
 هاشمی، محسن ۱۵۷
 هاشمی، مهدی ۱۳۳، ۳۲۲
 هاشمیان، هادی ۴، ۳۹۱، ۳۹۲
 هاشمی رفسنجانی، اکبر ۱۱۲، ۱۵۳، ۱۵۷،
 ۱۵۸، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۲۴، ۲۹۳
 هاشمی شاهرودی ۲۹۹، ۳۳۵
 هاشمی گلپایگانی، سید محمدرضا ۴،
 ۳۹۳، ۳۹۴
 هاشمی مقدم، سعید ۱۷۳، ۲۴۵
 هدایت، اصغر ۲۸، ۳۱۶، ۳۸۲
 هدایت، بهاره ۱۸۲، ۳۳۰، ۳۵۱
 همدانی ۱۰۷
 هنری، منوچهر ۵۲
 هوتن کیان، جاوید ۳۸، ۳۹، ۴۰
 یازرلو، هانی ۶۴
 یداللهی، شکوفه ۲۹۶
 یزدانی، فرهود ۱۸۹
 یوسفزاده، مهناز ۲۷۶، ۳۶۵
 یوسفی اشکور، حسن ۱۳۴
 یونسی ۳۴۹

Justice
for Iran
عدالت برای ایران



9 783981 974713